

قیمت اراضی در منطقه طرف ضرورت در سال جاری از طرف وزارت صحیه پرداخته شده راجع به صالح تعمیری این جذام خنه از حالا اقدامات جدی بسلسله مقام محترم ولايت کابل روی دست شعبات ذی علاقه میباشد، نقشه تعمیری آن نیز در شر ف تکمیل است که امید است به مددخدای پاک اعمار این جذام خانه نیز در سال آتی شروع خواهد گردید، ضمناً اشاره میشود که برای آپنان و قایم غیر مترقبه که در اثر معاینات برخی دکتوران کدام نفر جذامي در شهر کابل به نظر بر خورد وزارت صحیه طور موقتی یک قلعه را در حصة بتخاک برای رهایش تحریک این قبیل جذامی ها تحت نظر قرارداده است که حين تصادف با این قیل اشخاص در قلعه بتخاک تحت کنترول گرفته شده بصورت مجاني حفاظه واعشه کرده خواهند شد.

#### افتتاح شفاخانه ملکی مشرقی :-

شفاخانه ملکی مشرقی که اساس اعمار آن قبله گذاشته شده و اخیراً با مساعی شعبه مربوطه وزارت فوائد عامه اختتام می یابد بر فرست در چریان سال ۱۳۲۴ افتتاح و دوائر و لوازم شفاخانه از اعمارات سابقه بعمارت نوین مستقل و مورد استفاده قرار گرفته است - این شفاخانه دارای هر نوع لوازم عصری یک شفاخانه لا یتی بوده و از هر جیت طرف استفاده ولايت مشرفی قرار گرفته میتواند.

#### افتتاح شفاخانهای حکومات اعلای فراموشان :-

چون برطبق پلانهای اساسی که وزارت فوائد عامه مد نظر دارد متدرج به تعمیر و انشاء شهرهای جدید مطابق مقررات صحی و بلدي خواهند پرداخت، بنابر آن اعمار شفاخانهای عصری - به برای اهالی ملکی این دو منطقه لازم بود موکول وبکار افتادن نقشه های وزارت فوائد عامه گردیده و عجالتاً جهت بهتری اوضاع سابق عمارت شفاخانه های ملکی فراه و بد خشان ورفع ضرور تهای فعلی که به انشاء دوشفاخانه فوق دیده میشود حسب مفاهمه که بین وزارت صحیه و عالیقدر ان صداقتمابان حاکم اعلی فراه و حاکم اعلی بد خشان بعمل آمد حکام اعلی این دو منطقه و اداره ساخته شدند، تاکثیک موضوع مناسبی راجه انشاء شفاخانه ها سکه حاضر احتياجات منطقه فراه و بد خشان را تکمیل کردند، بتواند تعین و پس از موافقة وزارت صحیه به تعمیر آن مبادرت نماینده ها نست که مقدمات این کار قبله بر جیده شده و اخیراً (در ظرف ۱۳۲۴) هر دو شفاخانه که دارای پولی کلینیک و کلینیک ها یعنی دارای معاینه خانه یومی و بستن میباشد افتتاح و از مراجعین و مریضان استقبال مینمایند.

### منع اسقاط جنین :-

موضوع اسقاط جنین که بدون مراعات نمودن قوانین طبی صورت داده شود اساساً بحکم شریعت منوع و مانند سائر ممالک در افغانستان نیز یک جنایت تلقی شده و به مرتكبین اسقاط سخت ترین مجازاتی تعیین و تطبیق می‌گردد، اگرچه وزارت صحیه از ابتدا درباره این کیفیت اقدامات نموده و بوسیله مکاتیب و دو تورات جدا گانه اجرای این کار را منع فرار داده و همیشه مراقبت خود را در اطراف آن معطوف میداشت ولی برای اینکه منع عملیه اسقاط جز در مواد دیگه فن طبابت جواز داده است (تأثیر اجرآت سابقه) صورت یک مصوبه فنی داشته و بعداً در جزو اصولات مملکتی به حیث یک ماده واحده جا گرفته باشد موضوع در مجلس فنی مقام وزارت صحیه مورد بحث قرار گرفت و بعد به ملاحظه و تائید مقام وزارت نیز رسانیده شد، برای اینکه جمیع منسوبيں طب بارديگر از مقررات منع اسقاط جنین مطلع بوده و خوانندگان نیز از آن اطلاعی به مرسانیده باشند ذیلاً به درج مصوبه این مجلس پرداخته میشود:-

« نقط جنین یعنی آورتمان (Ovorement) را وزارت صحیه بصورت قطع منوع فرار داده و هیچ یک از منسوبيں فن طبابت به استثنای وقایع و حالات ذیل به این کار مبادرت کرده نمی‌تواند؛ در موقع و حالاتیکه حامله گئی اسباب اتفاف شخصی را فرامعم کرده و یا به اساس تصویب و تصدیق دکتور واقعه حمل به سلامتی خانم نقصان و خرابی تولید کشند درین قبيل و قایع یک‌نفر دکتور متخصص این فن حسب آتنی به اسقاط جنین و یا کورتاژ اقدام کرده میتواند.

اول : - دکتور معالج بعداز آنکه میقین گردید که تداوی حامله جن باعملیه کورتاژ صورت ندارد باید برای تائید و اجرای این کورتاژ تصدیق دو نفر دکتور دیگر و یک‌نفر متخصص جراحی را بدست آرد .

دوم : در ورقه که از طرف دکتوران عملیه کورتاژ تصدیق میشود باید علای اساسی اسقاط جنین توضیح داده شود .

سوم : عملیه کورتاژ بایستی طورهای شفاهانهای مستورات صورت گیرد و اگر از حیث وضعیت صحیه مريض برای بردن او به شفاخانه مشکل باشد و دکتور معالج هم تائید کند که کورتاژ درخانه اجرا شود درینصورت تمام مستويات های دسيسي و انتي سپسي بهده دکتور کورتاژ کشنده بوده به اجرای کورتاژ درخانه بصورت استثنائي پرداخته میتوانند

چهارم : بعد ازینکه اقارب و یا اختیار دار خانم حامله تصدیق اجرای آورتمان را به امضای سه نفر دکتور حاصل نمود، آنگاه ورقه تصدیق را به شعبه صلاحیت دار وزارت صحیه حاضر کرده و بعد ملاحظه این شعبه به عملی نمودن آن اقدام کرده میتواند .

## دکابل کالانی

پنجم : در وقایع عاجله که معملی آورتمن و یا کورتاژ اسباب ضرر حامله گردد ، در مخصوص دکتور معالج میتواند پس از حاصل کردن تصدیق دو نفر دکتور طبق (ماده اول) بدون مراعات ماده (۴) به این عملیه اقدام نماید ، دکتوران مصدق باید از عاجل بودن آورتمن و یا کورتاژ در ورقه تذکار نموده بعداً به امضا پردازند -

ششم - سقط اتفاقی که در اثر حواست غیر متربه و یا استقطابی که عمدارخ میدهد دکتور در محل واقعه احضار کرده میشود ، دکتور معالج مکلف است که با رعایت از ماده اول و در نظر گرفتن ماده (۵) به آورتمن و یا کورتاژ قیام کند -

هفتم : اخبار و اطلاع وقایع عاجله و اتفاقی استقطاب جنین متنزه کره ماده ۶ در دوران تداوی بوزار تصحیحه حتمی و ضروریست -

تبصره :

در اضراف استقطاب عمدی باید توسط دکتوران مربوطه این فن مقاالت مفیدی تحریر و وقتاً فوقتاً جهت درج در مجله روغتیا ارسال نموده و در آن زنان حامله را از اضرار این اقدام و عواقب وخیم آن مطلع نمایند -

هشتم : دو دکتورانیکه بدون مراعات این مواد به استقطاب جنین صبادرت نمایند به معجازات شدید محکوم خواهند گردید -

تعیین معجازات این قبیل دکتوران توسط مجلس فنی وزارت صحیه صورت خواهد گرفت مسائل تدقیق و مراقبت های عمدی :

اول : تدقیق ادویه فروشی های مرکزی و سایر ولایات حسب مقررات وزارت صحیه در هر یا نزد روز مانند سالهای گذشته جریان داشته و نواقصی که به ملاحظه رسیده به اساس مقررات متنزه کرده یا توضیح داده شده و یا مورد اختصار و جزا قرار داده شده ، گویا این تدقیق ها مانند سال گذشته در اصلاح ادویه فروشی هاچه در زمینه نظم و نظافت ادویه فروشی ها و چه در خصوص فروش ادویه و غیره آنها رول خوبی را ایفا کرده است -

دوم : از آنجاییکه در سال ۱۳۲۴ نیز از رهگذر جنگ نسبت به تورید ادویه مشکلاتی موجود و قیمت ادویه هم رو به تزئید بود برای جلو گیری از احتکار ادویه فروشی ها و قایم نمودن یک معیار معین جهت فروش ادویه مسئله زیاده تر تحت کنترول قرار گرفته و برای فروش ادویه شرکتهای مرکزی و اطرافی معیار اساسی تعیین گردید -

سوم : در سال ۱۳۲۴ هم با اینکه بحران جنگ در تورید ادویه مشکلات زیادی را پیش کرده مع هذا نسبت به تجاویز یکه از طرف وزارت صحیه اتخاذ گردیده بود با همکاری ریاست دیبا ادویه احتیاجات شفاهانها حتی المقدور تهیه گردیده و مخصوصاً نسبت به تورید کینین از

جایان مانند سال گذشته و تهیه سروم ضد دیفتری و خریداری واکسین ضدحمای لکه دار از امریکا اقدامات معجزی بعمل آمد و نظر به این کنترول و پیش بینی های موقع در جریان سال ۱۳۲۴ در امورات جاریه هیچ شفاخانه بتدشی بوقوع نه پیوست.

چهارم: در اثر بحرانهای که از رهبر جنگ پیدا شد چون شرکت های ادویه فر و شی شهری به تورید نمودن ادویه از خارج حسب مطلوب فوق شده تو استند وزارت صحیه محض رفاه عامه مانند سال گذشته بریاست دیوی عمومی دستور داد تا یک آند ازه ادویه را به اند ویه فروشی های شهری عوض کمبود و ضرورت شان در مقابل قیمت پیردادز تابه اینو سیله از سر گردانی مراجعین واهال جلو گیری بعمل آید.

پنجم: در جریان سال ۱۳۲۴ که برای فروش ادویه پا تنت نسبت صرفه جوئی آن قبودانی وضع شده بود ازین برداشته شده و بریاست دیوی عمومی دستور داده شد که ایشان میتوانند به استثنای ادویه های پاتنت ساخت جرمی باقی ادویه را حسب نخست دکتور بالای مراجعین آزادانه بفروش برسانند.

ششم: در جریان این سال شفاخانه محبس عمومی، سناتوریم، نسو ان شفاخانه حکومتی کلان لوگر تحت تقتیش قرار گرفته و به اشخاصیکه قابل جزا بودند جزا داده شد.

### ادویه فروشی هائیکه در سال ۱۳۲۴ مفتوح شده آند

اول: ادویه فروشی (داحمدشاه بابا درملتون) واقع جاده وزارت پست

دوم: « (بری درملتون) واقع جاده شاهی

سوم: « (زوندون درملتون) در مرکز ولایت مشرقی علاوه ادویه فروشی های فوق که در جریان این سال دائم و بکار آغاز کرده آند اجازه افتتاح سه دوا فروشی دیگر در مرکز کابل و یک ادویه فروشی در حکومت افغان برای اشخاصیکه در خواست داده بودند صادر شده که عنقریب ادویه فروشی های مذکور بحسب مقررات موضوعه بکار آغاز خواهد کرد.

### تحدید ادویه فروشی های شهر کابل:

از آنجائیکه تعداد ادویه فروشی های یک شهر وابسته به کثیرت نفوس آن میباشد یعنی به تراصیر جمعیت یک شهر که در فی چند هزار نفر بایدیک دو افروشی اصابت کند وزارت صحیه

بیز به تأسی همین مقر رات فنی برای نفوس شهر کابل پانزده دوافر و شی رعیتی را مکتغی دانسته و تعداد دوافروشی شهری را بهمین پانزده دوا قروشی محد و دساخت، ولی درینجا باید متند کر گردید که ادویه فروشی های مربوط ریاست دپازین تعداد مستثنی بوده و در موقع ضرورت ریاست دپوی عمومی حسب نظریه وزارت صحیه در برخی نقاط دیگر شهر کابل میتواند به مفتوح نمودن سائز شعب مربوط خویش قیام کند.

### راپورت سالانه صحی منطقی:

در جریان سال ۱۳۲۴ وزارت صحیه تمام مدیریت ها و امور یتهای صحیه مربوطه اطرافی خود را مکلف ساخت تاعلاوه احصائیه های معینه که طبق نمونه های جدا گانه در موقع لازمه آن بوزارت صحیه ارسال میدارند باید یک رایپورت سالانه منطقه مربوطه خود را که شامل معلومات موقعیت شفاخانه کمبود لوازم آن، وضعیت استقبال اهالی از مؤسسات صحیه، پرسونل فنی و کمبود آن، وضعیت های جغرا فیزی و محیطی، آب و هوا، طرز معیشت توده تعداد نفوس منطقه مربوطه بصورت تقریبی، تولدات ووفیات، امراض مخصوص منطقه مربوطه که خواه ساری باشد یا غیر ساری، موجبات و تکثیر سرایت آن، فیصلی امر اض مذکور طور تقریبی، چاره های جلو گیری آن در حال حاضر بعقیده مدیر یا مور صحیه، تقدیم رایپورتها، صورت پیشنهادات مأمورین ذیعلاوه بادلائل معقول و ثابت نسبت پیشرفت امور صحی منطقه مربوط بوزارت صحیه ارسال نماید تا وزارت صحیه از روی این رایپور و صورت پیشنهادات فهمیده بتواند که نواقص صحی آن منطقه چیست و بسکد ام نوع پلاسی متشیش گردد تا امورات صحی به محور اساسی خود چرخیده بتواند.

### تجاویز تازه برای بدست آوردن احصائیه های متفرقه:

چون احصائیه های صحی جهه معلومات و اجرآت صحیح دوائر ذیعلاوه و پیشرفت امور صحی مملکت به حیث یک رهمنا تلقی میشود، واژطرفی وزارت صحیه مطابق معاہدات بین المللی مکلف است تا وقتیاً فوقتاً احصائیه امراض ساریه را به مالک همچوار و سائز مراجعت خارجی فرستاده و بجواب استفسار هایی که از خارج نسبت باین موضوع واقع میشود پردازد از چندین سال قبل مبادرت به تهیه و تدوین احصائیه فعالیت های شفاخانه های مرکز و ولايات و سائز مؤسسات صحیه نموده و در نظر داشت تا این رایپورها را بطور مرتب آخذ و بر حسب مطلوب از آنها استفاده شود، اما ظهور جنگ و تولید مشکلات در صرف کاغذ که اساساً جداول احصائیه به آن منوط است، از حیث بدست آوردن انواع احصائیات سکنه گی وارد نمود،

کنو نکه این نقیصه ا کمال و تمام موسسات صحیه مملکتی اعماز اشکری و کشوری و ادار بار سال احصائیات صحیه متعلقة خویش شده اند و در زمینه این گونه احصائیات یک همکاری خوبی برقرار گردید وزارت صحیه مبادرت به تدوین جداول راپورهای احصائیه و صحی نموده و نمونه این راپورها را جهت طبع فرستاد که عده از آنها طبع و بقیه نیز عنقریب از طبع خارج و پس از توزیع بمقامات عایدہ امید واراست یک آشنگی در ترتیب و توحید احصائیه ها رونما شده و مطلا بی که از آن منظور است اخذ کرده شود - عجانتاً این راپور هاشامل جداول ذیل فرارداده شده است :

جدوال احصائیه امراض عمومی از نقطه نظر کلینیک و پولی کلینیک

احصائیه امراض ساری که در پولی کلینیک ها به مشاهده میرسد

احصائیه امراضی که در معاینه خانهای عمومی به ملاحظه میرسد

احصائیه امراض ساری و غیر ساری که در معاینه خانهای شخصی دکتوران و بادرجهن معائنات

خصوصی آنها در خانه های مریضان و مریضداران به آن تصادف واقع می شود - علاوه آن که راپور دیگری بنام کارت امراض ساری نیز طبع رسیده که بطور مختصر بوده و ازان در موفعی که یکی از متسبین طب به یک یا زیاده تر مریضان مبتلا به امراض ساری در هر جا که تصادف گشته فوراً اسم و آدرس آنها را با نوع مرض شان تصریح و به زودترین ذرائیعی مقام وزارت صحیه ارسال مینمایند -

### مضاعف شدن و ظائف شفا خانهای ژاندارم

اگرچه مطابق پلان مرتبه وزارت صحیه در صورت امکان هر ساله به توسعه دادن شفاخانهای اطرافی برداخته شده است، معهدنا در جریان سال ۱۳۲۴ بادرنظر گرفتن منظور فوق به یک تجویز تازه دیگری نیز متمسک گردید، یعنی مقامات عالیه از طرف وزارت صحیه پیشنهاد ذیل تقدیم شد :-  
از آنجاییکه پلان مرتبه وزارت صحیه در حالت حاضر تاسیس شفاخانه رادر مناطق کم جمعیت و کوچک لازم نمی بیند پس بهتر خواهد شد که از همان شفاخانهای ژاندارم که فعلاً در ان حصص زائر میباشد در حصه معاینه و تداوی افراد کشوری ازان استفاده بعمل آیدو برای اجرای این منظور وزارت صحیه حاضر شد تا همه ساله یک مقدار ادویه کافی و سائز لوازم مربوطه شفاخانه آنجا را از بودجه خویش کارسازی نماید؛ چنانچه این پیشنهاد وزارت صحیه از صحیه مقامات عالیه نیز گذارش یافته و ممنظوری آن حاصل گردیده است

## تعیین حق الزحمه عملیاتهای / صغریه در معاینه خانهای شخصی / :

وزار تصحیه نسبت به تعیین عملیات و معایناتیکه درخارج شفاهانهاچه در (معاینه خانهای شخصی دکتوران و چه درخانه مریضان) اجراء شده میتواند با اندازه حق الزحمه معاینات و عملیاتهای مذکور مقرراتی وضع و برای اینکه بین مریضداران و دکتور اینکه به اینگونه عملیات و معاینات میبرد از ند استباهی راجع به اعطای حق الزحمه رخ ندهمودضم: أحدودی برای همچه عملیاتها درخارج شفاهانها قید شده باشد لستی از اسمای عملیات و معاینات متذکر ترتیب داده و حق الزحمه هر کدام را در مقابل هر یک از عملیات متذکر کرد و قید کرده و توسط انتشار در جراید با اطلاع عامه رسانید.

## نشرات سال ۱۳۲۴ : -

الف : در جریان این سال وزار تصحیه توجه خود را پیشتر به توسعه دادن دستورالعمل های جامع که به حیث رهنمای شب ذیعلاوه محسوب میگردید معطوف نموده و این دستور العملها قبل از آنکه بطبع رسید بواسیله متعددالمالهای متعدد برا راجع ذیعلاوه ارسال شده است و در ضمن این سال چیزیکه از طبع خارج شده است تعلیما تنامه بلدیها از نقطه نظر حفظ اصحه شهر و نظافت آن میباشد که در سال گذشته تدوین و برای تطبیق امتحانی برای است بدیهی مرکز فرستاده شده بود

## تعلیما تنامه توریدادویه مخدره طبی و مسائل مر بو طه آن :

از آوانی کدولت افغانستان به کوانسیون ۱۹۳۱ جینوا امضا نمود مسائل مر بو طه به تورید ادویه مخدره طبی را بوزار تصحیه و موضوع تریاک خام و تجارت آنرا بوزارت اقتصاد ملی متعلق ساخت، پس برای اینکه مواد کوانسیون نهای ۱۹۱۲ الی ۱۹۲۵ و ۱۹۳۱ جینوا در حصه متعلق بوزارت صحیه و مقا ماتیکه سرو کار شان درین زمینه باوزار تصحیه واقع میشود باسهوات تطبیق شده بتواند وزار تصحیه ترتیب و اشاعه این تعلیما تنامه پرداخته و یک تعدادش را بر ارجح مر بو طه جهت تطبیق مواد مندرجہ آن ارسال نموده .

## ب: بزرگ شدن قطع مجله روغتیا:-

قطع مجله روغتیا که قبل از با بر کمی کاغذ خیلی کوچک شده بود در آغاز امسال که امکان تهیه کاغذ از طرف وزارت صحیه موجود شده و از طرفی مطبعة عمومی نیز حاضر مساعدت درین باره شدند قطع مجله دو چند قطع سا بق ساخته شده و ساحة استفاده از مضا مین آن و سیع تر گردا یندد شده .

### احراز تخصص بعض دکتوران افغانی :

شاغلی دکتور عبیداللهخان (روغ) بر حسب لایحه تخصص بعد ازدادن امتحان دریک مجمع دکتوران و پروفیسران که تیز خود را در اطراف فلنج نصف طولانی نوشت موفق به احراز تخصص به شعبه خود که امراض عقلی و عصبی است گردید.

### اجراءات متفرق :

۱- طوری که در سال کندسته نسبت دائرشدن و ارسال نقشه های شاخه ای دوا فروشی دیوبی عمومی مرکزی بولايت مزار شریف، فندهار، هرات و قطعن و بد خشان اشاره رفت، بود بالاخره در جریان سال ۱۳۲۴ از جمله ادویه فروشی های متذکره فوق عمارت دوا فروشی هرات تکمیل گردیده و به هدایت وزارت صحیه از طرف ریاست دپوی عمومی ادویه لازمه با پرسونل فنی آن به آنجا فرستاده شد.

۲- در کنفرانس بین المللی طبی که در اول جولائی در تهران افتتاح گردید و در این کنفرانس نمایندگان دول شرقی و غربی از طرف دولت ایران دعوت شده بودند و نمایندگان که از طرف دولت افغانستان درین کنفرانس شرکت ورزیده اند شاغلی دکتور غلام فاروق خان و شاغلی عبدالظاهر خان میباشند.

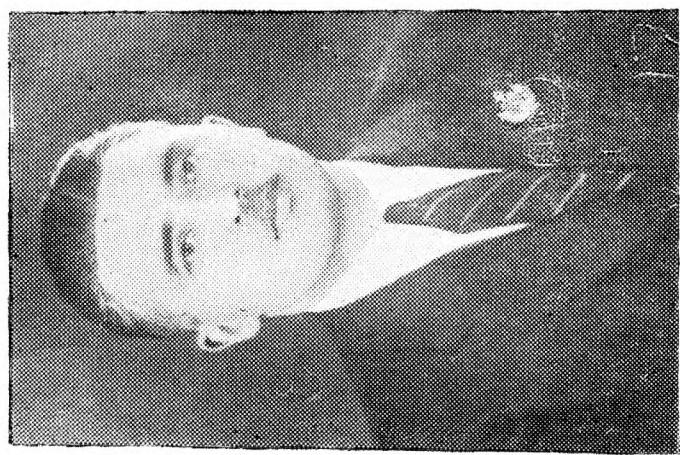
۳- حسب تجویز وزارت صحیه و مشاوره مقامات صلاحیت دار در حکومت کلان پروان یک شفاخانه دائز و بکار انداخته شد.

۴- چون در حکومت درواز نسبت اشرفت نفو س آن تا سیس یک شفاخانه لازم بود وزار تصحیه چنین تجویز نمود که در آنجا فعلاً یک شفاخانه زاندارم دائز گردیده و ضمناً به تداوی افراد رعیتی درواز هم مشغول شود.

۵- پلان تعمیری شفاخانه خوست از طرف وزارت صحیه ترتیب و بوزارت فوائد عامه ترسیل شد تا هر چه زودتر نقشه شفاخانه مزبوره را تکمیل نموده وزاره و وزاره وزارت صحیه بمرجعش از سال دارند، چنانچه برای تهیه مصالحة تعمیری این شفاخانه یکمیشت یول کافی به حکومت متنی خوست تخصیص داده شد تا در جریان سال ۱۳۲۴ تمام مصالحة طرف ضرورت این شفاخانه را تهیه دیده و در اوائل سال ۱۳۲۵ بکار آغاز نمایند.

۶- در جوار شفاخانه مستورات برای یول کلینیک موسسه دندانسازی نسوان حسب نقشه منتهی یک همارت جامع اعمار گردیده و امورات تعمیری آن در شرف اختیام میباشد. این موسسه از هر حیث مکمل و به اساس یک کلینیک عصری دندانسازی آماده شده است.

ع ، ص د کیتور غلام فاروق خان  
د طبی فاکولتی رئیس



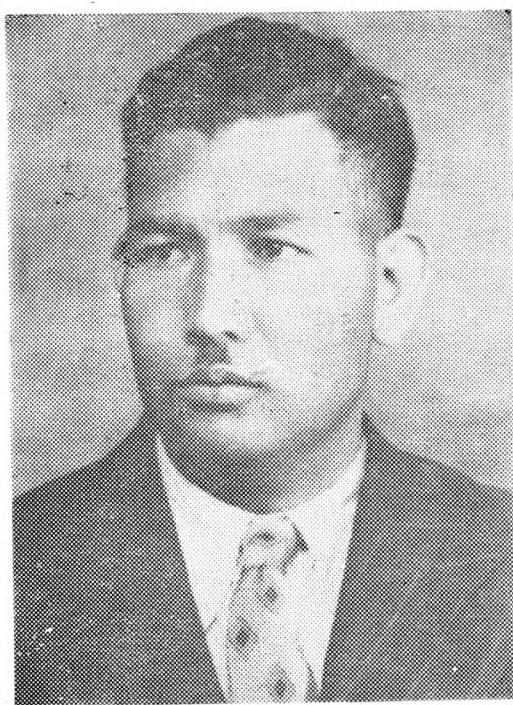
ع ، عبد القبوم خان د هاری آ بار  
د شفاخانی سر طبیب



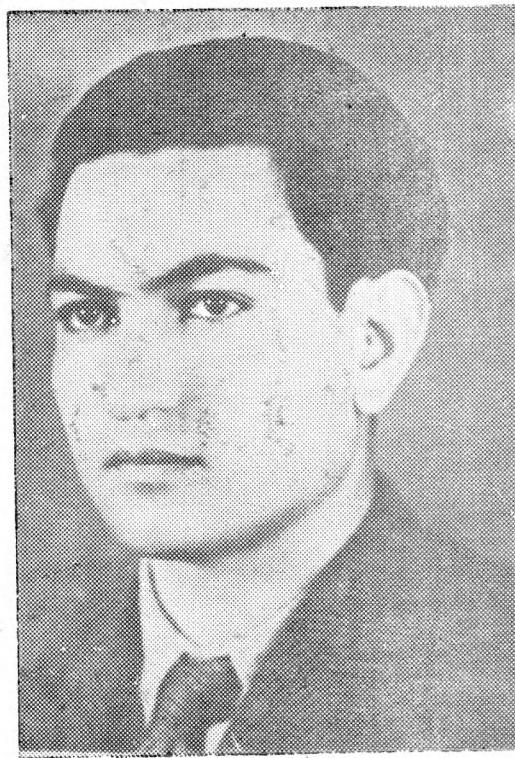
ع ، نظام الدین خان د مستور انو  
د شفاخانی سر طبیب



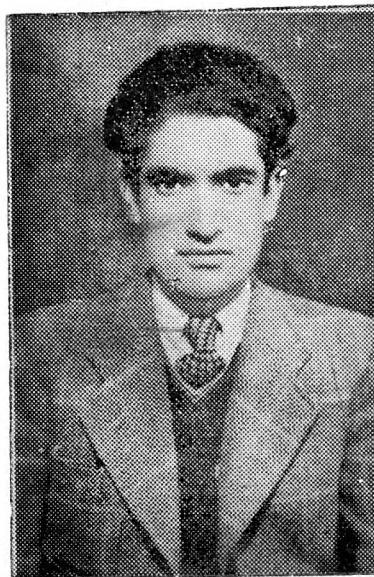
د صحیحی د وزارت مقرری



ص ، دکتور محمد ایوب خان چه په داخله  
مرضو نو کښی تخصص حاصل کړیدی



ص ، دکتور میر غلام حیدر خان چه په داخله  
مرضو نو کښی تخصص حاصل کړیدی



ص ، دوکتور محمد آصف خان چه په داخله  
مرضو نو کښی تخصص حاصل کړیدی



ص ، دوکتور محمد عزیز خان چه په داخله  
مرضو نو کښی تخصص حاصل کړیدی

س، د کیتوه عبدالرؤف خان چه په دا خانه  
مرضونو کېږي ټې پختوسن حاصل کړېدی،

س، د کیتوه محمداصم خان چه په پهراجي  
کېږي ټې پختوسن حاصل کړېدی.

س، د کیتوه امیر جاهان چه په پهراجي  
کېږي ټې پختوسن حاصل کړېدی.



س : دکتور محمد حظیم خان چه به جر احمد  
کنی کنی شخصی حاصل کردی



س : دکتور محمد حظیم خان چه به جر احمد  
کنی کنی شخصی حاصل کردی



۷- در جریان سال ۱۳۲۴ برای باراول وزارت صحیه به تورید نمودن یکمقدار کافی ادویه پنسلین که در دنیای طبابت تازه طرف استفاده قرارداده شده و شهرت به سزانی داشت اقدام و آنرا وارد نموده و مورد استفاده ضرورت مندان قرارداد

۸- چون تورید کنین در دوران جنگ مشکلات زیادی داشت پس برای اینکه مقدار کنین وارد داده درست طرف استفاده شفا خانها قرار گرفته و تلف نشود وزارت صحیه به دو اقدام ذیل مثبت گردید :

الف : حسب نظریه هیئت فنی برای تمام مقادیر کنین وارد یکنوع رنگ آبی را انتخاب کرده و با آن محلوظ نمود تا گر کنین در شفاخانهای صورت بود رهم استعمال شود از سانه کنین ها زودتر تفريق شده و بصورت نامشروع از آن استفاده شده نتواند -

ب : علاوه این اقدام به دیوی عمومی دستور داد تا کنین های محتاج ایه شفا خانها توسط ماشین تلیبت سازی به پلولهای قسم ده سانه گرامه و ۲۵ سانه گرامه ، تبدیل نمایند - چنان نچه این دو تجویز خیلی مجبوب واقع شده و مقادیر کنین حسب مطلوب طرف استفاده حاجتمندان قرار گرفت -

۹- در موقع مشتعل بودن جنگ چون برای تورید گاز مململ که در امور جراحتها و بانسانها به صرف میرسد مشکلات زیادی تولید گردید، وزارت صحیه برای رفع این لطمہ پس از تجرب زیاد از گاز مململ ساخت فابریکه یلغمری استفاده کرده و اکنون هم در شفاخانهای مر بوthe از همین گاز مململ ساخت فابریکه مذکور کار گرفته میشود -

هشت نفر فارغ التحصیلان دوره هفتم فاکولته طب که در سال گذشته شامل ستاز شده بودند بعد تکمیل ستاز در هذالسنی حسب توضیح ذیل به رتب و مراجع آنیه الذکر متعزز شده اند :-

۱- ص، دکتور محمد اسماعیل خان به حیث مدیر صحیه و سرتیپ مدیریت صحیه فراه

۲- ص دکتور نظام الدین خان به حیث دکتور درقوای مرکز

۳- ص، نصیر احمد خان به حیث دکتور به زندارمه وزارت داخله

۴- ص، محمد علیخان به حیث دکتور به زندارمه وزارت داخله

۵- ص، عبدالشکور خان به حیث دکتور دوم مدیریت صحیه ولایت قندهار

۶- ص، محمد طاهر خان به حیث دکتور دوم مدیریت صحیه ولایت مشرقی

۷- ص، سید ولیغان به حیث دکتور دوم مدیریت صحیه ولایت قطعن

۸- ص، محمد کبیر خان به حیث دکتور بوزارت جلیله حریه

سیزده نفر فارغ التحصیل دوره دهم مکتب طبی بعد تکمیل ستاز حسب آنی به حیث هامور صحیه به مراجع ذیل مقرر شده اند :-

- ۱- ص ، محمدناصر خان و محمدایوب خان و غلام حضرت خان و غلامعلی خان و محمدعارف خان معاونین بهحیث معاون دکتور بوزارت جلیله حریمه
  - ۲- ص ، میرعبدالرزاق خان بهحیث معاون دکتور بهشخاخانه وزارت جلیله معارف
  - ۳- ص ، پایینده محمدخن بهشخاخانه وزارمه حضرت امام صاحب
  - ۴- ص ، جلال الدین خان بهحیث معاون دکتور شفخاخانه مجتبس
  - ۵- ص ، محمدانور خان نمبر ۱ بهحیث معاون دکتور شفخاخانه گذرگاه مربوطه بلدیه
  - ۶- ص ، محمدانور خان نمبر ۲ بهحیث معاون دکتور شفخاخانه قلات
  - ۷- ص ، وکیل احمدخان بهحیث معاون فنی به موسسه دندان سازی
  - ۸- ص ، غلام علی خان بهحیث معاون دکتور ارزگان
  - ۹- ص ، فقیرالله خان بهحیث معاون دکتور چخانسور
- هشت نفر فارغ التحصیل دوره هفتم شق دوازاسی فاکولته بعدتکمیل ستود حسب آتنی بمراجعت ذیل مقرر شده اند :-

- ۱- ص ، محمداسمعیل خان ، غلامحسین خان دواساز بوزارت جلیله حریمه
  - ۲- ص ، عبدالله خان دواساز به موسسات صحی علی آباد (دواخانه علی آباد)
  - ۳- ص ، نورمحمد خان دواساز بهحیث دواساز بهمدیریت صحیه جنوی
  - ۴- ص ، سلطان محمد خان دواساز بهحیث دواساز بهمدیریت صحیه مشرفی
  - ۵- ص ، محمد اکبر خان دواساز بهحیث دواساز بهمدیریت صحیه ولايت مزار شریف
  - ۶- ص ، محمدفضل خان دواساز بهحیث دواساز مدیریت صحیه حکومتی اعلی فراه
  - ۷- ص ، محمدیاسین خان دواساز بهحیث دواساز به دواخانه ریاست دیوی عومنی
- هشت نفر فارغ التحصیل دوره هشتم فاکولته طب که پس از اکمال تعلمیمات نظری داخل سناش شده اند امامی شان حس ذیل است :-

- ۱- ص ، محمدضیاء خان ، دکتور ستاذ بر
- ۲- « ، میر فخر الدین خان ، »
- ۳- « ، سید محمد خان ، »
- ۴- « ، عبدالله خان ، »
- ۵- « ، محمد عمر خان ، »
- ۶- « ، محمد اکرم خان ، »
- ۷- « ، عبدالستار خان ، »
- ۸- « ، علی اکبر خان ، »



عَجَاجُ والا حضرت سردار مهمند نعيم خان دايه احضرت فوق العاده نعائنه او مختار ورئيسي لندن كتبى  
S.A.R. «E. A» Sardar Mohamad Naïm Khan envoyé extraordinaire  
et ministre plenépotentiare de Sa Majesté à Londres.

## د کابل کالني

داعليحضرت لوی سفارت په مسکو کېنى :-

مختار وزیر : ع ، ج ، ۱ ، انشان والا حضرت سردار شاه ولی خان  
مستشار : ع ، ص ، س ، ع اسلام بیگ خان  
سر کاتب : ص ، غلام احمد خان (نوید)  
سفرير : سفیر

د افغانی وزارت مختاری په پاریس کېنى :-

مختار وزیر : ع ، ج ، ۱ ، انشان والا حضرت سردار شاه ولی خان  
مستشار : ع ، ص ، س ، ع اسلام بیگ خان  
دا فغانی وزارت مختاری په لندن کېنى :-

مختار وزیر : ع ، ج ، س ، ۱ ، والا حضرت سردار محمد نعیم خان  
سر کاتب و کيل : ص ، عبدالقیوم خان  
سکرتر : ص ، عبدالرحمن خان

د افغانی وزارت مختاری په روما کېنى :-

مختار وزیر : ع ، ج عبدالصمد خان  
سر کاتب : ص ، محمد علیخان

د افغانی وزارت مختاری په قاهره کېنى :-

مختار وزیر : ع ، ج محمد صادق خان مجددی چه به حجاز کېنى افغانی مختار وزیر هم دی  
دا فغانی وزارت مختاری په بغداد کېنى :-

مختار وزیر : ع ، ج عبدالرحمن خان  
سر کاتب : ص ، تبار احمد خان

د افغانی وزارت مختاری په واشنگتون کېنى :-

مختار وزیر : ع ، ج عبدالحسین خان  
سر کاتب : ص ، سید تاج الدین خان

سبزده نظر فارغ التحصیل دوره یازدهم مکتب طبی که تعلیمات نظری خود را تکمیل نموده اند و شامل ستار شده اند اسمای شان حسب ذیل است :-

- ۱ - ص ، امیر محمد خان معاون ستاریز
- ۲ - ص ، عبدالله خان »
- ۳ - » ، عبدالوهاب خان »
- ۴ - » ، محمد بشیر خان »
- ۵ - » ، حبیب الله خان »
- ۶ - » ، عبدالسمع خان »
- ۷ - » ، میر غلام حیدر خان »
- ۸ - » ، امام الدین خان »
- ۹ - » ، میر عبدالله خان »
- ۱۰ - » ، محمد موسی خان »
- ۱۱ - » ، محمد ایوب خان »
- ۱۲ - » ، غلام سخی خان »
- ۱۳ - » ، عبدالقدوس خان »

پانزده نظر فارغ التحصیل دوره هشتم شق دوازی فاکولتی که جدیدا از تعلیمات نظری خود ها فارغ و شامل ستار شده حسب آتنی اسمای شان توضیح است :-

- ۱ - ص ، عبدالرحمن خان
- ۲ - ص ، امام داد خان
- ۳ - ص ، میر عبدالسلام خان
- ۴ - ص ، میر شرف الدین خان
- ۵ - ص ، محمد یوسف خان
- ۶ - ص ، محمد کریم خان
- ۷ - ص ، محمد یحیی خان
- ۸ - ص ، کبیر الدین خان
- ۹ - ص ، عبدالغفور خان
- ۱۰ - ص ، نظر محمد خان
- ۱۱ - ص ، محمد سرور خان
- ۱۲ - ص ، غلام نبی خان
- ۱۳ - ص ، محمد زمان خان
- ۱۴ - ص ، محمد نعیم خان
- ۱۵ - ص ، میر محمد ایوب خان

تقریر مامورین (معاون و کاتب) شفاخانه جذام خانه بتخاک که عنقریب افتتاح میشود ورود عز تمند کنوار طالب بیگ و اشغال وظیفه او به سرویس امراض داخله معاینه خانه گذرگاه ورود عز تمند سلامی آچار متخصص جراحی و اشغال وظیفه او به سرویس جراحی شفاخانهای مربوط ریاست موسسات صحی

ورود عز تمند کپطان اوغلو متخصص امراض داخله و اشغال وظیفه او به سرویس داخله شفاخانهای مربوط ریاست موسسات صحی -

### امور صحی و لایت هرات :

- ۱ - نظر به اقدام و مساعی وزارت صحیه افتتاح یک دیبوی عمومی در هرات پیش بینی و عمارت و ادویه لازمه آن تهیه گردیده شده است .
- ۲ - نظر به مساعی دو کنتوران مر بوضه بفضل خداوند امراض و بائی و استیبلائی موقع بروز نیافه و یکی دو خادمه دیفتری ، حمای دار و مرض سگ هار بخوبی جلو گیری گردیده است .
- ۳ - برای مجادله سفیلیس که یک مرض مدهش بوده و یک شفاخانه علیحده برای آن در نظر است فعلاً در شفاخانه مملکتی شق مخصوص برای آن تخصص داده شده است .
- ۴ - وقتاً در کنوب مطبوعات در اصراف ترتیب پروره صحي ولايت و امراض مخصوصه محلی توسط دو کنتوران مر بوضه مذاکره بعمل آمد و توجه به مقام وزارت جنیله صحیه معروض گردیده است .
- ۵ - برای اصلاح آب مشروب شهر پروره علیحده ترتیب گردیده و اگر خدا بخواهد بزودی ممکنه درین قسم اقدام مفید بعمل خواهد آمد .
- ۶ - مریضانیکه به شفاخانه معاينه شده و ادویه برده اند قرار ذیل اند
 

شعبه جراحی	امراض داخله	امراض چشم	جمعمه
۷۷۱ نفر	۰۰۷ نفر	۰۵۰ نفر	۱۵۱۳ نفر
- ۷ - مریضانیکه در شفاخانه مملکتی داخل بستر گردیده عبارت از ۳۸۲ نفر اند که از انجمله ۴۳۰ نفر صحبت یاب گردیده اند .
- ۸ - مریضانیکه در شفاخانه مملکتی جراحی شده اند به ۷۹ نفر بالغ می شوند .
- ۹ - مریضانیکه به جراح خانه بانسان شده اند به ۳۰۸۸ نفر بالغ می گردند .
- ۱۰ - مریضانیکه در شفاخانه مستورات بانسان گردیده اند عبارت از ۲۷۰۰ نفر میباشد .
- ۱۱ - اطفالیکه در شفاخانه مستورات آبله کوبی شده اند به ۶۲۰ نفر بالغ میشوند .
- ۱۲ - مریضانیکه بداخل شفاخانه مستورات تحت تداوی گرفته شده اند عبارت از ۸۶ نفر میباشد .
- ۱۳ - مریضانیکه از شفاخانه مستورات ادویه برده اند عبارت از ۸۰۰ نفر میشوند .
- ۱۴ - نظر به توجه وزارت صحیه برای امراض چشم یک نفر متخصص علیحده فرستاده شده است .
- ۱۵ - شعبه سیار شفاخانه وقتاً فوتا در اطراف دور دست به تداوی و مجادله پرداخته است .
- ۱۶ - در شفاخانه های هرات بر علاوه بستر های ساقمه تزئینه فنا داشت بستر نیز پیش بینی گردیده است .

مدیریت صحیه میمنه :

- ۱ : - در سال جاری برای هفت هزار نفر و اکسین ضد چیچک که از وزارت صحیه رسیده که از آن جمله به تعداد پنج هزار اطفال و اکسینا سیون ضد چیچک الی ۱۵ دلو گردیده و سلسله آبله کوبی هنوز هم ادامه دارد .
- ۲ : - به تعداد سه صد نفر الی ۱۵ دلووا اکسینا سیون ضد محرقه شده و سلسله آن ادامه دارد .
- ۳ : - توسط اخبار و اعلانات وقتاً فرقنا هدایات صحی با هالی داده شده .
- ۴ : - معاينه طلاب مکا تب مرکز میمنه توسط داکتران مرکزی و از اطراف ذریعه شعبات سیار بعمل آمد .
- ۵ : - ترتیب افتتاح یک دوا فروشی عصری اتخاذ شده که عنقریب افتتاح خواهد شد .

مریضانی که از اول حمل الی ۱۵ دلو طور بستره و یا غیر بستره تداوی شده اند .

۱ : - مریضان بستره ۹۶ نفر، صحبت شده - ۷۲ نفر، صلاح ۱۵ نفر ، فوت ۹ نفر

۲ : - مریضانیکه یومیه مراجعت نموده و تداوی شده اند :

امراض جهاز هضمی، تنفسی، طرق بولی، دموی ، امراض گوش و گلو و بینی و چشم ، امراض جلدیه ، ولادی و تناسلی ، امراض عقلی و عصبی وغیره حسب ذیل اند :

ذکور	۳۰۸۱ نفر	اناث	۱۱۹۱ نفر	اطفال	۱۷۱۴ نفر
------	----------	------	----------	-------	----------

امراض ساری ، استیلائی وغیر استیلائی :

ذکور	۱۹۲۳ نفر	اناث	۸۷ نفر	اطفال	۸۰۸ نفر
------	----------	------	--------	-------	---------

پانسمان شدگان :-

ذکور	۷۹۲ نفر	اناث	۳۳۶ نفر	اطفال	۱۱۷۰ نفر
------	---------	------	---------	-------	----------

عملیات جراحی - ۶۳ نفر



## امور وزارت پست و تلگراف و تیلفون

اجرا آت مهه وزارت پست و تلگراف در سال ۱۳۲۴ فرماز ذیل است :

### الف - شق پست :

۱ : - تکت های پستی از عصر اعلیحضرت امیر شیر علی خان مرحوم ای عصر حاضر اعلیحضرت المתו کل علی الله محمد ظاهر شاه در الیم های مخصوص مرتب شده، چنانچه تاریخ تکت ها از سنه ۱۲۸۸ ای سنه ۱۳۶۵ که وزارت پست مرتب نموده است معلوم می شود که افغانستان از (۷۸) سال پیشتر تکت پستی داشته است.

۲ : - از مدیریت عمومی پست چنین تجویر شده که مراسلات عادی را کنروں نمایند، این ترتیب که مامورین غرفه چات اخذ محصول مکاتیب عادی را بعد از اخذ محصول و نصب تکت معینه و مهر بطلان واپس بر مسل تحويل بد هند که خود مرسلین مکاتیب مذکوره را بهمن وق مخصوص که کمیاب آن یک شعبه دیگر تماس دارد بیندازند، در اخر وقت که اخذ مراسلات خاتمه پیدامی کند مامورین شعبه صادره مکاتیب عادی را از صندوق مخصوص آن بیرون کشیده و بشعبه مر بوظه خود آورده و را پورت آنرا بعد از اداری پست میدهد نظر آن غرفه که مراسلات مذکوره را پذیرفته و تکت نموده آنهم یک را پورت بعد اداری پست میدهد که مدیریت مخصوصه به این اجرا آت از هر گونه سو، اجرا آت مامورین ماتحت اگر واقع شود جلو گیری میتواند.

۳ : - قبل ازین در سنوات گذشته ارسال و مرسول مرا سلات در خط خان آباد هفته دو مراتبه جاری بود، ابتدی پسته هایک وقت معینه بر جماعت و اصل و توزیع میگردید، برای اینکه در سرعت پسته های مذکور بالاین هم تزریق بعمل آید، در جریان سال جاری هفته سه مراتبه تعیین و تخت اجرا گرفته شد.

۴ : - ارسال و مرسول مرا سلات در خط یعنی کابل و جنوی که قبل ازین هفته یک مراتبه بود برای اینکه سریعتر شده باشد وزودتر بر مسل ایهار سیده باشد هفتہ دو مراتبه بعمل آمد.

۵ : - هکذا خط مشرقی و اسلام که سابق هفتہ یک مراتبه در جریان بود در ظرف سال جاری هفته دو مراتبه جاری شده.

۶ : - مدیریت عمومی پست توانسته است که احصائیه های مرسلات پستی از قبیل مراسلات نمونه های مال التجاره مطبوعات اوراق کار آمد مراسلات باز گشتی و پارسلات احصائیه های واردات پستی مرکزو ولایات با جزویات آن مثلاً علافه اریها و فروش تکت های پسی و محصولات

## د کابل کالانی

رسمی و بین‌المللی و محصول پارسالات واردہ انواع مراسلات نمبر داخلہ و خارجہ و احصائیہ اوزان پستی خطوط موتو رو سوار و بادہ و احصائیہ تعطیلات پستی احصائیہ حاملین پستی احصائیہ وسائل و سامان پستی و احصائیہ مکاتیب عادی وغیره رامرتب نموده .

### ب - شق تیلفون :

وزارت پست در سال جاری مدیریت تیلفون را تحت اثر مدیریت عمومی تیلفون بند و مدیریت، یعنی تغذیکی دوم اداری و در تحت اداره این دو مدیریت شعبات تشکیل و اجراء و آنجام وظایف هریک را تعین و به شعبات مربوطه آن سپاریده است .

### مدیریت تغذیکی :

ترتیب احصائیه عمومی آلات نصب شده وغیره سامان مربوطه تیلفون نهالین هاسو چبورد و امپیلفایرها مرکزو ولایات .

۲ ترتیب پلان توسعه لین‌ها تیلفون هامپیلفایر وغیره الات مربوطه هم توسعه الات و سامان نصب شده موجوده .

۳ ترتیب و تنظیم مکتب تیلفون و میخانیک های تیلفون .

۴ تهیه و بست رسگذاشت نشانه ها و باقی هدایات سوچ بورد هالین هاو تیلفون ها .

۵ ترتیب و تنظیم تحویلخانه های شعبات مربوطه وضمناً مراقبت سامان تغذیکی .

۶ توسعه ورک شاپ (شعبه تغذیکی ترمیم) موجوده و تهیه سامان والات که وقتاً فریقاً مورد ضرورت واقع شده و می شود .

۷ معاینه و اصلاح بعضی نواقص سوچ بورد های تیلفون ها .

۸ ترتیب دفتر احصائیه سامان والات مصرف شده .

۹ ترتیب دفتر اردر و فرما یشای سامان و پرزه جات مورد ضرورت و تورید آن ،

۱۰ ترمیم و اصلاح هر گونه تیلفون سوچ بورد ها و ماشین های تغذیکی تیلفون .

۱۱ تیلفون و سوچ بورد های داغمه و مستعمل تحویلخانه را اصلاح و قابل کار نمودن .

۱۲ تهیه سوچ بورد های جدید و تیلفون و سامان فالتوی آن .

۱۳ ترتیب احصائیه آلات وغیره سامان تیلفون و لین .

۱۴ نصب و بکار اندختن سوچ بورد های نیکون ها وغیره الات جدید تیلفون .

۱۵ ترتیب دفتر تنظیم ساعت کار اکو ملیت های تحت کار تیلفونخانه های مربوطه .

و باخبری در اطراف تیزاب وغیره خصوصیات اکو ملیت های مركب .

- ۱۶ - باخبری در اطراف آلات زنگ ریلی فیوزهای امتحانات ریکنفایرها و غیر مسوجوردهای مر کر .
- ۱۷ - بر اوردثای نمودن سامان نصب و تمدیدشدن تلفون و غیره در مر کر بحضور نمائنده تفتیش .
- ۱۸ - اصلاح کیبل های ناقص شده و ترتیب منظم .
- ۱۹ - کنترول مخابرات تلفونی بوقت مخابرات رسمی که مخابرات شخصی صورت نگرفته باشد .
- ۲۰ - مراقبت اخلاق و تهذیب تلفونی های این مین ها و نگران های مر کر .
- ۲۱ - در سال ۱۳۲۴ نسبت باینکه مشترکین تیلفون از قبیل دوازیر رسمی موسسات ملی و تجاری افرادی وغیره روابازدیاد گذاشت و در آسوج بوردهای سابقه کدام نمره فالتو موجود نبوده تو انتیم که یک عنده سوچبورد جدید یکصویست لیته استرال بتری نصب و در خواست کننده گان را مشترک و تلفون داده باشیم .
- ۲۲ - با وجود یکه برای فوی ساختن مخابرات تلفونی بین کابل و هرات به تعداد پنج یا یه ماشین های امپلیفایر نصب بود برای اینکه او از متکلم به مخاطب خوب ترسیمه و مطلب بهتر مفهوم شده باشد یک یا یه ماشین جدید امپلیفایر در نقطه گرشك مربوط ولايت قندهار نصب و بکار آنداخته شده چنانچه تاحال ماشین مذکور اجرآت می نماید .
- ۲۳ - طور یکه در سال ۱۳۲۳ شرح داده بودیم که سرک جدید تنگی غارر از سرسر و بی به تنگی - ابریشمی لین جدید ای جلال آباد تکمیل شده است لذادر امسال ۱۳۲۴ از مر کر کابل برآ ماهی بر بة یا به های آهنی لین مذکور را در سرسر و بی و مخابر هر اسایین کابل و جلال آباد وصل شده یعنی از مر کر کابل که زنگ زده می شود جلال آباد بدون سلسه سوچبورد ها - جواب میدهد هکذا جلال آباد که زنگ بزند کابل جواب میدهد بعد مساوه لین جدید از کابل الی سرسر و بی ریخجاه میل از این جدید مخابرات تلفون تلگراف بدستی کار گرفته می شود .
- ۲۴ - نظیر آن حینکه بعضی رباطهای ارض راه مذکور از قبیل سوچبورد سرسر و بی که از سرک جدید دور افتاده بود برای باخبری این ها و سهوات به وسایل حمل و نقل و عابرین سوچبورد - مخصوصه آنجا برداشته به حدود گردایی به لین جدید تنگی ابریشمی انتقال داده شد که گویا لین قدیم و لین جدید از موضع جدید کنترول می شود .
- ۲۵ - قبل از این مخابرات جبل السراج از چهار ریکار برآ پل متق و گلبهار بسیکو مت کلان پروان جریان داشت که نسبت به بعضی عمل اساسی نبود و طور یکه لازم بود جریان مخابره شده انمی تو انت اکنون بطبق اصولات فنی لین مذکور را از چهار ریکار راسابه گل به سار از راه پایان پل سعدا الله و سید خیل ار تباط داده شد که از مر کر گلبهار هم بحکومتی کلان پروان وینجشیر و هم به جبل السراج مخابره جاری شد .

- ۲۶ - منطقه گلستان مربوطه حکومتی اعلی فراه که قبل از این بجز از ار سال و مر سول پستی کدام مخابره با حکومتی اعلی فراه نداشت در سال ۱۳۲۴ تصمیم گرفته شد که یک لین تیلفون بعلاوه داری مذکور تمدید گردد چنانچه لین مذکور را بفاصله (۵۰) میل از حدود دل آرام الی گلستان تمدید و مخابرات تیلفونی بین حکومتی اعلی فراه و گلستان چاری گردید.
- ۲۷ - یعنی قسمت لین های عده تیلفون از شیوه الی چهه سرای و سمار باشد از ه (۳۸) میل کاملاً تجدید ودو باره تمدید گردید.
- ۲۸ - در زمان قبل از جنگ با وجود بعضی جزویات را بست آورده ایم کاملاً مصرف ذخیره داشتیم در زمان جنگ با وجود بعضی جزویات را بست آورده ایم کاملاً مصرف ویث قسمت کمی که باعی مانده البته مصرف خواهد شد ولی برای اینکه سو چبو رد های موجوده سترال بترا که شهرنو وزارت خانه ها و غیره اساساً استوار و برقرار باشد یک قسمت بزرگ سامان کار امد و فالتوی آنها فرمایش داده شده چیزی رسیده و بقیه ممکن است بزود ترین وقت وارد شوند.
- ۲۹ - در مرکزیک شعبه کوچک ترمیم جدید وجود آورده شده بود که عنداً لزوم تیلفون ها سو چبوردها وغیره سامان منطقه را ترمیم و دوباره قابل کار می ساختند اینک در سال ۱۳۲۴ و سعیداده شده.
- ۳۰ - به اثر پیشنهاد وزارت پست و رویت قیمت های و کیلاک ها مرکز سو چبورد تیلفون اتوماتیک که از امریکا و سویدن و لندن بدست آورده بودیم در مجلس عالی وزراء رویت و منظور فرمودند که یک دستگاه پنج هزار لینه مرکز سو چبورد برای مرکز کابل خریداری شود چنانچه برای اجرا و انجام و فرمایش مرکز جدید وزارت پست داخل اقدامات است.
- ۳۱ - قبل از این در مرکز کیپل و سیله زنگیک برای تیلفون های مربوطه سترال بترا ذریعه (بول چنجر) از بترا و ذریعه یک موتر برقی بوده که از برق بترا ها و برق عمومی استفاده می شد چون بتراها از عرصه چندین سال تحت کار بوده و علاوه از بسکار انداختن پول چنجر یک وظیفه عده دیگر را که رساندن آواز متکلم به مخاطب است انجام میدهد طبعاً از قوه اش کاسته و ضروریکه لازم است بهمان ساعت معینه کار کرده امی توانست برای اینکه بمو از نه قوه آن یک ترتیب نگهداشته شود تجویزی اتخاذویک آله مخصوص توسط متخصصین مربوطه ترتیب داده شد که یک قسمت کار را از قسمت بترا ها کم و بالای آله مذکور انداخته شود چنانچه تجویز مذکور عملی و فعلی هم آله

مذکور تحت کار است تاموتر مذکور بقسم فالتو موجود بوده و بوقت ضرورت ازان  
کار گرفته شود .

۳۲ - برای امتحان لین های تیلفون های مرکز کیبل ماشین موجود است که تو سط بتری  
خشک - مخصوص بکار انداخته شده و هر روز از طرف صبح لین های موجوده امتحان  
میشود چون از یک طرف بدست اوردن بتری مذکور مشکل واز طرف دیگر بتری های  
موجوده و ذخیره سابقه به صرف رسیده وهم حسب مرعات اقتصادی که بتری خشک مصرف  
زیاد داشته و بازارت پست گران تمام می شد از طرف متخصصین مربوطه چنین تجویز شد  
که یک اله مخصوصه ترتیب و عوض بتری های مذکور بکار انداخته شود چنان نچه  
اله مذکوره ترتیب و ساخته شده تحت کار گرفته شد که تا حال کار خود را داده  
و برای آینده هم ازان استفاده خواهد شد .

مدیریت اداری :

- ۱ - قید کردن انواع واردات سنویه و ماضیه بدقائق تحصیلاتی .
- ۲ - ترتیب حساب انفرادی برای میثاق کین تیلفون .
- ۳ - ترتیب تابلوهای واردات تغیریق انواع واردات .
- ۴ - قبل از بسر رسیدن موعد معینه راجح به تادیه محمولات تیلفون زرایع ممکن به مشترکین  
تیلفو اعلام نمودن .
- ۵ - قید جمع نمودن جرایم مخصوص لات تیلفون .
- ۶ - تعطیل و نصب تیلفون های که در اثر درخواست استخراج مشترک صورت می گیرد .
- ۷ - شرکت ها و سفارت خانه های نیکه خارج منطقه بلندیه مخابره می نمایند نمبر دادن  
و کنترول مخابره آنها نمودن و در آخر هرماه فارم آنرا مرتباً و برای تحقیق یوں  
بعد جعاتش فرستادن .
- ۸ - راپورت مخصوصی مرکز رایمه از یک روز را فرادی آن در داخل دو نسخه گرفتن  
و بعد تطبیقات یکی آنرا به کیبل و دیگران را بکنترول خارجه فرستادن .
- ۹ - مراقبت واردات .
- ۱۰ - گرفتن رایورت عایدات تیلفون به تغیریق رسمی و شخصی مخصوصی و بعد تطبیقات قید دفتر  
نمودن و راجح بکسرات آن اقدامات نمودن .
- ۱۱ - ترتیب جداول مامورین تیلفونی وغیره باهیت آن .
- ۱۲ - تحقیقات در اطراف شکایات مخصوص دهنده گان .

«اجرات شق محصولی»

۱ - اخذ نمودن محصولات تبلوونهای محصولی .

۲ - ترتیب رایورت عایدات یومیه شامل دو نسخه و سنجش ابتدائی آن .

ج : مدیر تکنیکی تیلگراف :

۱ - قبل ازین تمام امور تیلگراف از مدیریت اداری تیلگراف اجر اولی نسبت با یک که امورات اداری چیزی و تکنیکی چیزی دیگر است برای رفع مشکلات امور فنی تصمیم گرفته شد که شعبات مذکور علیحده و هر کدام بوطیغه که برای شان تعین شده داخل اجرآت گردند چنانچه از ابتدای سال ۳۲۴ - یک مدیریت بنام اداری و یک مدیریت بنام تکنیکی تاسیس شد که لایحه وظایف ترتیب و محول شدند که به همان اساس امور تکنیکی را ادامه بدنهند چنانچه از ابتدای سال الی حال مدیریت موصوفه وظایف خود را انجام میدهند .

۲ - برای پستکار انداختن استیشنها برود کاست و تیلگراف خانه یکه توت علاوه از انکه دیزل موجود داشتند برق های تشن توسط لین های هوایی برای شان میرسد که ازان امورات خود را انجام میدادند و ای از طرف دیگر که کپیل های تشن تحت الارضی ازبست استیشن های تیلگراف خانه یکه توت - تمدید شده بود نسبت بعدم سامان ازان کار گرفته نشده بود در سال ۳۴ وقتیکه سامان مطلوبه تکمیل شد سوچ بورد ترانسفارمر وغیره سامان ملحقة آن نصب واژ برق تحت الارضی مذکور کار گرفته شد زیرا واضح بود که لین هوایی نسبت به بعضی عوارض از قبیل برقراری باد وغیره نقص واف و سکته در امور مخابروی خارجه تولید مینموداینکه با یوسیله البته از حدوث عوارض مذکور چلو گری خواهد شد .

۳ - اساساً طور یکه ملاحظه می شد در بدو نصب دستگاه بزرگ شد تیلگراف یکه توت یک عدد چنریتر برای گرم نمودن فلمینت های چراغ های کوچک و بزرگ که دستگاه مذکور نصب وازان بصورت مسلسل کار گرفته می شد و درین اواخر برای حفظ ما تقدم چنین نجویز شد که یک عدد چنریتر دیگر هم خواسته و تحت کار انداخته شود تا با ترتیب از هر دو کار گرفته شود چنانچه در سال ۱۳۲۴ ماشین مذکور از خارج وارد و تحت کار گرفته شد نظریان یک عدد اله ستار تر که قبل از فرمایش داده شده بود از خارج وارد و به تیلگراف خانه یکه توت نصب و پستکار انداخته شد که فعلاً هم تحت کار است .

۴ - آنده که قبیل ازین به تیلگراف خانه مهتاب قلعه نصب و مخابرات را از خارج اخذی نمود .  
کفایت نکرده و در صد دبودیم که تعدادی ازده هارا اضافه نموده و خرات را طور یکه لازم است اخذ نمائیم در این اواخر که فرمایشات وزارت پست از خارج واصل شد

- یک عدد ریسیور جدید (آخنه) کلان بامداد اخنه های سابقه نصب و تحت کار گرفته شد .
- ۵- چون در مدیریت تجنبیکی تلگراف که جدید التأسیس بوده کدام شعبه ترمیم اساس موجود نداشتند تصمیم گرفته شد که یک شعبه بنام لا برآتور اسا سی تشکیل و ما مو رین مر بو طه گاشته شوند که ترمیمات - متعاقه تلگراف را تحت اجر اگرفته باشند چنانچه اطاق های لا برآتور مذکور را طور یکه متخصصین فن نظریه داده بودند تعمیر و سامان ملحقه به لا برآتور مذکور فرمایش داده شد ممکن که بعد از مدتی کمی وارد لا برآتور مذکور شروع بکار نماید .
- ۶- چون یک قسمت سا مان فالتو برای دستگاه بی سیم وغیره خود موجود بود ولی با آن هم یک عدد از سامان فالتو و کارآمد دستگاه های بی سیم و سیم دار مرکزی و اطرافی نیز به خارج فرمایش داده شد که برای اینده کدام مشکلاتی تولید نشده باشد .
- ۷- چون در مرکز جلال آباد بدون از تلگراف سیم دار کدام مرسله بی سیم موجود نبود یک دستگاه تلگراف بی سیم هم در مشرقی نصب و تحت کار گرفته شده و توسط مأمورین فنی بمرکز جلال آباد نصب و مخابرات آن بامر کمز جازی شد .
- ۸- برای اینکه در مخابرات تلگرافی بین کابل جلال آباد و طوزخم و کابل و سپین بو لدک که بتعادل زیاد می باشد سهوات بخشیده باشد تجویز شد که مثل دنیا متناسب نمی تواند نمی تواند که از طرف تلگراف مقابل تلگرامات را توسطه تایپ مخابره می کند بدفتر مقابل خود بخود بدون امداد کدام تلگرافی تلگرامات مذکور اخذ و بهمین ترتیب مخابره می کند فرمایش آن داده شده .
- ۹- در سنه ۱۳۲۴ که امور تلگراف توسعه وهم در سال های ما بعد یک عدد بزرگ استیشن های بی سیم وغیره در مرکز واطرافق نصب می شوند نفرموجوده کفايت نمکرده وزارت پست مجبور شد که برای انجام امورات مذکور نفر تهیه و قابل کار ساخته باشد در این او اخر باش مراسم حکومت بوزارت جلیله معارف امرداده شده که به تعداد (۷۵) نفر از طلاق فارغ التحصیل مختلف صنوف برای تحصیل فن تلگراف به وزارت پست تخصص بدهد تا مرتبه داخل کورس گردیده و به تحصیل فن مطلوبه صرف مساعی نمایند چنانچه احکام مذکور صادر و امیداست در این نزدیکی ها عملی گردد .
- ۱۰- قبل ازین که حسب مقتضیات وقت وزمان یک دستگاه بزرگ تلگرافی و تیلفونی برای مخابرات ممالک خارجه و چندین دستگاه کوچک برای مخابرات ولایات داخله از قبیل هرات کابل دایرنگی و خوست موجود بود که کارات مخابر اتی چه از داخنه و چه از خارجه توسط آنها انجام می یافت ولی امروز طور یکه ملاحظه می شود تمام امور مخابراتی رو به ترقی و دستگاه موجود نمی توانست که ۲۴ ساعت جاری باشد و هم ممکن است بعد

داغانى وزارت مختارى پەچىن كىبى :

مختار وزير : ع ، ج حبيب الله خان « طرزى »

داغانى ژنرال القونسلگرى پەدھلى كىبى :

ژنرال قونسل : ع ، ص غلام محمد خان  
سر كاتب : عبد الحميد خان

داغانى ژنرال القونسلگرى پە مشهد كىبى :

ژنرال قونسل : ع ، ص عبد الرؤوف خان  
سر كاتب : ص ، عبدالغنى خان

داغانى قونسلگرى پە بمبئى كىبى :

قونسل : ع ، عبد الرحمن خان  
سر كاتب : ص ، ميرامان الله خان

داغانى قونسلگرى پە کراچى كىبى :

قونسل : ع ، محمد يونس خان  
سر كاتب : ص ، سيد محمد أمين خان

داغانى دوپزى مامورىت پە پېنپور كىبى :

دوپزى مامور : ص ، محمد قيوم خان  
» سر كاتب : « ، غلام قادر خان

داغانى دوپزى مامورىت پە چمن كىبى :

دوپزى مامور : ص ، گلاب شاه خان

ازین مخابرات تیلگرافی و تیلفونی باممالک دور ترین از قبیل امریکا، و بعضی نقاط دیگر طور یکه لازم است صورت بگیرد البته واضح است که دستگاه موجوده کفايت انرا کرده نتوانسته و لازم بود که یك دستگاه بزرگتر برای امدادر دستگاه موجوده و تکافوی مخابرات اضافی که روز افزون است خریداری گردد و از طرف دیگر که بعضی ولایات داخلی مبارای مخابرات تیلگرافی و تیلفونی کدام دستگاه پیسیم موجود نداشت لازم بود که این مشکلات رارفع و در موقعه سقوط لینهای تیلگرافی سیمدادار از آنها کنار گرفته شود چنانچه ترتیبات مقدماتی یك دستگاه بزرگ تیلگرافی و تیلفونی برای کابل و هفت دستگاه کوچک برای اطراف از قبیل جلال آباد و قصههار، فراه، پل خمری، خان آباد، بدخشان و گردیز گرفته و بحضور مجلس عالی وزراء تقدیم و منظوری حاصل شده چنانچه اوامر لازمه و فرمایشات آنها داده شده که بعد از یك موعد معین بمرکز و اصل و بوضاعات معینه نصب خواهد شد مزید بران تصمیم گرفته شد که اوامر تعمیر استیشن های مذکوره داده شده تابوقت رسیدن دستگاه های مذکور تکمیل گرددند.

۱۱- قبل تماماً مخابرات که قابل مخابر بوده و یامخابر ایکه فاصله بداخل نقاط داخله مملکت که دستگاه تیلگراف پیسیم موجود داریم از تیلگرافخانه های پیشیم یکه تو تو و مهتاب فعله عملی می گردید مگر در سال ۱۳۶۴ تماماً تیلگرامات مذکور از دفتر مرکزی

مخابر و اخنه می گردد.

۲- ترتیب احصائیه عمومی الایات وغیره ماشینهای نصب شده و یانصب میشود.

۱۳- ترتیب دفاتر منظم عمر چراغهای تحت کار دستگاه های پیسیم مرکز و ولایات.

۱۴- مراجعت داشتن لینهای تیلگراف و اجرات لازمه آنها.

۱۵- ترتیب دوسيه شایعات بین المللی وتوزیع آن به تیلگرافخانه های مربوطه.

۱۶- نصب و بکار انداختن الات و ماشینهای که جدید وارد میشود، موضعات مطاوبه و تهیه نقشه و دایگرامهای آن.

۱۷- ترتیب پلانهای لازمه برای توسعه دادن تیلگراف پیسیم و سیمدادار.

۱۸- اجرات و امتحانات تیلگرافی به دستگاه جدید الارتباط.

۱۹- ترتیب و تنظیم مکتب تیلگراف بیسیم و سیمدادار و ترتیب بروگرام تعلیمی آن.

۲۰- تنظیم و بکار انداختن لا براتور فنی تیلگراف.

۲۱- نگرانی دستگاهها و اصلاح نمودن در صورت وقوع نواقص.

۲۲- ترتیب دفتر احصائیه سامان مصرف شده.

۲۳- « فرمایشات سامان و پر زهجهات قابل ضرورت و ترتیب تشریح و مراجعت آن.

## امور وزارت پست تلگراف و تلفون

- ۱- فرستادن سامان و پرزوهای اداری از تلگراف خانه های مربوطه بوقت ضرورت .  
حصه مدیریت اداری تلگراف :
- بدقتر مرکزی اداری احصائیه برای راجه عناوین تلگرافی جدید مرتب داده شده است که  
ادرس های چندساله اینده هم به عنوان اشخاص مرتب می شوند .
- ۲- درخواست مربوطه حکومت اعلی جنویی که برای دستگاه تلگراف بی سیم اطاق های اساسی وجود  
نمد اشت ترتیبات گرفته شد که تعمیر آن اساسی و مطابق نقشه معینه تعمیر گردد چنانچه  
کار آن جاری و در شرف اختتام است .
- ۳- در اسپین بولدک ولایت قندهار در نقطه سرحدی که تلگراف خانه منظم عصری موجود نبود در سال  
۱۳۲۴ که کار تعمیر جدید عصری آن آغاز شد فعلا خاتمه پیدا نموده و تلگرافخانه با نجاح  
مستقل و مأمورین آن انجام وظیفه مینمایند .
- ۴- ترتیب بیلانس عایدات عمومی :
- ۵- ترتیب دفتر عایدات عموم تلگرافخانه ها .
- ۶- ترتیب دفتر احصائیه عموم تلگرامات تلگرافخانه های مربوطه .
- ۷- مراقبت و تفتیش یومیه در اطراف مخابرات تلگرافی وغیره امورات مربوطه .
- ۸- ترتیب دفتر استهلاک عمومی دستگاهها و تعمیرات مربوطه تلگرافخانه ها .
- ۹- ترتیب دفتر مأمورین تلگراف .
- ۱۰- ترتیب و حفظ هدایات وقوایین وغیره منجد المال های قابل تعییل .
- ۱۱- ثبت اجرآت و امورات لازمه مهه در کتاب رویداد مدیریت .
- ۱۲- تکمیل واجرای ترمیمات تعمیرات مربوطه مدیریت تلگراف .
- ۱۳- تحقیقات واجرآت در اطراف اغلاط تلگرامات صادره واردہ .
- ۱۴- مراقبت در اطراف اخلاق واجرآت وبا بنده مأمورین تلگراف
- ۱۵- سنجش الفاظ شماری ومحصولات تلگرامات مطابق به قاعده بین المللی و نرخ نامه معینه آن .
- ۱۶- ترتیب دفتر اساس و سنجش ابتدائی آن و سه دن را پورتاهای مذکور به چک افس و کستروول وزارت .
- ۱۷- تابلوی ماهوار و تطبیق نمودن آن بخزانه .
- ۱۸- ترتیب کتاب ادرس تلگرافی وتحصیل بول وغیره اجرآت اصولی آن به واير مربوطه .
- د- شق مدیریت ارتباط و محاسبات خارجه :

- مدیریت ارتباط و محاسبات خارجه در سال ۱۳۲۴ توانسته است که فقرات ذیل را انجام بدهد .
- ۱- حسابات تلگرامات واردہ و صادره سال ۱۹۴۴ و ۱۹۴۵ هند ترتیب و راجع بتادیات آن  
حل و فصل گردیده ،



- ۲۳ - پرداخت تادیات به معماله خارجه با بت معاملات امور زمینی و هوایی و پارسلاط و تلگرامات.
- ۲۴ - ترجمه بفارسی تماماً مکاتیب سفارشی و عادی مطبوعات و پارسلاط وغیره واردہ مما لیک خارجه که به شعبه واردہ میرسنند.
- ۲۵ - ترجمه مکاتیب انگلیسی و فرانسوی بفارسی وبالعکس از فارسی به لسانهای مذکور.
- ۲۶ - «فارسی مقررات مربوطه قوانین بوستی تلگرافی و پارسلاط بین المللی».
- ۲۷ - اقدامات جهت تحصیل پولهای باقی ذمت سفارت خانه‌های خارجه مقیم کابل با بت سالات گذشته.
- ۲۸ - موافقت در باب تبادله مجانی خریطه‌های سیاسی بین حکومت پادشاهی افغانستان و دولت اتازونی امر بگذار.

#### شق مدیریت اجرائیه:

- ۱ - قبل از این در حدود مقابل ولایت کابل یک تعییر کوچک برای پسته خانه شهری موجود داشتیه وولی برای اینکه ابادی زیادی در حدود ده افغانان و نزدیکی های دروازه عمومی ولایت کابل بعمل امده پسته خانه شهری نقل داده شود یک موضع را در آنجا خریداری و ترتیبات ساخته‌مان یک تعییر عصری برای پسته خانه مذکور گرفته شد چنان‌چه تعییر مذکور را در سال ۱۳۲۴ توسط شرکت عمران تکمیل گردیده که قسمت فوکانی آن دارای شش اطاق و قسمت تجتیانی آن دارای شش دکان می‌باشد.
- ۲ - چون در عمارت موجوده وزارت پست به کمی اطاق و گراج محسوس گردید تصمیم گرفته شد که از یک حصه زمین فالتوی وزارت پست استفاده نموده و احتیاجات خود را تاحد ممکنه تکمیل نماییم - چنان‌چه یک عمارت که قسمت تجتیانی آن دارای سه عدد گراج و قسمت فوکانی آن دارای چهار اطاق است در خود وزارت پست تعییر و تکمیل گردیده.
- ۳ - در حکومتی کلان غرنی یک تعییر عصری برای دوایر پستی وغیره قبل م وجود نبود در سال ۱۳۲۴ تعییر عصری پسته تیلفون و تلگراف اغاز و کار آن قریب ختم است.

#### شق مدیریت کنترول وزارت پست:

مدیریت کنترول وزارت پست از ابتدای سال ۱۳۲۰ به این طرف توانسته است که حسابات ادارات تجتیکی و اداری را حسب مطلوب ترتیب و انجام بنماید چنان‌چه تا بلوی سالات سابق از سال ۱۳۱۹ و ۱۳۲۰ و ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ را در سال ۱۳۲۴ ترتیب داده و کندا حسابات سال ۱۳۲۲ الی ۱۳۲۴ تصفیه و تابلوهای ماهواره را حسب نظریه وزارت مالیه در اوایل ماه نو بوزارت مالیه سپرده است به اساس آن الی اخیر سال ۱۳۲۴ عموماً تابلوهای ماهواره وزارت پست و تلگراف و تیلفون باوجود یکه ادارات وزارت پست شفوق تجتیکی است تابلوهای ماهواره را رونقی داده که در اختتام برج تابلو مرتب و بوزارت مالیه تقدیم شده است.

مخابرات ولایت قطعن :

- ۱ : - یک لین تیلفون طور اساسی و اصولی از قندوز بطرف حضرت امام صاحب تمدید گردیده که در برج دلو سال جاری مخابره در آن جربان یافته است
- ۲ : - ترمیم و اصلاحات لین عمومی از پلخمری الی خان آباد بمسافة ۳۴ کروه
- ۳ : - در شهر نوی بغلان یک سو چبورد پنج لینه نصف گردیده که اذان برای عموم دوائر مربوطه ولایت لین داده شده است
- ۴ : - برای اینکه مخابرات تیلفون فيما بین حضرت امام و قندوز ر قلعه ذال طور مطلوب جریان داشته باشد ، در اب دریای قندوز یک سو چبورد پنج لینه نصف ولین قندوز و حضرت امام و قلعه ذال به آن وصل گردیده است
- ۵ : - بواسطه که مخابرات شرکت قند بدون کدام معطلی اجراء شده باشد . حسب امریه مقامات مربوطه برای شرکت مذکور یک سو چبورد (۱۰) لینه نصف ولین های دوائر شرکت مذکور به آن وصل گردیده است

امور مخابراتی حکومت اعلای بدخشان :

تمدید لین تیلفون از حصه مرکز حکومت اعلی الی کوف درواز که یک موقع کهنسارو سرحد برف گیر بوده فعلاً تاخواهان امتداد یافته که علاقه داری خواهان واهای آنجا ازان استفاده کرده میتوانند ویا یه های آن تابغود کوف نصب گردیده است



## امور معدن

وزارت معدن در جریان سال ۱۳۲۴ متناسب به توان ووسایطی که برایش مهیا و ممکن بوده اقدامات خود را به تعقیب اجرا آت گذشته در قسمت بلند رفتن عایدات و بهبود و اصلاح امور معدن جاریه دوام داده و چون اجرا آت این شعبه به صنایع سنگین تعلق میگیرد اجرا آت خود را بدون وسائل ماشینری و خارج تطبیقات تختیک طوریکه لازم است پیش بزرده نتوانسته و بوضعیت فعلی جز نتایج محدود مرام حقیقی بdst نمی آید، از آنجا که پیشرفت و ترقی مسایل معدنی به فن وضعیت ارتباط مستقیم دارد و منوط و مربوط به تحقیقات جیاوجی، و نقشه برداری و برمه کاری وغیره عملیات فن میباشد تازمانیکه ذخایر وقابلیت استخراج معادن مملکت عزیزما از روی عملیات واکنشافات فنی بد رجه اثبات نرسد افاده در امور استخراج بالوازم غیرفنی مسئله قبل از وقت بوده بسا اوقات نتایج آن مجرم به خسارة فاحش وناکامی بزرگ میگردد بهمن جهت تمام رشته های متعلق به کار معدن ایجاد تشکیل مؤسسات فنی و موجودیت متخصصین و تهیه اوازم ضروریه و آلات تختیک را مینماید که در ایام جنگ بواسطه موجود بودن وسائل لازمه عملی کردن پروگرام کشفیاتی واستخراج معادن معطل ماند واکنون که جنگ دنیا ختم گردیده وزارت معدن مجدد آاحتیاجات ضروری خود را بمقامات رفیعه پیشنهاد و به استخدام گروپ های متخصصین و تورید سامان و آلات معدن گنی داخل اقدامات میباشد.

اجرا آتی را که این وزارت در جریان سال ۱۳۲۴ با در نظرداشتن مشکلات فرق تو سط چند نفر متخصصین قبیل داخلی و سامان ساده معمولی بعمل آورده با صورت واردات واوضاع چگونکی معادنیکه تحت کار و عمل میباشد بطور اختصار در ذیل شرح داده میشود:

۱- راجع به امور معدن نمک : این امر به تحقیق و اثبات رسیده که مهندسین و بزرگترین معادن موجوده مملکت عزیزما نمک طعام بود و تا حال دیگر معادن مکشوفه ما از حيث مقدار و ذخایر کافی و اندازه عایدات ورفع حوايج ضروریه با معادن نمک رقابت کرده نتوانسته و فعلاً بقسم سرچشمہ وارداتی وزارت معدن به سرمهای مملکت مقادیر بزرگی میرساند.

(۱) معادن نمک نوع سنگی : معادن نمک ولايت قطفن و بدخشان که جنساً از رقمنگی و معدنی

بوده و در نواحی نمک آب و چال و قراق و کلفگان وجود دارند دارای مخازن بسیار وسیع و از قدیم الایام در تحت کار بوده واستخراج آن بیک بیمانه بسیار وسیع رفع احتیاجات مهم حیاتی را میکند باوجودیکه معادن مذکور به احتیاجات بشری از فرنها باین طرف خدمت نموده و در اثر حفر گودال های نامنظم و بی ترتیب غیر فنی سالانه در حدود الملا تنه نمک (وزن هر تخته تقریباً از ۵۰ تا ۴۰ کیلو گرام) استخراج میشود بازهم این نمک استخراج شده در مقابل ذخایر طبیعی

معدن یک مقدار خیلی جزوی مشاهده میرسد پس میتوان گفت که نظر به وسعت ذخایر آن به اولاد آینده این خاک نیز تازمان متعدد خدمات زیادرا انجام داده و مفاد هنگفتی به واردات مملکت تقدیم خواهد کرد.

از نقطه نظر طبقات الارضی تشکیل معدن نمک ولایت قطعن از دوره سوم طبقات الارضی بوده و در معدن نمک آب و چال سنگها و موادیکه در تحت آن طبقه نمک وجود دارد مشتمل از سنگه چونه خاکی، کانگلومرات، سنگهای رسکی سرخ، خاک سرخ زراعی و گلی میباشد، ضخامت بوش طبقه خاک بالای نمک از ۲ تا ۷ متر اما ضخامت طبقه نمک تا حال معلوم نشده (در بعضی مواضع گفته میشود پنجاه متر و در بعضی قسمتها الی ۱۰۰ متر ضخیم دانسته میشود) تناسب گل بالای طبقه نمک تقریباً ۱ نسبت ۶ یا ۱ : ۸ میباشد و در هوای آزاد شرایط بکار انداختن یک جای وسیع از این بهتر و مساعدتر نمیباشد، بهمین جهت اگر جاهای حفریات شده کم وسعت نمک کنی که فعلاً در حجم طاقچه خاکه و خم خیران در معدن نمک آب زیر کار میباشند یک منطقه وسیع تبدیل بشوند کار صورت اقتصادی بخود مگردد و از همه اولتر لازم میشود که بعد از تحقیقات سروی (نقشه برداری) مساحتی معلوم مکمل از ضخامت طبقه نمک کرده و بعد از نقطه مدخل معدن (نقطه که از انجا جر زده تا به متن معدن میرسد) معین و به کار حفر یات اساس واستخراج اصولی نمک شروع شود، منجمده معدن نمک ولایت قطعن چون در حال حاضر صرف معدن نمک آب مر بوط تالقان تحت کارو عمل میباشد وزارت معدن که اکنون وضعیت دنیارا مساعد یافته باسas راپورت عزمی مسنجی انگلیس مفکوره و نظر یاتی برای بهبود آینده معدن مزکور قایم نموده که در اثر استخدام بعضی متخصصین اولاً کار استخراج معدن نمک آب از وضعیت مبتدی یا نه موجوده یک شکل و ترتیب فن جدید مبدل گردند تا نقل نمک از موقع فروش و ترتیب وزن آن تهیه یک قسمت سامان و آلات لازمه از قبیل واگون ها و خط ریل وغیره مورد احتیاجات میباشد که سرو صورت کار زن ریشه متخصصین مذکوره انجام داده خواهد شد. شفلاً راجعه استخدام یکنفر متخصص و یکنفر معاون مینباشد که اقدامات جاریست بعداز ورود متخصصین سامان لازمه استخراج و نقیه نمک را تهیه در سر معدن ارسال میشود تا بخواست خداوندی مشکلات فعلیه رفع و کار به ترتیب صحیح و صورت فنی صورت بگیرد. چون در اثر اقدامات فوق شکل اجرآت معدن نمک تالقان از وضعیت موجوده تبدیل خواهد یافت آنوقت بهر موضع که کار اقتصادی باشد گدام اساسی و تعییرات لازمه بنا خواهد شد و در هر موقع که کار ذخیره و فروش نمک بیشتر تمرکز بگیرد ساختمان پل اساسی که بالای دریای نمک آب زیر نظر میباشد هم تحت تعییر گرفته خواهد شد، نقشه و برآورد تعییر مذکور تکمیل و بمجرد رسیدن متخصصین تحت ساختمان گرفته میشود.

فهلا آ دواير مدیریت معدن و موضع فروش موجوده در طاقچه خانه میباشد که مفاصله تخمین پنج میل از خود معدن فاصله دارد برای حفاظت نمک های ذخیره در جریان سال ۱۳۲۴ تعمیر یک گدام موقعی در موضع طاقچه خانه زیر ساختمان گرفته شد هنگامیکه موضع گدام اساسی معین و این گدام مو قتی متوقف شود در ثانی محل اقامتگاه خردیاران نمک قرارداده و بصورت کرانی در دسترس اشخاص کار وانی گذاشته خواهد شد.

خلاصه در جریان سال ۱۳۲۴ کارهای استخراج و وسایل فروش نمک تا لقا ن بصورت معمول و اطمینان بخش جریان داشت، در سر معدن و گدام طاقچه خانه متوجه وزار (۴۲۱۹۸) گده نمک ذخیره و عمل فروش نمک تا اخیر بر ج دلو بطور یقین (۶۹۰۹۴۶۲۹) افقانی رسیده است.

#### (ب) معادن نمک نوع رسوبی : علاوه بر معادن نمک ولایت قطفن بدیگر ولایات افغانستان

بجز ذخیره های بزرگتر نمک آبهای نمکدار تشکیل و مترسب میگرددند به مقدار وافر وجود داشته و بمصارف خوراک، احتیاجات اهالی خدمت شایانی انجام میدهند مثل نمکسازان خوشی مر بوطه حکومت اعلی مینه، نمکساز غوریان مر بو طه ولايت هرات و نمکساز راشق غان و نواحی مر بوطه ولايت مزار شریف و نمکساز قندھار و فراه که نمک های مستقله این معادن علاوه برخور را که انسانی و حیوانی در آش دند پوست های قره قل به بیمانه خیلی بزرگ مخصوصاً در روایات شمال مملکت بمصرف میرسد و موجودیت این نوع نمک ها و شوره زارهای نمکی به آنقدر وسعت و وفرت در دست های یهناور و گوش و کنار مملکت عزیز بمالحظه میرسد که نظر بوسعت آن تحت اضطراب و کنترول صحیح آمدند توانسته و راه های کوچی و چادر نشین غایلباً مصارف نمک کار آمدند خود هارا از همچه شوره زارها تهیه میدارند فعلاً مسايل کنترول آن تحت غور و نظر حکومت بوده زیرا از بعضی انواع نمک های رسوبی که بعدهادر اطراف آن مفصل بحث خواهم کرد مواد کارآمد طبی و صنعتی است جصال میشود که مفاد بزرگ افتتاحی از آنها متصور است، علاوه چشميهای معدنی و نمکدار در گردن و نواحی مملکت ها بکثرت وجود دارد که برای معالجه بعضی امراض از نقطه نظر خواص طبی آن مفید تابت گردیده است.

عمل فروش نمک مدیریت نمکسازاند خود در جریان سال ۱۳۲۴ تا اخیر بر ج داو بطور یقین مبلغ (۵۰۹۶۱۳۷۲) افقانی بالغ گردیده است و اگر یکماهه بر ج حوت را طور تخمین بحسات بگیریم واردات سال تمام آن در حدود (۹۵۰۳۵۱۲۰۹) افقانی بالغ خواهد شد که نظر به عمل سال گذشته در تزئید میباشد.

عمل معدن نمک تاشق غان مر بوطه ولايت مزار شریف تا اخیر جدی ۱۳۲۴ ده ماهه طور یقین مبلغ (۱۳۲۴) افقانی بالغ شده و اگر دو ماهه اخیر سال بصورت تخمین سنجش و بر آن افزود گردد

عمل سال تمام آن بالغ به (۳۰۰۰) افغانی خواهد رسید که نظر به عمل سال گذشته در تردد میباشد کمی عمل فروش اینولايت از اين باعث میباشد که در قسمت هاي مجاور ولايت فقطن و اندخوي نمك مصارف کارآمد ولايت مذكور از نمکسازهای آنجاها وارد و بمصرف ميرسد .

عمل نمکساز فندهار بر طبق عمل سال گذشته به مبلغ (۲۱۵۷۳۵) افغانی به اجاره داده شده و عمل نمکساز غوريان هرات را اهالي آنولا مبلغ (۳۰۰۰) افغانی بر محصولات خوش افزاود و تاديه آنرا قبول کرده اند ، حاصلات نمک چشمهاي اشير شهرغور بند که برای حفظ صادرات روده بکار ميرود چيزی بيشتر از عمل سال گذشته به اجاره داده شد و جنس مستحصمه مقدار (پنجاه و پنج) خروار نمک از چشمهاي نمکدار به عملیات تغيير بدلست آمد که فروش آن بالغ به (۳۰۰۰) افغانی ميگردد .

#### (ج) مواد مستحصله کارآمد طب و صنایع از نمکساز تاشقرغان :

طور يکه در سالنامه سال گذشته مختصري در اطراط استحصله موجودیت مواد مذکور از آبهای نمکدار تاشقرغان شرح داده شده بود نتائج امنجانی که در جريان سال ۱۳۲۴ توسيط يك منفر متخصص هندی بعمل آمد بفرض مزيد معلومات خوانندگان محترم تذکار ميدهيم :

از آب هاي نمکدار تاشقرغان علاوه بر استحصله نمک طعام تصفیه شده بدر جات مختلف حرارت مواد مگنیزیوم کلوراید ( $MgCl_2$ ) و مگنیزیوم سلفیت ( $MgSO_4$ ) و سود بوم سلفیت  $Na_2SO_4 + loHo_2$  کارآمد طبی و صنعتی بدلست می آيد ، جون نظر به ملاحظه راپورت عز تمند مسترجی انگلیس موجودیت مقدار ۸۴ فیصد مواد مگنیزیوم کلوراید در آبهای نمکساز تاشقرغان نشانده شده بود برای اينکه مگنیزیوم کلوراید مذکور در ساخت يك نوع سمنت مصنوعی بنام زودل سمنت (Sorale cement) بکار ميرود وهم در اثر تصفیه و بدلست آوردن باقی نمک های تلغی صفات نمک طعام مستحصله بلند رفته باعث جلب توجه خريداران و ترقی عمل آن ميگردد نظر به اهمیت موضوع وزارت معدن در سال ۱۳۲۴ برای ترتیب کار عملی و تحقیقات لاب آوار (تجزیه خانه) نمکهای مذکور يك منفر متخصص نمک را از حکومت هنداستخدام و دربر ج سنبه بالای معدن تاشقرغان فرستاد نامبرده برای اينکه غلطت آب نمکساز تاشقرغان را از ۱۳ درجه بومی به ۲۴ درجه بومی که نقطه منتهای غلطت یا ترسیب میباشد بر ساند ترتیب ساخته اند

یک سیستم حوض های ذخیره و نمک گیری را رویدست گرفت و برای اجرای این عمل آب نمکدار از چاه های حفر شده ذریعه جویچه ها که  $\frac{3}{4}$  میل فاصله دارده حوض یامخزن نیکه  $80 \times 80$  فت مساحت و ۱۸ تا ۲۰ انچ عمیق ساخته شده انتقال و ذخیره میگردد تا ذریعه حرارت آفتاب غلظت آن به ۲۴ درجه بومی بر سد در همین وقت که غلظت صورت میگیرد جو یچه که مخزن و حوض تبخیر را مربوط میسازد باز کرده میشود تا آب در حوض تبخیر جریان یافته و سود یوم کلوراید (Na Cl) یعنی نمک طعام بین ۲۸.۵ و ۲۹ درجه بومی شروع به ترسیب میکند و از دیگر نمک ها جدا گردیده نمک طعام خالص استحصال میشود ، و در صورتیکه درجه غلظت از ۲۹ به ۳۰ درجه بومی تزویید گردد از دیاد آن باعث تشکیل نمکهای مگنیزیوم گردیده و نمک طعام را ناخالص میسازد ، هرگاه در حوض های نمک گیری تاشقرغان حاصلات تحت عملیات گرفته شود هر حوض آن (۲۵۰۰۰) افوانی حاصل میدهد بعداز اینکه درجه غلظت آب نمکدار به ۷۷ ر ۳۳ درجه بومی بر سد و آب مذکور گذاشته شود که به ۸ درجه سنتی گردید سرد گردد بلور های مگنیزیوم سلفیت آبدار یا جلاپ مگنیزیوم ته نشین میگردد و هر وقت که حد او سط درجه حرارت در انتای ۲۴ ساعت شباروز به ۱۲ درجه سنتی گردید یا کمی تا و بالا بر سدموسم استحصال تغیری مگنیزیوم سلفیت آبدار شروع میگردد و برای انجام مقاصد ادویه طبی میباشد مگنیز یوم سلفیت دوباره در آب بلوری گردد ، در این مورد مگنیزیوم سلفیت که ۸۷ فیصد خالص باشد به تاشقرغان یا کابل نقل و سپس تحت نگرانی مناسب ذریعه آب خالص دوباره بلورین کرده میشود زیرا آب خالص و صاف در تاشقرغان موجود نیست و انتقال مگنیزیوم سلفیت غیر خالص به کابل یا تاشقرغان امر لازم است ، از روی عملیات و نتایج کیمی اخانه معلوم گردیده که از مقدار دوهزار مکعب سنتی متر محلول به غلظت ۷ ر ۳ درجه بومی به اندازه (۲۰۰) گرام مگنیزیوم سلفیت آبدار حاصل میشود ، این ماده که بنام جلاپ تالخ یاد میشود در صنایع تاردوانی ، رنگ سازی و رنگمالی مورد استفاده قرار داده میشود اما استعمال مخصوص و مهم آن در انجام دادن حاصلات پخته بی عمل می آید ، برای مواد ضد آتش نیز بسکار میرود استعمال آن در امور طب آنقدر شایان اهمیت و زیاد است که در اینجا تشریفات آن بعمل آمده نمیتواند مگنیزیوم یوم کلوراید (MgCl<sub>2</sub>) که برای ساخت سمنت مصنوعی بسکار میرود و در آبها

## د اخله وزارت



وزیر دا جو س، غلام فاروق خان  
د مخصوص قلم خدار ۱۳۰۴ محمد صدیق خان

### الف - اداري بریاست:

معین اواداری رئیس ۱۳۰۴ س، محمد فاروق خان  
کنسرٹور خدمتی خدار ۱۳۰۴ محمد سعید خان  
لهمه عازیز بوس سر ۱۳۰۴ عبدالرحیم خان  
خواجہ محمد خان

### ب - امنیتی بریاست:

امین دا رئیس ۱۳۰۴ شاهزاد خان  
د شکرانو خدا ۱۳۰۴ محمد اکبر خان  
د تھبہ ۱۳۰۴ محمد جا نخان  
د سرحدی شورست کنسلل ۱۳۰۴ شاهزاد اکبر خان  
(صلاحیاتی احتمام) ۱۳۰۴ س، عبد الباقی خان  
امین مدیر ۱۳۰۴ شاهزاد خان  
د صافی خدا ۱۳۰۴ سراج محمد خان  
د پاسپورت ۱۳۰۴ محمد ابراهیم خان  
د رونگا نهضت کنسلل ۱۳۰۴ صراحت خان د دکتور معاون  
د اوایزو ۱۳۰۴ سهراب الدین خان

### ج - د احصائی بریاست:

احصائی رئیس ۱۳۰۴ شاهزاد امین خان  
د بریاست هادون ۱۳۰۴ محمد مخصوص خان  
د احتجکر مدیر ۱۳۰۴ شاهزاد خان

### د - د تفتیش بریاست:

د تفتیش رئیس ۱۳۰۴ س، عبدالله خان  
اداری خدار ۱۳۰۴ س، عبدالله خان

نمکسارتاشقرغان ر<sup>۴</sup> فیصد وجود دارد برای استحصال آن آبهای فضله که خیلی ها غلیظ باشد استعمال میشود ، از نمکسارتاشقرغان آب فضله به ۳۴ درجه بومی بسهولت استحصال و برای این مقصد تصفیه میگردد ، استعمال اصولی و تغذیه کی مگنیزیوم کلوراید همانا مصرف آن در اندازه دادن تارهای ینبه ئی است که از باعث داشتن خواص جاذب الرطوبت آن استعمال میشود تا پنهان رامرطوب نگاهداشته و نرم و دمدارش بسازد ، استعمال دیگر آن در ساختمان زورل سمنت یا (اکزی کلوراید) میباشد که این ماده در نتیجه اختلاط با مواد مگنیزیوم (MgO<sub>3</sub>) این ماده معدنی خبلی ارزان و در محمدآغه لهو گر معدن بزرگ و ذخیره کافی دارد و بسهولت مبدل به مگنیزیوم اوکساید میشود) کثرت استعمال این سمنت را در افغانستان واضح میسازد . سودیم سلفیت (Na<sub>2</sub>SO<sub>4</sub>) هر گاه محلول نمک خوب غلیظ نباشد و از ۳۰ درجه بومی یا تر باشد بلورهای سودیوم سلفیت جدا نمیگردد و این عملیات بدرجات یست حرارت که از صفر بایان تر باشد صورت میگیرد ، نمونه نمک آورده کی تاشقرغان که ۲۰ فیصد مگنیزیوم سلفیت را دارا بود ذریعه تجارب مقدار (۵۰) گرام سودیوم سلفیت آبدار ازمقدار (۴۲۰۰) مکعب سانتی متر محلول فضله بدست آمد ، این ماده ذریعه رنگمالها بطرور بلور و بصورت بی آب در کساختن قوی رنگها و دریکسان نیگاهداشتن عملیات رنگسازی استعمال میگردد برای ساختمان تاردوانی و پنهان تابی و ساختن سودیوم کاربنیت یا مصالح صابون و شیشه سازی وغیره بمصرف میر سد طور یکـه مستر چندرا کـات متخصص در رایپورت خویش توضیح نموده در اثر مطالعات و تـایج امتحانی لابر اتوار علاوه بر نمکظام سه مواد فوق المـذکـورـیـزـ بـدـسـتـ مـیـ آـیدـ کـهـ اـزـ نـقـطـهـ نـظـرـ طـبـیـ وـ صـنـعـتـیـ دـارـایـ اـهـمـیـتـ زـیـادـ بـوـدـ وـ مـقـدـارـ (۴۰) سـیرـ موـادـ مـگـنـیـزـیـومـ کـلـورـایـدـ مـسـتـحـصـلـهـ تـاشـقـرـغـانـ کـهـ اـزـ حـاـصـلـاتـ سـالـ ۱۳۲۴ بشـعـبـةـ تـجـارـتـیـ مـکـتـبـ صـنـایـعـ بـغـرـضـ اـمـتـحـانـ سـاخـتـ سـمـنـتـ مـصـنـوعـیـ تـحـوـیـلـ دـادـهـ شـدـهـ قـیـمـتـ فـعـلـیـ آـنـ اـزـ روـیـ بـرـآـورـدـ اـبـدـائـیـ فـیـ سـیرـ ۶۴۹ اـذـفـانـیـ سـنـیـجـشـ گـردـیدـهـ استـ . برای اینکه از نقطه نظر خواص و صفات طبی مواد مگنیزیوم سلفیت و سودیوم سلفیت مستحصله تاشقرغان با مواد ادویه خارجی تطبیقات کرده شود یکمقدار نمونهای آن بوزارت جمله صحبه ارسال گردیده تا ذریعه دوکتوران مربوطه در اطراف استعمال و تجزیه آن تحقیقات لازم بعمل آورده بعد از اطمینان مقدار احتیاج کار آمد دواخانهای مرکز را با اندازه قیمت های آن معلومات بدھند ، چون در اثر تحقیقات امتحانی نتایج مطلوب از آبهای نمکدار تاشقرغان حاصل

میکردد وزارت معدن ترتیب استحصال نمکهای مذکور را بdest گرفته که در جریان سال ۱۳۲۵  
تصویرت اجاره یا غیر آن تحت عمل باید و امکان پذیر است که بواسطه حفرچاه ها و ترتیب حوض  
های متعدد نمک طعام خالص و مگنیزیوم کلوراید و مگنیزیوم سلفیت و سودیوم سلفیت به بیمه  
مطلوب از آبهای نمکدار تاشقرا غان ۱- استحصال شود و رقبه نمکدار که فعلاً تحت کا  
در آمده چون منطقه خور د میباشد کارات آنرا در آینده توسعه داده خواهد شد و برای  
توسعه آن رقبه اطراف نمک نقشه برداری و سردی بکار دارد که نوبت ریگ نمکساز  
و پیدایش آب نمکین معلوم کرده شود بعد از انجام کارات سردی در صورت امکان در رقبه  
نمکساز مذکور مخزن ها ساخته و در قسمت دیگر آن چاه های آب حفر و حوض های آب باهم  
مربوط گردیده ساختمان خطوط واگون وغیره زیر تجویز گرفته خواهد شد برای مقاصد استحصال  
مواد مذکور لازم است که همیشه درجه حرارت و غلظت محلول تحت کنترول قرار گیرد از ازو  
آلله بومی و ترمامتیر (مقیاس الحرارت) برای معلومات حداقل واکثر حرارت و فهرست آب و هوای  
روزانه آن تهیه دیده خواهد شد و چون عملیات استحصال نمک های متنوعه یک اقدام خیلی جدید  
میباشد پس از امورات آن متدرجاً قرار نظریه منخصص مذکور توسعه داده میشود بعد از  
انقضای موعد اساسی چند سال و پیدا شدن تجارت عملی آسگاه تمام تجویز تحت عملیات قرار  
خواهد گرفت و به اساس حاصلات بدست آمده مواد ولوزم ضروریه تهیه خواهد شد.

دوهم - راجع به معادن ذغال - نظر به اینکه مملکت عزیزمایشتر به مواد محروم احتیاج دارد  
وزارت معادن به تاسی از نظریات قیمت دار حکومت متبوعه در این قسمت توجه زیاد داشته و از نقطه نظر قلت  
محروم احتیاج شدید شروع این کار را بد رجه اول قرارداده است، تا جاییکه امکان داشته برای  
اثبات و ترقی دادن ذغال و اکتشافات زیید اقدامات صحیح اتخاذ گردیده ولی این مسئله به وضاحت  
رسیده که طبقه ذغال دار وسیع شمال هند و کش واقع است و مخازن زیاد ذغال خوب و مقادیر  
ذغال عصر جورا سیکم در صورتیکه از نقطه نظر جیالوجی نقشه های دقیق و تحقیقات اساسی کرده  
شود از مناطق شمال افغانستان توقع کرده خواهد شد لکن پیدا کردن ذغال بزرگ و افزایش  
در قسمتهای مرکزی و جنوبی و مشرقی از نقطه نظر طبقات الارض (Geology) غیر قابل تصویر  
بنظر میرسد زیرا اساختمان این قسمتها تعلق به عصر جوان تر تسری داشته ذغال قیمتی و قابل کار  
در عصر تر تسری افغانستان بسیار کم میباشد مگر ممکن است که در بعضی سطوح که موقعیت مناسب  
دارند نه نشین های ذغال قسم اینست میباشد (Lignite) اتفاق افتاده باشد ( مثل ذغال غور بند و لته بند

ودره کوت شوار وغیره ) این قسم ذغال ها برای استخراج آنوقت نافع نباشد مبهم است که یک مقدار کافی رقم خوب آن دستیاب شود لاین تا جایی که در معادن ذغال این اتفاق نشان تحقیقات ابتدائی واکنشافی بعمل آمده درخصوص موجودیت رگهای ضخیم و متعدد طور یافته ذخیره کافی و ذغال کار آمد را محتوی باشد نتایج تسلی بخش تا حال بدست نیامده است معاذن ذغال شمال همکلت نسبت بعد فاصله و مشکلات و گرانی تو انسیورت در حال حاضر احتیاجات ضروری کابل را رفع نمیتواند یگانه معدن ذغال که بسبب تزدیسکی مرکز به محرومیت فعلی کا بل خدمت میکند معدن ایشپیشه میباشد که در اطراف آن قرار ذیل معلومات داده میشود :

(۱) معدن ذغال ایشپیشه : این معدن در ۱۷۲ میلی شما کابل واقع است واز دواب میخ

زرین بطرف شمال شرق ۹ میل فاصله دارد ذغال آن از عصر جواه سیکلت و در تحت اثرات تختونیک و شکسته گی ها و بی انتظامی های طبقات الارض واقع گردیده و په هاو طبقات بالای رگهای ذغال خلیلی نرم و غیر منظم میباشد از این راستخراج ذغال بدون وسایل فنی و دادن یا یه ها مشکلات زیاد تو اید و حیات معدن کاران را تهدید میکند برای معلوم شدن وسعت و امتداد و ضخامت اصلی رگهای ذغال دار ایشپیشه و بر فک مدت سه سال از طرف هیئت سردی تحقیقات جیاوجی و نقشه برداری و برمه کاری در ان بعمل آمد و در شش اینز معدن بیست و یک صوف متوجه این اعماق مختلف بو سایل پایه بندی ترتیب داده شد در نتیجه موجودیت ذغال مذکور را در رابورت خویش مقدار (۲۱۶۰۶) تن تخمین نموده اند رگهای آن از حدود کرینیک تا علاوه بر فک امتداد دارد ضخامت رگهای آن در حدود ۲ متریا چیزی بیشتر ازان بمشاهده میرسد ولی در اثر بی انتظامی های طبقات الارض ضخامت آن زود زود تغیر یافته در بعضی قسمتها خلیلی باریک و بعضی مفقود واز نظر غایب میگردد ، جنسیت ذغال آن از روی خواص فزیکی و کیمیاوی ( سب بیتومن ) یعنی ما بین اینز و بیتومن حقیقی قرار داده میشود ، قسمت بزرگ که آن دارای استحکام زیاد نبوده از بعضی قسمتها ای معدن تکه های تازه استخراج شده آن در مقابل تاثیرات جوی و تابش مستقیم آفتاب از هم متلاشی و بخا که تبدیل میگردد بهمن چهت از روی خاصیت ذغال بود ری نامیده میشود ذغال مذکور مواد را غنی نداشته در جمله ذغال لاغر محسوب میگردد بهمن واسطه در موقع احتراق شعله زیاد تولید نمیکند ولی حرارت و دوام بیشتر دارد نتیجه تجزیه ذغال مذکور که به تفریق اینزها ( عدسیه ها ) ذریعه شعبه طبقات الارض هند وستان بعمل آمده در جدول ذیل نشان داده میشود :

امور معاندن

موجو ديت ذغال درقسمت (ب) ليمز نمبر (۵) = (۳۰۰۰) تن  
 » » ليمز نمبر (۴) = (۱۹۷۵) تن  
 مجموع ذخیره ذغال هر شش ليمز تمحين = (۲۱۶۲۰) تن

تجزیه ذغال مذکور که در سال ۱۳۱۷ در چهارمین بعمل آمده از روی تجزیه ذغال ایشپیشه را در جمله بهترین ذغال های افغانستان فامداد نموده و تجزیه مذکور اند که ذغال مذکور برای گلار خانه سمت سازی هم کارداده میتواند وحداقل کالاوری آزا (۵۰۲) و حدا کمتر کالاوری را (۵۶۴) معلومات داده اند یک مقدار نمونه آزا که بفرض امتحان کو کس در لاهور فرستاده شده بود از روی تجارت و امتحانات مقدماتی معلوم گردید که از این ذغال کو کس هم ساخته شده میتواند.

اضمیه قلت روز افزون معرفات در کابل در چریان سال ۱۳۲۴ برای رفع حوابیج محروقات زمستانی دوازیر ومصارف سوخت داشت های خشت پزی مرکز مقدار پنجهز ارتن یا (۸۸۴ خروار) ذغال از معدن مذکور استخراج و پروردۀ استخراجی آن ذریعه بناغلی عبدالله خان انجینیر عملی گردید کار اساسی استخراج از اول جوزا ۱۳۲۴ شروع شد و رو زانه ۱۱۷ نفر کاریگر در امور داخلی صوفها و گندام های ذخیره خدمت میکردند که در موعد ۲۱۵ روز مقدار (۴۵۶۵) تن ذغال از معدن استخراج شده و نجمله مقدار (۸۰۰) لاری آن بمر کسر بقل داده شده است.

برای اجرام کار استخراج نیز (عدسیه) نمبر (۳) از حیث نزدیکی بسرک و ووفرت ذخیره و قلت تغیرات رگه انتخاب گردید در عده مذکور روی هم در حدود (۷۲۰) متر پیشرفت بعمل آمده در از ترین صوف در این رگ عبارت از (۹۰) متر بوده و عموماً به میلان ۲۸ نیم درجه در عمق معدن پیش میروند پنج صوف در این رگ کشیده شده که آنها به تسلیم در سینه معدن بهم وصل شده اند، فاصله خط پیروزی آن عموماً (ده) متر انتخاذ گردیده برای وارسی دخول هوا سیستم کاربه طرحی عملی گردیده که همیشه بفاصله های هر یک ده متر از یک صوف بدیگر صوف راه رو های اصولی ترتیب گردیده با آنکه راه رو های مذکور مقصد استخراج را حاوی بوده ولی مسئله جریان هوا در رضون آن ملحوظ نظر نمیباشد، بهمین جهت صوفهای حفر شده دارای جریان هوای تازه بوده و عمله استخراج از معدن فعل امتحان به تصفیه هم ای (ماشین و تنبیهت). نمیباشد ولی در آینده به آن احتیاج پیدا خواهد شد، برای استخراج پمانه های بزرگ ذغال بدون وسائل فنی و تهیه اوازم ضروریه پیشبرد کار خیلی مشکل و بمصرف مشاهده میرسد چون نقلیه مقادیر بزرگ ذغال به ترتیب حمالی علاوه بر تو لید مشکلات واژ با درافتیدن کار یگران از نقطه نظر اقتصاد غیر مجاز نمیباشد، وهم کمین ذغال از اعماق معدن بوسیله بیل و کشندگی کار یگران را به مشقت گرفتار و به قیمت اقتصادی تمام نمیشود بنابران برای استخراج ذغال سه نوع ماشین حتمی و لازم است اول ماشین تجدید هوا برای تصفیه هوای داخل صوفهای

معدن، دوم ماشین و آلات کشندن ذغال، سوم ماشین و آلاتی که ذغال را از داخل معدن الی دهن صوفها نقل می‌دهد، فعلاً وزارت معدن راجع به تهیه و توزیع ماشین‌های مذکور داخل اقدامات مینمایش که برای معدن ذغال ایشپرته و کر کر تهیه و بیکار انداختن آنها را لازم میداند. در فوق تهیه کار داده شد که ذغال ایشپرته جنساً صورت خاکویودری از معدن استخراج میگردد چون بصورت خاکه مورد استفاده بخاری‌ها قرار نمی‌گیرد بنابراین در جریان سال ۱۳۲۴ از جمله مقدار  $\frac{1}{2}$ ، ۵۱۱ خروار ذغال خاکا و  $\frac{1}{2}$ ، ۴۸۸ خروار ذغال جفاله که ذغاله

(۸۰) لاری جمل و نقل بمرکز رسانده شده بود تخمین مقدار ۱۰۴۷ خروار خاکه آن به داشت‌های دوره وزارت وسائل علوم تحويل و در پیخت صالح تعمیراتی نتائج خوبی از آن اتخاذ گردید و مقدار باقیمانده که جهت تأمین محرومیت مرکز در نظر گرفته شده بود در فابریکه بریستکت سازی یک فیصد سرش کمایی (قسم مواد لجم کننده) و (۲۲) فیصد آب با خاکه ذغال مذکور آمیخته و ذریعه یک پایه ماشین موجوده در تحت عملیات بریستکت قرار داده شد در نتیجه این عملیات ذغال‌های بریستکت شده بصورت کمچه‌ها بدست آمده حاصلات ماشین در فی ساعت تخمین یک تن (یک تن = ۵ مر ۱۴۱ سیر) بعمل می‌آمد و بریستکت‌های حاصله در سایه و آفتاب خشک کرده می‌شد، وزن فیدانه بین یکت ۸ متنقل یا ۴۸۳ گرام ویکسیر رقم خشک آن عبارت از (۱۹۰) دانه مینمایش نتیجه تدقیقات لا برآتوار که در اطراف تجزیه ذغال بریستکت در مرکز بعمل آمده درجه حرارت ذغال بریستکت را در فی گرام (۶۷۴۱) کیا او ری و مقدار خاکستر آزا (۴۳۷۶) فیصد و اندازه آبرا (۱۲ مر ۷) فیصد شان داده شده است، در وقت سوخت ذغال بریستکت (۸۰ مر ۸) فیصد خاکستر در بخاری باقی میماند که یک قدری علاوه گری خاکستر باز کامل نسوختن ذغال بوقوع میرسد، وزارت معدن روی هم توسط یک پایه ماشین بریستکت مذکور در جریان یعنی ماه مقدار (۲۴۷۶) تن که مساوی  $\frac{1}{2}$ ۴۳۷۹ خروار می‌شود ذغال بریستکت ساخته تو است که با ذغال جفاله وارد مرویهم الی تاریخ ۷ حوت مقدار (۳۹۰۶ مر ۵۹) خروار آن بالای دوازده واهالی بفروش رسانده شده و بقیه موجود است.

امتحانات در اطراف شیره لبلیو در اثر تجارت امتحانی به اثبات رسید که هر گام عوض سرش کمای میلاس (شیره لبلیو) با خاکه ذغال مخلوط کرده شود به ذغال بریستکت است. کام زیاد می‌بخشد، فابریستکت قند بفلان که در سال ۱۳۲۳ یک پایه ماشین بریستکت طور عاریت از وزارت معدن گرفته و در سال ۱۳۲۴ آبرا در فابریستکت قند بکار انداخته بود با خاکه ذغال کر کر از ۱۵ تا ۱۸ فیصد شیره لبلیو آمیخته بریستکت می‌ساختند، با آنکه استحیکام بریستکت‌های حاصله شان جندین من می‌تبه

از بریکت هائیکه از مخلوط یک فیصد سرش در مرکر ساخته می شد، بهتر بمالحظه میرسید ولی حاصلات آنها کم و بعضی ترتیبات که برای خشک کردن ذغال در داش و چیدن ذغال در روی جالی ها وغیره اتخاذ کرد بودند بعد از قدری تجربه اصلاحات آن امکان پذیر معلوم می شد، وزارت معدن تصمیم گرفت که قرار موافقه، شرکت فندهای پایه ماشین تحویل داده گئی فابریکه را ایس گرفته در ایشپته یامر کر نص وذریعه میلاس بکار انداخته شود، در این اواخر برای تجارب امتحانی و اختلاط فیصدی میلاس لبلبو یک هیئت فنی در فابریکه قنار سال شد فراریکه هیئت مدکور هشت مرتبه امتحانات مختلف ذرعه میلاس به عمل آوردند معلوم گردید که از اختلاط یک فیصد میلاس و (۹) فیصد آب و دو فیصد میلاس و (۵۰) فیصد آب باخا که ذغال چنان بریکت های مستحکم بدت می آید که از هر حیث اطمینان بخش بوده و نظر به اختلاط سرش کاهی بقیمت اقتصادی تمام میشود، ولی بهمه حال خشک کردن آن ایجاب تمیر یک داش رامینماید، در باب عملی کردن این کار و نقل ماشین بریکت که در کجا نصب و بکار بیفتند وزارت معدن مصروف غور و مطالعات فنی میباشد، بعد از سنجش جنبه های اقتصادی آن تحت عمل واجرا فرار داده خواهد شد، فعلایک مقدار شیره لبلبو که از بغلان در مرکر آورده شده از روی تناسب فیصدی باخا که ذغال ایشپته آمیخته در اطراف نتایج آن امتحانات مقد ماتی جاریست.

موضوع تهیه چوب برای کار آمد پایه بنی معدن ایشپته :- فرازیکه تخمین میشود معدن ذغال ایشپته با آنکه نظر بندیگر معدن ذغال یک معدن غریب میباشد مدت بیست سال مصارف کابران تکمیل خواهد کرد بنابران نظر به نوع رسوبی بودن کوههای ذغال دار آن و اینکه طبقات آن نامنظم و انتظام ندارند لازمی است که استخراج ذغال به سیستم پایه بنی جریان داشته باشد و این سیستم همیشه ایجاد مصارف پیمانه بزرگ چونی رادر صوفها میدارد، در اوایل سال ۱۳۲۴ به تعداد (۵۲۴۱) اصله درخت چنار بسه درجه مصروف تقریباً دو ساله صوفهای معدن از بامیان و نواحی آن بقیمت خیلی ارزان خریداً ری شد و این کار ذرعه یک هیئت در تحت ریاست ع. محمد حasan خان مدیر عامه فنی اجرا یافت که خدمتش مورد تقدیر و اقامه وزارت واقع شد، برای کارهای پایه بنی آینده صونهای معدن مذکو نیز لازم می افتد که چوب کار آمد آن از نقاط بعیده وارد شود، زیرا گرد و نواح معدن چونی موجود نمیباشد و این کار همیشه مشکلات خواهد داشت، چون منطقه ایشپته بصورت یک دره شکل یافته و دارای آب جاری میباشد وزارت معدن تصمیم گرفته است کدره مذکور که خاوي هشتاد جریب زمین خواهد شد به تدریج نهال شانی شود و در موقعی که نهالها بر میرسند اگر از مصارف آنوقته معدن ایشپته اضافه میماند به معدن ذغال دره صوف که موجود بذغال آن در قسمت دره طور شب با شک

قرار را پورت هیئت سروی در حدود (۱۴۶۱۳۲۴) تن تخمین شده و در نظر است که راهی از که مرد به آن طرف کشیده شود بکار خواهد رفت و در غیر آنهم قیمت خود را گم خواهد کرد، در اثر پیشنهاد وزارت معدن یکنفر متخصص از ریاست وزارت در بالای معدن مذکور از سال و در این اوآخر صورت مصارف برآورد نهال شانی را بوزارت معدن تقدیم نموده باش آن به انجمنه معدن هدایت داده شد که زمین را جویه کشی و برای نهال شانی آماده بدارد در سال آینده به نگرانی متخصص زراعت موضع مزکور نهال شانی خواهد شد فعلاً در اطراف آن اقدامات جاریست.

**(ب) راجع به معدن ذغال کر کر بغلان: شرایط موقعيت و چگونگي اينزها و مابيل بودن رگهای**

ذغال کر کر تقریباً مشابه بمعدن ایشیشه میباشد فرقی که بخلافه میرسد، اینست که جدا کسر ضخامت لیزنهای ذغال کر کر در حدود زیاده از هفت متر میرسد، دارائی مقدار ذغال هائی که تا اکنون در ناحیه کر کر کشف شده در حدود پنج میلیون تن تخمین میگردد ولی معدن خبلی غنی تر از آن است که تا حال به آن اکتشافات به عمل آمده امتداد لیزنهای ذغال در حدود چهارده کیلومتر تخمین میشود و قسمت های باقیمانده مستلزم تحقیقات و کشیفات مزیده بوده و ذغالی که اکنون استخراج میشود در ضمن عمليات اکتشافی صورت میگیرد و عنوان الموضع به عمل اکتشافی قسمت های تا تحقیق شده معدن نیز ادامه داده خواهد شد.

معدن کر کر تقریباً درده میلی فابر یکه فند بغلان و موسسه نساجی پل خمری واقع است بنابران از حیث موقعیت و نزدیکی مرا کم صنعتی دارای اهمیت بسازانی میباشد، ذغالی که از معدن مذکور استخراج میگردد قسم ابودری و خاکه بوده در جنوب از گروپ ذغال نصواری بحساب میرود، و نظر به چندین تجربه تجربی که در اطراف تجزیه کی که در اطراف تجزیه آن بعمل آماده تابع آن فرار ذیل است :-

رطوبت به ۱۰۵ درجه حرارت ۰.۵ فیصد مواد مقاومه ۰.۴ فیصد کاربون معینه ۰.۵۰ ر ۷۴ فیصد خاکستر ۸ فیصد درجه حرارت از ۵۸۰۰ تا ۶۰۰۰ کاروری در یک قسمت معدن که ذریعه یک تعداد صوفهای امتحانی تحقیقات اکتشافی شده ضخامت رگه آن از ۲ تا ۸ متر بوده و ذغال آن تاعمق (۱۵۰) متر در حالت بودری باقیمانده، نسبت خاکه بودنش واژه که یک اندازه غاز

میتان (مارش گاز) بفرمول ( $\text{CH}_4$ ) در آن موجود است در جین عمليات استخراج گرد ذغال هوای معدن را کشیف و برای اتفاق مبتعد میسازد، اگرچه این معدن جدید الکشاف وجود آن میباشد و از حیث دارائی موقع متوسطی را اشغال میکند مگر با آنهم نسبت تمام معدن ذغال افغانستان ازان بیشتر استفاده کرده شده جمله مقدار ذغالی که در سالهای اخیر از معدن

مذکور استخراج گردیده و مورد استفاده مؤسسه ات ولایت فطعن قرار گرفته جزو آن  
قرار ذیل میباشد :

۱ - درسال ۱۳۱۹	$= ۹۳۵$	تن	
» ۲۴۰۱	$= ۱۳۲۰$	»	
» ۳	$= ۱۳۲۳$	»	
» ۴	$= ۱۳۲۴$	»	
جمله	$= ۱۴۰۹۸$	تن	

درسال ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ کار معدن مذکور معطل بوده قسمت بیشتر ذغال مذکور را  
فابریکه قند بغلان چهت سرخت کوره های بخار فابریکه مورد استفاده قرار میدهند و به عوض  
تیل دیزل کامساقاً از خارج مملکت به مشکلات و قیمت زیاد وارد میکردند استعمال میدارند  
بقیه ذغال استخراج شده چهت پخت مصالح شبکات تعمیر اتی ولايت فطعن بمصر ف میرسد .  
کار معدن کر کر درسال ۱۳۲۴ به اساس سال گذشته آن بصورت خوبی جریان داشت  
ویروزه استخراجی آن توسط بناغلی غلام علی خان مدیر کشاوری عملی گردیده است از برج  
جوza شروع کار تابرج عقرب سنه مذکو مقدار (۵۰۰۹) تن = (۸۸۶۰) خروار ذغال از  
معدن کر کر استخراج شده و شعب مربوطه تاختم کار قرار ذیل از معدن مذکور ذغال  
أخذ و نقل داده اند :

۱ - فابریکه قند بغلان	$= ۵۶۳۳$	ر	۳۱۸۴	تن	خروار	$= ۲۷۱$	ر	۲۷۱	تن
۲ - مأموریت تعمیرشش صد کوتی	$= ۲۰۸۷$	ر	۰۰	تن					
۳ - مجلس بغلان	$\frac{۱}{۶۳}$	ر	۹۲۷	تن					
۴ - تعیین شهرنو بغلان	$= ۲۳۶۵$	ر	۵۸۰	تن					
۵ - مدیریت نهر گورگان	$= ۲۰۶$	ر	۱۰۰۰	تن					
۶ - شرکت تعمیراتی ولايت مزار شریف	$= ۶۰$	ر	۱۶۳	تن					

منجمله مقدار اضافه گی آن از ذغال های استخراج شده سال گذشته که در سر معدن  
ذخیره بود بر داخته شده است ولايت مزار شریف که در جريان سال ۱۳۲۳ از معدن ذغال  
دره صوف برای پخت مصالح تعمیراتی ذغال وارد میکردند بسبب مشکلات راه و نبودن سر کن  
موقتاً ذغال کار آمد سال ۱۳۲۴ خودرا از معدن کر کر تهیه و نقل دادند و برای تسهیلات  
نقلیه ذغال دره صوف بین مزار شریف و نقاط ذغال دار دره صوف ساختمان سرک موترو  
زیر کار گرفته شده که درسال ۱۳۲۴ تا يك اندازه کار آن پیشرفت نموده واذ باز شدن راه  
و امتداد سرک مذکور ذغال دره صوف به صارف محروفات ولايت مزار شریف و نواحی  
مربوطه آن خدمات بزرگی را انجام خواهد داد .

راجح به امور معدن کشی و کشفیاتی : پلان و دستاير کار استخراجی و کشفیاتی از طرف

مدیریت عمومی فنی به معدن کر کر داده می شود لیکن اصول کشفیات و امور استخراج ذغال کر کر تا حال به بسیار صورت ابتدائی و ساده اجرا شده ، همچنان مسئله استخراج با اصول قدیمی وابتدائی در معدن مذکور معمول است کنندن ذغال با واسطه کلنگ و نقلیه ذغال از داخل صوفها در پشت اجوره کاران به ترتیب حمالی صورت میگیرد ، و ترانسپورت ذغال خارج معدن بواسطه موتور و بارگیر عملی شده است ، هوا رسانی معدن بواسطه ترتیب و بیوست کردن صوفها یکی بدیگر استفاده کرده می شود ، تغییر داخله ، صوفها ذرعه اریکین و چراغهای کلمسیوم کار باید اجرا میگردد پایه بندی صوفهای معدن تو سطح چو بهای عربوسفید دار استخراج کام داده می شود ، نوافض واردہ از باعث جنگ خانمان سوز جهان رخ داده که این معدن جوان و پر اهمیت مارامعروف فقدان ماشین های ترانسپورتی و استخراجی و هوا رسانی وغیره وسایل تختیکی قرارداده است ، با این بی دستگاهی اجرا آئی که در پیشبرد کارات این معدن از طرف وزارت معدن بعمل آمده مورد قبول و رضایت اولیه ای مملکت واقع شده است برای اینکه کارات آینده معدن بوسایل تختیکی بیش برود و زارت معدن دا خل اقد اما ات اساسی میباشد که برای معدن ذغال ماشین های کنندن و هوا رسانی و آلات نقلیه ذغال تهیه و بکار بیندازد چنانچه در قسمت اجر آت معدن ذغال ایشپنه تفصیلات داده است . اجرا آتیکه در قسمت امور کشفیاتی و استخراجی معدن مذکور بعمل آمده خلاصه آن قرار ذیل توضیحات داده می شود :

- ۱ - حفر صوفهای اکتشافی واستخراجی بداخل کوه در (۱۴) نقطه معدن رویهم ۴۰۶۳ متر

۲ - ترتیب نقشه طوبو گرافی منطقه ذغال دار کر کر به مقیاس  $\frac{1}{1000}$  به رقبه پنجاه مریع کیلو متر

۳ - « « جیالوجی » » » » » » رویدست میباشد

۴ - ترتیب نقشه طوبو گرافی منطقه کشفیاتی عمق طبقه ذغال به مقیاس  $\frac{1}{1000}$  به رقبه

صفر اعشاریه مریع کیلو متر

۵ - ترتیب نقشه مارکشید ری صوفهای معدن به مقیاس  $\frac{1}{1000}$

۶ - ترتیب نقشه پروفیل جرهای اکتشافی معدن به مقیاس  $\frac{1}{100}$

اندازه صوفهای اکتشافی از  $\frac{1}{2} \times 1$  الی  $1 \times 2$  متر

اندازه صوفهای استخراجی از  $2 \times 2$  الی  $\frac{1}{2} \times 2$  متر

## د هملايکتني دواړو و تشکیلات

د ولاياتو د احصائي د تفتيش مديري : ص، عبدالواحد خان

د تفتيش دریاست عضو	د	د
د : غلام نبی خان	د	د
د : عبدالکیل خان	د	د
د : عبداللطیف خان	د	د
د : محمد شیرین خان	د	د
د : محمد طاهر خان	د	د
د : میر حسام الدین خان	د	د

هـ - د ناقليې نو عمومي همديريت :

عمومي همديري	د : ع ، پاينده محمد خان
اداري	د : ص ، پاينده محمد خان

## د عدلیې وزارت



وزير : ع ، ج ، میر عطا محمد خان

معن : ع ، ص محمد امین خان (خوکانی)

داجرائي او د هماور ینو همديري : ص ،

د تعزير را تو همديري : ص ، فیض محمد خان

د ګستروول : د : ج ، محمد ناصر خان

د تعزير ریاست :

رئيس : ج ، ف عبدالکریم خان (حقانی)

غ ج، میر عطا محمد خان د عدلیو وزیر  
S.Ex. Mir Ata Mohammad Khan  
Ministre de la justice.



الموارد  
الفنية  
الجامعة



داند خواری د حکومت بوی عمارت

- ۳۶ - از مقتبای شرقی شهر جدید الی سرک اویه و رخ بدامنه جنوی زامی کوت سرک مستقیمی به عرض ۳۵ متر احداث گردیده است .
- ۳۷ از عقب عمارت دارالحکومه گی الی تخت صفر سرک مستقیمی و به عرض ۳۵ متر جدیداً کشیده شده است .
- ۳۸ - بعده بل مزار حضرت جامی پارک جدیدی احداث گردیده است .
- ۳۹ - کار تعییر دوایر حکومتی گذره اتمام یافته است .
- ۴۰ - تعییر دوایر حکومتی انجیل تکمیل گردیده است .
- ۴۱ - نظر بساعدت بامور معارف در موضع غیزان یک مکتب عصری تعییر گردیده است .
- ۴۲ - به سلسۀ مساعدت بامور معارف در موضع غور درواز یک مکتب عصری ساخته شده است .
- ۴۳ - امور عمرانی مربوطه قومندانی عسکری بنوبه خود در مرکز واطراف پیشرفت محسوسی نموده است .

#### امور عرفانی :

- امور معارف که برای تقویّه روح و تمیّه قوای معنوی افراد محیط در جریان است با این توجهات قیمتدار حکومت متبوعه پیشرفت های محسوسی نموده کهذیلاً به ترتیب تحریر می یابد :
- ۱ - نظر به توجه وزارت جلیل معارف یک مدرسه صحیح و عصری برای اطفال انسان تاسیس گردیده است و تا کنون دران یکصد نفر شامل شده است .
  - ۲ - مکتب متoscۀ سابق نظر به امر واردۀ وزارت جلیل معارف به لیسه تعدیل گردیده است .
  - ۳ - برای اثائیۀ مکاتب در حدود یک لک و هشتاد هزار افغانی منظوری حاصل گردیده است .
  - ۴ - به همکاری ارباب سرمایه برای اکثر مکاتب اطراف مفوروشات کافی تهیه گردیده است .
  - ۵ - برای پیشرفت و رونق سپورت هیئت ازورز شکار ان لیسه های مرکز بهرات دعوت گردیدند چنانچه هیئت موصوف در مدت توافق خود مسابقه های مختلفی نموده و از آن تأثیرات نیکی مشاهده رسید .
  - ۶ - در ریاست معارف برای تنظیم امور دفترداری ماموریت جدیدی بنام ماموریت اجر ائمه تشکیل گردیده است .
  - ۷ - یک ماموریت جدیدی در مرکز حکومت کلان غورات بنام ماموریت معارف منظور گردیده است .
  - ۸ - یکمده طلاب ناکام معارف که در هر صنف و هر مکتب از سال های گذشته بدون تحصیل مانده واستعداد آنرا نداشته به شعبات صنعتی تقسیم گردیده اند .

- ۹ - برای تشید علایق عرفانی بین طبقه جوان تاسیس یک کلوب و کتابخانه بنام کلوب (هیریوا) در نظر گرفته شده و مقدمات آن تهیه گردیده است .
- ۱۰ - یک فرائت خانه در کلوب مطبوعات نیز افتتاح گردیده است .
- ۱۱ - بجمع آوری تراجم احوال مشاهیر تاریخی هرات اقدام و راجع به تدوین مواد من کور در کلوب مطبوعات تعاطی احتکار و مذاکره وقتاً فوقتاً بعمل آمده است .
- ۱۲ - جهت پرشرفت کورس های زبان ملی چهار نفر معلمین جدید استخدام شده اند .
- ۱۳ - در پیشرفت کورس های پشت و سواد خوانی فرقه نیز جدیت و مساعی بازی از طرف منصبداران مربوطه بعمل آمده و نتایج بسیار اعلی بمشاهده رسیده است .
- ۱۴ - قطع اتفاق اسلام نسبت بسال گذشته بزرگتر و از تاریخ پانزده اخیر جدی به تقطیع قطع سابق اصلاح رسانده شده است .
- ۱۵ - در اداره مطبوعات مؤسسه جدیدی بنام یوهنی نزدیکی برای نمایش های عرفانی تاسیس و بیکار آغاز کرده است .
- ۱۶ - هیئت سیار پوهنی نزدیکی گابل نیز بهرض تنشیط ذوق اهال دعوت گردیده است .
- ۱۷ - برای تایفات و تراجم در موقع جشن استقلال جوان اعطاء گردیده است .

#### امور اقتصادی :

نظر بمشکلات جنگی جهان و بحران عالمگیر امور اقتصادی حائز مشکلات زیادی بوده که بتاید این حسن حکومت غمغوار بخوبی حل گردیده و فعالیت های یک ساله آن به ترتیب ذیل می باشد :

- ۱ - برای ترویج و ترقی صنایع ملی و وطنی مؤسسه بنام مؤسسه فنون ملی بسر ما یه ده لک افغانی تاسیس گردیده است که فعلاً دارای چهل نفر معلم و ۴۰۰ نفر متعلم بوده و شبكات حدادی ، گادی سازی ، ترمیم موتور ، ترمیم ساعت ، نجاری ، و موبایل سازی ، رسامی ، نساجی ، قالین بافی وغیره را دربر گرفته است .
- ۲ - برای جلوگیری از احتکار و گران فروشی هیئت بنام هیئت کنترول نرخ تعیین و تطبیق واجرای لایحه احتکار توسط آنها بعمل آمده است .
- ۳ - توسط اطاق تجارت برای اجنباس ما یحتاج عامه و طبقه براز ، سیمسار ، عطار وغیره قابلوهای نرخ تعیین و توزیع گردیده است .
- ۴ - نظر به قلت عمومی اجنباس مال التجارة وارده عند الموضع طبق تقسیم معین بد کانداران توزیع گردیده است .

## امور ولایت هرات

- ۵ - در مقابل صادرات برای تورید اجناس کار آمد اهالی از تجار وارد کننده وقتاً فوقاً تعهد گرفته شده است .
- ۶ - نظر به قات گندم که نظر به نشدن حاصل سال گذشته در اول سال محسوس بود تو سط شرکت ارزاق پنج هزار خوار گندم از نقاط دور دست علی الرغم خسارت هنگفت که از حیث حمل و نقل وغیره به لک ها افغانی بالغ گردید وارد و بمصرف شهر و اطراف رساینه شد .
- ۷ - در حصة استخراج معدن ذغال سنگی کرخ اقدامات بعمل آمده و تو سط مخصوص معدن یکمقدار ذغال استخراج گردیده است .
- ۸ - برای سهوات و رفاهیت کار خانه معدن نمک ساز غور یان طرف استفاده عموم فرار گرفته است .
- ۹ - برای تربیه اخلاقی محبوبین و تعمیم صنعت به صنایع محبس هرات شعبات زیادی افزود شده و در محبس قلعه نو ، غور یان ، غورات ، جالگه شعبه صناعتی بیشینی گردیده است .

## مواصلات :

- موضوع مواصلاً و ارتباط مخابره وی نظر به اهمیتی که دارد به اثر توجهات نافعه حکومت متبعه و بشرت های خوبی کسب نموده کنلامه آزادیلاً می نگارم :-
- ۱ - یک خط دستی جدید بین کشك ، گلران ، قلعه نو ، تشکیل گردیده است .
- ۲ - از حصة تشگی ازومرو طهرک الی مرکز حکومت توک جدیداً بین تیلفون تمدید یافته است .
- ۳ - از مرکز حکومتی کشك الی علاقه داری کشك کهنه لین تیلفون امتداد یافه و در نظر است که از آنجا به قلعه نو وصل شود .
- ۴ - تیلفون در قسمت غورات از یک طرف تامر کر غور و از طرف شرق تا دولت یار امتداد داده شده و به لین تیلفون دایز نگی اتصال یافته است .
- ۵ - راجع به افتتاح یک سرویس محلی بین هرات و مینه نیز بیشینی لازمه بعمل آمده است .
- ۶ - تعداد لار یهائیکه به سمت قندھار ، اسلام قلعه و سائر نقاط حرکت نموده است بالغ ۲۰۳۶۴ عراده میباشد .
- ۷ - در عایدات حمل و نقل نسبت بسال گذشته (۲۵۰۰۰) افغانی افزود گردیده است .
- ۸ - برای حمل و نقل ارزاق توسط شرکت موصوف یک تعداد لار یهای جدید خریداری و بکار انداخته شده است .

## امور ولایت مزار شریف

### الف: ریاست بلدیه:

- ۱:- تعمیر دیو (دواخانه) بلدیه تا کرسی طور پخته کاری ساخته شده.
- ۲:- «یکچه» دیوار سمت جنوب غربی روضه شریف به طول (۴۰) متر پخته کاری شده.
- ۳:- تمدید سرک غربی روضه شریف بصورت خامه و هموار کاری آن بطور اساسی الى خواجه آبجوش (۲۰۰) متر
- ۴:- تمدید سرک شاملی روضه شریف بصورت خانه و هموار کاری آن بطور اساسی مکتب متوسطه (۲۵۰) متر

### ب- مدیریت معارف:

در سال جاری یک مکتب لیسه افتتاح وهم بحکومت کلان بلخ یک‌کما موریت معارف تشکیل گردیده.

### ج ریاست روضه شریف:

کاشی کاری دروازه سمت غربی روضه شریف تایک اندازه تبار شده و باقیما نموده آن تکمیل خواهد شد.

### د- وزارت امنیه:

- ۱:- شق بافتگی: در سال ۱۳۲۳ به تعداد ۲۳ کارگاه دستی بوده، در هذله السننه پنجاه کارگاه دیگر اضافه و بکار انداخته شده که جمله کارگاه مذکور (۸۸) کارگاه و به تعداد دو صد نفر باما هرین کار داخل بوده و کار می کنند و هر نوع تکه های مختلف الرقم از قبیل کشمیره، دستمالهای دست، دریشی های بها ری پایی پیچ های عسکری و غیره بافتة و در معرض فروش واستفاده عامه گذاشته شده، علاوه بر کارگاه سطرنجی بافی در سال جاری کارگاه گلیم بافی و شال بافی نیز اضافه گردیده و هر نوع گلیم های فاقه‌ئی وغیره بافتة می شود و به تعداد (۱۲۰) نفر داخل کار بوده و محصول دستی آنها روز بروز روبرو قیست.
- ۲:- شق نجاری: در کار نجاری نسبت بگذشته در سال جاری یک تعداد فری دیگر اضافه گردیده و در کار خود مهارت خوبی پیدا نموده اند، چنانچه چو کی، میز های هر رقم، دروازه و کلکین های کار آمد تعمیر در آینجا ساخته و بفروش میرسد، بر خی معبو سین

- ۶ معاینه معدن فیلد سپات و کوارتز (مواد کارآمد چینی سازی) در سرجنگل اشکاشم که ذریعه خود آقای دوکتور موصوف کشف گردیده است .
- ۷ معاینه معدن آهکرسوبی در حدود قریب اشمرغواخان که از نمونه کشفیاتی خود دو کتر رموصوف میباشد
- ۸ معاینه معدن زمیچ در کوه روغ مرکز حکومتی زیباک .
- ۹ در موضوع خواجه غار علافة کرخ هرات که از شهر هرات بیست و چهار میل فاصله دارد یک معدن بزرگ سنگ سرخ ریگی توسط بناغی سید عبدالاحد خان کشف گردیده که در تمیزات هرات به پیمانه بزرگ بصری میرسد معدن خاک سرخ وزرد و سفید نیز توسط آقای موصوف در خولی مرغ فربیح حکومت کشکت یافته شده است .
- ۱۰ برای مصارف بارود سازی در جریان سال ۱۳۲۴ مقدار ده هزار سپر گو گرد از معدن چمثال مزار شریف توسط نماینده وزارت معدن استخراج و در تحویلخانه نمک ولایت مزار شریف نقل و ذخیره گردیده است که بالای اشخاصی که در ساخت بارود کار میکنند به نرخ معین بفروش رسانده میشود .
- ۱۱ یک معدن سنگ صابون (Talc) در موضع المرة جدران جدید کشف گردیده و نمونه آن در این اوخر بوزارت معدن واصل شده است .
- مدیریت معدن ولایت مزار شریف :
- در مر بو ط مدیریت معدن مزار شریف استخراج یک مقدار مکثت یوم کلو را بید و مکثت یوم سلفیت و حفر یک تعداد هو ض بصورت فنی که در نمکساز تا شرق غان واقع است ، در اثر تفحص متخصص خارجی صورت گرفته .



نیز مصطفیٰ خانی ترکیه ای در دهه ده بیانی کرد که به درود از هفت بزرگ نسبت  
او کمال شوشی فشاری این جباری دارد.





تبریز خانه دیکور مت آری مهارت



د سریل د حکم دت ټوی عمارت چه ز بالا جهار یه مو صه  
شی واقع او پر تھر لاندی شو -



د سریل هر نه دزار د عمومی باغ او د بلند شی عمارت



دزهانی بوی بازار چهارمین پهلوی سنه کتبی واقع  
اود همتو بـ سـ اـ قـ اـ مـ شـ وـ نـ

۳ ۴ ۵



دیسته خانه بوی عمارت به ده (ده) نانو کتبی

- که موعد حبس خود را بسر رسانده، در بازار بهمین کسب خود ادامه داده وازین رهگذر مفاد خوبی بدست میاوردند.
- ۳ :- شق بوت دوزی : نظر سال گذشته در سال جاری یک تعداد نفر اضافه و شعبه مذکور حسب المطلوب پیشرفت نموده و مفاد زیادی ازان بعمل آمده است.
- ۴ :- شق خیاطی : در سال جاری تاسیس گردیده وازان استفاده خوبی حاصل و به مفاد صناعتی کمک نموده است.
- ۵ :- شق شانه سازی : در هذله استه تاسیس یافته واستفاده خوبی ازان گرفته شد، یعنی تمام شانه های شق نساجی ازان حاصل و به تعداد زیادی که از کار اضافه بوده بفرض استفاده اهالی در معرض فروش گذاشته شده است.
- ۶ :- شق خبازی : در ۱۳۲۴ تاسیس و (۷۴) نفر شامل کار گردیده، علاوه از تهیه نان محبوسین در بازار به (۲۲) موضع جهت رفاهیت اهالی در معرض فروش هم گذاشته شده.
- ۷ :- شق تعمیر : در محوطه تعمیر محبس بار کهای صناعتی که در گذشته تاسیس و تحت کار آمده بود، در سال جاری یک کحصه آن نزدیک به پوشش رسیده.
- ۸ :- در حکومات کلان شهر غان، بلخ، ایک کار صنعتی در بن سال نیز جاری و نفری محبوسین شامل کار شده اند.
- ۹ :- در شقوق آهنگری، رنگریزی، چرم گری و خشت مالی نسبت بگذشته درین سال نوجه شده، و کارهای مذکور وسعت یافته که استفاده خوبی ازانها بدست می آید.

### هـ حیکومت کلان ایک :

- ۱ :- دکارکین شهر ایک که کرسی نداشت در سال جاری به اندازه (۲۷۰) باب د کان از زمین به اندازه یک متر ارتفاع کر سی داده شده و نوافضات دیگری هم که داشت اصلاح شده است.
- ۲ :- دیوار احاطه مکتب مرکز ایک که اساسی نبود، در سال جاری منهدم و بطول (۲۵۰) متر و ارتفاع (۲) متر حسب نقشه تعمیر و اکمال گردیده است.
- ۳ :- هفتاد و پنج در بند هویلی شهر جدید که اصلاح طلب بود، اصلاح گردیده، و بر علاوه جای (۸۰) در بند هویلی دیگر بقیمت معینه برای اهالی فروش و کار آن حسب نقشه مهندسی جاری بوده، امید است که بزوی مورد استفاده قرار گرد.

### ز - حکومت سرپل :

- ۱ - تعمیر عمارت حکومتی سرپل طور پخته کاری تکمیل و تنها کاردروازه شاندن آن باقیمانده.
- ۲ - چهل و شش باب د کانهای جدید سمت غربی بازار سرپل طبق نقشه مرتبه بصورت عصری تکمیل گردیده .
- ۳ - پل بالای دریا واقع باغ عمومی سرپل فرار نقشہ مهندسی طور پخته کاری تکمیل گردیده .
- ۴ - « « در موضع سیدآباد طور پخته کاری شروع و تهداب آن کار شده .
- ۵ - تعمیر شرکت اقدام سرپل طور پخته کاری طبق نقشه مهندسی که بصورت دو منزله است بیانیه تکمیل رسیده است .

### ح - حکومت آفچه :

در حکومتی آفچه که اساس شهر جدید دریک موضع مناسب گذاشته شده و نقشه های آن از مقامات رفیعه منظور گردیده تسطیح زمین و تقسیمات شهر و خیابان بندی و سرک کشی و باغ عمومی آن در سال گذشته اجرا شده بود، در سال جاری به تهداب گداری مسجد جامع و عمارت بلدیه اقدام شده و در سال آینده زمین به مردم تقسیم و تعمیر بازارها و سرای ها وغیره شروع خواهد شد .

## امور ولایت خان آباد

### بلدیه پلخمری :

- ۱ - یک نهر جدید از حد کافر قلعه الی اخیر بازار پلخمری حفر گردیده که بیکنیم مفتر مکمب آب فعلاً در آن جریان دارد، نهر مذکور علاوه ازین که پرکھصه از اراضی را آبیاری می کند، از طرف بلدیه یک آسیا هم در آن ساخته شده .
- ۲ - پلهای :

### الف - پخته کاری :

- ۱ - پل سرک شهر نو  $4 \times 5 \times 8$  - ۱ پایه
- ۲ - « « دو صد کوتی :  $10 \times 5 \times 4$  - ۱ پایه
- ۳ - « « گدام  $10 \times 10 \times 4$  - ۱
- ۴ - « « عمومی خان آباد  $10 \times 5 \times 3$  - ۱

## امور ریاست مستقل زراعت

شعبات مربوصه ریاست مستقل زراعت درین سال تاجاییکه امکان داشته در اوضاع زراعتی مملکت اقدامات خوبی نموده و از هیچگونه مجاہدت خود داری نه نموده است، چنان نچه خلص اجرآت مهم آنها قرار آتی درج میگردد.

### مدیریت توسعه و اصلاح زراعتی:

مسائلی که در جریان ۱۳۲۴ زیاده تر جلب دقت ریاست زراعت را نموده است همانا اصلاح جنس است که در اصلاح بناهات و حیوانات رول بسیاری را بازی میکند: بعلی تا وقتیکه بناهات و حیوانات اهلی که با داشتن مزایای طبیعی در ادوار مختلف صورت تحول نزولی و تخلیط جنس را متحمل شده اند بطریقه های فنی تحت اصلاح گرفته نشوند تکثیر آنها منتج به تیجه اطمینان بخش نخواهد گردید زیرا محاصیل آنها نه تنها قلیل بوده نیزافوی مصارف و زحمات متحمله را کرده نخواهد توانست بلکه از لحاظ خواص تجاری نیز ناقص بوده در بازار های داخل و خارج قیمت کمتری خواهند داشت. از همین جهت است تشکیل تجزیه گاهها که در نقاط مختلف مملکت هرسال توسعه داده میشوند و علاوه بر آن در نقاط محدود ترقیات کوچک زمین بنام قوریه های فنی تشکیل میگردد که مرا داز آن اصلاح جنس و تکثیر حبوب مختلفه داخلی و خارجی بوده و مردم کلی آنست که یک مقدار حبوب و بتها و قلمه های اصلاح شده متنوعه بدسترس اهالی گذاشته شده و باینصورت زرع اجناس خوب توسعه و تعمیم پذیرد. اجرآتیکه به مطلوب اصلاح جنس در ۱۳۲۴ بعمل آمده قرار ذیل است:

- ۱ - صورت اجرا آت در مرکز و نواح آن.
- ۲ - صورت اجرا آت در تجزیه گاه بغلان،
- ۳ - « « « قندوز،

### ۱ - صورت اجرا آت در مرکز و نواح آن:

در قوریه های محلی مثل قوریه گذر گاه و بینی حصار و بتخاک و پفمان و در با غهای چهل ستون و گلباخ و بگرامی و استالاف وغیره بعضی عملیات فلاحتی تحت اجرآت گرفته شده از یکطرف در قوریه گذر گاه و باغ چهل ستون و بگرامی و استالاف یک مقدار حبوب کلها و سبزیجات خارجی به مطلوب حصول تعمیم زرع گرفته شده و از طرف دیگر از بهترین اجناس اشجار متعدد نقاط مختلفه مثل کهمرد و پفمان و چاردی قلمه های پیوندی گرفته شده در با غهای بگرامی و چهل ستون و گلباخ و پفمان و باغ بالابر نهالهای متنوعه پیوقد زده شدند و نیز برای

## امور ولایت خان آباد

### ب- خامه کاری:

- ۱: پل طرف شرق چوب چاشه او عمارت  $10 \times 5 \times 3$  پایه
- ۲: « « غرب مندوی بازار بالای نهر اسیا  $9 \times 5 \times 4$  » »

### ۳- عمرانات:

- ۱: از جمله ده عمارت که جهت مأمورین تعجب میگردد، ۴ عمارت آن چوب پوش گردیده.
- ۲: « جویای های متصل طولیه حیوانات ۳ » » » » » »
- ۳: دو تحویلخانه جنسی بندیه چوب پوش گردیده.

### ۴- معابر وغیره:

- ۱: در سر رک ۱ بر است دریا دولینه درین آن پار کهای گنگاری ترتیب یافته و بدوزره سرک مذکور امتداد دارد، به پیاده راههای آن نهالهای ناجو غرس و جراغهای برق نصب گردیده.

- ۲: سنگ کاری اب دریا اخیر باغ ذخیره بارتفاع  $\frac{1}{2} \times 250 = 250$  متر
- ۳: پر کردن پار کهای گلکاری اطراف قوه خانه ۳۰۰۰
- ۴: حفر جزء درین در یا تحت بندربرق برای اصلاح جربان آب دریا بلحاظ حفاظت تعمیرات و سرکهای شهری پلخمری و سواحل دریا  $3800$  متر
- ۵: سنگ کاری ساحل چپ دریاء پخته برق بفرض جلوگیری از ضرر طغیان آب دریا بارتفاع  $3 \times 150 = 450$  متر طول

- ۶: تعمیر مسجد جامع بازار که در سال گذشته خراب شده بود در سال جاری نسبت بسیار خوبتر تعمیر گردیده.

- ۷: پر کاری عقب سنگ کاری اب دریا  $1500$  متر مسکعب
- ۸: دکانهای پخته کاری بازار پلخمری چوب پوش و مسلط شده.
- ۹: ساختمان یک امارتمنان پخته بالای دکانهای مسجد.

- ۱۰: انصباب پایه های سمتی لین برق از حد بند الی آخر باغ ذخیره به فاصله  $1800$  متر

## امور ولایت مشرقی

۱ : در سال جاری در نظر گرفته شده که بایک تعداد اپارتمانهای عصری در باعث مقبره به مجاذی سراج العمارت جهت رهایش مسافرین تعمیر گردد ، چنانچه سنگ تهداب آن گذاشته شده و کار آن بسرعت جاریست .

۲ : جهت رهایش حکومت کلان شوار حسب نقشه بایک تعمیر زیر نظر گرفته شده که کار حرم‌سرای آن قریب الاختمام است و متابقی کار آن نیز بسرعت جریان دارد .

۳ : برق جلال آباد که قبل اخیلی مختص و خفیف بود ، که دوائر مملکتی و اهالی شهر ازان استفاده کرده نمیتوانستند ، در سال جاری ماشین قوی تری نصب گردیده که عموم دوائر و اهالی شهر حسب مقررات شرکت ازان استفاده مینمایند .



## امور ولایت جنوبي

### الف - ریاست بلدیه :

شق تعمیرات :

۱ : مسجد جامع گردیز بصورت اساسی هر متكلکاری گردیده

۲ : دکانهای بازار جدید گردیز « »

۳ : بایک مهمانخانه عصری مطابق نقشه بایک گلخانه و دیگر لوازم آن در سمت شمالی باعث ریاست تنظیمیه آباد گردیده .

۴ : دیوار سمت شرقی احاطه هتل که مقرر یاست تنظیمیه قرار داده شده بصورت سنگ‌کاری (بانصب کتاره‌ها) طور اساسی تعمیر گردیده است .

شق معابر و غیره :

۱ : از حصة انتهائی جنوبي شهر گردیز یکسرک اساسی که دارای عرض کافی و پیاده روها میباشد بطریف زیارت شاه قصور صاحب (ع) تمدید شده که احداث این سرک به زیارتی شهر افزوده ، و در نظر است که سرک مذکور تا مرکز حکومتی زرمت و از آنجا تا انتهای حدود زرمت بهمین فرج تمدید گردد .

۲ : بایک سرک اساسی دیگری از حصة جنوب غرب عمارت دارالحاکم مگی جدیداً تمدید و به

جاده شاه قصور صاحب (ع) در حالیکه شفاخانه ملکی و عسکری راطپی و از سمت شرق تعمیرات مزبور عبور می کنند اتصال یافته است .

۳ : - چون تپه که تعمیر عمارت دار الحکوم مگی بالای آن واقع است بصورت نا موزون و سنگ لاخ و بحال طبیعی بود سمت شرق و جنوب آن تسطیح و سرنگ پرانی شده ، و زمین تسطیح شده در وسعت باغ مینه و بروی افروز گردید ، و سر کهای دو طرفه تپه مذکور که تنگ و کم عرض بود ، به اندازه کافی عریض گردیده و قسمت های سر نشیبی مذکور که ناموزون بود بصورت مرتبه دار ساخته شده .

۴ : - اراضی و باغ متعلقه شفاخانه ملکی گردیز که از سابق بصورت خرابه و پست و بلند بود امسال تماماً هموار و در بین آن خیابانها و کرد های گل و سبزی کاری وغیره ساخته شده و یک تعداد نهال هم در آن غرس و صحن منزل دوم عمارت مذکور که تماماً خشت فرش نشده بود ، در سال جاری فرش گردیده است ، و اکثر اطافهای اول آن سمعت کاری نیز شده است .

۵ : - چون مرکز حکوم متكلان خوست و حکومت درجه اول ارگون از هر حیث تشکیل ماموریت بلدیه را ایجاب مینمود ، یکیک ماموریت بلدیه تاسیس و شروع بکار گردیده اند .

#### ب- قومندانی امنیه:

۱ : - عمارت مجدد نهرانه ای نیز که بیان شده ن دوائر مربوطه کفايت نمیکرد ، در سمت غربی عمارت مذکور یک تعداد اطافها مطابق نقشه تعمیر گردیده ، و علاوه بر آن برای بکار آنداختن کارگاه صنعتی محبس که لوازم آن بعضی وارد و برخی در شرف وارد شدن است ، یک تعداد اطافها نیز مطابق نقطه ساخته شده است .

۲ : - باغ مینه و بروی که بصورت خرابه و باز بود ، در سال جاری آبا و در بین آن میدانهای متعدد سپورت و تفرج گاه ها ساخته شده و قسمت کلی آن گلکاری و نهال شانی شده و سمت جنوب آن یک دیوار اساسی محاط شده است .

۳ : - واردات قوماندانی امنیه نسبت بسال گذشته در سال جاری در فیصد ، زیاده از سه صد تر میل بعمل آمده است .

#### د- حکومت کلان خوست :

شق عمرانات : تعمیرات ذیل در مرکز حکومت کلان خوست در سال جاری بنایافته که برخی آن بیانه تکمیل رسیده و از برخی کار آن بسرعت جاریست .

نیز برای تکثیر مزید حبوب و نهال و به های زینتی ترتیب وسیع تری گرفته شده است . نلاوه بر آن بمطلوب تکثیر اشجار کوهی از قبیل نajo ، ارچه ، بلوط ، المتر ، سرب ، بجورو غیره یک مقدار تخم از نلات چوبی ذریعه یکنفر مأمور فنی جمع آوری و بر کر آورده شد تا در قوریه های مربوطه تحت زرع و تجویه گرفته بشوند زیرا این احوال در زمستان هم سبز میباشد نه تنها برای تزئین باعچه ها و حویلی ها مورد خواهش عموم قرار گرفته بلکه در نقاط مرتفعه و دره های سرد نیز امکان تکثیر و تعمیم زرع آن متصور است . تقسیمات حبوب بمطلوب ب تر ویج زرع نه تنها بقو ریه های مر کر بعمل آمد بلکه بحکومتی های اعلی و ولایات نیز یک مقدار حبوب و نهال فرستاده شده است تا قوریه هائی در آنجا ها تشکیل وجوه ب تخمی لازمه بصورت صحیح بدمست آید . چنانچه بحکومتی پروان بادام و بقطفن ناجو و تخم سبزیجات ویاز نرگس و بهرات یکنعده نهانهای گیلاس ، وسیب و ننک و چوبی قلمه و نهالهای اشجار مشمر و برآه یک مقدار تخم درختان مخصوص مشرقی و بحکومتی اسمار تخم سبزیجات و گل و بولایت مشرقی تخم برسیم وبادام و بهمنه و مزارشیف و هرات تخم اشجار و گل فرستاده شده است .

در تجربه گاه سید آباد که قبل از شروع کار آن اطلاع داده بودیم جاده کشی و خیابان بندي و کرد سازی اراضی طبق نقشه مرتبه ادا مه داشته و نیز در زرع انواع مختلف گندم و حبوب اشجار مشمر وغیر منظر تجاری بعمل آورده شده و برای اصلاح کاربری های آن ترتیبات لازمه گرفته شده است مرام از این تجربه گاه وسیع چنانچه در سالنماهه ۱۳۲۳ تذکار شده است تربیه و اصلاح نباتات و حیوانات داخلی و تورید اجناس نباتی و حیوانی خارجی واعتیاد آن ها با آب و هوای افغانستان است تامطلوب و نصب العین اصلاحاتی به یعنیانه وسیع تر و طور اساسی تری بدمست آید . در خصوص استخدام نرفنی و تهیه آلات و ادوات لازمه که جریان اصولی این تجربه گاه ایجاد میکند ریاست زراعت داخل افغانستان است ، البته حینیکه این تجربه گاه باوسایط فنی لازمه از قبیل متخصصین شق نباتی و حیوانی ولابورا توری ها و آلات فنی مجهز گردد یکنی از تجربه گاه های مهم مملکت خواهد بود ، در تجربه گاه زراعتی بغلان : از آنجا که اصلاح جنسیت در حیوان و نبات رول مهمی

بازی گرده اگر بطور فنی در این راه سال چندی متواتر دقت و صرف مساعی بعمل آورده شود اجناس اصلاح شده خوبی بدمست آمده از تکثیر و تعمیم آنها مقادر زیادی برای زراعت پیشنه گان حاصل خواهد شد و از آنجا که آب و هوای فقط براي تربیه حیوانات اهلی مثل اسب و گاو و گوسفند و اشتر و مرکب و برای تربیه طیور مثل قاز و فیلمرغ و مرغ معمولی مساعد بوده وجود اراضی وسیع و معلوم تربیه همچه حیوانات را آسان ساخته است .

## امور حکومت اعلای میمنه

### اول شعبهٔ مالیه :

- الف - در محصول مال مواسی نسبت به سال گذشته در سال جاری - ۱۴۰۵۷، ۷۹۸ ریال - افغانی تزوید بعمل آمده  
 ب - در فروش قیمت وثایق » » » ۷۰۲۶ ریال -  
 ج - در تحصیل باقیات » » » ۸۹۱، ۲۷۶ ریال -

### ۲ - شعبهٔ گمرک :

- الف : عایدات نقدي مدیریت گمرک در ظرف ده ماه ۱۳۲۴ با مقایسه ده ماه ۱۳۲۳ حسب ذیل است :  
 از اول حمل الی اخیر برج جدی ۱۳۲۳  
 افغانی ۲۳۸۲۹ ریال  
 » » » ۱۳۲۴  
 ۴۴۰۴۱ ریال  
 » ۲۰۷۱۲ ریال  
 تزویدات ده ماهه ۱۳۲۴ نسبت به ۱۳۲۳  
 به کابل ارسال شده قرار ذیل است :  
 در سال ۱۳۲۰ (۲۶۲۰۰۱) جلد - در سال ۱۳۲۱ (۳۱۰۷۸۷) جلد - در سال ۱۳۲۲ (۳۹۲۳۵۰)  
 جلد در ۱۳۲۳ (۳۷۴۸۵۲) » - ۱۳۲۴ (۴۰۷۳۴۳) جلد الی اخیر جدی  
 پوست بقنهٔ خاص عربی که به کابن فرستاده شده :  
 در سال ۱۳۲۳ (۲۴۴۹۳) جلد - در سال ۱۳۲۴ (۲۹۳۱۰) جلد

\* \* \*

گمرک اندخوی : در سال ۱۳۲۴ با مقایسه آن به سال ۱۳۲۳ وافزودی که در چند ماه اخیر  
 بعمل آمده قرار ذیل است :

- عایدات برج اسد سال ۱۳۲۳ - ۱۴۰۷۶ - ۳۲۷۳۷ ریال - افغانی در اسد ۱۳۲۴ - ۳۹۸۷۸ ریال - افغانی  
 » » سنبله » ۱۱۶۹ ریال - سنبله » ۲۴۷۸۲ ریال -  
 » » میزان » ۳۵۷۸ ریال - میزان » ۴۰۷۲۵ ریال -  
 » » عقرب » ۱۳۳۷۹ ریال - عقرب » ۶۰۴۸۰ ریال -  
 » » قوس » ۲۷۲۱ ریال - قوس » ۲۵۳۱۷ ریال -  
 » » جدی » ۷۱۸۰۰ ریال - جدی » ۴۰۰۰۰ ریال -

### ۳- بلديه :

- ۱- زمينه برای تعمیرات عصری و اساسی شهر جدید الی وصول نقشه عمومی آماده شده، چنانچه شرکتی بنام «ودانبو شرکت» تاسیس گردیده که وظیفه آن تهیه مصالح تعمیراتی است.
- ۲- یک حصة پلها و پلچک های داخله شهر و بازار تعمیر شده است.
- ۳- راه ها و جاده های داخل شهر ریگ و جمله اندازی گردیده.
- ۴- تنویر بازارها و جاده های عمومی که قبلاً ذریعه چراغهای نفتی بود، به برق تبدیل گردیده.
- ۵- مأموریت بلدية اندخوی: پیشنهاد یک شهر جدید عصری را نموده، و حسب پیشنهاد مذکور از مقام ذی صلاحیت منظور گردیده و نقشه شهر نیز توصل ورزیده واذ ابتدای سال ۱۳۲۵ به تعمیر آن اقدام خواهد شد.

### ۴- معارف :

- ۱- اصلاحات کتب اداری مکاتب و ترتیب دفاتر سوانح برای هیئت تدریسی و شاگردان.
- ۲- ترویج کنفرانسهای علمی و درامه های عملی.
- ۳- تکمیل سامان تدریسی ووارسی به توزیع و تقسیم آنها.
- ۴- معاینه و تقویت عmom مکاتب.
- ۵- جریان سپورتهای مختلفه در مکاتب.

### ۴- قوه‌های امنیه :

- ۱- در مجلس میمه علاوه بر دستگاه های سابق در سال جاری چند دستگاه جدید نصب گردیده، که درین دستگاه ها هر نوع انچه های چینی اعلی وغیره بافته می شود، و سند عامله گردیده.
- ۲- در شبکه صناعتی مجلس بوتهای اعلی و سابری، چپلی و موزه های خوب و چاروچ، ساخته می شود و بشعبه اساجی کشمیرهای پیراهن وغیره بافته شده، و بشعبه سطرنجی بافی سطرنجی های خوب و گلیم های اعلی بافته می شود، و نسبت به سالهای گذشته به شعبات صنعتی مذکور ترقیات زیادی محسوس میگردد.

## امور حکومت اعلای فراه

### الف شق مالیه :

- ۱- تعداد مساحت صحیح املاک تحت اجرا گرفته شده.
- ۲- تزئیدات مالیاتی، در مالیات فیصد (۱) افغانی و ۲۲ بول- در مالیات اصنافی فیصد (۲) افغانی و ۶ بول - در فروش عراض فیصد (۱) افغانی - در فروش صکوکات فیصد (۱) افغانی و ۷ بول در واردات عمومی فیصد (۱۰۲) افغانی و ۶۶ بول تزیید بعمل آمده.

## امور حکومت اعلای فراه

### ب - بلدیه :

- ۱ : - بلدیه حکومت اعلای فراه یک سلسله اپارتمانها متصل سرک زیر تعمیر گرفته که چندی از اپارتمان نهای مذکور تکمیل گردیده .
- ۲ : - به تعمیر یک مسجد جامع شروع و دوازده باب در کان درجاده مسجد مذکور تحت تعمیر گرفته شده .

### د - گمرک :

در عایدات گمرکی ۱۳۲۴ نظر به ۷۹۵۷۰۱ - ۱۳۲۳ - افغانی تزیید بعمل آمده است .

### ج - مخابرات :

از حدود دلارام الی مرکز علاقه داری گلستان که (۱۶) کروه مسافه دارد یکهزار و دوصد یا به تلفون نصب و تمدید گردیده که مخابره هم در آن بعمل می آید .

❀ ❀ ❀

## امور حکومت اعلای بدخشان

### شق بلدیه :

امور بلدی که مستقیماً در تحت او امر حکومت اعلی اجر او داره می شود ، و در سال جاری اجر آتیکه در آن بعمل آمده قرار ذیل است :

- ۱ : - جوی فریه بشی یافقل که از فیض آباد دو کروه فاصله دارد ، واز سالهای زیادی با یه طرف خراب گردیده بود ، درین اواخر جوی مذکور مجددآ آباد و آب آن جاری گردیده است .
- ۲ : - یک تعداد نهالهای مشتر و غیر مشتر در جوی فریه بشی وغیره مواضع شهر فیض آباد غرس گردیده است .

۳ : - در حدود مزار خواجه سبزپوش در بالای شهر فیض آباد متصل شفا خانه ملکی که یک تپه مخربه بوده و چند سال قبل یک تفریح گاه خوبی گردیده بود ، مگر باز در اثر کم پرداختی مثل گندشه خراب و ره شده بود ، در سال جاری با این توجه حکومت اعلی مجددآ آباد گردیده ، سرکهای موتو ره و میدانهای سپورت و یک عمارت عالی و یک چبوتره در آن آباد و بنام کلوب محمودیه منسوب و یک تفریح گاه خوبی برای مامورین و اهالی گردیده است

### تصویبات سال ۱۳۲۴ شورای ملی

- ۱ : - موازنہ بودجه عمومی واردات و مصارفات سال ۱۳۲۴ مملکتی .
- ۲ : - » معاشات و مصارفات قروض بانکی از بابت سال ۱۳۲۴ .
- ۳ : - افزودی معاشات مامورین ملکی و عسکری و افراد عسکری و مستخدمین .
- ۴ : - امتیاز نامه تبلیغاتی .
- ۵ : - راجع به بعضی تعديلات و تزوید و تنقیص برخی مواد اصولنامہ مامورین و مقاعدین ملکیه .
- ۶ : - راجع به تصحیح و تعديل بعضی مواد اصولنامہ مامورین و مقاعدین ملکیه .
- ۷ : - اصول تعیین میعاد استماع مرافعه و تمیز و دعوی حقوقی و جزائی .
- ۸ : - اصولنامہ کاروکار گران مؤسسات صنعتی ملی .
- ۹ : - مادہ واحدہ درمنع استقطاب قصیدی جنین .
- ۱۰ : - ضمیمه نمبر ۵- اصولنامہ مکلفت عسکری راجع بمعافیت منصبدار ایکہ مدتنی دراردو خدمت کرده اند ، از خدمت دورہ مؤظفیت و خدمات غیر محارب در خارج اردو .
- ۱۱ : - ضمیمه نمبر ۶- اصولنامہ مکلفت عسکری راجع بمعافی اشخاصی کہ قبل اشتمال خدمت عسکری و ترخیص حاصل داشته اند .
- ۱۲ : - ضمیمه نمبر ۳ مالیات بر عایدات .
- ۱۳ : - » اصولنامہ مسافرت و اقامت اتباع خارجہ در افغانستان - تعديل اصل ۳ و تزوید اصل ۳۲ باصولنامہ مذکورہ .

### تصویبات سال ۱۳۲۴ مجلس اعیان

- ۱ : - لایحہ راجع به تعديلات و تزوید و تنقیص برخی مواد اصولنامہ مقاعد
- ۲ : - » تصحیح و تعديل بعضی مواد اصولنامہ استخدام و مقاعد
- ۳ : - » ضمیمه اصولنامہ مکلفت عسکری
- ۴ : - » راجع به تعیین میعاد استماع دعاوی
- ۵ : - » اصولنامہ کاروکار گران مؤسسات صنعتی
- ۶ : - مادہ واحدہ راجع به استقطاب جنین
- ۷ : - ضمیمه اصولنامہ مکلفت عسکری
- ۸ : - » مسافرت و اقامت اتباع خارجہ در افغانستان
- ۹ : - » مالیات بر عایدات
- ۱۰ : - افزودی معاشات مامورین ملکی و عسکری و افراد عسکری و مستخدمین .

## اعطای نشان

استنشا نهایکه از حضور اعلیحضرت مفطم همایونی برای ذواتیکه در اثر خدمت و صداقت شان  
اعطاشده قرار ذیل است :

- ۱ : - برای ع ، ج ، س ، ع سردار محمد داؤدخان وزیر حریه المرعالي
- ۲ : - « ع ، ج سردار محمد نعیم خان وزیر مختار افغانستان در لندن المرعالي
- ۳ : - « غ ، ش سردار اسدالله خان مفتیش عمومی اردو سردار اعلى
- ۴ : - « ع ، ج على محمد خان وزیر خارجه سردار اعلی
- ۵ : - « » » محمد نوروز خان وزیر مالية » »
- ۶ : - « » » مرزا محمد خان دولت » »
- ۷ : - « » » عبدالاحد خان رئیس شورای ملی » »
- ۸ : - فضل احمد خان « مجددی » رئیس مجلس اعيان سردار عالی
- ۹ : - « » » میر عطاء محمد خان وزیر عدليه » »
- ۱۰ : - « » » غلام یحیی خان وزیر پست و تلگراف » »
- ۱۱ : - « ع ، ش محمد انور خان نائب سالار معاون وزارت حریه » »
- ۱۲ : - « » » محمد دعمیر خان رئیس اركان حریه عمومیه » »
- ۱۳ : - « » » ش عبدالغفاری خان قوماندان فرقه اول قوای مرکز » »
- ۱۴ : - « ج ، صلاح الدین خان رئیس مستقل مطبوعات ستور درجه اول
- ۱۵ : - « ع ، ج رحیم الله خان سابق وزیر معدن » »
- ۱۶ : - « ع ، ش توفیق اوگه رئیس تدریسات حریی بوهنتون » »
- ۱۷ : - « ع ، ش جودت ارمن معلم طوبچی حریی بوهنتون » » دوم
- ۱۸ : - « حبای انور توق معلم پیاده » » » »
- ۱۹ : - « » ، محمد آصف خان غنبد مشر معاون ریاست لوازم » » سوم
- ۲۰ : - « ۱۶۶۲ نفر افراد و خوردن ضابطان فرقه دوم قوای مرکز نشان خدمت نقره ئی
- ۲۱ : - « ۱۱۲ نفو روکلاي دوره پنجم شورای ملی نشان يادگار
- ۲۲ : - ص عبدالواحد خان معلم یپنتو و جزای عسکري حریی بوهنتون نشان درجه ۲ معارف

## د افغانستان بانک

سال ۱۳۲۴ اواین سال است که بعد از جنگ بروآشوب جهان امده و باز دنیا اداره و سیاست و مخصوصاً صاجهان اقتصادیات را مجدداً در آغاز امن و امان کشیده و برای عناصر اقتصادی موضع داده است تا سراسر از نو بفعالیت پرداخته از مافات تلافی و از آینده بایک جدیت خستگی ناپذیری استقبال کنند. اگرچه در راه اعاده و ضمیم عادی اقتصادیات عالم هنوز مشکلاتی موجود میباشد اما امید واقع است که عوایق موجوده اقتصادی بزودی رفع گردیده و کشور عزیز مانیز در راه نهضت اقتصادی خویش قدمهای وسیع تر برداشته بتواند موسسه دافغانستان بانک که از عنصر مهمه بولی و اقتصادی مملکت عزیز بوده نیز درین جنگ برمواخ و مشکلات زیادی مواجه شده رحمات و تضیقاتی را متحمل گردیده است چه بانک مذکور در همان وعده تاسیس و بیکار برداخته که جنگ عالم نیز آغاز گردیده بود. اینکه با تذکر مختصراً از تضیقات متذکر کره اجرآت اخیره بانک موصوف را از نظر مطالعین گرام گذارش میدهیم :-

در اثر ادامه جنگ طور یکه در بازار تجارتی و بولی ممالک متعدد را فتوري رخ داد طبعاً اثرات آن رفتہ به ماهم رسید و باز ار تجارتی و بولی مارا متاثر ساخت چون باز ار و سیاست بولی همیشه به بازار و سیاست تجارتی ربط و علاوه مستقیم داشته و تأثیرات آن باهم دیگر حتمی میباشد لهذا در اثنای جنگ که همینکه بازار و سیاست تجارتی ممالک متحارب ب بصورت آنی وغیر منتظر تغیر کرد این تغیر بدو در بازار تجارتی و متعاقباً در بازار بولی متأثیرات نامالایم خویش را انداشت. یعنی وقتیکه حمالک متحارب در رود و صد و رامته و اموال تجارتی در خاک خود سیاست کنترولی را پیش گرفت؟ برای امته واجناس مهمه صادراتی خود قیوداتی وضع نمود این مسئله تجارت مارا که بر اساس موازن واردات و صادرات ادامه داشت یک طرفه ساخت یعنی تجارت و مو سسات تجارتی ما از افغانستان صادرات کرده اما بالمقابل بیمهانه لازمه واردات کرده نمیتوانست. از جانب دیگر چون این سیاست مارا قهرآ بتحمیداندازه واردات از خارج و بانگکس بتوسعه بیمهانه صادرات از داخل و ادامت اذاقیم اموال وارداتی در بازار های داخلی ما بصورت فوق العاده صعود کرد. و در نتیجه قیم عمومی دیگر اشیا نیز بلند رفت. ایک اتخاذ این رویه از طرف ممالک متحارب بمقابل ماچنان نتیجه بار آورد که تجارت و موسسات تجارتی ما امته و اموال صادراتی خود را در بازار های خارجی فروخته و بالمقابل اسعار خارجی حاصل گردند و چون بذریعه اسعار مذکور بنا بر قیودات فوق الذکر مال التجاره خریده نتوانستند اینها اسعار حاصله بصورت نقد بدلست آنها ماند بناء علیه مجبور شدند که اسعار خود را بموسسه د افغانستان بانک که وظیفه خرید و فروش اسعار خارجی و ظایف مشخصه آن شناخته میشد عرضه و در مقابل آن افغانی مطالبه نمودند.

بناءً عليه ریاست زراعت علاوه بر یکمده حیوانات تربیتی در تجربه گاه طور فنی تحت تربیت میباشد برای اینکه در اصلاح حیوانات قطعن خصوصاً جنس اسب که بمرور اوقات خواص و مزایای او ایه خود را باخته و تربیت گاو های شیری و قلبه نی که اجرآ آت و مراقبت فنی مخصوص را ایجاد میکند و برای تکثیر جنس قاطر واشتر که در حمل و نقل اهمیت خاصی دارد وبالا خبر برای تکثیر جنس فاز و فیلمرغ و مرغ خانه گی ترتیبات لازمه گرفته دردو مرا که مختلف بغلان و غوری میخواهد که به تربیه و سعی تراین حیوانات اقدام ورزد . بناءً عليه بعد از مقاومه با ریاست تنظیمه قطعن و دوائر فنی آنجا تشکیلات جدیدی دراین موضوع روی کار آورده و بعد در حصول منظوری از مقامات عالی ترتیبات گرفته است که اجنا اصلاح شده گاو و اسب و انواع طیور از قبیل فیلمرغ و فاز وغیره بذرایع لازمه مهیا شده در بغلان فرستاده شود تا درخصوص اصلاح جنس و تربیت فنی حیوانات موصوف به پیمانه و سعی تری اقدامات بعمل آورده شود .

علاوه بر آن در تجربه گاه بغلان برای استفاده عموم و انتشار حبوب اصلاح شده مختلفه از قبیل انواع مختلفه گندم مخصوص مناضق گرم و انواع تخم سبزیجات و گل و حبوب اشجار جنگلی تجارب فنی بعمل آمد و یک مقدار تخم و نهال کافی حاصل شده است که عندا مطالبه بازار عین قطعن تعمیم خواهد شد .

علی الخصوص برای اینکه زمینه جهه توسعه تربیت کرم پیله فراهم گردد یک تعداد زیاد نهالهای توت حاصل گردیده است که بالای زار عین به قیمت مناسب بفروش رسانیده خواهد شد . تجربه گاه زراعتی فندوز : تجربه یکی که با اراضی تجربه گاه زراعتی فندوز در ۱۳۲۴

بعمل آمد است برای نصب العینی بوده است : یکی اصلاح تخم پنه و دیگر اصلاح جنس و تعییم زرع حبوب دیگر مثل سبزیجات و غله چات و گلها . سوم تشکیل قوریه نهالهای مشمر وغیر مشمر و حصول یک تعداد نهال برای توسعه زرعت و تکثیر اشجار مختلفه در قطعن .

بناءً عليه در ۱۳۲۴ یک یک مقدار از تخم های منوعه سبزیجات داخلی و خارجی و حبوب مختلفه دیگر متنلاً انواع گندم و نسا جو و توت و یک اندازه پیاز نرگس و نیز یک اندازه تخم اشجار مشمر وغیر مشمر از قبیل شفتالو ، شلیل ، شکرپاره ، اکاسی ، یاسمن وغیره بعلوب تشکیل قوریه های آنها نیز در اراضی تجربه گاه زرع شده است .

مطلوب تنها از تکثیر نهال بوده اصلاح آنها نیز داخل بروگرام فنی مدیریت تجربه گاه است چنانچه ای سال ۱۳۲۴ زیاده از سی هزار نهالهای مشمر از قبیل سیب ، ناک ، شفتالو . آلو بخارا وغیره بیوند شده و نیز عند المراجعة دهائین با آنها داده شده است وهم یک تعداد زیاد نهال توت

امریکا جمع گردید و اغلب بدال تبدیل شد . داغستان بانک برای اینکه دارائیهای مذکوره باوجود مشکلات سیاست‌های کنترولی ممالک متحارب و برهمنی توازن سیاست پولی و تهدیدات بازار سیاه و انسداد راههای تجارت عدم مساعدت زمینه‌های فعالیت بانکی ، را که ویکار نمانده باشد و بالا افغانی بک تحولی در آن وارد شده باشد در صدد آن برآمد تادالر های مذکوره را قسم ایکدام جنس باعتباری تبدیل نماید تاشید از بحرانات متصوره محفوظ تر باشد همان است که این قسمت از دارائیها ای دالری خود را در امریکا طلاه خریداری نمود . در این موقع رفتار فته زاویه های تاریک و غیر مرئی سیاست جنگی قدری روشن شد و بمنافع ممالک متعدد اکتشاف نمود و معلوم شد داغستان بانک در این گیرودار و کشمکش سیاست بدی را تعقیب و پیروی نموده . از طرف دیگر مملکت امریکا نیز در ساحة تجارت باما از در مسالمت و معاملت پیش آمد کرده بعضی از اموال صادراتی افغانستان را ابتیاع و بالمقابل یک اندازه مال التجاه برای تجار و مؤسسات تجاری مداد و با این وسیله باز زمینه مساعدت شد تادر حوزه معاملات بانکی نیز بتوان قدیمی فراتر گذاشت . همان است که داغستان بانک مجدداً موقع را مفتقن یا فته ویک قسمت دیگری از دارائیها خود را طلاه و نیز یک قسمتی را تو سط مؤسسه (پیشنهادی بانک) مقیم نیو یارک اسناد قرضه از حکومت امریکا خریداری نمود .

در اثر این معاملات روی هم رفته اوضاع تجاری ما با امریکا در عین جنگ نسبت رونقی بخود گرفت .

از جانبی هم حکومت همچوار ماهنگ نیز بیمهانه کافی از اموال وامتعه پیداوار خود در داخل قیودات لایسننس و سهمیه های بهاری و زمستانی مال التجاره داد که این دو معا ملہ عطش بازار های داخلی مرا تا اندازه فرونشاند در بازار های پولی ما نیز اثرا نیکی بخشید و در تجاه اوضاع بانک قدری بهبودی حاصل کرد . تا اینکه نائزه جنگ خاموش گردید . وقتیکه جنگ ایستاده شد حکومت امریکا فروش استادفتح جنگ را اعلان کرد . باز هم داغستان بانک موقع را از دست نداده بوسیله وزارت مختاری افغانستان در واشنگتن یک مقدار کافی از استادفتح جنگ را از حکومت امریکا خریداری کرد .

کذا با ( ویست منستر بانک لندن ) داخل مفاهمه گردید ویس از حصول موافقه یک مقدار کمی از دارائیهای پوندی خود را در بانک موصوف که از بانکهای مهم و باعتبار انگلستان میباشد در حساب امامت بامفاد داخل نمود .

بعد از این اوضاع امید بخش شده میرود و امید است آن فشار هاییکه بانک در انتای جنگ از ناحیه تبدیل شدن سرمایه های افغانی خود بطلاء و اسعار خارجه متوجه شده بودند ثمرة نیکی بار

پیاورد؛ چهندیای بعد از جنگ مملکت در ساحه اقتصاد و تجارت بانک سرمایه کافی تروصیح تری دعوت مینماید و طبیعی است که در این ساحه آن ممالکی مستعد تر خواهد بود که از اسعار و اجناس قابل تبادله با اسعار خارجه ذخیره مکافی داشته باشند و سرمایه های مذکور در ابرای توریدات مایحتاج مملکت بخر جایز نداشت و قیمتیکه متدرجاً اوضاع اقتصادی عالم را با نقش افشا رفته و ممالک خارجه قوانین کشوری و قیودات موضوعه جنگ، را از مقابله اخراجات خود بردارند ذخیره از طلا و اسعار خارجه دافتارستان بانک نیز قابل تبادله با اجناس و مال التجاره گردیده و برای انجام پلا نهای بزرگ اقتصاد و تجارت مملکت عز زدیک موقع خوبی بدر دخواهد و مملکت افغانستان هم مانند بعضی از ممالک پیغام دیگر که بیلانس تجارت آنها بمنفعت شان بوده و مثل مادر ایام جنگ طلا و اسعار خارجه ذخیره کرده و امروز بایک وضعیت مستحکم و مضبوطی از تحت فشارهای اقتصادی جنگ خارج میشوند؛ در ساحه اقتصاد و تجارت مظہر حرکت پیشرفت بشود.

ریاست دافتارستان بانک علاوه تا بجهت اینکه دارا نهای افغانی بانک بایک اندازه بلندتر برود (۲۵) از اسهام عمومی دافتارستان بانک را که تا آن وقت بفروش نرسانیده بود برای فروش عرضه نمود. شعبات و نمایندگی های بانک را در داخل و خارج بکار انداخته و توسعه معاملات و تشکیلات آنها کوشید تا شبکه اقتصادی از قبیل نگهداری حسابات جاری و امانات و قبول تبادلات پولی وغیره با فرائیش دارا نهای بتوانند کمکی بنمایند. بنابراین آن منظور اولاً نمایندگی های قند هار و هرات را سر و صورتی داده و سپس نمایندگی های مزار شریف آفچه و آند خوی را جدیداً افتتاح نمود. چنانچه نمایندگی های مذکوره در این او اخر هر گونه معاملات بانکی و امور خزانه داری + حکومت را بدست اجراء گرفته است. بر علاوه دافتارستان بانک در نظر دارد تا شبکه خود را در داخل بیشتر توسعه داده و در آینده فریبی بمقاطعه داخلی از قبیل جنوبی - مشرقی قطعن وغیره نیز نمایندگی های خود را تا سیس و هکذا بمناطق مهم اروپا و هند وغیره شبکه خود را بفرستد.

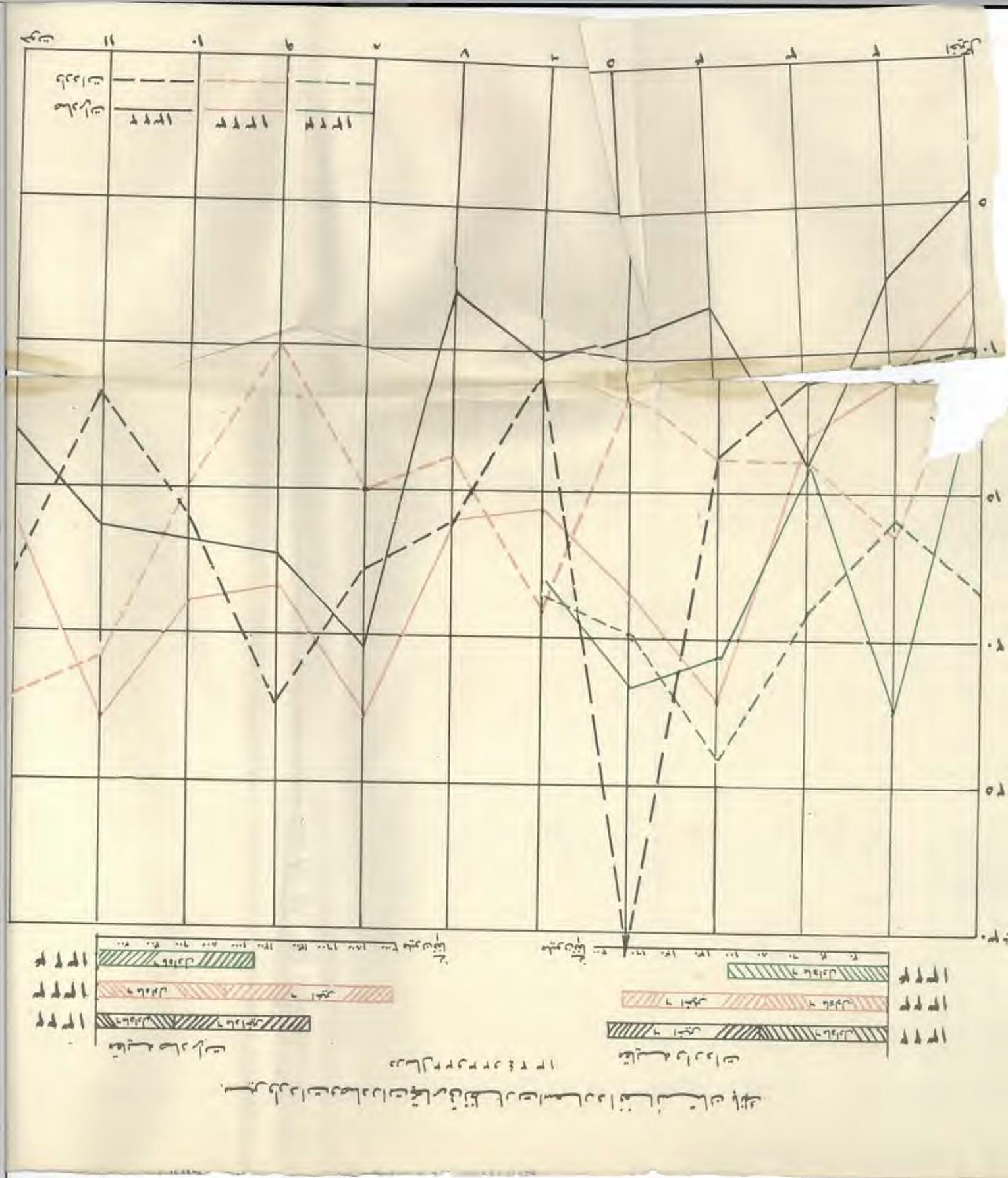
از جانب دیگر در اثر ختم جنگ و تأمین صلح وامنیت طرق تجارت وسیر و سفر باز گردیده و برای فروش اسعار خارجه بانک موقع دیگری دست داد. روی همه فته وضعیت پولی بانک که از سال ۱۳۲۳ بعد رخ به بهزیستی میرفت در سال ۱۳۲۴ بهترشد و فی الجمله باز از خرید و فروش اسعار سرو صورتی بخود گرفت که اینک برای توضیح نمونه از احصائی خرید و فروش

## د کابل کالانی

اسعار خارجه مرکزي دافقا نستان بانك را در ششماه اول سال ۱۳۲۳ و ششماه اول ۱۳۲۴  
در ذيل قيد ميگنيم :

اسعار	در شش ماه اول سال ۱۳۲۳		در شش ماه اول سال ۱۳۲۴	
	خرید	فروش	خرید	فروش
کلدار	۲۴۲۸۰۳۰۶-۱۲-۱	۱۳۱۲۴۷۵۴-۱۱-۲	۲۲۳۰۱۲۵۹-۱۱-۷	۱۷۳۲۳۲۰-۰۵-۳
پوند	۲۹۰۷۶-۶-۲	۳۵۹۷۶-۱۱-۸	۳۱۳۳۴-۱۰-۷	۵۳۲۴۷-۱۳-۵
دالر	۶۷۱۸۳۹۸-۰۲	۹۸۹۸۴۳-۳۳	۱۱۹۷۷۹۵۱-۴۸	۳۷۸۶۰۴۰-۰۹
فرانك	۴۱۵۱۶۱-۲۷	۵۶۵۳۸۱-۰۶	۲۵۷۱۱۲-۵۱	۱۹۶۰۵۱-۱۲
سويسى				

طوريکه دافقا نستان بانك در انتظام بازار پول و خريد و فروش اسعار خارجه مسئو ليتني داشته و متحمل زحمات گردیده است هكذا در ساحه كشور اسعار خارجه نيز بنا بر مکمل فيتيكه دارد مظهر کوشش و فعالیت مزيمتی گردیده است که در اين مختصر تنها باند راج احصائيه واردات و صادرات تجارتی (شعبه نظارت اشعار) نظارت اسعار دافقا نستان بانك - کابل را که اسعار مذکوره باقفا نی تسعير گردیده است باو گراف مر بوشه آن اكتفاء ميگنم :





برای فراهم نمودن زمینه پیله وری بدھاقيقن تقسیم گردیده است . همچنین یک تعداد کافی نهالهای فیر مشر از قبیل ینجه چنار ، سفیدار ، کاتال پا ، شنگک اکاسی وغیره را طراف و کنار سر کهای بزرگ اراضی تجارتی وغیره مثلاً تماکو ، بسته زمینی وسیایین و برسم وغیره طبق پلان فنی عملیات زراعتی جریان داده شده ونتایج مفید گرفته شده است در ترویج زرع پنبه امریکائی جدید که از لحاظ صفت بر پنبه امریکائی سابقه عادی برتری دارد نیز مساعی زیادی بعمل آمد است چنانچه از جمله ۸۶۲۴۲ جریب زمین مزروعی پنبه ۷۳۳۵۶ جریب آن از پنبه دانه جنس امریکائی جدید و صرف ۱۲۲۲۳ جریب از پنبه دانه امریکائی سابقه عادی زرع گردیده مابقی ۶۶۳ جریب دیگر از پنبه دانه جنس مصری کاشته شده است .

مراقبت فنی زرع پنبه اهالی مطابق بهدايات مديريت تجربه گاه ذریعه مامورین فنی مربوطه اش بعمل آمده زار عین پنبه خودهارا مطابق بهدايات وقوائمه فنی موضوعه زرع نموده اند و نیز پیمايش جریبی اراضی پنبه کاری مثل هرسال ذریعه مامورین نماینده گیهای زرع پنبه عملی گردیده است تا احصائیه صحیح آن معلوم بوده وارد ازیادویا گیر زرع پنبه معلوم و درنتیجه اجرآت لازمه بعمل آورده شود .

در حصه تربیه حیوانات ترتیبات گفته شده است که بهترین اجناس گاو های قلبی آنی و شیری واجناس اسب در تجربه گاه تحت تربیه گرفته شده از این اجناس اصلاح شده درصور تیکه تکثیر آنها تامین گردد بحسب ترس دھاقيقن و شایقین گذاشته شود و یا اینکه مالدارها حیوانات خودهارا جهت چوجه گیری به تجربه گاه آورده منتفید گردند .

#### مدیریت مدافعت اراضی زراعتی و فلاحتی :

طوریکه در سالنامه گذشته اشاره شده بود مدیریت دفع آفات ریاست مستقل زراعت درین سال بعملیات خود طبق هدايات حکومت متبعه توسعه خوبی داده و علاوه از شفوق سابق در حصه امراض حیوانی اقدامات تازه و نیز را اجرا کرده است که با این اجرآت این شعبه برای اطلاع خواهند گرفت مختزم ذیل توضیح می یابند :

#### اول شعبه حیوانی :

در مدیریت مدافعت آفات زراعتی و فلاحتی جدید آشنا بیطاری تشکیل شده که اگر خدا بخواهد در قسمت مدافعت امراض حیوانی داده شده نتایج مهمنی از آن گرفته خواهد شد و حاضر آ شعبه موصوفه به دو حصه منقسم شده است که یکی شق مؤسسه باکسترو اوزی حیوانی و شق دیگر آن مجادله امراض حیوانی بوده اجرآت این دو شعبه قرار ذیل توضیح میگردد :

احصائيه واردات وصدارات تجاري، نظارات اسعار دفغانستان بنك - كبار

2  
2  
2  
2  
—

一一一

二三

مکالمہ

二

حمل	٤٤٦١٨٧٤ - افغانی	سنه	٤
نور	-	سنه	٨
جوزا	٥٤٦٧٧٧٧ - ٧	سنه	٢
سرطان	٠٢٤٣٦٦٨	سنه	٣
اسد	٩٢٩٣٠	سنه	٤
سبزه	٢٧٢٦٥٢٠	سنه	٥
حمل	٤٤٦١٨٧٤ - افغانی	سنه	٦
نور	-	سنه	٧
جوزا	٥٤٦٧٧٧٧ - ٦	سنه	٨
سرطان	٠٢٤٣٦٦٨	سنه	٩
اسد	٩٢٩٣٠	سنه	١٠
سبزه	٢٧٢٦٥٢٠	سنه	١١
حمل	٤٤٦١٨٧٤ - افغانی	سنه	١٢
نور	-	سنه	١٣
جوزا	٥٤٦٧٧٧٧ - ٥	سنه	١٤
سرطان	٠٢٤٣٦٦٨	سنه	١٥
اسد	٩٢٩٣٠	سنه	١٦
سبزه	٢٧٢٦٥٢٠	سنه	١٧
حمل	٤٤٦١٨٧٤ - افغانی	سنه	١٨
نور	-	سنه	١٩
جوزا	٥٤٦٧٧٧٧ - ٤	سنه	٢٠
سرطان	٠٢٤٣٦٦٨	سنه	٢١
اسد	٩٢٩٣٠	سنه	٢٢
سبزه	٢٧٢٦٥٢٠	سنه	٢٣
حمل	٤٤٦١٨٧٤ - افغانی	سنه	٢٤
نور	-	سنه	٢٥
جوزا	٥٤٦٧٧٧٧ - ٣	سنه	٢٦
سرطان	٠٢٤٣٦٦٨	سنه	٢٧
اسد	٩٢٩٣٠	سنه	٢٨
سبزه	٢٧٢٦٥٢٠	سنه	٢٩
حمل	٤٤٦١٨٧٤ - افغانی	سنه	٣٠
نور	-	سنه	٣١
جوزا	٥٤٦٧٧٧٧ - ٢	سنه	٣٢
سرطان	٠٢٤٣٦٦٨	سنه	٣٣
اسد	٩٢٩٣٠	سنه	٣٤
سبزه	٢٧٢٦٥٢٠	سنه	٣٥
حمل	٤٤٦١٨٧٤ - افغانی	سنه	٣٦
نور	-	سنه	٣٧
جوزا	٥٤٦٧٧٧٧ - ١	سنه	٣٨
سرطان	٠٢٤٣٦٦٨	سنه	٣٩
اسد	٩٢٩٣٠	سنه	٤٠
سبزه	٢٧٢٦٥٢٠	سنه	٤١

احصائیه حساب جاری دوایر - و موسسات ملی - و بلدی و اشخاص .

۱۳۲۴

سال ۱۳۲۳

۱ - در اخیر حمل ۱۰۵۱۶۳۷۷۱ر۴۳ - افغانی
۲ - » « ثور ۶۹۹۱۷۳۲۹۵ر۴۵ -
۳ - » جوزا ۹۴۶۹۴۰۹۵ر۱۷ -
۴ - » سلطان ۱۰۰۸۶۹۳۹۱ر۶۹ -
۵ - » اسد ۱۱۲۱۰۳۱۱۳ر۹۳ -
۶ - » سنبله ۱۰۴۳۴۸۰۶۴ر۴۱ -
۷ - » میزان ۸۵۶۲۵۰۵۹ر۹۱ -
۸ - » عقرب ۱۰۰۶۴۹۳۲۹۹ر۲۴ -
۹ - » قوس ۱۲۶۸۸۵۳۵۸ر۵۵ -
۱۰ - » جدی ۱۳۷۸۹۸۶۰۶ر۵۶ -
۱۱ - » دلو ۱۴۶۵۷۴۵۰۶ر۳۹ -
۱۲ - » حوت ۱۶۲۴۱۸۷۴۷ر۳۸ -

نوت: در احصائیه فوق حساب جاری اسعاری مشتریان نیز داخل است که اسعار آن بنرخ روز  
قیمت شده و نقود فوق در اخیر هر ماه تنها با قیهای کریدت است .

احصائیه موجودی های مابه اسعار خارجه و افغانی در بانکها و نمایندگیهای داخله و خزانه  
مرکزی و بانکها و نمایندگیهای خارجه

در ختم ماه دهم سال ۱۳۲۴

در ختم ماه دوازدهم سال ۱۳۲۳

۳۸۶۳۲۲۵۷۳ر۹۵ - افغانی

۳۷۴۵۳۷۱۹۷۸۱ - افغانی

احصائیه طلا و نقره ذخیره پشتوانه به نوتهای منتشره .

در ختم ماه دهم سال ۱۳۲۴

در ختم ماه دوازدهم سال ۱۳۲۳

۵۵۹۷۶۷۱۳۱ر۲۴ - افغانی

۳۴۳۰۱۱۲۹۴۰۱ - افغانی

## د کابل کالانی

احصائیه امانت های مفادی و بی مفاد .

سال ۱۳۲۴	- ۹۸۴۴۱۹۸۱ر۴۶	- افغانی	سال ۱۳۲۳	- ۲۸۶۲۴۷۲۶	- افغانی
» -	۸۸۸۶۵۸۲۷ر۷۵		» -	۳۳۵۰۸۹۱۸ر۸۳	- ۲
» -	۴۹۳۴۵۴۸۹۷۸		» -	۳۳۵۰۰۷۹۴۸۴	- ۳
» -	۴۸۲۴۳۶۳۴۰۲		» -	۳۳۹۵۴۳۳۶	- ۴
» -	۴۸۲۶۲۲۳۸ر۶۸		» -	۳۵۰۳۲۴۱۶	- ۵
» -	۴۵۶۰۳۴۲۳ر۱۶		» -	۳۵۲۶۰۳۲۳۸	- ۶
» -	۵۷۴۸۵۰۴۳ر۶۰		» -	۳۵۲۸۵۸۸۰ر۶۱	- ۷
» -	۵۰۱۴۷۲۹۱ر۷۵		» -	۳۷۱۹۶۸۷۰ر۶۲	- ۸
» -	۵۱۶۶۷۶۳۷ر۱۹		» -	۴۱۰۳۴۷۰۳۴۴	- ۹
» -	۵۱۵۸۱۱۳۹ر۲۴		» -	۴۰۶۵۲۴۶۳ر۵۶	- ۱۰
			» -	۴۰۹۰۸۳۵۹ر۴۳	- ۱۱
			» -	۴۷۳۳۶۸۷۳ر۰۷	- ۱۲

تبصره : اعداد فوق باقیهای کریدیت اند .

احصائیه قروض د افغانستان بانک بدواير و موسسات صنعتی و تجاری و سهامی .

سال ۱۳۲۴	- ۱۶۲۰۴۴۱۵۷ر۹۷	- افغانی	سال ۱۳۲۳	- ۱۸۸۰۶۰۳۷۶ر۸۱	- افغانی
» -	۱۴۴۰۹۰۵۷۹۶۴۳		» -	۱۷۵۷۷۶۲۸۰ر۵۶	- ۲
» -	۱۴۰۸۱۲۴۵۸ر۴۱		» -	۱۷۷۷۳۲۶۴۶ر۸۱	- ۳
» -	۱۴۴۵۶۹۰۴۱ر۸۳		» -	۱۷۶۱۱۳۹۸۳ر۷۷	- ۴
» -	۱۳۹۸۹۷۵۰۳۵ر۷۹		» -	۱۷۷۲۴۴۷۲۹۴۴	- ۵
» -	۱۲۹۷۸۱۰۶۶ر۱۲		» -	۱۷۱۹۹۰۴۰۶ر۴۴	- ۶
» -	۱۳۰۴۴۲۳۲۶ر۹۴		» -	۱۶۵۲۲۵۵۸۰ر۹۱	- ۷
» -	۱۱۶۳۲۸۰۲۸ر۴۴		» -	۱۶۵۴۱۷۵۳۳ر۶۴	- ۸
» -	۱۱۸۶۱۸۴۳۷ر۵۶		» -	۱۶۵۶۰۷۷۲۰ر۶۴	- ۹
» -	۱۲۰۹۹۴۰۴۶ر۳۸		» -	۱۰۵۸۰۹۷۳۴ر۷۹	- ۱۰
			» -	۱۰۹۲۹۱۶۹۰۶۱	- ۱۱
			» -	۱۰۵۱۸۴۴۶۴۸ر۴۸	- ۱۲

تبصره : - احصائیه فوق باقی دبت است .

### بانک ملی

در نتیجهٔ خاتمهٔ جنگ سال ۱۳۲۴ جنبش در کلیه ارکان اقتصادی مملکت وارد گردیده که ابعاد کاس آن بصورت بارزی در امورات بانکی و تجاری و صنعتی بانگمنی محسوس و هریک از شعبات مذکور به سیر صعودی آغاز نمودند که خلاصهٔ آن در ذیل شرح داده می‌شود :

#### الف) وضعیت حسای بات جاری و امانت :

سال ۱۳۲۴ تعداد حسای بات جاری ۲۵ فیصد و حسای بات امانت ۱۷ فیصد و حسای بات صندوق پس انداز ۳۰ فیصد نسبت بسال ۱۳۲۳ ترقی نموده و تناسب دادو گرفت بولی حسای بات مذکور و معاشر ملات تبادل اولی از فیصدی مذکور هم پیشتر بوده . در مرور زرقی تعداد حسای بات اولاً پایان جنگ که باب معاشر ملات و تجارت خارجی سهل تر گردیده اهمیت خاصی داشته و تابع آشنائی مشتریان با عاملات بانک عامل مهم دانسته می‌شود . بطوطر یکه امروز اکثر اعمالات انتقالی و تبادل اولی را بر معاشر ملات نقدي ترجیح داده و زاده و ستد پولی را توسط چک و حواله بانک اجراء میدارند .

#### ب) وضعیت کریدیت بانک ملی :

(۱) متعلق به فینانس صادرات : بانک ملی که منظور برگ است آن خدمت صادرات وواردات مملکت است پیوسته در صدد آن بوده تا برای نیل مقصد از مجاہدات خود نه کاسته باشد . چنانچه در هده السنّه تجارت پوست که احتیاج خوران نسبت با خذف قرضه در مقابل پوست بیشتر نشان داده بانک ملی معیار اعطای قرضه خود را در مقابل پوست اصل ازفی جلد پیست و هشت افانی به سی و شش افغانی ترقی داده و بدینصورت یک مبلغ معتمد بهی در عرض استفاده تجارت پوست قرار گرفت . (۲) متعلق به فینانس واردات : در قسمت واردات بدینه است که با ختم جنگ تور زدام اوال برای تجارت وارداتی ما از اموار ای بخار مخصوص از ممالک متعدد امریکا و اسپانیا و مکان پذیر گردیده . خدمتی که درین زمینه بعمل آورده ایم توسعه ایترآف کریده یعنی باید که برای انجام خواهشات مراجیین اعتبارات مفتوح و برای اجرای ترازیت اموال امریکائی از هند مبالغ کافیه را جهت کشتم درا بک انگلیسی در عرض استفاده تجارت خود قرار دادیم .

(۳) نظر عمومی در اعمالات قرضه ایترآف کریدیت : اعمالات قرضه بطور عموم نسبت بسال گذشته وسعت اختیار نموده چنانچه روهرفتہ در هده السنّه عده در خواستهای قرضه عموماً و در خواستهای ایترآف کریدیت خصوصاً نسبت بگذشته بیشتر شده است .

ج - وضعیت تجارت : گرچه جنگ که عمومی بسال ۱۳۲۴ خاتمه یافت اما قیود موافق که در آوان جنگ در زمینه تجارت بین المللی وضع گردیده بود هنوز بکلی و بلکه به میما نه مکلفی رفع نشده و باین علت تجارت

توپی مقرری



ع، ع، ح، محمد، کریم، حن، دیدختان، اعلان  
دوزارت فنی عمومی مدیر  
حاکم چه توپی مقرر شورای

په ملی دوازد و کښې مقرری



پاغلی غلام حسن خان «صافی» د تعاونی  
دیپو رئیس

پاغلی حاجی عبدالخاق خان د قند جوړه ولو  
د شرکت رئیس

دختریداری هیئت په هند کښی



دھرب دوزارت اوڈ ملکزی قواد خر لداری هست بدهند کپی جو دانچنیرتی اوڈ شفاخ ای سامان فرار داد امضائوی :

نامست د گنجی خوا : (۱) س، محمد آصف خان د مرگی، خوا د شفای خانی سرطیب (۲) ع، ش غلام دستگیر خان دو هم فردا هم شرا او ذهرا بر یکی عده می مدید داشت. این به حیث (۳) جنرال هـ. لکت امریکانی



من یار محمد خان نظامی دست‌حافت دخانگی مدیر  
او نه کایل د کالانی مهم

مؤسسه بسته رولوزی حیوانی : که درینی حصار جادار دو فعلاً به دو وظیفه مکلف و مشغول است:

۱-شق واکسین سازی : پس از انجام امور مقدماتی کار آن بناریخ ۲۱ اسد ۱۳۲۴ آغاز گرفته و این شعبه در مملکت عزیز بار اول است که شروع بکار می کند و از یک حیوان نیکه بمرض تا کو مبتلا گردیده میباشد عامل مرض مذکور از وجود آن گرفته بحیوان سالم که قرار قواعد فنی ایام فرانطینی خود را گند شناخته و ثابت شود که از امراض ساری عاری میباشد در وجود آن انجکسیون شده بدین ترتیب حیوان مزبور بمرض تا کو مبتلا ساخته میشود چنانچه بهمین اساس اقدام گردیده یک حیوان تقریباً برای هزار حیوان بزرگ شناختار از قسم گاو و غیره مرتبه اول واکسین ساخته شده و قسم تجربه وی کامیاب گردید و ازان به بعد کارواکسین سازی تحت جریان میباشد.

۲ شق سیروم سازی؛ علاوه بر واکسین چون قبل ازین برای حیوانات مريض سیروم ضد تا کو از معالک خارج خواسته می شد، همانا در موسسه مذکور برای ساختن سیروم نیز داخل اقدامات گردیده و یک تعداد جوانه گاوها که برای سیروم گرفتن مناسب بوده است برای عملیات آن تخصیص و تحت تربیه قرار داده شده است:

ب : شق مجادله امراض حیوانی : علاوه بر امراض عادی (افرادی) حیوانی در حیوانات مملکت یکی از امراض های ساری تباہ کن مرضی است که درین اهالی زراعت پیشه و دهاقن بنام تا کو یاد شده و عامل مرض یک نوع ویروسی است که داخل وجود حیوان شده آن را ازیماً درمی آورد و اکنراً بهلاکت میرساند، مرض مذکور که بمواشی مملکت خساره رسانیده است در مناطق مختلف درین گاوها ظهور گرده حتی در کابل به تربیه خانه علی آباد و هچنین در بعضی نزدیه خانه های شخصی و کذا در منطقه لهو گر و همین قسم در مشرقی به تربیه خانه عبدالغیل سرایت گرده یک تعداد زیاد حیوانات بدین مرض مبتلا گردیدند که با نتیجه انجکسیون سیروم وارد دار آنها تطبیق و منتج به نتیجه گردیده علاوه بر تداوی حیوانات مذکور تجارب فنی خوبی هم درین موضوع بعمل آمد، چنانچه در سال ۱۳۲۳ که مرض تا کو در گاوها مربوطه تربیه خانه علی آباد واقع دارالعنون شیوع یافته بود تلفات گاوها مذکور در ظرف پیکره ۱۱۸ فرد در سنی حاضر یعنی ۱۳۲۴ در همان مدت به دوفرد تنزل کرده است.

از طرف دیگر فرانطین لازمه در مناطق مذکور نسبت بحیوانات مريض اجراء و از جانبی سیروم ضد تا کو در حیوانات مريض تزریق گردیده از طرفی هم برای حفظ ماقدم بحیوانات سالم بعد از علم آوری واکسین ضد تا کو ساخت مؤسسه یعنی حصار تزریق گردیده است چنانچه در جا های مختلف بعد از کنترول علمی واکسین (۱) بیک تعداد حیوانات سالم بزرگ

راجح به اصلاح و پخته کاری سرک معدن کر کر : در معدن کر کر دوسرك در پشته های خامه از پل خمری و بغلان بطرف معدن امتداد داده شده، نظر باين که متن زمين اين سرک ها بسبب خامه بو دن يك توده خاک ميده گردیده وا ز باعنه يكه زمين هموار درين حدود نيسسته و تر هاي ذغال به مشكك تردد توانيه و ماشين موثر ها هم زود زود از كار مي افتد راه بين بغلان و معدن کر کر که (۱۲) ميل فاصله دارد و برای نقليه، ذغال باير يكه نسيتا نزديك ميشاشد از زيادت خرابي سككى متrok و تمام ذغال کار آمد فابر يكه قند و شبعتات تعميراتي بغلان از راه پل خمری نقل داده ميشود باين صورت دواير بغلان از بابت مصارف نقليه دوچند کرایه تاديه ميدارند چون خرابي سرک هاي موجوده به بسيار زودی تردد و امور نقليه را از پل خمری الى کر کر مانند بین کر کر و بغلان متوقف ميساخت در جريان هذالسنے با تريبيشههاد وزارت معدن و برآورد وزارت جليله فواند عماهه برای بخته کاری سرک هاي مذكور که از سنگ کلوه ساخته ميشود مبلغ (۹۰۹۴۰) افغانی جهت اصلاح و پخته کاري هردو سرک مذكور از مقام منيع صدارت عظمي منظوري داده شده است و مصرف پول مذكور در موعد سی سال بالاي قيمت ذغال افروز و از نزد مشتریان اخذ خواهد شد فعلا به شبعتات مربوطه هدایات داده شده که اولاً کاري سرک بین کر کر و بغلان را روی دست بگيرند و سرک بين معدن کر کر و پل خمری کهالي موضع دروازه کن (۷) ميل فاصله دارد بعداز انجام کار سرک اولي عنده الواقع شروع خواهد شد در باب پخته کاري سرک هاي مذكور که عنقریب رويدست گرفته ميشود تسهیلات زيادي در امور نقليه مذکور تواید ميگيرند .

راجح به تعين اجره کار يمکران معادن ذغال : به اساس نظریه بهی خواهانه حکومت متبوعه

به ملحوظ شاهقه بودن کار معادن هميشه اجره کاران معدن نسبت به ديگر کار يمکران شبعتات تعميراتي و غيره امتياز داده شده در سابق که اجره کاري يمکران معدن ذغال ايششيته و کر کر نظر به نوع رحمت شان به سه تفرقه از فرارسه افغانی و چهار افغانی و پنج افغانی تاديه ميگردد و زير معادن نظر به شاق بودن کار و خرابي اوضاع اقتصادي مزدور کاران در برج عقرب ۱۳۲۴ تزئيد اجره آنها را به مقام منيع صدارت عظمي ييشنهاد ومنظوري حاصل فرمودند که از تاریخ صدور احکام اجره کار انيکه بداخلي معدن به کندن ذغال می پردازند فی نفر روزانه هفت افغانی و اجره کاري يمکران يكه از داخل صوفه اذغال رادر بیرون معدن نقل ميدهند فی نفر روزانه پنج افغانی و برای کاري يمکران يكه در خارج معدن به ذخیره هاي ذغال مي افتد و امور منفرجه کار ميگيرند روزانه چهار افغانی داده ميشود و اين حکم شامل ساير معادن ذغال مملکت قرار داده شده است .

(ج) راجح به معدن ذغال کرخ هرات : در نزد يكى کوتل سبزك هرات دولينز ذغال وجود دارد که اين رگه هاي ذغال دار از سرک عمومي قلعه نوسه کيلومتر و از شهر هرات ۷۵ ميل فاصله دارد

ملکت ماه نتوانست که سال گذشته با وضعی عادی قبل از حرب عو دت کرده سیر ارتقای خودرا ازسر بگیرد.

رؤس اقدامات بانک ملی را درین سال در زمینه تجارت بطور ذیل میتوان خلاصه کرد.

۱ - پوست قره کل : در سال ۱۳۲۴ تمام فصل پوست سال ۱۳۲۳ و تخمین ۵۰ فیصد فصل سال ۱۳۲۴ که مجموعاً بالغ بر ۱۵۸ ریال ۲۰۴۰ جلد میشود بامریکا صادر و چون باز از مملکت مذکور رسانید بود قسمت زیاد آن بفروش رسید - در عین حال بعلت اختتام جنگ در بازار لندن نیز تقاضای پوست محسوس شد - لهذا بکمال دوازده متعلقه لايسنس و رو دیک تعداد پوست را بانگلستان حاصل و از فصل سال ۱۳۲۴ حمل نمودیم - امید است در اثر این اقدام تجارت پوست که در آوان حرب محدود بامریکا بود انسکاف یافته با خرید ران اروپائی نیز روابط تجاری دوباره قائم شود.

۲ - پشم : اگرچه بازار بین المللی یشم مساعد و تقاضاً زیبا - بوداما بعلت مشکلات ترانسپورت داخلی و خارجی نتوانستیم که بدون ازیشم قند هار چیزی از پیدا و از دیگر ولايات بخراج هر ضه کنیم - معد لک شرکتها مطابق هرسال سهمیه معین خودرا خرید و ذخیره نموده اند - امید است که باصلاح وضعیت ترانسپورت و نظر به تقاضاً تیکه در امریکا و اروپا محسوس است در آینده قریب زمینه صادرات پشم بهینه کافی مساعد شود.

۳ - پنبه : در سال ۱۳۲۴ شرکت شمالی مقدار ۵۳۴۰ تن پنبه دانه دار خرید ۴۸۵۱ تن به هند صادر نموده - بازار هندستان مساعد و تقریباً مطابق بسنوات قبل بو ده علاوه بر یک مقدار پنبه در داخل بفروش رسیده و مقدار مکفی در فابریکه های بافت و طن صرف شد از تحقیقاً تیکه بعمل آمده معلوم میشود که در انگلستان و دیگر ممالک نیز تقاضای زیاد برای پنبه موجود و جنس پنبه افقانی مرغوب است اما قلت وسائل حمل و نقل مانع اجرای معامله با ممالک مذکور میباشد - امید است که با تخفیف این مشکلات در صادرات پنبه مانیز افزایش کافی رو بدهد.

۴ - تریاک : اگرچه زراعت تریاک منع گردیده اما ازدخانه گذشته در سال ۱۳۲۴ مقدار ۰۰۰۰ تن تریاک بدخشنان بامریکا و فرانسه فروش گردیده.

در قسمت واردات که اخیراً بعلت قاتمال و گرانی نرخها اهمیت فوق العاده کسب نموده بانک ملی در این سال بیش از سابق داخل اقدامات شده و یک مقدار مکفی پارچه جات نخی و پشمی از امریکای جنوبی و انگلستان خریداری نموده امیدواریم که این اقدام راه تکثیر جنس در بازار و تعدیل نرخها مفید ثابت شود علاوه بر آن آرد رهای متعدد و دیگر تجارت و شرکتها نیز ذریمه نمایند کیهای لندن و یوپارک در معرض اجراء گذارده شده از هند مقدار ۱۵۰۳۰۰ کیلنی بطرول و ۲۷۷۱۷ بو ری مساوی ۴۰۱۸۹۶ سیر شکر ذریمه شرکت قند سازی وارد گردید و شرکت انحصار موتور موقق شد که آرد رهای خودرا جهت تورید موتورهای لاری و تیز رفتار بامریکا صادر نماید.

## د. وضعیت صناعاتی

- (۱) گرچه سال ۱۳۴۴ جنگ حاده باقه، اما موابع مشکلات که در آوان چنگ و صم گردید، بود هنوز رفع نشده و بتایز آن اداره صنعتی با نک ملی در این سال نیز از یکطرف به ترتیب یلانه و پروژه های تازه که بعد از حاده جنگ و باز شدن باب تجارت بکار امداده شو دصروف بوده و از طرف دیگر با وجود مو انعامات و عوائقی که از رهگذر بودن آلات فالتوس مان صروریه بیش روداشتند در ترجمه و نشوونمای مصنوعات فابریکه های مر بوشه برداخت که خلاصه آن در دلیل شرح داده می شود.
- فابریکه نساجی پلخمری - فابریکه نساجی جبل السراج - فابریکه پشمیه باقی رفند هارس - فابریکه پشمیه باقی کابل (سهامی اقتصاد) با وجود عدم تکمیل و بودن پر زر جات فالتو در ریاضی و تکثیر تولیدات کوشیده و نسبت ببورهای او لیکه کار کان آن تازه کار بود - موقوفیت حاصل موده اند.
- متلاز فابریکه نساجی پلخمری که قلاً فی تقدیم دست ۸ ساعت بیش از ۴۰ متر پارچه تولید نمیتوانستند - امروز در اثر تریه کارگران مد کور سر طرفی مدت مزبور فی فرار ۳۳ الی ۴۰ من پایه چه تو لید مینمایند. که این ریادت معیار تولیدات فابریکه های مد کور در رفع احتیاج عده مصرف کنمکه کان اهمیت خاص دارد.
- فابریکه نساجی پلخمری و فابریکه نساجی جبل السراج که بواسطه افراد داخلی انتظام و اداره می شود نیز در این مدت از تولیدات روز افزون صحن های پردوام خود ها کمک شایانی با هموطنان عریز معمول داشته و بر علاوه زان باقتن پارچه جات تو لیدی مدیریت عمومی محبس و بافتگان انفرادی نج بهیه و بقیمت مناسب در دسترس شان گذاشده که این اقدام فابریکه های مد کور از نقطه نکثیه تو لیدات وطن عریز اهمیت بزرگی دارد.
- (۲) قابریکه پشمیه باقی فند هار که بوسیله افراد داخلی انتظام می باشد نیزه اه صادرات خود را با ادازه بلند برده که علاوه بر تو لیدی حویس با ادازه هفت هزار سیز تار با پشمیه باقی اقتصاد کابل فرار داد نموده و بر علاوه نارقات آزاد پشم های زیبا و خوش شکن خود را برای برای بافت البسه پشمی که قلا اد خارج وارد می شد بیاندار عرضه نمود که هر ر مذکور از بقیه ارزش و ارزانی فیمت جای هونهای خارجی را گرفته.
- (۳) فابریکه سهامی اقتصاد که با چند دستگاه فابریکات کهنه و چند دستگاه فابریکان نامکمل جدید که اصلا برای نقاط دیگر در نظر بوده اخر صحنه کار گردیده و با وصف گرانی قیمت پشم و بودن آلات و پروژه جات فالتو معیار تو لیدات و جیست رچه جات خود را بلند برده چنانچه عرو فمایشگاه سال ۲۴ دکان فروش تو لیدات فابریکه مد کور این ادعای ثابت ساخته است.
- (۴) برای سوخت فابریکه قند بغلان که قلا در حد ان ۸ تن ذغال بمصرف میر سپد در هده است به بیش تن تغییل یافته که تفاوت فیمت آن مبلغ بیش لک اتفاقیست و علاوه بر آن احداث سرک جدیدی از معدن ذغال کر کرالی فابریکه قند بغلان تحت اجزا فراز یافته است تکمیل آن در تقلیل کرایه ذغال و بالنتوجه مفاد ش کت قندسازی اهمیت فابلی ذکری دارد.

شاخدار تطبیق شده است و در خلال جریان پیچگاری واکسین الی تاریخ حال نتائج خوبی بندست آمده است.

ناگفته نماند معاقبینیکه واکسین ضدتاکو در عضویت حیوان میکنند پیدا مدت آن یک الی دو سال میباشد از این رو در سال آینده نیز این سلسله باید بهینه وسیع تری تحت اجرا گرفته شود. این موسسه که در سال اول حیات خود میباشد در مملکت سابقه ندارد امید است در آینده به توجه حکومت پیشرفت زیادی کرده و برای سلامتی مواشی مملکت خدمات شایسته را مصدر گردد.

## دوم شعبهٔ نباتی :

مدافعانهٔ ملخ پروازی شستو سر کما : طور یکم در سال نامه گذشته تذکار شده بود از دو سال با این طرف در موسسه اول بهار دسته های ملغ پروازی موسوم به (شستو سر کما گریگاریه) از خاکهای هم‌جاوار مایه‌ی ایران و هند در ولایات غربی و جنوب غربی افغانستان داخل می‌شوند و اگر مقابله آنها مدافعانه جدیانه نشود برای حاصلات مملکت خساره بزرگی می‌رسانند و در سال حاضر نظر به اطلاعیه‌های واصله که وجود ملغ مذکور را در خاکهای مجاور سرحدات افغانی در خاک ایران و هند و آن مود می‌ساخت، پیش از پیش مأمورین فنی باتجربه در ولایات قندهار، حکومت اعلی فراه و حکومت کلان غزنی و همچنین مأمورین فنی دائمی مدافعانهٔ ملغ در ولایت هرات بوقت معینه در موقع لازمه حاضر و آمده بودند ملغ پروازی در ولایت قندهار بتأثیر ۲۵ و ۳۰ حمل یعنی دودفعه از خاک هند بطرف سپین بولدک و ارغسان داخل وساحه انتشار آن در حکومت کلان قلات گذشته تا حدود حکومت کلان غزنی در علاقه مقرر سیده بود و همچنین در حکومت اعلی فراه در دو گروپ بتأثیر ۶۱ و ۲۶ حمل از خاک ایران داخل علاقه چنان سور شده چار بر جاک و ناد علی را بیهود استیلا کردند، گذادسته‌های ملغ پروازی مذکور بتأثیر ۲۷ هور از فائنا واقع ایران به ایالت هرات داخل و تا حکومت شین دند و والی شهر هرات رسیدند اما در تمام این موقع ترقی منتظر و آمده بود و بدون قوت وقت از یک طرف بدیریت رفع آفات ریاست مستقل زراعت اطلاع و از طرف دیگر خودشان فرار هدایت مرکز داخل فعالیت شدند و قرار او صاع معیطی شروع بمدافعته کرده در دوره های مختلف ملخهای مذکور را چه در حال پرواز و چه در حال تخم و مچک حتی المقدور ازین بردند، چنانچه در این عملیات جدی که درخاک افغانی بزارع ضرر رسانده صورت گرفت ملخهای پروازی مدافعته شده و موقع نیافتند که درخاک افغانی بزارع ضرر رسانده و یا به تولید و تکثیر بپردازند و یا بخاکهای مجاور مسرایت کنند. این عملیات از کامیاب ترین عملیاتی بود که برای مدافعته ملغ درین ولایات خصوصاً قندهار و هرات صورت گرفته است و تفصیلات آن در موقعش از طرف ریاست زراعت به روزنامه اصلاح هم نشر یافته است که

تکرار آن درینجا بی اروم خواهدبود و این عملیات قرار راپورت هیئت فنی جداگانه که برای ملاحظه این امراعزام شده بودند مقام دارالجــکومه گی فندهار و هرات و حــکام محلی و اهالی هردو ولایات به معیت هیئت های فنی ریاست زراعت و مامورین فنی دائمی مد افعه ملخ افدا مات خبلی جدیانه نموده اند که مخصوصاً قابل تذکر میباشد . همین قسم در حــکومت اعلی فراه و حــکومت کلان غزنی و مربوطات آنها نیز هــکاری خوبی از طرف مامورین و اهالی بعمل آمده است .

### مدافعه ملخ مراکشی وايطالوی :

چون یکعدد مامورین فنی مدافعه ملخ بطور دائمی درولایت مزار شریف ، فطفن ، هرات و حــکومت اعلی مینه داریم مامورین فنی مذکور بهمکاری آمرین و معاونت اهالی ولایات مذکور فعالیت داشته و قرار یکه راپور کشفیات و عملیات خودهارا راجع به ملخ مراکشی وايطالوی بمدیریت مدافعه امراض زراعتی ریاست مستقل زراعت ارسال نموده اند ساحه اراضی کشفیات شده و اراضی مسوم که جدول هذا بصورت خلاص ازملخ را که بطور خبلی پراگنده است نشان میدهد

ولايات	مساحة اراضی کشفیات شده	مساحة اراضی مسوم ازملخ طور خبلی پراگنده
مزار شریف	٤٥٨٢٠	١٩٦٩ جریب
فطفن	٤٢٠٠٠	» ١٧٩٢
هرات	٥٥٤٧٠	» ١١٩٥
مینه	٩٩٧٦	» -٥٤٠

### معاینه مزارع پنبه سمت شمالی :

طبق همه ساله هیئت فنی رفع آفات زراعتی برای معاینه رفبات زرع پنبه سمت شمال مملکت اعزام و در هر محال نسبت بوجود حشرات قرانطینی علم آوری کرده اند . قرار یکه هیئت مذکور در راپور خود اطیبان داده اند از حشرات قرانطینی در کشت زارهای سمت شمال قطعاً مشاهده نرسیده و تنها از حشرات غیر قرانطینی یک اندازه بسیار کمی بمنظیر رسیده است که در ازین بردن آنها اقدامات بعمل آمده است .

### مدافعه حشرات درختی :

در سال گذشته نسبت به مبارزه حشرة شنگک خوراک که یک حشرة زنگکاری رنگک بوده و درختان شنگک را مورد حمله قرارداده بر گهای آن را میخورد و درخت را از سرسبزی بازمیدارد

اطلاع داده بودیم ، عملیات تدافعی آن امسال نیز از طرف شعبه دفع آفات ادامه یافته و این عملیات در شهر کابل و اطراف در وقت لازمه اجرا گردیده که نتایج اطمینان بخشی گرفته شده است و همچنین حشره مضره مور که در حکومت کلان غزنی رونما گردیده بود در سال حاضر به دو موسوم به قابل آن اقدامات تدافعی صورت گرفته و برای مدافعته این حشر حکومت کلان با اهالی طبق هدایات مأمورین فنی ریاست زراعت مجاہدت درستی نموده و با نتیجه مدافعته آن قسم درستی اجر اشده است.

### مدیریت تبلیغات زراعتی :

این مدیریت نیز بسهم خود در قسم تبلیغات زراعتی از قسم نمایشات زراعتی ، نشر مقالات ، ترتیب لوایح ، مقررات وغیره تا جایی که ممکن شده سعی و مجاہدت نموده است چنان چه در روز اول سال در موضع تربیه خانه علی آباد ترتیب میله قلبکشی و آغاز نهال شانی و نمایش حیوانات را گرفته پس از رورود والاحضرت افخم وسائل مدعوین محترم با مراسم لازمه آن آغاز یافته و بعداز فراغت چند آیه قرآن شریف ووصایای سودمند دینی برای سعی و مجاہدت در راه زراعت و فلاحت والاحضرت افخم معزون نصاحب صدارت عظمی نخست قله را رانده ، سپس بفرس اولین نهال اقدام فرمودند که سائرین نیز این کار نیکوی والاحضرت را تعقیب نمودند ، و بالاخره که والاحضرت با سائر مدعوین محترم به کمپ مخصوصه شان نزول اجلال فرمودند نمایش و گذشتاندن حیوانات قبل انعام که قبلاً ذریعه هیئت معینه آن ثبت و تعین گردیده بود آغاز یافت و برای حیوانات مختلف از قسم اسپ سواری ، اسپ گادی ، گاو قله ، جوانه گاو ، گاو شیری و اقسام طبور وغیره انعامات نقدی پرداخته شد تا برای دهافین و زارعین تشویق و ترغیب خوبی شده در سالهای مابعد برای نسل گیری و تریه حیوانات خوب و صحیح سعی و کوشش درستی نمایند و روز موصوفه پس از مشاهده یک عدد نمایشهای دیگر ختم یافته و واقعی است که ترتیب موصوفه تائیز بارزی درین توده زراعت پیش و دهافین نموده است . علاوه بر نمایش فوق ، مدیریت تبلیغات زراعتی وقتاً فوقتاً از طریق نشر مقالات زراعتی و فلاحتی کار گرفته و مقالات سودمند و مفیدی در روز نامه های مرکز وورقه های علمی عدده در معرض نشر قرار داده است وازین به بعد هم سعی میکند تا از درک نمایشات و نشر مقالات وغیره وسایلی که در دسترس باشد تبلیغات خوب و مؤثری گند و خدمتی ازین راه بنماید .

### مدیریت عمومی املاک و مدیریت جنگلها :

مدیریت عمومی املاک رویه هر فته در نظام و نسق امور املاکی سعی و مجاہدت نموده شعبه باغهای آن در اصلاح و ترتیب باغها به اتفاق مأمورین و باغبان باشی های مر بوطه آن اقدامات نموده است که چیزهای مهم آن در ذیل یادداشت میشود :

- ۱: اصلاحات عمومی در داخل باغ‌چهلستون، گلباخ، بگرامی، باغات استادف، باغ عمومی، گلبهار به نوعیکه لازم بوده است بصورت فشنگ و زیباتر ترتیب گردیده است .
- ۲: در چهلستون بر علاوه اصلاحات عمومی یک قطعه چمن کلی باندازه تخمین ۴ جریب جدیداً احداث و در آن انواع گل و بوته‌های زینتی بندر و غرس گردیده است و برای اصلاح تخم حبوبات در حدود سه جریب زمین را از انواع سبزیکاری‌های داخلی و خارجی بندر و تخمها آنها را به ترتیبیکه لازم بوده جمع آوری گردیده وهم برای موجودیت همیشگی گل و ضایع نشدن بوته‌های فشنگ زینتی - تعمیر یک گلخانه بزرگ را از ابتدای سال ۱۳۲۴ شروع و در آخر قوس کار ساختمان آن تمام و باندازه پنج الی هفت هزار گلدان و بوته‌های فشنگ بر علاوه از گل و بوته که در زمین گلخانه در نقشه‌های فشنگ آن غرس شده تحت حفاظت گرفته شده است .
- ۳: در باغ گلباخ یک قطعه چمن کلی در حدود پنج الی شش جریب زمین متصل سرک دروازه در آمد احداث شده که ازان هم بر علاوه نمایش و استفاده گل و سرسبزی مذکور در گلخانه‌ای آن اصلاح تxm‌های گلها در نظر گرفته شده است .
- ۴: باغ بگرامی اگرچه موسم بهاری فشنگی دارد مگر اضافه ترا از ایام زمستان از موجودیت گلخانه‌ای فشنگ گلخانه‌های مذکور استفاده زیادی می‌شود بر علاوه اصلاحات عمومی داخلی آن اصلاحات زیاد در ساختمان گلخانه‌های مذکور و نظر بضرورت بست غربی گلخانه گدامی آن احاطه جدید تعمیر و به اتمام رسانیده شده است که مورد استفاده قرار گرفته است .
- ۵: در باغ‌های استالف بر علاوه اصلاحات عمومی ترتیب یک قطعه باغ جدید به حصه‌زیر تخت متصل در زیاه که کار پر زحمت و نقل دادن سنگ‌های بی‌جهاء آن ذریعه سرنگ وغیره از ابتداء سال ۱۳۲۴ شروع و یک اندازه زیاد آن نزدیک با تمام رسیده است و در پیشنهادی بالائی استالف یک تعداد نهال‌های بادام وغیره غرس گردیده است .
- ۶: در باغ گلبهار که باغ جدید احداثی است بر علاوه ترتیب کردها و یک اندازه خیابانها وغیره آن کناره‌های طرف دریاء شتل آن ترتیب خوبی داده شده است ، مدیریت جنگلات در نواحی و مقامات مختلفی مثل اطراف دارالفنون ، چمن بینی نیزار ، کته بلوان ، موضع خورد کابل ، حصص مختلفه در گشکاری و ولایات یک یک اندازه معتمد بھی نهال و قلمه مثمر وغیر مثمر غرس نموده است تا اگر خدا بخواهد در آینده زمینه خوبی برای احداث جنگلات نوی بشوند .

### امور زراعتی و فلاحتی هرات

- خدمت برای پیشرفت و سرسبزی ولايت و تریه موashi و حیو انات اهله از منظو رات مهتم حکومت متبعه بوده و در هذاسته اجرا آتذیل درین قسمت بعمل آمده است :
- ۱ - برای نهال شانی دو طرفه هریرو دا چشت الی اسلام قلعه که به عرض دو جریب بعمل می آید پلان پنجسا له ترتیب گردیده است .
  - ۲ - به تعداد چهل یك هزار نهال ناجو، بد و طرفه سرک شین دند از سرک پشتون بل الی میردارود تغیریس گردیده است .
  - ۳ - به نیت سرسبزی دامنه های شمالي جلگه از خواجه کاز و رالي دشت مولوی صاحب که ۱۵ کروه فاصله داشته زلمی کوت و تخت صفر را نیز دربر می گیرد جوی حقابه آن بمعه یك با غ واراضی مربوطه در موضع شیدائی کاملاً خریداری گردیده است .
  - ۴ - در باغ شیدائی اصلاحات بعمل آمده و تعمیر حوض آب و توسيع با غ بصورت عصری در نظر گرفته شده به تعداد کافی نهال ناجو، سرو وغیره در باغ عمومی جدید الاحداث شیدائی تغیریس گردیده است .
  - ۵ - در زلمی کوت و سایر قسمت های آن بتجهه فوماندانی عسکری نهال شانی زیادی بعمل آمده واصله های ناجو، و سایر اشجار به تعداد هنگفتی تغیریس و باعث سرسبزی گردیده است .
  - ۶ - برای تعمیم درخت بادام در غور و سایر موضع به اندازه یك خروار بادام از قندهار وارد گردیده است .
  - ۷ - برای حفاظه جنگل های پسته وارجه بادغیسات جدا اقدام و قطع اشجار قدن گردیده است .
  - ۸ - در حصه کشك ، گلران . قلعه نو تجریباً یك اندازه پسته بذر گردیده است .
  - ۹ - برای تعمیم درخت ناجو، قوریه های بزرگی احداث گردیده که کار آمد تمام ولايت را کفايت نموده می توانند .
  - ۱۰ - قوریه های درختان مشتریز در باغ های سرکاری احداث گردیده است .
  - ۱۱ - به غرض تریه موashi مالداران بر علاوه آنکه در تابستان بصورت صحیح از قسمت های علف خود استفاده مینمایند برای زمستان نیز علوفة کافی فراهم میدارند
  - ۱۲ - در حصه نسل گیری گوسفند مرینوس تزئیند بعمل آمده و نیز یك تعداد فیل مرغ های تریه شده در دسترس عموم مقرر داده شده .
  - ۱۳ - به غرض تزئین و تریه نسل اسب خوب توسط موسسه فلاحتی اقدام و بهترین مادیا نها از داخل وخارج تدارک و اکثر آ خریداری گردیده است .
  - ۱۴ - به تعداد پنجصد مادیان در مؤسسه فلاحتی برای نسل گیری خریداری گردیده است .

- ۱۵- توسط مؤسسه فلاحتی وزرایتی به ترتیب شتر، اسپ، گاو، مرکب، طیور و غیره اقدام گردیده است
- ۱۶- در دولت رفته عموم جاده های هرات نهال ناجو تغییرات گردیده است.
- ۱۷- کار نهال شانی پارک شهر جدید که دارای ۱۱۳ جریب زمین میباشد تکمیل گردیده است
- ۱۸- برای تعمیم درخت سرو و سرو آزاد اقدام بعمل آمده است.
- ۱۹- برای پیشرفت امور زراعتی و فلاحتی یک مؤسسه بسرمایه هنگفتی پیش‌بینی و مقدمات کار و سرمایه ابتدائی آن تدارک گردیده است
- ۲۰- در غوش رباط یک جوی جدیداً احداث و باز آن به نهال شانی و سر سبزی موضع مذکور اقدام گردیده است.
- ۲۱- در موضع میرداود سرنشسته قنات برای آب رسانی نهال های دو طرفه سرک خریداری و برعلاوه در موضع مذکور یک پارک ینچه احداث گردیده است.
- ۲۲- در حصة پوزه لنج و چهاران یک جوی جدیداً احداث گردیده که یک اندازه اراضی کافی را آبیاری می‌کند و کذا برای تعمیر سایر جو یهای پر و زره ترب گردیده است.
- ۲۳- برای جلو گیری از سرایت ملخ نوع شصت سر که که از سرحد ات ایران تجاوز نموده بود بمحاذله بزرگ آغاز و به مدتی اهالی این سیلاب مضره دفع و تخم گذاری آن نیز تلف گردید.

### مدیریت زراعت و لایت هزار شریف :

- ۱: - به تعداد سی جریب زمین در امرخ مر بوط حکومتی کشنده و سی جریب زمین دیگر در دو آبمر بوط حکومتی سنگ چارک یک یک باغ ذخیره تاسیس و یک تعداد نهال مشعر و غیر مشمر در باغات مذکور غرس گردیده است.
- ۲: - راجع به جنگل های چوب سکساول که بخصوص ریگستان اینولا وجود دارد، ورفع حوائج عمدۀ محرومّات عامه ازان می شود، برای اینکه محو نشود، در آنباره ترتیبی به قرار تصویب مجلس مشوره اتخاذ و تحت اقدام آورده شده است.

### ماهوریت زراعت هیمنه :

- ۱: - کار حفر دو قنات که در حصة موقانی و آقسای برای آبیاری اراضی در سال ۱۳۲۳ - آغاز شده بود، در سال جاری نیز کار مذکور ادامه داشته و تا حصه زیادی کار مذکور پیشرفته است و وضعیت آب کاریز های مذکور اطمینان بخش است.
- ۲: - یک مقدار خسته اشجار میوه از قبیل آلو بالا، آلو بخارا، شلیل قندهاری، شکر پاره، شفتالو هر نوع بادام وغیره که از ریاست زراعت در سال گذشته رسیده بود، بواسطه عدم مساعدت

ضخامت رگه آن دارای یک متر بوده و جنسیت ذغال آن از نوع بهترین ذغال های افغانستان میباشد که در وقت احتراق به دوازده برابر و شعله بلند میسوزد، در لیتر نمبر (۱) هفت صوف اکتشافی بعرض یک و نیم متر و بطول مجموعی ۴۲۹ متر حفر گردیده که بعد از تعقیب کار گذشته ۳۱۵ متر پیشرفت صوفها در سال ۱۳۲۴ بعمل آمده در لیتر نمبر (۲) یک صوف امتحانی به عمق ۲۰ متر حفر شده و جمله طول رگ ذغال که تا حال کشف شده (۱۸۰ + ۱۲۰ = ۳۰۰ متر) میباشد که در اثر عملیات اکتشافی تا حال بطور تخمین (۱۹۰۰۰) تن ذغال کشف شده است و مقدار با قیمانه نیز قابل کشفیات و مستلزم تحقیقات میباشد در نتیجه ادامه کار سال ۱۳۲۴ که توسعه سید عبدالاحمد خان دیپلم انجینیر مسایل استخراجی معدن مذکور صورت گرفته در وعیت رگه و نوعیت ذغال کدام نقص و تغیری واقع نشده زیرا ضخامت رگ ذغال ازدهن صوف الی عمق (۷۴) متر که در از ترین صوفهای حفر شده موجود میباشد تقریباً یکسان یعنی از ۸۰ تا ۱۰۰ سانتی متر بخلاف حظمه میرسد در اثر تجسساتی که بعمل آمده علاوه بر گهای ذغال کوتل سبزک و مسجد چوبی آثار و علایم ذغال در حدود کوه دوندر و علاقه در ملق که تقریباً سی میل از هرات مسافت دارد نیز به شاهده رسیده که چون (عصر یورا) درین علاقه تشکیل وسیع دارد امکان پیدایش ذغال بدیگر نقاط آنجاییش یعنی میگردد بنا بر این تمام مناطق ذغال دار ولايت هرات تحقیقات اکتشافی و تجسسات مزید بکار دارد که بعد از معاينات مفصل برای معلوم شدن وسعت و امتداد رگهای مخفی از نقطه نظر طبقات الارضی و نقشه برداری تحقیقات مکمل بعمل آید و موجودیت مقادیر ذغال آنجا بواسطه عملیات برمه با ثبات بررسد، اجرای این کار در وقت تحقیقات اکتشافی عمومی افغانستان که عنقریب شدنی است عملی خواهد شد.

در جریان سال ۱۳۲۴ بفرض ترویج ورفع احتیاج محروم قات شهر هرات معدن ذغال کرخ توسط ریاست ارزاق آنولادر تحت اثر امر و توجه مخصوص وعج عبد الله خان نایب الحکومه بسکار انداخته شدواز برج نور تابرج میزان ذریعه دیپلوم انجینیر موصوف رویهم مقدار ۴۰۶ تن ذغال از آن استخراج گردیده و در نظر است که یمانه استخراج برای مصارف آینده ولايت هرات وسعت داده شود و کار آینده آن بوسایل پایه بندي پیش برود.

(د) راجع به معدن ذغال بشگی: این معدن ذغال که از کشفیات سابق و در کوتل چال مر بوط

اشکش وجود دارد نظر بخوبی نوعیت ذغال آن قابلیت کوکس شدن را دارد و در فابریکه پخته فندز برای امور ریخته گری ازان کو کس میسازند نظر به اهمیت آن در هذالسنہ ۱۳۲۴ معدن مذکور تحت مطالعات متخصصین قرارداده شدرا پورتی که ص دو کنور سلطان احمد خان متخصص در مو ضوع چیگونگی معدن مذکور و نوعیت ذغال آن داده مختصر آن ازین فرار است:-

- وقت معطل مانده و در هذالسننه در باغ های قوریه بلچراغ و قیصار و باقی محالات بذرگردید .
- ۳ : در عایدات محصول جنگلات در سال جاری نسبت به سال گذشته مبلغ ۲۱ ۱۴۴۹۴۱ افغانی تز ایند بعمل آمده .
- ۴ : در بلچراغ بمساحت یک نیم کروه یک موضع که در سابق جنگلزار بود، رویهم رفت و در اثر بی پرداختی ازین رفتہ بود در هذالسننه اقدام به نهال شانی و آبادی آن گردید .
- ۵ : در سال جاری در اثر تشویق مدیریت زراعت از طرف اهلی ( ۲۴۸۹۶۲ ) اصله اشجار مشمر وغیر مشمر غرس گردید .

### شعبه زراعت حکومت اعلای فراه :

- ۱ : در حدود ( ۲۵۰۰۰ ) جریب زمین های مخربه که از سالهای قدیم به نواحی دلارام و خاشرود بایروم بزرع افتاده بود در هذالسننه در اثر توجه و کوشش حکومت اعلای یک شرکت بسرماهه نیم میلیون افغانی تاسیس گردیده ، تا این مبلغ به حفر نهر که از دریای خاشر ود منبع میگیرد صرف و تابه اوایل سال آینده به پایه تکمیل برسد ، و تا کنون باندازه ده کیلومتر کار مذکور انجام گردیده و باقی کار آنهم بسرعت جاریست .
- ۲ : در علاقه داری کر کی یک نهر جدیدی که از نهر شیخ سرد یوارک آب میگیرد ، برای آبیاری شش هزار جریب زمین بلند آب که متصل خط واقع است مساعد و تحت کار گرفته شده . و کار آن قریب اختتام است ، این نهر علاوه بر اینکه اراضی فوق را رسربز و آباد میسازد ، در موقع سیلاب ووفور آب دیگرانها را کشته املاک تحت خطر واقع است نیز کمک میرساند .
- ۳ : در حضمه سیاب مربوط حکومتی بکوایک چشم و ذخیره آب موجود بود ، در اوایل سال بکار حفر آن اقدام و آب وافری ازان جریان یافت که لین آب برای احداث باغ و آبیاری یک حصه اراضی مخربه که تحت آن واقع است کفایت خواهد کرد .
- ۴ : در حدود دشت سر جزان مربوط حکومتی انار دره آثار قنوات مخربه محسوس و درین روزها فرارهای مقامات صلاحیت دار به آبادی آن شروع بکار گردیده که بعد از کمال تغییر شش هزار جریب زمین مخربه را آبیاری خواهد کرد ، و یک فنا آن قریب تکمیل و باقی آن زیر کار است .
- ۵ : در حدود چشم میانک که بین راه علا قداری جو بن واقع است ، باندازه دو هزار جریب زمین مخربه را دار است آبادی آن نیز زیر نظر گرفته شده .
- ۶ : در حدود بیست هزار جریب زمین مربوط علاقه داری جوین که مسمی به خاک است از قدیم مخربه بوده در هذالسننه جهت آبیاری زمینهای مذکور اقدام گردیده .
- ۷ : نهر منار واقع خاشر و دکه از قدیم مخربه بود در هذالسننه در آبادی و حفر نهر مذکور اقدامات بعمل آمده .
- ۸ : یک باغ عصری در سمت غربی شهر کهنه فراه احداث و متصل آن تعمیر یک کافی از طرف ریاست بلدیه زیر نظر گرفته شده .

## امور ریاست مستقل مطبوعات

ریاست مستقل مطبوعات درین سال با وجود مشکلات باقیمانده دوره محاربه موفق به پاره اجرآت شده که بهترین آن حسب ذیل است :

### مدیریت عمومی نشریات

#### شعبه اول

- ۱ - فراهم کردن تسهیلات برای تاسیس یک مدیریت مطبوعات و جریده و مطبوعه در بدخشان.
- ۲ - کمک در ارسال یکمده وسایل جدید طباعتی بمطابع ولایات.
- ۳ - وصول و اندراج ۲۵۲ اثر تالیف و ترجمه فارسی و ۲۲ اثر ترجمه و تالیف پیشتو.
- ۴ - همکاری در تاسیس یک مجله سه ماهه افغانستان به زبان انگلیسی و فرانسوی و نشر شماره اول آن در ماه مهر.
- ۵ - زیر طبع گرفتن کتاب دیپتو د ادب تاریخ برنده جایزه خوشحال خان ختیک.
- ۶ - اعزام یک هیئت مطبوعاتی جهت معاونت امور مطبوعات بغلان.
- ۷ - تهیه مقدمات تاسیس یکم کر نشریاتی در غزنی عجالت اموریت از انس غزنی به اموریت مطبوعات شناخته شد.
- ۸ - مساعدت با روزنامه ها و جراید در ارسال مضامین.
- ۹ - فراهم کردن تسهیلات برای بزرگت ساختن روزنامه های اصلاح و ائمه و اتفاق اسلام به قطع سابق آن.

#### شعبه دوم نشریات :

- ۱ - اقدامات برای تاسیس و تقویه روابط عرفانی و نشریاتی با موسسات علمی و نشریاتی خارجه جهت معرفی افغانستان به خارج و استفاده از تبعات و آثار منتشره موسسات مزبور بالغاصه تاجانیکه به افغانستان مربوط باشد.
- ۲ - همکاری با جراید و سایر دوائر مطبوعاتی در قسمت تورید کتب و جراید و تهیه مقالات و تصاویر وغیره که این شعبه در حدود وظایف خود به آن دسترس پیدا میکند.
- ۳ - همکاری در تاسیس یک مجله مصور سه ماهه بنام افغانستان به زبان انگلیسی و فرانسوی.
- ۴ - جمع آوری و توزیع اطلاعات مربوطه به افغانستان و سایر اطلاعات مفید بدوائر و مقامات ذی علاقه مملکت.

شعبه رادیو :

رادیو کابل پنجین سال نشیراتی خود را با نشر موعظه های دینی و مضماین اخلاقی، اجتماعی، صحی، تربیوی، زراعتی، فلاحی، دیالوگها، و رادیو در امها، به بیان رسانیده با تندگی وقت و ضيقی فرصت، کوشیده مثقالهای گذشته حتی المقدور به نشرات خود دوام داده و بحصه اوقات فراغت شنو ند گان خود را بخود مصروف سازد و انها را از شناوند مضماین متعدد و موزیک های ملی متلذذ ساخته رضایت شان را، فراهم نماید و در قسمت اخیر سال در اثر مفاهمه با شعبه تجارتی بوقت نشر انتخود دوباره افروزه و در ایام تعطیل از طرف روز بازدوساعت به نشرات خود زیاد کرده و بیشتر اسباب تفریح شنو ند گان خود را فراهم ساخته روی هم رفته رادیو کابل در ظرف سال ۱۳۲۴ به صورت مجموعی ۷۸۰ ساعت نشرات نمود کدران موضعات، آتی نصب العین آن بوده:

- ۱ - موعظه های دینی و تفسیر آیات قرآنی.
- ۲ - مضماین اخلاقی - اجتماعی - تربیوی - علمی - تاریخی - صحی - زراعتی وغیره.
- ۳ - رسانیدن اخبار و اوضاع جهان بوسیله سرویس های خبر و اجمال های سیاسی هفته وار.
- ۴ - خدمت بزبان ملی و تدریس زبان ملی به صورت مسلسل.
- ۵ - نشر درا مهار دیالوگهای اصلاحی و ادبی.
- ۶ - شناوند موزیک های مختلف و آهنگ های ملی.

از جمله ۷۸۰ ساعت نشراتی ۱۴۱ ساعت آن وقف موعظه ها و مضماین و دروس پشت و ۲۴۰ ساعت آن صرف خبرهای داخلی و خارجی و وقایع سیاسی گردیده و باقی آنرا نواختن موزیک ها و آهنگ های ملی در بر میگیرد.

بر علاوه رادیو کابل توانست که درین سال یک قدم دیگر در راه نشراتی خود برداردو آن این است که فولادر هفته یک شب پرو گرام اردو رادربرو گرام عمومی خود شامل ساخته است درین پرو گرام شناوندن خبرهای داخلی کشور و مضماین مختلف و موزیک های ملی و هندی خاص برای هندستان است البته این یک اقدام جدید است که در عمر پنجساله خود رادیو کابل بان موفق شده است.

در قسمت تجارتی کی رادیو کابل:

- ۱ - مدیریت عمومی تجارتی کی رادیو کابل درین سال ازو زارت پست منفصل و مرتبه بریاست مستقل مطبوعات گردید.

- ۲ - از ابتدای سال ۱۳۲۴ الی اخیر سال استیشن براد کاست کمافی سابق به معور اصلی خود جریان داشته و دستگاه های آخذه مربوطه این مدیریت بدون جزئی و فقهه با وجود قلت وسائل تغذیه کی مثل سابق بکار خود ادامه داده است .
- ۳ - در انتای سال ۱۳۲۴ از اینکه استیشن رادیوی گردیز به نسبت نبودن برق آن خاموش شده بود از طرف مدیریت عمومی تغذیه کی رادیویک عدد توربین برق آبی تهیه و در گردیز موقع مناسب نصب کرده شد که در اثر آن استیشن رادیوی گردیز بکار افتاده در نظر است که برای چند مووضع ضروری دیگر چون فیض آباد غزنی ولو گنیز همین قسم توربین ها تهیه کنند .
- ۴ - مدیریت عمومی تغذیه کی رادیو مثل سالهای گذشته به کار های محولة خود از قبیل ترمیم موتور ژنراتورهای مولبد برق و رادیو های آخذه ورادیو و امپلی فایرها و لود سیپیکر های ولايات و حکومتی ها و ترتیب احصائی رادیو های آخذه شخصی مرکزو ولایات وغیره ادامه داده است اما پروگرام بزرگی توسعه رادیو بسبب ختم جنگ سردست گرفته شده و در نظر است که در ظرف یزده سال تامرا کفر حکومت کلان و سایر شهرها و قصبات مهم مملکت رادیو توسعه داده شود .

#### مدیریت عمومی دائرة المعارف :

مدیریت عمومی دائرة المعارف در مدت سال ۱۳۲۴ به اجرای مواد پروگرام خود که برای پیشبردازی خدمت بزرگ علمی وطن از آغاز تشکیل و شروع کار بروی دست گرفته است همت گماشت، و نظیر موفقیت هایی که در سالهای از قبیل جم نمودن تراجم و تهیه مواد مضماین عالمی که بر حسب پروگرام مدیریت عمومی دائرة المعارف ضروری میباشد حاصل گرده است، در سال ۱۳۲۴ هم به کمک و معاونت دانشمندان و ارباب فلم و اصحاب علم و معرفت که بوطن و مملکت خویش حس خدمت گذاری صمیمی و علاقه قلبی دارند، توانسته است تا جایی این خدمت پر افتخار را تعقیب و موفقیتی حاصل نماید؛ چنانچه علاوه بر اوراق مضماینی که قبلاً تهیه و تبعیغ گردیده بود یک تعداد مضماین مختلفه دیگر را نیز از مأخذ متعدده ترجمه و تبعیغ کرده است که مجموع صفحات موجو ده در حدود (۲۷۰۰۰) هزار صفحه میرسد .

علاوه تا حسب لامر مقامات- عالیه چهت تدقیق مضماین مختلفه کمیسیون هایی که از اداره باب علم و فن مرکب میباشد تشکیل داده و مقداری از مضماین گوناگون علمی و فنی را ذریعه این کمیسیون ها تدقیق و تطبیق کرده است .

امیدوار است، اگر اصحاب علم و فن، و ارباب فلم و دانش وطن عزیز، کمک های علمی و فلمی خود را ادامه دهند این مؤسسه بتواند در سال های آینده با مدد گاری خدای متعال در پیشبرد این کار بزرگ به موفقیت هایی درخشان تری نائل گردد که نتیجه آن در راه پروری های حکومت متبوعه، خدمت بزرگی ثابت و مرجع استفاده عام و خاص فرار بگیرد آن شاء الله .

## مدیریت عمومی پیشتو تو لنه

### مدیریت قواعد:

الف : قسمتی از گرامر مؤلفه شعبه فواعد که بسال گذشته در مجالس فضای پیشتو فرائت واژه طرف آنها تصویب شده بود، در ماه میزان ۱۳۲۴ بفرض طبع بطبعه ارسال و کارطبع آن به وزیر نگرانی شعبه قواعد جاری شده است .

۲ - کتاب امری لیار بیوون-کی معاوین سمستر ۶ پیشتو کلی در اوایل امسال از طبع فارغ گردیده و بمعرض استفاده کورس‌های پیشتو گذاشته شد .

ب : تراجم پیشتوی مضماین دایره المعارف که کار آن تا خیر سنبله هذالسن، جریان داشت جمله (۴۰۰) صفحه تصحیح و تدقیق وبالاصل فارسی آن مقابله شده و کار باقی آن هم جاریست .  
ج . اصول نامهای شورای ملی و برخی اعلانات و اوراق شعبه‌ها، هچنان جداول و سرالوهای عناوین واردۀ دوایر رسمی و ملی در ظرف سال به پیشتو ترجمه و تعدیل، و کذا کبار وضع لغات جدیده پیشتو در اثر مراجعتۀ دوایر متن سال گذشته جریان داشته است .

د : در نصف اخیر سال برای ترجمه و تحویل لغات و عناوین دایره المعارف به پیشتو، کمیسیونی تحت آمریت شاغلی رشتبن شروع بکار نموده که هر روزه بعد از یک بجهه منعقد و در آن تا اخیر سال (۱۲۰) صفحه عنوانی که مشتمل بر (۲۴۵۸) لغت میباشد به پیشتو ترجمه و تعدیل یافته است .  
ه : ۱ - هـ. کاری با مجله کابن و جراید وطن در حدود (۳۰) مقاله نگارش یک مقاله برای سالنامه عنوان «دیپشو - اوسانسکریت گرامری نزدیکی» در (۴۰) صفحه .

۳ - شمول اعضا شعبه در هیئت‌های ممتحنة کورس‌های پیشتو .

### شعبه لغات

۱ - با اشار اعلان مدیریت لغات پیشتو تو لنه مانند سال ۱۳۲۳ د رین سال ۱۳۲۴ تا آخر سال (۲۳۰۹) لغات خیلی نادر به مدیریت لغات وارد و جمع آوری شده بعد از مقابله با ذخیره شعبه (۳۲۹) لغات صحیح و باقی مکرر بود .

۲ - اصل لغات فوق بدوسیه علیحده و لغات مکرر آن در دوسیه جدا کانه و لغات صحیح آن بطور مخصوص و نمره وارد در دوسیه‌های جداگانه یا کنونیس و قید شده .

۳ - کتبیکه در شعبه افات از طرف اعضا شعبه لغات برای بیرون نویسی لغات ملاحظه و مطالعه شده و ازان یک عدد لغات بیرون نویس و با ذخیره مقابله کرده اند بقرار ذیل است :

- ۱ :- سی و سه جلد کتب متفرق پیشتوی درسی مکاتب وزارت معارف .
- ۲ :- هشت جلد پیشتوکلی کورسها .
- ۳ :- دو جلد کتاب فامی و یک جلد کتاب قلمی تاریخ اعتم کوفی وغیره .
- ۴ :- لغاتی که در شعبه از طرف مامورین شعبه لغات از کتب فوق وغیره لهجه های پیشتو از محاورات مشترک اندجمع و باذخیره مقابله شده (۴۲۹۳) .
- ۵ :- درسته ۱۳۲۳ تفصیل پنج ردیف از جلد اول قاموس پیشتو در سالنامه ۱۳۲۳ نشو بطبعه برای طبع فرستاده شده درین سنه ۱۳۲۴ جلد اول قاموس پیشتو تمام از طرف منشاعلى محمد گل خان نوري آمر شعبه لغات و تایف و ترجمه مکمل و مرتب و آماده طبع شده که آن هم بعد از نظر ثانی مدیریت عمومی بطبعه فرستاده و طبع خواهد شد ، لغات و مصادر و مشتقهات و اصطلاحات آن بقرار ذیل است :

۱ :- ردیف (الف) لغات (۱۷۶۴) مصادر (۱۴۵) مشتقهات (۱۴۰) اصطلاحات (۳۹۵) .	۲ :- (۳۶۳)
» (۶۰۴)	» (۱۰۱)
» (۶۴۰)	» (۱۷۹)
» (۴۶۰)	» (۱۱۶)
» (۲۰۰)	» (۵۲)
» (۱۰۸)	» (۳۳)
» (۱۳۶)	» (۸۴)
» (۱۵۶)	» (۵۳)
» (۱۸۴)	» (۵۰)
» (۴۰۸)	» (۱۱۰)
» (۲۰۲)	» (۸۲)
» (۱۰۸)	» (۱۴۰)
» (۷۴)	» (۳۳)
» (۳۷۸)	» (۱۴۲)
» (۴۸)	» (۱۲)
» (۱۷۴)	» (۷۳)
» (۴۲)	» (۱۶)
» (۲۴)	» (۶)

عرض رگه زغال بخوبی دیده نمیشود، زیرا جناحین ذغال کاملاً رگه ها را درین گرفته و اجازه نمیدهد که عرض معدن بصورت واضح معلوم شود، وازملاحظه قسمت فو قانی - رگه ذغال مذکور به عرض ده متبر نظر میرسد و بعداً درزیز طبقات فوقانی مخفی میگردد در اینصورت عرض حقیقی رگه زغال بدون عملیات برمه کاری معلوم شده نمیتواند، ضخامت رگه ذغال تا ۹ سانتی متر میرسد که عموماً درین طبقات تون شیفر قرار گرفته و درین استخراج تکه های بزرگ از آن استخراج میشود.

جنسبت ذغال برنگ سیاه برآق بوده و هیچگاه پودر نمیدهد از جلای ذغال معلوم میگردد که مقدار گسی ذغال مذکور زیاد نمیباشد، در اثر امتحان فابریکه، فندز معلوم گردیده که ذغال مذکور برای کوسازی خیلی کار آمد میباشد با وجود یکه داشت های مخصوص ص کوسازی در قندوز وجود ندارد با آن نتیجه که از داش ابتدائی و سیستم ساده فابریکه بدلست آمده مارابه آینده درخشنان این معدن و تهیه کوسک مطلوبه امید وارمیسازد. درمعدن مذکور تحقیقات اکتشافی وجیالوجی کرده نشده و مستلزم تحقیقات مفصل میباشد ذخیره فعلی آن قلیل بوده لاین در گرد و نواح معدن مذکور دیگر رگهای ذغال نیز وجود دارد که باید بعد از تعیسات و تحقیقات اکتشافی لازمه موجودیت مقادیر رگهای مخفی ذغال بواسطه عملیات برمه به اثبات بررسد، چون معدن مذکور در زندیک فابریکه فندز و بغلان واقع شده و هردو فابریکه احتیاج زیاد به کوسک دارند در این باب اقدامات مقتضی از طرف وزارت معدن عملی خواهد شد.

درختنم تشریحات متعلق به ذغال این مسئله نیز تند کرداده میشود که وزارت معادن برای کشف ذغال در نزدیکی های مرکز جدا داخل اقدامات است چنان نجه در او اخر سال ۱۳۲۴ مناطق ذغال دار ولایت مشرقی که آثار و علایم ذغال دوره ترسیم و رگه ای خفیف در بعضی قسمتهای ملاحظه میسر است تحقیقات اکتشافی مزید هیئت متخصصین قرارداده شد ولی نتیجه مطلوب بدست نیما مد، در وقت مسا عدت هوا برای پیدا شدن ذغال در مناطق غربی نیز یک هیئت متخصصین فرستاده میشود تا در نواحی آنچه اجسات و اکتشافات لازمه را ادامه بدهند.

(۳) معدن سرب فرنجل غور بند: این معدن در هشتادمیلی شمال کابل در وادی غور بند وجود

دارد از سالیان دراز کار آن بیکه بیمانه وسیع جریان داشته ولی نظر به مشکلات کار از چندی باینطرف متروکه گردیده بود در آوان جنگ دنیا که تورید سرب از خارج مشکلات ییدا کرد برای رفع احتیاجات ضروری معدن مذکور مجدداً بکار اندخته شد و تابرج میزان ۱۳۲۴ کار آن دوام داشت و سرب کار آمد به بیمانه مطلوب استخراج گردید، در نتیجه تحقیقات اکتشافی وجیالوجی و نقشه برداری که از طرف هیئت متخصصین و زارت بعمل آمد معلوم شد که

نوت : - لغات سابق این جلد اول که در کارتها بوده واحد شده (۱۹۹۲) بود، اکنون  
و (۱۶۲۷۶) و تا تبیکه بر آن افزوده شده (۶۲۸۴)

۶ - همکاری و معاونت شعبه لغات بامجالس تحويل لغات دائرة المعارف به ینبتو که نصف روز شامل و در انجما کار گردد.

قاليف و ترجمة

کتبی که در شعبه تایف و ترجمه به پیشتو ترجمه شده قرار ذیل است :-

الف : ١ - تن جمة كتاب عربى غاية الا نسان (٤٤٥) صفحه - متراجم بنا غلى مولوى عبد الخالق خان واسعى .

٢- ترجمة كتاب روح العدل (٥٠٦) صفحه - مترجم بنا على مو لوى عبد الخالق خان واسعى .

٣- آخر بحثه كتاب بعنوان *كتاب الصحابة* (٥٠٦) صفحه - مترجم شا غلی مولوی  
عبدالغفار خان واسعی .

ب- نظم تاریخ اریانا که در این سنه ۱۳۲۴ به شعبه نالیف و ترجمه رسیده (۲۳۰) صفحه که حاوی (۵۶۴) بیت است شاغلی سید میر حیدر خان ناظم تاریخ اریانا در قند ها ز.

نوت: درسته ۱۳۲۴-۲۵۵ صفحه که حاوی (۵۷۵۰) بیت بود، که اکنون جمله (۴۸۵) صفحه و (۱۱۳۹۸) بیت می شود.

ج :- تراجم اصولنامه های شتورای ملی وغیره .

د: - تهیه و قتل مضماین تاریخ آریانا از شعبه تاریخ برای نظم کردن و فرستادن آن در فندها و

مدى ریت قریب مضمون دائرۃ المعارف

این شعبه جدیدالتا سپس بوده و در آخر سال ۱۳۲۴ شروع به کار نموده است.

مردم این شعبه‌تر جمهه مضماین تهیه کردگی مدیریت عمومی دائره‌المعارف به یعنیتو است که بعد از معافیه و تدقیق از مدیریت عمومی دائره‌المعارف جهت ترجمه یعنیتو به این شعبه فرستاده میشود، این شعبه بعضی از آثارها در خود شعبه ذریعه اعضاء شعبه و بعض دیگر را توسط همکاران خود قرار اصول حق الترجمه به یعنیتو ترجمه مینماید. تا این نوشتمن این رایورا اجرای آن‌که درین شعبه شده این است:

۱- مضمون فرستادگی مدیریت علومی دانشگاه المعارف ۱۰۰ (۱) صفحه

۳- مضامینیکه به همکاران خارج شعبه باصول حق ترجمه داده شده (۸۲۷/۲/۱)  
 ۴- مضامینیکه بعد از ترجمه پنتو وارد شعبه گردیده وجهت تدقیق بر جعش ارسان گردیده است

(صفحه ۱۵۷)

۵- مضامینیکه بعد از تدقیق وارد شعبه گردیده است . . . (۳۰) صفحه

۶- کمک با جرائد ذریعه نوشتن مقالات از طرف مدیر شعبه . . (۶۰) صفحه

۷- تراجم اصوات انسانهای متفرقه . . . (۱۰) صفحه

### مدیر یت صحافت و شعبه مبصريت :

- ۱ : - ترتیب مضامین و نشر مجله کابل در اول هرماه و اخذ ترتیبات برای کلان ساختن فلعم و تزیید صفحات مثل زمان سابق قبل از جنگ که ازاول سال نیز عملی شده است .
- ۲ : - نوشتن و نشر یک عدد مقالات بفرض اصلاح سبک و اسلوب زبان پنتو و مضامین تپه روی و پرخی از مسائل گرامر پنتو .
- ۳ : - نشر شرح حال مشاهیر و مقاولات علمی و بعضی از افسانها و از ادبیات غرب بصورت ترجمه .
- ۴ : - تصحیح مضامین نثر و نظم وارد .
- ۵ : - فراهم نمودن مضامین اجتماعی برای مجده بطور نگارش و یا ترجمه از منابع خارجی .
- ۶ : - انتخابات از اشعار قدماء و نشر آن در مجله .
- ۷ : - همکاری و معاونت بادوار مطبوعاتی در نوشتن مقالات .
- ۸ : - ترجمه مضامین فارسی به پنتو که از خارج پنتو نه رسیده .
- ۹ : - تهیه فتووها برای نشر مجله کابل کانی « کابل کانی »
- ۱۰ : - باخبری و نگرانی يومیه برای کارهای مجله و کابل کانی در مطبعه و تهیه مضامین آن .
- ۱۱ : - ملاحظه بعضی از کتب پنتو که جهت اخذ جوانز مطبوعاتی بمدیریت عمومی نشریات واره و مدیریت عمومی مذکور آنها را جهت مطالعه و گرفتن نظریات باین مدیریت فرستاده است .

### مدیریت کورس ها :

الف : - تعداد کورس های مرکز و ولایات :

۱ شق مرکز - ۱۴۵ کورس / ۵۰۸ کورس ۲ « ولایات - ۳۶۳ »

ب - اجرا آتیکه در مقابله کورس فوق الذکر بر علاوه تعلیمات درسال مذکور بعمل آمده فزار آنی است : -

۱ امتحاناتیکه از کورسها شق مرکز گرفته شده - ۷۵ کورس ۱۴۵ کورس  
» ۷۰ « « ولایات » -

۳ کورسها نیکه در مرکز از طرف هیئت مقتضین تفتيش و معائنه گردیده - ۴۶۴ کورس  
ج - معا مله نمودن نتیجه های امتحان و تفتيش ورا پورت های وار ده در کتابها  
محضوص آن - ۳۶۲۴ فقط

د - واردۀ وصا درۀ دفتر - ۴۱۹۹ نمره

۵ - صورت اجرا آت متفرقه : -

- ۱ - اطلاع تمام‌اً صورت نتایج امتحان ونتیجه‌های تفتيش وغيره به شبكات مربوطه آن طور رسمی .
- ۲ - تقریر پنج نفر معلمین رسمی جدید آبخذومت کلان داینگی ولهو گوشمالی وبروان و خوست .
- ۳ - فراغت معلمین کورس ب‌مستر شش مکتب حریبی به هفتون با اطلاع صنف ۲ و ۳ مکتب موصوف که جمله ۳۰۸ نفر میشوند واعطای شهادت‌نامه‌های شان : -
- ۴ - این بود صورت اجرا آت سال ۱۳۲۴ مدیریت کورسها که فوغاً تذکار و تو ضیحات داده شد .

\* \* \*

### ریاست مالیات بر عایدات :

۱ - بعنی که در اجرای بعض مورد اصولنامه مالیات بر عایدات از نقطه نظر تطبیقات آن بمقتضای اجرا آت مشکلات متصور بود ییشنهاد تعديل آن ترتیب و بمجلس عالی وزرا تقدیم گردیده که بعد از طی مراتب اصولی وطبع آن جهت استفاده دوازد مالیاتی و مالیه‌ده گذاشته شده و میشود :

۲ - ترتیب تعليماتنامه راجع به فورمل اجرا آت مامورین ریاست مالیات بر عایدات در موقع تفتيش و بازرسی بیلانس شرکت‌ها و اظهار نامه تجار انفرادی از نقطه نظر حسن تفهم بین مالیه‌دهان و مامورین مالیاتی .

۳ - اخذ بیلانس از شرکت‌ها وغیره موسسات تجاری و اظهار نامه تجار انفرادی طبق احکام و اصولنامه تطبیق شده است و سال ما لیستی ۱۳۲۳ که در چهار ماه بعد سال ۱۳۲۴

مقرر گرفته واردات آن رو بهم رفته نسبتاً تزیید و تعمیلات آن هم اطمینان بخش بوده .

۴ - سنجش بیلانس‌ها و اظهار نامه‌های شرکت‌ها و تجار انفرادی به تطبیق دفا ترو  
ج‌ها بفات مرتبه خودشان و در حین ملاحظه تفاوت آن تعمیل شده و میشود .

۵ - ریا سنت مالیات بر عایدات که در جدی ۱۳۲۴ مستقل تشکیل و منتظر گردید معلومات داشت که طبقه تجار داخلی علی العموم حسابات تجاری مرتب نداشتند و بعضی که برای معلومات خود قسم و هی و خا ته ترتیب می نمود آن هم با فضای فکری اشخاص بوده لذا ترتیب حساب تجاری را بصورت ساده که خواننده میتواند بدون اشکال صورت دور آن چلمد فروش و مقاد و ضرر خود را بداند نقشه و برای عملیات به تاجر انفرادی سپرده طور یکه حسابات مرتبه ملاحظه و مشاهده شده است طرز معاملات اطمینان بخش بوده یعنی ترتیب مندرجات تحریر دا دوستد طبق پروژه عملی شده چون اجرای اثبات حسابات متعدد الشکلی در سراسر مملکت بعرض اجرا بوده .

۶ - بعض تجاری که بواسطه نقل مکان و باشر واقعات به طبق لست معرفی نامه وزارت اقتصاد ملی دستیاب نگردیده بودند با از اقدامات و تجسس بعضی دستیاب و اصولاً مالیه معینه با جریمه اصولی از آنها تحصیل و در حصة باقیمانده تعقیبات جاری است :

۷ - قائم شدن یک یک شعبه کشتولی باما مورین کشتولر ان بند بیت های هما ایات ولایات و حکومات اعلی از حيث نظم و نسق امور اداری و اتفاقاً قطعیه مالیه بهان واجزای معاش و مصرف مأمورین و مستخدمین مالیاتی هم در سال جاری بعمل آمده که در تخصیصات بودجه و کرانی هم نیامده :

۸ - تا سیس یک مدیریت با سام مدیریت ولایات در مرکز بعوض مدیریت سیار که در تشکیل سابق وجود داشت که این وظیفه دار تطبیقات اظهار نامه های تجار اطرافی وغیره بوده و ضمناً معاملات آنچنان مالیه دهان را انجام میدهد که از عدم وسعت مرکزیت تجارت شان مأمور مالیاتی در آنجا مقرر نیست امثال تجار تگاب دایز نگی وغیره .

۹ - وقتی اعطای هدایات لازمه از نقطه نظر پیشرفت امور جاریه بداؤئر اطرافی مالیاتی و حسن انتظام امور دفترداری و حصول عوایدی که در اثر مراقبه سنجش بلانس و اظهار نامه بعض تجار شرکت های اطرافی که ذریعه مأمورین مرکزی بمالحظه رسیده :

۱۰ - نقل من کر مدیریت مالیات بر عایدات از اند خوی به میمه و مو جو دیت یشکنفر هما مور تحت اثر مدیریت میمه در آند خوی حسب هدایت مقام صالحه .

۱۱ - تهیه و توزیع قرطاسیه و لوازم اداری و کتب دفاتر تجاری بدوئر مالیاتی اطرافی و توزیع دفاتر مذکور به تجار جواز نامه دار .

۱۲ - تصفیه معاملات مالیه دهان سال ۱۳۲۳ به اندازه ممکنه و اعطای تصدیق فراغت .

۱۳- اعزام يك هيئت تفتيش حسب معمول جهت بازرسی دفاتر و حسا بات دو امر مالياتي فقطن ، بد خشان ، مزار شريف ، ميمنه ، فندهار ، فراه ، هرات واعطا ي هدا يات مفيدة به مامورين .

۱۴- بالاخره بعداز طي جريانات دوساله امور ماليات بر عايدات كمه در مملکت ما بـي سابقه بوده وـاـکـنـونـ مـالـيهـ دـهـانـ چـهـ اـزـ طـبـقـهـ شـرـكـتـ هـاـ وـمـؤـسـسـاتـ وـچـهـ تـجـارـ اـنـفـرـادـيـ اـزـ نقطـهـ نـظـرـ هـمـ كـنـاـ رـىـ مـاـ موـرـينـ مـاـ لـيـاتـىـ وـ حـسـنـ تـفاـ هـمـ بـيـنـىـ دـرـ سـالـ ۱۳۲۴ـ هـيـچـ مشـكـلـاتـ تـيـ فـاـ بـلـ مـقـاـيـسـهـ دـرـ سـالـ ۱۳۲۳ـ گـرـ دـدـ وـ جـوـ دـنـدـ اـشـتـهـ توـ دـفـىـ صـدـ مشـكـلـاتـ عـدـيـدـهـ كـهـ درـ جـرـيانـ اـيـنـ اـمـرـ مـوـجـودـ بـوـدـ رـفـعـ وـ تـعـاماـ مـالـيهـ دـهـانـ بـادـايـ حقوقـ مـالـياتـ بـرـعـاـيدـاتـ بـرـروـيـ دـفـتـريـكـهـ تـرـتـيـبـ دـادـهـ اـنـدـ بـمـوـقـعـ اـشـ حـاضـرـ وـ تـحـوـيلـ نـوـدـهـ وـ دـفـاتـرـ وـ اـسـنـادـ خـودـ رـاـ اـرـاهـ وـ بـعـدـ اـزـ مـلاـحظـهـ دـاـئـرـ مـرـبـوـطـهـ تـصـادـيقـ فـرـاغـتـ حـاـصـلـ نـمـودـهـ اـنـدـ .



### امور ریاست تفتيش عمومي محاسبات

بر ریاست تفتيش عمومي محاسبات اجرآت ذيل صورت گرفته :

۱ : - تفتيش مدیريت عمومي نمکسار اندخوي

۲ : - «معدن نـمـكـ تـالـقـانـ»

۳ : - «حسابات سه ساله مدیريت عمومي حمل و نقل

۴ : - «بنج ساله مدیريت عمومي املاك

۵ : - «حساب سال ۱۳۲۲ تعميرات تهه بلند یغمان

۶ : - «بیلانس های سال ۱۳۲۱ و ۱۳۲۲ شرکت ارزاق

۷ : - «سال ۱۳۱۹ الی ۱۳۲۲ شرکت مسلح

۸ : - تحقیقات فقره عرض کارگران شرکت پخته فقطن .

۹ : - فقره فروش فابریکه مکتب صنائع ، و فقره خریداري اجناس مکتب حربه وغيره

بعضی فقراتیکه بر ریاست حل و فصل شده .

## اجرا آت ولایات و حکومات اعلی

### امور ولایت کابل

دائره تفتیش مستوفیت :

دائره تفتیش مستوفیت که بوظیفه تفتیش عادی امور حسابی مربوطه ولایت کابل وظیفه دار بوده و قبل از مأموریت انتهای شکل داشته در سال (۱۳۲۴) مأمور بیت به مدیریت تعديل یافته تفتیش دوازده ماهه را نموده و نتایج مستحصله را به مقامات صالحه تقدیم و پس از غور و نظریات مقامات به غرض اصلاحات و باز خواست لازمه بمر جماش صادر شده .

الف : - درشق عسکری :

۱ : - حساب نقدی و جنسی سال های (۱۳۱۹ الی ۱۳۲۳) فابریکه مربوطه قوای مرکز .

۲ : - « « « « « « اوای مستقل لوای سوار .

۳ : - « کنترولی « (۱۳۱۹) (۱۳۲۲) فرقه عسکری غزنی .

ب : - درشق ملکی :-

۱ دوازه کنترولی و مالیاتی محالات مربوطه حکومت کلان شمالی از سال های (۱۳۲۱ الی ۱۳۲۲) .

۲ حکومتی کلان غزنی اداره های مالیاتی مرکز و محالات از سال (۱۳۲۲ الی ۱۳۲۳) .

۳ اداره مالیه یفمان از سال های (۱۳۲۲ الی ۱۳۲۳) .

۴ شعبه کنترول و اجرائیه سرک یفمان از سال های (۱۳۲۱ الی ۱۳۲۲) .

۵ اداره مالیه میدان وردگه و کلنگار « (۱۳۲۱ الی ۱۳۲۲) .

ج : - موضع تیکه فعلاً تحت تفتیش بوده :-

الف درشق عسکری :-

۱ « دائره حسابی قوماندانی فرقه اول مربوطه قوای مرکز .

۲ « « اوای مستقل لوای شمالی .

۳ : - درشق ملکی :-

۱ مرکز حکومت کلان شمالی .

۲ « « « اموگر .

۳ « « « غزنی .

معدن مذکور با وجود یکه به احتیاجات این مملکت مدت طولانی خدمت نموده باز هم امیدهای پیشتری بان متصور است.

سرب در طبیعت بیشتر به صورت گلینا بفر مول (Pbs) یعنی ترکیب سرب و گرد یافته میشود و این ماده درین طبقات سنگچونه بصورت لیزیها (عدسیها) وجود دارد دراز منه سابق بداخل و اطراف مختلف معدن تا حدود چندین کیلو متر بو ضیعت غیر فنی کار شده و بفرض یافتن مواد گلینا درین طبقات سنگ چونه صوفهای متعدد و نامنظم حفر گر دیده که فعلاً سنگهای سربدار بعملیات سرنگ پرانی و مشکلات زیاد بدست می آید، داخل معدن بسبب تار یکی زیاد ذریعه، چرا غهای کار روش ساخته میشود هوای داخل معدن خوب نیست و یک مقدار هر که بواسطه دو منفذ قدریه داخل معدن میگردد برای تنفس کار یگران غیر کافی دانسته میشود مخصوصاً در قسمتها یکه کار استخراج جریان دارد از باعث تولید بخارات مواد انفلاتی و تنفس معدنچیان بیشتر برای تنفس غیر مساعد میباشد.

ترتیب کار موجوده واستخراج سرب : یومیه ذریعه عملیات سرنگ پرانی از ۷ تا ۸ خروار

سنگچونه که دارای مواد گلینا میباشد از داخل معدن استخراج و منجمله از یک تا دو خروار آن از داخل معدن بدھن صوفهای نقل و در انجا تحت عملیات سنگ شکنی فرار داده میشود سنگهای سربدار آن تفرق و به اندازه دانه بادام و خورد یا کلانتر شکستنده سپس جفهای خورد شده در آسیا نقل و میده کرده میشود بعدها مواد میده شده را در تحت عملیات ریگشونی فرار میدهند موادیکه از نتیجه این عملیات بدست می آید قابل ذوب کوره ها بوده و آنرا کنسترات میگویند در نتیجه، عملیات گذاز که در هر کوره بدفعات مقدار هشت سیر کنسترات بکار میروند از دونیم سیر تاسه سیر سرب یک آبه حاصل میدهند فعلاً برای گذاز سرب پنج کوره موجود است و حاصلات سرب ذوب شده و بکار افتدن تعداد کوره ها بمقدار مواد گلینا و کنسترات مستحبه میباشد بهمین جهت نظر بوضیعت فعلی و مشکلات کار و فقدان کوره های اساسی حاصلات یومی معدن در حدود ۸ تا ۱۰ سیر چرخ میخورد و در فری کوره در هر مرتبه از دونیم سیر تا سه سیر چوب پید بصرف سوخت میرسد.

بر طبق نظریه متخصصین معدن مذکور بصورت عمومی ذخیره واستعداد کافی دارد، برای اینکه بیمانه استخراج ترقی داده شود و بر حسب مقتضیات فن کار جاری گردد اصلاحات ذیل برای بهبود آینده معدن لازمی است.

اصلاحات جهت بهبود آینده کار معدن : معدن سرب فرنجل با وجود سوابق تاریخی آن

تحقیقات مزید اکتشافی بکار دارد تا نقاط مساعد برای استخراج اساسی تعیین گردد، از دهن

- ۴ - مدیریت کنترول فوائد عامه
- ۵ - ریاست گمرک کابل
- ۶ - دایرة تحصیلی مستوفیت

### مدیریت تفییش احصائیه:

بیوهرت اجرآت این مدیریت نسبت تفییش امورات احصائیه سנות گذشته محالات ودوایر مر بوجه که نتائج آن با تصاویر مجالس مشوره ولایت وحکومات کلان به راجعش تحویل داده شده قرار ذیل است :

- ۱ - تفییش امور احصائیه سال (۱۳۲۱) مركز بلدية کابل و تمام ناحیه های مر بوطه آن وریا است نوی کابل .
- ۲ - تفییش امور احصائیه سال (۱۳۲۲) مركز و تمام حکومات مر بوطه شمالی به استثنای حکومات مر بوطه پروان .
- ۳ - تفییش امور احصائیه سال (۱۳۲۲) و (۱۳۲۳) مركز و تمام حکومات و علاقه داری های مر بوطه حکومت کلان لزو گر .
- ۴ - تفییش امور احصائیه سال (۱۳۲۳) حکومات شش کروهی مر بوطه پیو گر ولایت کابل .  
محکمه ابتدائیه : فیصله های حقوقی و جزائی و عایدات محکمه ابتدائیه حسب توضیح آنی است : -  
فیصله جزائیه - (۳۱۲) قطعه - فیصله حقوقیه = (۱۱۲) قطعه = پول عایدات محکمه از درک فیصله ها و صورت حالها = (۱۰۲۰۸) افغانی .  
محکمه موافقه : در محکمه موافقه در سال جاری الى آخر دلو که (۱۱) ماه میشود فقرات ذیل فیصله و مبالغ ذیل عائد کردیده فیصله جزائیه = (۴۰۴) فقره = فیصله حقوقیه = (۲۱۴) فقره = پول عایدات از درک فروش نکاح نامه و قیمت تکت و مخصوص و تایق (۵۰۱۵۰۵۱۹۳) افغانی

### قوما ندانی امنیه:

قوماندانی امنیه ولایت کابل بر حسب وظیفه و صلاحیت خویش در حفظ امنیت و وارسی و تعقیب قضایای جنائی و جزائی و گرفتاری و مجازات مرتكبین و تحصیل حقوق مراجعین به مقنضاً اصول اقدامات و در حسن تدویر امور مر بوطه و تعلیم و تربیة قطعات پولیس و زاندارمه و اتخاذ تدابیر صحی و تعیین و تقرر ضابطان و خورد ضابطان فارغ التحصیل مکتب زاندارمه و پولیس به قطعات زاندارمه و پولیس وسائل امور مر بوطه صرف مساعی نموده .

مدیریت عمومی محبس :

محبس عمومی مرکزی در سال جاری نسبت به سنه گذشته بیشتر از آنچه توقع میرفت موردن برتری و افزونی مواد مصنوعه متنوعه قرار گرفته است . از نمونه و پیشرفت های مهمه این مؤسسه عام المنفعه شاید فراموش نشده باشد یکی وضع و ترتیب مواد مصنوعه است درنای اشگاه جشن استقلال وطن عزیز که از زحیث کثرت مقدار ، محسان ، نوع و جنسیت ساختمان طرف رضائیت واستفاده اکثر از طبقات عامه واقع و در عین زمان میان دیگر مؤسسات صناعیه ملیه حائز جایزه درجه اول گردید ، همچنین توسعه معاملات تجارتی محبس در تمام نقاط مرکز و برخی از ولایات دوردست چون فردیه ، هرات ، مزار شریف ... الخ قدم دیگری بوده که جدا در راه مجادله باعوامل فلت و گرانی نرخ امتیعه مایحتاج و تامین وسائل رفاه و آسوده حالی اینان وطن برداشته شده است .

برعلاوه از اثر تطبیق برو گرامهای مرتبه محبس تغیرات مطلوبه که در اوپرای اخلاقیه و صحیه و صنعت عمله یعنی توده محبوسین رونما گردیده است نشان میدهد که صنعت و خرفت محبس هنوز هم در رجاده اصلاح و تعدیل مقتضیه رهسیار و طریق معیشت و حفظ الصحه رو به برتری و بهتری است . چنانچه هر فرد عمله بلا استثنایاً یومیه به استحقاق اغذیه کافی که بتوان از صنایعات بدنیه اوتلافی نمود و هفته یک مرتبه حمام سالانه دو دست البسه و غرباً بیشتر ازان به آخذ بستر ، امداد بدورة نقاهت وغیره نایل آمده و نیز حسب اقتضای وقت مقندر ر بسا ختن هر نوع مواد صناعیه شق مزبور بخود گردیده است . همکذا تجوالت مهمه که در توکیب و طبخ مواد اغذیه محبوسین و ظهارت و نظافت عمومیه مطابع از نقطه نظر صحیه بعمل آمده است و می توان گفت که بهترین اطعمه بنازل ترین قیمت در محبس تهیه میشود . والحاصل محبس عمومی در هذه اسننه بداخل گنجایش محیط ، ادوات کار موجو ده آخرين مرحله از کشاف و تکامل خود را یموده و اضافه بران چیزی که نسبت بمقایسه پیشرفت های قابل قدر سنه گذشته در خور یان دیده میشود تایک اندازه افزونی مواد مصنوعه و توسعه و تعدیل قسمتی از شعب مواد صناعیه و آغاز امور مقدماتی محبس جدید واقع سین کلی و تشکیلات اداری آنست که مجملأ تحت اشاره آ ، ب ، ج به ترتیب ذیل ذکر میشود :

الف رویداد افزونی در استحصالات هذاسنه نسبت بمقایسه سنه گذشته بحساب فیصدی :

۱ - درجه افروزی در استحصالات شعبه بوت دوزی فبصد	۰ ره ۱
۲ - « پارچه بافی	۳۰ ره
۳ - « جراب و بینان بافی	۴۰ ره
۴ - « سامان سمتی	۵۰ ره
۵ - « نجاری	۶۰ ره
۶ - آهنگری و حلی سازی	۷۰ ره
۷ - « گلیم و سترنجی بافی	۸۰ ره
۸ - « سرج کورس بافی	۹۰ ره

ب - ظهور توسعه و تعمیل در برخی از شعب و مواد صناعیه و آغاز امور مقدماتی محبس و افع سپین کلی :

۱ - تاسیس فابریکه دکمه سازی که امور بسته کاری آن در شرف تکمیل است .

۲ - توسمه فابریکه ریخته گری از بزرگ سازی های برنجی بدوب چودن و برنج و اتعاد

تمایز لازمه برای ساختمان هر نوع آلات و ادوات چودنی و برنجی .

۳ - توسمه شعبه بینان بافی از حیث ساختمان هر نوع بینان و جاکت های کوتاه و دراز  
پشمی و نخی رقم زنانه و دخترانه ، زیر پرهنی های موافق به مدل خارجه و کشیدن یک نوع  
جاکت های ارزان پشمی موافق بحال غربا .

۴ - تاسیس شعبه برش کاری اجنس چرمی در ردیف شعب بوت دوزی .

۵ - تعمیل تاریخته بخانه واستعمال آن در شعب پارچه بافی که این هم بنویه خود را  
مها رت عمله در صنعت وادمه کار در حال نایابی تاریخته نما ینده گری میکند .

۶ - کشادن یک شعبه خفیف الرحمه صاف کردن سردوزه های جری برای افراد ضعیف و معلول .

۷ - تعمیل بوت های عسکری از میخ بندی بدست دوزی .

۸ - گرامشتن یک تعداد زیاد مجبوسین در موقع سین کلی برای انجام امور مقدماتی  
محبس جدید و نهیه یک مقدار زیاد سنگه پارچه خشت پخته ، سنگی چونه وغیره در انجا  
با همار نمودن یک تعداد عمرانات کافی برای رهایش مجبوسین عمومی محافظین و تاسیس داش  
های پخت خشت و چونه .

### هدایت یت تحریرات :

دانزه تحریرات در صدور متحدد المال ها و هدایت نامه ها به محلا لات و دواير مر بو طه  
وعزل و نصب مامورین ایالتی و اعطای احکامات اصولی به عارضین و جلب وا حضا ر مجلو بین  
دواير وزارت خانه ها و تقدیم فقرات جزائی و جنائی و مر افعه خواهی محکومین به مجلس

مشوره ولایت واخذ و صدور تصاویر و فیصله های مجلس به مراجعت مربوطه بدل مساعی و تصمیمات مقام ولایت را به حکومات و دوایر مربوط به غرض حسن جریان امور اعلام نموده است.

تعداد تصاویر و فیصله های مجلس مشوره ولایت در سال جاری حسب آن است:

تصاویر و فیصله های فقرات جزائی و جنائی (۵۰۰).

« « امور متفرغه اداری از قبیل تفتیش های اداری و حسابی و عزل و نصب ما مو رین

وغیره (۷۰۰) \*

تعمیراتیکه در هذالسننه ۱۳۲۴ بذریعه مدیریت عمومی تعمیر

## ولایت کابل اجرا شده

الف - تعمیرات مرکزی که

بعضی شروع و بعضی تکمیل شده:

- ۱: - محکمه عدله، کار تهداب کنی آن تکمیل و نک اندازه سنگی کاری هم شده.
- ۲: - امور متفرغه فاکولته نمبر اول علی آباد.
- ۳: - ملحقات شفاخانه علی آباد.
- ۴: - « مستوفیت ».
- ۵: - عمارت نندار تون چمن.
- ۶: - کار باقیمانده تعمیر مکتب میخانیکی نمبر ۲ کار نجاری مذکور تکمیل گردیده.
- ۷: - دواخانه شور بازار: که اهمیت کار تعمیر را دار است، شروع شده.
- ۸: - عمارت وزارت پسته: معماری و نجاری، حلبي سازی، رنگمالی آن شروع شده.
- ۹: - سلامخانه پغمان که طلاب مدرسه علوم شرعی در آن نشیمن دارند، کارهای نجاری و معماری آن تکمیل گردیده.
- ۱۰: - کار تعییر جرام خانه بیخاک: معماری و نجاری و سفیده کاری و رنگمالی آن اکمال گردیده.
- ۱۱: - مکتب خواجه مسافر علیه الرحمه: تعمیر مکتب مذکور به پوشش رسیده و کار نجاری آن از قسم قیچی جاری است.
- ۱۲: - مکتب تنگی سیدان: سه طرف تعییر مذکور بعد از تعمیر رسیده و طرف جنوبی آن کمان زده شده.

زیبایی امدادی عمارت اور هنر عمومی ناظرہ بہ کیا بل کھو





اسما شی دار المعنین ره خواجه ۱۶۰ آتشی



نه همز نگن عدوی سی شایو



سفلج دزدی تهدی بود بره

صوف تا قسمت چوک که موضع کارم وجوده میباشد بفاصله زیاده از سی متر راه تنگ و تاریک بوده برای تردد عمله و نقلیه مواد استخراج شده ساختن یکراه اساسی لازم است بواسطه این راه هوایم تا اندازه روشنی با کمال سهولت بداخل معدن میرسد، موضع دستگاه موجوده که حوضهای ریگشونی و آسیا کوره هادر انجاساخته شده چون از خود معدن زیاده از یک کیلو متر فاصله دارد نقلیه مواد خام تا دستگاه مذکور بمقادیر اقتصادی تمام نمیشود، برای پیشرفت و بهبود آینده کار باید دستگاه مذکور در میدان تجتالی معدن که در حدود یک و نیم صد متر از مدخل معدن فاصله دارد تحت ساختمان گرفته شود در اینصورت مواد خام کلینا به لین هوائی یا بوسیله ناوه در زیر معدن به موضع معین به سهولت ذخیره و عملیات سنگشکنی توسط ماشینهای (جاو کرشر) صورت بگیرد و بعد از آسیا نمودن عملیات شستن مواد میده شده ذر یعه آله (شیکنگ تیبل) یعنی میز ریگک شوتی انجام داده شود در اینصورت مواد کنسترات حاصله که قابل ذوب کوره هامیباشد بمقادیر اقتصادی تمام شده و سرب مستحصله بقیمت خیلی ارزان بdest می آید برای انجام کار مذکور تهیه دو پایه ماشین جاو کرشر و شیکنگ تیبل مورد ضرورت دیده میشود و برای تجدید هوای معدن تهیه یک پایه ماشین و نیتیشن (ماشین تصفیه هوا) نیز خالی از فایده نمیباشد، در این موقع که از فضل خداوند جنگک جهان ختم گردیده وزارت معدن در زمینه استخدام متخصصین داخل اقدامات میباشد، هر زمان که با استخدام متخصصین موقوفت حاصل گردد برای توسعی کار آینده معدن مذکور تحقیقات مزید بعمل آورده و بعد از اثبات مقادیر و ذخایر اصلی معدن به تهیه و توزیع ماشینهای لازمه قرار نظریه متخصصین اقدامات کرده خواهد شد.

پیش یینی مواد محروم و محرمات جهت سوخت کوره ها : برای سوخت کوره های گداز سرب تهیه

مواد محروم و محرمات امر لازم بوده و بدرجۀ اوز قرار میگرد و قلت مواد محروم و محرمات در غور بند و نواسی آن بدرجۀ زیاد محسوس میباشد برای رفع این مشکلات امتحانات تجریبی با ذغال سنگ جاری است تا اگر به نتیجه نایل شویم سوخت کوره هارا از ذغال ایشیته تأمین کرده خواهد شد با وجود آن برای پیش یینی آینده این کار در اثر پیشنهاد وزارت معدن از مقام منیع صدارت عظمی بریاست زراعت امرداده شده است که نامزدین های گرد و نواح معدن که دارای یک میدان و سیع و برای غرس نهال مسا عدیدیده میشود خریداری و ترتیب نهال شانی آن رویdest گرفته شود تا معدن مذکور از هگندر مواد محروم و محرمات مستثنی بوده چوب کار آمد معدن به پیمانه و سیع از خود موضع بسهولت و قیمت مناسب تکمیل شده بتواند این هم قابل ذکر است که برای ذوب سرب همیشه شعله چوب یید ضرورت میباشد از ازو تصمیم غرس نهال های یید در نواحی معدن اتخاذ کرده شد زیرا در سال حاضر چوب مذکور از نقاط بعیده و قیمت گزاف وارد میگردید در همین روزها

## امور ولایت کابل

- ۱۳- مکتب اذشار : تعمیر مذکور پوشش شده و کار مسطح وغیره آن جاریست .  
۱۴- مکتب چهارقلعه : عمارت مذکور در سال گذشته تکمیل گردیده بود، دیوار احاطه آن در هذا سنه شروع و پیش روی مکتب و طرف غربی آن سنگ کاری و خشت کاری دیوار مذکور اکمال و سرمهره آن هم زده شده .

### ب - ترمیمات :

- ۱- مکتب نجات مرمتکاری و رنگمالی گردیده .  
۲- « صنایع » و سفیده کاری .  
۳- « قابله گی نمبر اول معماری و نجاری » .  
۴- شفاخانه نسوان دارالفنون .  
۵- موسسه باکتریو اوژی .  
۶- فاکولتة سبانس .  
۷- « ادبیات » .  
۸- عمارت وزارت معارف .  
۹- شفاخانه سپورت وزارت معارف .  
۱۰- مکتب استقلال  
۱۱- « غازی » .  
۱۲- مزار حضرت عاشقان و عارفان علیہ الرحمه .  
۱۳- « بابای خودی » .  
۱۴- تاکوهای تحویلخانه های علی آباد .  
۱۵- عمارت وزارت اقتصاد .  
۱۶- مکتب حبیبه .  
۱۷- « حکام » .  
۱۸- « مساحت » .  
۱۹- « پرستاری » .  
۲۰- « زراعت » .  
۲۱- « قابله گی نمبر ۲ » .  
۲۲- « اصول تحریر و محاسبه » .  
۲۳- « گذر سردار جانخان » .

## ای تورزیل ای تی سرف د کابل تالنی ارتبی و فار ارتبی ادب

۲۴:- کیمیا خانه با غ عمومی

۲۵:- کوتی های کارتیه ۴ از نمبر یک الی نمبر ۱۰

۲۶:- « وزارت صحیه

۲۷:- « « مالیه و ملحقات آن

۲۸:- قصر سلامخانه ارگان

۲۹:- شفاخانه بفمان

۳۰:- تویی های بالا با غ بفمان

### ج - تعمیرات اطراف :

۱:- تعمیر مکتب بامیان که در هذالسنہ کار آن شروع شد

۲:- « « محمود عرافی

۳:- « « اشتراک

۴:- « « فره باغ کوه دامن

۵:- « حکومت جبل السراج

۶:- « « بامیان

کارهای باقیمانده سال گذشته که در هذالسنہ تکمیل گردیده :

۱:- کار تعمیر مکتب سرای خواجه

۲:- « « اسنالف

۳:- « « مقر

۴:- « « چرخ

۵:- « « میدان

۶:- « « کلنگار

۷:- « « محمد آغه

۸:- « « حکومت فره باغ غزنی

۹:- « « تگلاب

۱۰:- « « زرغون شهر

۱۱:- کار تعمیر حکومت مقر

۱۲:- « « جفتو

۱۳:- « « اندر

- ۱۴- کار تعمیر حکومت شرن
- ۱۵- » « علاقه داری یعنی خیل
- ۱۶- » « یوسف خیل
- ۱۷- » « حکومت جاغوری
- ۱۸- » « جدید کلنگار
- ۱۹- » « مجلس حکومت کلان اهواز
- ۲۰- » « گدام چار یکار
- ۲۱- » « غزنی
- ۲۲- » « مقر
- ۲۳- » « میدان
- ۲۴- » « بر کی برك اهواز
- ۲۵- » « کلنگار
- ۲۶- » « دایزنگی
- ۲۷- » « بهسود
- ۲۸- » « شفاخانه غزنی
- ۲۹- » « گدام جفتو

## امور ولایت قندهار

الف - ریاست بلدیه :

- ۱ : - کار گلخانه بابا ولی علیه الرحمه که چندی قبل طور عصری شروع گردیده بود ، عنقریب بیانیه تکمیل خواهد رسید .
- ۲ : - تعمیر هقده باب دکان که درست غربی ارگ جدیداً قرار نقشه مرتبه بر است جاده خرقه شریف زیر کار گرفته شده بود ، بیانیه تکمیل رسیده .
- ۳ : - تعمیر مارکیت که دربرون دروازه توپخانه در سال گذشته شروع گردیده بود ، اکمال گردیده .
- ۴ : - تعمیر دیبو که از ابتدای سال شروع شده ، تاکنون در جریان است .
- ۵ : - کار راست کردن بازار بردرانی که بعرض ۹ مترو سبع گردیده بود ، مطابق نقشه بلدیه کار آن تکمیل گردیده .

- ۶ : - کار ترمیم مسجد گذر اودین‌ها که شروع شده بود تکمیل گردیده .  
۷ : - ترمیم مسجد گذر بامیزائی ها طبق هدایت مهندس تکمیل گردیده .  
۸ : - در مندوی نمک فروشی یک تعداد دکانها به اصول عصری جدیداً ساخته شده .  
۹ : - در قسمت جنوب شرقی زیارت خرفة شریف جهت مؤسسه دا را لحاظ یک عمارت قرار نظریه مهندس ساخته شده .

ب - مدیریت حمل و نقل :

در واردات مدیریت حمل و نقل نسبت بسال گذشته در سال جاری مبلغ ۷۴ / ۶۰۳۶۲ افغانی تزیید بعمل آمده .

ب - قوه اندانی امنیه :

- ۱ : - فقره هائی جزائی که، قوماندانی امنیه در سال جاری فیصله شده ۹۰۰ فقره  
۲ : - « حقوقی » > > > > ۵۰۰ >  
۳ : - در واردات قوماندانی امنیه نسبت به سال گذشته در سال جاری ۵۷ ر ۹۴۶۳۵ - افغانی تزیید بعمل آمده .  
۴ : - در صنایع محبس نسبت به گذشته ترقی زیادی محسوس می‌گردد چنانچه در هذا السنه یک تعداد زیاد بوت های اعلی و بوتهاي سايری و سليبر: بوت نيمساق و موزه، كمرندهاي سايرى كشميرهای نفعی، ياي بيج، كرباس رهدار، دستمالهای رنگه بنيان های پشمی هر رقم دستمالهای گردن، تباشيرهای هر رقم يك تعداد زیاد در محبس قندهار ساخته و برای استفاده گذاشته شده است .



## امور ولایت هرات

امور عمرانی :

- نظر به اینکه عمرانات مختلفه در شکل و حجم آنها یافته در بلند بردن ذوق حیاتی واصلاح نظام وسلیقه عمومی مؤثر بوده و از طرف دیگر به پیمانه ضرورت و احتیاج تسهیلات تولید می‌کند لذا بتاسی نیات حکومت متبوعه بفرض آبادی اینولايت اجرا آت ذیل بعمل آمده است .  
۱ - برای انتظام امور عمرانی و تسهیلات در وارسی امور مریوطه آن تاسیس شرکتی بنام شرکت عمران بسرايیه (یك کور) افغانی و پيش بینی گردیده و مقدمات کار و سرمایه ابتدائی آن که عبارت از دلک افغانی می‌شود تهیه گردیده است .

- ۲ - نظر به ضرورت روز افون خشت پخته برای عمرانات رسمی وغیره توسط شرکت عمران به تهیه داشهای دوره که توسط غال سنگ ازان کار گرفته می شود اقدام گردیده قرار معلوم این داشها دریک مرتبه به تعداد پانزده لک خشت پخته تهیه می کشند .
- ۳ - توسط شرکت عمران تعمیر ۲۰ عمارت مختصر و کافی برای رهایش عالی مولوی ما مورین مسافریش بینی و نقشه آن تهیه گردیده است .
- ۴ - برای دارالحکومه گی هرات عمارت باشکوهی که گنجایش تمام دوازیر آنرا داشته باشد آغاز گردیده و کار تعمیر طبقه اسفل آن به تکمیل رسیده است .
- ۵ - یک عمارت جدید در نزهتگاه شیدائی بنام کافه بصورت عصری بناء ولوازم و اثایه آن تکمیل گردیده است .
- ۶ - در موضع باصفای خواجه ملا کوهی یک کافه عصری تعمیر و کار آن اتمام یافته است .
- ۷ - در رباط میرداود یک عمارت مختصر و قشنگی بالوازم و اثایه عصری جهت توقف مسافرین تعمیر و تکمیل گردیده .
- ۸ - در موضع خرم و خوشاب و هوای سلطان شیخ آینه یک عمارت عصری ساختمان گردیده است
- ۹ - به غرض استفاده و استفاده چشم سفید کوهه تعمیر یک حمام نمره در انجا آغاز و تکمیل گردیده است
- ۱۰ - بر علاوه حمام نمره چشم او به چهار عمارت دیگر با اطاق های کافی در موضع مذکور تعمیر گردیده است .
- ۱۱ - مطابق منظوری مقامات مربوطه کار تعمیر عمارت سینمای هرات پیشرفت خوبی کرده است
- ۱۲ - قسمت شرقی عما رت صنایع محبس تکمیل و بیکار قسمت جنوی آن آغاز شده است .
- ۱۳ - بر جا ده راه شین دند بفاصله هر دو کیلو متریک عما رت قشنگ و مختصر برای رهایش افراد معا برالی میرداود ساخته شده است .
- ۱۴ - در حصار پل ملان برای شبکات حمل و نقل و گمرک و ترافیک یک عمارت کافی تعمیر و برای توقف موترها یک ایستگاه احداث گردیده است
- ۱۵ - برای تعمیم فن بشائی نظر بضرورت روزمره یکمده نفری در مؤسسه عمران تحت تعلیم گرفته شده اند .
- ۱۶ - برای تربیه سنگ تراشان ماهر یکمده نفری تحت تعلیم و تربیه گرفته شده اند .
- ۱۷ - برای ترقی صنعت کاشی بزرگ و پیشرفت کارهای ترمیم آبدات تاریخی یکمده شاگردان زیادی تحت تعلیم گرفته شده اند .
- ۱۸ - کار تعمیر دروازه بزرگ و دبوار شرقی مسجد جامع تکمیل و کاشی کاریهای آن نیز اتمام یافته و در مقابل آن یکمده ۲۰ جریبی خریداری و به صورت یک پارک منظم ترتیب گردیده است .

- ۱۹ - کار ترمیم گنبد تاریخی گوهر شاد که برای موزه هرات در نظر گرفته شده به تکمیل رسیده است .
- ۲۰ - در حصة مصلی هرات خرابهای سابقه تسطیح و خیابان کشی گردیده و به تناسب موضع و آرامگاه بهزار بناه پارک بهزار احداث گردیده است .
- ۲۱ - کار تعمیر رواق آرامگاه امام‌المتكلمين فخر الدین رازی تکمیل گردیده است .
- ۲۲ - کار تعمیر مزار کمال الدین حسین واعظ هروی اتمام یافته است .
- ۲۳ - کار تعمیر مزار حضرت سلطان مودود چشتی (رح) که بصورت گنبد با شکوهی گرفته شده تمام و به کاشی کاری آن آغاز گردیده است .
- ۲۴ - کار تعمیر علاقه داری چشت خانه یافته است .
- ۲۵ - در موضع خوش هوای جشت یک باغ صیفیه خریداری و بصورت عصری مرتب گردیده و تعمیر هوتلی دران آغاز یافته است .
- ۲۶ - در موضع که چشم شهرک که در تابستان سرد و گوار است تعمیر یک هتل آغاز گردیده و کار آن عنقریب بختم است .
- ۲۷ - برای تعمیر دوایر حکومتی چهارچران عمارت دو منزله در گاسی به کنار دریای هریود ساخته شده .
- ۲۸ - در حصة دولت یار بهزادیک دریای هریود هتل کافی وزیائی تعمیر گردیده است .
- ۲۹ - کار تعمیر علاقه داری قورماج به تکمیل رسیده است .
- ۳۰ - کار تعمیر دوایر حکومتی مرغاب تکمیل و کار تعمیر یک هتل عصری به کنار دریای مرغاب نزدیک به تکمیل رسیده است .
- ۳۱ - کار تعمیر مسجد جامع قلعه نو به بیو شش رسیده است .
- ۳۲ - در قلعه نوساختمان یک پل بسراه قلعه نو و مرغاب شروع گردیده است .
- ۳۳ - در بساط سنگی برای دوایر حکومتی یک عمارت بزرگی تعمیر و کار آن به پوشش رسیده است بمقابل عمارت مذکور « اندازه بنجاه جریب زمین برای ساختمان یک پارک خریداری گردیده است .
- ۳۴ - در شهر جدید هرات ۱۴۰ هکتاره برای ساختمان اهالی تعیین و کار آن مطابق نقشه جرجیان یافته است .
- ۳۵ - از پارک شهر جدید الی پستون پل و میدان طیاره بفاصله ۱۲ کیلومتر اصلاح سرک بعمل آمده و بعرض ۳۵ متر وسعت داده شده در خط وسط دو طرفه سرک مذکور نهال سرو و نیاجو تغیریس گردیده است .

یک هیئت که مرکب از نماینده وزارت معدن و ریاست زراعت و مدیر مالی شماری میباشد برای جریبی و خرید زمین های مذکور و ترتیب مسایل نهال شانی آن بالای معدن فرنجل اعزام گردیده است .  
**(۴) امور خرید طلا و مسایل زرشوئی منطقه قطفن و بدخشنان :** امور خرید طلا که سابقاً توسط

یک نماینده کی ادا ره می شد و حاصلات آن رخ بقلت گذاشته بود نماینده کی مذکور در برج سنبله ۱۳۲۴ لفو قرار داده شد اگرچه مسایل خرید طلا قرار فیصله پرتو کول مرتبه بد و حصه تقسیم یک قسمت آن که بولایت قطفن تعاق دارد در تحقیق اثرع، ع حکمر ان تا اقام اجر ای وظایف میدارد که در تشکیل آن یکنفر سرکاتب با یکنفر کاتب منظور گردیده قسمت دوم که عبارت از منطقه راغ و داونگ و نواحی مربوطه آن میباشد تعلق به حکومت اعلی بد خشان داشته و در راس آن یکنفر مامور انتها منظوری داده است مامورین موظفه طلاه مستحصله دریای آمو و دریای کوکجه و دره جات ملحقة آنرا که بصورت ریگی و پرگه بددست می آید ذریعه حکومتی های مربوط از زند زرشویان خریداری و بخزانه های حکومات مذکوره تحویل میدارند .

**(۵) اجرا آت متفرق به کشف و معاینه معدن :** معدن یک در جریان سال ۱۳۲۴ توسط مندوکور

سلطان احمد خان جیاوجست در منطقه قطفن و بدخشنان معاینه گردیده قرار ذیل است :-  
 ۱ - معدن لا جورد موضع سرسنگ و چند معدن دیگر لا جورد موضع کران و منجان را در تحقیق معاینه قرار داده وازمعدن لا جورد سرسنگ مقدار یکصد و نیم سیرسنگ لا جورد اسخراج و به تفیریق در جات بم کر ارسال نموده است .

۲ - در اطراف معدن گرافیت موضوع غارب تعلق حکومت زیبک مطالعات فنی بعمل آورده که طول لینز آنرا پنجاه متر و ضخامت آنرا زیاده ازینچ متر و هر ض آنرا بطور تخمین زیاده ازده متر در راپورت خوش توضیح و ذخیره عمومی معدن را زیاده ازینچ هزار تن تخمین نموده است، نوعیت گرافیت مذکور را از جنس اعلی دانسته که بر نگ سیاه برآق و خیلی نرم میدایش دارد و معدن آن از هر حیث مورد استفاده قرار داده شده میتواند .

۳ - معدن گو گردنگلچ بدخشنان را معاینه کرده، این معدن نیزداری ذخیره وافر و جنس گو گرد اعلی میباشد طول عمومی معدن در حدود (۲۵۰) متر و مقدار گو گرد را از روی وضعیت ظاهری معدن در حدود (۲۰۰۰۰) تن تخمین نموده است .

۴ - معاینه معدن خاک سیاه و خاک های ملون و خاک سفید در نواحی غارب بد خشان  
**(۶) معاینه معدن خاک شاموت (گل آتشین) در قریب معدن خاک کاوین (گل چینی) اشکاشم**

فایلرهای استخراجی نسبت به خاکبودن ذغال از اندازه  $\frac{1}{2} \times 2$  متر ۱ ضافه تر

حفر آنده زیرا تختوئیک و ساختمان ذغال طوری صورت گرفته که هر گاه تونل های عریض تر و بلندتر از ۲۵ متر حفر شود احتمال تولید خطر و تلفات جانی منصور است طوریکه گفته شد چون ضخامت ذغال کر کر در آکش جاهای از دو متر اضافه تر میباشد بلکه در بعضی حصه ها تا هشت متر ضخامت دارد لهذا صوفهای اکتشافی و استخراجی که ارتفاع آنها از دوینم متر اضافه تراست در حصة فوکانی طبقه ذغال حفر گردیده و هر قدر ذغالیکه در حصة پایان طبقه وزیر صوفهای میماند در جمله تلفات بحساب میروند، خسارة مذکور از این جهت است که فعلاً وسائل پر کاری موجود نیست، در صورتیکه کامپرسر های لازمه و آب و ریگل و سنگی فراوان طور اقتصادی بدسوس گذاشته شود که از یکطرف پر کاری و از جانب دیگر ذغال استخراج گردد در انصورت این نواقص رفع میشود، ذغالیکه در بین فاصله های فایلر های استخراجی طبقه فوکانی برای استحکام معدن گذاشته شده از ۳۰ تا ۴۰ فیصد ذغال استخراجی راشکیل میدهد که درین صوفهای باقی مانده و در جمله ضایعات بحساب میروند، در این خصوص هر گاه بطور اوست ضخامت طبقه ذغال را چهار متر بحساب پنگیریم تنها ۴۰ تا ۴۵ فیصد آنرا فعلاً استخراج میکنیم و باقی آن تلف میشود، هر چند که این اندازه خسارة قابل برداشت نیست لیکن بواسطه عدم وسائل پر کاری به تحریل ضایعات مذکور را مجبور هستیم و چیزیکه کار معدن رامشکل ترا ساخته ای نیست که در بالای معدن و اطراف تزدیات آن آب وجود ندارد حتی آب خوراکه عمله معدن ذریعه موتو راه از فاصله ۹ میل دور تراز حدود پای خمری نقل داده میشود، برای جلو گیری این نقیصه وزارت معدن مشغول مطالعات و چاره‌ستنجی میباشد.

مسئله تعییر: در جریان سال ۱۳۲۴ برای رهایش مامورین و عمله معدن یک تعییر خامه بصورت

موقعی بالای معدن بنا یافته ساختمان تعییر اساسی که نقشه و برآورد آن تکمیل و با منظوری پول بولایت قطعن محول شده بود تا حال رویدست نگرفته اند و در سال ۱۳۲۵ شروع خواهد شد.

رایج <sup>۴</sup> مو ضع نهال شانی : چوب کار آمد پایه بنده فلی صوفهای معدن ذغال کر کر از موضع نهرین و اندراب و جنگل باع بنگی و غیره نقاوه ولایت قطعن تهیه و بالای معدن نقل و بکار میروند در سال ۱۳۲۴ برای رفع احتیاج آینده معدن یک رقبه زمین در تخت نهر اجمیر نهال شانی و جنگل آن مختص به ضروریات پایه بنده آینده معدن قرارداده شده است درین زمینه لازم میشود که ریاست زراعت احتیاجات وزارت معدن را جدا احساس و به تعییر اوامر مقامات رفیعه در آیاری مرافق و تکشیر جنگل باع مذکور بیش از بیش صرف مساعی بنماید تا جنگل مذکور بسر رسیده چوب کار آمد احتیاجات آینده معدن ازان تکمیل گردد.



## کندیشکا

شاعری احمد علی خان - نیز از

در میان سکه های قدیمه که بسکی دوای ان ای بخرا است من شنیدم که سکوی  
سکه های بزرگ و بیفت می موجود است که عینها را تراکی می نامند  
روز کار و مصائب زمانه مقاومت گزد  
است ایمه عده را زانک گرفته ایمه عده پیشتری  
از یک طرف و بیک بهلو خورده و سر و پرده  
شده و عده دیگر انصرور اشمتبده که جزیری  
روی آن معلو نمی شود بعد از که سکوی  
وقایه و وزن و اندازه این سکه ها صوری  
است که کسان سکه جزیری تماں به سکوی دار  
قدیمه دارند آنها را به سکاه اوی جزیری سکه  
خانواده قرار میدهند که عبارت از  
خاندان کوشانی است .



این سکه ها در افغانستان و هند خیلی  
ریاد بوده و هست خارج از نقاط تاریخی  
و خرابه های شهر های باستانی و بدنده  
این رای خفریات عده ریاد آن در دست مردم  
است که در آن چند ضمیمه سهم سکوی که شکه خوبی نمود است .

بیشتر گفته‌یم که این مسکوکات مربوط به خاندان «کوشانی» است بناءً علیه کنیشکا هم از همین خاندان است. اگر پرسیده شود که کوشانی‌ها که بودند؟ فوراً یکی از این سکه‌ها را گرفته و مقابله سوال کنیده می‌گزاریم. در یک گلف این مسکوکات روی همرفته اشخاصی معلوم می‌شو ندبه قیافه آریائی سیتی بدی که مقتضیات و فضای آسیای مرکزی والبسه اراضی سرد مناطق نیمه علف زار و نیمه کوهستانی چین و سنگیانگ انها را قیافه خشنی داده است این مردمان در مراتب اولی حیات خویش اول از همه در ماخذ چینی به اسم «یوچی» یا «یوجی» یاد شده‌اند. مستر «کنو» یکی از علمای نور ویژی می‌گوید که چینی‌ها (یوجی‌ها) را در نیمه دوم فرن سوم ق. م یعنی دوهزار و دوصد سال پیش از امروز می‌شناختند. این بوجی‌هاهم بذات خود شاخه یک کلمه بزرگتری بودند که در زمرة کنله‌های بشری بنام اقوام «سیتی». یاد می‌شوند و بعضی شاخه‌های دیگر آن «مساجت» ها واسکانی‌هایی غیره می‌باشد که هر کدام در تاریخ عمومی آسیا و تاریخ خصوصی افغانستان کم و پیش دخالت و سهمی دارند.

بوجی‌ها بعیث شاخه سیتی اقوام هند و اروپائی بیشتر از همه بطرف شرق رفتند و مدتی در وادی‌های «کوتچه» و «قره‌چار» و «توئن هو انگه» و «کنانسو» اقامه و بازدید پوستان تماس فریب داشتند. ایشان با قوم زرد پوستی موسم به هیوانگ نو مخالفت‌های زیاد داشته و در طول وعرض آسیای مرکزی زد خورد و چنگکه‌های زیادی میان انها واقع شد تا این‌که در مقابل دشمن فوی و مقدار ضعیف شده و به تغییر محل بطرف خاک‌های غرب آسیا مجبور شدند. اول به حوزه رود «ایلی» و «نارم» رسیدند و باز در اثر واقعات و خدوث اتفاقات دیگر بیشتر بطرف غرب تغییر محل داده به منطقه‌یین سر در یا آمودر یا فرود آمدند، جای اسکانی‌ها را اشغال کردند و آنها را بطرف غرب یعنی بطرف دریاچه خزر و بطرف جنوب یعنی بطرف رودخانه آمو و خاکه‌ای چنوبی آن راندند.

این بوجی‌ها در سال ۱۳۸ قم هنوز در فراغانه و مناطق مأواه النهر امر ارجیات داشتند. در این وقت‌ها در جنوب سواحل آمی یعنی در خاکه‌ای باخته مرد مان متعدن و تجارت پیشه‌ئی بنام «تاهیا» می‌زیست. بوجی‌ها با «تاهیا» راه مرآوات دوستانه و تعلقات تجا رتی و خویشاوندی را باز کرده و چون دولت یونانو باخته آریانا بیشتر متوجه کشور کشانی در هنند بود شیرازه‌ان در اثر ورود اسکانی‌ها خویشاوندان پیش قدم بوجی‌ها متر لزل شده بود بوجی‌ها به باخته ریخته و به این ترتیب در شمال هندوکش وارد شدند با این شرح مختصر اگر سوال کننده محترم به سکه‌های که عرض کردم عطف توجه کشند و نگا مدقیق تری به آنها اندازد از روی قیافه که روی مسکوکات بضرب رسیده خواهد دید که کوشانی تیپ بد نی مخصوص داشتند که عبارت از سر بلند نو که تیز دماغ بزرگ

الاشه های عریض بود. این قوم که بزر چوئنی ها بنام یوجی معروف بودند، در بعض مأخذ هندی بنام یکی از شاخه های دیگر کنیله سیتی بنام (تخار) هم شهرت یافته اند ولی چون بعد از عبور آمودریا بزر گترین قبیله آنها به اسم «کوی شوانگک» قبایل فرعی و جزء را دور خود جمع کرده و به این اسم اخیر الد کراولین ساخته تاریخی آنها را در سر زمین با ختن تشکیل کرده است ازین بعد در تاریخ افغانستان ایشان را بنام (کوشان) یاد کرده اند و ماهم یاد می کنیم .

\* \* \*

کوشانی ها از نفعه نظر عرق، زبان، سیاست، آئین ادیبات، داستان، اداره، کشور گیری، تجارت نقش عمیق در تاریخ قدیم افغانستان مانده اند که شرح هر کدام آن مقاله مبحث، فصل و کتابی بکار دارد که درین مختصر نگنجید و جای آن نیست زیرا عنوان این مقاله تنها «کنیشکا» مقتدرترین پادشاه و امیرا صور آنها است .

\* \* \*

معولاً کوشانی های بزرگ را به دخاندن سلطنتی تقسیم می کنند یکی خاندان «کدفیزس» که از حوالی ۴۰ میلیعی تا حوالی ۱۱۰ میلیعی تقریباً ۷۰ سال سلطنت آنها داشت که درین کدام آنها است و دیگر خاندان «کنیشکا» که بعد از وفات تقریباً ده ساله از حوالی ۱۲۰ میلیعی تا زدیکی های ۲۶۰ میلیعی سلطنت ایشان صول کشیده است .

\* \* \*

کنیشکا مؤسس همین خاندان دوم کوشانی یک تن از پادشاه هان خیلی معروف افغانستان قدیم است و شاید بزر گترین پادشاه دوره ای پیش از اسلام مملکت باشد مسکو کات، کتبیه ها داستان ها، مأخذ تحریری، ازاو حرف میزند. پیشتر از همه قصه و داستان اضراف شخصیت او را فرا گرفته و این بزر گترین شاه بزرگ این پادشاه مقتدر است که اداره، نام شهر تش را از چوکات سرحدات آریانا پیرون گردد و در هندوتبت و ترکستان چین و چین برای چندین قرن منتشر ساخته است. داستان های بودائی کنیشکای کوشانی را پیشتر به پادشاه معروف موریا «آشوکا» نزدیک و مقابل ساخته و چون آشوکا از او پیشتر می زیست و در اجراء و کارروائی و مخصوصاً امور مذهبی و عمرانی هردو یکنیک و قاب مقایسه میباشد که در داستان های یکی را بدیگری منسوب کرده اند و این امر در فلکوار و داستان بر عظمت و قدامت کنیشکا افزوده است کنیشکا در کتبیه ها و مسکو کات به اسم کنیشکا، کانیشکا، کنیشکا، کنیشکی، شاهی کنیکه یاد شده و این اختلاف شاید پیشتر از صورت خواندن های مختلف اسم او نشست کرده باشد در بعضی سکه ها خو درا به لقب (شا او تانو شا او کنشکی کوشانو) یاد کرده که ترجمة تحت الفظی آن شاه شاهان کنیشکای کوشانی میشود از استعمال کلمه (شا) و اسم ترکیبی (شا او تانو شا او)

معلوم میشود که زبان سیقی کوشانی‌ها بازبان کری افغانستان نزدیکی زیاد داشت و شاخه‌ئی از اسننه ایرانی بود.

روایات به کنیشکا لقب دیگری هم داده اند که عبارت از «شاه یا شاهزاده گندهارا» است البتہ امروزهم در اور پا شهزاد گان را بعضی القاب اعزازی میدهند که بنام شهزاده آنولایت یادمیشوند مثلاً در انگلستان شهزاده لور و در ایطالیا «شهزاده پیئه مون» (لور) (پیئه مون) هردو علاوه‌های دوهم لذکت فوق الذکر است. کنیشکا ازین جهت به لقب شاه یا شاهزاده گندهارا یادشده که «گندهارا» را نسبت به تمام اقتدار امپراطوری خویش پیشتر دوست داشت و از همان خضرم تو تعییت بخواهی دل امپراطوری بود علاوه و هم‌با یاخته‌های تابستانی وزمستانی و خزان و بهار او در نقاط مختلف همین گندهارا یعنی دره کابل و قوع داشت.

چه بیانی

کنیشکا مردی بود که بکشور کشائی شوق زیادداشت. شاهان کوشانی سلف او در راه نابود ساختن او ضاع ملوکت الطوا یعنی اقدامات جدی نموده و به استشنای بعض حصص جنوبی آریا نامیل گردوزیا سائر حصص و ولایات را بدور فوهة مرکزی جمع نموده بودندیش از کنیشکا پاره اقداماً تی در حواله اشکر کشی‌های کنیشکا در بعض حصص مخصوصاً ترکستان چین‌جهان، انتقام گیری هم داشت بهر حال فرار نظریه «ونسنت سمیت» کنیشکا، کشمیر را در سال‌های اول سلطنت خود فتح کرد و دهکده «کانیشبور» بین رودخانه «بیهات» و سیرینانا گمار «هنوز بنام او شهرت دارد. از روی روایات معلوم میشود که پتا لی بو ترا» پا یاخته خاندان قدیم هندی (موریا) که عبارت از (پتنه) حالیه باشد در عصر کنیشکا فتح شده بود از روی کتیبه‌ها و مجسمه‌های از کنیشکا که از نقاط مختلف هندیدا شده رایی مدققین براین است که فتوحات کنیشکا تا سواحل رود گنگا ادامه یافته بود و تقریباً نیمه شمالی هند جزو امپراطوری او ازین جهت کنیشکا در تاریخ قدیم هندسههم و شهرت دارد و بحیث امپراطور کوشانی هندی هم تلقی شده است.

امپراطور بزرگ کوشانی در خاک سند کیا نگ یعنی ترکستان چینی هم فشون بری کرده است و چون درین وقت کنیشکا حصص شمالی هند را فتح نموده بود احتمال زیاد دارد که قشو نکشی خود را از راه دره‌های همالیه و پامیر بصرف خاک‌های کا شغرو یار گند وختن انجام داده باشد. آخر کنیشکا این نقاط را هم فتح کرد و دامنه امپراطوری خود را به حوزه رودخانه‌ای بزرگ آسیانی اکسوس (آمودر یا) اندوس (سند) گنگ و تارم انسا طدادو نام خویش را در روا بات‌هند و بتوجیه و مغلستان داخل نمود.

آنچه که در فتو حات سنگیا نگه و حوزه تارم که درین وقت تحت سلطه شهزاد گان چینی بود روح انتقام جویانه پادشاه بزرگی کوشان را نشان میدهد گرفتن یر غمل از خا ندان شاهی این علاوهها میباشد و این کا ری است که کشیشکا درمورد سائیر اراضی مقتوه خودمثلا خاکهای هندی نذکرده. کشیشکا بافتح تراکستان چینی و گرفتن یر غمل های شاهی شکست سلف خود «ویما کدفیزس» را اجرا نمود. درمیان یر غمل های کشیشکا از شهزاد گان چینی و حتی پسر امپراطو رجین هم ذکری رفته ولی تا جائی که از کتاب تاریخ «شاهانهان» که وقایع را تا ۱۱۳ میسیحی قید نموده معلوم میشود پادشاه کاشغیریکی از بستگان قریب خود را که «شن-پان» نام داشت بقسم یر غمل به دربار امپراطور کوشانی فرستاده بود. علاوه بر او شهزاد گان دیگر چینی هم در میان یر غمل ها بود که از میان پسران بستگان امرای چینی علاقه های ختن و پار کندو غیره انتخاب شده بودند.

کشیشکا پادشاه با این یر غمل ها بکمال لطف و مهر بانی رفتار میکرد در پا یتخت های سلطنتی به انها جاهای مناسب داده بود. برای اینکه از سرما و گرمای زیاد در امان باشند تا بستان در نقاط زیبای کاپیسا و زمستان در گندهارای سفلی به آنها امراقا مت داده بود. افغانستان یر غمل ها در کاپیسا و زمستان در گندهارای سفلی به «شا لول کیا» که یکی از مرکز منذهبی و علمی پا یتخت تا بستانی کوشانی شمرده میشود و تا اندازه ئی که از روی یادداشت های زائر چین هیو ان - تسنگ معلوم میشود این معبد در دامنه های شمالی «کوه پهلوان» فراز مجرای رودخانه خروشان پنجشیر و قوع داشت و راهیین و یر غمل ها از منظر زیبای رودخانه و اراضی سرسبز و اشجار غلو و کوه بچه ها و دره های مناصقی که امروز به ریزه کوهستان معروف است حظ می بردنند.



کشیشکا پادشاه به کیا پیسای قشنگ و سرسبز و حاصل خیز علاوه مندی زیاد داشت اگرچه در روایات به صفت «شهزاده گندهارا» پادشده ولی چون گندهارا عبارت از دره کابل است و رودخانه پنجشیر یکی از معاونین آن میباشد دره گندهارا در قسمت علیای خود به دند کاپیسا متمیز میشود. همچنان که امروز درمهای قشنگ سمت شمالی بهترین گردشگاهای ایام بهاری اهالی مرکز است ۲۰۰۰ سال قبل هم شهرت بسزا داشت.

در گذارهای مشترک رودخانه هایی که امروز بنام پنجشیر و شتل و خواوک و غوربند یاد میکشیم و شاید به اختافت یکی از رودخانه های سیلا بی دیگر (پنجشیر) یعنی «پنج نهر» یا «پنج رودخانه» ازان همه به تنهائی نمایند گی کنند ارگت سلطنتی کوشانی با دیوار های بلند و ضخیم خود استوار بود. آبهای گونا گون رودخانه ها دریای حصار شهر مستی میکرد

و در آیام آب خیزی اوائل بهار امواج ارغند و خشمگین آن باشدت به صخره های دیوار حصار میخورد دیوار های خرابه های بکرام که امروز به صول ۲۷۶ و عرض (۱۱) متر جون . تپه ها ئی نزدیک به سواحل رودخانه افتاده حکایت از بزرگی ارگت و بلندی دیوار های آن میکند . کما پیسی مقر بهاری سلطنتی کوشان شاهان بزرگت از نقطه نظر استحکام و سوق الجیشی اهمیت بسزا داشت .

اگرچه از روز گار کنیشکننا تا آیام ما ۱۹۰۰ سال سیری شده هنوز بد به و شکوه امپراطور مقندر در پیرا مون خرابه های این شهر کهن مخصوص میشود افسانه ها روايات داستان ها و اشعار رزمی هر کدام به روگی کنیشکای ادب پرور کنیشکای دیانت پژوه کنیشکای آبادی پسند ، کنیشکای فاتح و کنیشکای مقندر و نیز مند را رسم کرده اند . در یکی ازین داستان ها نقل میکنند که زمانی امپراطور کنیشکا میخواست در پایی کوه فیل سر (پیلوستارا) (یکی از رشته کوه های شمال غربی کایسا است که تا حال هنور از نقطه نظر تحقیقات علمی معین نشده) معبدی اباد کند . فراز کوه در یاچه ئی بود و در آب های عمیق ویخ بسته در یاچه شاه ماران آبی اقامت داشت .

وقیکه معماران شاهی شروع به صرح بنای معبد کردند شاه ماران آبی از درمختالف پیش آمدہ در باد و باران و عنصر طبیعی حکم داد تا مانع شوند و نگذارند که معبد شاهنشاه آباد شود معمما ران به امر پادشاه بزرگ ساخته میفرمود و عنصر به ایمای شاه ماران آبی خراب می نمودند . قضیه را به پادشاه بزرگ اخلاع دادند . آواز شیبور از چهار برج ارگ سلطانی بلند شد . شهر و دور و نزدیک آن را سپاه کو شانی فرا گرفت . شاهنشاه بر قبیل شاهی بر امده روحانیون با لباس های بلند زرد گون در اضراف موکب شاهی حرکت میکردند . غریبو سواران و نیزه داران در کوهی کایسا انگکاس افکنده بود . شاه ماران آبی که از فراز کوه جلال سلطنتی را تماشا میکرد تغیر لباس داده لرزیده و ترسیده خود را کنار معبت سلطان رسانید و غفو خواست و گفت . خواهشمندم سلطان بزرگ پادشاه جهان از تغییر ناتوانی چون من بکردد چون ماران آبی جمس لجه حی هستند وزود عهد ویمان خویش را فراموش میکنند خواهشمندم امر بفرمایند تا فراز کوه نقاره بزرگ نصب کنند و هر روز صبح آنرا بتوارند تا اواز عظمت و نیز وی سلطان بگوش بر سدو تجوییکات شیطانی ما آرام گیرد و معماران شاه به آرامی خاطر تغییر معبد را به یابان بر ساختند هر روز صبح موقعی که آفتاب از فراز تیغه های کوهی سرفی حوزه شاداب کما پیسار اروشن میکرد اواز نقاره سلطنتی از جوار کوهی سالنگ در دره های دور و نزدیک کایسا انگکاس می افکند و در حمایت شکوه سلطانی معبد بزرگ کنیشکان آباد کردند .

کنیشکا در عمران و آبادی شوق و توجه زیاد داشته‌اند صور که داستان‌ها تعمیر ۸۰ هزار آبدات خبری و مذهبی را به شاهنشاه نویسند آشو که نسبت میدهد عدد زیاد آبادی‌های مذهبی را به کنیشکا شاهنشاه کوشانی هم نسبت مینمایند از جمله ابدات معروف و مجللی که یکی بصورت احتمال قریب و دیگری بصورت حتم به کنیشکای بزرگ نسبت می‌شود تعمیر دواستویه در با میان ویشاور است اینقدر میدانیم که پیش از تراش هیکل‌های بزرگ ۳۵ متری و ۵۳ متری بار اول استویه درهای آزاد در پای جدار کنیشکا مین در مجاورت شرق نصفه ئی که حالات ۳۵ متری ایستاده است آباد شده بود بنای این استویه را زیر چین هوان - تنگی دریاده است های خود به «پادشاه قدیمه راهمن کنیشکای بزرگ» میدانند که شخصیت نامی و عهد باشکوه سلطنت او اتفاقاً بی در فلسه و عمر انسان بودائی افغانستان و هند تولید کرده بود، کسان دیگری هم هستند که حتی نقشه عمران اولین بت بزرگ بامیان یعنی بت ۳۵ متری راهمن به همین پادشاه نسبت میدند.

عمران استویه بزرگ پشاور بدلست کنیشکای موضوعی است که در ان شبهه ای نیست زیر نام تصویر این پادشاه بزرگ روی قصنه فنی که مخصوص بهادن یادگار های بود در ۱۹۰۹ از پشاور کشف گردیده است و یکی از آثار غریب صنعتی گردیده بود یک گندهار امیباشد. روی سر پوش این جعبه بودائی نشسته که بدور صورتش ها له نور کشیده شده بزرگ های گل نیلوفر اطراف سرپوش را فرا گرفته است به سمت راست و چپ بودای دورانی در حال احتمام دیده می‌شوند به دورا دور حاشیه سر پوش حاشیه ای دیده می‌شود که در آن قطار قازهای وحشی رسم گردیده است در اطراف خود جعبه بودائی در حال تهکر بر جسته نمایش یافته وارباب انواع فرعی حمیل گل را روی بازو های خود گرفته‌اند. اینجا پادشاه بزرگ کنیشکارا ایستاده نمایش داده اند و یکلاه بلندی که در مسکو کات دیده می‌شود برسدا رد. در خرابه زاری که این جعبه مهم تاریخی بادگار کنیشکا کشف شده روزی امپر اضوری مقتدر کوشان معبد مجلل و باشکوهی بنا کرده بود که بقرار نظریه موسیو سیلوون اوی هندشناس فرانسوی یکی از عجایب دنیا شرقی بود و بادگاری های بی نهایت گران بها دران وجود داشت هندشناس فرانسوی مذکور با ترکیب یادداشت های زائرین مختلف چینی راجع بضول و عرض وار تفاصی اصلی استویه معبد مذکور نظر یاتی دارد که خلص آن قرار آتنی است: «این عمارت از (۲۰۰) متر پیشتر ارتفاع داشت روی زمین صفو پنج مرتبه ای بنا یافته بود که احاطه آن بین ۴۰۰ تا ۳۰۰ قدم بود و بصورت مجموع (۱۵۰) قدم ارتفاع داشت بالای این صفو سنگی که کار تهداب را هم ازان می‌گرفتند استویه را از جوب به بلندی (۴۰۰) قدم ساخته بودند که شامل ۱۳ طبقه یا مرتبه بود بالای این استویه ستونی از آهن به ارتفاع (۸۸) قدم بربا کرده بودند و در این میله آهنی بزرگ ۱۳ یا ۱۵ چتر مسی مذهب نصب بود.

(به صفحه ۱۳۱) کتاب‌لند سی وی لیزاتریس تالیف سیلوون لوی مراجعت شود) این جزئیات درمورد دیکسی از معابد بودائی نشان میدهد که کنیشکای بزرگ‌تر امور عمرانی مذهبی چه توجه مخصوصی داشت در اثر این توجه شاهانه چه عمرانات با شکوه‌در افطار امپراطوری کوشانی بیان آمده بود . تعمیر عمارتی به این بزرگی از سنه‌گذگ و چوب و فلزات وجود استادان بزرگ . فن و مهندسین ما هرو هیـکل تراش‌های قابلی را ایجاد میکنند . خواندن جزئیات چنین عمارت بزرگ چرئت مبده دکه انسان بشاو اساس هیـکل بزرگ ۳۵ متری بامیان را به پادشاه نیز و مند و صنعت دوست کوشانی نسبت دهد . ازین قبیل عمارت که نمونه از ا در اصر اف پایتخت زمستانی کنیشـکـا (پشاور) شرح دادیم در افطار امپراطوری زیاد بود . بلاشبه در نشـگـهـار و کـایـسـا هـم اـبـدـات باـشـکـوهـی بـرـپـاـکـرـدـه بـودـه اوـازـهـعـرـانـیـکـیـ اـرـا در پـایـ کـوهـای بـرـبـرـفـ شمالـغـربـیـ کـایـسـا اـفـسانـهـهـایـ باـسـتـانـیـ حـفـظـ کـرـدـهـ اـنـدـ پـیـشـترـ گـفـتـیـمـ کـهـ کـنـیـشـکـاـ بـرـغـلـهـایـ چـیـنـیـ رـاـ درـ جـوـارـ پـایـتـخـتـهـایـ خـوـیـشـ رـهـایـشـگـاـ هـایـ شـاـهـانـهـ دـادـهـ بـودـ هـمانـ مـعـبـدـ «ـشـالـوـکـیـ»ـ کـهـ مـحـتـلاـ درـ دـارـمـهـهـایـ شـمـالـیـ «ـکـوـهـ پـهـلـوـانـ»ـ وـاقـعـ بـودـ مـعـبـدـ مجلـلـ دـیـگـرـیـ بـودـ کـهـ بـهـ اـمـرـ وـ اـرـادـهـ کـنـیـشـکـاـ پـادـشـاهـ سـاخـتـهـ شـدـ بـودـ . الـبـتـهـ اـيـنـ رـاهـمـ مـیـگـوـینـدـ کـهـ مـعـبـدـ مـذـکـورـ بـهـ بـولـ وـاعـانـهـ خـوـیـرـ غـلـمـلـهـ سـاخـنـهـ شـدـ بـودـ .

کـنـیـشـکـاـ درـ اـمـوـرـ مـذـهـبـ نـظـرـیـاتـ وـسـیـعـ دـاشـتـ . فـرـارـیـکـهـ مـسـکـوـ کـاتـ اوـ نـشـانـ مـیدـهـدـ هـمـ مـذاـهـبـ وـادـیـانـ خـاـکـ اـمـپـرـاـطـورـیـ خـوـدـراـ اـحـتـرـامـ مـیـکـرـدـ اـزـ اـیـنـ جـهـتـ عـدـهـ اـزـ مـدـقـقـینـ درـ بـوـدـائـیـ بـوـدـنـ شـاهـانـ کـوـشـانـیـ مـنـجـمـلـهـ کـنـیـشـکـاـ شـبـهـ دـارـنـدـ . مـوـضـوـعـ سـائـرـ شـاهـانـ کـوـشـانـیـ رـاـ کـهـ اـزـ هـدـفـ اـسـاـسـیـ اـیـنـ مـقـالـهـ بـیـرونـ اـسـتـ عـجـالـیـاـ کـنـارـ گـزـاشـتـهـ وـرـاجـعـ بـهـ خـودـ کـنـیـشـکـاـ پـارـهـ مـعـالـابـ مـرـبـوـضـ رـاـذـکـرـ مـنـمـانـیـمـ باـوـجـوـدـیـکـهـ عـدـهـ ئـیـ اـزـ مـدـقـقـینـ درـ بـوـدـائـیـ بـوـدـنـ کـنـیـشـکـاـ شـبـهـ دـارـنـدـ عـدـهـ دـیـگـرـجـداـ اوـرـاـ بـیـرـ وـدـیـانـتـ بـوـدـائـیـ وـحـامـیـ بـزرـگـ اـنـ مـیـشـماـنـدـ . جـتـیـ پـرـوـفـیـسـرـ جـیـ ، بـیـزـیـ لـوـسـکـیـ درـ کـتـابـ «ـأـفـسـانـهـهـایـ اـشـرـکـاـ»ـ عـالـمـیـ رـاـ بنـامـ «ـسـوـدارـ سـاـواـ»ـ Sudareava اسمـ مـیـ بـرـدـ کـهـ کـنـیـشـکـاـ پـادـشـاهـ رـاـ درـ آـیـنـ بـوـدـائـیـ دـاخـلـ کـرـدـهـ اـسـتـ . کـنـیـشـکـاـ اـگـرـ درـ مـسـکـوـ کـاتـ خـودـ سـائـرـ اـرـبـابـ اـنـوـاعـ باـخـتـرـیـ وـهـنـدـیـ وـیـوـنـانـیـ رـانـقـشـ کـرـدـهـ وـاسـمـ بـرـدهـ وـدرـ عـدـهـ ئـیـ تصـوـيرـ (ـبـودـاـ)ـ رـاـ هـمـ ضـرـبـ زـدـهـ وـنـامـ بـرـدهـ . اـگـرـ مـوـضـوـعـ درـ روـشـنـیـ دـاستـانـهـاـ مـعـلـعـهـ شـودـ چـنـینـ مـیـنـمـایـدـ کـهـ کـنـیـشـکـاـ دـاخـلـ دـیـنـ بـوـدـاـ شـدـ باـشـ بـدـیـهـیـ اـسـتـ کـهـ دـاـسـتـانـهـاـیـکـهـ بـوـدـیـزـمـ رـاجـعـ بـهـ کـنـیـشـکـاـ سـاخـتـهـ عـیـنـ هـمـانـ دـاـسـتـانـهـاـیـ اـسـتـ کـهـ درـمـورـدـ «ـاـشـوـکـاـ»ـ اـمـپـرـاـطـورـیـاـ نـقـلـ مـیـشـدـ . هـمـانـ صـورـ کـهـ مـیـگـفـتـدـ کـهـ «ـاـشـوـکـاـ»ـ بـعـدـ اـزـ جـنـگـهـاـ وـقـتـلـ وـخـونـ زـیـادـاـخـلـ دـیـانـتـ بـوـدـائـیـ گـردـیدـ عـیـنـ آـنـ رـاـ دـوـرـ کـنـیـشـکـاـهـ نـقـلـ مـیـکـشـنـدـوـ مـیـگـوـینـدـ کـهـ اـمـپـرـاـطـورـ قـبـلـ اـزـ اـیـنـ کـهـ دـاخـلـ دـیـنـ سـاـکـامـوـنـیـ

بودا شود ادم بی دین ، ظالم خون خوار و جنگ دوست بود و بعد از خون ریزی های وحشت انگیز از کرده خویش پیشمان شده و بدین ارام و صلح طلب بودائی داخل شد . شبه نیست که کوشانی هادرخاک های آریان به مذاهب مختلف قدیم مملکت و عقاید خارجی هندی و یونانی وغیره مواجه شدند . همین کنیشکا سکه هایی دارد که از نقصه نظر عقیده و آئین ارباب انواع قدیم اوستائی باختصاری مثل (اناهیتا) و (میترا) ارباب انواع داستانی یو نانی مثل (هلیوس) و (سلن) یعنی آفتاب و مهتاب و جمع دیگر روی آنها نمایش یافته و لی خوریکه ذکر شد سکه هایی هم دارد که در آن تصویر و نام بودا آبت است . چون این قبیل مسکوکات را به سال های اخیر ساختن کنیشکا نسبت میدهند احتمال دارد که بعد از چند سال حکم‌فرمایی بیرون آئین بودائی شده باشد یا اینکه دین رسمی او همان دین بودائی بوده و برای خوشنودی بیرون اسایر مذاهب امپراطوری خود هر عقیده ای را احترام میکرده و بحیث امپراطور در مسکوکات خود از سایر ادیان هم نشانی ضرب کرده است .

از روی یادداشت هایی که خاور شناس فرانسوی «سیلوان اوی» (در تزویر نال از یا تیک) سال ۱۸۹۶ راجع به (هندوسیت) نشر کرده روابط کنیشکا با علماء و دانشمندان بودائی بخوبی آشکار میشود و معلوم میشود که پادشاه با علماء و دانشمندان مشحور بوده ازین گذشته این را هم میدانیم که شاهنشاه کوشانی از خود مشاور مذهبی داشت موسوم به (پارسوا) که از علمای نام آور عهد او بود . داخل شدن کنیشکا در دیانت بودائی دوره جدیدی را بر روی دین مذکور باز کرد . اروپائی ها تأثیر شخصیت اورا در دین بودا به تأثیر شخصیت «کللو ویس» در دین مسیح تشییه میکنند . در حقیقت امر کنیشکا در نفس فلسفه آئین بودائی و در انتشار و عمومیت ان در خاک های آسیا ای بدل توجه نمود و آئین محلی و محمد و دو تنگ را از جو کات هند در جو کات آسیا انتشار داد .

محفل بزرگی مذہبی که به امر و اراده کنیشکا تحت ریاست (وازو میثرا) علام دانشمند عصر در یکی از دره های زیبای کشمیر تشکیل شد و (۵۰۰) نفر نماینده محافل مذہبی دران شرکت جست چیزی است که در دفتر خاطرات تحول آئین مذکور رفراموش نمیشود . آئین بودائی با داشتن طریقه منحصر به فرد «هنا یانی» یعنی (راه کوچک نجات) آئینی بود از نقطه نظر فلسفه تنگ نظر و محدود و از نقطه نظر صنعت منحصر به نمایش مجالس مذهبی به کمک سموول و علامه و از نقطه نظر هیکل تراشی محدود به پاره صحنه های خشک مذهبی و بس . کنیشکا بطبق عظمت خاک و روحیات امپراطوری خود در آن انقلاب وارد کرد و این انقلاب را با علمانی که به انها محشور بود در جاسه بزرگ کشمیر عملی کرد . طریقه جدید «مهایانی» یعنی (راه بزرگ نجات) بمیان آمد و در ن ادیان سابق و قدیم افغانستان

## د ماليي وزارت



ع. ج. محمد نوروز خان دهاليي وزير  
S. Ex. Mohammad Naorez Khan

Ministre des Finances

وزير : ع. ج. محمد نوروز خان  
امري معين : ص. محمد سلم خان  
دوهم معين : عبدالوهاب خان

### د کنترول عمومي مدبرت:

عمومي مدبر : ع. عبد الغفار خان  
د بودجي مدبر : ص. محمد سردار خان  
د کنترول : ع. حبيب الله خان  
د فرضي دخانګي مامور : محمد عسي خان

### د اجرائيي عمومي مدبرت:

عمومي مدبر : ع. محمد انور خان  
دهاليات او مخصوصاً تو مرد : ص. محمد صير خان  
د ماموريتو مدبر : ع. عبدالمجيد خان  
د احصائيي مدبر : ع. عبدالرحيم خان  
د اوراقز مدبر : ع. عبدالرحيم خان

### د تفتيش عمومي مدبرت:

عمومي مدبر : ع. محمد حسن خان

### د تصفييو او تجاريي عمومي مدبرت:

عمومي مدبر : ع. غلام حسن خان  
د تجاريي مدبر : ص. عبدالنکرم خان  
د بقایاوو : فضل حق خان

### د تقاععد عمومي مدبرت:

د عمومي مدبر کفیل : ا. حس. صیرقا محمد سردار خان  
د کنترول دمدبرت کفیل دمامور پلخته : ع. غلام سخی خان  
د اجرائيي : ع. عبد محمد خان

مخصوصاً دین زردهشی تأثیر افگشده از نقصه نظر صنعت باب جدیدی باز شد . بد ه پرستان هندی جرئت نداشتند که (سا کیا مونی) را بشکل و قیافه انسانی در مجا لس نما یشن دهند و این کار در افغانستان با صفت کاران باخته و گند هاری که شیوه هیکل تراشی یو نانی چشم ایشان را خوب تر باز کرده بود عملی گردید با کشور کشاوری های پادشاه مقدر کوشان دروازه سنگیانگ و حوزه سردریا و آرام بر روی مبلغین باز شد قافله های داشمندان بحر کت آمدند و از راه همالیه و پامیر علماء به دیار خطأ وختن وچین بنای تبلیغ را گذاشتند .

پس کشور کشاوری های کنیشکنا را باید مقدمه و آغاز دوره جدیدی دانست که از بر کت آن آئین وصنعت و معارف و خرد ویشن هندی و افغانستانی به دیار چین انتقال یافت .

\* \* \*

کنیشکنا و عصر او از نقطه نظر جنبش های ادبی در تاریخ افغانستان قدیم سهم بارز دارد . بیشتر گفتیم که شاه از خود مشاور مذهبی بنام « پارسوا » داشت . همچنین از عالم دیگر معاصر او « واژه مینزا » اسم گرفتیم ، این شخص اصلاح اهل گندهارا بود و مقام علمی او درین عصر ازربایست او در محفل بزرگ کشیمیر معلوم میشود . کنیشکنا پادشاه مشاور ادبی هم داشت موسوم به « اسوه گوشما » که در نویسنده گی و فنون ادب سر امد علمای زمان بود . شهرت زیاد کار این نویسنده ماهر را بجایی رسائیده که شخصیتی را داستان های گوناگون فرا گرفته است . بقرار بعض از داستان ها کنیشکنا بعداز فتح (پتالی پوترا) پایتخت و دودمان مردیا یعنی (پنه) امروزی اورا « غنیمت شاهی » انتخاب نموده و بحیث نویسنده و منشی و مشاور ادبی به دربار خود منصوب نمود . انقلاب فلسفی در آئین موضوع تحریر کتب و سایل جدید را در عصر کوشان قهراء بیان آورد . کشترا علما تبلیغ ، ترجمه و نقل داستان ها و کتب مذهبی برای نقااطی که در داخل خاک امپرا طوری و در خارج به آن ضرورت داشتند ایجاد می نمود تا مردم به نوشتمن بیشتر توجه نمایند . « اسوه گوشما » نویسنده پامی عصر کنیشکنا کتاب متعددی در زبان علمی امپرا طوری یعنی سانسکریت نوشته درین وقت برآورده های متعدد وزبان سیتی خود کوشانی ها که شاخه ای از السنه ایرانی است در امپرا صوری کوشانی رواج داشت . در این پراکریت ها آثار مذهبی راهم می نوشتن ولی در محفل بزرگ مذهبی کشیمیر چنین فیصله شد که نتیجه مناظره و مشاجره علماء در زبان سانسکریت تحریر شود و به دسترس معابد مملکت گذاشته آیدازین روسانسکریت زبان علمی وادبی کشور کنیشکنا شد چنانچه آثار وشواهد کتب مذهبی در متن سانسکریت ورسم الخط های مختلف از نقاط مختلف افغانستان چون هده و بامیان ووردک و بدخ کشف شده . « سیلوون لوی » خاورشناس فرانسوی میگوید که « اسوه گوشما » بالگارش آثار بر جسته ایواب مختلف نویسنده گی را کشود . درام « شعر رزمی ، قصه ، حکایت ، داستان می نوشت ، باب مناظرة ادبی را باز کرد ، نویسنده مبتکر بود . به جرئت بیانات سابق بود او آثاری

را که دشوار و از فهم مردم دور بود بزبان شیوای ادبی در آورد (۱) کوشانی‌ها مخصوصاً کیشکا برای ادبیات خدمت شایسته‌انجام داده است. طرفی عدم تعصب اور مسائل نزدی و مذهبی وادی سبب شد که نویسنده گان وادبا مانند علما و زوحانیون مذاهب مختلف از نعمت آزادی، برخوردار باشند. در سایه نظریات مساعد او سانسکریت بهجیت زبان علمی وادبی ترقی زیاد کرد به منظی مدققتین آثار ادبی دوره کوشانی را آثار بر جسته سانسکریت و پراکریت میدانند و روی هم رفته عصر کوشانی‌ها بزرگتر از دوره کیشکا بهم بارز دارد از دوره‌های ترقی ادبیات می‌شمارند.

«اسوه گشا» نویسنده معروف دربار کیشکا در موسيقی هنرها رت زیادداشت. طوری تارمیزد که شنونده را بخود می‌ساخت این موسيقی نواز ماهر به این عقیده بود تا آلام درونی بشری را که آئین بود این در صدد تسکین آن بود با نوانی سحر انگیز موسيقی ارام کند. این تارزن معروف اشتباه نکرده بود آهنگ تارهای ایالات دل شنوند گان را بحر کت می‌آورد و آن الام نهانی را ازین بهتر دوائی نبود. امپراطور کیشکا از افسون تارزن و نویسنده دربار خویش اگاهی یافته و بوبی گفت خوشم که چنین مهارتی در انگلستان تو نهفته است ولی میتر سام ازینکه مبادا در اثر استماع نوای دلنش تارتو کشو ر من خالی شو د زیرا آهنگ دل نواز تارتو مردم را از مشاغل زندگانی کناره ساخته و به صحر اسر میدهد.

در آغاز مقابله از مسکوکات بزرگ و گفت مسی حرف زدیم. بصورت خصوصی اگر نگاه بگینم مسکوکات کیشکا مطابق متعدد تاریخی و تهذیبی را برای ماروشن می‌کند. تنوع و کثرت مسکوکات دلیل بر طول سلطنت و عظمت قلمرو و امپراطوری او است کیشکا قسمت اعظم مسکوکات خود را در مفرغ و مس بضرب رسانیده و ضرب سکه های طلائی که باراول در عهد کوشانی با سلطنت «ویما کوفیز س» آغاز شده بود در زمان سلطنت کیشکا به پیمانه زیادتر دوام کرد. از ممیزات مسکوکات کیشکا با شاهان سلف کوشانی او یکی این است که زبان یونانی در مسکوکات او از استعمال افتاده ولی رسم الخط آن با تغیراتی هنوز باقی ماند. فهمیدن این مطلب ضمیع اشکالی ندارد زیرا زبان یونانی کم کم در محیط فرا موش شده و پادشاه و مردم طبعاً با استعمال زبان خود کشور شایق بودند ولی چیریکه خوب فهمیده نمی‌شود این است که رسم الخط خوش و شتی که رسم الخط خود مملکت بود و تا این زمان در مقابل رسم الخط یونانی در یک مطرف مسکوکات استعمال می‌شد چرا از استعمال افتاد؟ لیکن رسم الخط ممتد کور بکلی ناپدید نشده بلکه در کتبه‌ها عمومیت داشت.

(۱) صفحه ۱۳۴ - ۱۳۳ لید سی وی لیز اتریس

موضوع دیگری که مسکو کات کنیشکا پادشاه را بر پادشا هان سلف او تمیز میدهد کثیرت و تنوع ارباب انواع است مشارالیه بدون امتیاز مذهب و دین تمام ارباب انواع اوستایی و هندی و یونانی را که در آریانا معروف بود در مسکو کات خود اسم برد و نقش کرده.

ارباب انواع اوستایی مسکو کات از عبارت است از : میرو (میتراء، یا آفتاب) (مااو (مهه، یا مهتاب) اترو (اتار، یا آتش)، اروا سیو اروت اسپه یا صاحب اسپ های تندرو که اینجا عبارت از آفتاب میباشد. از ارباب انواع میتو لوزی یونانی هم عنده‌ئی در مسکو کات او نقش است مثل : هلیوس (آفتاب) (سلنه (مهتاب) وغیره علاوه براینها صور یکه قبل ذکر نمودیم بار اول (بودا سا کیا مونی) موسس آئین بودائی بشکل و قیافه کلاسیک خود به لباس راهبی در حالی که کاسه گدائی در دستش میباشد در بعضی از مسکو کات او نمایش یافته و بهر سمالخط یونانی «بودا سا کاوا» بود و یعنی (بودا سا کیا مونی بودا) تحریر میباشد.

مسکو کات کنیشکا عموماً مدور و گلوفت است و انواع خردور بزرگ دارد، در صرف راست سکه عموماً خود پادشاه استاده دیده میشود.

و به لهجه سیتی شاخه از السنه ایرانی که به رسم الخط یونانی تحریر میباشد عموماً خود را شا او کیشکی کوشانو «خوانده است در این جمله کلمه «شاه» که در زبان دری افغانستان (فارسی) تحال معمول است واضح دیده میشود و جمله «شا او نو شاو» (شاه شاهان) یا (شاهنشاه) معنی دارد به این ترتیب جمله کامال فوق الذکر را میتوان (کنیشکا شاهنشاه کوشانی) ترجمه نمود.

مسکو کات کنیشکا از افغانستان و قسم های شمال غربی هند که جزء امپراطوری او بود به تعداد زیاد پیدا شده و میشود «من» انگلیس یک قرن قبل عدد معنی بازی از مسکو کات کوشانی را از زدھالی بگرام بدست اورده است در نتیجه هفت دوره مختلف حفریات مخصوصاً از حصار بازار شهر باستانی مذکور مسکو کات کنیشکا به تعداد زیاد کشف شده است.

کنیشکا پادشاه بزرگی که نقش سیاست او در امور داخلی چه مذهبی، چه عمر ای، وغیره شرح یافت در سیاست خارجی هم رول بزرگی بازی کرده است مشارالیه طور یکم دیدیم با فتوحات و کشور کشانی دائمی امپراطوری خود را در سمت هائی که مناسب میدانست و سعی داده اگر چه بیش از کنیشکا پادشاهان دیگر آریانا به فتوحاتی در حوزه سردر یا وقارم و گنگا موفق شدند ولی کامیابی های کنیشکا و دوام نداشت او به خاک های مقتوحه در تاریخ قدیم افغانستان چیزی بیسا به است کوشش او برای تشکیل دولت و مملکت پهناور به اقتضای وقت موافق بود زیرا در خاک های جین امپراطوری «هان ها» در غرب خاک های

اروپائی و آسیائی امپراطوری «روم» انساط داشت و این دو مقندر ترین دولت های شرقی و غربی بودند و تقریباً تجارت دنیا و قوت در دست انها بود . به این ترتیب دولت کوچکی میان آنها به رامی زندگانی نمیتوانست تا ایشکه بزرگ و مقندر و نیرو مند باشد کینیشکار باسیع و مجاہدت خویش دولت کوشانی افغانستان را بیش از بیش تقویت بخشید از اوسعت داد، ازان امپراطوری ساخت که با امپراطوری شرق و غرب همچایه باشد . موقعیت جغرا فیزی آریانا و امپراطوری کوشانی در میان خاک های امپراطوری هان های چین و رومن ها عامل مزیت دیگری شد حتی یاری های غربی که ضرف تهدید رومن ها واقع شده بودند دست سگر سیاست کوشانی ها شدند .

شبه‌ئی نیست که روابط سیاسی میان کوشان شاهان و قیاصره روم با «کافیزس» ها یعنی اعضای خاندان اول کوشانی آغاز یافته بود ولی در عصر کینیشکار منبسط گردید .

موضوع استقرار روابط سیاسی میان کوشان شاهان و قیاصره روم چیزی است یقینی که مواعین و شعرای رومن بدان اشاره‌ها کرده اند . تنها بعلت اشکانی نام‌های کوشان شاهان و تعین صحیح سنه جلوس سلطنت ووفات‌انها عجالتاً بصورت حتم در مورد روابط فلان کوشان شاه و فلان قیصر روم اظهار نظر کمی مشکل است . از روی نظریات موجوده که در اراضی عصر سلطنت کینیشکاراً می‌باشد میتوان گفت که او با «تراجان» امپراطور روم معاصر بوده . تراجان بین سال‌های ۱۱۷ و ۹۸ می‌سیحی می‌زیست و کینیشکاراً هم از همین اوخر قرن اول می‌سیحی تا اواسط قرن دوم زندگانی داشت چیز مهمی که اخیراً اطلاع یافته‌ام این است که موسيو گیر یشمن مدیر سابق هیئت باستان‌شناسی فرانسه در افغانستان اخیراً موفق به تعین سنه وفات کینیشکاراً در ۱۴۰ می‌سیحی گردیده است . مشارایه این مطلب را در طی کشف‌آسی در پاریس تصریح کرده است که متاسفانه هنوز متن آن بسکابل نرسیده است تا دیده شود که نظریات او بعجه اساس استوار است . این موضوع هم معلوم است که تراجان قیصر روم بر علیه پارت های عربی فشو نکشی نموده و در این راه کامیابی هائی حاصل کرده بود بعضی از مدققین کینیشکاراً باهار که اورن اتوان «امپراطور دیگر روم که در ۱۲۱ می‌سیحی در روم متولد شده و از ۱۶۱ تا ۱۸۰ می‌سیحی سلطنت کرده است هم‌معاصر میدانند و می‌گویند نایندگان سیاسی میان اهباب‌ادله شده بود (۱) .

شبه‌ئی نیست که این امپراطور به اصلاح یونانی ها و رومن ها برابرها در حصص شعالي و شرقی امپراطوری خود جنگک ها کرده است ولی سنه و عصر سلطنت کینیشکاراً خوب تر به دوره زما مداری ترا جان برای بری می‌کند لذا گفته میتوانیم که میان کینیشکاراً امپراطور کوشان و تراجان قیصر روم نایندگان سیاسی مبارله شده بود . پیشتر گفتم که تراجان

(۱) صفحه ۱۵۹ احوال و اشعار رود کی مجلد اول - تالیف آقای سعید تقیی .

بایارت هاطرف واقع شده و با دولت پارتبی جنگ کرده و موفقیت حاصل نموده است . یکی از سیاست رومانها به تزدیک ساختن خود به کوشانی‌ها آریانا این بود تا ایشان را بر علیه پارتبها تحریک کنند یا اقا در موقع حدوث جنگ میان دولت روم و دولت پارتب ایشان بی طرفه بماندو مداخله نکنند پس این مطلب هم تائید میکند که تراجان نزد امپراطور مقندر کوشان کنیشکا نما ینده فرستاده واذر بار کنیشکا نما ینده ئی به روم به ذربار ترا جان رفته باشد .

۴۷

کنیشکا بطرف شرق با دولت هان‌های چینی هم ارتباطی داشته دولت چین و امیری تابع ان در علاوه‌های غربی ان مملکت بعداز شکست در مقابله کنیشکا فهمیدند که سیاست چین درین قسمت‌ها در معرض خطر است وجود یر غمل‌های چینی در دربار کنیشکا چشم زعمای ان کشور را به نیروی کنیشکای کبیر باز کرد . اذادولت چین از سیاست جنگ وستیز که تا قبل از زمان کنیشکا تعقیب‌می‌نود گذشته و خواستگار استقرار روابط دوستانه گردید چینی‌های تجارت پیشه که از رفوش ابریشم و پارچه‌های نفیس ابریشمی در سواحل شرقی بحر مدی ترانه و دورتر در قلب امپراطوری رومن پول زیاد میگرفتند غیر از تقاضای دوستی با دولت کوشانی کار دیگری نمیتوانستند زیرا همسایه غربی چین دولت کوشانی آریانا قوی شده بود و راه تجارتی معروف «ابریشم» که تنها راه اتصال چین به سواحل شرقی مدی ترانه بود از حصص شمالي امپراطوری کوشانی میگذشت از دو صرف مجرای رود آمو مال التجاره چینی به بلخ و اصل میشد . همین قسم از راه دره‌ها و کوتل های همایی‌هم اگر مال التجاره چینی میگذشت وارد قسمت های هندی امپراطوری کنیشکا میگردید پس در اثر احتیاج مبرم تجارتی چینی‌ها مجبور به تحکیم روابط دوستانه سیاسی با کنیشکا بودند و نمایند گلنه با تحفه و هدا یامیفر ستدند . مسئله تجارت در استقرار روابط سیاسی کوشانی‌ها و رومان‌ها هم دخیل بود . معاصر به زمان کنیشکا، «تراجان» و کمی بعد تر «مارکو اورول انتوان» قیاصره روم بر پارتب‌های غربی هم غلبه یافته و در خاک‌های آسیائی دلچسپی پیشتری گرفته بودند . همان قسم که چینی‌ها از نقطه نظر تجارت به دوستی امپراطوری کوشان احتیاج داشتند رومان‌ها هم عیناً این احتیاج را خس میگردند رومن‌ها به ادویه و عطریات هندی، ابریشم و پارچه‌های نفیس چینی و سرمه و سنگ‌های قیمتی و احجار کریمه آریانا محتاج بودند و پول گزاف طلائی درین راه خرج میگردند . این داد و ستد تجارتی هر دو امپراطوری شرقی (چین) و غربی (روم) ودار به دوستی کوشانی‌ها مخصوصاً کنیشکای بزرگ ساخته بود . کنیشکا از استقرار روابط سیاسی با دو امپراطور مختص و قتل علاوه بر بلند بردن حیثیت خود و مملکت خود مفاد زیاد تجارتی و سیاسی میگرفت و در نتیجه ترا نزیت اموال طلای رومن به تعداد زیاد در دو طرفه هندوکش انتشار یافت و تجارت مملکت خیلی ثروتمند شدند .

چیز هائیکه گفته شد این سال ۱۹۳۷ که حفریات بگرام وارد مرحله جدیدی شد چیز هائی بود که برای اثبات آن شواهد عملی در بین نبود . تعلقات کنیشکما با قیاصره روم و خاقان های چین ، استقرار روابط تجاری ، رفت و آمد کار وان های بزرگی بین سواحل شرقی مدیترانه و وادی های ماوراءالنهر پامیر و بسا مسایل دیگر محتاج به شواهدی بود خوش بختانه حفریات ۱۹۳۹-۱۹۴۰-۱۹۴۱ درین زمینه مرتب روشنی افگنده رفت . آنچه درین چهار مرحله از بگرام کشف شده آثار گران بهای قصر سلطنتی کاپیسی است .

ظروف شیشه ای آبرنگک و سفید گیلاس های منقوش با صحنه های جنگجویان و پهلوانان رومان فوراً موضوع تعلقات کوشانو رومان را بخاطر جلوه میدهد .

مجالس پهلوانی و مقابله با حیوانات که نماینده ذوق روحی رومان ها بود و خواهات ان در چهار دیوار عظیم «کلوزیم» روما و عصر سلطنت «نرون» نقش خاطرها است دقتاً در جدار گیلاس ها در میان خرابه های شهر باستانی بگرام بنظر میخورد . این ظروف آنهم در اساطیر های قصر سلطنتی «کاپیسی» چیزی است که به تعلقات و ارتباط دو امیر اصوصی شاه شهادت میدهد . این ظروف اگر از راه تجارت آمده باشد ضرور به توصیه شخص شاه خریداری شده اگر این صور نباشد تحفه هائی است که از حرف رومان ها به دربار کوشانی فرستاده شده بود . همین قسم وجود ظروف لات چین که قسمت های چوبی آن از بین رفته و حلقه های فلزی مدور اب ظروف و بعضی پارچه های «لات» آن باقی مانده نشانه ارتباط و تعلقات کوشانی ها با «هان های» چین است و صور یانگه دیدیم این تعلقات فی ما بین طرفین در دوره سلطنت کوشان کنیشکما تقویت یافته بود .

### \* \* \*

پیشتر کنیشکما را بحیث پهلوان یکی از داستان های کاپیسا رسم کرد . داستان مذکور عزم راسخ سلطان کوشانی واردۀ شاهانه اش را در عمران آبدات بزرگی و مجلل وانود کرد . اینکه میخواهم از خلال داستان دیگر که کامیابی های فاتحانه کنیشکما در هند ترسیم میکنم صورت این پادشاه بزرگی را بشمار عرفی کنم . پیش از اینکه وارد موضوع داستان شوم در باب اصلیت و صورت رسیدن آن به عصر ما چند سطربازی مینگارم شبه کی نیست که اصل داستان یکی از قصه های هندی است که حتی در اثر آوازه فتوحات کنیشکما بیان آمده . مدت هادر محیط هنددهن بهدهن نقل شده تا اینکه به گوش یکی از زائرین چینی موسوم به «هیوان تسو» Hiuan Tso رسیده و آنرا به دیار چین برده و در فصل ۱۵ کتاب (یو-یانگک-تسا - تسو) که قرار عقیده چین شناس فرانسوی موسیو «پلیو» در ۸۶۰ مسیحی تالیف شده ، داخل گردیده است . «هوبر Ed. Huber» قصه مطلوب را از کتاب مذکور استخراج کرده و موسیو «سیلوون لوی» آنرا در شماره ماه زانویه و مارس ۱۹۳۶ مجله آسیا ای

(ژورنال از باستانیک) گرفته است . ماهم ازین جاروح مطابق را اقتباس میکنیم عین همین داستان را ۱۷۰ سال بعد البرونی حکیم و مورخ دریافتیه ایان بزرگ دربار غزنه هم حین مسافرت و معاشرات عینی و ادبی خویش در هند شنیده و در کتاب تاریخ هند خود نقل کرده است و با جزئی تحریر یافی که زاده مرور زمانه است در مجله التواریخ هم آمده است خلاصه روح داستان مذکور به اساس متون چنین عاری از تحقیقات اضافی مدققین فراراتی است :

در زمانه های باستان در کنده هار پادشاهی بود دلاور و داده موسوم به (کیانی سر بیا) یونانی کیشک، این پادشاه بر علیه همه کشورها شکر کشید و کسی تاب مقابله اورا نیاورد باری ، حین شکر کشی ها به خاک هند دو تکه پارچه فوق العاده نقیص بحضور شاه آور دند . پادشاه - یک پارچه را برای خود نگاه کرد و پارچه دیگر را به مملکه داد . مملکه ازان پیره نی ساخت و نزد شاه آمد . پادشاه چون نیک دید درست بالای سینه مملکه نقش دستی به زعفران ملاحظه نمود . پادشاه ازین مشاهده متأثر شده و به مملکه خضاب کرد : این پیراهنی که پوشیده اید با این نقش دست چه معنی دارد . مملکه در جواب گفت : این همان پارچه است که پادشاه بمن داده است . کیشک را به غیظ آمد و به قهر خزانه دار شاهی را احضار نمودواز او درین مورد تو ضیحات خواست . خزانه دار بجواب عرض رسانیده و گفت : « نقش دست همیشه در این پارچه بوده و غلام تعصیری ندارد » پادشاه به احضار تاجرانی که ان را فروخته بود امرداد . او را احضار کردند و چنین به نقل اغاز کرد :

در هند جنوبی پادشاهی سلطنت دارد موسوم به (ساته واهن) این پادشاه در زمانه های ماضی در این پیز و استدعا صاحب نفوذ خارقه نمائی شده بود . هر سال پارچه های نقیصی را که از در ان مالیات رعایا یا جمع میشد پیش خود میبخواست و بعد ازینکه هزارها و هزار آن را بگزیند گریزش کاشتند دست خود را در رنگ زعفران تر میکرد و بالای سطح پارچه ها میگذاشت و نقش دست او تمام پارچه های مذکور را فرا میگرفت . سپس تجارت پارچه های مذکور را به رجا میفرخندند اگر مردی ازان لباس میساخت نقش دست در پشت او واقع میشد و اگر زنی پیراهن میساخت نقش دست روی سینه های او می آمد .

کیشک پادشاه ب در باریان خود امر داد تا ازان پارچه لباس بسازند و بیو شند . نقش

دست خود را که تاجر گفته بود در پشت اینها بیدیدار شد .

کیشک پادشاه از مشاهده این کیفیت عجیب به غیظ و غصب شده شمشیر خویش را تکان داد و گفت ، خواب و خوراک بر من حرام است تابا شمشیر خویش دست و پیش این پادشاه را قطع نکنم . سپس فاصلی بصرف هند جنوبی فرستاد تا تصمیم وی را به شاه آن ناحیه اعلام دارد . چون فاصله بدانجا رسید پادشاه (ساته واهن) وزرا را جمع کرده و از روی دسیسه

گفتند» بلی درست است که پادشاه ما «ساته واهنه» نام دارد ولی او اصلاً وجود خارجی ندارد ما هیچکل طلائی اورا روی تخت نشانده ایم و قوه اجرایی بدست ماوزرا میباشد» چون فاصله بیغام را بدین منوال به کنیشکا پادشاه رسانید به سواره نظام و فیلان جنگی امرداد که بجنوب هند بکشور «ساته واهنه» یورش برند اها لی کشور مخاصم پادشاه خودرا در مقابله کوهی پنهان کردند و آدمی از طلا ریختند که بر علیه متهم احمد برآمد کنیشکا پادشاه به تزویر دشمن را برده از اعمال صالح، گرشه خویش استعانت خواست بازوها و پاهای مرد طلائی را برید و در عین زمان بازوها و پاهای «ساته واهنه» پادشاه که در مغاره مخفی بود قطع گردید و از بدنش جدا شد.

\* \* \*

این داستان که متن آنرا اد بیات چین حفظ کرده از بسیار واقعات مفصل تاریخی معتبرتر است و چون داستانی است باستانی و روح ترده، همان نوده ئی که شاهد واقعات بودند آنرا بیان آورده عصارة واقعات، انعکاس نظریات، یک دوره مهم تاریخ افغانستان و هند در آن حل و مرج است به این جهات روح هندی، همان روحی که به حفظ خواصات پارینه در لفافه داستان و افسانه ساخت مستعد است آنرا با مرور زمان ضولاًی فراموش نکرده و بعد از ۱۷۰ سال که سیاح مورخ و دانشمند دیگر به تعقیب (هیوان - تسو) چینی بنام الپیروزی وارد هند شد باز آنرا شنید و ضبط کرد. چون میان روز گار کنیشکا پادشاه کوشانی و «ساته واهنه» شاه دکن و هند چنوبن که اصل واقعه در آن رخ داده وايام پیروزی تقریباً (۹۰۰) سال فرق است طبیعی در مرور این دوره ضولاًی بعضی نام‌های شخص و محل در داستان مذکور فرق کرده است. اگر چه ابو ریحان بیرونی تنها در قسمت هند عوض «ساته واهنه» و «هند چنوبن» قنوج و راجای قنوج شنیده و در قسمت دیگر اسم «کنیشک» یعنی کنیشکا کما فی اصل باقی مانده است از روی تصور حوا دث تاریخی میشد نام محمود غزنوی را بشنود زیرا معاصر رمان او عوض کنیشکای کوشانی محمود زابلی غزنوی به بعد دیار هند اشکر کشی داشت. بهر حال چون مورخ و دانشمند بصیر در بار نزهه هزار سال قبل داستان باستانی فتوحات کنیشکا را با مختصر تغیری شنیده آنرا هم اینجا ذکر میکنیم تا فهیده شود که نام آوازه جهان گیری کنیشکا بگذاش پایه در اعماق روح هند ریشه دو نیمه بود الپیروزی می‌نویسد: «را جای قنوج پارچه ئی در نهایت زیبائی برای کنیشکا فرستاده بود، کنیشکا به خیاط خویش امر کرد که از آن لباسی برای او درست کند مخیاط به دوختن لباس مذکور جرئت نکرد زیرا برش پارچه هر طوری میگرفت نقش پای میان شانه هامی آمد. کنیشکا توجه را حقارت توبیر کرده و بقصده گوش مالی

راجای قنوج لشکر کشید وزیر را جای قنوج برای دفع خخر خویش را به تهدیه افگنده و در صدد حیله ئی برآمد به راجا گفت من یعنی و گوش خویش را بریده و بحیث طاغی از در بار تو میگریزم و به استقبال متهاجم میروم و او و عساکر را در بی راهی های بیابان ناپدید میسازم چون کنیشکا و قشونش پدیدار شد وزیر خود را به ر کاب کنیشکا افگنده حال خویش را عرض کرد و به قصد رهنمائی قشون از راه کوتاه بطرف قنوج به حرکت آمد اما عوض اینکه کنیشکا و قشونش را درست رهبری کند ایشان را به بیابان پیکران وارد ساخت و تصور نمود که باین خدمه حربی کار ایشان را خواهد ساخت ولی کنیشکا نیزه خویش را در ریگ فروبرد و فورا ازان جا چشم آب صافی پدیدار شد وزیر را عفو کرد ولی به احوالی نمود که کار بادارش را جای قنوج ساخته شده است حین مراجعت به قنوج وزیر مذکور مطلع شد که همان روز یکه کنیشکا نیزه خود را در ریگ فروبرد دست و پای راجای قنوج از بدنش جدا گردیده بود .

پنجه پنجه پنجه

قرار یکه ملاحظه میشود روح این دوداستان حمامی که پهلوان آن کنیشکای کبیر کوشانی است یکی چیز میباشد و از قشو نکشی این پادشاه نیرومند بطرف هند حکایت میکند این دوداستان صور یکه بالا اشاره شد هردو در هند شنیده شده را اوی اولی « ھیوان تسو » چینی و راوی دوم ابو ریحان یرونی حکیم و مورخ معروف دربار غزنی است مرور زمان میان عصر را اوی و دومی در طی ۱۷۰ سال جزئی اختلافی در آن وارد کرده ولی روح اساسی داستان از بین نرفته است هر دوداستان کنیشکا را پادشاه مقنده نیرو مندی رسم کرده که باسواره نظام و نیزه داران خویش بعزم دیار هند برآمده و اخربه فتح دور ترین نقاط آن کشور پهناور موفق گردیده است زریشه عدیق داستان در خاطرات توده هندی نشان میدهد که فتوحات پادشاه کوشانی در عمق روحیات مردم هند تأثیر افگنده و بحیث یکی ازوا قعات فوق العاده مهم در یاد گارها ثبت گردیده است .

پنجه پنجه پنجه

کنیشکا پادشاه بزرگ کوشانی که برخاک های افغانستان و قسمت بزرگی از خاک هند کوکدفر مائی داشت علاوه بر مسکو کات زیادو گونا گون کتیبه ها و مجسمه ها ئی هم از خود باقی گذاشته که هر کدام به رنسگی شاهد نام آوری وعظمت او است از جمله کتیبه های کنیشکا یکی از مقام (سوی هار whar) (ملدان نزدیک (وها والیور) از کنار رودخانه ستلچ که از معاونین رودچناب میباشد کشف گردیده .

همین قسم کتیبه دیگر از مقام « سهیت مهت » (Sahet mahet) (کراوستی قدیم) بدست آمده که به سال ۱۲ سنه دارد .

در اثر حفریاتی که در هوالی (ماتورا) در قریه‌ئی موسوم به (مات Mat) بعمل آمده سه مجسمه کنیشکا پیدا شده که هر سه آنسزندارد و به این ترتیب متا سفانه راجع به شکل و قیافه این پادشاه بزرگی چیزی گفته نمی‌توانیم؛ کنیشکا ازین مجسمه‌ها به اندازه قامت طبیعی انسان است و در دامن لباس اسم «کنیشکا» تحریر می‌باشد، تصویر این مجسمه یعنی دو صفحه ۲۷۶ و ۲۷۷ کتاب اولی هست‌تر اف اند یاتالیف «ونست سمت» نشر شده و معلوم می‌شود اما این دلچسپ و صحیح راجع به طرز لباس و اسلحه امپراطور معمول کوشانی بحسبت میدهد اگرچه لباس و اسلحه شاهنشاه کوشانی و جزئیات آن از روی سکه‌های روشن اوهم بخوبی معلوم می‌شود اما این مجسمه که به بزرگی قامت و اندام طبیعی ساخته شده برای مطالعه مخصوص به مراتب بهتر است.

روی هر قحفه از روی مسکو کات واز روی این مجسمه بخوبی معلوم می‌شود که کنیشکا (وحتی سائز کوشانی‌ها) از پارچه‌های کلفت‌نمدی و پشمی لباس می‌پوشید لباس کنیشکا پادشاه درین مجسمه عبارت باز: پیراهن درازی که از دلک پا پایان تر آمده روی پیر اهن کمر بند عریض چرمی دارد. از کمر بند تا دامن پیراهن خطوط مار پیچی دیده می‌شود که شاید یک نوع خامک دوزی باشد بالای این پیراهن دارچینی پوشیده که تقریباً ده سانتی از پیراهن دراز تر است و در قسم مقابله دو گوش آن قات‌خرده واز زیر آن پیراهن نمودار می‌باشد.

در پاهای پادشاه موشهای کلفت چرمی یا نمدی است که تسمه‌ئی در بند پا آنرا محکم گرفته است و یک گوشۀ تسمه مذکور از میان کتف و کری پا گذشته است.

در دست راست او چیز شش رخ وزین است که یا غلاف کدام سلاح است و یا سلاحی است که از چوب یا فلز ساخته شده در دست چیز خنجری است راست و ضویل که آنهم در غلاف می‌باشد و تسمه آنرا به کمر بند و چینش نگاه داشته روی هم رفته نوعیت لباس بیشتر اختصاص به آسیای مرکزی دارد.

\* \* \*

از روی مطالعات مختصر و موضوعات جدا گانه‌ئی که تا اینجا بعمل آمده تا اندازه کافی بخوبی معلوم می‌شود که «کوشان کنیشکا» بزرگترین پادشاه دودمان کوشانی و بلاشبه، یکی از بزرگترین شاهان و شاهنشاهان ادوار قدیم افغانستان است و شهرت او سر زمین قدیم آریانا و کشورهای مجاور هند و تبت و آسیای مرکزی و حتی نقاط دور دست امپراطوری روم را فرا گرفته بود. کتیبه‌های متعددی که از افغانستان و هند پیدا شده به او و بعصر زمامداری او اشاره می‌کند و ادب و تاریخ سانسکریت و تبتی و چینی و رومن و حتی عربی و ترکی و فارسی از او نام برده اند.

شهرت کنیشکا در داستان‌های عامیانه در مدت ۱۸۰۰ سال دهن به دهن انتقال یافته

## د مملکتی دواړو تشکیلات

### د معارف وزارت



ع، س، نجیب اللہ خاں د معارف دوزارت کفیل  
S. Ex. Nadjibullah Khan

interimaire du

Ministre de l'instruction publique « اڑی »

د وزارت کفیل : : ع، س، نجیب اللہ خاں

معین : : ع، س، سید عبدالحکم خاں

مشاور : : ع، س، عبدالاحمد خاں

۳ : : ع، س، عزیز الرحمن خاں

۴ : : ع، س، هاشم شاپیخ خاں

د مخصوص فلم مدیر : : ع، س، امیر الدین خاں

### د پهلواني او روزني ز ریاست :

رئیس : : ع، س، داکٹر محمد انس خاں

دریاست دھو : : ع، س، محمد سی خاں

۱ : : ع، س، عبدالغفور خاں « بربندا »

۲ : : ع، س، محمد اسماعیل خاں « غرتوی »

۳ : : ع، س، غلام جلالی خاں « جلالی »

۴ : : ع، س، عبدالجبار خاں

۵ : : ع، س، محمد اعظم خاں « اڑی »

۶ : دھرم معاون : : ع، س، باینده محمد خاں

۷ : معاون : : ع، س، عبدالغفور خاں

۸ : مفتش : : ع، س، محمد کریم خاں

۹ : مفتش : : ع، س، محمد کبر خاں

### د تفتیش ریاست :

رئیس

معاون

مفتش

۱

۲

۳

۱ ع، س، سید محمد فاروق خاں

۲ ع، س، سید جیب خاں

۳ ع، س، عبدالاحمد خاں

۴ ع، س، بیرمحمد اسماعیل خاں

۵ ع، س، عزیز محمد خاں

۶ ع، س، عبدالله خاں

ونام او به تنها علامه فارغه تمام دوره چند قرن سلطنت و حکومت عرق کوشانی شده است چنانچه به همین جهت اکثر شاهان و خاندان های شاهی دوره های مابعد موضوع عرق و تسلسل سلطنت خویش را به کنیشکای کوشانی نسبت میدهند . یکی از شواهد بر جسته درین موضوع تذکرات ابوریحان بیرونی است که به اساس آن شاهی های کابل اعم از ترکی شاهی گرفته تا برهمن شاهی همه خویش را حفاد کنیشکای میدانند و این مسئله انقدر اغراق آمیز هم نیست زیرا میدانیم که از نقطه نظر عرق و خون کوشانی ها در دو ضرفة هندو کش رول مؤثری بازی کرده اند و خون کوشانی به پیمانه زیاد در عروق باشند گران افعانستان داخل شده است از نقطه نظر تسلسل تاریخی هم این مسئله به حقاً یق نزدیک است زیرا بعد از سلطنت دونیم قرن کوشانی های بزر گئ که در حوالي ۲۲۰ مسیحی مقتله میشود سلاله های کیداری و یفتلی رتیل شاهان و برهمن شاهان کابلی یکی بعدیگر و ارث تخت و تاج کوشان شاهان بودند و بسیار وفهه های کوچک و محلی تسلسل سلطنت کوشانیان را برهم زد است بناء عایه جادارد که بعضی شاهان و خاندان های سلطنهای مابعد، خویش و خاندان خویش را به بزرگترین و مقدر ترین پادشاه و امیرا طور کوشانی کنیشکای کبیر نسبت دهند .

(خاتمه)

# نفوذ عرب در افغانستان

از سال ۲۰۵ تا ۲۲ هجری

نویسنده: م. غبار

پیشرفت عرب در فارس

قشو ن دایر اسلام در خلافت حضرت ابی بکر صدیق و پسر (۱۳-۵۱) برای نخستین بار حدود امیراً صوری ساسانی را عبور، و مثنی بن حاره و خالد ابن ولید قوماندانهای عرب در سرحد عراق سپاه فارس را دوبار مغلوب نمودند؛ جنگها مکرر فارسی‌ها در هر بار منجر باز هم و بالآخره در سیزده ماه پیشترین حصص عراق عرب را از دست دادند، ولی پیکارهای لیس، حیره، انبار و عین التمر قطعی نبود، لهذا حضرت عمر ابن الخطاب رض (۱۳-۵۲) سو قیات عرب را در جبهه شرق دنبال نمود، و ابو عبیده ثقیل سپهبدار معروف اسلام قوای مدفع فارس را مغلوب، و سالار اشکنرا اسیر، و متعاقباً در نواحی کسکر نرسی جرنیل فارسی را منزه زم گردانید، گرچه رستم فرخزاد سپه سالار ارادتی ساسانی به اعزام قطعات نرسی را تقویه نمود ولی تیجه همان مغلوبیت بود و بس فقط بهمن جادو سردار اشکنی فارس تو انشت در کناره فرات ابو عبیده را منزه و چهارهزار کشته از دشمن بگرد، اما این مظفریت دوام نکرد و سال دیگر (۱۴ هجری) مثنی قوماندان لیس بواسطه جریان عبداله تقویه، و مهران افسر ساسانی در رزمگاه نخلیه سرش را بمقابل جریان باخته وارد دوی او متفوق گردید، ازین بعد فرخزاد سپه سالار شخصاً با شخصت هزار سپاهی و فیلهای جنگی بمدافعت کشور فارس بر خاست و سپهبدار عرب سعد و قاص باسی هزار عسکر خود اورا در قاد سیه در سال ۱۵ هجری ازین برداشت، بین ترتیب ستون اسلام تا پایتخت ساسانی پیش کشید و بزرگد از حلوان به ری فرار کرد، سردار عرب بعد از اشغال مرگ در ششماده حصار

جلولارا بقـوـمانـه هـاـشـمـ بـراـدرـ زـادـه خـود وـتـکـرـيـتـ وـموـصـلـ رـابـوـ اـسـطـهـ عـبـدـاـ لـهـ مـعـتـمـرـ فـتـحـ نـمـودـ مـنـعـاـقـبـ شـيرـ وـانـ مـسـخـرـ، وـدـرـ سـالـ ۱۷ـ اـهـواـزـ اـشـغـالـ وـهـرـمـزـ وـتـسـتـرـ بـهـاـبـوـ هـرـيـرـهـ تـسـلـيمـ شـدـ، سـعـدـ وـفـاقـشـ پـيـسـ اـزـ فـتـحـ سـوـسـ شـهـرـ جـديـدـ كـوـفـهـ رـاـ اـعـمـارـ وـقـرارـ گـاهـارـدوـ اـتـخـاذـ كـرـدـ، درـ سـالـ ۲۱ـ يـزـدـ گـردـشـاهـ فـارـسـ اـرـدـوـيـ بـزـرـ گـيـزـيـرـ قـيـادـتـ فـيـروـزـانـ درـنـهاـ وـنـدـاعـزـامـ كـرـدـ وـلـيـ اـينـ اـرـدـوـنيـزـ درـجـنـگـكـ باـعـمانـ بنـمـقـرنـ جـانـشـيـنـ سـعـدـ وـفـاقـشـ تـبـاهـ وـفـيـرـ وـزـانـ كـشـتـهـ شـدـ، جـنـگـكـ نـهاـ وـنـدـ شـدـيـدـ بـوـدـوـسـرـ دـارـعـربـ خـودـهـمـ كـشـتـهـ گـرـدـيـدـ، اـزـيـنـ پـسـ دـنـيـوـ روـهـمـدـانـ تـسـلـيمـ، وـيـزـدـ گـرـدـ اـزـ اـصـفـهـانـ باـفـقـيـانـ باـفـقـيـانـ پـيـشـانـهـنـهـ شـدـ، عـرـبـهاـ بـسـرـعـتـ اـصـفـهـانـ رـاـبـسـعـيـ عـيـدـالـهـ بنـ عـبـانـ وـدـرـ سـالـ ۲۲ـ آـذـرـ باـيـجـانـ رـاـ بـهـمـ مـغـيـرـهـ بـكـشـادـنـ، وـنـعـيمـ بنـمـقـرنـ هـمـانـ رـاـ تـبـنيـهـ وـخـطـرـيـ، قـوـمـسـ وـدـامـغـانـ رـاـ تـامـيـنـ نـمـودـ، وـالـيـ مـاـزـ نـدـرـانـ وـاـهـالـيـ طـبـرـ سـتـانـ هـمـ تـاـ دـيـهـ خـرـاجـ پـدـيـرـ فـتـنـ، وـبـاـيـنـصـورـتـ دـرـ عـرـصـهـ چـنـدـسـالـيـ کـاخـ بـلـنـدـ آـواـزـ اـمـپـرـاـ صـورـيـ سـاسـانـيـ باـطـرـافـهـ هـوـلـنـاـكـيـ اـزـپـاـ درـآـمدـ .

ولـيـ هـنـوزـ قـشـونـ اـسـلامـ کـارـدـيـگـرـيـ بـيـشـرـوـداـشتـ وـفـتوـحـاتـ اوـ تـكـمـيلـ نـشـدـ بـوـدـ زـيـرـاـيـزـدـ گـرـدـ سـاسـانـيـ زـنـدهـ وـدـرـ وـلـاـيـاتـ شـمـالـيـ اـفـغاـنـسـتـانـ دـسـتـ وـيـاـ مـيـكـرـدـ، اوـ مـيـخـوـاستـ اـزـفـوـاـيـ تـورـ کـنـ وـجـيـنـ استـمـدـادـ وـبارـ دـيـسـگـرـ اـمـپـرـاـ طـورـيـ اـزـدـسـتـرـفـتـهـ رـاـزـنـدـهـ نـمـاـيـدـ مـرـدـمـانـ فـارـسـ نـيـزـ گـوشـ باـواـزـ شـهـنـشـاهـ بـوـدـهـ وـبـشـكـسـتـ قـطـعـيـ خـوـيـشـ اـعـتـرـافـ نـدـاشـتـدـاـيـنـتـ کـهـ اـرـ دـوـيـ عـرـبـ بـرـايـ يـسـكـرـوـيـهـ کـرـدنـ کـارـ بـهـ تـعـقـبـ يـزـدـ گـرـدـ پـرـداـخـتـنـدـ وـاـيـنـ تـعـقـبـ اـيـشـانـ رـاـتـاـ دـاـخـلـ اـفـغاـنـسـتـانـ رـهـنـمـاـئـيـ نـمـودـ چـنـاـنـکـهـ تـعـقـبـ دـارـاـ يـوـشـ هـخـاـ منـشـيـ سـكـنـدـرـ يـوـنـانـيـ رـاـ بـداـ خـلـ اـفـغاـنـسـتـانـ کـشـيـدـهـ بـوـدـ .  
اـفـغاـنـسـتـانـ درـيـنـ هـنـگـامـ :

اوـ ضـاعـ اـجـتمـاعـيـ اـفـقاـنـسـتـانـ درـيـنـوقـتـ آـشـفـتـهـ وـپـرـ يـشـانـ بـوـدـ، زـيـرـاـ اـمـپـرـاـ طـورـيـ يـقـتـلـيـ اـفـقاـنـسـتـانـ يـكـ قـرـنـ پـيـشـترـ سـقـوطـ کـرـدـهـ وـاـزـ نـظـرـ سـيـاسـيـ کـشـورـ بـيـارـ چـهـهـاـيـ مـخـتـلـفـيـ تـقـسيـمـ شـدـهـ بـوـدـ، درـ وـلـاـيـاتـ وـسـيـعـ تـخـاـرـسـتـانـ پـيـاـيـ تـورـ کـانـ غـرـبـيـ يـاـ توـکـيـوـ هـاـيـ ماـورـاءـ الـنـهـرـ، وـمـعـاـقـبـاـ دـسـتـ اـمـپـرـاـ طـورـيـ چـيـنـ درـازـ، وـدـرـ وـلـاـيـاتـ باـخـ، مـرـوـ، هـرـاتـ وـيـشاـپـورـ چـنـگـالـ استـمـلاـكـيـ سـاسـانـيـ فـرـورـفـتـهـ بـوـدـ، وـحـكـمـدارـانـ محلـيـ مـلـكـتـ درـيـنـ وـلـاـيـاتـ مـجـبـورـ بـوـدـنـ زـيـرـاـ اـطـاعـتـ اـجـانـبـ رـفـتـارـ نـمـاـيـنـدـ، اـزـقـبـيلـ کـتـارـ شـاهـ نـيـشاـپـورـ، مـاهـوـيـهـ حـكـمـارـانـ مـرـوـ، زـادـوـيـهـ فـرـمانـدـ سـرـ خـسـ، بـهـمـنـهـ شـاهـ اـبـيـورـدـ، اـبـراـزـ مـهـتـرـ نـسـاـ، کـيـلـانـ پـادـشـاهـ مـرـواـ لـرـودـ، تـرمـذـ شـاهـ خـداـ گـوزـ گـاـ نـاـنـ، خـسـرـوـ خـوارـزـمـ، بـراـزاـنـ حـكـمـدارـ هـرـاتـ وـأـمـثـالـهـمـ، حـكـمـدارـانـ محلـيـ سـاـيـرـ حـصـصـ کـشـورـ نـيـزـ بـطـوـرـ مـلـوـكـ الـطـوـاـيـفـ بـسـرـمـيـ بـرـدـنـدـاـزـ قـبـيلـ: بـراـزـبـنـدـهـ شـاهـ غـرـجـسـتـانـ، فـيـروـزـ شـاهـ زـاـبـلـسـتـانـ، شـيرـ بـاـ مـيـانـ، مـكـرـانـ شـاهـ، قـيـقـانـ شـاهـ (فـلـاتـ بـلـوـجـسـتـانـ) شـاهـ سـنـدـ، شـاهـ کـشـمـيرـ وـغـيـرـهـ، قـوـيـ تـرـيـنـ مـلـوـكـ محلـيـ اـفـقاـنـسـتـانـ هـمـانـ رـتـبـيلـ هـاـ يـاـ کـاـ بـلـشـاـ هـاـ بـوـدـ کـهـ درـجـنـوـبـيـ هـنـدـوـکـشـ اـزـ کـاـبـلـسـتـانـ تـادرـيـاـيـ سـنـدـ وـاحـيـانـ تـاـحـوـزـهـ هـيـرـمـنـدـ فـرـمانـ مـيـدادـنـ، وـلـيـ اـينـ حـكـمـاـ متـعـدـدـهـ رـاـ

تبایین اداره و تغالیف ادیان و مذاهب چون زردشتی بودائی، بر همنی، شیوائی، افتاب پرستی و هندوئی وغیره از هم جدا نگاه میداشت، تعددالسنّه چرن دسته جات زبانهای با ختری، در- دستانی، هندی وغیره با تسلط اجانب یکجا شده و این تفرقه و تشتت ذوقی و مادی ملت را تقویت میکرد، عدم مرکزیت اداری نیز علت فقدان قوّه مدافعه اقتصادی کشور گردیده و روز بروز حالت اقتصادی و اخلاقی جامعه با تهدیب و تمدن قدیم بطرف اتحاطاسیر مینمود . تنها چیزی که جامعه و شور را از سقوط و اضمحل قطعی محافظه مینمود همان صلات بنیّه اجتماعی و جلالت قادر تاریخی ماضی و عنده وروا یات با افتخار گزشته بود وسی ، زیرا هنوز فوم امید وار ب آینده بوده و یقین داشتند مشکلات حال رامشل قضا یای ماضی هخا منشی و یوانانی دراستقبال حل خواهند نمود، ولهذا عجالتا در مقابله قرای بزرگ و ساسانی که ضردو دفع انها به تنها میسر بود از سیاست مدار او احتیاط پیروی میکردند.

در چنین وقتی از دوی دلیر وفات عرب با شمشیر بران و تعالیم فرآن و عشق و ایمان با اسلام در سایه دین متنین و محکم و مردان عاقل و فداکار در حا لیکه درمدت ده دو ازده سال بیرق فتح وظفر خویش را بر فراز مدائی پایتخت چندین قره شهنشاهی ساسانی از یکطرف و بالای دمشق الشام مرکز اسیائی و هفت قرنه امپراطوری روم شرقی از دیگر طرف افراخته بودند، مثل دریای خروشانی بسوی سرحد و تغور آریانای قدیم و یا خرا سان اسلامی و افغانستان امروز سر ازیر گردیدند .

تعقیب عرب یزد گرد ساسانی را در افغانستان

هجوم اول سال ۲۲ هجری

واما افغانها که در هجوم عرب بملکت فارس میدان نبردرا بیطرفا نه واژ دور تماش میکردند، پس ازانه زام ساسانی ویناه جستن یزد گرد در کشور خویش، چهره موافق به اوانشان ندادند، لاجرم پادشاه فراری از مرو بموازاء، چیخون کشید و از تور کان فرغانه زمین استمدادو بجنگ عرب بر گشت، از دیگر طرف بیست هزار سپاهی عرب بزیر قیادت احنت بن فیس فائد مشهور اسلام در سال ۲۲ هجری بفرض تعقیب یزد گرد برای بار اول ازراه طبسین یا بقول جغرافیا نویسان عرب دروازه خراسان داخل افغانستان شدند، افغانیان مصلحت چنین میدیدند که راه عبور عسکر عرب را کشاده دارند تاریشه ساسانی بدست دشمن تاره رسیده وقوی از بنیاد در آورده شود، ولهذا سعی کردند بدون ضرورت دست بخون مهمان نووار دنیا لیند، اینست که شون اسلام بدون مواجهه شدن بامدادعات جدی تا مرور سیده و درجه‌گی که بین ایشان و قوای تورک و یزد گرد رخداد فاتح گردیدند تورکها سه هزار نفر تلفات داده و خان براجعت مجبور گردید، یزد گرد که دیگر از قوای تورک امیدی نداشت بولایت بلخ واز انجابه تخارستان (قطغن و بدخشان) شناوره در صدد جلب تو جه چین و

استمداد از امپراطور آنکشور در مقابله عرب برآمد، بعلاوه او چون از امدادهایی و امراء محلی افغانستان مایوس بود گاهی به امراء سغدیانه مراجعه و گاهی به تحریک رعایای فارسی خویش در داخله کشور فارس میپرداخت.

هجوم دوم سال ۲۳ هجری

عربها که از پیشرفت در خراسان شمالی تامرو ممنون و از سیاست ملت افغانستان بی اصلاح بودند، سال دیگر (۲۳ هجری) بخط وسط و جنوب کشور نیز بیش شدند سهل بن عدی و عبد الله بن غسان در ولایت کرمان و عاصم بن عمر تمیمی در ولایت سیستان و حکم بن عمر علیی در ولایت مکران ریخته، و ساریه بن زینم باستقامت نسادر شمال ولایت خوش بحر کت افتاد، افغانها در تمام صول این خط از جنوب مشرق بحیره خزر تا سواحل آبهای عمان در مقابله حملات اردوانی عرب همان سیاست کجدار و مویز گذشته را رعایت و تائید زدند مقدور دست بجنگ در از نمیکردند، زیرا یزد گردنده و هنوز احتمال زدن دوباره امپراطوری ساسانی موجود بود، پس بیشتر با عرب از راه مفاهمه و مصالحه و ادائی پول داخل شدند و گر درین میانه جنگی واقع شد آنهم نسبتاً خفیف وزد گذشت.

سال دیگر (۲۴ هجری) امیر المؤمنین عمر ابن الخطاب رضی‌الله عنی یکی از بزرگترین فرماندهان جهان از دنیا چشم پوشید، آنکه افران خویش را از پیشرفت مزید در کشور افغانستان معطل و میفر مود؛ دوست داشتمی اگرینما و خراسان دریای آزادش فاصل بودی با یتصورت هفت سال دیگر سرحدات غربی خراسان آرام ماند، زیرا اردوهای امیر المؤمنین عثمان ابن عفان مشغول پیشرفت در سواحل بربر و افریقا و ولایات فقاری بوده، فرست سو قیات در افغانستان نداشت، در طی این مدت بود که وقتی مفصل در دست افغانها افتاد تا برای ازین بردن نفوذ ساسانی و پیش‌یافته حملات آینده عرب سعی ورزند اینها گرچه منظور نخستین راعملی گردند، اما از تشکیل یک دولت بزرگ خراسانی و یا اقلایات اتحادیه از تمام حکومات محلی افغانستان عاجز آمدند، چو نکه تناقض و تعدد ادیان، مذاهب ادراه و غیره قبل از خود را کارهای و موانع عظمی در راه و حدت ملی ایجاد کرده بود، و اینها خراسانیان در دفاع کشور خویش در آینده با مشکلات زیادی مقابله شدند در هر حال یزد گرد در طی این مدت با پسرش فیروز در ولایات شمال افغانستان مشغول دست و پیاو تجهیزات بود، ولی نماینده اواز در بار امپراطور چین ناکام مراجعت و عندر امپراطور را از عدم امداد او بنام بعد مسافت تقدیم کرد، اینها یزد گرد از تخارستان به بلخ کشیده و فیروز را به جای خود گماشت حمله سوم سال ۳۲-۳۱ هجری :

افغانها در صدد ازین بردن او رفع تشویش آینده بودند که در سال ۳۱ هجری سو قیات مجدد عرب زبر قیادت عبد الله بن عامر افسر مشهوری شروع شد، و اینها بن قیس بیشتر عرب آنکه ساقه و تجریه در امور سرحدات غرب شمالی افغانستان داشت بزودی توانست طبسین را در سایه سیاست

کجدار و مریز خراسانیان از راه مفاهمه و صلح اشغال نماید، مردم هنوز در مقابل جدی با عرب بواسطه زنده بودن یزد گرد تردد داشته و قسم بزرگی موافقت با عربی ها را پیشنهاد میکردنند، از همه پیشتر ما هویه سوری حکمدار هر و صرفدار مسالت و مصالحت باقشون اسلام بوده و فررا از مردو با عبدالله روابط دوستانه برقرار کرد، ابن عامر که مرد موقع شنا سی بود ازین پیش آمد استفاده و علاوه هایی: «جوین»، «بخاراباد»، «سنگان»، «خراف»، «باخرز»، «جهان مرغینان»، «نسا»، «ایورد»، «سبزوار» و حتی شهر و مرکز مهم ابر شهر یعنی نیشا پور را یگان یگان در اثر سوقيات خود اشغال و نیشاپور را قرار گاه عمری واس الحركات عسکری اتخاذ نمود، این علاوه ها بعضی بصالحه گردیدند و بعضی دست بشمشیر دراز کردند، معهذا چون دفاع بطور پرا گند بعمل امد منتج بغلبه عرب گردید، ابن عامر با یفتخاره اتفاق اتفاق کرده مفرزه های متعددی بقومان نده مجاشع بن مسعود وزیع بن زیاد حارثی عبدالله ابن حزم بولایات کرمان سیستان و هرات و همچنین یکقطعه عسکر باستقامت سرخ حركت داد، از همه پیشتر حکمدار هرات با تدبیه یک میلیون درهم نقد و قبول سالانه سه صد هزار درهم بصله پیشا مد لهذا احنف قوماندان عرب توانست از هرات راه پیشرفت خودش را بخط مرغاب و جوزجان باستقامت بلخ که مرکز یزد گرد قرار گرفته بود باز کند، واما در جبهه سیستان قشون عرب در جگمه میلی زر نجغای شده، وایران بن رستم حکمدار محلی در بدل ادائی هزار بند و هزار جام زرین باریع قوماندان عرب بصله برقرار گرد، ریبع بعد ازین تاخواش و بست پیشرفت ولی بامداد عفات شدید اهالی دچار و بالآخر باعده از اسراء برقرار گاه نیشاپور مراجعت کردستون دیگر عرب نیز در کرمان شهر سیرجان را اشغال کرده بود با بن ترتیب اینکه نفوذ عسکری و سیاستی عرب در ولایات نیشاپور هرات گرمان و سیستان قایم شد، واحنف سردار عربی بخط مرغاب حرکت داشت حکمدار بومی مر والرود «باذن» بمقابلہ شتافتیه و بعد از جنگ میدان شهر بندی اختیار و در نتیجه مذاکره ماهک برادر زاده او با احنف مصالحه با عرب برقرار نمود، احنف به پیش کشید و در حدود مر والرود باعده از عساکر می خراسان مقابل و در جنگ سختی فاتح گردیده بلا فاصله بجانب گزگانان حرکت نمود این وقت بود که یزد گر دمچال افاقت در بلخ نیافته جیحون را عبور و بر لایت مرو شنافت احنف به بلخ رسید و پسر از مصا لجه با حکمدار بومی انجا جیحون را عمور و بقصد خوازم حرکت نمود ولی شدت سرما اورا بفسح عزم وادر واهنا بعد از مرآجه بیلخ راه نیشاپور در پیش گرفت افغانها یزد گرد را کشند و عرب حمله کردند:

افغانها میدیدند که نزدیک است کار از دست رفته و در عوض ساسانی سلطه عرب غرب و شمال کشور را فرا گیرد، لهذا بعجله دست به کار شده و باز از همه پیشتر ما هویه سوری حکمران مرو بهر نوعی بود. یزد گرد را ازین برده و خطر زنده شدن امپرا صوری ساسانی را رفع نمود فیر و زیر یزد گرد

نیز مجبور شده بود تخارستان را ترک و برای همیشه در کشور چین ناپدید گردد . ازین بعد خراسانی‌ها که خویشتن را از قید ساسا نی ازاد، تورک و چین را عقب نشسته از کشور خود میدیدند، برای دفاع از عرب حاضر شدند، شهر ادله گان تخاری و امراء کوشانو یفتلی که بجهت زمامداران محلی در قسمتی بزرگ از کشور دست داشتند بالاصله بفعالیت اغاز کردند، عرب‌ها یفتلی‌های افغانستان راهی طبل و هیاطله خوانده و چون هنوز در عرق شنا سی دستی نداشتند ایشا نرا گا هی تور ک شناخته و گا هی هم بر استی عجم یعنی ( عناصر غیر عرب ) اعتراف کردند . بلادزی ، ضبری ابن ائیر وغیره از مدارفون نیشا پور به عنوان هیاطله هرات ، واژ هیاطله طبیعت و قوهستان به تعریف تور کی سخن میزند ، حقی اینها در جنگکهای سیستان ، قندهار و کابل هم از دسته‌جات تور کی در اردیه رتبیل شاهان کابلستان ذکر می‌کنند، پس مورخین دیگری از قبیل خوارزمی صاحب مفاتیح العلم و نویسنده گمنام تاریخ سیستان و امثال‌همابه تقلید از بلاذری و ضبری مدافعین قندهار را ( رخد و رخچ عربی ) تور کی میشنانند، یک‌نفر دیگر از این قبیل مردم سید احمد نام موافع کتاب فتوحات اسلامیه در محاربه سید بین عرب و اهالی قیقان ( قلات بلوجستان ) از مدافعین تور کی یاد می‌کند ، بهمین جهت است که گاهی مثلا نیز کی حکمدار بومی بادغیس تور کی و گاهی قارن هراتی بالشکریش تور کی و گاهی همز تبیل شاهان کابل با اردیش تمامه تور کی معروفی کردیده اندر حالی که مامیدانم نه اینها تور کی بودند و نه پایی جنس تور کی مقارن هجرم عرب در این ولایات افغانستان رسیده بود، بلکه تور کان قرن شش تا قرن هفت فقط در ولایت تخارستان آنروز نفوذ کرده بودند و بس .

در هر حال بعد از این‌که افغان‌ها نیزد کرده در سال ۳۱ هجری کشته‌در سال ۳۲ عرب حمله کردند ،

#### قارن هراتی :

از همه پیشتر مردی قارن نام از اهل هرات بجمع لشکری از داوطلبان ملی بادغیس و هرات پرداخته و بقرار گاه عرب در نیشا پور حمله کرد، هجوم قارن انقدر قوی بود که قیس بن هیثم و کیار ابن عامر فرمانده خراسان مفتوحه صافت مقاومت ندیده باستیاقامت بصره حرکت کرده و اسراء زیادی بدست دشمن گذاشت، مورخین عرب تعداد عسکری قارن را چهل هزار نفر ( شاید بامناند ) قید کردند، قارن که عجالتاً خودش را فاتح میدید دیگر از عرب هراسی نداشت، در حالی که هنوز افسر نامداری چون عبدالله ابن حازم در مقابله موجود بود، عبدالله تو انت در شب خون ناگهانی بواسطه چهارهزار سر نیزه مشتعل اردوی نیمه غافل قارن را سر اسیمه نماید ولی قارن مردی نبود که خود از جارود این‌اشخاصاً در میدان نبرد حاضر و انقدر شمشیر زد تا کشته شدو در نتیجه اردوی عرب از دشمن خطرناکی خلاصی یافت .

از دیگر صرف مردم سیستان مثل هراتی‌ها برای دفع عرب حاضری دیده و نائب ربیع بن زیاد را فراخواج و تمام فراردادهای سابق را زیر پا گذاشتند، رجال عرب ملتفت اوضاع خراسانیان بوده و مجبور شدند برای تسخیر مجدد اراضی از دست رفته تشبیثات جدی نمایند درین وقت انها تنها نیشاپور را در دست داشته و دیگر متصروفات خویش را از دست داده بودند، عبدالله حازم عجال‌الذرا تو انس سه‌چهارسال دیگر حکمرانی عرب‌را افلا در ولایت نیشاپور حفظ کرد، ولی در سال ۳۶ ماهویه سوری حاکم محلی مرو ایشانکه یزد گرد را از بین برده بود بغرض استطلاع از چگونگی اوضاع عرب شخصاً بدربار خلافت سفر واز اختلافات داخلی و جنگی جمل مطبع و در عودت بلا فاصله داخل عملیات دفاعی گردید، مردم نیز سرحدات نیشاپور را در مقابل عرب مستحکم ساختند، مرکز خلافت اسلام در سال ۳۷ جعدة بن هبیره را بصفت ولی در نیشاپور اعزام کرد، اما هالی از قبول او استنکاف و رزیدند و جعدة مجبور بعودت شد، متعاقباً خلیدیه بوعی باقوت کافی از دربار امیر المومنین خلیفه چهارم رضی اللئنه در عوض جعدة سوق گردید، ولی اونیز مجبور شد با نیشاپور یا مرو یا هردو مصالحه کند فقط باشرضا ایشانکه دودختر ازیک خاندان محتشم مر و بحضور رخیفه اهداد گردد، از این بعد نفوذ عرب در حصص شمال مغرب افغانستان هم موضوع و مفهومی نداشت تا ایشانکه دولت اموی در شام مستقر و فتوحات اسلامی مجدد اغاز گردید.

#### خلفاء اموی و افغانستان

در جبهه شمال

در سال ۴۲ خلیفه اولین اموی امیر معاویه، قیس بن هیثم را در ولایت نیشاپور اعزام کرد قیس تو انس پای عرب را درین ولایت محکم کند، در سال ۴۷ حکم ابن عمر و غفاری حاکم جدید نیشاپور باستقامت ولایت هرات سو قیات و بواسطه المهلب با ولایت غور داخل جنگ شد ولی کاری از پیش نبرده و مهلب فقط به نجات دادن خود از غور موافق گردید، غفاری چون ازین جبهه نا امید شد به مرو چشم دوخته و چون ماهویه وجود نداشت مروراً اشغال و مرکز عرب قرار داد، این اقدام غفاری از نظر سرق العیشی بموافقات النهر البته قیمتدار بود.

در سال ۵۰ ربیع بن زیاد حارثی با پنجاه هزار نفر خانه کوچ عرب وارد خراسان شما لی شده و مهجرهای متعددی تشکیل و با یوسفیه ریشه‌های نفوذ عرب را بطور اساسی در صفحات شمالی افغانستان قایم نمود، ربیع در قهستان با عساکر مدافعان بدغیسی مقابله در بلخ با حکمران بومی فرار داد قبیم احتف را تجدید و خود بماوراء النهر گذشت ربیع دو سال بعد از دنیا چشم پوشید و اخلاق او چون عبیدالله زیاد، سعید عثمان، اسلم زراعة، عبدالرحمن-

زیاد تا سال ۶۱ کار مهمی در خراسان شمالی انجام داده تو انسه و پیشتر بجنگهای ماوراء النهر مشغول بودند . درین سال اخیری مسلم زیاد حاکم خراسان شمالی با انقلابات ملی دچار شد و گرچه نامبرده تو انسه مرکز این تحربه‌کاترا دریکی از شهرهای کوچک خوا رزم در اثر سوقیات ناگهانی خویش از بین برداشته، ولی مردمیان عزل او را از طرف خود اعلام کردند ، مسلم مجری شد به نیشاپور مراجعت کند و جانشین او عبدالله حازم مدته با مردو و مردوالرود و یکسال با هرات مصروف چنگ ماند ، اخیراً هم او در سال ۶۵ به تحریک مردم استقلال خراسان را اعلام نمود ، عبدالله گرچه در سال ۷۲ در مقابل بکیر و شاه مغلوب و مقتول گردید ولی خود بکیر نیز پیروی از جنگهای سختی تو انسه در سال ۷۷ بکیر را از بین برده نمود ، امیه سردار جدید عرب بعد از جنگهای سختی تو انسه در سال ۷۷ بکیر را از بین برده و دایرانه از مردو به بلخ سوقیات کند ، اما در انجا مغلوب و محصور شده و تنها تو انسه خودش را نجات داده در مردو بر ساند . در سال ۷۸ حجاج معروف مهلب را در خراسان شملی و عبیدالله ابی بکره را در سیستان اعزام کرد ولی نه او و نه جانشینان او چون یزید و مفضل تا سال ۸۵ کار بزرگی انجام داده تو انسه، تا اینکه مرد بزرگی چون قیبه مامور اینکار شد ، قیبه در ماوراء النهر تأثیرگذار سوقیات کرد د را فناستان تو با لخ پیشرفت مگر بزودی دچار جنگهای سخت افغانی ها گردید .

#### نیزک با دغیسی و اتحادیه ملی : نیزک حکمران بومی با دغیس بر ضد عرب اتحادیه از

حکام بومی صفات شمال افغانستان چون جفویه شهرزاده تخارستان ، اسپهبد بلخ ، با ذان رئیس مردو و حکمداران محلی جوزجان ، فاریاب ، طالقان و غیره تشکیل و با کابنشاد دا خل مفاهمه شده به ترتیب اوردو پرداخت ، پس نماینده عرب از تخارستان اخراج و جنگهای سختی بین قیبه و نیزک و حکمداران بومی در تالقان مرغاب ، بغلان و سمنگان اند راب در گرفت ، گرچه قیبه تو انسه بجنگ و خده بالا خره نیزک را از بین بر دارد ، ولی بزودی نماینده او حبیب بن عبدالله باهلي از صرف مردم گوزگانان کشته ، و حکمران شو مان به جنگکی عرب حاضر گردید ، قیبه بعد از فتح این مناطق فاریاب را سوختاند و بار تپیل کا بلستان قرار دادی امضا نمود ، ازین بعد پیشرفت قیبه در ماوراء النهر وهم در دا خله خراسان تاخوارزم دوام نمود . در سال ۹۶ قیبه برخلاف خلافت عصیان و حبیان بنطی خراسانی دشمنان خراسانی و عربی اورا تائید وبالآخره در ضمن یک شورش و چنگ سختی قیبه کشته شد و کمی دشمن دیرینه عربی او جایش را گرفت ، قرن اول هجری میرفت تما شود ولی هنوز عرب در خراسان شملی بدون از ولايات نیشاپور و مردو تسلط مستقیم و محکمی پیدا نکرده بود در حالیکه قسمتی بزرگی از روی زمین را در حیز اختیار خویش داشتند

یزید مهاب، جراح عبدالله، عبدالرحمن، سعید عبدالعزیز، سعید حرثی، اسلام سعید، این همه حکام خراسان شمالی تا سال ۱۰۵ بودند که بدون موقتیت اساسی فقط بامدار او مواساً با مردم بسر برداشتند، اسد بن عبد الله حاکم جدید تو ایست تا سال ۱۰۹ میلادی خاندان عباس را که بر ضد امپراطوری اموی در خراسان حمایه می شدند ازین به برد و در غرجستان وغور بالا هالی رزم دهد گرچه نمرود حاکم بومی غرجستان مسلمان شد ولی اسد از اشغال غور عاجزماند، اشرس جانشین اسد عوض خراسان بجنگهای ماواراء النهر مشغول گردید، جنبد خلف او در سال ۱۱۲ هژده ه هزار عسکر بولایت تخارستان اعزام کرد ولی معلوم نیست چه کاری در آنجا انجام داد، عاصم حاکم جدید بدرا بار خلافت پیشنهاد کرد خراسان مستقیماً بعراب مر بو طشودجو نکه اداره اش بشکل موجوده ناممکن است، خلیفه وقت در عوض جواب اسد سابق الذکر و خالد برادرش را اعزام نمود، اینها تو ایستند خداش با نی طریقه خرمیه را که از دشمنان جدی امویها و در خراسان تمر کردند ازین برد وهم در بلخ مجدها سو قیات نمایند مگر اخلاف اینها چون جعفر، حنظله یوسف بن عمر، ونصر بن سیار هیچ کدام تو ایستند قدمی در خراسان فراتر گزارند، اینها ضع تا سال ۱۳۰ در افغانستان شمالی دوام نمود، درجا لیکه مردم خراسان از یک کطرف در علوم اسلامی پیشرفتند واز دیگر صرف در صدد اعادة استقلال کشور خویش بودند، سیا میون اینها چون در مدت یک قرن از دفعه متفرق در مقابل شهنشاهی بنی امية ناکام شدند، لهدادست به تشویق وحایه خاندان بنی هاشم زده و خواستند بنام دین، عدل و حق امپراطوری اموی را وازنگون واستقلال افغانستان را اعلام نمایند.

در جبهه غرب:

عربها ملتفت نیات و اعمال خراسان نیا ن بوده مجال فعالیت ایشا نرا سلب می کردند وهم بواسطه قرار گاهائی مختلف کشور افغانستان رادر پارچه های مختلف تقسیم وزیر سو قیات قرار میدادند چنانچه بعد ازوفات امیر المؤمنین خلیفه سیوم رض در سال ۳۵ عبدالرحمن بن سمره مکررا بجنگ ولایت سیستان پرداخته از زرنج به خواش، بست و ز مینداور پیشرفت واز قندهار تاغزی و کابل سو قیات نمود مهلب قومندان دیگر این شخص تاقد ایل در بلوچستان رسید گرچه عبدالرحمن مرد بزرگی بوده و در اسفل رسه سالخویش بعد از جنگهای صعبی با مردم افغانستان فتوحاتی هم نمود، ولی در آخر کار از اینکه زرنج را در سیستان قرار گاه عسکری اتخاذ کند عازم شد و لهداد کیلی از خود گماشت و به دربار خلافت مراجعت کرد، اخلاق این شخص چون عبدالرحمن بن جزالطائی، ریبع بن کاس عنبری در سیستان از احرار از کدام موافقیت مهم ناکام ماندند، ریبع حارثی در سال ۴۳ نیز از حمله که در قندهار نمود تیجه نگرفت، و عبیدالله ابی بکر هجانشین او یقینقدر تو ایست که در رخدان اساساً کرتیبل کابلستان جنگیده و قراردادی با او امضاء کند، عباد

## د کابل کالانه

من ، امیر محمدخان	مغتش
» ، محمدآصف خان	»
» ، خواجه گلبند ین خان	»

## د سپورت او حفظ الصحی ریاست :

ع ، من فاروق شاه خان	رئیس
» ، محمدحسن خان	د سپورت مدیر
» ، عبدالر حبیم خان	د شفا خانی سرطیب

## اداری شعبی :

داجرائی او مامو رینو عمومی مدیر	ع ، محمدمرید خان
دکترول عمومی مدیر	» ، غلام سخنی خان
دموزی او حفریاتو عمومی مدیر	» ، احمد علیخان « کهزاده »
داور آقو مدیر	من ، عبدالنوبی خان
مر کزی مر بوطه دواير	در کزی مر بوطه دواير

## د پوهنتون ریاست :

در رئیس کفیل	ع ، من دکتور عبدالمعجید خان
--------------	-----------------------------

## د طبی دفا کو اتمی ریاست :

در رئیس کفیل	ع ، من غلام فاروق خان
معاون	من ، داکتر عبدالرحمن خان

## د حقوق او سیاسی علومو فا کولته :

در رئیس کفیل	ع ، من عبدالحکیم خان
معاون	من ، محمد اکبر خان

## د سائنس د فا کو لته ریاست :

در رئیس کفیل	ع ، من محمدیو سف خان
معاون	من ، محمدیو نس خان

بن زیاد عین این رفتار را تکرار نمود، و مردم سیستان در سال ۶۰ اور را خر ۱ ج و طو مار نفوذ عرب را در سیستان فروجیدند اما عربها مردمی نبودند که باین سهولت نقش خویشاً تبدیل شوند، لذا در سال ۶۲ یزید و بو عبیده بن زیاد مجدداً وارد سیستان و حتی بکابل عسکر کشیدند ولی کابلی ها جنگ سختی نموده یزید را کشته و بو عبیده را اسیر گرفتند طلحه حاکم جدید سیستان توانست نیم میلیون درهم بهر تبلیک کا بلستان پرداخته اسراء عرب را خلاص کند، طلحه و عبدالله پسرش هردو در سیستان با شورش مردم دچار گردیدند تا نکه عبدالعزیز حاکم عبد الله بن زیبر رفیب خنیفه اموی وارد سیستان شده و بکابل عسکر کشید ولی او نیاز از طرف اردوی کابل زیبر فشار و خطر قرار گرفت فقط همت عمر بن شان العاری افسر دلیر اسلام بود که عبدالعزیز و بقیة السیف اردوی اورا از جنگ کابلی هانجات داد، بعد از چندی امیه بن عبدالله حاکم جدید عرب بعین این سر نوشت گرفتار و مجبور شد سه صد هزار درهم و عهدنامه به رتبیل کا بلستان تقدیم و خودش را از میدان نبرد خلاص کند موسی بن طلحه تاسال ۷۵ دست و پای بسته در سیستان نشسته بود تا نکه عبد الله در ۷۸ با اردوی اعزامی حجاج وارد سیستان و بلا فاصله در مقابل رتبیل شاه بجنگ است اقدام نمود ولی رتبیل اورا مغلوب و محسوز رویس از اخذ هفت صد هزار درهم با بقیة السیف اراد و یش را کرد . اینست که حجاج متغیر شده و ده هزار عسکر منتخباً از صناید و اشراف عرب در تحت قیادت عبدالرحمن بن اشعث به سیستان سوق نمود و این همان عسکر یست که از گشترات تجمل ولو از ملک کراوس خوانده شد و در هر حال این اردو در راه کابل بعلت سردی و صعوبت راه از حمله باز مانده وبالآخره بر ضد حجاج عصیان و به تحریک ریکابل کا بلستان به استقامت فارس و عراق مارش نمود، عبدالرحمن بعد از جنگهای متعددی با حجاج اخیراً در سال ۸۳ مغلوب و بدرا بار کابل یناہنده شد .

عماره حاکم دیگر عرب در سیستان کاری انجام نداده و مسمع در ۸۶ گرفتار جنگهای ابو خلده قائد شورشیان سیستان گردید، در سال ۸۸ عمر و برادر قیتبه معروف وارد سیستان شده و در بست عسکر بجنگ کابله شاه کشید ولی رتبیل اورا به عطیه هشت صد هزار در هم راضی ساخت، بعد از کشته شدن قیتبه سائر حکام عرب در سیستان چون عبدربه، نعمان مدرک، سپاک عبدالرحمن بن عبدالله و عمر بن هبیر هیچ کار تازه انجام ندادند، بلکه مردم در سال ۱۰۷ امیر شرط عرب (رئیس پلیس) بشر الحواری را کشتن و قضا، رانیز از عرب منفصل و بیکی از علماء بومی معمربن عبدالله محدث سیستانی دادند، در سال ۱۰۹ اصفح شیبانی حاکم و محمد بن جحش قوماندان نظامی عرب در سیستان در جنگ بار رتبیل شاه مغلوب و مجبور بر مراجعت گردیدند، و در سال ۱۱۱ ضدیت مردم با عرب قوت گرفت، در سال ۱۱۶ افتنه های خفتنه بیدار گشت، و در سال ۱۳۰ شورشیان سیستان سوار بن اشعر حاکم اموی را کشتن و در سال ۱۳۱ هشتم حاکم دیگر عرب بر اباستقامت شام اخراج کردند.

در جبهه جنوب:

عربها با اول در سال ۲۳ هجری بسر کرده گی سهل بن عدی و عبدالله بن غسان و حکم بن عمر نعلبی بولایت کرمان و بلوچستان غربی یا مکران ریختند، کرمانشاه در جنگ با عثمان این عاصی کشته شد و بعد از کرمانیان با عرب مصالحه و مجددا در سال ۳۱ با هجوم مجاشع بن مسعود که عزیمت سیستان داشت مقابله و بعد از زد خورد های متعدد دی شهر سیرجان را از دست داد، متعاقباً ریبع بن زید اضراف شیرجان را تسخیر و با مردم قراردادی امضاء کرد ولی اهالی هم بزودی شورش کردند و ریبع ازرا خا موش ساخته جیرفت راه اشغال نمود ازین بعد چون کرمان همسایه بلا فصل متصرفات عرب در کشور فارس بود همیشه زیر فشار عرب قرار داشته و در مذاعات خود ناکام و اهالی اکثر این بولایت سیستان و بلوچستان پناهندگان شدند عرب هایز در کرمان نمر کر اختیار کردند، و امادر بلوچستان عربها بفرمان امرالمومنین خلیفه ثانی از مکران تجاوز نکردند، مغیره این عاصی تا دیبل بندر گاه شرقی بلوچستان رسید ولی در جنگ بادیوائج افسری که از سندر سیده بود کشته شد، در سال ۳۹ حارث بن مره در بلوچستان شرقی تا قیقا نان پیشرفت اما او نیز باعسکر ش در حدود فلات حالیه از دست مردم کشته شدند، مهلب سردار مشهور را عرب در سال ۴ تابته واهیار و قیقان رسید ولی او هم در آخر جنگ های بی تیجه مجبور به مراجعت گردید عبدالله این سوار باز دیگر بسو قیات پرداخته و عاقبت بدون آخذ تیجه قطعی به مکران رجعت کرد، با او چهار مرکزان هم بشورش ها قیام کردند تا سنان بن سلمه ایشان را مغلوب ساخت پس ازین را شد بن عمر و تاقیقان عسکر کشید و فتحی نمود مگر در عودت از حملات مردم کوهمند و بهرجان بدر نبرد، عربهای بیان حملات خود را ها نکرده و باز از جبهه فند هار و سیستان در علاوه کیج بلوچستان هجوم نمودند اما تیجه همان کشته شدن قوماندان عرب و شکست عسکر ایشان بود و بس در سال ۶۱ منذر بن جارود در بلوچستان بناخت و در بو قان و قیقان حرب و قصدار رافتیج کرد اینست که بالآخره بای عرب در بلوچستان محکم گردید، عربها سعی زیادی در تر ویج دین اسلام نموده و بلوچستان را در دو حصه غربی و شرقی تقسیم و اوی را مرکزان و دومی را توران خواندند، در قرن دوم هجری قسمی از بلوچستان دین اسلام اختیار کرده بودند، و عربها بعد از پیشرفت در بلوچستان متوجه ولایت سند شدند.

در جبهه شرق

اینوقت صفحات شرقی افغانستان زیر اداره حکام محلی زندگی می نمودند کشمیر-شاهان در ولایت کشمیر فرمان رسیدند، و در جنوب کشمیر تابع عرب و لايت وسیعی تحت فرمان امراء بومی سند قرار داشت، سند در چهار علاقه: برهمنا با د سیستان-اسکنند و باتیه وجیج پور، و ملتان تقسیم و مرکز او شهر معمور « اورور » بود

نخستین بار در سال ۱۵ هجری عثمان ابن عاص عازم بحرین شده بجانب عمان شناخت

مغیره برادر اینشخص قوماندان بحرین گردید، و کشته های عرب در دریا انداخته شد، عربها در بندر گاه دیبل بین بلوچستان و سند آنروز پیاده شدند و در جنگی که بین آنها و مردم واقع شد مغیره در دست افسر سندی دیوانچ کشته گردید، حاجاج معروف سوقيات در سند را تکرار نمود ولی افسر او بدیبل در جنگ دیبل بدست جیسه پسر حکمران سند کشته شد، اينست که حاجاج متغير شده محمد بن فاسمه شفیعی داماد بسیار جوان و سخت دایر خودش را در جبهه سند اعزام نمود، محمد قاسم از راه شیر از بحر یه او از راه دریا باستقامت بندر دیبل حرکت کرد، قاسم دوازده هزار عسکر و سه هزار بار کش داشته واژراه مکران وار مائیل (جنوب غربی بلوچستان کنونی) وارد دیبل گردید مردم دیبل نه روز بجنگ پرداخته و بالاخره برق چهار زبانه حریر سبز قله معبد در ارتفاع هشتاد زرعه از انداخت منجذیع عروسک که پنجصد نفر عمله و صله نز و ماده آنرا میکشیور تباہ و مردم دل شکسته مغلوب شدند، عرب با من حاجاج سه روز کشیار عام و هفت صد زن جوان و مرصح و خدمه معبد را اغتیام نمودند، ازین بعد محمد قاسم نیرون و سیستان و بوده هیه را یگان یگان از حکام محلی چون سمنی، بجهر، او، کوتک فتح نموده در کناره آب مهران اقام اختیار کرد، داهر حکمدار سند بجنگ پرداخته و اخیرا در ر رمضان ۹۳ در میدان جنگ کشته گردید و قلعه راور بدست عرب افتاد محمد قاسم در ششماد دیگر برهمتا بادرا بعد از جنگهای خونینی اشغال، و در دوماه ملتان را از گندا رای مدفع شهر تحويل گرفت، باین ترتیب محمد قاسم جوان در فهرست قهرمانان جوانان اسلام داخل ولایت سند و ملتان جزء امپراطوری عرب گردید.

اما حاجاج در ۹۵ هجری بمرد و سال دیگر محمد قاسم از طرف خلیفة جدید سلیمان احضا ر و در عراق پسر بت و شکنجه هلاکه گردید، یزید بن ابی کبسه جانشین محمد قاسم هزده روز در سند نگذشتانده فوت و جایش راحیب بن مهلب گرفت، حبیب در کناره جیلم مجبور بجنگ شورشیان ملی گردید، و بعد ها حکام سند این نوع جنگها در پیش داشتند، عمرو بن مسلم حاکم دیگر سند بود که در سوا حل جیلم بجنگ اهالی سندو بلوج گرفتار و عرب بهای در خلافت یزید بن عبدالملک حاکم سند باز بجنگ اهالی سندو بلوج گرفتار و عرب بهای در قند ایل تلفات بسیاری دادند، یزید بن عبدالرحمن حاکم دیگر سند مدتها مجبور بود با اخلاف دا هر حکمران بومی سند بجنگ، بعد از تمیم بن یزید، حاکم بن عوانه حاکم سند شد ولی مردم تمرد وار تداد کرده بودند، این اوضاع تا سال ۱۳۱ هجری در ولایت سند دوامداشت، بعد ها در همین قرن وعهد امپراطوری عباسی بود که هشام بن عمر و قلبی

عامل خلیفه منصور عباسی حاکم سند گردیده و در نتیجه سویقات این شخص نامدار ، اسلامیت و نفوذ عرب تداخل ولایت کشمیر پیشرفت .

ابو مسلم خراسانی :

از ورود عرب در خان افغانستان یکصد و هشت سال میگذشت در ضی اینمدت سه نسل از ملت عرب و افغان مشغول نبرد سیاسی و نظامی بودند امپراطوری اموی که قسمتی بزر گئی از روی زمین رادر آسیا ، افریقا و اروپا اشغال کرده بود از تسخیر قطعی و عمومی افغانستان عاجز آمد افغانهاهم بعلت تشکیلات متعدد ملکی و تشتت قوای ملی در قیام حکومت ملی ناکام نهادند یعنی که مردمی قوی در افغانستان ظهور و قوای پرا گبده قوم را جمع و یک استقامت بحر کت ا نداخت این شخص ابو مسلم عبدالرحمن مشهور متولد در سال ۱۰۲ هجری از اهالی قریه سید در مر بو ط به شهر انبار (سرپل کنونی) و رأس القنطره عرب در شرق شهر یهودیه یامینه موجود بود ابو مسلم بعد از تحصیل در سن شباب قدم در خط سیاست گذاشت و بزودی مرکز عده بزر گئی از مردان خراسان زمین فرار گرفت او بعد از تشکیلات باقاعدۀ بزودی در داخله کشور عصیت و نزاع قبایل مختلفه عربی چون ازدی و تمیمی و قیسی را که بشعب جدا گانه یمانی و مصیری منسوب بودند اشتعال ، و در خارجه از عداوت خاندان بنی هاشم و بنی امية استفاده سیاسی کرده بالاخره در رمضان سال ۱۲۹ لقب شاهنشاه و شعار سیاه قبول والغای خلاف خاندان اموی را اعلام نمود ازین بعد ابو مسلم به دفع عرب هائی که مخصوصاً هواخواهان اموی بودند مشغول و بسرعت حیرت بخشی تمام ولایات تحت نفوذ عرب رادر افغانستان از وجود آنها خالی نمود . حکام ابو مسلم در تخارستان ، بلخ ، جوزجان ، غرجستان ، هرات نیشاپور ، سیستان ، بلور چستان و سند فقط در مدت دو سال تو استنده نفوذ تشکیلات نظامی عرب را ازین برده و ادارات ملی برقرار نمایند ازین بعد اردی خراسان باستقامت کشور فارس مارش و بعد از استیلای انجا عراق را شغال و امپراطوری معظم اموی را واڑگون نمودند هواراء النهر نیز متعاقباً در اثر سویقات ابو مسلم تامین گردید و بین ترتیب برای بار اول یکدولت بزر گئی اسلامی افغانی تشکیل یافت که بواسطه تعین خاندان عباسی بخلافت اسلام معنا بر تمام امپراطوری و سیع اسلامی فرمان میدادولی متناسفانه این دولت بزر گئی خیلی مستعجل بود ، زیرا در شعبان سال ۱۳۷ هجری ابو مسلم در حالیکه در مر کر خلافت با خلیفه دست نشانده خود منصور عباسی ملاقات میکرد به تبع خدوع از پادر آمد و مجدداً دست حمایت و سلطه عرب در کشور خراسان درآورد .

خلفاء عباسی و افغانستان :

در دوره خلفاء راشدۀ و امراء اموی دین اسلام و علوم تفسیر ، حدیث و فقهه با قبایل وعشایر عرب یکجا

در افغانستان داخل و در مدت یک قرن توانست در قسمتی از مملکت قبول گردد ابو مسلم که میندید مسلمانان افغانستان از عرب اموی پیشتر و بهتر طرفداران و گرویده گران قرآنند و سلطه آنها تاماً از راه دین نی بلکه یک سیاست مستعمراتی است لذا نامبرده در طردواز بین بردن نفوذ عرب اموی اقدام و حتی افراط کرد، اینست که بعد ازا نهادم امپراطوری اموی دیگر در افغانستان قدرت وقوت انسانی عرب مثل گذشته وجود نداشت، تمام امور عسکری و ملکی در دست رجال کشور افتاد مثلاً در اوآخر قرن اول هجری (۹۶) تنها در خراسان شمالی پنجاه و سه هزار عسکر مسلح عرب بقیار ذیل وجود داشت:

از بصره	۹۰۰۰	
تمیمی	۱۰۰۰۰	
قوم ازاد	۱۰۰۰۰	

۷۰۰۰                          از بکر  
 ۴۰۰۰                          قوم عبدالقيس  
 ۷۰۰۰                          از کوفه

اگر تعداد نفوذ عسکر عرب در سایر ولایات افغانستان از قبیل سیستان، بلوچستان، و سند به ارقام فوق اضافه شود مقدار قوت انسانی عرب در حرص مفتوحه افغانستان معلوم میشود، ولی وقتیکه ابو مسلم از بین رفته و مجدداً نفوذ امپراطوری عباسی در افغانستان فایم شد دیگر انقدر عسکری عرب وجود نداشت و خلافاً مجبور بودند بر عکس، عهد اموی با افغانستان از در مدارا و مساوات پیشتری پیش ایند، مخصوصاً در حالیکه افغانها در علوم اسلامی و تهذیب قدیم برتری داشته و اینکه خود موسس خلافت عباسی بشمار میرفند و رجال افغانی در داخله کشور وهم مملکت عرب رشته های امور در دست داشتند معهداً نفوذ عرب عباسی در حرص مقتوه افغانستان هفتاد سال دیگر طول کشید، سفاخ اولین خلیفه عباسی از سال جلوس تازمان مرگ ۱۳۲-۱۳۶ در امور کشوری خراسان بی اختیار و در مرکز خلافت پیشترین امور دولت در کف اقتدار وزیر نخستین خراسان خالد بن برمک بود، منصور جانشین سفاخ چون بقتل ابو مسلم ار تکاب کرده بود تا وقت فوت خودش ۱۸۵ بطور متماً دی دچار مخالفت و جنگهای افغان در شمال و غرب کشور گردید، حکام این شخص از قبیل ابی داود، خالد، عبدالجبار و خازم خز یمه هیچکدام در خراسان شمالی کاری انجام داده تنها نتوانستند، حتی محمد و مهدی پسران خلیفه نیز که اسم حکومت خراسان یافتند تأمیری درین مملکت نداشتند، و رجال خراسان زمین یکی بی دیگری آتش انقلاب و مخالفت بر ضد عباسی ها افروختند.

سبتاً د: اولین مرد افغان که بعد از ختم ترازدی ابو مسلم قد برادر اخت فیر و ز ملقب به

سبتاً د از اهالی قریه هر دانه در غرب هرات بود، این شخص در سال ۱۴۲ تقریباً ده هز ار داو طلبان ملی جمع و به نیشا بور حمله و بعد از جنگ های متعددی قومس و ری را بعلوہ نیشا پورا شغال و خزانی ابو مسلم را متصرف و خودش لقب سپهبد اختیار کرد، سبتاب بعد از قتل واغتنام

نقوس و اموال عرب قصد عراق و حجاز کرد، خلافت عباسی اردوی کافی بقیادت جمهور بن مرار بخط ری سوق و مهدی پسر خلیفه اورا تقویه نمود، درجنگی کهین ری و همدان و قوع یافت سنباد مغلوب و بغرض تجهیزات ثانوی در طبرستان عقب نشست ولی سپهبد طبرستان مهمان خودش را بخیانت کشته و عباسیهارا از مصیبت بزرگی نجات داد.

خلیفه عباسی میخواست نفسی براحت بکشد که دسته دیگری از خراسانیان در مرکز خلافت شوریده و خلیفه را محصور ساختند تا معن بن زائده بکومک اورسیده و این دسته را که را وندیه نام گرفته بودند متفرق ساخت، خلیفه معن زائده را در برابر اینخدمت بحکومت سیستان اعزام کرد ولی افغانها مجال نداده اورا در قصر حکومتی سیستان شکم در یدند. دو سال از حرکات سنباد نگذشته بود که مردم بست و قندهار نیز انقلاب کرده و باز هیر بن محمد از ذی قوماندان اعزامی خلافت رزم سختی دادند.

استادسیس هراتی : در سال ۱۵۰ هجری استادسیس بادغیسی ظهور و باتفاق رفیق خودش

حریش سیستانی لشکرنی جمع واستقلال خراسان را اعلام نمود، دولت عباسی بسیاست دیرینه خویش فوراً کلمه زندقه را بگردن ایشان بسته و حتی مسلمانان افغانستان را نیز بر ضد آنها تحریک نمود ازان جمله مرغابی با این هموطن خویش رزمداده و سرخود را در میدان جنگ گذاشت، خلیفه عباسی ۲۴ هزار عسکر در مردم و اعزام و بجنگ استادسیس پرداخت استادسیس بعداز دادن تلفات زیاد محصور و بالآخره اسیر و در بار عباسی ازین رفت، مرجله دختر همین آدم بود که زن ها رون و مادر ما مون گردید.

محمد و آذر ویه : مردم سیستان مقاومت و مخالفت خود را بر ضد عرب عباسی دوام داده و

محمد بن شاد د فائد آنها از بست بجنگ پسر خلیفه منصور که حاکم سیستان بود پیش شد، یزید پسر خلیفه درجنگ مغلوب و فراری گردید، و در سال ۱۵۱ مردم زرنج انقلاب کرده معن زائده سابق الذکر را کشتند.

حکیم مقنع هروی : در سال ۱۵۸ حکیم بن عطا معروف به مقنع که از اهالی کاریز

بادغیس بود ظهور و لشکری جمع و بنام سفید جامه گان موسوم نموده خودش را جا نشین ابومسلم معروفی کرد، مقنع که همیشه نقابی از طلای ناب بر روی خود میکشید قلعه نظا می در نواحی «کش» آبادو مر کز اختیار کرد، قصه ماه نخشب نیز منسوب بهمین ادم است. در هر حال خلیفه منصور درینوقت از دنیا بادل پریشان چشم پوشید و مهدی پسر و جانشین او در مقابل مقنع بسو قیات پرداخت، مقنع که همیشه نقابی از طلای ناب بر روی خود میکشید قلعه نظا می در نمیم و محمد بن نصر و غیره را درجنگها ازین برداشت، اخیراً معاذ بن سلم و عقبه ابوسعید بالشکر مکملی وارد منطقه جنگ شده و حکیم مقنع مغلوب و محصور گردید اما او خود و فامیل خویش را بکشت.

یوسف هراتی : بعد از ختم قضیه مقتعم مرد دیگری یوسف ابرم نام در هرات ظهرور

و به ترتیب لشکری پرداخت ، یوسف علاوه های پوششگر ، مرغاب و مینه را نیز اشغال کرد ، یزید بن هرید حاکم عربی خراسان شمالی مجبور بود جنگهای صعبی با یوسف نماید ، ولی یوسف در یکی ازین جنگها در رزم دست و گریبان اسیر و به بغا دگشیل و در آنجا با سائر روساء اسیر و نقلایی افغانستان یکجا اعدام شد.

حضرتین بن رقاد سنتیانی : بعد از ظهرور و فعالیت ابو مسلم و تامین و لایات شمال

و غرب و شرق مملکت قبایل بنی تمیم عرب که در سیستان جاگرفته بودند بر ضد ابو مسلم اغتشاش وعصیان نمودند ولی بزو دی بو عاصم مرد بستی شورشیان را مغلوب و حکومت سیستان را در دست خود گرفت ، بعدها بو عاصم در جنگ با سلیمان کنندی افسر اعزامی خلافت عباسی ازین رفت و کنندی که مرد ناواری بود در سال ۱۳۸ ربیل کا بلستان را در بست عقب زد ، ولی در سال ۱۴۱ حضرتین مردی از قصبه رون و جول ظهرور و با کنندی دست و پنجه نرم کرد ، و در سال ۱۴۲ مردم یزید بن خلیفه منصور را فرار کردند ، و در ۱۵۲ معن زائد را کشتند . آنکه تو انته بود در جنگ قند هار ماوند امادر تپیل کا بلستان را گرفته و در بغداد بفرستد اینست که خلافت عباسی بتد ریج ملتافت شده و دا نسبت که در افغانستان حکومت کردن فقط بسایه قوت ممکن نیست و ایندار ویه آرا متری اختیار ر و رجال خراسانی را بامر کشوری ایشان دعوت کردند اینست که در سال ۱۵۹ هجری از طرف خلیفه مهدی ابو عنون عبدالمطلب بن یزید خراسانی بصفت نائب الحکومه خراسان شمالی مقرر شد ، و باز بعد از سال ۱۶۳ ابوالعباس فضل بن سلیمان الطووسی باین سمت نامزد گردید خلیفه هادی که در سال ۱۶۹ بخلافت عباسی رسید بزودی از دنیا گذشت و تاثیری در او ضاع خراسان زمین نه نمود ، چنانکه تمام بن سعید حاکم او در سیستان تو انته از بست به رخد کشیده و در جنگ باز تپیل کا بلستان برادر او را اسیر و در عراق بفرستند .

هارون الرشید و افغانستان : در سال ۱۷۰ هجری هارون بخلافت رسید واو بزرگترین

خلفاء عباسی است که نهیب او نصف زمین را میلرزاند و دولت بازنطین با خراج میبرد از خراسان در سال ۱۷۱ یکنفر از مردان خراسان جعفر بن محمد صویی و در سال ۱۷۳ عباس بن جعفر مذکور بود ، گرچه بعدها هارون خالد الغطروف را در سال ۱۷۴ و متعاقباً رشید و در سال ۱۷۶ حمزه بن مالک را باین ماموریت اعزام کرد ولی دیگر ممکن نبود ایالات افغانستان را بدون فرزندان اینخاک اداره کنند لهذا در سال ۱۷۷ فضل بن یحیی بر مکنی مرد معروف افغانی باین صفت وارد وطن آبائی خویش گردید . واوبود

که امور اداره را اصلاح و قلوب مردم را متسلی و عمرانات زیادی نموده و اور دوی از مردم کشور بنام عسکر عباسی تشکیل کرد که اسماء ایشان در دفتر مستندیم بغداد پشت شد بعضی مورخین خین تعداد این اردو را که بفرض تقویه آیند، خراسان آمده شده بود نصف میلیون میدانند، و این همان اردوئی است که آوازه او پایتخت خلافت را فرا گرفته و شعرا عرب چون مروان ابی حفصه قصایدی در اوصاف او سرودند. در سال ۱۷۹ منصور بن یزید حمیری در سال ۱۸۰ علی بن عیسیٰ بن ماھان بحکومت خراسان شمالی رسیدند ولی این اخیری تعصّب عربی زیاد داشت و با مردم وضع درشت اختیار کرد، البته افغانیان تن در ندادند و در سال ۱۸۲ یعنی پس اورا در بلخ از تبعیک شدند و سی میلیون دارائی خودش را اغتنام نمودند، هارون از علی انتقام گرفت و نام حکومت به جعفر بر مکنی برادر فضل سابق الذکر گذاشت هارون مامون پسر خویش را اسمًا حاکم افغانستان مفتوله مقرر و نائب او هر چه بن اعین در سال ۱۹۱ وارد خراسان شمالی و در سال ۱۹۳ عباس بن جعفر خراسانی باین مقام نائل گردید.

گرچه امپراطوری عباسی بیشتر یکدولت خراسانی و باز بین الاسلامی بوده دیگر عصیت و غرور عربی مثل دوره اموی وجود نداشت و مردان خراسان حتی امور صدارت خلافت و فرماندهی سیاه در دست داشتند معهدها مردم افغانستان در داخله کشور از سیاست عباسی بیزار بودند، در جلوس هارون مردم سیستان انقلاب کرده کثیر بن سالم حاکم عربی را کشته و حکام اینده هارون مجبور شد ندبا مردم از راه تواضع و فروتنی بیش آیند، تنهاعتمان بن عامر حاکم هارون تو انسنت تاقد هار سوقيات و برخلاف رتیبل کابلستان جنگی بی تیجه نماید، عثمان فائد شور شیان ملی بشر بن فرقه سیستانی را نیاز بین برداشت ولی حضین سیستانی که با سواران خویش داماد امیان بست و سیستان حرکت و بر ضد حکام عرب فعالیت میکرد در جنگ عثمان رانا کام گردانید هارون بعجله یکی از مردان سیستانی داؤد بن بشر را بحکومت سیستان منصب نمود و او بود که سیستان را تأمین و مردی چون حضین را از بین برداشت انکه با ششصد نفر سوار خویش چندین هزار عسکر مدافعان حاکم عربی خراسان شمالی را مغلوب نموده بود حضین در سال ۱۷۷ کشته شد و فضل بر مکنی در سال ۱۷۸ داؤد را معزول کرد یزید بن جریر حاکم جدید سیستان در سال اخیر الله کر در رخد سوقيات وازانجا دلیرانه بزا بل و کابل گذشت مگر در جنگ کابل شاه سودی نبرده هر دو را جمع کرد، عیسیٰ جا نشین یزید در سال ۱۸۲ این اقدام را تا کابل تکرار کرد مگر او نیز در نیل بمقصد ناکام ماند. امیر حمزه بن عبدالله: درین وقت مرد بزرگی در سیستان ظهور کرد و اوحزمه بن عبد الله

بود از مردم قریه رون و جول، حمزه عدد از میلیون را بدور خود جمع و در سال ۱۸۲ با لای عیسیٰ بن علی حاکم ها رون حمله و کشتار دهشتیان کی نمود، عیسیٰ مجبور بفارار در خراسان

شمالی شد و حمزه لقب امیر اختیار کرد، حمزه در زریح تمز کر و مردم را از آداء باج به بغداد معاون نمود، از آن بعد حمزه تا هرات سویقات و در پشنگ باعیسی فراری رزم سختی کرد وقتیکه حمزه در بسیستان عقب کشید عیسی تا زرنگ کیش آمد و در انقام بسی افراط کرد امیر حمزه مجدد آب تعقیب او تا پو شنگی کشید و در کشتن اعراب عباسی همچو فرو گذاشت نکرد، پس ازین در نیشا پور به علی بن عیسی ماهان حاکم خراسان شمالی حمله و بعد از جنگ سختی در سال ۱۸۸ بسیستان مراجعت کرد، حکام عباسی در بسیستان مجبور شدند از اخذ خراج خود داری و فقط بخواهند نام خلیفه وقت در خطبه اکتفا نمایند وقتیکه در بار عباسی حکام جدیدی اعزام میکردند یزدیر فته نمیشد چنانچه سیف بن عثمان و حکم بن سنان قبول نشدن، امیر حمزه نیز با چندین هزار عسکر سو ار وسیار خویش در سر تاسیستان حرکت و اوضاع امور را نظارت مینمود، وقتیکه خلیفه هارون الرشید شخصاً بفرض تأمین کشور خراسان از بغداد حرکت و در گرگان رسید مکتوپاً امیر حمزه را تهدید و جوابی شدید ازاودریافت، متعاقباً حمزه باسی هزار سواره قران خوان و پر هیز گار بعزم رزم خلیفه حرکت کرد امیر حمزه داخل نیشاپور نشده بود که خبر گرفت امیر المؤمنین در شب سه شنبه سوم ربیع الآخر سال ۱۹۳ چشم از دنیا پوشید، لهذا حمزه که نمیخواست با اردوی عزادار عرب آویزد برگشت و باستقامت بلوجستان و سند بفرض اشاعه دین اسلام حرکت و بعد از چندین سال مسافرت در سال ۱۹۹ هجری هنگام خلافت مامون بسیستان را مراجعت نمود، در غیاب حمزه و کیل او با پنجهزار سوار خویش مصروف احتساب و نظرات امور بسیستان نبود، اما حکام خلیفه مامون چون زهیر بن مسیب وفتح بن سهل در سالهای ۱۹۴ در بسیستان ناکام گردیدند، گرچه موخرالذکر تو ائمه محمد بن حضین قوسی حاکم قدیم بسیستان رادر رزم مغلوب نماید ولی بزودی بوعیل و کیل امیر حمزه بتلافی ما فات بر خاسته حاکم و قشون مامون رامنهزم گردانید، حکام آینده مامون چون اشعت، لیث و احمد که تاسال ۱۹۹ (زمان مراجعت امیر حمزه به بسیستان) یکی بی دیگری وارد بسیستان شدند نیز همه بجنگهای حرب بن عبیده خواشی بسیستانی گرفتار ماندند، حاکم اخری مامون در ورود امیر حمزه به او تسليم شد و لهذا حمزه حرب بن عبیده خواشی را ازین برداشت، ازین بعد تا سال ۲۰۵ حکام عرب در بسیستان نداشتند، تنها مردم در عرض مالیات و باج قدیم مصارف شخصی حکماً مذکور را بقدر کفاف میدادند و بس.

آل برمهک و سهل : گفته شد که افغانها یکسرن با امیر اطوري بزرگ اموی مجادات سیاسی و نظامی خویش را دوام دادند تا بالاخره ابو مسلم خراسانی ان شهنشاهی عظیم را از پا درآورده و دولت عباسی را بیان آورد. ازین بعد نفوذ افغانها در عرب قوت گرفت تا جائیکه

ثلث عساکر مر کفر خلافت را سپاه خراسان تشکیل میکرد ، ایجاد وزارت در در بار عباسی امور امپراطوری اسلام را در کف تدبیر واختیار خاندان برمکی افغان گذاشت، جعفر اولین مرد اینخاندان بود که در اوخر قرن اول هجری در دربار سلیمان خلیفه اموی نفوذ کرد ، ابو خالد برمک بن برمک مرد دیگری از اینخاندان است که در اوائل قرن دوم هجری حاکم بلخ گردید . خالد برمک ادم سوم این دورمان است که از طرف ابو مسلم بحیث افسری جزو اردوی اعزامی خراسان در عراق سوق و بعد از انهدام امپراطوری اموی و تأسیس دولت عباسی به مقام وزارت سفاح اولین خلیفه عباسی رسید . بحیثی پسر خالد است که از رچال بزرگ در بار خلیفه مهدی و خلیفه هادی واستاد و پدر خوانده هارون الرشید بود ، فضل و جعفر پسران مشهور بحیثی بودند که وزارت و امارت امپر اطواری ها رون را با عقل و هوش او یکجا در دست داشتند ، در هر حال اینخاندان معروف و جلیل هفده سال تمام مقدرات شہنشاهی هارون عباسی را در کف اختیار خویش داشته، مروج و مشوق بزرگترین علم و فن و ناشر مهمنترین ترییت و تهذیب افغانستان قدیم در بین عرب بودند بحیثی بفرمود برای بار اول کتاب معجم طی در هیئت و کتاب منکه در طبع در زبان عرب ترجمه شد و او بود که ادویه و گیاهی سودمند از ماوراء سند در بغداد بخواست، موسی، یوسف و محمد بن جهم اینهمه مردان خاندان برمکی بودند که شخصاً اثار دری را در عربی ترجمه نمودند که از آن جمله است کتاب سیر ملوك الفرس. بحیثی یتیم خانه و مکتب ها در کشور عرب تأسیس کرد و فرد اینخاندان مسئول هر ملت جی را اجابت و بهر محتاجی اعانت نمودند تا جایی که جود و سخاء ایشان ضرب المثل و ورد زبان جمهور مردم و موضوع فصائد شعراء عرب گردید، اوراق تاریخ از عقل و هوش، علم و اخلاق این خاندان بسیار رذ کر میکنند، در هر حال اینخاندان مشهوری که مسبب شهرت و افتخار هارون بود بالآخره در دست او در سال ۱۸۷ هجری بشکل فجیع والمنا کی ازین رفت، ولی نفوذ و قدرت خرا سانیان در در بار بغداد با استیصال آل برمک متازل نگردید زیرا ریشه های آن بقدری قوی شده بود که دیگر صرصر حوات بسیولت نمیتوانست آنرا از بین کشد.

و اما خاندان سهل خراسانی همینکه هارون بمرد از موقع استفاده و جای برمکی هارادر در بار مأ مون پسر هارون گرفتند، فضل پسر سهل که مردی عالم، عاقل و سیاس بود توانست بصفت وزیر افغانستان گذارد، فضل بامأ مون که مادر خراسانی داشت در مرونشسته، و بواسطه اعزام طاهر پو شنگی در بغداد بساط امپراطوری عربی عباسی را برچید حسن برادر فضل نیز بحیث حاکم کشور عرب در بغداد تهر کر اختیار کرد، فضل باین اکتفاء نکرده اولاد عباس را از خلافت آینده اسلام محروم و ولیعهدی خلافت را به علویان انتقال داد و علی رضا نموسی روح را که بمشهد مدفون اند بولايت عهد

دەملىكتى دوازىرو تشكيلات

داديياتو دفاڭو لىرى رىاست :

رئيس	:	ع ، ص عبدالحى خان . «حبيبي»
معاون	:	ص ، محمد اكرم خان

دعربي دارا علوم رىاست :

رئيس	:	ع ، ص عبدالرسول خان
------	---	---------------------

دشۇونجىھىمدىرىن يقۇنە:

دەھنا ئەمۇ عمومى مدیر	:	ع ، نور الله خان
دەھبىيەي دېپسى مدیر	:	ص ، محمد آصف خان «ماڭلۇن»
دەنجلات « مدیر	:	ص ، على احمد خان
داستقلال « «	:	«عبدالشكور خان
دەغازى « «	:	« ، محمد امين خان
دەدار المعلمىن مدیر	:	« ، ميرنجم الدين خان
دېرىستارى - دشۇونجىھى مدیر	:	« ، فدائى احمدخان
دەشرييە علومو « «	:	« ، شاه محمد خان
دەتھىر يەرواودمەجا سېي د	:	اچواود دشۇونجىھى مدیر
دەپپورت دشۇونجىھى مدیرىت و كيل :	:	« ، محمد يوسف خان
دەكىرىھنى « دەمدیر » :	:	« عز تمند ، باي حسن
دەكىتا بخانى دەمدیرىت » :	:	ص ، غلام نقشبند خان
دەكىتا بخانى دەمدیرىت » :	:	« ، محمد يونس خان

نامزد کرد ولی مأمون پسر هارون بود ولهذا بزودی در سال ۲۰۲ فضل ذوالریاستین را بخدعه ازین برده و مجدد آمر کر خلافت را از افغانستان در عراق منتقل ساخت .

طاهر هراتی و استقلال افغانستان: گرچه مأمون فضل سرخسی را ازین برده بود ولی قوای افغانی هنوز موجود ومصروف پیشبر دنشاء دیرینه خویش بود، طاهر پوشنگی پسر حسین سپهسالار اردوی خراسان و فاتح کشور فارس و عراق و کشندۀ امین خلیفه عباسی بغداد اینک بعد از تأمین شام در زربار مأمون حضور داشت و سعی میکرد بهر نوعی است پای او در خراسان رسد و انچه در دل نهفته دارد از قوه ب فعل آرد ، مأمون هم نمیخواست قاتل برادر و تاج بخش خویش را هر روز تمام شا کند ، اینست که موافقت کردند او بحیث امیر خراسان عازم کشور خویش گردد . طاهر برسیل استعجال روان ، و در سال ۲۰۵ هجری وارد افغانستان گردیده ، بلا فاصله ولایات شمال و غرب کشور را تأمین ، و متعاقباً استقلال فلمند خود دش را از تخارستان تا نیشاپور و سیستان اعلام نمود ، طاهر با یادن صورت طرح دولت اسلامی افغانستان را برای بار اول ولو درقا لب کوچکی ریخته و زمینه را برای بناء دولت های شہنشاهی صفاری ، ساماںی ، غزنوی و غوری افغان آمده نمود ، از همین وقت است که نفوذ عرب بعد از تقریباً دو قرن عمر برای همیشه از مملکت افغانستان رخت بر بست ، در عوض دولتها افغانی خود مدافعت اسلام و ناشر دین و از زمرة بزرگترین و متمدن ترین دول اسلامی در تاریخ جهان جا گرفتند .

پینستو

خپرنه

پالتهنه

# د پینستو او سانسکریت گرامی

نو دیو الی

لیکوونکی بیاغلی صدق اللخان (رسنی)

یه کمه موضوع کشېي چه زړه سټې کلای د حقافت د خاکېي ډا غور جنه د ساللماني ټیاره  
هه لکم همه یوه ګواه او ټا آشتا ډوډو ځاندله، سکرهر آلهه جو د اړو ډوډه موضوع  
اسی او یه عین حال کشېي یو زړیتی هم دی،

له دی ګډیه می د خيلو ګرامی ډه ده ډاټه  
او د سانسکریت د څیزو ګرامونو یه ټه سند  
د ډی ډوډع د لکلن ځراته، کې او ډی ډوډل  
چه یه یو ایسدا چوړت کېي ډا ډوډع  
سالمو لوستو تکو ټه ډډاندی ګړه، ایکه یه  
هه یو ټار یه ایسدا کشېي ډه او ټوچه، (الحق)  
د ځسی شائی چه زړه د افغانه ډه هم د ډړه  
بعد او چامعه ډوډی مګر سرد ډډی هم ایډاښتی  
چه خله ټه ټه فایده، ولري او یه ټنه کشېي  
د ټه یو ډډاپه، د ټه یو یو له بله ډډاپه او

الهول کول یو مهم فن دی، له دی فن خله  
د قومونو او هنتواو تر منځ تاریختی او ریاضا او



۴۸۰ بیاغلی رسنی

نردوالی . دارنگ د ژبو بیل بیل تقسیمات او بیلوالی نابقینزی او ددی مقایسه په اثر کپدای شی چه یوه ژبه په آریائی او بله په سامی ژبو کښې وشمېره شی .

د ژبو مقایسه بیا دوه برخی لری ، یوه برخه ئې د لغاتو مقایسه ده او بله برخه ئې د گرامری قاعدو مقایسه کول او انمول کول دی . دا دواهه برخی د ژبو په ارتبا ط او نردوالی کښې مؤثری گسل کښې .

هر کله چه په تبرو سالنامو کښې دېشتو او سانسکریت په لغوی مقایسه با نندی ځینې مقالی لیکلی شوی دی او دا مقصود تر یوې اندازې حاصل شوی دی نو ځکه زه د لسته غواړم چه په دوهمه حصه یعنی دېشتو او سانسکریت په گرامری نردوالی باندی و غښېنېم .

### مقایسوی یاسبې گرامر

دغه مطلب چه موښې ئې په دې مقاله کښې بیانول غواړو ، د گرامروالو په اصطلاح مقایسوی او یا نسبی گرامر بلل کښې .

کم وخت چه د سانسکریت (۱) ژبه د اروپايانو له خوا کشف شوه اود هند ژبه پیژندلو ته توجه دېره شوه نو په دې وخت کښې دیور پېټون کو د هندواروپائی ژبو ترمنځ د فرات او ارتباط یلتني او خېږنۍ شروع کپړي . مثلاً «سا سیتی» (Sassetti) په ۱۵۸۱ع کښې د ایتالوی ژبه سره د سانسکریت د لغاتو مقایسه و کړه . دارنگ «رو ښ تو د نو پیلی » (Robertodonobili) چه په (۱۶۵۸ع) په هند کښې مړ شوی دی ، په سا سکریت کښې زیات معلومات حاصل کپړي وو اود خپلی ژبه (ایتالوی) سره ئې د سانسکریت د لغاتو په مقایسه کښې زیات کوشش کړي دی (۲) په دې وخت کښې یوه نوی لارهم منځ ته را وته چه هغه د صرفی او نحوی تطبیقاتو اصول ، یا نسبی صرف او نحو بولی .

دا اصول د سیمیتی ( semite ) ژبو علما وهم ۱۷۱ع فرن له ابتدا خنه جاري کپړي وو او د ژبو پیژندلو په فن کښې به ئې ور لخنی کار اخیست ، خو پوره عاموالی ئې نه و پیدا کړي - لیکن د سانسکریت له کشف او خر ګښدیدو خڅه وروسته دا اصول پنه عملی شول

(۱) سانسکریت د هند د آریه و یوه زده مذهبی ژبه ده - د (ریگوید) مقدس کتاب تقریباً

(۱۴۰۰) کاله قبل المیلاد په خپل کتاب «سانسکریت ژبه تاریخچه» کښې ایکی «چه د سانسکریت

ژبه د (اشو کا) له زمانی خڅه (۲۳۶ق،م) دمغه هم د هند یوه زبر دسته ادبی ، مذهبی ، اعلامی ژبه وه ». (۲) د سانسکریت تاریخچه

اوزیات عمومیت ئی و موند . «په کوردو کس » (P.cowr doux) په (۱۷۶۷ع) کال کپی د «نسبی صرف نحو» اصول عملی کری دی او له دغو اصواو خته ئی دسا نسکریت او لا تینی په ارتباط او نزدیوالی کپی کار اخستی دی .

دار نگک «بوب » (Boup) هم په (۱۸۱۶ع) کال کپی دسا نسکریت د «نسبی صرف نحو» یو کتاب ولیکه اودا اصول ئی شه مثبت کول . په دی دول «راسک » (rask) هم چه یو دانمارکی پوهده دی په (۱۸۱۸ع) کپی دنسکریت نحو اصول او دیاره یوه طریقه او برو گرام وضع کری و (۱) دخسی نورو بوهانو هم به «ژب پوهنه» کپی دنسکریت یا په بل عبارت د مقايسوی گرامر خجھ کار اخستی دی .

دا اصول په اول کپی دارو پائی او هندی ژبو په باره کپی تطبیق شول مگر بیا ور و سته یه هر خای کپی عام شول او بیو علمی رنگک ئی پیدا کرده ،

چه اوس په تو له دنیا کپی دا اصول تطبیقیزی اود ژبو پیشندنو دیاره ور خجھ کار اخستان کپیزی دا اصول یعنی نسبی او مقايسوی گرامر اوس ژبو دقربات او نزد بولی دنبودلو د پاره یومهم فن باله کپیزی ، نو مقصد دادی چه دا اصول مثبت او علمی اصول دی چه دنیا بوهانو په نورو ژبو کپی تطبیق کری دی . ددی اصولو له مخه مستشر قینو دسا نسکریت او لا تینی ژبو یا په بل عبارت دهند او اروپائی ژبو په منبع کپی قرابات او نزد بولی تابت کری دی او ددغه اساس له مخه وايی چه پخوا هندو اروپائی ژبو یوه متعدد دوره لرنه او ددغه ټولی ژبی له یوی منبع شجھه را وتلی دی .

له بنه مرغه چهد پیشتو او سا نسکریت تر منځ نزد بولی نورهم زیات دی ولی چه پیشتو د آریا ئی ژبو په هندی دله کپی حسا بیزی ، نو ددی دواړو ژبو لغوي او گرامری نزد بولی یقینا چه زیات او قوی دی او اميد دی چه دقربات او نزد بولی به دیوهو لیکوالو په توجه او زیار ورځ په ورځ خر ګندیزی . دادی اوس مونږ په مطلب لاس پوری کوو او دېشتو او سا نسکریت د گرامری نزد بولی په خوا اوشا کپی خپل ابتدائي معلومات بشاغل لوستو یېکو ته وداندی کوو .

## د الفبا توري

دالفبا اصلی توري په سنسکریت کشی ټول (۳۳) وو ، مگر په پیشتو کپی حالا (۳۰) دی . ددی وجه داده چه دهیرو تورو آوازونه چه پخوا موجود وو ، اوس د آسا نتیا دیاره کم شوی دی څکه چه دا د آوازونو او تورو کمی او زیاتی دیو طبیعی قانون په ټول په ژبو کپی جاري دی کلمه په یوه ژبه کپی خیینی نوی آوازونه را پیدا کپی او کلمه پکسی کمپیزی ، کلمه خنگه او کلمه

(۱) د سانسکریت تاریخچه .

خنگه ؟ په هر صورت او س غواړو چه د پېښتو او سنسکریت د تو رو هنایسه و کړو .  
 ۱- په عمومی لاحاظه د پېښتو دا توری (ا - ب - پ - ت - ه - ج - ځ - د - ه - ر - س - ش - ک - څ - ل  
 م - ن - ن - و - ه - ی ) په سانسکریت کښی هم مو جود وو ، مګر د سنسکریت کاف او ګاف  
 له حلقو خڅه ادا کېډه ، او په پېښتو کښی او سله تالو خڅه ادا کېښی ، او بشای چه د پېښتو مو جود وه  
 (ب) د سنسکریت له (ګهه) سره نزد ٻوالي ولري . پاته شو د پېښتو نو رنه حرفاونه لکه (خ - څ  
 څ - ڏ - ڙ - ڦ - غ - ښ ) چه د اخر فونه په سنسکریت کښی هه وو ، که خه هم د (څ - ڏ - ښ - )  
 مشابه حرفونه په کښی راغلی دی لیکن زه ئې پوره تطبيق نشم کولای .

۲- د عربی د الس حرفونه (ث - ح - ذ - ص - ض - ط - ظ - ع - ق - ف (۱)) په سنسکریت  
 کښی نشته اودا ټول غالباً عربی حرفونه دی چه په آزیا ئې ڙبو کښی ډېرنه یا دل کېښی ی ،  
 نو په دی اعتبار دغه لس حرفونه په پېښتو ڙ به کښی هم نشته یعنی د پېښتوه اصلی کلمو کښی نه راخی  
 هو ! د عربی ڏې دد خيلو اومستعارو کلمو په وجه دغه آوازونه په پېښتو کښی رادا خلشوي دی  
 مګر هغونه مستعار آوازونه وايولکه د (قبیر ، صابون ، صبر ، ٿواب ، ظسلم ، مرض) په کلمو کښی  
 داو جهده چه نالوستی کسان دغه توري نشي ويلاي او په نورو نزدي تورو ئې بدلو ی . مثلاً دغه  
 وداندي ټولي کلمي داسي وايي (کبر ، سابون ، سبر ، سواب ، زالم ، مرز )  
 نو معلومه شوه چه پېښتو او سا نسکریت دواړه په دی صفت او خصو صیت کښی سره شر یکي دی  
 او دغه عربی حروف په دواړو ڙبو کښی نشته . لیکن پر خلاف ددی (ذ )

په زړه فارسي کښی (۲) موجودوو ، او او س هم ځینې فارسي الفاظ په (ذ ) لیکل کېښی  
 لکه ګذاشتنه او نور .  
 دارنگ (ف) هم په فارسي کښی نشته او په (اوستا) کښی هموه ، لکه فرمان او نور ، نوشایي  
 چه دسامي ڙبود ګماونه یتوب په وجه په پېښتني دغه توري را کړو شوي وی ، مګر له شهه مر غه  
 چه پېښتو ڙې په خپل آريائی خصو صیت سا تلي دی او دغه تورو یا ئې په خيله غېښ کښي خمای نه دی  
 ور کړي .

۳- (غ ، څ ) دادواړه توري په سنسکریت کښی نه وو ، دارنگ په هندی او اردو ڦ بو کښی  
 هم نشته . په سنسکریت کښی د (غ ) په خمای (ګهه) او د (څ ) په خمای (کهه) استعمال په  
 د زپو بوهان وايي چه (غ : ګهه ) په طبیعت کښی یوشان دی او داوجه ده چه په یوبل با ندی  
 بدليزې لکه «دا ګهه = داغ - ګئو = غوا» دارنگ (څ ، کهه) هم په طبیعت کښی سره نزدي  
 دی او په یوبل باندي او دې لکه (کهر = خر) لا کن دا نه ده معلومه چه په دی حروفو کښی

کم اصلی دی او کم فرعی ! خوغا لب گمان دا دی چه ( گهه، کهه ) به نسبت ( غ، خ ) ته اصلی وی - بحکمه چه دغه آوازو نه نسبتاً آسان او ضبطی آواز و نوته نزدی دی . داو جه ده چه کوچنیان اکثر ( غ ) په ځای ( ګ ) اود ( خ ) په ځای ( ک ) وايی، مثلاً غوا - ګوا اوخر - کر بولی . دغه ابتدائي لهجه اوس هم دباجورد په علاقو کښې شته او غوښې ته ګوښه، غابن ته ګابن ، اوو نښت ته ونکت وايی . «دفره هنګ نظام» مؤلف لیکی چه په مسننکریت کښې ( غ ) نښته او په ځای ئی ( گهه ) استعملا لپده چه دغه ( گهه ) په « اوستا » کښې ( غ ) شوی دی .

نواهی خبر و خنجه معلو میزی چه (گ، خ) به نسبت (غ، خ) ته. قدیمی او اصلی وی چه دغه توری بیاپه اوستا، فارسی اوینتو کینه په (غ، خ) اومد ایدی . کیم آرین چه په قدمی هجرت کشی دآموله غامدوخنه هندته تملی دی هنوزی له مخانه سره د گهه - کهه ) غنیمه و دی اوتر اوسمه ئی پینتاهه، نو په دوی کشی د دغو آوازو نو اودهندو کش په لمنو کشی خپاره شوی دی لکه پینتاهه، نو په دوی کشی د دغو آوازو نو پرخای د (غ، خ) آوازو نه را پیدا شوی دی. په دی کهای کشی خیال دادی چه پینتو ته بهد (غ، خ) آوا زونه دایانی ژبود گاونه یتوب په وجه راغلی وی خسکه چه پینتو عموماً دایرانی او هندی ژبود منخ واقع ده، مگرسه ددی هم په دی باره کشی کشه یقینی او ثابتنه نظریه په لاس نشته

امدادی توری

امدادی توری په سنسکریت کښی (۱۳) دی او په پېښتو کښی تقریباً (۸) دی مګر په پېښتو کښی دا نقص را غلی دی؛ چه دی سنسکریت دټولو امد ادی تورود پاره اشکال او علامی موجودی وي اوپېښتو په موجوده لیک کښی چه غالبا له عربی خخه اخستن شوی دی؛ دټولو امد ادی آوازونو دپاره مستقل شکلونه اوعلامې نشيته. په پېښتو کښی امدادی آوازو نه دادی (زور- زور کي اوېزد زور- پیش- اوېزد پیش- زبر- پیغ اوېزد زیر- مایا اوېزد زیر) دا آوازو نه جلا جلا اشکال نه اری، صرف اوېزد زوریه الف لیکل کیږی لکه (کال) اوژور او زور کي چه په آخر کښی راشی په (ه) لیکل کیږی لکه په (پ) کښی د (پ) زور، او په (زه) کښی د (ز) زور کي، او پېښونه په (واو) اوژیرو نه په (ی) لیکلی شي، لکه په (سور، تور، سبادی، شلومې) کښی د پېښتو دادرست امدادی آوازو نه په سنسکریت کښی هم موجودوو، او جلا جلا اشکال ئې درمول. په سنسکریت کښی دوه قسمه (ای، او) یعنی خفیف او شدید شته چه خفیف (ای) ته ئې او س په پېښتو کښی «زیر» او شدید (ای) ته ئې معروفه او مجھو له (ی) وايو، او خفیف (او) ئې پیش، او شدید (او) ئې معروف او مجھو ول (واو) بولو.

## د تورو و توچی مخراجونه

د تورو په مخراجونو کښي هم پېښتو او سنسکريت سره نزدي او یوشان دی دېښتو کم تورى چه په سنسکريت کښي را غلدي دی، نو مخراجونه ئې قریبا یودي مهلا: ۱- (ج، ج، ش، ی) په سنسکريت کښي هم جو فی حروف دي او په پېښتو کښي هم، يعني درې بى له منځ خڅه چه د تالو سره و لګي ادا کېږي ۲- (ت، ت، د، ن، ر، ل) دا تورى په سنسکريت کښي هم لسانی تورى دی او په پېښتو کښي هم، يعني درې بى له سرڅخه چه په تالو ولګيږي راوخي.

۳ (پ، ب، م، و) داخلور واده تورى په سانسکريت او پېښتو دواړو کښي شفوی يعني دشونهو تورى بلن کېږي اود شونهو له منځ خڅه ادا کېږي.

۴ - په پېښتو کښي یو قسم (نون) دی چه په تېبز و (خیشو م) کښي ادا کېږي او دغې نون باله شی لکه د (جنګ)، (تنګ)، غور (خنګ) په کلمو کښي، دا قسم نون په سنسکريت کښي هم موجودو (۱)

## په سا کن با ندي ابتدا

په سانسکريت کښي په سا کن تورى باندي ابتدا عامه وه، دار نګ، ا کثرى هندو ا روپائی زې هم داخلا صيت لري مګر په سامي ژبو کښي په سا کن باندي ابتداهه کېږي، دار نګ په فارسي کښي هم په سا کن باندي ابتدا نشه او دا آرائي خصوص صيت په کښي نه ايدل کېږي.

لیکن په پېښتو کښي دغه وصف او س هم پاته دی او په په په کلمي په کښي موجودي دی چه اول تورى ئى سا کن وى او په سا کن باندي شروع کېږي لکه (ستورى، لم، نغرى - سې او داسى نور دا کلمي چه دبلی زې خاوند وايې نو په سا کن باندي ئې نشي ويلې او په اول کښي ئې خامخا الف راوده لکه: استورى - انمر - او داسى نور).

نو دا مسئلله هم دېښتو او سنسکريت پخوانى او قدیمي ارتباط ثابتوي او معلومېزې چه پېښتو زې داريا ئې ژبو دغه خاصیت تر او سه پوري په بنه شان ساتلې دی.

## د جنس په لحاظ د اسم قسمونه

په سانسکريت کښي داسم جنس او کيفيت په لحاظ په دري دله دی:

- ۱ - مذکر، ۲ مؤنث ۳ - مختث، چه نه مذکر وى او نه مؤنث.

(۱) فرهنگ نظام ۳ جلد.

په ځینو هندواروپائی ژبو کښي هم دا خصوصيت شته - لکه انگريزى ، لاتينى ، پراکرت ( دهندويه پخوانى ژبه و )  
ليکن وروسته بيا په اکثر ژبو کښي چه دسانسکريت خخه راوتلى دى دوه صورته  
پاشه د چه يو مذکور دى اوبل مؤونت او دريم صورت یعنی ناجنس ئي له منځه وتلى دى  
لکه په سنه‌هی ، پنجابي ، هندى اواردو کښي ، چه په دي تولو ژبو کښي اوس د جنس  
دوه صورته یعنی مذکور او مؤونت پاشه د ( ۱ )  
په ڀشتو کښي هم دا دوه صورته موجود دى او دريم صورت یعنی مختى پکښي نشته -  
مطلوب دادى چه په ڀشتو کښي درست کلمات يا به مذکور وي اويا به مؤونت وي او کم  
بان قسم پکښي نشته . نو احتمال لري چه دمځه به په ڀشتو کښي هم لکه دسانسکريت اسم د جنس  
په لاحاظ دري صورته دراولدل ليکن وروسته به دسهولت له امله کم شوي وي ; لکه  
خنګه چه په سنه‌هی ، پنجابي ، اواردو ژبو کښي هم دغه تخفيظ راغلى دى حال دادى  
چه ددغو ژبو ارتباط دسانسکريت سره له ڀشتونه زيات دى ول چه دغه ژبي دسانسکريت  
نه راوتلى دى ، او پشنو له سنسکريت خخه نه ده راونتني بلکه دا دوازده له يو ی بلي  
پخوانى ژبي خخه جومدي شويدي چه په دي حساب دوازده د خويندو نسبت لري .  
په فارسي کښي خولا یخني په افعالو کښي مذکراو مؤونت فرق همور که شوي دى اود مذکور  
او مؤونت دياره يو شان استعمال يېزى . نو لسي خخه معلومېزى چه دغسى تغيرات په درستو  
ژبو کښي ٻېټېيېزى او دا دزماني دبدلون او تېرېدو تئيجه ده حتى داسى مثا لو نه هم شته چه  
په يوه ژبه کښي نسبت پخوانه دې تغيرات راغلى وي او دې شيان پکښي کم وزيات شوي وي .

### ڊمؤونت علامي

پهدي برخه کښي فعلاً موښ سره کانی معلومات نشته ول چه دادسانسکريت په گرامر کښي  
پوره مهارت غواړي - مګر دنمونې په دول يو خومتلونه وروسته بشيو :  
۱ - ددي وروسته يو خومتلونه خخه معلومېزى چه «الف» په سنسکريت کښي دتاينى  
علامه ( ۲ ) ده لکه ( اکا = يوه ) چه مذکور ئي ( اکت = يو ) دى . او ( سا = دى ) چه دمؤونت  
غایب ضمير دى او مذکوري ( سه ) دى . دارنګه د ( دوهیتا = لور - اسوسا = خور ) په کلمو  
کښي هم الف راخلى دى .  
په ڀشتو کښي هم ( الف ) دتاينى مشهوره علامه ده لکه :  
رنها - ژدا - خندا - غوا - او داسى نور .

( ۱ ) قواعد اردو .

( ۲ ) دا کتر عبدالحق لیککي چه په سنسکريت کښي ( ۱ ) دتاينى علامه ده لکه ګنګا ، جمنا او نور

۲ - اه دی وروسته یو خو مثلاو خنجه معلومینزی چه (ی) هم غالباً په سانسکریت کښی د تائیث علامه ده مثلا دا وروسته مثاونه و گوریء مذکور -

مؤثر

۱ - مشه = نر پسه - میشی = مہنژه

۲ - شر گال = شغال - شر گالی = بندجه شغاله

۳ - میوره = نر طاؤس - میوری = بندجه طاوشه (۱)

که خه هم ددغی (ی) تلفظ ماته په بنه دول نه معلومینزی چکه چه له چا خنجه می نه دی او رېدل - خو دومره ویلای شم چه په پېنتو کښی بی دملینی (ی) خنجه نوری درې قسمه (ی گانی) د تائیث علامی راغلی دی . لکه په (بیاتی - چوکی - ورغومی) کښی چه او له معروفه، دوهمه نقیله، او دریمه مجهوله (ی) ده، نو غالبه داده چه دنسنکریت د دغو کلمو (ی) به هم په دی درې قسمو کښی داخله وي .

اه دی بیان خنجه معلومه شوه چه (الف، ی) په پېنتو او سانسکریت دواړو کښی د تائیث علامی دی اود مؤتونو مو په آخر کښی رامحي .

### د تعداد په لحاظ د اسم قسمونه

په سانسکریت کښی اسم د تعداد په لحاظ په درې دواړه دی :

۱ - مفرد ، ۲ - تثنیه ، ۳ - جمع . په دی خصوصیت کښی سنسکریت د عربی سره فزدی ده چکه چه عربی هم تثنیه لري .

حقیقت دادی چه په یوه رېب کښی د تثنیه وجود دهغی ژبی دزیات وسعت او په اخی دلیل دی او عربی او سنسکریت دواړه د دنیا مهمی، علمی او په اخی ژبی دی، مګر په نورو اریائی ژبو کښی تثنیه له منځه وتلي ده اوصراف مفرد او جمع په بشوی دی لکه په اردو، هندی، فارسی او پېنتو کښی . دسهولت په لحاظ که سپړی و گوری نودا کم والی خه بدشی نه دی ولی چه تثنیه هم په حقیقت کښی جمع ده او عرب هم ورته لغوي جمع وايی . نو له یوه نه پورته قولو ته جمع ويل، دلغت او آسانیتا په اعتبار شه معلومینزی . په دی خصوصیت کښی که خه هم سنسکریت او پېنتو سره جلا دی مګر دا دو مره اهمیت نه لري ولی چه دا خاصیت په بله آریائی ژب کښی هم نه دی په بشو .

### د جموعو مقایسه

په دی حصه کښی هم پوره معلومات په لاس نشي او مو نېټ نشو کولای چه دسا سانسکریت د جموعو په

(۱) د فرهنگ نظام مقدمه - ۴ جلد . . . . .

## دېپېتو او سانسکریت گرامری نز دبواли

مثالونه بیان کرو ، خودنمه نې په قول دسانسکریت دا یو خومنه او گوری :

مفرد - جمع

۱ - پشو = اهنجی حیوان - پشون = حیوانات

۲ - وستو = شی - وستونی = شیان

۳ - چتیر = تصویر - چتیرانی = تصویرونه (۱)

۴ - پہلم = میوه - پہلانی = میوی

لهدي مثالو شخه معلو میزبی چه په او او دوو مثالو کښي تقریباً (ونی) او په دریم او خلورم  
مثال کښي (انی) دجمع دباره راغلی دی چه دادوازه علامې دېپېتو په جمعو کښي او س هم  
موجوددي دی لکه « خیزونه ، چر گان » چه مفرد ئې خیز او چر گک دی . او دغه دا مدادي  
حروفو کمی او زیاتی دومره مهم نهدي لکه چه دغه حرروف اکثر په یوبل باندی سره او مدي  
اویغا غور خیزبی .

نوویلای شو چه دېپېتو او سانسکریت دجمو تر منځ هم خنه نز دبواли او ارتباط شته ،

### د اسم حالتونه

په سانسکریت کښي داسم حالتونه اته دی ، لکه (فاعلی مفعولی ، آئی ، توجه ، اعراض ، ظرفیت  
ملکیت ، ندا ) یعنی په دی اته واډه حالتونه کښي یو اسم چه په جمله کښي اسعفماں شی  
تفیزمومى او په آخر کښي ئې یو حرف یاخو حرفو نه ملحق کیزبی (۲) مثلاً :

حالتونه سانسکریت - پېپېتو

۱ - فا عای - گرامه = یو کلی

۲ - مفعولی - گرام = کلی ته

۳ - آلی - گرامن = په کلی سره

۴ - تو چه - گرامای = کلی لور ته

۵ - اعراض - گرامات = له کلی خخه

۶ - ملکیت - گرامسی = د کلی مال

۷ - ظرفیت - گرام = په کلی کښي

۸ - ندا - گرام = ای کلی !

لهدي حالتونه په خخه پېپېتو کښي صرف خلور حالتونه موجوددي او هه دادی : ۱ - فاعلی - ۲ - مفعولی

۳ - ارتباطی - ۴ - ندانی په پېپېتو کښي یو اسم مثلاً (کلی) په مفعولی حالت کښي په خبل اصلی صورت

رالجی لکه « نول کلی ئې را ووست » او په فاعلی او ارتباطی حالتونه کښي ئې ملینه (ی) په معروفه (ی)

(۱) دسانسکریت خودآموز . (۲) دسانسکریت خودآموز .

## د ملی اقتصاد وزارت



S.Ex. Abdul Madjid Khan ministre  
de l'économie nationale

وزیر : ع، ج، ا، ع عبدالمجید خان  
امري معين : ص، محمد اکرم خان  
دوهم : ع، غلام غوث خان  
دمعین کفبل : ع، ص عبدالحی خان عزیز  
**د گمر کاتو عمومی مدیریت :**

عمومی مدیر : ع، ناصر  
معاون د مدیریه حیث : ص، عبدالرشید خان  
د گریزی مدیر : ع، حبیب اللہ خان  
**د صنائعو عمومی مدیریت :**

عمومی مدیر : ع، محمد نعیم خان  
د صناعتی فوائیو مدیر : ص، ناصر  
دلایی صنائعو : ع، داود  
د هاشمی مدیریت معاون : ع، پایندہ محمد خان  
دقیقیش مدیر : ع، عبدالحید خان د اقتصاد وزیر

### د تجارتی عمومی مدیریت

عمومی مدیر	: ع، احمد اللخان « کرامی »
د احصایي مدیر	: ص، محمد حسن خان
دوارداتو او صادراتو مدیر	: ع، ج، ا، ع عبدالمجید خان د اقتصاد وزیر
دبازار دنرخونو د کتروول او	
د مٹاوریت مدیر	: ص، عبدالغفور خان
د اقتصادي د تعلیمي د مدیریت مامور	: ع، بار محمد خان
د خارجي تجارت مدیر	: ع، محمد صدیق خان
د کریدت مامور	: ع، محمد صادق خان
د نندار قون د خاسگی مامور	: ع، ج، ا، ع عبدالمجید خان د اقتصاد وزیر

بدلیزبی لکه «تول کلپی دودی و خوده - کلپی ته ولامد» اویه ندایی حالت کپی ئی په آخر کپی (ه) زیاتیزبی لکه «ای کلیه» نود سنسکریت (آلی، توجه، اعراض، ملکیت، ظرفیت) حالتونه په پیشتو کپی په یوه ارتباطی حالت بدل شوی دی یعنی دغونچو و امدو حالتونه ارتباطی حالت ویل کپیزی . دافرق نو دژبو ترمنځ اویبا دېږیو تراو پیشتو وروسته یو طبیعی شی دی اویه درستو ڏبو کپی لیدل کپیزی . په دې ځای کپی دېښتو او سانسکریت تر منځ نزد پوالی دادی چه په دوامو ڏبو کپی د کلمې یه آخر کپی حروف زیاتیزبی مثلاً : «ای کلیه ! ای هلهکه ! ای هلکانو ! » او داسی نورحال دادی چه په فارسی کپی په دې تولو حالتونه کپی هیڅ تغیر نهارخی لکه «بهده - ازده - مالده - درده - ای ده» او نور- بل دېښتو او سانسکریت نزد یوالي دادی اویه پیشتو کپی هم دغه دواړه حالتونه سره جلا دی لکه چه دوړاندی مثالو خنځه معلومه شو ۰

### ضمیر و نه

دېښتو او سانسکریت په ځینتو ضمیر و نو کپی هم نزد پوالی لیدل کپیزی مثلاً د پیشتو (ما) چه د سانسکریت په آلی حالت کپی (میا) او مفعولی حالت کپی (مام = ماته) راغلی دی دا رنگ دېښتو (تا، ته) چه د سانسکریت په فاعلی حالت کپی (توم) او مفعولی حالت کپی (توا = توام) دی . نو معلومه شو چه د (ما، تا، ته) ماده د سانسکریت په ضمیر و نو کپی هم شته (دعددونو مقایسه) اعداد په پیشتو او سانسکریت کپی سره به نزدی او قریب دی او دادی وروسته ئی د مقایسی په ډول شیو :

#### ۱- مطلق او بسيط عددونه :

سانسکریت	-	پیشتو
ا کم	-	یو
دو	-	دوه
ترینی	-	دری
چتواری	-	څلور
پنج	-	پنځه
شست	-	شیټر
اوه	-	اوه
اته	-	اته
نو	-	نهه
دش	-	لس

۲ - مر کب عد دونه؟ په سانسکریت او پېتو دواړو کښی مر کب عد دونه تقریباً په یو دول راځی  
مثلا له لسوونه ورو ستہ او احاد او بیا ور پسی عشرات ويل کېنېزی . مثالونه ئی وروسته و گوری؛

سانسکریت	-	پېتو
اکادش	-	یوولس
دواړش	-	دواولس
تریودش	-	دیارلس
چتوردش	-	خوارلس
پنجدش	-	پنځلس
شوډش	-	شپاډس
سېټدش	-	اوہلس
اشتادش	-	التلس

۳ - رتبی عد دونه : دا قسم عد دونه هم په دواړو ژبو کښې تقریباً یوشان دی او په آخر  
کښې ئی (م) راولکېنې یعنی (م) هم په پېتو او هم په سانسکریت کښې د رتبی عددونو  
په آخر کښې راځی مثالونه ئی دادی :

سانسکریت	-	پېتو
پنځم	-	پنځم
ششتم	-	شېنځم
اووم	-	اووم
سېټم	-	سېټم
اټم	-	اټم
نوم	-	نوم
دشم	-	لسم
ترشتم	-	دېرشم
شتم	-	سلم(۱) او نور

### مصدرونه

د سانسکریت د مصادرونو په باب مونږ پوره معلومات نه لرو چه په خه دول راځي او  
په خه دول نه راځي - مګر یو خو مصدرونه ئی چه مونږ پیداکړي دی هفه په آخر کښې  
«م» او یا «ن» لري لیکن غالباً د سانسکریت اکثر مصدرونه د عربی پیشان بسيطی مادی دی

(۱) سخندان فارس

او کمه مخصوصه علامه نه لري لکه (پرج) چه د پښتني په معنی او (نت) چه د نخپد او په معنی مصدرونه دی . له دې خخه معلوميږي چه د پښتو (نڅېدل ، ناخل) هم له دغی مادي يعني (نت) خخه اخستل شوي دي ، چه اصلی ماده پکښي (نت=نخ) ده او «یدل» یا «ل» په پښتو کښي مصدری علامه ده .

او س وروسته د سانسکریت او پښتو ټهینې مصدرونه د مقایسه په دول لیکو :

سانسکریت	-	پښتو
آورتن	-	اوستل
پريورتن	-	پريوتل
کريشن	-	کېپل
ليکھنم	-	ليکل
کېھنم	-	کېنل
مننم	-	منل (۱)
پرج	-	پوښتل
پرشنه	-	پوښته

لکه چه شبکاره ده دا پورته مصدرونه هم په معنی او هم په لفظ کښي سره نز دي او فریب دی ، صرف دومره ده چه په پښتو کښي ئې یو منظم شکل پیدا کړي دی يعني تول به لام مختوم دی او په سانسکریت کښتی دغسي منظم صورت نه لري .

### د حال فعلونه

د حال افعال په پښتو او سانسکریت کښتی تقریباً نزدي او په یودول دی دادی وروسته مونږ د سانسکریت ، پښتو او فارسي د حال فعلونه یا تو و چه مقایسه او نز دبوالي ئې په معلوم شي :

سانسکریت	-	پښتو	-	فارسي
ستوئي	-	ستاني	-	ستايد
ورشتي	-	ورينږي	-	بارد
آياتي	-	رالمخي	-	آيد
پښتني	-	پرېوزي	-	فتند
هنتي	-	وهى	-	زند
جوتني	-	ڙوي	-	زيده

(۱) د ۱۳۱۷ په سالنامه کښتی د پښتو فقهه اللغة .

سانسکریت - پېشېتو - فارسی

کروتی	- کپری	- کند
مریتی	- مری	- میرد
خورتی	- خوری	- خورد
گچتی	- بُخی	- میرود
چرتی	- خری	- میچرد
کرشتی	- کری	- میکارد (۱)

ددی پورته مثالو خخه معلومینزی چه دېپېتو فعل حال اشتلاق او د سانسکریت فعل حال اشتلاق دېرسره نزدی دی. لیکه چه د سانسکریت دغایب فعل حال په آخر کښی غالباً (تی) (۲) زیاتینزی مثلًا (جو) په سانسکریت کښی دژوند کولو په معنی مصدر دی چه په فعل حال کښی ئی (تی) زیات شوی دی او (جو تی) رائجی.  
او دېپېتو په غایب فعل حال کښی (ی) زیاتینزی لکه چه دود اندي مثالو خخه خر گند ه شوه برخلاف له فارسی خخه چه هله دغه دغایب فعل حال صیغه په دول جود ینزی یعنی په آخر کښی ئی (د) او په اول کښی ئی په استمر اری صیغو کښی (می) را ددل کینزی.  
نومعلومه شو و چه دېپېتو او سانسکریت د فعل حال په غایب و صیغو کښی هم دما دی او حر و فو په لحاظ او همدا شتلاق او صرف په لحاظ دېرسره نزدېوالی او اور تباطط موجوددی.  
او که سری د حروفو بد لهد واود فیلا لوژی اسا سونواو تغیراتو و گوری نوو یلا شو چه دغه مثالونه چه وویل شول، توی یو شان دی او اصلاحاً پکښی دومره پلوا لی او تو پیر نشته - مثلا (ستوتی) او ستانی (مریتی) او مری. (چرتی) او خری. چه بیخی یورنگک او په یو دول دی، په دی شان نورهم دېر مثالونه شته چه دا وزد والی اه کبله مورانه ودل.

ماضی

که خه هم په سانسکریت کښی دماضی زیات مثالونه مونزی ته معلوم نه دی مگر له دی ورو سته یو خو مثالو خخه معلومینزی چه غالباً په پېشتو او سانسکریت کښی دماضی فعل داشتلاق دول هم خه قدر سره نزدی او قریب دی مثلاً :

سانسکریت	- پېشتو
اگچم	- ولادم
اخورت	- وجود
آگچت	- ولادم
پراچت	- و پوشت

(۱) سخندان فارس او فرنگکه نظام. (۲) سخندان فارس

په دې مثالونو کښي وروستي مثال تريوي، اندازې واضح دې ځـکه چه (اير چت) د (پرج) له مصدر څخه جود شوي دې چه په اول کښي ئې (۱) او په آخر کښي ئې (ت) زياته شوي ده، دغښي په پښتو کښي د (پوشتل) له مصدر څخه د (پوشت) اشتقا ق هم د (و) په زياتولي په دغه طرز دې، او ددغو دواړو صيغو يعني (اير چت) او (پوشت) دجودېشت رنګکه سره فریب او نزدي دې ۰

### داد او مقایسه

داد او مقایسه کښي هم پښتو او سانسکريت يو له بله دې نزدي والي او اړ تبا ط لري چه دادی وروسته ئې ځـیني مثالونه په دل کېږي ۰

### نسبت او فاعليت توري

۱—وان: داتوري په سانسکريت او پښتو دواړو کښي دنسبت او فاعليت توري دې ۰

مثلا په سنسکريت کښي (گریووان) دجامې هغه حصي ته وايی چه ګروه ساتي — يعني د ګروي ساتونکي جامې ته (گریوان) وايی ۰ دا کلمه په پښتو کښي هم موجوده او په دغه معنی ده، صرف په پښتو کښي «گریو» ګروه او «گریوان» ګربوان شوي دې ۰  
دا رنګ (دهنوان) په سنسکريت کښي دولتمند ته وايی چه «دهن» (۲) د دولت په معنی، او «وان» دنسبت او مالکيت کلمه ده، دغښي (ویدوان) دعالې اوصاحب علم په معنی دې ځـکه چه (وید) علم او معرفت ته وايی ۰ او په پښتو کښي خو دغښي مثا لونه دې دلکه باغوان—جاله وان — بکې وان — پاده وان اونور ۰

۲—کـکه: په سنسکريت کښي دفاعليت علامه ده، لکه «آستکـکه = مقر — واچـکـکه = متکلم»

چه د «وج» له مصدر څخه چه دخبرو کولو په معنی دې جود شوي دې دغه ګاف په سنسکريت کښي متجر کـکه او په پښتو کښي هم په دغه دول دفاعليت د پاره په ځـینو مثالونو کښي موجود دې، لکه (ټېغـکـه — چوـغـکـه) دا دواړه دمر غو نو مو نه دې چه د «ټېغ او چو غ» له صو تونو څخه د (کـکه) په لګو لو جود شوي دې ځـکه چه دغه مرغې، ډېټېغ ټېغ او چو غ چو غ آوازونه کابزی نو په دې اعتبار دفاعليت معنی پـکـښي پـرـتـه ده ۰

۳—(ې) په سنسکريت او پښتو دواړو کښي دنسبت دپاره ده مثلا (د هنی = مالدار)

يعني هغه شو ګـکـه چه (دهن = مال) ته ئې نسبت شوي وي دغښي چـښـۍ — پـکـښـۍ او نور ۰

(۱ و ۲) دفرهنـګـه نظام مقدمه ۴ جلد.

او په پښتو کښی خو دغسی مثالونه دېر دی لکه : دولی - هو کی - چرسی او یا کابلی ، قندھاری او اسی نور .

٤ - ج : په سنسکریت کښی د نسبت د پاره دی لکه « نیرج = نیلوفر » چه ( نیر = او بو ) ته منسوب دی او په پښتو کښی ( دیروجی ) نسبتی کلمه ده چه ( دیر = یوه علاقه ده ) ته منسوبيزی .

### د ظرف توري

ستهان : دا کلمه په سنسکریت کښی د (خای) په معنی ده او د کلمو یه آخر کښی د ظرف مکان د پاره استعما لیزی لکه هندوستان او یا داسی نور . خو په پښتو کښی (تون) د خای په معنی راغبی دی او د ظرف مکان دجو دولو د پاره استعما لیزی ، لکه ( بود تون = بو تخاره ) - چو تون = دچری تیکی )

نو ویلای شو چه ( ستھان او تون ) سره نزدی او تقریبا دیوی کلمی حکم لري لکه چه د دوازو معنی او خصوصیت یوشی دی .

سر بھر ه پر دغه په خپله د « ستھان » شکل هم په پښتو کښی شته ، مگر دومره ده چه الف ئی په واو بدل شوی دی ( ۱ ) لکه په ( موستون = ادیره ) کښی .

### د تصنیغدر توري

که : دا حرف په سنسکریت او پښتو دوازو کښی د تصفیر د پاره استعما لیزی مگر فرق دادی چه په سنسکریت کښی متحرک او په پښتو کښی ساکن ویل کیزی . مثلاً په سنسکریت کښی « بالکه » ود و کی او « گرھمک » کوچنی خونی ته وايی ، او په پښتو کښی ئې مثالونه دادی : خویک - زمرک - تورک او داسی نور .

### د نفی توري

نس ، نه ، نر : دا درې وايده توري په سنسکریت کښی د نفی توري دی ( ۲ ) دژبو پوهان وايی چه د نون په طبیعت کښی د نفی معنی پر ته ده ( ۳ ) ، نو لکه په اکشرو ڏبو کښی ( نه ، نا ) او داسی نور د نفی حرو فدي .

دا هم کپدای شي چه د سنسکریت ( نس ) په پښتو کښی په ( نه ) بدل شوی وي لکه چه

( ۱ ) د پښتو په خینولهجو کښی عموماً الف په واو بدل لیزی مثلاً دراشه پرخای روشنهاي .

( ۲ ) قواعد اردو - ( ۳ ) سخندان فارس .

(اوس) یه یو بل باندی بدليزـی . دارـنگـک د پـنـتو (نا) هـمـ لـهـ دـغـوـ تـورـوـ سـرـهـ نـزـدـیـ دـیـ اوـ مـونـبـرـ وـیـلـایـ شـوـ چـهـ دـپـنـتوـ (نهـ ،ـ نـاـ) لـهـ فـارـسـیـ اوـ یـاـ بـلـیـ ذـبـیـ خـخـهـ نـهـدـیـ اـخـسـتـلـشـوـیـ . بلـکـهـ دـادـوـاـدـهـ اـصـلـیـ آـرـیـاـئـیـ مشـتـرـکـ تـورـیـ دـیـ اوـ پـهـ اـكـشـرـوـزـبـوـ كـبـنـیـ يـوـشـانـ اـسـتـعـمـالـیـبـنـیـ .

## اضافی تر کـیـبـ

اضافی تر کـیـبـ یـهـ پـنـتوـ اوـ سـانـسـکـرـیـتـ کـبـنـیـ یـهـ یـوـ دـولـ اـسـتـعـمـالـیـبـنـیـ یـعـنـیـ لـوـمـهـیـ مـضـافـ الـیـ اوـ یـاـ وـرـوـسـتـهـ مـضـافـ رـاخـیـ . دـسـنـسـکـرـیـتـ دـاـضـافـیـ تـرـ کـیـبـ یـوـ خـوـمـنـاـلـوـنـهـ وـرـوـسـتـهـ بـنـوـلـ کـبـنـیـ . ۱- (برـشاـ کـالـ (۱)) «برـشاـ» یـهـ سـنـسـکـرـیـتـ کـبـنـیـ بـارـانـ اوـ «کـالـ» وـخـتـ تـهـ وـاـیـ چـهـ یـعـنـیـ ئـیـ پـهـ پـنـتوـ کـبـنـیـ دـبـارـانـ مـوـسـمـ کـبـنـیـ . نـوـ پـهـ پـنـتوـ کـبـنـیـ هـمـ لـوـمـهـیـ مـضـافـ الـیـ اوـ وـرـوـسـتـهـ مـضـافـ رـاخـیـ ، دـغـهـ تـرـ کـیـبـ پـهـ فـارـسـیـ کـبـنـیـ یـهـ (مـوـسـمـ بـارـانـ) تـرـجـمـهـ کـبـنـیـ . ۰۲- (آـرـامـ بنـ) (۲) چـهـ پـهـ سـنـسـکـرـیـتـ دـبـاغـ عـیـشـ یـهـ مـعـنـیـ دـیـ . «آـرـامـ» عـیـشـ ، اوـ «بـنـ» بـاغـ تـهـ وـاـیـ ، اوـ یـهـ پـنـتوـ کـبـنـیـ هـمـ پـهـ دـغـهـ دـولـ اـسـتـعـمـالـیـبـنـیـ یـعـنـیـ دـآـرـامـ بـهـ .

۳- (بورـشاـنـامـ) «پـورـ وـشاـ» دـسـرـوـ یـهـ مـعـنـیـ اوـ «نـامـ» دـمـالـ پـهـ مـعـنـیـ دـیـ نـوـتـرـ کـبـنـیـ مـعـنـیـ ئـیـ دـاـ دـهـ «دـسـرـوـ مـالـ» دـغـهـ کـلـمـهـ پـهـ فـارـسـیـ کـبـنـیـ یـهـ «مـالـ مـرـدـمـانـ» تـرـجـمـهـ کـبـنـیـ . ۴- (کـوـ کـوـتـانـامـ) «کـوـ کـوـتـاهـ» پـهـ سـنـسـکـرـیـتـ کـبـنـیـ چـرـگـانـوـنـهـ وـهـاـیـ نـوـدـدـغـهـ تـرـ کـیـبـ مـعـنـیـ پـهـ پـنـتوـ کـبـنـیـ (دـچـرـ گـانـمـالـ) اوـ یـهـ فـارـسـیـ کـبـنـیـ (مـالـ خـرـوـسـهـاـ) رـاخـیـ . ۵- (سـاـیـمـ کـالـ) «سـاـیـمـ» مـاـبـامـ اوـ «کـالـ» وـخـتـ تـهـ وـاـیـ نـوـتـرـ کـبـنـیـ مـعـنـیـ ئـیـ «دـمـاـبـامـ وـخـتـ» شـوـهـ چـهـ پـهـ فـارـسـیـ کـبـنـیـ «وقـتـشـامـ» وـیـلـ کـبـنـیـ . ۶- (کـرـیدـاـنـگـنـ) (۳) دـاـ کـلـمـهـ دـلـوـبـدـمـیدـانـ پـهـ مـعـنـیـ دـهـ ، «کـرـیدـ» لـوـبـوـ تـهـ وـاـیـ اوـ «انـگـنـ» غالـباـ دـپـنـتوـ دـ(انـگـرـ=ـغـولـ =ـمـیدـانـ) پـهـ مـعـنـیـ دـیـ . پـهـ دـیـ تـرـ کـبـ کـبـنـیـ هـمـ مـضـافـ الـیـ دـمـخـهـ اوـ مـضـافـ وـرـوـسـتـهـ رـاـغـلـیـ دـیـ . ۷- پـهـ دـغـهـ دـولـ ضـمـيرـوـنـهـ هـمـ کـهـ چـرـیـ مـضـافـ الـیـ وـاقـعـ شـیـ نـوـدـمـخـهـ رـاخـیـ اـنـکـهـ (تسـیـ کـارـیـمـ - توـ کـارـیـمـ - مـمـ کـارـیـمـ) (۴) چـهـ پـنـتوـ کـبـنـیـ (دـدـهـ کـارـ - سـتاـ کـارـ - زـمـاـ کـارـ) اوـ یـهـ فـارـسـیـ کـبـنـیـ (کـارـ اوـ کـارـ تـوـ - کـارـمـنـ) وـیـلـ کـبـنـیـ .

(۱) (۲) سـخـنـدـانـ فـارـسـ

(۳) دـفـرـهـنـگـ نـظـامـ مـقـدـمـهـ ۴ جـلدـ .

(۴) سـخـنـدـانـ فـارـسـ

## توصیفی ترکیب

دانسکریت د توصیفی ترکیب زیات مالونه لاس تهه دی راغلی مگر خهچه لیدل شوی دی ههه  
دېپنتو د توصیفی ترکیب سره موافق دی یعنی اومری صفت او یا وروسته موصوف را نخی لکه  
په دی وروسته مثلاو کښی :

۱ - (مهاراجه) « مهارا یه سانسکریت کښی لوی او « راجه » بادشاہ ته وايی نومعنى نه داشوه  
« لوی بادشاہ = ستر بادشاہ »

۲ - (سو واستو) « سو » دنه او « واستو » دمسکن په معنی دی نو ترکیبی معنی ئی داده  
« پنهن مسکن » جه په فارسی کښی په « مسکن خوب » ترجمه کیږی .

۳ - (اوپ کار) دا کلمه یه سانسکریت کښی (دنه کار) په معنی ده چه دو اړه یه ډول او ډول صورت دی  
اوپه فارسی کښی په کارنیک ترجمه کیږی .

۴ - (سمز کر ته بهاشا) داد سانسکریت دزبی نوم دی ، چه معنی ئی په دېپنتو کښی (سمه کړی ژبه)  
اصلاح شوی ژبه او په فارسی کښی (زبان اصلاح شده) راخی . ایدی مثلاو خخه خر ګمندې شوه  
چه دېپنتو او سانسکریت توصیفی ترکیبونه سره یو شان دی .

## فعلی ترکیب

دا کمرو آریائی ژبو دا خصو صیت دی چه په فعلی ترکیب کښی اول فاعل یا مفعول  
او یا فعل راخی یعنی فعل له فاعل او مفعول خخه وروسته راخی ، مگر په عربی کښی چه یوه  
سامی ژبه ده خبره بالعکس ده ، یعنی اول فعل یا فاعل او یا مفعول ویل کیږی لکه « ضرب  
زید عمرآ » لکه چه په کاره ده ، یه دغه و مانندی آریائی خصو صیت کښی سانسکریت او پېنتو  
یو شان دی مثلاً دا وروسته مثلاونه و ګوری : چه فاعل په کښی دمنه او فعل په کښی وروسته راغلی دی :

سانسکریت	—	پېنتو
سودت	—	دھور کړ
تی ددن	—	دوی ور کړ
توم ادده تی	—	تاور کړ
آهن ادم(۱)	—	ماور کړ

## د خینی نور و شیانو مقایسه

خینی نور گرامری مسائل هم په سانسکریت او پېنتو کښی سره نزدې او یوشان دی مگر هر کله  
چه مثلاونه ئی په لاس نشته نومحض په محمل ډول ئی ذکر کړو :

(۱) سخنداں فارس

- ۱ - په سانسکریت کښی اسم داشتنياق په لحاظ پر دوددو له دی : ۱ - فعلی ۲ - غیر فعلی : فعلی نوم هغه دی چه بواخی د فعلی مشتقا تو ماخنوي چه هغه ته مصدره هم ويل کېږي ، او غير فعلی نوم هغه دی چه له هغه خنځه اسمی مشتقات جو هد بېزې او افعال و رخنه نه جو هد بېزې مطلب داچه په سانسکریت کښی د فعلی مشتقا تو ما خنده فعلی نوم ، او دا سمی مشتقا تو ما خنده غير فعلی نوم وايي . د اتقسيم عيناً په پښتو کښی هم شتله جه مصدره فعلی نوم او نورونو موته غير فعلی نوم او اي . غير فعلی نوم چه نوري کلمې ورڅنه جو هد بېزې لکه ( زمه ) چه زدوز ، زدوز تیا او داسی نوري کلمې خنځه جو هد شوی دی
- ۲ - جعلی مصدر په سانسکریت کښی مو جود دی او د اسم له مشتقا تو خنځه بالهه کېږي - د غسى په پښتو کښی هم جهای مصدر شته اوله اسم او صفت خنځه جو هد بېزې لکه پهلا کول - بونهول - دامل چه « له پهلا بونه داهي » خنځه ما خوژذشوي دی
- ۳ - اسم فاعل په سانسکریت کښی له مصدر خنځه دلاحقې يه زيات او لو جو هد بېزې چه په پښتو کښی هم يه دغه صورت رالخي يعني مصدر په آخر کښي د ( ونکي ) لاحقه را اول کېږي لکه اه کستل خنځه کستونکي او داسی نور .
- ۴ - په سانسکریت کښی مؤنث نوم له مدد کر خنځه ديو حرف په زيات او لو جو هد بېزې چه په پښتو کښي هم په دغه دول رالخي لکه اه چر ګک خنځه چر ګه او داسی نور .
- ۵ - په سانسکریت کښي فعل پر لسو دستو وي شل شوی دی چه هر مصدر به په دغه دستو کښي شاملونی او د هغى دستي موافق به تري فعل جو هد بېزې . د غسى په پښتو کښي هم افعال او مصدرونه په خو ګر وي بونو وي شل شوی دی چه هر مصدر په بيل بيل ګروپ کښي داخل دی او د افعال استيقاف ئې هم په بيل بيل دول کېږي .
- ۶ - ( فرهنگ نظام ) مؤلف يېکي « جه په سانسکریت کښي له تو لو آرياني زب و خنځه زيات مقدم او مؤخر ل الواقع موجود دي » په پښتو کښي هم لکه چه معلومه ده لاحقې ديرى دی مګر « سا بقى » نسبتا کمی دی اوزیات الفاظ په کښي لکه د سانسکریت د لاحقو په زيات او لو جو هد شوی دی .
- ۷ - په سانسکریت کښي د حروفه تبدیل یا هم ديرى ، چه ئینې تبدیلونه سما عی او ئینې قیاسی دی . د اتبدلات او تغيرات په پښتو کښي هم ديرى او د ټرڅو حروف دی چه په بول باندې او دی او بدليېږي .
- ۸ - د اسم او کلماتو تر کېب هم په سانسکریت کښي زيات او د ټرڅو ، د اصافت په پښتو کښي هم زيات ليدل کېږي لکه تر له = د تره نور - کتمل = د کتمل - غرو ندی = د غاردي وند او نور .

## دېشتو او سانسکریت گرامری نزد ٻوالي

دا وو دېشتو او سنسکریت د گرامری نزد ٻوالي په باب کپي ٿيئني ابتدائي معلوماًت اميد دی چه په دی باره کپي به نوري پلتنۍ هم جاري وي او ڪيدايشي چه یو وخت دد غودواره وڙبو په یوه کامله گرامري مقاييسه باندی کما ميانی حاصله شئ:

په دی مقاييسه کپي له دي وروسته کتابو خجھه اخستنه شوي ده:

كتاب	مؤلف	طبع ځای
۱ - فرهنگ نظام	- سید محمد علي	دھير آباد د کن طبع
۲ - دسنسکریت خودآمز	- «»	چه دخلورم جلد فر هنـگـه نظام يه سر کپي چاپ شوي دي
۳ - قواعد اردو	- ڈاکتري عبدالحق	دہ هلي چاپ
۴ - سخنداں فارس	- دقاري عبدالله ترجمہ	د کابل «
۵ - دسنسکریت تاریخچه (۱)	- د زوف ما نسون «تا ڀيف	د باغلی نیمه ترجمہ فلمي دي
۶ - ۱۳۱۷ په سالنامه کپي د باغلی یعقوب حسن خان	مقاله	دكتاب د ڪتلو د پاره بنا غلبي ڪهزاد را ڪپي وو نو تـکـه ورخـجـه تـشـڪـرـ کـوـمـ

(۱) دكتاب د ڪتلو د پاره بنا غلبي ڪهزاد را ڪپي وو نو تـکـه ورخـجـه تـشـڪـرـ کـوـمـ

## دەملەكتى دۇاڭىز تشكيلات

دشـرـكـتوـ دـمـدـيرـ كـفـيلـ صـ ،ـ ذـيـعـالـلـخـانـ

دـسـتـانـدـارـ نـيـرـاسـيـونـ دـخـانـگـىـ مـامـورـ صـ ،ـ ۰۰۰ـ

### اداري عمومي مدیریت:

عمومي مدیر ع ، ۰۰۰۰

دـلـجـرـائـيـ اوـمـامـوـ رـيـنـوـ »ـ صـ ،ـ مـحـمـدـ هـاشـمـ خـانـ

داوراقو «ـ »ـ عـبـدـالـوـدـ خـانـ

دـتـرـجـماـ نـىـ دـخـانـگـىـ »ـ »ـ »ـ مـحـمـدـ عـلـيـخـانـ

دـكـنـتـرـولـ مـدـيرـ »ـ »ـ »ـ مـحـمـدـ عـنـايـتـ اللـهـ خـانـ

### دققىش عمومي مدیریت:

عمومي مدیر ع ، ۰۰۰۰

### داقتاصادى مجلس عمومي مدیریت:

عمومي مدیر ع ، ۰۰۰۰

### دـتـجـارـتـيـ اـطـاقـوـ عـمـومـيـ مـدـيرـيـتـ:

عمومي مدیر ع ، مـيرـضـيـاءـ الدـينـ خـانـ

### دانطباعا تو عمومي مدیریت:

عمومي مدیر ع ، مـحـمـدـ زـمـانـخـانـ

# بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

## دَكَابِلُ خُوراَسْمَهُ كَانَى

لوی خدای لره شکر و نه دی، چه دده په فضل او مرحمت، او دزمی تو لو اک  
اعلیحضرت المتكل علی الله محمد ظاهر شاه خلد الله ملکه و اطال الله عمره دعر فان  
پیرو ره تو جهاتو په اثر چه ددی هواد له مادی او معنوی ترقیاتو سرهائی لری،  
او دوطن دتو لو لو یور جالو دحسن اجر آتا و دپنیتافه ملت دنبونیتو په اثر هوفنیز  
دَكَابِلُ دخور لسمی کالنی په نشرون لو توفیق هومو.

او دپاک خدای په دلبار کتبی په عجز او انگسار خپل سر کتبته کووا و شکر و نه  
باسو چه دی هو سسی ته موقع ور کړ شو بد ه، چه خپل مو جو دیت په دی  
شپارسو کالو کتبی وساتی، او د مملکت دادبی او عرفافی شئونو د پیشرفت د پاره  
څه خدمت و کړی.

او علاوه دَكَابِلُ کالنی په نشرون و لوحه نور علمی، ادبی، تاریخی، اجتماعی مفید  
کتا بونه تهیه کړی، چه ځینې ئې نشر شویدی او ځینې په مطبعه کتبی تر  
ترتیب او چاپ لاندی دی، او ځینې دنشر د پاره موجودی دی.

ددی موسسی کار کوونکی د دغونه تو لو موافقیتو نو په مناسبت خپله شکر یه  
دپاک خدای په دلبار کتبی ادا کوي، او د خدای نه لازیات توفیق غواړی چه د خپل  
زلی پاچا ترسیوری لاندی خپلی و ظیفی ترسره کړی، او نور په کامیابی ئې  
هم په فصیب شی.

(صحافت خانګه)



## د ابدالیانو مشاھیر

تر احمد شاه با بایا دمخته

لکوال : حبی

ابدالی دېپتو در دوی مشهوری ټالی تو، دی، جهاداعلیحضرت احمد شاه با، تر جلوس وروسته یه درانی مشهوره سوئی ده، او یه ټندهار کی دارغندو او اړ غسان اوږنک او همند یه لواو کلو او دېستو و زرخواو دو کی اوسي.

یه دغو خلقو کی د (۱۹۶۰) دمخته خورا ده  
مشهور سپری ټپر سوی دی، جهادی دېپتو مشران وه،  
او ټول داعلیحضرت احمد شاه با، اسلاف گنډل ګبری،  
او وروسته یهم ټپر مشاھیر او نوموږی سپری ختمی را  
و تای دی، خوبه دی، هم افزو غواړی، جهادی د احمد شاه با،  
تر جلوس دمخته ددوی، ډموږی د چال در بیدان ګرم،  
او دل =

د اسری دېپتو له خورا مشهورو خلقو خخه دی،  
جهه نوم کی او دل لا ابدالی وو، ز ما یه فکر ددی نامه  
ریښه بزه پخوانی ده، او هغه تاریخی ایند (Aptis  
یا هیتل Hitler) ټور سپنی، جهه ۳ (۲۰۰ مسجی)  
کمال یه شاوخوا کی داغی آږیا شیبین ډوستی قلبي

یه باخته او تخارستان کی لوی او مقندر دواث جوده ګپتی وو، او مورخو ڈندی، او ریخی خلقو تو،  
ابداوی هم ضبط ګپتی دی (۱)



۲۸۰ شاغلی حبی

(۱) دیز تانکا دا ټټه المارف

که خه هم پخوانو مؤرخانو دغه نوم دول کشلی دی، مگر دبریتالوی دائرة المعارف په عقیده ئی اصلی اشکال هغه اپتل یاهپتل یا ابد لوی دی، چه او دل او ابدال ته دېرنزدی دی، او دا نوم تراوسه هم په پشنتو کی مستعمل دی، او سری ویلای سی، چه یو پخوانی آریائی نوم دی، چه په پخوانی افغانستان کی تراسلام دبر دمغه هم مستعمل او مرrog وو، چه و روسته له دغه نامه خخه یقتل او دعر بو هيطل او هياطه هم جو مشوی دی، او دیقتل په نامه تراوسه هم یو ګلې په توخارستان کی دفیض آباد شمال ته سنه، په بدخشان او بامیان او غرجستان کی چه کو می دیاچهانو کورنی داسلام په ابتدائی پېړيو کی موجودی وي، توله ددغه آریائی سین پوستی ټپیلی خخه وه (۱)

اپتل یاهپتل = اپتل یا هپتل = ابدال یا او دل ګبدای شی، چه هروخت (ب) په (ب یاو) اوږدی، ت او دل له یوه مخربه دی، سره اوښتل ئې په فقهه الله کی مطرددي، او حروف عملت هم تل یاز یا تېښی یا کمېښی، نو د ابدال او او دل د نامه ریښي دېری قد یعنی دی، دغه او دل چه زه ئې دله احوال لیکم، دترین زوی او دشر خبون لمسی او دسرین ګروسو وو، په دغه کورنی کی خربونو چه دشر خبون ورور وو، هم دېر مشهر سری دی، چه پتی خزانی دده پشنتو اشعار را نقل کړي، او مونځته ئی سپارای دی او دده دوفات تاریخ (۱۴۱۱هـ) لیکنی، چه دقدھار په مرغه کی مرغه دی (۲)

دا او دل لوی نیکه (سپن) او دده کورنی د کسې به غره (کوه سليمان) کی او سبد ل، او د پشنتو مشرتوب په دوی امده در او ده، او وروسته دېر مشاهير پکښي پیدا شوه (۳)  
اما شر خبون دا او دل نیکه یو یوه او کاغ او متفعی مشرو، دخپل مشرتوب مجه که ئې پراخه کړه، او دېر دشاوخوا طائفی ئې ایلی کړي، او تر ده وروسته ئې ترین له او لا دي خند مشرشو، ترین یقیناً دا او دل پلاردي، که چه ابدال یا متن کوي (که ترین یې خومي پلاري) پغپله او دل له پلاره کوچنی یا ته شو، خو په نورو ورونو کی پلاردي پرڅل ځای کېښنا وه او که چه دشه خوی او بنندنی او زده ورتوب خاندو، نوئې دکورنی مشرتوب په بنه تو ګه کواه، او د دېری لو دی درجې خپتن و، (۴)

(۱) د آریانا مجله ص ۱۴۲ ج ۳ دبار تولد د کتاب په حواله

(۲) پته خزانه، ص ۲۱-۱۷

(۳) مخزن افغانی فلمي ص ۱۴۹ او تاریخ سلطانی او حیات افغانی

(۴) مستر را ورقی دفلمي تذكرة الملوک په حواله او سلطانی

داودل نوم مؤرخینو یه مختلفو ډولو اودل یا بدل یا بدل را ودی دی ، او یه پېښو ادب کی هم دغه درې سره شکله موجود دی پغپله احمد شاه با با یوځای د جم یه صورت او د لی راویدی لـکـهـجـهـ وـاـیـ :

تو له یودی که غلغجي دی که اودلی شـهـهـهـچـهـ ئـبـیـ دـزـمـهـ بـشـیـهـ صـفـادـهـ (۱)

گـلـ مـحـمـدـ اـبـدـالـیـ هـلـمـنـدـیـ چـهـ دـ (۱۲۰۰ـ هـ) پـهـ شـاـوـخـواـ کـبـیـ ڙـوـ نـدـیـ ؤـ ،ـ دـاـ کـلـمـهـ اـبـدـالـ کـبـلـیـ اوـ دـاـسـیـ ئـبـیـ رـاوـیدـیـ دـهـ .ـ

پـهـ نـسـبـ کـبـیـ کـهـ اـبـدـالـ یـمـ (۲) جـانـهـ روـیـ دـ اـبـدـالـ

لهـ دـغـوـ خـخـهـ بـنـکـارـهـ کـبـیـزـیـ ،ـ چـهـ دـرـ یـ سـرـ ڦـوـلوـ نـهـ ئـبـیـ منـقـولـ اوـ صـحـيـعـ دـیـ ،ـ دـمـخـزـنـ اـفـقـانـیـ پـهـ یـوـهـ قـلـمـیـ نـسـخـهـ کـبـیـزـیـ چـهـ پـهـ (۱۱۱۳ـ هـ) پـهـ قـنـدـهـارـ کـبـیـزـیـ کـبـلـیـ شـوـیـ دـهـ ،ـ هـمـ یـهـ قـدـیـمـ دـوـلـ (اوـدـلـ) ذـکـرـ شـوـیـ دـیـ (۳) مـگـرـ یـهـ وـرـوـسـتـنـیـوـ کـتـابـوـ کـبـیـزـیـ اـبـدـالـ رـاغـلـیـ دـیـ .ـ دـاـوـدـلـ دـ ڙـوـنـدـاـنـهـ وـخـتـ پـهـ ثـابـتـ دـوـلـ نـهـ مـعـلـوـ مـبـیـزـیـ ،ـ دـتـذـکـرـةـ الـمـلـوـکـ لـیـکـوـالـ وـائـیـ چـهـ بـاـیـدـ دـیـ دـسـلـطـانـ مـحـمـدـ مـعـاـصـرـ وـیـ یـعنـیـ دـ (۴۲۰ـ هـ) پـهـ حدـودـوـ کـبـیـزـیـ ڙـوـ نـدـیـ وـیـ ،ـ دـیـ پـغـپـلـهـ وـائـیـ چـهـ پـهـ تـارـیـخـ کـبـیـزـیـ دـهـ چـاـ نـوـ اـخـیـسـتـ کـبـیـزـیـ چـهـ مـشـہـورـ وـیـ ،ـ نـوـ بـنـاـ یـیـ چـهـ دـسـپـنـ اوـ شـرـ خـبـونـ اوـ تـرـ مـنـخـ خـیـنـیـ نـورـ پـلـروـنـهـ هـمـ وـیـ ،ـ چـهـ هـغـهـ مـشـہـورـشـوـیـ نـدـیـ (۴) نـوـخـکـهـ دـدـغـوـ نـیـکـوـنـوـ ڏـوـنـدـاـنـهـ وـخـتـ تـاـکـلـ هـمـ مـشـکـنـ کـارـ دـیـ .ـ مـنـشـیـ عـبـدـاـ لـکـرـ یـمـ عـلـوـیـ پـهـ تـارـیـخـ اـحـمـدـ کـیـ اوـهـ حـیـاتـ اـفـقـانـیـ اوـبـیـاـمـ لـنـگـوـیـرـتـ دـیـمـزـ مـسـتـشـرـقـ یـهـ اـسـلـامـیـ دـائـرـةـ الـعـارـفـ کـیـ لـیـکـیـ ،ـ چـهـ اوـ دـلـ دـخـواـجـهـ اـبـوـ اـحـمـدـ جـشـتـیـ مـعـاصـرـ وـ ،ـ نـوـ کـهـ مـوـنـبـرـ دـ تـارـ بـعـ اـحـمـدـ اوـ حـیـاتـ اـفـقـانـیـ ذـکـرـشـوـیـ رـوـایـتـ وـمـنـوـجـهـ اوـدـلـ دـخـواـجـهـ اـبـوـ اـحـمـدـ جـشـتـیـ مـعـاصـرـ وـ ،ـ نـوـبـهـ پـهـ لـاـ نـدـیـ دـوـلـ دـدـهـ ڏـوـنـدـاـنـهـ تـارـیـخـ هـمـ مـعـلـوـمـ کـرـاـیـ شـوـ .ـ

قدـوـةـ الدـيـنـ خـواـجـهـ اـبـوـ اـحـمـدـ چـشـتـیـ دـاـفـقـانـسـتـانـ دـ چـشتـ دـکـورـ نـیـ لـهـ مـشـہـورـوـ عـرـ فـاـوـ خـخـهـ دـیـ ،ـ چـهـ نـسـلـاـ حـسـنـیـ اوـ دـسـلـطـانـ فـرـسـتـاـفـهـ زـوـیـ وـ ،ـ دـپـلـوـ سـلـسلـهـ ئـبـیـ تـرـ حـضـرـتـ اـمـ حـسـنـ پـورـیـ رـسـوـیـ ،ـ دـاـ کـورـنـیـ دـعـبـاسـیـانـوـ لـهـ لـاـسـهـ دـهـرـاتـ دـ چـشتـ غـرـوـتـهـ رـاـ غـلـبـیـ اـوـ دـلـتـهـ ئـبـیـ خـانـوـنـهـ پـتـهـ کـبـیـزـیـ وـهـ ،ـ اـبـوـ اـحـمـدـ دـ (۵۲۶۰ـ هـ) کـالـ دـ رـوـزـیـ پـهـ شـپـنـزـهـ مـهـ پـهـ چـشتـ کـبـیـزـیـ وـزـیـزـ بدـیـ ،ـ اوـ لـهـ کـوـچـنـیـ والـیـ ئـبـیـ لـهـ خـواـجـهـ اـبـوـ سـجـاقـ شـامـیـ خـخـهـ تـحـصـیـلـ اـسـتـفـاـضـهـ وـ کـبـرـهـ ،ـ دـیـ دـجـشـتـیـ عـرـفـاـوـ پـهـ سـلـسلـهـ کـیـ اـوـیـ سـپـرـیـ دـیـ ،ـ دـ (۹۵۰ـ هـ) کـالـوـ پـهـ عمرـ دـ (۳۵۵ـ هـ) کـالـ

(۱) لوی احمد شاه با با ص ۲۹۱ (۲) د گـلـ مـحـمـدـ قـلـمـیـ دـیـوانـ

(۳) قـامـیـ مـخـزـنـ صـ ۱۴۱ – ۱۴۹ (۴) درـاـورـتـیـ پـهـ حـوـالـهـ تـذـکـرـةـ الـمـلـوـکـ کـ

دجمادی الثانی یه لومری- ورخ وفات شو (۱) تر او سه هم یه چشت کپی دد غی عرفانی کورنی مزارات مشهور او معلوم دی، دسلطان فرسنافه اخواجه ابو احمد او دده دزامنواونوری کورنی قبرو نهسته او هلتہ دابو احمد ابدال دریاضت او عبادت خای هم دجشت به غر و کپی تراوسه خلقوتہ معلوم دی (۲)

شکه چه خواجه ابو احمد د (۳۵۰ھ) یه شاخوا کپی ژوندی و او د اودل ملاقات هم دمورخینویه قول دده سره ثابت دی، نو باید داودل دژوندانه وخت هم دغه د (۴۴۰ھ) حدود وتا کو، او په دی ډول تندکرة الملوک دلیکوال خبره هم صحیحه بشکاری.

خلاصه داده : چه دملکت او دل په مشر توب کپی دینېن قبایل سره متفق و ه، دوی کشت او کرهنی ته توجه و کړه، د کسی غره دشا و خوا مځکی ئی و د اني کړي او هم هری خواته خپاره شول پېغله او دل په دلاوری مشهور او په جګر و کپی بریالی و، او یه دغوغو ختو کپی پېستانه د بگرام (پېښور) او غزنی او کابل په لتو کپی هم او سپد (۳) خیبر کک : ترمذکت او دل وروسته دده یه کورنی کپی حکمرانی پاته شو و، چه خو

عمر وروسته ملکت (رجه یار بحر) د دغوغو پېشنو په مشر توب وتا کل شو، او د ده له ز امنو خخه چه عیسی مشرو د پلار له خوا جانشین مقرر شو، وايی چه د عیسی په زامنوا کپی سليمان د ہر د سدا او پوهی خاوندو او په (خیبر کک) مشهور شو، او عیسی د پوهنه نامله خیبر کک په مشر توب غوره کړ، خیبر کک په دېره مراهه او عقل او دلا وری حکمرانی و کړه، د قوم د اخلاقو یه شه کو لو کپی زیارو کیښ، او خپل قوم ئی د کسی غره خخه د قندھاریه و دانو مځکو کپی سره خپاره کړل (۴)

دلیمان خیبر کک له زامنوا خخه هم دری تنه مشهور دی، پو پل، بار کک، الکو بار کک : ملکت خیبر کک پېغله روندون کپی یوه لویه جر ګه جوده کړه او د ده یه

زامنوا کپی د قوم په تا کنه ملکت بار کک په مشر توب وتا که، تر (۱۵) کالو پوری مشر توب په بار کک اړه دراوده، او په بنه خوی او پېستانه او پوهنه مشهورو، تو له قبایل ده ته ایل وه (۵) پوپل : ترمذکت بار کک وروسته دهه ورور ملکت پوپل د تو لو قبیلو مشر شو، خکه چه دی هم هوښيار او مشر توب په چارو شه پوهېدی، نوئي ده فی خوا پېستانه تول خپل تابع کړل د کا کړو

(۱) نفحات مالانس، سیر الاقطاب ص ۶۴ آئین اکبری ج ۳ ص ۱۶۶

(۲) تاریخ احمد ص ۹۳

(۳) درا ورنی په حواله تندکرة الملوک (۴) تندکرة الملوک

(۵) تاریخ سلطانی ص ۵۴

او دبلو خو قبا یال هم په شال او زوب کښې ورته ابل شول پس له (۶۵) کاله مشر توبه د عمر په (۸۹) کال وفات شو (۱)

د یو پل هم درې زامن پاته شوه حبیب ، بادو ، ایوب .

چه مملک پویل مړ کېبدی ، نوئي خپلو زامنونه وصیت و کړچه د خپلو پلر و پر پله پل کښېزدی ، ترمر ګک ورو سته ئې مشرزوی حبیب د پېښتو په ریاست وقا کل شو (۲)

حبیب : د مملک حبیب دوره د جنگو او نراع دوره وه ، دده ټول عمر دقایلو په تابع کوا لو

تیر شو ، مګر هیچا دده مشر توب نه مانه ، ترینو او برېخو او غلزو او کاکرو نخا تنه مشران غوره کړل ، او د مملک حبیب سره ئې جګړي و کړلې دی د عمر پر (۵۲) کال وفات شو او درې زامن ئې مشهور دی بامی ، اسماعیل ، حسن (۳)

بامی : بامی د شو خو یو خاوند او متواضع او مېړه سېږي و ، تر حبیب وروسته دی مشرشو ،

بامی د سلطان بهلول اودی ، او د سلطان سکندر اودی معاصر (۵۹۰۰-۸۵۵) اوله هغنو شاهنشا ھانو سره ئې دوستانه روابط دراولدل ، او هر وقت به هغنو سوغاتونه ورته را پېښل ، که خدهم دده په مقابله کښې نورو د مشتر توب مدعا نو هم دلوديانو له در باره سره روابط و نېټول ، مګر اودی در بار د بامی مشتر توب رسماً و مانه (۴) سلطان محمد مورخ دده عمر (۷۳) کاله ګډنی . د مملک با می مشهور زامن دغه درې تنه دی : نصرت ، کانی ، بساما ، مګر له دغنو خڅه یوه مشتر توب نه وو کړ ، کانی د عمر پر (۸۰) کال وفات شو .

بهلول ، معروف : د کانی له زامن خڅه دده مشرزوی بهلول بیا په ریاست انتخاب شو ،

دده په ریاست کښې (۱۲) کاله دده پلار کانی هم ژوندي و ، پېڅله بهلول د (۱۰۵) کالو په عمر تر د نیا ولاد ، او په لیاقت ئې ریاست و کړ او له زامن خڅه ئې معروف چه دېرش کلمن و پېغیل ژوندون کښې په مشتر توب و تاکه ، معروف بشه اداره و ننکړه ، او ملت خنی خپور او فریشان و ، تراس کاله حکمرانی وروسته وفات شو (۵)

يو زوي ئې مشهور دی چه عمر نو مېد ، خو د پلار ترمر ګک وروسته زو کړي او مورئي له سا ګزو خڅه وه ، ځکه چه عمر مېړه او دلاور سېږي و ، دابدالیو مشتر تو ب ئې پېر ته لاس ته راوست ، او هر چاته ئې دمهؔ کو وېش معلوم کړ ، اکړۍ قبایل ئې مطیع کړه ، او د همسا یه دو لتو له خوا هم دی په مشتر تو ب مثل شوی و ، خلق ئې په حکمدار ی

(۱) تاریخ سلطانی ص ۵ (۲) تذكرة الملوك ، حیات افغانی ، سلطانی

(۳) تذكرة الملوك ، حیات سلطانی (۴) تذكرة الملوك .

(۵) سلطانی ص ۵۷ حیات ص ۱۲۲

کبئی په را حت او هوساوه دده دری زامن مشهور دی : صالح ، سد و ، آدم ، او عمر ئی هم (۹۸) کاله و (۱)

صالح : - که خه هم سلطان محمد او محمد حیات لیکی ، چه ملک صالح دعمر مشرزوی حکمرانی نه و کره ، او خبل کشروع ورته ئی بزیپووه ، مگر دند کرمه الملوک په قول دده حکمداری هم ثابتنه ده ، او وايی چه قول ابدالی ده ته مطیعوه ، چېر پرهبز گار او فیاض سریوه ، غریبان به ئی روزل ، او سترخوان ئی هیچکله بی له مبلمه نه و ، دی دشیر شاه او سليم شاه سوری معاصر دی ( ۹۶۰ - ۹۴۷ھ ) او هغه بنه روابط چه دده پلرو له لو ده پاچهانو سره درلودل ، ده له سوریانو سره هم تازه کړول چه شیر شاه سوری دهلمی ونیو ، نوملک صالح دملی وحدت او تبریک اپاره خپل و کیلان دهلمی ته واستول پېښتون شہنشاه ددغون نمایند ګانو احترام و کړ ، او وي ویل : چه ملک صالح یوازی زما مشرندي ، بلکه دده پلرونه او نیکونه له چېرہ عمره زما دپلرو او نیکو مشران وه ، او د ملک صالح کورنی په ټولو پېښتو کبئی ساری نلری ، په دې ډول دغه پېښتنه شہنشاه د ملک صالح مشرتوب و مازه ، او دده نمایند ګان ئی په احترام د چېر و سوغاتو سره را رخصت کړول ( ۲ )

په دې ډول شاپی چه ملک صالح ترسدو دمخته مشرتوب کړی وی او وروسته د خپل ورور په حق کبئی تر حکمداری تېر شوی وی .

سدو : دده تولد په دوشنبی ۱۷ د ذیحجه ( ۵۹۶۵ھ ) و ، چه د شیخ اکو علیزی زاهد په امر ئی نوم ( اسد الله ) پر کشینبود چه پېښتنه ئی پېغیله اصطلاح سدو بول ( ۳ ) د عمر يه زوندانه کبئی پېښتو یوه لو يه جر ګه و کړه ، او په دغه ټولنه کبئی داسی فیصله وسوه ، چه وروسته دد ده مشرتوب په سد و امده ولري ، صالح چه مشرو ، هم د قوم په دې فیصله خوبن شو ، او مشرتوب سدو خان ته وسیاره شو ، پلار او مشر ورور کمربند او توره ده ته ور کړه ، سدود مشرتوب دوره په کا میابی تېر کړه ، او خپل مخالفین ئی هرې خیاته پر لخای کشینول ، په دغه و ختو کبئی دا بدلی قبیلو مر کړ ارغسان و او سدو خان هله په مړانه او عقل مشرتوب کاوه ( ۴ ) دسدو خان په عصر کبئی حاجی جلالخان بادوزی چه په حاجی زاه خان مشهور و ، او په فند هار کبئی تر او سه هم یو کلی ددم په نامه یادېتري ، دا بدلایو دلخینو قبیلو مشرتوب درلود ، مگر سدو خان چه یو یوه او پر خلقو گران مشرو ، قول ملت ئی سره منفق او تر خپله حکمرانی لاندی کړه ، او د حاجی زاه خان سلطنه ئی له منځه ور کړه ( ۵ )

(۱) سلطانی ، حیات . (۲) تند کرمه الملوک

(۳) تند کرمه الملوک ، حیات ص ۱۲۴ ( ۴ ) سلطانی ص ۵۹ - حیات ص ۱۳۳

(۵) خورشید جهان ص ۱۶۹

دسدو خان دژوندانه وخت دمئر خینو یه قول هفه عصر دی ، چه یه فارس کپنی شاه عباس صفوی یا چهی کله ، لکه چه سدو خان یوقوی او غبتعلی او د نفوذ خپتن مشرؤ ، نو داسی وايسی چه له صفوی درباره همدی یه مشر توب مثل شوی ؟

سدو خان په مشر توب کپنی یوبل دېښتو مشهور مشر (محمد) هم ملگری ئو ، چهدا محمد د محمدزو دقیلی پلاردي مگر دسدو خان اقتدار او ده دېښتو بنه خويونه داسی وه ، چه قول پېښتنه دده یه مشر توب راضی وه ، او دی دېښتو یه یو والی او اتحاد کپنی بريالي شوی ؟ (۱)  
مونږي ته دابنکاره ده، چه شاه عباس صفوی په (۱۰۳۱هـ) فندهار دجهان سگير مغولي خخه بولو وو (۲)  
لکه چه دسدو خان روابط له شاه عباس سره مؤر خینو ليکلى دی ، نوبا ييد چه سدو خان د (۱۰۴۰هـ) تر حدود پوري زوندي وي .

سدو خان زامن : سدو خان بنه مشهور زامن در لودل : خواجه خضر خان ، مودود (مددود) خان  
زعفران خان ، کامر ان خان ، بها در خان سدو خان دخیل عمر پر (۷۵) کمال د اوسل یوه لو یه جر گه راو غوشته ، او خیل زوی خواجه خضرئی یه مشر توب و تا که ، که خه هم مشر زوی مددود خان و مگر دسدو خان یه تا کسنه اوسل د خضر خان مشر توب و ماشه (۳) دسدو خان دغه پنهنه زامن د شاه جهان معاصر دی ، یه (۱۰۴۷هـ) چه د شاه جهان مامورین دفند هار د نیوالد پاره راغله ، ملك مددود او کامر ان خان له دوی سره کومکونو کړل ، او د فندهار مرز بانان ګټل کېدل (۴)  
دغومشرا نو ددهلي له درباره سره بنه روابظدر لودل ، لکه چه یه (۱۰۵۰هـ) ملك مددود او کامر ان خان دهلي ته ولادل او د شاه جهان له خوا خلعتو نه ور کړل شوہ (۵) دنورو ور ونو د مر ګک احوال نهدي معلوم ، امامملک مددود یه (۱۰۵۳هـ) د کابل له حکمران مير یحيى سره چه د شاه جهان له خوا مقرر ئو ، جگړه و کړه ، او یه دغه جګړه کېږي مرسو ، د شاه جهان در باره چه دغه اطلاع ورسېده مير یحيى ئې موقوف کړ (۶)

له دغه حوادثو خخه پېکار بېزی چه دغه ورونو پس له (۱۱۰۰هـ) زوندون کاوه له دوی خخه کامر ان خان عالم او فاضل سری ئو ، چه کليلد کامر ان ئې چه (۱۰۳۸هـ) دفند هار په شار صفا کپنی تاليف کړي دی (۷)

دخواجه خضر ریاست او حکمدا ری او یا کاله وه ترده وروسته ئې دوه زامن خدا داد سلطان او شیر خان مشران شول ، خدا داد په پېښتو کپنی یه سلطان (خوده کی) مشهور و ، او یه دېر لیاقت او قوت ئې مشر توب کاوه یه دغه وختو کپنی دېردو دولت د ترقۍ ۱ چولو

(۱) تتمة البيان ص ۲۳ - سرجان ملکم - ملیسون (۲) ترک جهان سگير اقبال نامه ، منتخب الباب

(۳) سلطانی ، حیات (۴) پادشاه نامه ج ۲ ص ۲۲ (۵) پادشاه نامه ج ۲ ص (۱۵۱)

(۶) پادشاه نامه ج ۲ ص ۳۴۸ (۷) پېنه خزانه ص ۳۰

سیاست هم سلطان خدا داد ته بکاره شو او دی پستانه مشر به خپله پوهی ددی خبری حس و کچه باید پستانه سره یolas شی ، هفهؤ جه دی د غلجو قبا یلو له مشارانو سره به مقا همه او جر گه کنی داخل شو اوله غلجو پشتو سره ئی دوستانه روابط تینگ کرل په دغه وخت کنی دغلجو دفائلو مشر سلطان ملخی و خوده کی دهه مشر سره مقاهمه و کره ، او دابدالیو دمکو حدئی دکلات پل سنگی او گرماد و تا که ، چه تر او سه داوین معتبر دی (۱) نکه چه دغه مسئله هر وخت دیگری وسیله وه نو سلطان خدا داد او سلطان ملخی په پوهی او خبر خواهی دینسته و متنجه و میسته . سلطان خوده کی دزوب او بوری مکی هم تر خپل تصرف لاندی کری ، او ویه بنه دول ئی دریاست کارونه و کرل ، دی داور نگ زیب معاصره (۱۰۰ه) حدود تر سلطان خوده کی وروسته دده و رور شیرخان مشرشو ، او (۱۰۵ه) په شاوخوا کنی دقدنهاره صفوی حکمران سره چکری و کری ، هفه قو چه دقدنهار حکمران پینین ته دمالیاتو دنولو دیاره استولی وه ، دکوبذک په بند کنی شیرخان دخیلو اقوامو په مرسته محو کره ، صفوی حکمران له شیرخانه ددغی چکری مجر کین و غوشتل ، مگر شیرخان په لاس ور نکره ، صفوی حکمران دقدنهار دشوار دشاوخوا توں ابدالی ددی واقعی په انتقام تالا کرل ، او شیرخان هم په کلات او پینین کنی دیردو پر مقابله دملی استقلال اعلان و کر . شیرخان کلکه او غبیتلى پیشون و صفوی دولت دده دماتولو دیاره بله چاره نه در لوده ، دده دا کا محدود خان یوزوی و چه شاه حسین نومبدي ، دابدالیو په مشر توب ئی دشیرخان د مقابله دیاره و تا که ، په دی دابدالیو په منج کنی نفاق ولو بد ، مگر زر شاه حسین دخیل کار تیجی ته ملتفت شو ، او جلیل (خلیل) نومی چد صفوی بیگلر بیگی لاخوائی دینسته اچلو وظیفه در اولد مرئی کر ، او له دقدنهاره شیرخانه صفاته ولاده هلتنه ئی دشیر خان سره روحه و کر ، او دریاست امور ئی هفه ته و سیارل ، پخیله ملتان ته و لاد (۲)

شیرخان : تر شاه حسین و روسته شیرخان دابدالیو خپلواک مشر شو ، او دا سی قوت ئی

وموند چه دصفوی دربار له خواهم دده استقلال او ریاست په رسمي دول او پیشانده سو ، په دی شرط چه دقدنهار دیگلر بیگی سره بد خطری پر وخت مرسته کوی ، شیرخان هم بدال خان باعیزی او میرا لکوزی دمبارک زو چه دقدنهار دابدالیو نور مشران وه ، دخان ملگری او پچل نیابت ئی مقرر کرل او په دی وسیله ئی ملي یوتوب او اتحاد حاصل کر . شیرخان (۶۵) کالوو ، چه یوه ورخ په بکار کی له آسه ولو بد او سخت تی شو ، نوئی خپل زوی سرمست خان په ریاست و تا که ، او پس له هفه وفات شو (۳)

(۱) سلطانی ، حیات (۲) سلطانی ص ۶۰ - ۶۴ - حیات ۱۲۲ - ۱۲۴

(۳) سلطانی ص ۶۵ - حیات ص ۱۲۵

سرمست خان : سرمست خان د خپلو پن و په دول د ریاست کارونه پر خپله غامده و اخیسته او تر دیر شو کا لوپوری ، د پنتنو مشر گهبل کبدي ، دی د خپل زوندانه تر ( ۵۰ ) کالوپوری ژو ندی و ، دری زامن لخنی پاتهشول ، چهمشهور ئی دولت خان و ( ۱ ) دولت خان : د سرمست خان د مهینی پروخت دولتخان کوچنی و ، نود سرمست خان اکاحیات سلطان

چه د سلطان خوده کی زوی و ، دریاست کارونه ئی اجرا کول ؛ مگر له حیات سلطان مشهور په فیروز خان خخه داسی کارونه د صفویانو په طرفداری کبپی و شول چه او لس لخنی خیمه شو، او په عوض کبپی دولت خان چه نوی مهرا نی و هلی و پرخای کبپناوه دولت خان ، د قندھار د صفوی حاکم سره جگپه و کړه هغه فرخ نو می د دې لپکر سره ورته راو لپزی ، مگر دولت خان دغه فرخ د لپکر و سره مړ کړ ، خوچه پخپله بیگلریکی مقابله تهور ته را ووتی ، مگر دولت خان دی هم مات کړ ، حیات سلطان چه د دولت خان مهرا نه ولیدله ، د قوم ریاست او مشر توب ئی ده ته پرینه ، هند ته ولاړ ، نو دولت خان مستقل رئیس شو ،

صفوی حکومت د دولت خان دغه کامیابی لیدله ، لحکم چه د قندھار بیگلریکی ( زمان خان ) خو نسوای کولای ، نو تر ( ۱۱۰۶ ) وروسته د شاه حسین صفوی په امر مو قوف او په عوض کبپی ګر ګین خان ګرجی چه نوم ئی وختنک و د شاه نواز خان په لقب قندھار ته راو لپزی ، دی نوی حاکم بلخه نسوای کولای نوزعت خان اوائل خان ابدالی ئی د دوالت خان په مقابله کبپی پور ته کړه ، خوچه د دوی په مرسته ګر ګین خان و کړای شوچه یوه شپه په شهر صفا کبپی د دوالت خان په کلاچه لپکرور توی کړی ، دی لپکر و پخپله دولت خان او د ده زوی نظر محمد خان او فقیر خان نو کړ ئی ونیو ، او د ګر ګین په امر دوی اعدام شول ، په دی ډول ګر ګین خان موفق شو ، چه د ولت غوندی لوی مشر پېښتون مړ ، او د صفوی کورنی یو قوی دېمن له منځه و با سی ( ۲ ) ( ۱۱۵۵ هـ حدود ) رستم خان : د دوالت خان دری زامن وه نظر محمد خان دیلاړه سره یو محای د ګر ګین خان له خواو وژل شو ، بل مشر زوی ئی رستم خان و ، چه زمان خان ئی کش رو رور و ، لحکم چه ګر ګین خان د دوالت په وزل اوهم ابدالی قبایل ایل نکړه ، او هر کله په دغه خپلو اکو ټبرو خان نو نه دېر دواليه لاسه ټغورل ، نو ګر ګین مجبور شو ، چه درستم خان زدہ و ساتی . رستم خان قابل اولا یق سپری و ، مشر توب ئی په خوارا بهه ډول کاوه ، د قوم نور مشر ان ئی هم خانله را جلب کړل ، سرور خان د بختیار خان بامیزی زوی ، او کته خان ا کوزی ئی پخپله پیشکاری مقرر کړل ، او د دوی په سلائی دابدا لیو مشر توب کاوه .

( ۱ ) سلطانی ص ۶۵ - حیات ص ۱۲۵ ( ۲ ) سلطانی ص ۶۷ حیات ص ۱۲۶ زند گانی

نادر ص ۹ - روضته ا اصفای ناصرج ۸ - سرجان ملکم -

گر گین خان درستم خان کشرو و رزمان خان لده ختخه دیر غمل به قول و غوبت او کرمان ته ئی و استاوه، له دی چهته نورستم خان دخپل مشر توب په دوره کنی په بسکاره دصقوی دولت برخلاف خه نسوای کولای، مگر قند هار دجنوبی خوابلوخ قبائل ئی د آزادی غو بشتلو په نامه تحریکه کول هغود صفوی دولت له حکمرانه سره چگره و کره او رستم خان په دغه ذریعه دصقوی دولت اپنکر تباه کره، گر گین خان درستم خان لده ختخه کاره خخه و بیر بندی کر، دی ئی بندی کر، خوجه و روسته ئی موهم کی، درستم خان مشر توب خلور کالهؤ، له ده خخه کم اولادندی پاته، پس له رستم خان قند هار کنی دابدا لیو قبائل بی مشره پاته شول، او دصقوی حکومت اپنکر دوی خورا سره و نېتېچل خوجه دوی ولاي دقند هار دنپور او کى په ریگستان او بکوا کنی میشته شول (۱)

دا قول و قایع تر (۲۱۱۹ھ) پوری واقع شول و روسته له قند هاره دابدالیو مشر ان هرات تهولادل او هلتئه ئی تر خوخته پوری مشر توب و کره، په قند هار کنی د (۲۱۱۹ھ) په پای کنی حاجی میرویس خان هو تکه گر گین خان مر کر، او تر ۱۵۰ھ پوری دقند هار د هو تکو په لاس کنی ئی او س به دلتئه دابدالیو و روسته و قائم چه په هرات کنی پېش شوی دی، لنه لنه ولیم کم.

## دهرات ابدالی

دمخه وویل شوه، چه حیات سلطان دسلطان خوده کی زوی ددولتخان په عصر کنی له قند هاره ولاه او بیه ملتان کنی او سبدي، هفه وخت چه د گر گین خان مناسبات له ابدالیو سره وران شول او دوی ئی تالا کول، نوا بدالی قبائل تقریباً پنجویس زره کوره بکوانه بکوانه ولا دل، عبداللخان: په (۲۱۱۹ھ) (چه فر حوم حاجی میرویس خان هو تکه دصقوی حکومت کمبله تو له کره او قند هار ئی آزاد کر، نوشاه حسین صفوی، کیخسرو خان له (۲۵) زره لپنکر سره د حاجی میرویس خان مقا بلی تهراو لېزه، تکه چه په عسکری قوت ئی د پېشتنو سره مقابله نسوای کولای نوئی دتفاق دیاره له ملتانه د حیات سلطان سد وزی زوی چه عبداللخان نومبندی راو غوبت او عبداللخان له اسدالله خان خپل زو یه سره بیر ته قند هار ته راغنه که خه هم دوی دصقوی دربار له خواه حاجی میرویس خان د مقابله لپاره راغو شتل شوی وه، مگر دوی تکه چه پېشناه او پر خپل وطن مین وه، نوئی فرصت غوبت، هفه ۋچە کیخسرو خان او لپنکر ئی د حاجی میرویس خان له خوا په ۲۸هـ در ۱۱۲۳هـ محو شول نو عبداللخان او اسدالله خان له فر صتھ استفاده و کر، دواهه هرات تهولادل، او هلتئه ئی دخپلوا کى کانون تود کر، تکه چه دهرات ملیون هم خپلوا کى ته تیاروه، نوئی د عبداللخان سدو زی ملگری و کر، په دغه وخت په هرات کنی عباس قلى خان شاملو دصقوی دربار له خوا حکمران، هفه عبداللخان او او اسدالله خان دواهه بند يان کپل

(۱) سلطانی ص ۶۹ حیات ۱۲۶



عوج، محمد کبیر خان دفوائندعامی وزیر  
S.Ex. Mohammad Kabir Khan  
Ministre des travaux publics.

## دفوائندعامی وزارت

وزیر : عوج محمد کبیر خان  
وزیر : من نصرالله خان

### دتعییراتو عمومی مدیریت :

عمومی مدیر : ع عبد الرحمن خان  
دتعییراتو مدیر اداری : من میر عذایت الله خان  
وزیر کابل : ع محمد طاهر خان

### دمعابر و عمومی مدیریت :

عمومی مدیر : ع محمد اکرم خان  
دمعابر و : من فضل حق خان  
دستگخوار و دسرک مدیر : حفیظ الله خان

### دو رالو او بندو عمومی مدیریت :

عمومی مدیر : ع سید وحدت شاه خان

### دصالح دنهی عمومی مدیریت :

عمومی مدیر : ع ابراهیم خان  
اداری : من میر محمد خان

### دتفیش عمومی مدیریت :

عمومی مدیر : ع سعد الدین خان

### دادا شونو عمومی مدیریت :

عمومی مدیر : ع شاه محمود خان

### دکنترول عمومی مدیریت :

عمومی مدیر : ع غلام رسول خان

### اور فنی اواداری مدیریتونه :

دینخانکی فنی مدیر : من غلام محمد خان  
دانشآتو مدیر : د شیر احمد خان  
لوبیا پیشی مدیر : ع عبد الغفور خان

خود اته ده رات ملیون سره و بیور بدل، او بعاس قلی ئی اه هراته و بیوست، صفوی در بار چه ده رات دملیون نو په نهضت خبر شو، دعباس قلی پرخای ئی جو فرخان استاجلو ده رات دا بیل کولودیاره مقرر کر، منکر عبد الله خان چه داسی فرست ئی و غوبت، او په هرات کېپی د آزادیخوا هانو قیادت کاوه، له بندی خانی را ووت، ددو بناخ غرمه و لار، ابدالی قبائل ئی سره غو نو کول، او اسفار ئی و نیوی، وروسته ئی په هرات یر غل و کړ، د صفوی حکومت نوی حکمران جعفر خان مقابله ته را ووت، او یو فرسخ له هراته لیری جګړه و نښته، پېښتو جعفر خان ژو ندی و نیوی، اور اغله ده رات ئی کلابند کړ، د عبد الله خان مرنی لېسکر ده رات پرهه بر ج چه پیله خانه نو مهدی، او د عراق او ملک د دروازو تر منځ واقع و، وروخت، او پیار ئی فتح کړ، دروزی ۲۶ شې (۱۱۲۹هـ) تردی بری وروسته ده رات ملیون تول سره غونډ شول، غوریان، کوسان، بالامر غاب با دغیس او به او نور ده رات ملحقات ئی تول و نیو ل، او هلتنه ئی ملي حکومت تا سیس کړ، او فراه ئی هم په دغه غربی مر کړی حکومت پوری و نېلواه.

صفوی در بار چه قندهار هلاسو تلی و، نه ئی غوبتنه چه هر ات هم دغسی مفت ايله کړی، نو فتح علی خان تر کمان له اصفهانه ده رات دا بدا یو مقابله ته ده بې لېسکر سره مقرر شو.

پېښته ده رات د آزادی لپاره د عبد الله خان په مشر توب د صفوی لېسکر و مقابله ته ور غل.

اویه گوسویه او غو زیان کېپی جګړه و نښته، ده رات ملیون بر یالي شول، او د صفوی لېسکر و قوماندان فتح علی ئی دله کړو سره تول وو ټل، او ده برو غنا ئمو سره هرات ته را غل په دې ده ده عبد الله خان او د عبد الله خان هرات دې دله ده حکومته آزاد کړ، او پیخله ده ده حکمرانی کو له (۱)

عبد الله خان: لکچه لوړ مووویل اسد الله خان د خپل پلار عبد الله خان ګندي قوما ندان و،

دوی تر (۱۱۳۲هـ) پوری په خپلوا کې په هرات حکمرانی و کړه، په دغه کمال یوه خور ابهه واقعه پېښه سوه، چه اعليه حضرت شاه محمود هو تک دحا جي میرویس خان زوی غوبتله، چه دایران خواهه خپله دې بدوا لار خلاصه کړی، ددی دیاره ئی دیووه اپنکر سره په فراهه باندی یر غل و کړ، اسد الله خان چه دفراهه لاسه تلله نه غوبتنه، دشاه محمود سره ئی ده جګړی دیاره لېسکر تر دلار امه بو تله چه دخواشر و دیر غایه واقع دی، لکچه ده قندهار او هرات لشکر دواړه سره خپلواون او هم وطن وه، نو چاهه غوبتنه چه جنګکه و کړی، خویه لمپی تصادم کېپی پیغله اسد الله خان مرسو، او شاه محمود چه نه غوبتنه له خپلوا هموطنانو سره جګړو و کړی، پېښه ده قندهار تهولاد، او ده رات لېسکر هم دا سده الله خان تر قتل وروسته ده رات ته و گرزیدل (۲)

(۱) فلمی نادر نامه ص ۲۴ - سلطانی ص ۹۸ حیات ص ۱۲۶ جهان نکشای نادری ص ۷، تاریخ احمد - فلمی ص ۳

(۲) جهان نکشای نادری ص ۸ سلطانی ص ۹۹ حیات ص ۱۲۷ فلمی نادر نامه ص ۲۵

دابده واقعه چه دوازد خواونه غوښته، او اعلمیحضرت شاه محمود ئی دیر متاثر او متأسف کر

په (۱۱۳۲) پیښه شوه.

زمان خان: دابدالیو لېسکرچه په دلارام کېبی اسدالخان غونډی مشر با يلسی، بېرته هرات

له ولادل، او شاه محمود هو تک چه اصلاح جنگ که نه غوښت، قندهارته و گرزیدی، او عبد الله خان دخیل زوی له مر گه نهایت غمجن شو، حکم چه دی سین زیری هم، نوابدا لیو و غوښتل چه دده پر ځای یوز لمی اود کارسوی یه خپل مشر توب و تاکی په دغه وخت کېبی عبدالغافی خان الکو زی چه دابدالیو مشرو، زمان خان چه درستم خان ورور او د دولت خان زوی و دابدالیو په مشر توب و تاکه، زمان خان پوه سری او دلار او فعال مشر وابدالی ئی سره متفق کړل، او جعفر خان او نور دصفوی دولت ما مورین چه په هرات کېبی د مليو نو په لاس بندیان وه، د باغ نو په خیابان کېبی قول مره کړل، او د هرات ملي ابدالی دو انت دئی ددوی له فساده و زغوره.

دغه وخت دصفوی دربار له خواصی قلی خان تر کمان او غلی ده بر لېنکره سره د هرات د بیولو لپاره له مشهد دیر غل و کړ، زمان خان دهرات له ملي لېنکر سره د دوی مقابليه ته وووت، د کافر کلا پرمیدان ددوی تر منځ سخت جنگ و شو، که خدهم د پارس لېنکر خورا د ہپروه، مګر د زمان خان ملي لېنکر بریا لی شو، او پېڅله صافی قلی خان هم ووژل شو، زمان خان مظفر او د دې پروغنا یمو سره هراته و گرز بدی، پس له دی زمان خان دوه کاله او (۵) میاشتی مشر توب و کړ او له دنیا خشخه ولاد (۱) (۱۱۳۵) دده دوه زامن مشپور دی ذوالفقار خان، احمد خان.

محمد خان: چه زمان خان مرسو، نو د هرات ابدالیو په (۱۱۳۵) محمد خان د عبد الله خان زوی

دقندهار له بشورا و که راو غوښت او د هرات چه کمرانی ئی ورو سپار له، په دغه کال چه اعلمیحضرت شاه محمود هو تک په پارس یړ غل و کړ، نو محمد خان هم د هرات له مليو نو سره بر مشهد هجوم ببوی، او هه پهارئی خلور میاشتی محصور کړ.

محمد خان د خراسان په شا و خوا کېبی خپله سلطنه قوى کړه، د سنگان کلا چه دغوریان غربی خواته و هم ده و نیو له خپل مامورین ئی شاه و خوا مقرر کړل او بېرته هراته را غی، محمد خان تردغه و روسته په مشر توب کېبی موفق شو، او ابدالیو دی له حکم داری، خڅه خلمع کړ، او ذوالفقار خان د زمان خان مشر زوی چه دخیل پلار تر مر گک و روسته شور اوک ته تملی و را ئی ووست او د هرات د مشر توب وا ګئی ئی پلاس کېبی ور کړي (۱۱۳۶) (۱۱۳۷) مګر دوه کاله و روسته په (۱۱۳۸) ر حمن خان د عبد الله خان زوی او د محمد خان ورور هرات له راغی، او وئی غوښتل چه حکومت قبضه کړی، حکم چه پېښتو نفاق او جگره نه غوښته نوئی ذوالفقار خان باخزر او رحمن خان ئی فراه ته

(۱) جهانکشای نادری ص ۹ سلطانی ۱۰۰ حیات ۱۲۷

ولپنل، او په دې چم ئې فتنه لهمنجه ور کە كۈره، اودهرات دمر كىرى حكومت د پا رەئىي  
الله يارخان د عبدالله خان بىل زوى چەپە ملتان كېنىي وروغۇشت، دىھم پە دغە كىمال (۱۱۳۸ھ)

راغى، اودهرات دمىش توب واگى ئې پە لاس كېنىي ونيوپى (۱)

الله يارخان اوذوالفقار خان: پس لهەفەچە الله يارخان دهرات حكمدارى و نیو له پە (۱۱۳۹ھ)

نادر افسار مشهد مسخر كىر، او اته زره اپىكىر ئې دىستگان پىركلا راواستول، او چە دغە خاي  
ھم دهرات دابدالىو تر تصرف لاندى.

لەھرات دىدى كلا دسا تاڭ دياره اوھ اته زره تىنە دالله يارخان لە خوار او لېپنل بشوھ،  
مگىر پس لهلىچىنگە دغە اپىكىر بېرته هراتتە ولايدل.

نادر شاه پە ايران كېنىي ورخ بەورخ قوی كېدى، اودهرات آزادى. تە خطر بىدا كېدى،  
نوالله يارخان اوذوالفقار خان دهرات دەملىيۇ نۇ مشران سرە مەتفق اودلىكىرىپە تىار و لوبخت شۇن.  
د (۱۱۴۱ھ) دشوال پە خىرمە نادر افسار دهرات پىرخواحركتو كىر، او تر بت جام تە  
راور سبىدى، لەدى خوا الله يارخان زىر سپارە دەمە ولپنل، او پېغىلە ھم ولايد كوشان پە كلا كېنىي  
دەمقابلىي دپارە كېنىينوست.

نادر شاه تەدىپېشتو دلا ورى او شجاعت مەلۇم و، الله يارخان تە ئې خط و كېپىش،  
روغە ئى ئىھىنى وغۇبتىنە، مگىر ابدالىو ووپل چە مونىز دتوري بە خۇ كە بۇواب وايىو، نە پە  
قىلم. نادر افسار، كافەر كلا تە راغى، او دلتە جىنگى و نېتى، پېشتو دىنى خوا حملە و كۈره  
او دنادر افسار داپنەكىرو پە منخ ورنۇتل، دلتە دنادر پېشە زخمى شو، او نزدى وە، چە ددە  
زوند پە دغە. جىنگى كېنىي باي تە ورسېزى، مىگىر دېپېشتو پىز يۇدە مشر گولى و نېتى، او تر  
شا شۇل، وروستە بله ورخ الله يارخان بىيا خىپل لېپنل سرە تىار كىر او سخت جىنگى و اقۇع  
شو، پېغىلە نادر شاه دېپادە لېپنل كىر لە، بە دې جىنگى كېنىي دېپېشتو نېتىكىر  
دېبى انتظامىي لامىھ ماھە و كۈره، او هرات تە ولايد، مگىر الله يارخان هلتە بىيا لېپنل سرە  
تۆل او تىيار كۈل، او دېپىيان بە رباط كېنىي چە لەھرات تە دوھ فە سخە لېرى دى د نادر  
مەقا بلىي تە ولايد، بە دې جىنگى كېنىي بىيا پېشتو پە نادر سخت فشار را وەد، او دا سى  
جىنگى ئې و كۈر، چە دەمە نە و شۇي. خۇ دلتە يۇ داسې شىدە باد را والوت، چە هو ائىي  
دېپرە تىيارە كۈره، نۇ دوايد خواو لاس لە جىنگى و كېپىش.

درىيمە ورخ بىيا الله يارخان پە جىنگى كۈره لاس يورى كۈر، او تر ماينامە ئې جىنگى و كۈر،  
پە دې وخت كېنىي ذوالفقار خان ھم دخپلۇ لېپنل سرە دېنى خوا دنا در پىز قواو يې غل

(۱) سلطانى ص ۱۰۱ حيات ۱۲۷ - جەنكشاص ۹۵

و کم، نادر دپشنتو له مرااني او شجاعت خخه روغى ته مجبور شو، او دشـکـيـاـن پـهـرـ باـطـ  
کـيـيـ دـمـداـكـيـ اوـ روـغـيـ وـرـ لـهـ پـيـشـتـتوـ سـرـهـ بـيـرـتـهـ كـمـ، اـوـدـ اللهـ يـارـ خـانـ حـكـمـرـ اـنـيـ ئـيـ  
رسـماـ وـمـنـلـهـ، دـذـوالـحـجـيـ خـلـمـهـ وـهـ، جـهـ دـنـادـرـ لـبـسـكـرـ پـسـ اـهـ دـوـوـ مـيـاشـتـوـ جـگـرـيـ بـيـلـهـ دـيـ چـهـ  
هـرـاتـ وـنـيـسـيـ بـيـرـتـهـ مشـهـدـتـهـ لـاـدـلـ (۱۱۴۱ هـ)

تردي جـگـرـيـ وـرـوـسـتـهـ ذـوـالـفـقـارـ خـانـ بـيـرـتـهـ فـرـاهـ تـهـ وـلـادـ، اوـ اللهـ يـارـ خـانـ دـهـرـاتـ حـكـمـدـارـيـ  
كـولـهـ، حـكـمـهـ چـهـ نـادـرـ اـفـشـارـ بـسـ لـهـ دـيـ يـهـ بـارـسـ كـيـيـ دـاعـلـيـ حـضـرـتـ شـاهـ اـشـرـ فـهـ وـتـكـ  
سرـهـ يـهـ جـگـرـوـ بـختـ وـ، نـوـ اـبـدـالـيـوـ وـغـوـبـشـتـهـ، جـهـ تـوـلـ خـرـاسـانـ دـهـرـاتـ پـهـ حـكـوـمـتـ يـورـيـ  
ونـيـلـوـيـ، حـكـمـهـ چـهـ اللهـ يـارـخـانـ دـغـهـ مـهـمـ كـارـ نـسـوـاـيـ كـمـاـيـ نـوـ ذـوـالـفـقـارـ خـانـ لـهـ فـرـاهـ خـخـهـ  
رـاغـيـ، اوـ دـعـبـدـالـفـنـيـ خـانـ السـكـوـزـيـ پـهـ مـرـسـتـهـ ئـيـ هـرـاتـ لـهـ اللهـ يـارـ خـانـ خـخـهـ تـسـلـيمـ كـمـ

(۳ دـشـوـالـ ۱۱۴۲ هـ) اوـ اللهـ يـارـ خـانـ اـهـ خـيلـ مـلـگـرـ وـ سـرـهـ مـروـ چـاقـ تـهـ وـلـادـ.  
ذـوـالـفـقـارـ خـانـ ژـرـ خـيلـ لـبـسـكـرـ سـرـهـ چـمـتـوـ كـپـلـ، اوـ دـاـتـوـ زـرـوـ تـنـوـ سـرـهـ وـلـادـ، دـمـشـهـدـ شـارـئـيـ  
كـلاـ بـندـ كـمـ، دـاـجـنـگـيـ اوـزـدـ شـوـ، يـهـ ۱۳ مـحـرـمـ ۱۱۴۳ هـ دـمـشـهـدـ مـدـافـعـ اـبـراهـيمـ خـانـ سـخـتـ  
شـكـسـتـ وـخـودـ، اوـ نـادـرـ شـاهـ مـجـبـورـ شـوـ، جـهـ دـيـارـسـ نـورـ جـنـگـوـنـهـ پـرـ بـنـرـ دـيـ، اوـ دـمـشـهـدـ  
خـواـتـهـ مـخـ رـاوـاـمـوـيـ، ذـوـالـفـقـارـ خـانـ چـهـ دـغـهـ خـبـرـهـ وـارـ وـيـدـهـ، دـيـرـ ذـخـاـيـرـ اـوـ غـنـايـ ئـيـ  
يـهـ لـاسـ كـيـيـ وـهـ، هـرـاتـ تـهـ وـلـادـ، اوـ نـادـرـ شـاهـ درـوـزـيـ يـهـ (۱۵ هـ کـالـ)  
دهـرـاتـ دـتـسـخـيـرـ لـپـارـهـ عـزـمـ وـ كـمـ ذـوـالـفـقـارـ خـانـ ئـخـانـ مـقـابـلـيـ تـهـ چـمـتـوـ كـمـ غـنـمـ اوـ غـلـيـ ئـيـ يـهـ  
بـنـارـ كـيـيـ دـنـهـ كـيـيـ اوـ دـنـادـلـبـنـرـاـغـلـهـ بـنـارـ ئـيـ مـحـاـصـرـهـ كـمـ، اوـ پـيـغـيـلـهـ نـادـرـ شـاهـ ئـيـ يـهـ  
(۴) دـجـوـيـ نـقـرهـ سـرـهـ دـبـنـارـ غـرـبـيـ خـواـتـهـ وـادـولـ، ذـوـالـفـقـارـ خـانـ لـهـ كـلـاخـهـ رـاوـوـتـ اوـ دـنـادـ  
پـرـ لـبـسـكـرـوـ ئـيـ يـرـغـلـ وـ كـمـ، حـكـمـهـ چـهـ لـهـ قـنـهـارـهـ هـمـ دـاعـلـيـ حـضـرـتـ شـاهـ حـسـيـنـ هوـ تـكـ لـهـ خـواـ  
يوـ خـهـ لـبـسـكـرـ دـهـرـاتـ دـمـلـيـوـنـوـ دـكـومـكـ لـپـارـهـ دـمـشـهـورـ جـنـرـالـ سـيـدـالـ خـانـ نـاـصـرـ پـهـ قـيـادـتـ  
رـاـبـنـلـشـوـيـ وـهـ نـوـ دـغـهـ لـبـسـكـرـهـ پـيـارـ سـيـانـوـ حـمـلـهـ وـ كـمـ، اوـ يـغـيـلـهـ نـادـرـ شـاهـ ئـيـ يـهـ ۱۰ هـ  
برـجـ كـيـيـ مـحـاـصـرـهـ كـمـ، هـفـهـ دـخـلـهـ لـبـسـكـرـسـرـهـ تـخـتـسـفـرـهـ وـلـادـ اوـ دـاـجـنـگـوـنـهـ خـوـرـ خـيـ جـارـيـ وـهـ  
بلـهـ وـرـخـ دـپـشـنـتوـ دـمـشـرـاـنـوـ جـرـ كـهـ ذـوـالـفـقـارـ خـانـ لـهـ خـواـرـاـ وـغـوـبـشـتـهـ شـوـهـ، دـوـيـ توـلوـ عـهـدـ  
اوـهـرـونـ وـ كـمـ، جـهـ لـهـ پـرـدوـ سـرـهـ بـهـ تـرـ پـاـيـهـ جـگـرـهـ كـوـوـ، دـدـيـ تـرـوـنـ يـهـ اـثـرـ بـيـاـ جـنـگـ سـخـتـ  
شـوـ، اوـ دـنـادـلـبـنـرـ ئـيـ تـرـشـاـ كـپـلـ.

نـادـرـ شـاهـ لـهـ شـاـخـوـاـ خـخـهـ نـورـ لـبـسـكـرـ هـمـ رـاـ تـوـلـ كـپـلـ، اوـ دـمـبـرـوـ چـاقـ اوـ بـادـ غـيـسـ خـخـهـ  
ئـيـ خـيـلـهـ قـوهـ رـاـ غـونـهـ كـمـ، اوـ دـهـرـاتـ پـهـ شـاـخـوـاـ كـيـيـ جـنـگـ كـاـوـهـ، خـوـ چـهـ دـشـوـالـ  
ترـ ۲۳ وـرـوـسـتـهـ دـشـمـسـ آـبـادـ پـهـ كـلـيـ كـيـيـ سـخـتـ جـنـگـ وـشـوـ، اوـ يـهـ دـيـ جـگـرـهـ كـيـيـ تـقـرـيـباـ  
دـرـوـزـوـ اـبـدـالـيـوـ خـانـوـهـ تـرـ وـطـنـ قـرـبـانـ كـپـلـ.

وروسته نادر دهرات هری خواته لس زره تنه مقرز کول ، چه بشار پوره مجا صبره  
شی ، مگر ذوالفقار خان له جگری خخه لاس نه واخیست ، هم هفسی په جنگ او مد ا فمه  
بخت و ، او دنادر پر لپکرو ئی له هری خوا حملی کول ، او په مرا نه ئی بشار سا ته .  
دلته نا در شاه کینی خلق ذوالفقار خان مخالف کول ، او ذوالفقار خان مجبور شو ،  
د هرات دفاع کار ئی الله یار خان ته پر پیشود ، او پیغیله دخیل و رواحمد خان سره قندهار  
ته ولاد ، الله یار خان هم راغی ، او په ۱۸ دصرع ۱۱۴۴ ه ئی دهرات دفاع کار پیغیل  
لاس کینی واخیست ، که خهم پیغیله نادر شاه دالله یار خان خخه دمدادعی ستر گه نه در لوده  
مگر الله یار خان په نه دول په دفاع شروع و کره ، او شاخوا ئی هم خیل . لپکر و لپزل ،  
او دجکرو میدان ئی لاتود کر ، لکه چه په ۲۱ دریع الثانی ۱۱۴۴ ه دنبار غربی خوا ته  
داسی سخت جنگ و شو ، چه نادر شاه دینتنو میرانی او شجاعت ته ار یان پا ته شو ،  
لکه چهداوبی د کلا خلق هم دهرات دمليونو او دمدادعیتو تابع وه ، نوالله یار خان د سیدم خان  
او آیاز خان په قیادت دوه زره تنه له پزاره او بی ته و پیزول ، دنادر شاه له خوا اسمعیل خان  
استاجلو دهی کلا مدافع و ، دابدالیو لپکر و اسمعیل خان ووازه ، او له او بی خخه ئی دبر  
ذخائر دنبار والو لپاره را و استول ،

لکه چه دالله یار خان کورنی او کلدی او دینتنو دبر مشران په دغونجکو کینی دنادر شاه  
په لاس بندیان ورغلی وه ، نوالله یار خان در جب په اولو ورخو کینی دهرات شیخ الا سلام او  
سعادت خان افغان نادر ته و پیزول ، او اسیران ئی سره مبادله کول .  
در جب په ۱۴ ورخ ۱۱۴۴ بیا الله یار خان پر نادر چه په گازر گاه کشی و حمله و کره ،  
او سخت جنگ ئی ورسه و کرمگردانه دالله یار خان و کیل او بیو مشهور ملگری حمزه سلطان  
پو پلزی دنادر شاه په لاس بندی کینهبوت ، او دالله یار خان دمدادعی قوه هم یای ته و رسیده ،  
هفو چه دروزی په اومری ورخ ۱۱۴۴ ه ئی دهرات بشار پر پیشو ، دخیلو اتباع او او ملگر و او  
خپلو خپلو انوسره د قندهار له لاری ملتان ته ولاد . او نادر شاه افشار هرات تر (۱۲) میاشتو محاصری  
او دفاع وروسته ونیو (اوله د رمضان ۴۴) (۵۱)

لکه چه نادر شاه دهرات دمحاصری په وخت دبر لپکر د محمد سلطان مروی او ابراهیم خان  
خپل ورور په قیادت د فراه دنیولو لپاره هم ور پیزای وه ، نو دغول لپکر و لومبری مصطفی خان ابدالی  
چه دهرات له خوا مقرر په خاش کینی ووازه ، وروسته ئی په فراه کینی علیمردان خان د  
ذوالفقار خان ورور محصور کر ، دا محاصره هم ترهه وخته وه : خوا الله یار خان له هراته  
راورسیده ، دلته نو ابدالیو فراه هم دنادر لپکر و ته وسیار له ، او بیدی دول دهرات او فراه حکمداری  
چه ابدالیو له ۱۱۲۳ ه خخه کو له پای ته ورسیده ، خو چه بیانو اعلیحضرت احمد شاه بایا پر ته نوی کرمه

## د کلو تطبيق

د دغو مشاهرو په نومو کښې چه مؤرخينو را نقل کړي دی ، کخينې داسی د تنقید وړنګاط سته ، چه باید دلته وویل شی ، لو مرۍ دوي د کلو او سنو تطبيق په صحیح دول نبی کړي دوهم په اکشرو انسابو کښې چه لود او پېږي شی غلطی هم واقع شوی دی .  
دلنه زه دابدالیو د دغولو چه د مخه ذکر شول دزوندانه کلو نه پر تاریخی اصولو سم برابروم ، لکه چه د مؤرخينو په اجماع درې پښته په یوه پېږي-(۱۰۰ کاله) کښې ګډن کښې، نو باید دغه کلوته هم پر دغه مثبت اساس سه وي ،  
په دغو کلو کښې هغه چه د تاریخو په روایت مثبت دی ، (د) (م) په حرف ښوول نهوي ، او هغه نور تخمینې دی .

لکه ما چه له پښتو خنه پوشتنه کړي ده ، دوي تر خیرک پوري دغه رجال شه شميري ، او هیڅ اختلاف نه پیکې لري . مګر تر خیرک لوم مورد د شک او اشتباه دی . که خه هم محمد حیات او خورشید او مخزن او نور دانسابو ليکونکې دا سلسلې يوراز راوړي ، مګر چه مونې دملک او دل ڙونډ و ن په هفو سندو چه ذکر شول د (۴۴۰هـ) حدود و ګښو ، او دده زامن او اولاده تربامي پوري (اودل - رجر - عيسى - خیرک - پویل - حبیب - بامی) وشمیره ، باید په هغه حساب چه په یوه پېږي کښې درې پښته رامحي ، دبامي دزوندانه وخت د (۵۶۵هـ) حدود و ګښو ، حال داچه دمورخينو په قول دی د (۵۸۵هـ) په حدود کښې ڙونډي و نولکه د تذكرة الملوك ليکونکې چه وائې ، باید داودل او خیرک تر منځ پېر خلق تېرشوی وي ، بشائي چه نورو شهرت نهوي موندلی ، او فقطر جر او عيسى مشهور شوی وي ، او مؤرخينو ته هم دغه مشاهير معلوم او نور پښتو نه ئې هېر شوی وي (۱) لاندی د کلو تطبيق او د پښتو توضیح و ګوري ، هغه چه په (؟) نځنې شوی دی ، ورک پښتو نه دی .

اودل	۵۴۴۰	(م)
?	۴۹۰	
?	۵۱۳	
?	۵۴۶	
?	۵۷۹	
?	۶۱۲	
?	۶۴۵	

(۱) تذكرة الملوك در اورتى په حواله .

۶۸۰	رجه
۷۱۵	عیسی
۷۵۰	کھیرک
۷۸۳	پوپل
۸۱۶	حیب
(۰) ۸۵۰	بامی
۸۹۰	کانی
۹۲۰	بہلوں
۹۶۰	معروف
۱۰۰۰	عمر
(م) ۱۰۳۰	سدو
دسدوز امن	۱۰۵۰
شیرخان	۱۰۸۰
سرمست خان	۱۱۰۰
دولت خان	۱۱۱۵ (م)
رستم خان	۱۱۱۹ (م)

له دغه اود جدوله بنکاری ، چه باید درجر او اودل تر منځ (۶-۵) پښته وي ، چه اودل دژونداهه تاریخ د (۵۴۴۰) حدود پوره شی .

یه دی ډول هغه چه مؤرخيتو رجه مستقيماً دا دل زوي گهلي دی ، شائني چه صحيح نهوي . او دغه نور نوم ور کي اشخاص هم شائني چه دنه شهرت لامله مورخيتو نه وي ضبط کړي ، او ددوي نومونه د سجروله خاوندا نواونسب پلتونکو خنخه هېرشوی وي . لکه چه تخييني د مخنۍ مؤرixin هم دغى نکستي ته ملتفت شوي دی .

یادونه : تخييني درجالونو مونه چه یه دغه مقاله کېږي ذکر شول ، تاریخي آریائی نومونه دی ، لکه سربن ، السکوژی ، بامی ، پوپل ، او نور چه تفاصيل ئې ما دېټي خر اني یه ملحقاتو او تعليقاتو کي کښلې دی .

دابدالي نوم اوښتل : د پېښتو تخييني قبایل د اسلام له او لوختو خنخه مشهور او نوم نه ئې په تاریخ کېږي لیکل شوی دی لکه سوری ، اودی ، سروانی ، خلنجي ، او نور ... مګرد ابدالي نوم پخوا مشهور نه وو ، لکه چه ترهنجي لسمی پېړی . د مخه ئې کم مورخ نوم ندي اخیستي . حتی با بر چه د ہر عنم به افغانستان کېږي تېر کړ د ابدالي نوم نه اخلي .

مگر دا نوم لکه دېشتو دېرو قېيلو نور نومونه په دوی کښې وو او هم مستعمل وو پېغله  
احمد شاه بابا لکه چه وویل شوه په شعر کي راویدی دی . بلکه تر احمد شاه د مخه  
چه د سد و زو د کور نسی مشرانو په هرات او فراه کښې حکمرا نی کو له ، یائې  
په ملتان کښې سکونت درلود ، تر (۱۱۰۰ھ) وروسته په تو لو تاریخو کښې دوی ابدا لیان بلل  
شوی دی میلا محمد بدی استر آبادی دنادر شاه افشار سرمنشی په جها نکشای نادری کښې ده رات  
او فراه سدو زی ابدالی بولی ، حتی پېغله احمد شاه بابا د احمد خان ابدالی په نامه یادوی (۱)

داندار نامی نظام چه نوم ئى ندى معلوم ، هم دهرات اوفراده دايدالى جنگونه مفصل بىانوی (۲) اوداسى شىكاربىزى چەتر زرم هجرى كمال وروسته دانوم دېر عام اومشھورئ .  
مگر داھمد شاه بابا له جلوسە سره ابدالى پەدرانى تبديل شو ، او يە دې خبره كېشى مۇرخىن دېر مختلف روايات لرى ، او توول وايني چەدانوم نوى دى .

رشتیا همداده چه تراحمد شاه دمغه (درانی) نوم یه تاریخ کتبی دبر لبز لبدل کینزی ، دشام جهان په عصر (۱۰۵هـ) چه دابدالیو مشهور مشران منک مودود او کامران خان یه هله کتبی دشامجهان حضور ته ور غله ، مورخین دوی نهادالی نه درانی ذکر کوی ، بلکه فقط دقندهار مرز بانان ئی بولی (۲) مگر په همداغه عصر کتبی یوسری درانی په نامه ضبط شوی دی ، چه نوم ئی محمد رشید خان اود ملتان دبوان ئی ، محمد صالح لاھوری ئی (درانی) لیکی (۳) مگر عبدالحیم للاھوری ئی (دورانی) ضبط کوی چه دپنخوسو سیر و دمنصب خاوند ، او دشام جهان له مامو رینو خخه و ، (۴) که دغه درانی (دورانی) پشتون وی ، نودا ثابتېزی ، چه دغه نوم تراحمد شاه بابا دمغه هم ؤ ، او پدی سره دهفو خلقو شک هیسته کیدای شی ، چه دوی وايی چه یو نوم دغسی دفعه اداو او بیاده دغسی ژر شهرت داشتباه - مورد دی . شه دانوم خنگه واوشت ؟

امحمد شاه بابا په داخلی اوخارجی مؤرخینو کتبی يه «ابدالی» مشهوردي ، مگر همه وخت چه دی پاچاسو (۱۱۶۰هـ) په درانی هم مشهور شو ، او دا بداليو مشهوره فیله هم درانی و بلل شوه ، وروورو ابدالي نوم ورک ، او پرخای ئېي بالىكل درانی ودرید ، لىكە چە او س پېغىلە درانی خلق هم ابدالي كورپۇز نەپېزنى ، نەوايى ، نەپە يوهىبىزى ، ددغە نوم امدولو پە خصوص كېشى لاندىنى. روايات راقفل شوي دى :

(۱) جهای نزکشای نادری ص ۴۶۱ : (۲) قلمی نادر نامه ص ۱۰۶-۱۰۷-۱۱۷ وغیره

(۳) پادشاه نامه ج ۲ ص ۳۴۸ - ۱۵۱ - ۳۲ - ۳۴۸ (۴) عمل صالح ج ۲ ص ۳۰۴

(۵) پادشاه نامه ج ۱ ص ۳۲۷

(۱) ترکاو دمغه منشی عبدالکریم چه دشاد شجاع معاصر دی ، داروایت لیکنی چه صابرشاه دلاهوره ، او هر وخت به ئی احمدخان ته ویل چه ته پاچا کینزی ، چه نادر افشار مرکپشو ، نوا حمدخان دغه فقیر هم له خانه سره قندھار ته را وستا ، او دغه فقیر دغنو و بزی دده یه سر کینی کپنه بنو اور ته وی ویل «تو پادشاه درانی» لدغی ور تجی خخه احمدشاه خیل قوم درانی وباله چه دمغه پا بدالی مشهور و او خان ئی هم په «احمد شاه درانی» مشهور کی (۱)

دغه روایت لکگویرت چیز یه اسلامی انسا یکلو پیغمبای کینی هم لیکلی دی ، چه احمد شاه بابا خان (در دران) وباله ، محمد حیات هم وایی چه احمدشاه پرخان (در دران) او پر خیل قوم ئی دران او درانی نوم کپنه بنو (۲)

(۳) سلطان محمد قندھاری دغه روایت کتمت لیکنی ، مگر دونی زیاتی کوی ، چه قندھار دمشرا نو جر گه د «شیر سرخ» یه وزار کینی را تو اه شوه ، او دیاچا پرا انتخاب ئی خیر نه کوله ، یه دغه منځ کینی صابرشاه دغنو و بزی داحمدشاه یه سر کینی و تو مبه او په یا چهی انتخاب او په (درانی) سره و بلل شو ، (۴) فیض محمد سراج التواریخ لیکوال هم کتمت دغه روایت نفلا لیکنی . (۵) امیر عبدالرحمن خان داسی لیکنی : چه داحمدشاه بابا یو همشهور معاصر ولی چمکشی خوب لیدل و ، چه دهه یه سبب ئی د (در دران) لقب غوره کې (۶)

دادری اساسی او داخلی روایات دی ، میلسون هم لیکنی چه احمدشاه خوب ولیدا خیل لقب ئی (در دران) غوره کې (۷) سرپرسی سایمکس هم دغه روایت نقل کوی (۸) اسلامی انسا یکلو پیغمبای هم لیکنی ، چه احمدشاه پرخان در دران (دران) نوم کپنه شود ، چه روسه نه ئی قبیله هم په در آنی مشهوره شوه ، کمه چه پخوا ابدالی نوم پهده .

په هر صورت که درانی نوم پخوا هم خوش هر نه و ، داحمدشاه بابا تر جلوس و روسته دا بدالی پرخای و در بد ، او احمدشاه بابا پخیل مهر کینی هم داسی «ولیکل الحکم الله یاقنا ح احمد شاه درانی» (۹) په رسمي کاغذ او لیکو کی هم دغه مستعمل و ، مثلا یه (۱۱۷۰) اعلیحضرت احمدشاه بابا په حجاز کینی دافغانستان دجاجیانو دیاره - یو خای جود کر ، چه «رباط سلیمانی» نو هم بدی ، هله ئی یو هکنیه و کپنه چه خو خایه (درانی) یکنی لیکلی دی (۱۰)

(۱) تاریخ احمد منشی عبدالکریم ، قلمی نسخه .

(۲) حیات افغانی ص ۱۲۹ (۳) تاریخ سلطانی ج ۱ ص ۱۲۳

(۴) تاج التواریخ ج ۲ ص ۱۵۲ (۵) تاریخ افغانستان دمیلسون ص ۲۵۷

(۶) تاریخ ایران ص ۷۸ (۷) سلطانی ص ۱۲۴

(۸) کابل ج ۲ ص ۲۰۷

د احمد شاه بابا معاصر ینو چه کم تاریخونه کنیلی دی ، هلتنه هم دغه کلمه شته ، مثلاً حا فظ رحمت خان لیکی « ابدل که در اینو قت بشرف لقب درانی ملقب شده » (۱) دنادر نامی ناظم په (۱۱۷۲هـ) کنی وایی :

خد یوجهان دارو شن روان	به تخصیص سرخبل درانیان
که آگون بدو گرداين روز گار	سر ا فراز احمد شاه کامگار
بخو نخواهی شه مهیا نمود	زدرانیانش سپاهی که بود (۲)

دنادر نامی ناظم د احمد شاه بابا معاصر او کتاب ئی دده په نامه نظم کپری دی په نو رو خایو کنی د احمد شاه بابا پلاراو نیکونه ذکر کوی ابدالی او بادا لیان ئی بولی ، مگر دله چه د احمد شاه بابا ذکر الحی په درانی ئی نو اخلی نولدی خنجه بشکاره کپری ، چه د احمد شاه باتر جلوس وروسته خورا از ردغه تسمیه عامه او خپره شوی ده - په پیشوادب کنی هم تر احمد شا هی دوری وروسته دده او نور و سر وله نامه سره (درانی) وینو مثلاً قاسم علی اپر بدی (۱۱۹۰هـ) ویی : « احمد شاه درانی » نشته دی یارانو (۳) چه پرس سر کاندی افسر جوشی زنگی

مسعود گل یاسنی (۱۲۰۰هـ) وایی :

جان محمد دورانی هسی حکایت کا (۴) حکایت د احمد شاه دولایت کا په دی دوهه بیت کنی (دورانی) په او لیکل شوی دی ، او دا کتمه هفه (دورانی) دی ، چه عبد الحمید لا هو ری په پادشاه نامه کنی هم دغسی کنی دی . او له دغه خنجه بشکار ہنری چه با ید دا نوم تر احمد شاه بابا دمنخه هموی ، امارسمی شهرت ئی دده له جلوسه خنجه دی . نود دورانی دنامه لنديز دادی : چه پخواهول هفه خلق چه سربن تهمنسوب دی سربنی بلل کېدل لکه چه حمید مهمند سر بنی وایی .

چه شمله شود تمام سربنی	د حمید د ساده شعر کمال گوره
------------------------	-----------------------------

وروسته چه د سزو زو مشرانو په هرات او غربی افغانستان کنی حکمرانی در لوده ، دوی ابدالی او بادا لیان بلل کېده ، د دورانی یادرانی نوم که خه هم ترا احمد شاه بابا پخواه موجود دی ، خور سداده له جلوس سره اعلان شو (۱۱۶۰هـ) پدی دول تول ابدالی خلق (درانی) و بلل شو ، او نور سربنی خلق چه په پنهو راو نور و خایو کنی خیاره و په (بردرانی) نومه شول .

(۱) خلاصه ا ل ا ن سا ب قلمی ص ۲۳ (۲) قلمی نادر نامه ج ۳

(۳) دقasm علی قلمی دیوان (۴) پیشناه شعراء ج اص ۳۸۳

## دەملىكتى دوازىرو تشكيلات

### دوزارت ادارى مدیر يتوته :

: مى، سورى محمد خان	دەخصوص قلم مدیر
: مى، محمد اورى خان	دەمامۇر يېنۇدەمدیرىت كەفیل
: مى، محمد موسى خان	دەتصفىي مدیر

### دصحىيە وزارت

: ع، سلطان احمد خان	وزير
	معين
	فني مشاور



ع، سلطان احمد خان دصحىيە وزير  
S. Ex. Sultan Ahmad Khan  
Ministre de l'Hygiène

### دروغىتىا دسانى تشكيلات :

عمومى مدیر : ع، جلال الدین خان طرزى
دا جرايىي او ما مۇر يېنۇمدیر : مى، محمد اپر اھيم خان
د نشرياتو او احصائىيىي مدیر : مى، عبدالمغفور خان
د كىسترىول مدیر : مى، عبدالرشيد خان
د تشكيلات تو د مدیرىت كەفیل : مى، دكتور محمد رسول خان (ويسا)
داوراقۇ مامۇر : مى، صالح محمد خان
ندرمل وا كى د حايىيىي مامۇر : مى، محمد اكپىر خان
دققىتىش دخانىگى فنى معاون : مير ئظفر الدین خان
دادارى اوينىللەي خانىگى : مير آفا خان
دەخصوص قام سر كاتب : مير فيض محمد خان

### هر كىزى هربوطە شعبات :

دەممۇر دەشقا خانى سر طيپ
دېڭىو دغاپۇ جۈددۈلەت كەورسە
دەستوراتو دىنلىك مەديرە
دروغىتىا دسانى او با كىتلۇرلى
دا نىتىيەت مەتكىسىن
دروغىتىا دسانى او با كىتلارلى
دا نىتىيەت دەكتور
: مى، دكتور محمد همايون خان
: مى، ائمەرىيەكىم
: مى، غەزىنە دكتور زەدى يېڭى
: مى، محمد اسماعىل خان

داده مقالی مأخذ:

- دائرۃ المعارف بریتانیکا  
مجلہ آریانا ج ۳، پته خزانہ د کابل ضبع  
مخزن افغانی قلمی  
حیات افغانی دلاهور ضبع  
تاریخ سلطانی د بمبئی ضبع  
تذکرۃ الملوك قلمی د راورتی یہ حوالہ  
لوی احمدشاه بابا د کابل ضبع  
د گل محمد قلمی دیوان  
نفحات الانس د حاجی  
سرور الاقطاب  
آذین اکبری د لکھنؤ ضبع  
تاریخ احمد قلمی  
خورشید جهان دلاهور ضبع  
تنمية البيان د سید جمال الدین  
تاریخ سرجان ملکم  
تاریخ افغانستان د میلسون  
ترک جهانگیری  
اقبالنامہ د کلکتی ضبع  
منتخب البابر. «»  
پادشاه نامه «»  
زندگانی نادر د تهران ضبع  
روضۃ الصفای ناصری ج ۸  
جهانگشای نادری د هند ضبع  
عمل صالح د محمد صالح لاهوری ج ۲  
تاج التواریخ د امیر عبدالرحمن خان ج ۲  
تاریخ ایران د سرپرسی سایکس  
خلاصة الانساب قلمی  
مجلہ کابل ج ۲  
نادر نامہ منظوم قلمی یا شاہنامہ نادر  
دیوان فاسی علی افریدی قلمی  
پینتانہ شعراء ج ۱

کره

کتنه

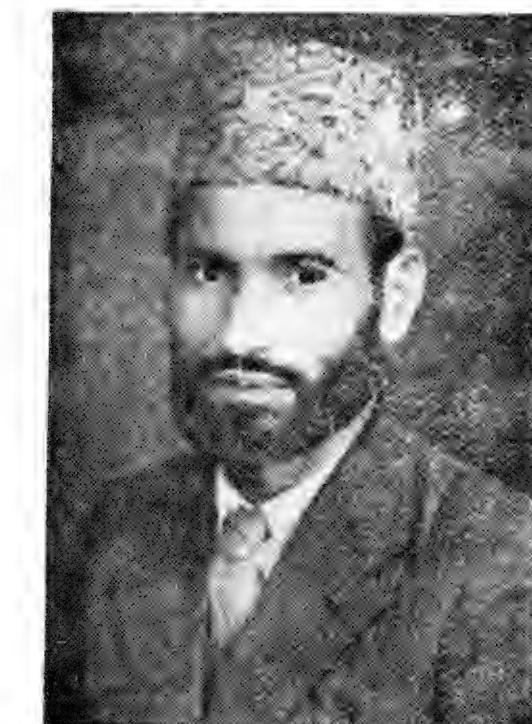


## ل پښتو او سنسی مشاعری

لکوئکی : ګل پاچا الملت

کله چه خو تنه شاعران به یوه موصوع یوه بھ اور دنې کېچي شعروهه، و دای  
دته دنه ورځی به اصطلاح مشاعره وائی، یه مشاعره کېچي هر شاعر ګړښه کوي چه شعر نې  
له اورونه کم له وی اوچه شعر دیه، که خو کې غواړی چه دخو سنو شاعرا او اندۍ افغانستان

او شاعر اړه خصوصات لحاظه معلوم کړي یاددا پیسې  
او موازنې یه دهول دیوه شعر له ہل سره واتني  
ددی کار دپاره دمشاعری اشعار دبروه او مناسب  
دنې، خصوصا چه دمشاعری دپاره موضو ع تهین  
شوي وی لکه بهار یې، یا تو ر شعری «ضمونه»  
لحسکه چه دله یه یوه زهړته کېچي ټول شعر وله  
وائی او کوتش کوي چه له اورونه ادبی میدان  
یوه سی، پېړې تو کېچي او س او پخوا، به افغانستان  
کېچي دنه او دهانه دېری مشاعری شوهدی چه  
کوم وخت بهړی که خدای کولی د یوه کتاب یه  
صورت بنا غلو او سنو نکوته ودا ندي کړو چه  
هم به د یېټو د شعر یه باب کېچي نقد او بصره وي  
او هم به یه کېچي ده موده او سنو او پخوا او  
شاعر اړو خصوصات او میزانت وښو او س فی الکه له



معلم شاعری ګل پاچا الملت

چه ده قالی خدود اجازه ده کوي ڈېټو ډاعر و خه لکوئکر داموضوع تړېښتو له روستی  
حده سو او ده اسی خوانه خو

د کابل د مجلی روستی مشاعره ههه ده چه د پسرلنی مشاعری له عنوان لاندی يه (۱۸۵) گنهه کتبی نشر شوپده ، پدی متساعره کتبی هم موضوع معینه ده چه باید د پسرلى يه نسبت وی هم پکتبی دشعرنو عیت تاکل شویدی چه باید قصیده وی هم پکتبی بحرو فافیه اورد یه تعین شویدی او علاوه پدی تو او خبرو دپنتو دیوه پخوانی مقندر شاعر (بنکارند وی) یوه قصیده له نظر لاندی ده چه باید او سنی شاعران ئی پیروی و کری دا قصیده د (۶۰۰ ه) په حدودو کتبی ویل شوپده چه اول پکتبی د پسرلى ستاینه او تصویر دی ۱ او بیا و رسی شاعر د سلطان معا الدین غوری مدح ته بخی . ددی قصیدی همدغه پسرلنی حصه د مشاعر ی دیاره تاکلی شوی وه او غرض پکتبی د پسرلى ستاینه وه مگر ددی لا ماه چه قصیده با باید تشیب ولری او د بهار له ستاینه یوه بل مقصد ته انتقال وشی او بیتونه ئی هم دومره وی چه قصیده ورته وویل شی نو هر شاعر یه خان لازمه گهله چه یوازی د پسرلى په توصیف او یو خو بیتو اکتفا و نکتی او قصیده ولیکی .

ددی لامه چه قولی قصیدی راویل دمقالی ده بر او زد والی سبب کپنی نو دهربی قصیدی چینی بیتونه را اخلو چه د قصیدی نیمه برخه یا لبز خه زیات یا کم بیتونه به وی چه سری تری استینباط و کپری شی چه پدی قصیده کتبی خومره ادبی قوت موجود دی ؟ او د یوه شاعر خصوصیات له بل بخنی کوم کوم شیان دی ؟  
د بنکارند وی تاوله قصیده (۴۵) بینه ده او د پسرلى حصه ئی چه د کابل د مجلی يه (۱۵۷) گنهه کتبی نشر ده (۲۰) بینه دی چه د لته ئی رانقلوو :

### بنکارند وی :

(۱)

بیا ئی ولو نل په غرونونو کتبی لا او نه  
طیلسان ز مری و اغو سته غرو نه  
مر غلر و باندی و بشکلل بیونه  
ز رغونو یېو کتبی ناخی زلمی جو نه  
هسی و گانل غقو لو سره پسو لو نه  
چه پرهسکی باندی محلبزی سپین گللو نه  
لکه او شپی د مین په گر یو انو نه  
له خوبنیه سر و هی له سنگپر و نه  
ته واراغله له ختنه کاروا نو نه  
د پسرلى بنه کللو نسکی بیا کره سینکارونه  
مئـ که شنه لاسونه شنه لمنی شنپی شوی  
دنیسان د مشاطی لاس د مجبـ و دی  
دغتو لو جنـه خاندـی و رـیدـی تـه  
لـکـه نـاوـیـ چـهـ سـورـقـیـ کـیـ پـهـ تـنـدـیـ وـ کـاـ  
زرـغـونـوـمـئـ کـوـکـتبـیـ محلـ کـالـکـهـ سـتوـرـیـهـ  
سـپـینـیـ وـاـورـیـ وـیـلـپـدـهـ کـاـ نـدـیـ بـهـبـزـیـ  
هرـ پـلـورـنـهـ اـوـ بـهـ بـهـاـ نـدـیـ خـاـ نـدـیـ  
هرـ پـلـوـ دـ گـلـوـ وـ بـزـ مـ دـیـ اوـ نـلـیـ

پسر لی مـگر مسیح سو په یو کرو نه  
و ج بید یا او غرئی کړ له جتنو نه  
لکه پېغله غو ته کاندې مـکیزو نه  
یو د بل په غامده اچوی لا سو نه  
چه بر واورو با ندی محل و کـا لمرو نه  
لـکه شن هائی شـهـا کـا نـدـی سـینـدـونـه  
نه به مو دـسم دـسلطـان پـه صـفتـونـه  
دـپـسرـلـی پـه دـوـ دـانـ له دـه رـغـونـه

دېنگىكار ند وى قصىدە خو موڭرى يوه حىدە ولىدە چە دى يەپسىرىلى كېنى دىقىرت مظاھرەو  
خە راز مىتائىر كىرى او خە تخىلات ورتە بىيدا شۇيدى . دىدە نظر پە سېينىو وداڭىڭۇ غۇرۇنۇ  
او مستوسيىندۇنوا دىسېينىو اورۇ بېپىدە ئى دەمىنۇ دەرىيوان اوېنىي بللىي ، شىنە لابۇنە اوشنى  
لەمنى ورتە داسى بېنگىكار بىدى لەكە چە غۇرۇنۇ زەردى طېلىسان اغۇستى وى ، دەغر و سەرە  
گلۇنە ئى لالۇنە بىللە .  
دەغۇتو لو جىنە و ورتە خىندل او يە زەرغۇنۇ بىنۇ كېنىي ورتە زەلمۇ اوچۇ نۇ نىڭلۇ ، اوسيىندۇنە  
لەكە مىست هاتايان يەن ئەنلىق ورتەلە .

اوسته لسلکل جه خه ئى دادى : پدى مشاعره كېنى زمونىز شىاغلى او مقتدر اديب سيد شمس الدينخان (مجرور ح) شل  
شىيان وي چە هەفە بە پە بىل كېنى بە وي او داشاعر خصوصىت بە را بىئى .  
پە دەھر يو ۋە شعر كېنى دىيە مەتھىدالماڭ يە دەول وەمەمە مىگەر دەھر چا بە شعر كېنى بە تەھىنى  
ستابلى وي او خە چە پە پىرسلى كېنى دىسرى نظر جلبوى او پە تاماشا، كۆونىكۇ اثر كۆي ھەنە  
له نىندارو ورتە خە خاطرات پىدا شويدى ، پىدى كېنى ھېچ شىك نىتە چە هەر يو بە گلان

مجزء

( ۲ )

دارا شنه شوه دهاهول ريدى گملو نه  
ييا خه سره اوشنه خيزونه له ور او ينى  
غوره ولی طبیعت رنگین کتاب دى  
چه دو نو بوقو عکس دنه كېنى و ينى  
که ن يولى غره لمن كېنى سره لالو نه  
چه وياله لىكە ما شوم و هى ئۆزۈ نه  
د بىع او دجامىل شئى در سو نه  
در نه هېر بە خىل مثل شىء افلاطونە!

خوشی وائی فیلسو ف نشته دورو نه  
ضایع کپنی ستر گورپ کپنی فرستونه  
جه اه کبره ئی سرب کپنی نژدی مستی نجوونه  
نن پری د که دی صحراء گانی چمنونه  
هله او مد په تیتو نه کوی کبر و نه  
نه دتش لاس شی چنار ته پیغورونه  
په عاشق باندی خوک که کما تهمتونه  
هر خه وینی د چانه و ائی حالو نه

یه خزان پسی بهار دی، بیا خزان دی  
پسرلی در نه تبر بزرگی، تماشا کری  
دهمه غوته، یه حل می زندگی سوزی  
که پای کی که صفا نمی کنیکوئی ده  
یه دنیا دیسر لی کنیی حسد نشته  
سر اوئی اره نه شته معیار کیندی شی  
بلبلان یه جنگ آواز مینه اعلان کا  
دنر کس لهسترن گو مخارشم یه گلزار کنیی

پدی شعر کشی علاوه پدی چه دیسرلی ستاینه ده او خاکهول وریدی ، غوتهی او نر گس  
پیکنېی یاد شوی اود بابلو نوم پیکنېی راغلی دی مگردمضمون اوتخیل یه لاحاظله نورو اشعارو  
چه پدی مشاعره کنېی ویل شویدی دهر خصوصیات لری او دشاعر مخصوص معنوی شخصیت  
پیکنېی دهر تاثیر کړندي پدی شعر کنېی چه اصل دیسرلی په نسبت ویل شویدی اه فلسفی سره  
اشنـا ئـی ، داخـلاـقـوـ ضـرـفـدـ رـی ، دـبـیـغـمـهـ ژـوـنـدـ آـرـزوـ ، دـبـیـ حـسـدـهـ اوـ بـسـیـ  
کـبـرـهـ عـالـمـ لـتـونـ اوـ دـيـوـیـ دـاـسـیـ دـنـیـاـخـواـهـشـ اـیـدـلـ کـېـنـزـیـ چـهـ هـلـتـهـ پـاـکـنـیـ ، خـایـ لـرـیـ  
اوـ دـهـشـ لـاسـ پـیـغـورـوـهـ یـاـ پـهـ مـیـتوـبـانـدـیـ تـهـمـتوـنـهـ نـشـتـهـ اوـنـهـ خـوـ کـهـ دـعـشـ رـازـوـهـ اوـ دـجـاـخـالـوـهـ وـائـیـ!  
پدی شعر کنېی دومره سلاست او رواني شته چه له مضمونه ئی عیش و عشرت تراوش کوی  
مگر داعیش عشرت یا پرسلی سره او شنه لیدل شاعر له دی عالله او دفترست له ضایع کېدو نشي  
غافلولای او دیوی غوتهی په حال ئې همزده سوزی چهولی کبرجنی او مستې نجوهه ورته نه ګورې.  
دیسرلی ننداره له افلا طونه خپل مثل هېروی مګر له شاعره خپله خیالی او ذهنی دنیا چه دی ئې  
آرزو لري نشي هېرولای . په رشتیا چه داشعر دېنتو یه اشعارو کنېی یوه غوره اوغا لی نمونه  
بلنلي شوابی له دینه چه دقصیده توب په لاحاظه دخه قدر لېز والی او زيمگنې تېما نسبت ورته کېدی  
شی نور نود ګوته اینې دوځای - پیکنېی نشته .

پدی شعر پسی بار شعر دنباغلی ینوادی چه دیپتو به نو شاعر انو کبني حساب دی او په شعر کبني

دبره سنه فوريجه لري دده تو له قصيده (٣١) ييتده چه خو ييتوهئي دادى :-

بینوا :-

داد هـ سـ کـ پـ یـ گـ لـهـ جـ خـ لـهـ جـ نـوـ نـهـ  
پـهـ خـاـشـکـوـئـیـ کـرـهـ مـسـتـسـیـپـرـهـ دـاـ گـوـنـهـ  
چـهـ خـاـرـهـ ئـیـ اـورـهـ لـورـ کـرـهـ اـرـ بـلـوـنـهـ  
چـهـ تـرـخـنـگـ کـرـپـیـ درـوـپـوـ سـیـنـ اـمـبـلـوـنـهـ  
چـهـ پـرـیـ وـکـازـ اـمـیـ بـجـوـنـیـ اـتـهـوـنـهـ  
چـهـ پـرـیـ تـبـرـشـیـ دـنـجـنـکـیـوـ بـلـوـ وـنـهـ  
چـهـ نـفـعـوـ نـفـعـوـ کـبـنـیـ سـتـائـیـ شـیـشـکـیـ غـرـوـ نـهـ  
چـهـ وـرـ غـارـدـهـ غـرـیـ شـوـهـ خـبـانـ نـیـزـوـنـهـ  
مـجـ کـاتـهـ اـخـلـیـ دـغـرـ وـسـوـرـ کـیـ لـالـوـ نـهـ  
خـوـ چـاـ مـسـتـهـ خـنـداـ رـاوـدـهـ چـاـ غـمـوـ نـهـ  
پـهـ کـبـنـ وـغـامـدـ دـبـلـ پـهـ دـرـ شـلـوـ نـهـ  
جـارـوـیـ دـلـ تـرـخـوـیـ تـلـ خـپـلـ خـوـ یـوـنـهـ  
پـهـ زـرـ غـاـ دـیـ دـلـمـاـ نـخـلـ سـیـپـرـهـ رـغـوـ نـهـ  
شـنـیـ تـالـیـ شـوـیـ شـنـیـ لـمـنـیـ شـنـیـ دـېـښـتوـنـهـ  
خـیـلـوـاـکـیـ موـتـلـ نـصـیـبـ کـرـهـ خـوـجـهـ بـوـنـهـ  
خـونـدـبـهـ آـخـلـوـ لـهـدـیـ شـکـلـیـ تـنـدارـ توـ نـهـ

پـیـاءـیـ وـخـکـلـ لـهـ کـوـمـ خـمـهـ دـکـ جـامـوـنـهـ  
اـهـ مـسـتـیـ نـهـیـ سـاـغـرـ لـهـلاـ سـهـ بـرـ بـوـوتـ  
دـزـ لـماـ پـهـ مـیـوـ مـسـتـیـ چـتـیـ گـورـهـ !  
هـ مـخـفـلـاـ کـاـ هـمـ نـخـاـ کـاـ هـمـ شـهـاـ کـاـ  
دـ کـبـنـ دـیـوـمـخـ غـاـ تـوـلـوـ سـوـرـ بـخـمـلـ کـاـ  
لـهـ سـیـپـرـ وـخـاـوـرـوـ بـاـمـیـ گـلـوـنـهـ پـاـخـیـ  
کـمـتـهـارـ دـزـ کـوـمـرـهـ زـدـوـ نـهـ ژـوـنـدـیـ کـرـهـ  
هـلـمـنـدـ بـیـاـ پـهـ خـپـوـ رـاـ غـادـیـ غـاـدـیـ  
دـ پـسـرـ لـیـ نـاوـیـ وـدـ بـنـزـیـ وـرـاـ ئـیـ پـنـدـهـ  
نـنـدـاـ رـوـتـهـ ئـیـ وـتـلـیـ اـوـیـ وـاـرـهـ دـیـ  
دـ هـفـوـ بـهـ خـهـ پـسـرـ لـیـ وـیـ چـهـ وـلـاـدـ وـیـ  
ژـوـنـدـمـیـ وـیـ دـبـلـ دـیـارـهـ مـنـ یـنـیـ هـمـ لـاـ  
آـهـ خـبـتـتـهـ چـهـ دـیـ ژـوـنـدـ هـرـشـیـ تـهـوـرـ کـاـ  
چـهـ کـرـ یـاـبـیـ مـیـرـیـ سـتـاـ لـهـ بـیـرـ ژـوـ یـنـیـ  
موـنـجـ لـهـ هـسـیـ ژـوـنـدـ وـرـغـورـهـ خـاـوـ نـدـهـ  
چـهـ موـ ژـوـنـدـ دـ پـسـرـ لـیـ پـهـ خـبـرـ سـمـسـوـرـوـیـ

دـ دـیـ شـعـرـ آـ غـازـاـ وـشـرـوـعـ پـهـ مـسـتـیـ اوـسـرـ شـارـیـ شـوـ بـدـهـ چـهـ دـ شـاـ عـرـ یـهـ نـظـرـ کـبـنـیـ  
هـرـخـهـ مـسـتـ بـنـکـارـهـ کـبـنـیـ اوـسـیـپـرـهـ دـاـ گـوـ نـهـ هـمـ مـسـتـ پـهـ نـظـرـ وـرـجـخـیـ اوـلـ کـهـ چـهـ دـهـ هـسـکـ کـ پـغـلـهـ وـرـتـهـ  
لـهـ جـنـوـنـهـ نـخـمـدـوـنـکـیـ بـنـکـارـیـ دـېـښـتوـ وـرـتـهـ دـزـ لـماـ پـهـ مـیـوـ مـسـتـیـ اوـبـهـ نـخـاـوـ شـهـاـ کـبـنـیـ  
مـعـلـوـ مـهـبـزـیـ دـکـبـنـیـ دـیـوـ پـهـ مـخـکـنـیـ چـهـ دـغـاـ توـ لـوـ سـوـرـ بـخـمـلـ اوـارـ دـیـ دـزـ اـمـوـ اوـ جـوـ نـوـ دـاـنـتـ  
اـرـزوـوـرـتـهـ بـیدـاـ کـبـنـیـ اوـبـوـ پـنـتـنـیـ دـنـیـائـیـ تـرـسـتـرـ گـوـسـتـرـ گـوـ کـبـنـیـ اوـبـهـ اـخـرـ کـبـنـیـ چـهـ دـ پـسـرـ لـیـ  
نـنـدـارـهـ پـهـ شـهـ شـانـ کـوـیـ اوـ گـورـیـ چـهـ دـخـبـتـنـ یـهـ لـورـاـ وـبـرـ زـوـنـهـ کـرـیـابـیـ مـیـرـیـ شـنـیـ تـالـیـ  
اوـ شـنـیـ لـمـنـیـ شـوـیـ اوـهـرـخـهـ ژـوـنـدـ شـوـهـ نـوـلـهـ خـدـاـ یـهـ دـېـښـتوـنـ دـیـارـهـ دـخـلـوـ اـکـیـ ژـوـنـدـغـوـاـمـدـیـ  
اوـ آـرـزوـ کـوـیـ چـهـ دـاـزـوـنـدـهـ لـکـهـ بـسـرـلـیـ سـمـسـوـ روـ یـهـ فـکـرـیـ اوـهـ بـحـرـ اوـبـوـ قـافـیـهـ کـبـنـیـ شـعـرـ  
وـیـلـیـ بـیـاـ هـمـ دـدـوـاـدـوـ شـعـرـ بـیـخـیـ بـیـلـ بـیـلـ رـنـگـ لـرـیـ اوـدـهـ یـوـهـ فـکـرـیـ اوـ تـجـیـلـیـ رـنـگـ کـیـاـبـیـ بـلـ عـبـارتـ

در مده غوبتنه او منظور النظر په شعر کشي معلومېښز او پوهېښز وچه د پسرلای نندارو په ده او په  
هنه خنګه اثر کړي او خه آرزو ګانې بې د دواړو په زډو کشي ژوندي کړيدی :  
دا شعر چه تمامېښز وریسې د شاغلی فاضل حبیبی شعر دی چه تول پیتو نه ئې ۳۴ دی  
اودلتهئی ( ۲۱ ) بیتهرا اخدو .

حبيبي :- ( ۳ )

بیا له بنه پورته کېښې شهه ېغونه  
بنه زرغون سو غر زرغون له پسرلی شو  
دا دغرو نو په لمنو کشي لا له دی ؟  
دا نخا د پېغلو جو نو پر مرغه ده ؟  
خوچه ستر ګې کار کوی زرغونه شکاري  
سپین غر تاوله په غټو لو سورز رغون سو  
په بامی بلخ کشي بامی غوره پښی خاندی  
نو بهار دی د پسرلی جنهی لوم پښی  
پر تخار د پسرلی و ذمي چلپښی  
پر کابل او نسگر هار چه بهار پو کا  
ار غند او باندی تخار د شگوفه کا  
خر تر نسگ چه بهیده کاته وا لوی  
هر یرو د پرغاده نن د ګل نخاده  
دو یېتنيا ېغونه بیا پا خی له بسته  
د پسرلی منا ظر هسى د لار با دی  
پسرلی د مېنسى مینه پر و یېنه  
خو پسرلی په هر نوروز راخی هیوا دله  
خو چه اور دلاه بل دغرو په ڪوروی  
خوچه ستوري پر آسمان بریښې بهشيو کشي  
تل تر تل اوسي وطننه و دان اوسي  
دقدرت لاس دی تل ستا په شکلېد ووی

دا شعر دېناغلى حبىبىي هەفەاحاطە چەدى ئىپ پە تارىخ كېپى لرى يۈرە خرگىندۇي او ھەمدەغە معلومات دى ددى مەملەكت تېرىپىسر لېواو ددى وطن زەمۇ نەھىتو نۇ تە بىائى چە پە دەغە خىيالى سېير و سېاحت كېپى دەبۇ ادىبە غۇرونۇ رغۇنۇ گۈزى اودام الابلاج اونوبەهار جشنۇنە ورپادېنىزى اولكە چە اوس پە ارغانداب باندى دشگۇفو تىشار يادھەلەند غور خىنگۇنە وينى ، دېرى كەلۇنە دەمەنە دەمتى ئىكە دەمىنی اشعار ھەم دەرنىڭ لە خواپى اروى او دەھرىرو دېرغاڭە دغۇر زىمى او جو نە ئاخان ورپەتكاروی اوله بىست وغۇرنى نە ھەم خە آوازونە دەدەغۇز ئە رسېنىزى چە مونېنى ئىپ نە اورو . پىدى شعر كېپى چە خۇ مرە دېناغلى شاعر تارىخى خصوصىت بازى مەلۇ مەبىزى ھەماڭو مرە

پەكىپى ددى وطن مىنە او دەپواد دپارە شې آرزو گانى ھەم شتە . دى دېسىلى لە شۇ مناضۇ دەشخە دا نتىجه اخلى چە پېرسىلى دەپەنېي مىنە زىياتى او بىلەن بېنە تە مايلۇي . پىدى وخت كېپى نۇدە تە بى اختىيارە بېشە يېتونە خولى تە ورخى او وائى خۇ چە پېرسىلى ھەيواد تە راخى او خۇ چە پېرنىزى . باندى نۇدە غۇرۇنە لىدل كېپى خۇچە دغۇرۇ بە كۆر كېپى دللاھ ئۇ - چرا غۇنە بىل وى او د لمىر و سپۇز مىشى مەشى لۇ نە رەنۋا وى دا و طن دى تىلى تىلى تىلى و دان وى او هەر وختدى پەكىپى پېرسىلى وى . دەقدەرت لاسدى ددى وطن پەشكىلى كۈلۈم صەروفى وى مگەر دېپېتتو سەعىدە دى ھەم تىل د وطن پە ودانى كېپى دخل لرى او ددى ودانو لو نسبت دى پېشىتون نە وى .

بىا ھەم باید انصافاً و وايم چەد حبىبىي پە قصىدە كېپى يوازى د وطن مىنە او قىمتى تارىخى خاطرات نشته دېرى شاعرانە نىكەنەم لرى او دېرى بېشە شەعرورتە ويلى شو . وروستە تىرده دېناغلى فاصلە صەديق الله خان راشتىن شعر دى چە تو له قصىدە ئى ( ٤٥ ) بېتىدە دەنەلە ئى ( ٢٣ ) بېتە را اخلى .

رەشىن : -

(٤)

دا پە جار چە رەعد و وھل دو لونە پېر غەلەم ڏىمى ئى و كەر تور بېپۇنە ستۇرۇ واقۇل اسما نىكېپى ئەپۇنە ور سرە دى سېكىلى بېشكىنى سوغاڭاتۇنە ور سرە هەم دىرسو گەلۇ لېشكەر و نە پە شان شاكى دېپەلۇ مەكېزۇنە پە سەندرۇ و خىپى يېدىيا تە بېشكىلى جو نە دېپەلى پە راتلىخۇپىن شوھ اسما نونە دېرى بېشىنا تو رە را و تە لە تېپكى رەعد دەول ور تە وھى دېرى بېشىنا مەكەنە دەنەلە يىست لە مەلکە بىا قافلى را غلى . د جەمال پاد شاه وتلى پە دو رە دى پە خەنداغۇتى خورە شوھ باغ تە ولادە ڇېرۇ گەلۇ چېپى را و مى پە را غۇنۇ

کوز چه گوری دسر و گلو قطارونه  
زده‌ئی غواصی دکابل میوی با غونه  
دی را ویدی ئی شاعر له پینغا مونه  
په هز ار ژبو ئی کاندی صفتونه  
ابرخه پوهه انسان تری اخلی عبرتونه  
داجه پنکلی په گانو دی ایوادونه  
دلبل نارو کشی ایتی دی سوزونه  
له قدر ته دی په ژوبو دالو روونه  
دارزو غو ئی چه و سیپهی مخونه  
سیسل د گلو د بلبلو ار ما نه  
چه نصیب د پیشتو شی عظمتو نه  
هم ابادئی شی دا بشکلی ایوا دونه  
ستا د لبار ته می بیولی دی لاسونه  
چه خبر ئی کرم له دی نوی مضمونه  
په ورو ورو به ور ژبزی ارما نونه  
په غفت او خوب بشکل نکری گلدونه

ابشار خان را غور خوی پسی له اومدو  
زا نهی بیا قطار قطار راغمی له کښته  
شنی کوتري دی را غلی نن فاصدی  
تو رانهی سهر وختی درب شنا کا  
د نشاط عمل را ویدی تو تکو دی  
کار نامه دا د قدرت ده نورخه نه ده  
گل له حسن ئی ور کپری عشق بلبل له  
د نهی بشکلله همه واشه له ده دی  
هریو شی امیدلری په دی موسم کښی  
د گلا نو هیله خه ده تاز گی ده  
زمارزده کشی خای بیولی دی ارزودی  
هم ئی ژ به علم پوهه شی او چته  
دا ارزو کرم شپه اورخ قادره خدایه  
داجواب می په غوزونو کښی ورو واور بد  
د هر چا هیله پوره به شی یو خلی  
خو هله که خوک بیدار لکه بلبل وی

دلنه شاعر دپرسلى په تصویر کښی لمپی خل جوی او فلکی او ضاعونه ملتفت کېبزی او په  
اسمان کښی خوشحالی وینی لکه وائی چه رعد دخوشحالی دواونه وه او بریشنا پر غلیم زمی  
تور بز ینهونه کوی ، د همدغه پیشتنی تخييل په اثر کشی د اسمان ستوري ورته اتنه اچوونکی  
 بشکاری او دنبایست له ملکه قافلی وینی چه بشکلی بیکلی سوغاتونه را ویدی .

وائی چه دجمال پادشاه په دوره وتلي دی او دسر و گلو لپنکر ورسره دی . وروسته تردی  
چه دغولی مکـیزونه او دزپه و گلوجیه ، د ابشر خان غور خول گوری پیا دهوا لورته متوجه  
کېبزی او دزانه دقطار ونداره کوی ، شنی کوتري ورته داسی بشکاری چه شاعر ته خه بیغامونه  
را ویدی ، تورانی ورته درب شنا خوانی معلومېبزی او تو تکی د نشاط عمل راومونکی بوی .

هر کله چهدی دهیوادونو بشکلیتوب او د قدرت کارنامی گوری چه دنری بشکل له ده  
دی او په ژوو لوروونه لری او جهان ورته دارزو او اميد خای بشکاری چه گلان دتاز گی هیله  
او بلبل د گلو ارماند لری نو وائی زما په زمه کښی هم دی ارزو خای بیولی چه عظمتو نه

دېپنتو په نصیب شی، زبه، علم او پوهه ئې اودشی او په همدغه ارزو دخداي دلبارته لا سونه نیسی مگر په غوز کېنې ورته ویل کېنې چه د هر چا هیلى بوره کېنې خو كه خو كه بلبل وېش او بیدار وی .

پدی مشاعره کېنې بشاغلی نوری هم شامل دی چه خو یېتونه ئى دادى :  
نورى :

پسر لى پير مەنكە و او نسل گلۇ نە  
تۇرۇغرۇ كېنې سرە گلۇ نە هسىپى بشكارى  
د يېتىم پە د و د چە لىچ لېپر ولامو  
زىر غۇ نە نەرى پسر لى ور ارە راودە  
نۇ او ونو تە ئى نوى ژۇندۇن ور كەر  
يېتىم راخە او سله دوى سرە ھە كاندى  
ز مۇنېز بە خوک را بېۋى سرە تۈرسەرۇنە

پدی شعر کېنې چە خبرە دغرو اورغولە گلۇ دونو يانۇتە رارسېنې شاعر خىمال كوي  
چە پىرسلى خودونو لوخ شاخونە پە شنو پانو پىت كە او شىنە نەرى ئى ورواغۇستىل نۇ چە يېتىمانو  
او خوارانوتە بە خوک كالى ور كېرى او دوى بە خىنگە پىتە شى ؟  
پە آخرە كېنې بىا وىدە باغوان راپاخوی چە خېل بېنۇتە او بە كە چە گلان مېراوى نشى او  
خاچونى ورته بشېرى ونىكەرى .

ددى مشاعرى پە اخىر كېنې يوه قىصىدە دە چە نۇل یېتونه ئى (۵۲) دى چە نىم ئى

دلتە رانقلۇو :

الفت :-

بىا بە جىڭ كېرى د بىلۇ فريادونە  
د گەل پانو كېنې دى تېقىتى سرە اورونە  
پەشۇ خانىگومرغان ئەتكە كېرى شورونە  
يا صەرا كە د فەراد وينو گلەگو بە  
پاكېنې بشكارى دەمجنۇن دزىدە داغونە  
لېلى نە دە چا لىدلى بى مجنۇ نە  
وىدە ئلىرى خە بىر خە لە ژۇندۇ نە  
چە سەحر باغ كېنې بلبل كېرى اذا نونە  
چە غەنچە زۇد نە ئىو لى دى سرونە

پسرلە ! بىا دى را ودە سرە گلۇ نە  
سىرى لمبى دى ارغوان باندى كېرى بلى  
شنى لوخپى بورته كېنې لە چىمارە  
ياد غەررۇغۇ امىنۇ او را اخستىسى  
د لىلى اه خاادرۇ سرە لالە شوە پورته  
د بىلېلۇ پە نظر گلۇ تە گورە !  
ستەرگى بورته كە لە خوبە را بیدارشە  
سوزو ساز دشوق و ذوق تە دى رابولى  
عبادت كوي كە فەكىر كە مەخمور دى ؟

## د پست او تلکراف او تیلفون وزارت



وزیر : ع. غلام یحیی خان  
معن : ص. محمد حسین خان

### د پست عمومی مدیریت :

عمومی مدیر : ع. غلام فاروقی خان  
اداری مدیر : ص. رجب علی خان

### د تیلفون عمومی مدیریت :

عمومی مدیر : ع. محمد سعید خان  
اداری : ص. محمد اکرم خان  
د تکنیکی : ع. عبدالجبار خان  
د سوچبو ردونو مدیر : احمد علی خان

### د تلکراف عمومی مدیریت :

عمومی مدیر : ع. علی کسل خان  
د تلکراف او د تکنیکو اداری مدیر : ص. محمد حسین خان  
S.Ex.Gholam Yahya Khan  
اداری مدیر : م. عبدالاحد خان  
Ministre des P. T. T.

### اداری مدیر یقونه :

داجر ائمې او ما مرینو مدیر : ص. محمد ایوب خان  
داورافو مدیر : ایمک محمد خان  
د گستروں : اهل محمد خان  
د بازدھنی محاسبي مدیر : عبد القیوم خان

په جوش راغله بیا دور یخو دك خونه  
خلق وائی چه وربنې بارا نونه  
شېه او ورڅ شورو غوغالري موجونه  
ونو واچول په غا ده امېلوا نه  
له مستېه شکوی یو د بل هارونه  
په اتنه کښې بشکلوي خانګي شا خونه  
ونی راغلی په نغمو کوي رقصونه  
له بلبل که له ګل وکړم تیو سونه؟  
نفعه شهـ ده که د ګنو دید نو نه؟  
پښتو ته را ځی هسی او از و نه  
لونل غرونو کښې بشایسته بشکلی لالونه  
په بل را زو، داسمان هلتهد ور و نه  
دمندیش غره کښې دبل راز تائیرونه  
را یاد بېزی دېښتون شهاب ځلنو نه  
چهـ ټی وران کړه د بهنې بود تو نونه  
دلمر ستر ګی بر ینېو لې تر پرو نه

پیادamer زده کښې پیدا زیات حرارت شه  
د فیلک له شنی مینا صهبا خشېښې  
د سیند ونو مستی ورڅ په ورڅ زیاتېښې  
د باع ګورته بیا بشادی خوشحالی راغله  
په رنګینو سنو جامو کښې ګډا کا ندي  
هېڅ پروائی په چا نشته ورته ګوره  
د بهـ رـ د نسیم خه رنګه تا ټير دی  
دا موسم د بشـ کلینیتوب که د مستی دی؟  
د بهـ ارمغان ګل دی که بلبل دی؟  
پـ لـ خـ قـ نـ دـ غـ وـ دـ بـ بـ لـ نـ  
چه پخوا به پسر ای پـ دـ کـښـې  
وریځـ نـورـیـ وـبـ مـیـ نـورـیـ هـرـ خـ نـورـوـ  
سـیـمـ غـانـ اـورـ سـیـمـانـ بـ پـکـښـېـ مـیـشـتـ وـ  
دـ اـسـمـانـ درـ نـوـ سـتـوـ رـ وـ څـلـ چـهـ وـیـنـمـ  
پـهـ زـ دـ هـ نـعـمـهـ کـښـېـ هـفـهـ مـسـتـیـ وـیـنـمـ  
دـ منـ مـرـ وـ دـ رـ خـ مـوـ خـوـ لـ مـاـ نـیـوـ

لمرو بل، سپوز می ووه بلهستو ری نورو

ـ تـهـمـ بـلـ شـانـ اـبـسـېـدـ لـیـ اـیـ پـشـتـوـ نـهـ!

پـدـیـ قـصـیدـهـ کـښـېـ چـهـ نـیـمـ دـلـتـهـ رـاـخـسـتـلـ شـوـبـدـهـ اـدـبـیـ نـوـاقـصـ اوـمـحـاـسـنـ دـوـاـدـهـ شـتـهـ اوـ لـکـهـ

تـہـرـ شـعـرـ وـنـهـ بـنـیـ عـیـهـ شـعـرـ نـهـ دـیـ

دلـتـهـ لـمـړـیـ آـغـازـ پـهـ بدـ پـیـنـیـ شـوـیـ اوـ پـسـرـ لـیـ تـهـ پـهـ بلـ رـازـ کـتـلـ شـوـیـدـیـ یـعنـیـ دـبـلـبـلـوـ لـهـ تـفـموـ نـهـ پـهـ  
فرـیـادـوـنـوـ تـعـبـیرـ شـوـیـ اوـوـائـیـ چـهـ دـگـلـ پـهـ پـانـوـ کـښـېـ سـرـهـ اوـرـونـهـ نـفـتـېـدـیـ دـیـ دـچـنـارـ شـینـوـاـ لـیـ اوـ تـازـ ګـیـ  
شـنـیـ اوـخـرـیـ بـولـیـ اوـپـهـ شـنـوـخـاـ نـیـکـوـ کـښـېـ دـمـرـغاـنـوـشـورـ دـهـمـدـیـ لـاـمـلـهـ ګـنـیـ دـغـرـوـرـغـوـ سـرـیـ لـمـنـیـ چـهـ  
اـکـشـرـوـشاـ عـرـاـنـوـتـهـ خـوـشـحـالـوـ وـنـکـیـ مـنـظـرـیـهـ نـظـرـ وـرـځـیـ، دـیـ ئـبـیـ دـفـرـهـادـ دـوـنـوـیـهـ نـامـهـ یـادـوـیـ اوـ  
دـسـرـوـلـاـلـهـ پـهـزـدـ ګـیـ کـښـېـ دـمـجـنـوـنـ دـزـمـدـهـ دـاـغـوـ نـهـوـینـیـ اوـوـائـیـ کـهـ دـالـالـهـ دـلـیـلـیـ لـهـخـاـرـوـرـ اـهـسـکـ  
شـوـیـدـیـ سـرـهـ لـهـ دـیـ چـهـ پـهـ اوـاهـ کـښـېـ دـبـلـبـلـوـ نـارـیـ فـرـیـادـ وـنـهـ بـولـیـ خـوـبـیـتـهـوـرـوـسـتـهـ پـرـیـ دـاـذـانـوـ نـوـمـ بـذـدـیـ  
اوـخـبـلـ مـخـاطـبـ تـهـوـائـیـ چـهـ دـشـوـقـ وـذـوقـ سـوـزـ وـسـازـ تـهـدـیـ رـاـبـلـیـ ځـکـهـ بـلـبـلـ پـهـ باـغـ کـښـېـ سـهـارـاـذـانـ کـوـیـ وـیـلـیـ شـوـچـهـ خـلـقـ لـهـغـلـتـهـ  
راـوـیـشـوـیـ اوـدـشـوـقـ وـذـوقـ لـوـرـیـ تـهـئـیـ رـاـبـلـیـ.

غنجچوچه په با غ کبی سرونه زور ندنبو لای اوشا عروائی چه دوی عبادت کوی که فکر او که معمور  
دی هره یوه خبره ئی منلی شوا بدم تصویر نه دی. دامر په زرده کبی د حرارت زیاتوالی، دو ریخوداک  
خونه په جوش را تمل، دفلات اه شنی مینا صهبا خشیدل، دسیندو نومستی زیانپدل او دمو جو نو شیه  
ورخغ و غابی تناسبه جملی نه دی.

دباغ کور ته چه شادی او خوشحالی را ولی او وائی چه نود گلو امبلو نه په غازه کړل او یه  
رنگینوچا مو کبی ناخی یاله مستیه یود بالهارونه شکوی او خانگی بشاخو نه بی بر وا یوبالې کلولی  
یاد پسر لی دنسیم په اترونی به نعمو راغلی اور قصو نه کوی بشایسته بشه تعییرات دی هله ته چه وا ئی دا  
موسم دېن کلیمنت او که دمستی دی؟ دات پوس با یوسپری له ګل خنخه و کری که له بلبل خنخه؟ بد  
سوال نه دی په پسر لی کبی دادو امده شیه سری متاثر کری چه کله د ګلو په نند اره زرده با یلی  
او کله ئی دبلبلو او مرغانو ناری فکر کجا تهرا جلبوی:

په اخره کبی چه غور او دغور بلبلان یادوی او وائی چه ده ټوی دار از آوازنونه غوزه راحی  
چه یدی غر و نو یغوا پسر لی لالونه لو نل دمندیش په غره کبی رستمان او سیمر غان او سپل، د  
مر مرداو او رخامو خول مانی یو دلمرو ستزگی تریزو نه پوری بر بشولی او امر سیوزمی، ستوری اوور یخی،  
و زمی او د آسمان دورونه هر خه په بل رازو. دی پېت نوز امده عظمت او تاریخی جمال و جلال ته بشه شا عرانه  
اشارتونه دی چهدا شعر اهادنی او عادی اشعارو لېخه لور وی، او د تپرو قصیدو په اخرا مرتبه کبی  
محای ور کوی.

ددی مشاعری تاریخ دثور میا شت ۱۳۲۳ - دمشا عربی اشخاص: مجرو ح، یعنوا، حبیبی،

رشتن، نوری، الفت

له دی پور تهی تاریخه داندی په ۱۳۲۲ دسنبلی په میا شت کبی دی پېتتو یوه بله مشاعر هم شوی  
چه دمشا عربی دیبا ره د ننگر هار سین غرتا کل شوی و، پدی مشا عره کبی دی اشخا صو اشتراک  
کړی یدی: مجرو ح، حبیبی، الفت، یعنوا، ر شتن، سجر ار - محمد رسول خان پېتتو ن- خادم،  
ددی مشا عربی درې شعره د درولمې یواشخا صو د کابل د مجلی به (۱۵۰) گه کبی د ۱۳۲۲ په سنبله  
کبی نشر شوی دی، د شاغلی بینوا او شاغلی رشتین شعرو نه په ور پسی گنه کبی نمیزان په میا شت  
کبی او د شاغلی جرار شعر د عقرب د میا شت په گهه کبی نشدی او د بنا غلی محمد ر سول خان  
پېتتون داد قوس د میا شت په گهه کبی و گوری، د شاغلی خادم شعر چه د دی مشاعری (فعلا) روستنی  
شعر دی د کابل په (۱۶۷) گنه یعنی ۱۳۲۳ د دلويه میا شت کبی نشر شوی دی او د دی مشاعری  
سلسله ئی تریونیم کاله پوری او بزده کړه.

دام مشاعر هم پدی لحاظ چه موضوع په کبی "عین شوی ده زمو نې د شاغلواو په اورد شاعر او د نظر  
دول او طرز تخیل په یوه مور د کبی به مختلفو صور تو را بئی او په هدای شوچه دغه سین غره د هرجا

په نظر کشې خنگه جلوه کپر او دغه شاعر انه منظر هر يوه ته خه خاطرات او خه خیالات پیدا کړي دي ،  
چه دغه دهی دهريوه دمضمون خلاصه او دشعر يوه توهه دلتنه را اخلو:

(۱) مجروح:

دانبا غلی چه په شعرو ادب کښې متنی مقام لری، سین غره ته پدی دول ګوری او داسی تعییر ات  
ورځنۍ کوي:

سین خادر په خه توره شبحه غوم پدای که چاد اسمان لاندی خیمه وهلي؟ د وسپنو د یوال دی چه  
په زرو جراوشوی؟ که کوم شamar یا از دهار دی چه لهشتا به پریو تی یانه نگ د اسمان له شنه در یابه  
راو تلمی دی.

دعظمت مجسمه ولارده که د بريډ ګستې هسک او خم که سره پل کړي دي؟ دغرو سین سرې  
مورده چه د انورئی بچې دی که د قدرت له خوا پېښتون ته دنیات پیغامدي په افق کښې ئې له پخوانه دا  
بندر نيو ای او اسمان پری بشه خبر دی چه له وریج و باج و خراج اخلى (چه سینه و اوږدی) له تالندی  
ئی و بره او یه تندر ئې خه پروا نشته نه دشیورخو له تلورا تلوخه سوداری.

په سرئی سینه و اوږدی دی او یه لمن کښې ئې زې پری ګلوه، هله زمی او دلتنه او ودی دی ،  
موسمونه پکښې یوځای شوی او رو دونه ئې لکه او لاد په آغوش کښې نیولی، د اسمان په کنارو کښې  
ئی رون تندی بشکاري او یه نازو نځرو ننګرهار ته ګوری اسمان ئې هره شې په سرستوري نثاروی ،  
اوقي نوس دوریجويه لاس ورته سوغاتونه راستوی، بادامي (بداد طوفا نونه) ئې په سرد پا سه رقصونه  
کا، هندو کش پدی سر لومړي ملګری نازې بزې او د سحر د باد په لاس ورته سلا مونه را لېږي .  
خدای خبر چه له خه مودی دلتنه ولاړ دی او د تېږي زمانی خوره کېسي ور یادی دی، د تدو سرو هیڅ  
په را نلري او نه ئې د حوادثو یه مقابل کښې کله سرتیست کړي دي. په سر درو کښې ئې طو طیان او  
په بونو کښې بلبلی شته چه له شاهینه، وېږې بزې او زر کې ئې نه دی غلی، په لودو پر شوئې د عقاب  
خالی دی، له هری سمخی او هر کوډمه دې انګا نو غریو خېږي

دشعر يوه توهه:

په افق کښې ئې نیولی  
له پخوانه دا بندر دی  
باج خراج له ورې خی اخلى  
پاس آسمان پری بشه خبر دی  
په یو ه پښه و لاړ دی  
په همز و لی د خیبر دی

نه له تالندی وېږې بزې نه په تند رئی په را شته

نه له تلو را تلو دور خویاد شپوئې خه سودا شته

کاد ستور و نتار و نه  
ور ته لیزی سوغا تو نه  
همیشه کوی رقصو نه  
هندوکش پدی ملگری سر لوئی کاندی ناز بیزی  
د سحر دباد په لاس تل خیل درو د سلام ور ایزی  
سر درو کنی کنی طوطیان دی  
په هر بنه کنی کنی بلباي  
ز ر کنی نه دی هله غلی  
شی په لو ده پر شه با ندی  
اه هر سمح له هره کوچمه غربو خپزی دیر انگانو  
نور صفت ئی تا سی و کری ای دغرو نوشرا نو

چندی شعر کنی سیاغلی شاعر دسین غره تصویر او تمیل په پر شه شان کوی اوله هفو معلو ما تو  
چه دی ئی په طبیعتا تو کنی لری هم کاراخلی او لبزه غوندی اشاره دتبری زمانی کیسو او تاریخ  
ته هم کوی ؛ په عین حال کنی له سین غره نه دنبات واستقامت ، سپو او تودو تبرولو الها مات هم  
اخلی او دیپنتو غوزه ته ئی رسوی .  
دیاغلی حبیبی دشعر خلاصه :

دا سیمان په خنلوو دسیو زمی رنما له لیری بشکاری او د جگ غره په خو کو داسی معلوم بزی ایکه  
چه مرغلری اونی ، هلننه سینی خو کی برینی او خو رهها وي ملگری دی ، یو خو سینی واوري  
خلپزی او بل دشقق لمبی بلی دی . سینی سیو زمی له غرونو منج را بشکاره کپ او بشکلی  
غولا شا یسته شو .

دا کوم مخای او کوم غردی چه نندارو ئی معحوه کرم ، داته خوک او سی او د چا کو ر دی ، خو  
زوندی یه زه به هم دلی یم او د سین غره ننداری به کوم .  
خلق و ای داسین غردی زموایم چه زما مامن دی او بیشت په بیشت مود نیکونو هدیره او وطن دی .  
ای سین غره ته راته خپله قصه ووا یه ، ته هبر زوداو سین ذیری په نظر راخی او دسر وینه  
دی تول سین شویدی ته کله دی نوی . ته راغلی ئی او له کومه راغلی ئی . ای سین ذیریه تاز  
مونز توریالی نیکونه لیدلی دی چه ستاپه خنگلو کنی لکه شنه زمریان او سپدل په درناوی کنی  
تاته ورته و دهنوی داستان ستاپه یاددی او کله تانه هم پیننانه هبر شویدی .  
ای سین ذیریه راته ووا یه چه زمونز نیکونه ولی لو دو ؟ او زه ولی قیمت او ذلیل یم . د لود تیا  
تبر داستان خه و ؟

علت او معلوم خوستاله نظر لاندی و، ولی مونبز کبنتی ته پرخواو ولی دوى پر اود بد و؟ راسه  
ما سره خواله و کپره او داسبب راته بشکاره کپره، سین غر؛ ای پیشتو نه! خه خبری در ته  
کپره ته ئی به غوز کبنتی تینگکی و نیسه! دد نیا حوادث و اده پاسته جسمونه سولوی، زه چه تینگک  
ولادمیم په زرو کلونه تپر شوه اسمان په ما خه نشی کولی، ته هم تینگک او سه اولود همت له لاسه  
مهور کوه، دد نیا حوادث تبروه او مه پیر بزه، که ما غوندی مستقیم شی په د نیا کبنتی به  
ما غوندی لو دنی.

د شعر یوه یوه تو ته:

تیر داستان دایود تیا خه و؟	راته وا به سینه غر!
تو ل دی لاندی تر کا ته و	که علت و که معلوم و
ولی مونبز کبنتی ته پرخوا	ولی دوى پر اود يده و؟
را سره زما سره خوا له کپره	دا سبب را ته بشکاره کپره
له ما زده کپره ای پیشتو نه!	له ما زده کپره ای پیشتو نه!
دی پیشکه مر غلر پی	در ته وا يم خو خبری
لومدو خود می دی اید لای	شپی په غوز کبنتی تینگکی نیسه
واوره! دا چه شپی نکنی دی	تجربی می دی اید لای
گتی هم پکبنتی پر تی دی	واوره! دا چه شپی نکنی دی

دد نیا حوادث و اده	سو لوی پاسته جسمونه
زه چه تینگک يم نو ولادمیم	په زرو تپر شوه کلدونه
خه چه کپری اسمان دی کپرینه	زه یم کلک تینگک می هلوونه
که بر یشنا که واوري، بشکنی	
هېچ تغیر را ته پیش نکنی	

ددی شعر زیاته برخه دtar یخی عظمت خوا ته معظو فه ده په تپر شعر کبنتی چه شاعر سین غر  
سین سری بشپه بلی ده پدی شعر کبنتی سین بزیری سری گهنه شویدی او شاعر ورسه سوال  
وجواب او خبری شروع کپریدی. داته له غره سره شپی دمطلب خبری شو يدی، مینه ور سره  
 بشکاره شویده مگر دندارو برخه ئی کمدهه.

دالفت دشعر خلاصه:-

خلقو ویلی له کوه قاقه هنه خوا یوه کلاده چه هوائی بل رازده او بشپه بیان پکبنتی او سی پیره  
دارئی یوسین دیودی چه هر خوک تری و پر بزی پردی نشی ورتلای او لارئی چه بره سخته ده

هەنە دیو دننگر هار سپین غر دى چە د خیبر لە دروازى دى خواپە سختە لار كىشى پروت دى او بى پېنتو نە بل خوک پىدى گلزار كىشى نشى گۈزىدى لە خەنگلۇنە لەشىز مەيانو دەك دى او بى هوا كىشى ئىسىپين بازان - خار كوي . لەھر وطنە بناىستە دى تور نېقىرئى تۈرى زانلى اوتكى سپين مخ ئى دلىايى دى . داسى سپين سېيىخلى شىكارى لەكە سپين سبا . دامر اوسپۈزىمى كۆردى اوھر سەھرئى لە كەنلەوە لەر راخبىزى ئۆكە ھومرە روپانە دى .

دغره پەسر دېلپۇ شو تىجلى خلبىزى . پەھمدەنە رۇغا كىشى لەراو سپۈزىمى خان گورى او د پېنتو آئىنە ھەم دە ، دارنە داسى سپين بىرىشى لەكە درحەت دنور ورشا . پىدى ئاھى لە اسمانە سېيىخلى نور ورپىداي او كە داد مەلکە كۆھ طور دى .

دەلتە دجىت د باغ وزىمى پىكىشى ھەر وخت لەكپىزى اود رەنۋو ستورو دىيوي ھەر شەپھلى وى . زەركى خاندى اوھو سېنىزى لە صىادە ئى ھېچ ويرە نىشتە . دېپنتون د كام گەپتەنە خا نىڭو دە چە پەردى ورته لارە نلرى . ھەر ئاھى خواتە جەۋىپى او ايشارو نە بېھبىزى اود عسلۇ اوشرا بولۇ دەك رودونە پىكىشى دى . بىنە سر سېزە لەن لرى چە اسونە پىكىشى مېشىت دى . بناىستە منظەرى لرى چە پېشىتەنە ئى نىدارى او د سپين غرە تورى لېپكىرى ئى پېرى كېرى . پەپەننەنە كىشى دامتىل دى چە پە نوپۇ غرە دەخدايى حظر وى ئۆكە دسپين غرە دپاسە شام و سەھر تىجلى وى او لملا خەرك نەھى وھلى چە ھەلتە درنە ائر موجود وى .

لەكە كۆھ طور رون او روپانە دى خوچوك نىشتە چە الھام ترى واخلى .

### د شەعر ۋە ۋەتە :

پاس د غرە پە سر خلبىزى	تىجلى دېلپۇ شو دە
لەر سپۈزىمى پىكىشى خان گورى	آئىنە د پېنتو دە
تەكە سپينە رۇغا بىرىشى	درحەت دنور ور شودە

ھەسى شىكارى لەكە داچە دەلەكە كۆھ طور وى

يا اسمان نە ور يېلدىلى پىدى ئاھى سېيىخلى نور وى

د جىت د باغ وزىمى دى	چە ھەر وخت پىكىشى لەكپىزى
----------------------	---------------------------

در نەو ستورو دىيوي دى	پىكىشى ھەر شەپھلى خلبىزى
لە صىادە ويرە نىشتە	زەركى خاندى هو سېنىزى

دېپنتون د كام خا نىڭو دە كەنلەوە گەپو نە تىڭارە

خەدايى دى نە كە چە پەردى بە كەلەمومى ورته لارە

دا منل دی پینتنو کنپی  
په لوی غره دخداي نظر وری  
د سین غر ه پاسه لکه  
تعجلی شام و سحر وری  
امر لا خرك نهوي وهلي  
در نما هله اثر وری  
کوه طور غوندي رهادی خو افسوس چه موسى نشته  
چه الهام ور خنی و اخلی هفه بیر او پیشو انشته

دا شعر له وهمی ععناتو چه په پینتنو کبی شهرت لري شروع شوی او ورو سنه پکنپی  
له تصوفی روح او عرفانی فکر خنخه کار اخسل شویدی دله چه شاعر ته په سین غره کنپی  
تور نپتر بشکاره شوی او د غره به سر ئی سپینی واوری لیدلی نو دلیل سپین مخ او توری  
زلفی ور په ياد شویدی لکه ئی ورته سین ذیری یا سین سری نه دی ویلی او دجمال په نظر  
ئی ورته کنلی دی . له چا سره چه تاریخي افکار وی او زدو قصو یا د استانو پوینتنی کوی  
د هفو په نظر کبی باید چه سین غر سین بزبری معلوم شی  
خوک دغرونو طبیعی عمر ته ملتفت ونی او هفه رو دونه چه دی غر ه پیخیل آغوش کنپی  
لکه اولاد نیولی دی و گوری هفه حق لري چه سین سری بخنه ئی و بولی مگر که خوک  
تور نپتر او سپینی واوری یو خای و گوری او سپین مخ او توری زلفی ور په ياد شی بگرم نه دی  
که دجمال له عینکو ورته گوری او تاریخي خواته نه ملتفت کېنزی .

د بشاغلی ینوا د شعر انځو مضمون :-

ای سافی راشه د خوب من زد گی پخوا شه ! یوه بیاله را کره او پوهه را خنخه اخله  
چه مست او دیوانه اوله جهانه بیگانه شم د مینې نورو ساز او د عشق جنون را کره ه چه له  
درد منو سره یاری او له بی درد و جدائی و کرم . لکه یومست موج تپر شم چه طوفانونه می  
په سر وی . ای سافی زرشه جنونه کوه او د هفه تاک وینی را کره چه د سین غر ه سینچلی  
شیدی ئی رو دلی وی . چه زه هم سین باز غوندی پرواز و کرم او د سین غره اغاز کرم  
زمای په نفعه کبی یو شر او مسیحه ئی اثر بیدا کره چه مړه قومونه ژوندی کرم له ذله ئی  
خلاص کرم او د غفلت له غروره ئی را پاخوم . پدی ئی پوه کرم چه او س ژوندون بل راز  
افسون غواصی او په تشه وینا خوک نه خلاصیزی ،

که خوک په پلار فخر کوی او پیخیل کېر ناریزی هفه هلا کېنزی ای سافی زرسه بیاله را کره  
اووینامی مؤثره کره چه ددی غره په لمن کنپی زما په او از ز لعنی را قول شی او د پینتنو  
مر کی جودی شی او یواله بله ملګری شی دا خراب کور بیا ودان کړی او خان په دنیا کبی  
 بشکاره کاندی .

دشیر یوه آویه :

د خوز من زد گی پخواشه  
تر سروستر گودی واری شم  
پخیل دادبی وزلی بشاد کره  
تر بی درد عالم را تبر شه  
را خنخ رانیس پو هننه  
له جهانه بیگانه شم  
لبونی عشق راعطا کره  
له بی درد و جدائی کرم  
پاک له خیر وله جنجال شی  
صوفا نو نه می په سروی  
تول او لس سره یکسان کرم  
سا قی مه کوه خنده نور ته  
چه می بخه شی پری اینه  
د سین غره شیدی سیغیلی  
د سین غره نعمه آغاز کرم  
مسیحان غو ندی اثر را

پدی شعر کنیه له سین غر ه سره به شاعرانه تماس را غلی دی مگر هفسی چه په  
تیر و اشعار و کنیه سین غر اصلی مضمون دی دلته هفسی نه ایسی مگر دا شعر پخیل شعری  
حیث مستی او جذایت لری او سری ویلی شی چه که د سین غر ه منظر پکنیه دیر نه ایدل  
کنیزی نور شاعر انه نکات پکنیه دیر لیده شی او خیزی بیتونه ئی اکه،  
لکه مو ج مست می گذر وی صوفا نو نه می په سروی

پدی ادبی فیمت لری پدی شعر کنیه هم شاغلی بینو ا لکه د هنی بلی مشاعر ئی  
په شعر کنیه یوه مستی او سر شاری پنکاره کوی چه تقریبا دده شا عرانه خصو صیست ئی  
ملی شو، مگر دا مستی له ملی او اجتماعی درد او شو آ رزو گا نو سر ه مخلوقه ده،  
د شاغلی رشتین د شعر لنده مضمون :

د خیال مرغه می په سین غر ه سر شار گرخی او ددی کوه سار تازه هو ا می په سر  
کنیه ده، هر اور ته د بلبلو شور ما شور دی او په شنو نپتر و کنیه طوطیان مست له چناره

گرzi . له هربن خخه ئى دمرغانو ريز ارويده شى او بلبل دمېنى لە خمارە يېھو ش گرzi . دعطل و نسيم بە ئى دچا دناز شملە خوشبویە كېرى ، دى نسيم تە هر خوك اميد واردى چە دچا زلفى بە خورى كاندىچونى او خلەمى او شكللى خويشمارە دى او نېتەرەم لە لودەو خايى دەمدۈي نىدارى كوى . سېين غر پە مىتانت او وقار درب پە احترام ولازدى . پىدى ھوا كېنى چادختن نافى سېرلى دى چەشپانە پە شنو وشۇ كېنى لە عطارە مست گرzi .

دشيا نە مستى شېلىي تە بى اختىارە هەر خە گەليزى . ستا پە طبىعى خر و ش كېنى خە آرام او مدار نىشته حكىمدا بشارە سره دەستى خىمال نە ئەخى . ستا دىسىنى ميوى چە يېخى شى نو ستا يە خېنگلۇ كېنى مستى او خونخوارى نجونى گرzi . دا و ستا ئەقى ستا لە خوازە نومە خۈزى شوي او دسوما بولقى ستا شاو خوا گرzi . هەفە خە چە سكىندر پە بل خايى كېنى پىدا نىڭرە ستا پە سىيمە كېنى ئى غوامى . محمود او شەبا ب پە مىنە دەر تە كەتلى دى او ستۇرى كى بى اختىارە ستا لورتە اومى ، احمد چە پىدى لار تىرى يە ستا نظر پىرى وە حكىم نامدار شو . هەفە كسان چە پە خۈزۈنەمۇ كېنى ئى دې يەخودى تاشىرە ارواح ئى ستا پە ھوا كېنى دىننگەر ھار پە فضا باندى گرzi . زىۋۇنە موستا دېنېز و پە شان قۇى دى او لەكە چە يومىن لە خىيل دىلدارە نە يېلىزى مونېز ھە ستا نە پە ھېچ راز يېلىدونكى نە يو .

دشەر يوه حصە :

ھوامي سر كېنى نە تازە لەدى كەسارە گرzi  
پە شنۇ نېتىر و شە طوطىمان مست لە چەراھە گرzi  
بلبل يېھوپىن پە كېنى دمېنى لە خمارە گرzi  
نسىم دعطل و پە كېنى نىم خوشگوارە گرzi  
زېيانسىم تە ئى زىزىدۇنە طەعەدارە گرzi  
جۇنە خەلەمى شەكللى بىشى ئەستە پە كېنى بېشمارە گرzi  
لەكەلەو يېرى بېكتە پور تە نا قرارە گرzi  
كەلە يېزۇندىنەنلى لە حكىمە دى بادارە گرzi  
چەشۇنۇپۇ كېنى دى شۇپۇنلىكى مست لە عطارە گرzi  
مېدان درقص كېنى ساھ كىش وادە بېشمارە گرzi  
خىمال دەستى . كەلە لە سرە دا بشارە گرzi  
ستا پە خېنگلۇ كېنى ھە نجل مستە خونخوارە گرzi

مارغە دخىال مې يە سېين غرە باندى سر شارە گرzi  
و يەنە هە لور تە دېلىلۇ شورما شوردى پە كېنى  
رېزىدمەر غا ئۆئى راخىزى لە هە بېھە خخە  
دناز شملە بە كېرى خوشبویە پە شانلە دچا  
زلفى دچا بە كېرى خورى پە پەستو گوتۇ سرە  
نېتىر پە لودە نىدارە د مەھر و يَا نۇ كۆرى  
ھوسوبىي سترگى چە را بېتى لە خوبانو كېلى  
پە مىتانت وقار و لار دى احترام كېنى درب  
ستا پەھووا كېنى دختن نا في سېر دلى دى چا  
مستە شېلىي چە پە خونىندر اشى لە شەنە سرە  
طبىعى خروش كېنى دى ارام او خە مدار نىشەدى  
مەھو يېخى ستا دىسىنى چە شى كۆم وختى كەنە

پدی شعر کنی گرده هر ستایل شویدی او خه چه یه غره کنی وی لکه نهتر، هو سی،  
تارو، تمخری، شبونکی، زر کی، طوطیان، بلبلی، بازان، آبشارونه دا توول یاد شویدی، او چینی  
تاریخی نکات هم لری خصوصاً دسو ما بوئی اودا و ستانمی مگر دسپین غره هقد نور اور نما  
تجلى چه یه دری لمرو شعر ونو کنی ورته زیاته اعتناشو بده دلته ئی خپله رنما با یسلی ده  
او تر دی دمغه یه هفه بل شعر کنی هم خه خلیشت نلری، که چبری یه او له مصرع کنی  
نه وای ویل شوی چه (مارغه دخیال می یه سپین غره باندی سر شاره گرزی) او په یو ه بله  
مصرع کنی سپین غر او دنگر ها ر نوم نه وای نو دی شعر هر غره ته امدخ لگا و ه  
مگر بدی شعر کنی یو بل خصوصیت شته چه دغره چینی نور کیفیتو نه پکنی د ہر لیده  
شی چه حتی د شپو نکی مسته شپلی هم تر پنه نه ده پا ته، نو و یلی شو چه د ا شعر یه  
غر بنو سند رو کنی بشه جامعیت لری او دبر بشه شعر ئی بللی شو .  
دینا غلی جرار دشعر مطالب:-

دا سپین غر دی او که هماغه کو ه قاف دی . له ورایه تجلی کری اولکه سپو ذ می  
صف یه نظر راخی، دهنداری یه دود شفاف دی او اسمان مخی ته نیولی دو مر ه جگ دی  
چه خو لی ورته له سره او بزی اودا چمکه یه نظر کنی لکه یو خیال داسی معلو مهیزی .  
سری چه ورته گوری گمان کوی چه سپین غر خپل سر داسمان په سینه موشی: یوه و یروونکی  
اژد ها ده چه یه خیرنی سرا یپنی دی . دپر دو ورخنی دار او وبره کپنی دالونی او  
دا عظمت خدای ور بختیلی دی . دفتر مجسمه ده اوله پخوانه دلته ولاره ده د نگر ها ر  
تماشا په هسکه خاکه کری . یو عمر تجربه کسار سپین ذیری سال خورده دی چه بشی کیسی  
ور ته یاد دی . شنه زمریان پکنی پرا ته دی چه نو کی ئی له ا لاما سو هم تبری دی .  
سپین بازان ئی یه سر گر زی چه دچاپه لاس کلمه نه دی ناست . دلاندی گر نگونه او توری  
تبری دی او پاس تو ر نیتر ولاره دی . دا توول سر ه جمع شوی او بشکلی منظره . تر پنه  
جو مده شو بد ه .

دشعر یوه حصه :-

که هماغه کو ه قاف دی	داسپین غر دی نه پو هپنر م
د سپو ذ می په شانته صاف دی	تجلى کوی له و را یه
آ نینی غوندی شفاف دی	اسما ن مخی ته نیمو لی
چه له سرد ورته لو بزی خواهی هو مره جگمه ده وال دی	
به نظر کنی ئی دا چمکه یه نو د لکه یو خیال دی	



## دھمداد نو وزارت

دوزیر کفیل	: ع، ص غلام محمد خان
معین	: ع، محمد احسان خان
لدنی عمومی مدیر	: ع، سید عبدالاحد خان
دھمداد نو دیلوم انجینئر	: ع، سید عبدالاحد خان
دھمداد نو متخصص	: ص، دو کنور سلطان احمد خان
انجینئر	: ص، عبداللہ خان
د کشا فی مدیر	: ع، غلام علیخان
د اجراء تیبی	: ع، عبدالاہ خان
د کنٹرول	: ع، محمد حسن خان
د بیرون لو اولور لو مدیر	: ع، رمضان علی خان
د تفتیش مدیر	: ع، عبدالفتاح خان
داور اقوام امور	: ع، محمد یوسف خان
ع، ص غلام محمد خان دھمداد نو دوزارت کفیل	S. Ex. Ghulam Mohammad Khan

Intérimaire du ministère des mines

## د کرهنی مستقبل ریاست

رئیس	: ع، ج
فی معاون	: ع، ص میر محمد یوسف خان
د کرهنی داصلاح او د توسعی د مدیریت کفیل	: ص، داد محمد خان
دزراعتی آفتوددفع	: مدیر
داملا کو دعمومی مدیریت کفیل	: ع، محمد کریم خان
د گنگلا تو مدیر	
د تفتیش	: ع، قادر علیخان
دزراعتی تبلیغاتی تو مدیر	: ع، فقیر محمد خان
د حیوانات تودریبی خانی	: ع، داد محمد خان
د اجراء تیبی اوقام امور یشو	: ع، عتیق اللہ خان
د کنٹرول	: ع، سید فقیر محمد خان
داور اقو	: ع، میر محمد ہاشم خان

که نز دی وی که له ورایه

ته به وائی گوندی مو بنی

و برو و نکی از د هاده

دیر دو تری و برد دارشی کان دو برد دهیت دی

لوی خبتن و ر ته بخبلی د ا لوئی داعظمت دی

ددی شمر خه بیتونه یه لخ تغیر و تحریف یه دری المرو شعرونو کپنی مو مو نونه پوهنزو و چه  
توارد ورته و وايو که اقتباس ؟ توارد خوبه خیکه خواه ونه منی چه همه شعر ونه پخوا نشر  
شوبدی اودانور اشعار پس له هفو دری شعر وویل شویدی - نو اقتباس یا اضمن به ئی و بولو -  
لخینی نوی نـکات هم پدی شعر کپنی شته چه ادبی اوشعارانه قیمت لری .

دیناغلی محمد رسول خان دشعر مضمون :

داسمان کناروته دسینو زرو کلاپکاری اوسور افق د همدی کلا دبوالوته اور بل  
کربدی چه داسمان توری لپکری ئی گرد چاپر امبوته را توں دی خدازده چه پدی کلا کپنی  
خواک دی چه پدی، حصار مستانه بیوری او هیچ بروائی نشته . دادسینو زرو غردی چه به نورو  
اوچت بشکاری ، همه و گپری پکپنی او سی چه دخبتن رحمت ورباندی دی ، په بیو واله زوند  
کری اودعشق یه رمز کپنی ئی وحدت مضمردی داخای دیا کانو دی دله ریا نشته ، په هر  
کور کپنی پیغمی ده او شورو غوغانه اروپله کپنی . سین غرنه دی فلندر دی چه سر تورسر  
دله ناست دی ، دعاًی مستجابه ده ، آفتونه برد اثر نـکری ، زمریان ئی تسخیر کری او په  
لخـکلو کشی ئی غرمبهار دی داسمان دزده توته ده چه به حکمکه را لوپد لی ده ، سین نقاپ ئی  
په سر کش کریدی ، رو دو نه ، نهدی دشرم خولی دی چه تری بپنزوی ، یه لمنا کپنی ئی گلان  
شندی چه ببلان برد نالان دی دادپیتون دوقار نونه ده چه به عمر و عمر وئی خپل متانت ساتلی دی  
له شنه دریا به نهنگ پر مجکه برد بولی دی اوامخانه سر ئی مرغلری را ویدی ، یا بناها ردی  
جه دآـسان خزانی دانسان امیر غله ساتی . دزمر یانو غردی که دیپیتنو انگر ، زمو نې دبلرو  
بامدی چه لم توری هرهور خ لوبنزو ، اسمان پری خپله اور واده کپری چه هره شپه پکپنی په سین  
محایدہ شی او په امنو کپنی ئی نور خپو روی .

دشعر یوه برخه :-

سینوزرو کلا بشکاری

سور افق دی اور بل کری

دآـسان توری لپکری

خدازده خواک دی به کلا کپنی چه د برد سود انشته

مستانه بـ حصار بـ روی تـه وـ هـیـچـ ئـیـ بـ رـ وـ اـ نـ شـتـهـ

داد سینو زر و غر دی  
چه د نورو خخه اوچت دی  
شه و گری پکشی اوسي  
دختتن باندی رحمت دی  
په یوواله سره زوند کری  
رمز د عشق کشی و حدت دی  
دغه خای دی د پا کما نو هدود لته ریا شته  
په هر کور کشی پفعی ده چهر ته شو رو غو غاشتے  
سین غرندی قلندر دی  
دلنه ناست په سر تور سردی  
دخاو ندبا ندی نظر دی  
مستجا به ئی دعا دی  
د فو لا د و ئی تمر دی  
هیچ آفت پیری اشنکری  
تسخیر کری ئی زمیران دی بخنگله کبی غرمهبار دی  
په میبر انه ئی ر وزلی خد ای ور کری افتدار دی

پدی شعر کشی لمی محل چه شائی ظاهری نظر به وی سین غرداشا عربه نظر کشی دسینو  
زرو کلایا غر بشکاره شوی مگروروسته چه د شاعر باهنی شعور ور ته کلی دی نوبیا ئی یوقلندر  
بللی چه سر تور سرنا ست دی او د خدای نظرور باندی دی خنگه پری هیچ آفت تا پیر نه کوی  
او د عائی هم مستجابه ده ، زمیران ئی په تسخیر کشی دی او خدای لوی افتدار ور کری . دهمدی  
قلندر په جوار کشی شه و گری اوسي چه ریا پکشی نشته او د عشق لهرمزه خبر دی . پدی شعر کبی  
کمسین غره ته دیپتناهه وقار او متانت ویل شوی یائی اکه مجر وح دشنه د ریاب نهشگه یا بنامار  
ور ته ویلی دی داوینا د شاعر اصلی او خصوصی نظر نه دی بلکهد قلندری . په حیث ور ته کشنه د بشنا غلی  
محمد رسول خان فکری اورو حی صبغه لری او بهمدغه شی د اشعر له نورو شعرونو پلپنیزی .

دباغلی خادم دشعر مضمونون :-

قدرت په خه شان او نزا اکت ستاتصویر بشکلی دی او خه جلا او بشکلا ئی در کر پدھ ، ستایه  
لیدو دھیرت ستر گی سینی شوی اوحسن ستادمغ بشکلیتوب ته محووه شو ، ته په دنیا کبی د فطرت  
د شهکار یونونه ئی ، ستادسیمی به فضا کبی د شعر خجال پرورش مومی ، ستا لیدوته له آ سماه  
ملایکی را کوژ ینبزی ، او بشایپری . دی لهارمه نتدار ور ته رادر و می . په هر خوا کشی ئی شنه  
چمنونه او جگ سرونە ، شر شری او فواری لیدل کبزی ، رنگه په رنگه قل قل گلونه اود نر هقونو  
موچ پکشی دی ، دشودو او عسلو رو دونه پکشی جاری دی ، دبلبلو ، طوطیانو او کوترو انگازی  
او د مر غانو توانی ئی له هر دخایه غوز ته راخی . نه بیو هېنر م دشپو نکی له شپلی . نه دا بشه تعنه  
تر غوزه کبزی او که دوح د جنت بشکلو بندگلو ته په رواز کری ، خیال دی که واقعه ، ممکن دی که محال .  
هله دیوھیکله بشایپری . اوسي چه بد نونه ئی دواورودی او د خای بله جاته نه پر ہنر دی ،  
په قدونو صنوبر دی او غنی ستر گی ئی دهو سیودی ، داجهان ئی تر گلابو او کو کیو محارشه .  
غایی ئی اکه دزا نهوا وتوری زلفی ئی سنبلدی ، دا چه بشکاری غولی غولی ور یئھی دی

او که خنپی او کاکبل . خدا یه ! دا پری خانه ده که جنت دی او دای خوری دی . شاعر ولی  
دومره چهار کوی نوری بشکلی ستائی . داد حسن جلوه گاه ده که دسین غره تما شاده ؟  
ای سین غره ته دو طن پوزه ئی ، له خیره په خو محله غیر تی او قدر من ئی ، ستالود  
فامست کاه نهدی تسخیر شوی او دسکنند رسیدی په سردی سینی و اوزری دی او په لمنو کبپی  
زېړ ګملونه ، هری خواته دی په زر ګونو نعمتو نهور کړیدی ، سره انار او سرپی منی دی ددلبرونښی  
او نیانی دی ، چنفووزی ، غوزان ، بادام او نوری سل رازه مېوی لري ، هره تیزه دنی سره زر ده .  
د شعر یوه بر خـ۴ :-

به خه شان او نزا کت کبپی قدرت بشکلی دی تصویر ستا  
حسن مجده د سکوت شو ستادم خ بشکلی لیلی ته  
د فطرت د شهکار یو نمونه ئی په دنیا کبپی  
له اسمانه ملا یکی را کو ز ہنری ستالید وته  
بی مثاله ننداره ده ؟ خه عجیبیه تماشه ده ؟  
گهی گهی او می او می بی په هر خوا کبپی دېر دی  
دشو دواو د عسلودی جاري پکبپی رو دو نه  
هلپی دلپی هوری دوری د مرغانو ترانی دی  
او که روح دی پرواز کړی د جنت بشکلوبنګلويه  
دام مکن دی که محال دی ؟  
جمنو نه چک سرونه فواری او شرشری دی  
رنګار نگک تل قل ګملونه موچ نزهه نه  
د بلسو د طوطیانو د کوتور وا نگازی دی  
له شپلیه دشپونکی نه دانګمه رابحي غوزو ته  
وافعه ده که خیال دی ؟

دا شعر پدی مشاعره کبپی په او له درجه اشعارو کبپی حسا په بزی او په ناز که خوند ور تمثیلی  
شعر ورته ویلی شو که خه هم پدی زمینه کبپی ترده دمغه په شعرو نه ویل شوی او د سین غره  
هر خه ستایل شویدی مګر بیا هم نوی نکلات او تعبیرات لري او پدی غره کبپی ئی دېن خه نوی  
پیدا کې پدی . ترده دمغه چاسین غره ته نهدی ویلی چه د شعر خیال ستایه سیمه کبپی په ورشن کوی  
یاد یو هی بشکله بشپری لري ، د غسی دېر نوی تعبیرات پدی شعر کبپی شته چه په تهرو اشعار و کبپی  
نشته لکه غولی غولی و دیغو ته خپنی او کاکل ویل یاد حیرت سترا کی سینپل او د اسی نور ... نو خنگه  
چه په شعرو نه هر یوه د خپل رنګک او کهینو خصوصیات توله کبله مخان الله نور او اشعار و پلا و د غسی  
دا شعر هم خمینی امتیازات لري ، او ویلی شو چه په شعر او شاعری . کبپی دومره مجا ل شته چه  
کې په یوه معینه موضوع ده شاعران خه و لینکی ده یوه شعر له بلنه پل رنګک او آهنگک لري  
که فرضا سین غر خو تنه رسامان رسماں کړی نو دغه زیات فرقو نه چه پدی اشعار و کبپی  
شته ده غوی په رسمونو کبپی به نه وي مګر هله چه هر رسماں پله پله غونه دی او پل پل تا وونه  
رسم کړی او مناظر ئی يوله بله جداوی .

# آریائی، پارسی، پهلوی

مرتی و میر بختیاری

پیشوا

شعر خنگه چه دخوشی اومستی احیات نشی رو لای . میدان داشان روحی تایات  
او خواشنی خرگندوی ، یعنی لکه دعستی اشعار چه بر سرمه و قسم از موسکی میداند حنجه  
او تأثیر شعرونه له ستر گو او شکی تو بوده . تو  
اکمه و خنجه چه انسان خندلی دی له همراه و خنجه در زاده  
سره هم استنایی دی ؛ عیناً قادر خان خنگه دام عاصی  
خنگه به ادا کوی :



هر سحر خنگه دیگل به او همکوونه تی

پادی یاغ کی بی تراو خند آشته

و دهقو شایانو تخدیه چه دیشتر بیوی او شی دلی لکمه  
لایه او اسانانو لاهوله دغم به ستر گه ورته بکشی دی  
اویه را تلو شی غمکین شوی دای میر گه دی .

پرینه که خدهم یوه فطری بیشه ده چه بی هیچ آنکه  
هیچ رُوی تجربی خلاصه‌ای نشی اوهر انسان هم یه دی  
روه پنجه همگر بیائی هم یه شاعرانو ساندی و ملی دی

چه زه دله ددوی دساندی سره پر تله کوئ اودا به سیلا شاغلی . پروا به بلاده  
و خیرم چه خوزره کماله بخوا به دی خاوره کی شاعرانو مر گی ته بیخه سر که بیانه او را  
ورودنده دیارسی او پنهان شاعرانو داغم (چهار کله داسان یه بیخه دش) خنگه کماله ؟  
دشاعر ابودی ساندیه یه عربی اصطلاح «مرتی» وای او دیپه و دلار ازه ادب کی نی ورنه «دری»

و پله، چه اوس یه مختصر دول د آریائی ، پارسی او زینه تو هر جو او و بیویه شادخوا نی خبره اه بیو ا  
آریائی مر تی : آریائی لکه گانوچه خوزره کماله بخواندله و بدن کاو بیو لالار بیو و لک

شاعران در لوده چه ددوی یه اصطلاح یه دریشی = ورنه وبل . دی زینه کما تو به کله  
نخاطیها تو اعلاماً و خیفه اجرا کوله او کله به تی د سافی او بی می شاعر به تو گه محس  
تود اوه ، دوی به تان خیل اجتماعی قوایین اوملی دودو ، او مذهبی جذبات پیغایی سرو دو او  
کی ضبطول او دزو ندون دهاری چاره تی مخصوص سر زد و در لودل چه ددی سرو دو و خنجه

دهنه وخت دخویشی ، سرور یاغم او حزن افسکار او احساس به خر گمندپزی ، داسر ودونه د « ریگویدا » او « اوستا » په واسطه تر موزه را رسیدلی دی اویه دی سر ودو کی دمر گک مر اسم هم بیان شوی دی ، چه دلته هم ( تر کمه خایه چه ددی سرود و نو له مضا مینو شخه استنباطپزی ) دمر گک په مقابل کی د اریائی شاعرانو احساس بشکاره کوو ، ا لته په دی سرودونو کی به موزه ته پوره او بشیری مرثیه دیارسی اوینتو په شان پلاس را نشی میگر بیا هم دهنه وخت دشاعرانو روحانی افسکار او دتیر و نیکه گانو ستاینه به پنه خینی معلو مه شی : دریگویدا او اوستا دسرودونو خنده معلوم پزی چه دهنه وخت آریائیانو دمر گک په نسبت مخصوص من عقائد او خاتمه مراسم در لولد اویه دی موضوع کی دیر مناجاتونه اوادعیه لری ، مثلًا دریگویدا په یوه سرود کی دروح درخوا داسی مناجات راغلی دی چه روح بدبن تر جلا کېدو ورو سته وايی :

« ای سومه ! هلتے چه خلاهیش نا ور کېنی

او هلتے چه د خلا آ سمان تل خلپنتری

هلتے چه د بقا بی زواله تا تویی او ورشو ده

ای سومه ! ماده بیشه دیاره هلتے بو زه ؟

❀ ❀ ❀ ❀

« هلتے چه « و یو سو ته » پا چا دی

هلتے چه د آسمان دنه آ خرنی تاقوی بی دی

هلتے چه د بقا زلای او به دی . . .

ای سو مه ! ما له هلتے بقا را کړه !

❀ ❀ ❀ ❀

« هلتے چه هر خوکت دزمه په خوشہ حر کت کوي

د آسمان دملکت په د برشمہ مرحله کی . . .

هلتے چه تو ل کو رو نه د خلا د کت دی

ای سومه ! ماته یه هم هنخای کی بقارا کړه !

❀ ❀ ❀ ❀

« هلتے چه تو ل غوښتنی او هیلی ترسره کېنی

دلمر په هغه لیر و لبرو و مدانګو کی . . .

هلتے چه د طلب لا ره پایی ته رسپنټی

ای سو مه ! هلتے ما ته بقارا کړه !

❀ ❀ ❀ ❀

« هلتے چه سرور ، خوبنی ، نشاط او مستی ده

هلتے چه د هر غوښتنکی خواسته مهمل کېنی . . .

ای سومه ! ما ته همه لته بقارا کړه !

ددي مناجات خخه خر گند بېزى چه آريائيانو تر مر گك وروسته تريو بل ژوند هم عقیده  
در لوده ، دانه يوازى دهمدى سرود خخه خر گند بېزى بل كمه په . كثرو سرو دو نو کي دا  
مفهوم راغلى دى چه انسان وروسته ترهه چه ، دنیائى ژوند گالى اه ، تنه ايرى كپرى او مېشى  
نو هفه وخت ده ته يو بل ژوند منتظر دى ، په يوه سرود كى وايى  
« هفه وخت چه دى (مرى) هفه منتظر ژوند ومومى —

نودارباب الانواع در صاموجيات به راغونه كپرى ! »

دسر و دله يوه به بندە خخه داسى معلو مېزى چه د دعا يه و خت كېشى ئى كىخه هم  
مۇره تە بىه والى او خېر غوښت ، مګر ييا ئى هم دى تر مر گك وروسته مقدرا تو تە پېښو د  
اـكـه چـهـ وـرـتـهـ واـيـىـ :

« ولاز شه ! هـرـخـهـ چـهـ سـتـاـ يـهـ بـرـخـهـ وـيـ هـفـهـ وـهـ وـهـ »

كـهـسـتاـ پـهـ بـرـخـهـ دـاـ وـيـ چـهـ پـهـ وـيـ بـلـاـشـيـ ،ـ بـلـاـشـيـ ،ـ

اوـكـهـ سـتـاـ پـهـ قـسـمـ دـاـ وـيـ چـهـ پـهـ وـيـ بـلـاـشـيـ ،ـ

دوـشـنـوـ پـهـ مـنـجـ کـيـ خـيـلـ دـهـسـتـوـ گـيـ خـاـيـ وـمـهـ ! »

دوـيـ دـاـ عـقـيـدـهـ دـر~ لـوـدـهـ چـهـ بـهـ اـنـسـانـ تـر~ مـر~ گـكـ وـرـوـسـتـهـ دـمـتـقـيـاـنـ اوـ سـيـخـلـوـ اـنـسـانـوـ تـاـقـوـبـيـ  
اوـمـجـكـىـ تـهـ ئـخـىـ ،ـ ئـخـكـىـ ئـىـ دـاـسـىـ دـعـاـ كـوـ لـهـ :

« دـىـ دـمـتـقـيـاـنـ نـوـ مـجـكـىـ اوـتـاـتـوـبـىـ تـهـ بـوـ زـهـ ! »

ددـوـيـ پـهـ دـعـاـ وـكـبـيـ تـلـ دـاـ مـفـهـومـ وـ،ـ پـهـ دـمـرـ وـ دـبـازـ مـاـنـدـ گـاـ نـوـ دـيـرـ بـتـ بـهـ ئـىـ غـوـښـتـ ،ـ

مـثـلاـ وـيلـ بـهـ ئـىـ : « هـفـهـ وـختـ چـهـ دـمـر~ گـكـ كـالـىـ وـاـغـونـدـىـ ،ـ دـدـهـ اوـلـاـدـ

اوـ باـزـ ماـنـدـ گـانـ دـيـرـ كـرـهـ ! »

علاـ وـهـرـ دـىـ آـرـ يـائـيـ شـاعـرـ انـوـ پـخـيـلوـ مـرـاـيـيـ كـيـ اـكـشـأـ دـمـرـ وـ كـارـنـاـ مـيـ ،ـ پـهـلـوـانـ  
جـنـگـوـ نـهـ اوـغـشـيـ وـيـشـتـلـ ذـكـرـ كـوـلـ دـاـسـىـ بـهـ ئـىـ وـيلـ :

« نـوـ رـهـ نـوـدـ الـاـسـغـشـيـ وـهـ وـلـىـ ! »

حتـىـ دـوـيـ دـمـرـ وـ دـاـ روـاحـاـ نـوـ خـخـهـ دـرـ ژـونـدـ پـهـ مشـكـلاـ توـ يـاـ دـجـنـگـ بـهـ مـيـداـنـوـ كـيـ مـرـ سـتـىـ  
غـوـښـتـلـيـ اوـيـقـيـنـ ئـىـ دـرـاـوـدـ چـهـ دـمـپـ وـ پـهـ مـرـ سـتـهـ فـقـحـ اوـبـرـيـ كـهـلـايـ شـيـ مـثـلاـ دـخـيـلوـ مـرـ اوـ  
تـپـرـ وـپـلـ وـمـېـرـانـهـ بـهـ ئـىـ دـاـسـىـ يـاـ دـاـوـهـ :

« زـموـنـبـرـلـ وـهـ پـهـ تـپـرـ مـجـبـتـ يـوـلـهـ بـلـهـ سـرـهـ رـاـغـونـهـ بـېـزـىـ اوـغـيـنـتـلـوـ الـىـ رـ اوـ يـشـىـ ،ـ خـيـلـ

خـاـ نـوـ نـهـ پـهـ مـهـلـكـهـ كـيـ اـچـوـيـ . . . . .

دوـيـ دـيـرـ طـافـتـلـرـىـ ،ـ دـدـوـيـ سـرـهـ خـلـپـدـوـنـكـىـ بـېـزـىـ دـىـ اوـ كـلـكـتـ تـپـرـ غـشـىـ . . . . .

حقیقی پهلوانان حکومت کوی ، پر نودی اولیری ... ، توکل لبکری مغلوبی کوی<sup>(۱)</sup> -  
په همدي دول آریا ئی مز شی په سرو دو نو کي يه مختلف دول پارچي ذکر شوي  
دی چه په عمو می طور د آریائیا نو دمر گک هراسخ نهیني شنکار بنبئی ، مگر کو م سرود  
چه په مستقل دول دمزه دمذ هبی دود په شا خواکی راغلی دی ، همه دیوی آریائی شا عربی  
چه «یامی» نومېنېزی یوسرود دی ، چه داشاعر هد «یا ما» خورده «او یا ما» د مر و پا چا یا  
رب ان نوع باله کېدہ .

په دی سرود کښی نوی ژوند یعنی پس له مر گک ژوند ته خطاب دی ، او دینځیدو دمر اسمو  
په وخت کښی به ويل کېدہ ، چا دلتنه ئی د آریائی دیوی مرئی دنمونې په تو گک را ترجمه کوو:  
«د چا اوچا دیاره سوما» صافېزی - خوکد قربانی تقدیمولو خای ته نژدی ناست دی -  
زه دعا کوم چه دده (مری) روح وهجه کسانو ته ولادشی چه د هفو دیاره عسل جاری کېنېزی .

«دعا کوم چه مذهبی تودوالی او جذبه دی هفه کسانو ته ورودی چه دی جذبی او تو دوالی  
دوی آسمانو ته بیولی دی - هفه چه ته ئی بوزی چه په ژوندون کښی ئی مذهبی جوش خر گند  
کړی دی .

«دعا کوم چه هفه کسانو ته ورشی چه دجنګک میدان ته د پهلوانانو يه نامه تللى دی او په  
زده ورتوب ئی خانونه قربانی کړی دی ، یا هفو کسانو ته چه زرچنده پاداش ور کوی .

«هو ، د یاک او مقدس آئین لمپو پېروانو ته دی ورشی چه دا آئین ئی تقویه کاوه -  
ونیکه گانو ته ، یما - هفه خوک چه مذهبی تاوده جذبه او جوش ئی درلود .

«هفه کسانو ته دی ورسی چه په زرو ذریعو او طرزو کښی ئی بوره لاس درلود ، هفو شو  
خلقو ته چه د لمپ ساتندویه وه - هفه ریشا گانو ته چه مذهبی توده جذبه او جوش ئی درلود -  
دعا کوم چه هفو ته ورسی !

تردی خایه پوری د آریائی مرئیو خه نه خه نمو نی راویده شوی چه د هفو خخه خوشیان  
شکاره شو ! یو دا چه آریائی مرئی طبیعی رنگ لری او تشییه او مجاز او کنایات نلری

(۱) دخاوری ایرانیا نو تمدن - د گا یگر تالیف ۱۸۶ مخ (۲) پېښتني مهرمنی ۱۸۲ مخ

او بل داچه آریائی شاعران پر مری دومره نه ژامدی یعنی مر گک ته په دېره بدہ. ستر گه نه گوری بلکه تر مر گک وروسته یوه بل ژوند ته قائل دی چه تر دنیائی ژونددوی په خوشحاله دی. دریم داچه سره له دی چه په آریائی مراثنو کی یوه روحانی دنیا تصویر شوی نه دی بیا هم دمره دکار نامو او غبنتلواالی یادونه راغلی ده او خپله فتح لادھفو دقوت په اثر بو لی. خلرم داچه آریائی مرثیه به یوه سری او یوه مری پوری مخصوص نه دی، بلکه په عمو می صورت د مره ستاینه پکښی راغلی دی.



پارسی مرثیه : شعری صنایع او پارسی مرثیه تراسلام و روسته شروع کپښی او د آریائی

مرثیو سره دا فرق لری چه په پارسی مرثیو کی شبیهات هم دېرسوی دی او مرثیو په اشخا صو پوری هم تخصیص موندلی دی چه په عمومی تو گه ئی پرلاندی دلوو و بشلای شو :

- ۱ : مذهبی مرثیه .
- ۲ : د پاچهانو مرثیه .
- ۳ : د خپلواونو او اقرباو مرثیه .
- ۴ : د ملګرو مرثیه یا عمومی مرثیه .

چهدادری سره دله مرثیه لکه شبلی نعمانی چه وايی باید د امزایا او شپگمنی و لری :  
لمری داچه د ممدوح تو لی شپگمنی ، مجد او جلال بشکاره کپوشی چه په ویونکی دده له رحلته  
يو عبرت او تأثیر پیداشی او بل داچه کوم غم او خزن چه ددة له تلو دخلکو او بازماند گانو  
په زهد کی پیداشوی او یا خلک په ده پسی خواشینی او ویرجن دی دېته په شرح ور کړه شي؛  
دریم داچه که په مرثیه کی مری ته خطاب وشی په دې خطاب کی باید داسی احساسات او خاطرات  
خر ګنند کړه شي چه د هفو خڅه داسی واتکسلول شی چه مرثیه ویونکی د مره له غمه داسی مبهوت  
او بی خوده دی چه ګویا دده مر گک ئی بېخې هېر کړی او دده سره داسی خبری کوي لکه دده  
په ژوند کی چه ئی ور سره کولې(۱)

لکه نو د پورتنيو اساسو له رویه مونځ د دری ګو نو مرثیو په تفصیل او مثال راودلوا  
گوئی پوری کوو :

۱ : مذهبی مرثیه : په پارسی کی مذهبی مرثیه اکشراً د امام حسین رض د معا ئبو ذکر

تشکیلوی چه د مستربون په قول خلویېشت قسمو ته رسپښی او د کربلا د وفاو ټیبان دی چه په بل

(۱) شعر العجم - شبلی لمپی جلد ۵۷ مخ

عبارت ائمی «روضه خوانی» هم بولی، او وایی چه دا لحکمه روپنه خوانی بولی چه به دی موضوع کی هبر پخوانی کتاب «روضته الشهداء» نویسده چه د حسین واعظ کا شفی تالیف و، چه پخوانی یوازی د همدی کتاب وبل روضه خوانی بلبل او بیا دروسته دهفو تو لو کتابو و ینه چه بردي هر ز ویلی شوی وه روضه خوانی وبلل شوه چه د محرومی په میباشت به دا چول مجلسونه د بوايانو، اعیانا او نجباو، یا دولتی مامورینو له خوا تیار بدل او خو تنه روضه خوانان به رابدل کېبدل او ددی واقعی مرثیه به ائمی ویلی (۱) چینو اروپا ئیانو پردی دول روضه خوانی ترا ژیدی تیاتر نوم ایشی دی، مثلاً سرلویس پلی وایی چه که د تیاتر د لیکونکی دهتر مندی مقیاس ته په کوم تائیر سره فائل شوچه په ویونکی او اروپوونکی کی ائمی کوی نود محرومی تر تعزیز یه داری هیچ تر ازیدی مؤثر، ده . «ما تیوار نواد» هم خبل د تجریبی او انتقاد په کتاب کی ددی مذهبی تیاتر شرح لیکنکی ده «ما کولی» هم ددی نمایشود هر ساینه کوی ده «گیبون» چه یو بی اعتقاده منقدسری دی هم وایی: «محینی دانماشونه د خلکویه د برو سختو او کلمکوزدو کی هم تائیر کوی» (۲) ددی تعزیزه داری. پخوانی رینه دابو مختلف لو ط بن یعنی په قولو کی چددو همی هجری په پری په اول نیمی (۷۵۰ میلادی) کی او سبدی لیدله کېښی .

په هر صورت خنگه چه په پا رسی مذهبی مرثیو کی دا برخه قوی ده نو دانه د نو نی په تو گه د «محتنم» کیاشی دیوی له چوش او تائیره د کی مرثی خنخه چه بدی موضوع کی ائمی و ینه ده شویت، رانقل کوو؛

### د حضرت امام حسین په شهادت دمحتشم مرثیه

باز این چه شورش است که در خلق عالم است  
بی فتح صور خاسته تا عرش اعظم است  
کا شوب در تمامی ذرات عالم است  
این رستخیز عام که نامش محترم است  
سرهای قد سیان همه بزا نوی غم است  
گویا عزای اشرف او لاد آدم است

باز این چه شورش است که در خلق عالم است  
بی فتح صور سنتیز عظیم است که ز میں  
کو یا طلوع میکند از مغرب آفتاب  
گر خوانمش قیامت د نیا بعید نیست  
دربار گاه قدس که جای ملال نیست  
جن و ملک بر آدمیان نو حمیکند

خور شید آسمان وز میں نور مشرقین  
پروردۀ گنبار رسول خدا حسین

(۱) تاریخ ادبیات ایران - ۴ ج دبرون اثر درشید یاسمی ترجمه ۱۳۹ مخ

(۲) تاریخ ادبیات ایران - دبرون اثر ۴ ج ۱۴۰ مخ

کاش آن زمان سرادق گردون نگون شدی  
کاش آن زمان که پیکر اوشد بزیر خاک  
کاش آن زمان که کشتنی آل نی شکست  
این انتقام اگر نفتادی بر وز حشر  
وین خیمه بلند ستون بی ستون شدی  
جان جهانیان همه از تن بر ون شدی  
عالیم تمام غرفه در یای خون شدی  
با این عمل معا مله د هر جون شدی  
آل نبی چو دست تظلم بر آور ند  
ار کان عرش را بپرلزل در آور ند (۱)

برخوان غم چو عالمیان را صدا زدند  
نو بت با ولیا چور سید آسمان طیبد  
بس آتشی زا خیگر ال ماس ریز ها  
وا نگه سراد قی که فیک مجرمش نبود  
پس ضر بتی کزان جگر مصطفی در ید  
اهل حرم در یده گر بیان کشاده موی  
اول صلا بسلسله انبیا ز دند  
زان ضر بتی که بر سر شیر خد از دند  
افرو خشندو بر حسن مجتبی زدند  
کمند نداز مد ینه ویر کر بلا زدند  
بر حلق تشنۀ خلف مرتضی زدند  
فر یاد بر درحرم کبر یا زدند  
روح الامین نهاده برا نو سر حجاب  
تاریک شد ز دیدن او چشم آفتاب

دامریه همداشان به هر سوز تر پایه رسیبزی: ~~خ~~ کچه دبر او زده نه تو دلتنه فقط یوبند لا بل  
رانقلو او دنور و خنجه دصفحو دمحود دیت په سب صرف نظر کوه دابند هفه و خت تصویر و نی چه  
دز هرا رض دلو رستر گی دامام حسین رض پر جسد لگی نوره وایی:  
پس باز بان پر کله آن بضعه البتوول  
رو در مدینه کرد که یا ایه ا ل رسول

این کشته فتا ده بها مون حسین تست  
این نخل تر کر آتش جا نسو ز تشنه گی  
این ما هی فتاده بدربای خون که هست  
این غرفه محیط شهادت که روی دشت  
این خشک اب فتاده منوع از فرات  
این شاه کم سپاه که با خیل اشک و آه  
این قالب طیان که چنین میانه بر زمین  
پس روی در بقیع بز هر خطاب کرد  
وحش زمین و مرغ هوارا کباب کرد (۲)

(۱) دابندی بیته کم دی آتشکده آذر ۴۲۵ مخ

(۲) آتشکده آذر - ۲۵۵ مخ - . . . . .



## د مطبوعاتو مستقل ریاست

رئیس : ج، صلاح الدینخان  
معاون (دامری معاون به حب) : ع، سید قاسم خان «زینتیا»  
مشاور : محمد سرور خان «گویا»

## د نشریاتو عمومی مدیریت :

عمومی مدیر : ج، صلاح الدینخان  
دامری خان کی مدیر : س، محمد فاسم خان «واجد»  
ددوهی : د، عبدالباقیخان «لطیفی»  
دریمی د مدیر کفیل : س، محمد زینی خان «کهزاد»  
د آتش انس : س، محمد محسن خان «فیروز»  
درادیو نشراتو مدیر : د، غلام جلال خان «آریزوی»

## درادیو د تجارتی عمومی مدیریت :

عمومی مدیر : ع، عطاء الله خان  
درادیو داداری مدیر کفیل : س، محمد علم خان

## د پښتو تو لئی عمومی مدیریت :

د عمومی مدیر کفیل : ع، س عبدالحی خان «حبیبی» (دادیا تو د کولنی رئیس)  
معاون : س، عبدالرؤوف خان «پنوا»  
دقا عدو مدیر : س، صدیق الله خان «رشتی»  
د تالیف و ترجمی مدیر او د پښتو او لئی عمومی مجرر : س، گل بیجا خان «الفت»  
د صحافت د خان کی مدیر : س، یار محمد خان «نظمی»  
دلغاتو د خان کی مدیر : س، محمد گل خان «نوری»  
د کورسو د مدیر کفیل : س، عبدالغنى خان  
د دائرۃ المعارف د ترجمی د خان کی مدیر : س، قیام الدینخان «خادم»

هـمـاـشـان دـشـيـخـ سـعـديـ هـفـهـ مـرـثـيـهـ چـهـ دـ «ـالـمـسـتـعـصـمـ»ـ پـرـمـرـ گـهـ ئـيـ وـيلـيـ دـهـ دـمـذـهـيـ مـرـثـيـوـهـ  
شـهـ نـمـوـهـ كـيـدـلـايـ شـيـ چـهـ خـوـ بـيـتـهـ ئـيـ دـادـيـ :

### دـ مـسـتـعـصـمـ پـهـ مـرـ گـ دـ سـعـدـيـ مـرـثـيـهـ

آـسـماـنـراـ حـقـ بـودـ گـرـخـونـ بـيارـدـ بـرـزـمـينـ  
اـيـ مـحـمـدـ گـرـ قـيـامـتـ مـيـ بـرـآـرـىـ سـرـ زـخـاـكـ  
نـاـزـ نـيـسانـ حـرمـ رـاـ مـوـجـ خـونـ بـيدـ زـيـغـ  
دـيـدـهـ بـرـدارـ اـيـكـهـ دـيـدـيـ شـوـكـيـتـ العـراـمـ  
خـونـ فـرـ زـنـداـنـ عـمـ مـصـطـفـيـ شـدـ رـيـختـهـ  
بعـداـزـيـنـ آـسـاـيـشـ اـزـ دـنـيـاـ نـبـاـيـدـ چـشمـ دـاشـتـ  
دـجـلـهـ خـونـابـستـ اـزـيـنـ پـسـ گـرـنـهـ سـرـدرـ اـشـيـبـ  
روـيـ درـيـاـ درـهـ آـمـدـ زـيـنـ حـدـيـثـ درـدـنـاـكـ  
نوـحـ لـائـقـ نـيـسـتـ بـرـخـونـ شـهـيـدانـ بـهـرـ آـنـكـهـ  
باـشـ تـاـ فـرـداـ كـهـ باـشـدـ رـوـزـ دـادـ وـ رـسـتـخـيـزـ  
تـسـكـيـهـ بـرـدـنـيـاـ نـشـاـيـدـ كـرـدـ وـدـلـ بـروـيـ نـهـادـ  
چـرـخـ گـرـدونـ وـ زـمـينـ گـوـئـيـ دـوـ سـنـگـ آـسـيـاـ سـتـ  
درـمـيـانـ هـرـ دـوـ رـوـزـ وـ شبـ دـلـ مـرـدـمـ طـنـيـنـ (۱)

يـاـ نـورـيـ دـاـسـيـ مـرـثـيـ چـهـ يـاـ كـشـرـوـ دـاـسـيـ مـرـثـيـوـ كـيـيـ دـمـدـمـوـحـ رـوـحـانـيـ مـرـتـهـ شـبـوـدـلـيـ شـوـيـ دـهـ  
اوـهـ يـهـ عـيـنـ حـالـ كـيـيـ دـدـنـيـاـ دـبـيـ ثـبـاتـيـ اوـبـيـ وـفـائـيـ خـخـهـ خـبـرـيـ شـوـيـ دـيـ  
قاـ آـنـيـ هـمـ وـاـيـيـ :

بارـدـچـهـ ؟ـ خـونـ!ـ كـهـ ؟ـ دـيـدـهـ ،ـ چـسانـ ؟ـ رـوـزـوـشبـ ،ـ چـراـ ؟ـ  
ازـ غـمـ ،ـ كـدـاـمـ غـمـ ؟ـ غـمـ سـلـطـانـ كـرـ بلاـ !ـ

2 : دـ پـاـ چـهـاـنـوـ مـرـثـيـ :ـ يـهـ يـارـسـيـ مـرـثـيـ كـيـيـ گـهـهـمـ دـيـاـچـهـاـنـوـ رـوـحـانـيـ مقـامـهـ خـهـشـكـارـهـ اـشارـهـ  
نـهـدـشـوـيـ مـكـرـدـدوـيـ دـبـدـبـهـ اوـجـلـلـبـهـ شـرـحـ شـوـيـ دـيـ اوـشـاعـرـاـنـوـلـهـ خـورـاـ مـؤـثـرـوـاحـسـاسـاـتـوـ خـخـهـ كـارـ  
اخـسـتـيـ دـيـ - دـاـشـانـ مـرـثـيـ يـهـ يـارـسـيـ كـيـيـ خـورـاـدـبـرـيـ دـيـ ،ـ لـوـكـهـچـهـ پـخـواـ پـهـرـ دـرـبـارـ كـيـيـ شـاعـرـ  
مـوـجـوـدـ وـهـ چـهـ هـمـ يـهـزـونـدـ كـيـيـ دـشاـهـاـنـوـ مـدـحـ وـكـرـيـ ،ـ هـمـ يـهـ بـزـمـ كـيـيـ دـيـاـ چـهـاـنـوـ مـجـلـسـ  
تـوـدـكـرـيـ اوـهـ يـهـ مـرـ گـهـ يـياـ دـدـوـيـ مـرـثـيـ وـاـيـيـ ،ـ مـكـرـكـومـيـ مـرـثـيـ چـهـ زـمـاـ يـهـ عـقـيـدـهـ دـبـرـيـ

(۱) كـلـيـاتـ سـعـدـيـ .

مئثری دی اول به اول د فردوسی د شهنامی همه بیتونه دی چه دخیل‌دو داستانو ده رپهلوان  
تر مرگ و روسته ئی وایی، کنجه هم دا بیتونه د مرثیه به قصد بهه‌هی ویلی شوی او لکه چه  
د فردوسی عادت دی دوافعه نگاری له رویه به وی، خویاهم ویونکی تره‌ری مرثیه شهه‌تر  
تسایر لاندی راولی، د ویونکی ستر گوته دخیل پهلوان دمر گک غم بشپه مجسم کوی او سری  
داسی خیال کوی چه واقعه په ستر گوینی، متلادمیال به تو گه کوم وخت چه «سهراب» دمر گک خبر دهه  
موره را رسپزی، فردوسی پهشه کمال او قوت او تأثیر سره دسهراب دموردخوا دا خبر تلقی کوی  
چه وایی :

### د شهراب په مر گ د فردوسی مر نیه

به زاری بر آن کودک نو رسید  
زمان تازمان زو همیرفت هوش  
بر آورده بالا در آتش فگند  
بانگشت پیچیده از بن بگند  
همه موی مشکین با تش بسوخت  
کجا ئی سر شته بخاکه و بخون  
ز شهراب و دستم بیا بهم خبر  
که رستم بخنجر درید ت چگر  
از آن بر زو بالا و باز وی تو  
بر خشنده روز و شبان در راز  
کفون بر تن پاکه او خرفه گشت  
که خواهد بدن مر مرا غمگسار  
بعجا ی پسدر گورت آمد براه  
که گشتنی بگر دان گیتی سمر  
تر ابا من ای پور بنو اختی  
نکر دی چگر گاهات ای پور باز  
همیز د کتف دست بر خوب روی  
به پیش آورید اسب شهراب را  
بما نده چهانی برا و در شکفت  
زخون زیر سمش همی راند جوی

خره شید و جو شید و جا مه درید  
بر آرد بانگ و غریو و خوش  
فرو برد ناخن د و دیده بگند  
مر آن زلف چون تاب دا ده کمند  
بسه بر فگند آتش و بر فر و خت  
همی گفت کای جان ما در کشون  
د و چشم بره بود گفتم مسگر  
چه دانستم ای پور کاید خبر  
در یعنی نیا مداد آن روی تو  
بپر و رد بودم تنش را بناز  
کشون آن بخون اندرون غرقه گشت  
کشون من کرا گیرم اند رکنار  
پدر جستی ای گرد لشکر پستانه  
چرا نامد م باتو اند ر سفر  
مرا رستم از د و ر بستنا خستی  
بیندا خستی تیغ آن سر فراز  
همیگفت و میخست و می کند موی  
ز خون او همیگرد لعل آب را  
سر اسب اور اپبر د ر گفت  
گهی بوسه زد بر سرش گه بروی

گرفتش چو فر زند اند رکنار  
همان نیز و تیغ و گر ز گران  
همی یاد کرد آن برو بر ز را  
لگام و سپر راه میزد بسر (۱)

په پور آه بیتو کی علاوه پر دی چه دماتم او ویر روح او الفاظ سره یو خای شوی واقعه دحقیقت  
په جامه کی بیان شوی ده، یوه مور باید همداسی بلغا کی ووهی او همداسی د خپل مره ز وی  
د آس مخ او تندي او نور بدن مج کری او دده په کالاو او وسله مینه ماشه کری.  
پر دی موضوع کی چه کومه بله مرثیه دیارسی تند کره لیکونکو به منج کی په شهرت لری،  
او حقیقتا هم دستا یلو و مده دفرخی هفه مرثیه ده چه دسلطان محمود به مر گئی به غزنی کی  
ئیلی تیه، چه دلته ئی دنمونی په تو گه خو بیته را انتخابو و .

### دسلطان محمود په مر گ دفرخی مرثیه

چه فتاد است که امسال د گر گون شده کار  
نو وه و بانگ و خروشی که کند رو ح فگار  
همه پر جوش و همه جو شش از خیل سو ار  
همه بر بسته و بر در ز ده هر یکک مسما ر  
همه یکک سرز بس برده به شار ستان بار  
چشم ها کرد ده زخونا به بر نگت گل نار  
کله اف گنده یکی از سرو دیگر د ستار  
بردر میدان گر بیان و خرو شان همو ار  
دستها بر سرو سر هاز ده اند دیوار  
رودها بر سرو بر روی ز ده شیفت و ار  
چشمها برنم و از حسرت و غم گشته نوار  
و بین همان شهر و زمین است که من دیدم پار  
دشمنی روی نهاد است بین شهر و دیار  
تا شدار حسرت و غم روز همه چون شب تار  
من نه بیگانه ام اینحال ز من باز مدار  
این چه کار است و چه باز است چه چندین گفتار

شهر غزنی نه هما نست که من دیدم پار  
خانه ها بینم پر نوحه و پر بانگ و خروش  
کوی ها بینم پر شورش و سر تاسر کوی  
رسنه ها بینم پر مردم و در های دکان  
کا خهبا بینم پر دا خته از محشمان  
میتران بینم بروی زنان همچو زنان  
حا جیان بینم خسته دل و پو شیده سیا  
بانو ان بینم بیرون شده از خانه به کوی  
خوا جگان بینم بر داشته از پیش دوات  
مضر بان بینم گر بیان و ده انگشت گذان  
لشکری بینم سر گشته و سر ا سیمه شده  
این همان لشکر یا تند که من دیدم دی  
مگر امسال ملکت باز نیا مدد ز غزا  
مگر امسال زهر خانه عزیزی گم شد  
نو نگوئی چه فتاده است بگو گر بتوان  
این چه شغل است و چه آشوب و چه بانگست و خروش

(۱) شهرنا مه.

آه ترسم که رسیده است و شده زیر غبار  
من ندانم که چه درمان کنم این را و چه چار؟  
هم چو هر خاری که در زیر زمین ریزد خوار  
باغ فیروزه پر لاله و گلهای بسیار  
کاخ مجمودی و آنخانه پر نقش و نگار  
ایمنی یابند از سنگتی پر آگنده و از  
از تکا پوی و بر آوردن برج و دیو از  
این چه روز است بدین زاری یا رب زنها  
ز نم آن فال که گیرد دل از آن فال قرار  
دیر بر خاسته است مگر رنج رسیدش زخم  
دهل و کوس همانا که همی زان نزند  
تردی خایه پوری دواهی تصویر و چه دیا چا دمر گک بر تم او غم فرخی به جذابو  
الفا طو کبی خر گند که اداد مرثیه یومهم شرط و اوس نو فرخی غواصی چه دمر شی هفته بل  
شرط چه و مره ته خطاب دی پر خای کوی و گوری به خه الفا طو عار فانه تجاهل کوی  
او سلطان محمود ته خطاب کوی :

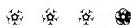
خیز و از حجره برون آی که خفتی بسیار  
شور بنشان و شب و روز بشادی بگزار  
هدیه هادارند آورده فراوان و تنار  
بار شان ده که رسیده است همانا گه بار  
بر گل بوقد حی چند می لعل گسوار  
آنکه با ایشان چو گان زده چندین بار  
از پس کاخ ته تو باغ توییلی دو هزار  
خلعت لشکرو کردند پیکت جا انبار  
بشتاپ آمد بنمای مر او را دیدار  
خفتی آن خفتن که با نگار نگردی بیدار  
هیچ کس خفته ندیده است ترازین کردار

کا شکی چشم بد اندر نر سیدی بامیر  
رفت و مارا همه بیچاره و در مانده بما ند  
آه و در داو در بیغا که چو محمود ملکت  
آه و درد اکه بی او هر کس نتواند دید  
آه و در دا که پیکت بار تهی بینم از و  
آه و در دا که کنون قرمستان شاد شوند  
وای و در دا که کنون قیصر رومی بر هد  
میر ما خفته بخاک اندر وما از بر خاک  
فال بد چون زنم اینحال جز این است مگر؟  
میرمی خورده مگردی و بخفته است امروز  
دهل و کوس همانا که همی زان نزند  
تردی خایه پوری دواهی تصویر و چه دیا چا دمر گک بر تم او غم فرخی به جذابو  
الفا طو کبی خر گند که اداد مرثیه یومهم شرط و اوس نو فرخی غواصی چه دمر شی هفته بل  
شرط چه و مره ته خطاب دی پر خای کوی و گوری به خه الفا طو عار فانه تجاهل کوی  
او سلطان محمود ته خطاب کوی :

ای امیر همه میران و شهنشاه جهان  
خیز شاهها که جهان پر شغب و شور شده است  
خیز شاهها که رسولان شهان آمده اند  
خیز شاهها که امیران به سلام آمده اند  
خیز شاهها که به فیروزی گل باز شده است  
خیز شاهها که بچو گانی گرد آمده اند  
خیز شاهها که چو هر سال بعرض آمده اند  
خیز شاهها که همه دو خته و ساخته گشت  
خیز شاهها که بدیدار تو فرزند عزیز  
که تواند که برانگیزدین خواب ترا  
خفتن بسیار ای خسرو و خوی تو نبود

بنیا سودی هر چند که بو دی بیمار  
تن چون کوه تو از رنج سفر گشته نزار  
که مر آنرا نه کرانست پدید و نه کدار  
تابدیتندی روی تو عزیز ان و تبار  
چه شتاب آمد کامسال بر قتی به بهار  
دشمنت بیغم تو نیست به لیل و به نهار  
همه باماشه اندر غم واندوه تویار  
کاخ پیروزی چون ابرهی گردید زار  
رفتی و با تو پیکار بر فت آن بازار  
ای شه نیکمل نیکخوی نیکو کار  
این برادر که زداندردل از درد تو نار  
به بهشت و به نواب و فراوان کردار (۱)

خوی تو تا ختن و شغل سفر بود مدام  
در سفر بودی تابو دی و در کار سفر  
سفری داری امسال در ازا ندرپیش  
یک دمک باری درخانه بنا نیست نشست  
رقن، تو بخزان بودی هر سال شها  
گربرا در غم تو خوردها نیست عجب  
مرغ و ماهی چوزنان بر تو همی نوحه گند  
روزو شب بر سر تابوت تواز حسرت تو  
شعر را بتو باز ار برا فرو خسته بود  
زندگ بادا به و لیعهد تو نام تو مدام  
دل پژ مان به و لیعهد تو خر سند کناد  
اندر آن گفتی ایز ددل تو شاد کناد



داراز مرثی په پارسی کی د بردی ، خصوصاً تر غرنوی دوری را هیسته ؛ حکمه چه  
دهمدي دوری رادی خواته شاعرانو یا به بل عبارت مداهانو دشاها نو په دربارو کی شه مقام  
موندلی دی ، اولکنه دمغه چه مو وویل په ژوند به ئی دشاها نو مداعی کوله او په مر گت به ئی  
دهغومرثی ویلی ، چه همایو نمو نه ئی پور نه را وده شوله .

۳ : دخیلو انور ثی : زما په عقیده د خیلو انویه مرثیه ویلو کی شاعران حق اری ،  
اوله همدى جهته داراز مرثیه ضیعی او غیر مصنوعی اوله تأثیره کی بلای شو ، حکمه چه که  
خوک شاعر غو ندی حساس هم نه وی خویا هم دخیل زوی، مور ، لور ، پلار، و روراونورو ا قربا و  
په مر گت متحسس او متأثر کبزی او که شاعر وی خوا حسا سات ئی اشتعال ته نزدی کبزی له دی  
کبله نو په دی مو ضوع کی دشاعر آواز سویخو نیکی او جذاب وی او هر خه چه وايی  
دزده ئی وائی ، داسی نه چه دبل چاد خوبنی دپاره ئی وايی بلکه دخیل تا ثر د بکاره  
کولو په مقصد و پیزی که دده همت او شخصیت هر خولودوی په دی وخت کی را کننده کبزی د یوه  
و دو کی یه خبرزادی ، فریاد کوی ، مثلاد حضرت بیدل او در معنوی شخصیت هم د خیل کوچنی  
ضفل په مر گت متأثر شوی او وايی :

(۱) فصائد فرخی ، طبع هند ۳۸۷ مخ

## دالور په مرگ د بیدل مرئیه

هیهات چه برق پر فشان رفت  
 کاشوب قیا متم بجا نرفت  
 گرتا بی بو دو گرتوان رفت  
 طفلم زین کهنه خاکدان رفت  
 بازی بازی با سمان رفت  
 این عبرت تازه کم کسی دید  
 دید نهایا چیست بلکه نشنید  
 بر قی به خیال چشم ماید  
 مژگان لغزید و اشکای غلطید  
 تاجست ز عالم نشان رفت  
 آ هوی غریبی از نظر جست  
 گر هر بن موی من شر ر جست  
 چون رنگیز چهره بیخبر جست  
 این آهی بود که جگر جست؟  
 یا تیری بود که کمان رفت؟  
 زین فتنه در انجمن جنو نشد  
 هر نفعه بنو حه رهنمون نشد  
 مینا از گریه سر نگون نشد  
 ساغر بدرید جیب خون نشد  
 چینی نا لید و مو کنان رفت  
 عمری بهوس د چار بودم  
 می نازده در خمار بودم  
 زندانی انتظار بودم  
 زانجلوه که یقرار بودم  
 تا آمد در نظر همان رفت  
 از فرست دو رنا تماش  
 نی گردشی آفرید جامش  
 نی راه سحر گرفت شامش  
 زین بیش چگویم از خرامش  
 حرفل بو دبر زبان رفت  
 تا شوخی او تراهه داشت  
 بر قی نفسم زبانه داشت  
 سر گرمی دل بهانه داشت  
 آتش افسر د چون دخان رفت  
 میدیدم گل نگاه گم شد  
 میکردم سیر راه گم شد  
 شب ماند فروغ ماه گم شد  
 در سینه چه داشتم که آن رفت  
 فرید کنم زبان لا لم  
 پروا ز کجاست سوخت بالم  
 بیر عا جز و سخت تیره حالم  
 در خاک فروم بنا لم  
 جای د گرم نمی توان رفت

آه از شکری که گاه گفتار  
 میر یخت از ان لب شکر با ر  
 ا گنو ن همه تلخ شد بیکبار  
 بلبل تو همین خروش بردار  
 کر با غ بهار طو طیا ن رفت  
 داغم که بگشت گلشن ناز  
 لعلش به چه خنده بوه گلبا ز  
 امر وز زیاس نو حه پرداز  
 نیل کف سوده دارد آواز  
 کان عالم سیر ز عفران رفت  
 هر گه د و قدم خرام میکاشت  
 از ا نگفتم عصا بکف داشت  
 یا رب علم چه و حشت افراد  
 دست از دستم چگونه برداشت  
 بی من راه عدد چنان رفت  
 شو خیبا داشت در بر من  
 میر د فدمی بر این من  
 ای البت خاک بر سر من  
 من ماند و ناز برور من  
 تنها بجهان جا و دان رفت  
 بر دند طراوت بقايم  
 مکتو ب سحر کجا کشايم  
 اند یشه شبم از میان رفت  
 فر یادز ساز دهر فریاد  
 هر کس مژه بست باز نکشاد  
 در دشت سراغ خانمان رفت  
 زین باغ که جوش گل بیرداشت  
 ور صبح غبار در نظر داشت  
 ای زخم بخند آن دهان رفت  
 نیرنگک تو پیه آزما بود  
 تازا ه برم که از کجا بود  
 زان بیش که آید از جهان رفت  
 زان لیلی ناز نین شما ئل  
 بشتاب که دور نیست محمل  
 کر پیش نظر همین زمان رفت

و گوری په بورته مر شیه کی حضرت بیدل دومره متناثر شوی دی چه د خپلی ادبی دنیا  
 دتخیلاتو خنجه هم بی خبره دی او خیل هنگه نازک نازک تشبیهات او بلند برو ازی لخینی پاته

دی او دده دا شعر چیر طبیعی، ساده او ویونگی خیال کوی چه دننی ور بخی له سوزه  
دک اشعار دی او هیچیری دا خینا ل نه کوی چه گوندی دا دیدل پخوانی شعر وی  
دا هم دیدل د تاثیر نتیجه ده چه دده شعر طبیعی شوی دی - همداشان دامیر خسر و  
د هلوی مرثیه چه دو غمه په یوه پلا ور پیش شوی دی له سوزه دکه ده . لکه چه دمور  
او ورور دواود داسی غم دی چه گالل ئی هبر سخت دی ، نو گوری دی په خه الفاظو دادرد  
خر گند وی :

### دمور او ورور په مر گ دامیر خسر و مرثیه

هم مادر، وهم برا درم رفت	امسال دونور ز اخترم رفت
گم شد دو مه د و هفتة من	یکه هفتنه ز بخت خفته من
چرخ ازدو طیانچه کرد هبچم	بخت از دو شکنجه داد بیچم
فریا د که ماتتم دو افتاد	ماتم دو شد و غم د و افتاد
یکه شعله بس است خر منی را	حیف است دوداغ چون منی را
یکه سردو خمار بر نگیرد	یکه سینه دوبار بر نگیرد
گرخا ک بسر کنم چه با کست	چون ما در من بزیر خا کست
روی از چه نمی نمائی آخر	ای مادر من ! آجنا ئی آخر
بر گریه ز ار من بیخشا ؟	خندان ز دل ز مین برون آی
مارا ز بهشت یاد گا ریست	هر جا که زریای تو غباریست
پشت من و پشتیان من بو د	ذات تو که حفظ جان من بو د
پند تو صلاح کار من بو د	روزی که لب تو در سخن بود
	ا مر و ز منم بمهر پیو ند

خاموشی توده د همی پند (۱)

همداشان دمیرمن عایشہ افعان دسوزه دک بیتونه چه د خیل خوانم گ زوی په مرثیه  
کی ئی ویلی دی ذذکر وردى ، او خنگه چه دینه احساسات تر نارینه سو خونگی دی  
نو شعر ئی هم تر نر له سوزه دک دی ، تاسی و گوری ، په خه تأثروا یی :

### دزوی پمر گ دعا یشہ افعان مرثیه

زخم نا صور بر جگر باشم	تود رضا ئی که بی پسر باشم
سینه مجروح دیده تربا شم	از فراق یگانه « فیض طلب »

(۱) زما دفاضل ملگری شاغلی صالح خان یاد داشت

بتما شای گا و خر باشم  
دور از وصل شیر نر باشم  
خورده بر فرق خود تبر باشم  
زار چون بلبل سحر باشم  
قید در دام شور و شر باشم

تا بسکی از جفای چرخ کبو د  
حی قیوم قادر ا تا چند  
هیچو فرها دا زید حسرت  
بهر گلزار حسن آن محبو ب  
غرقه در بحر هجر و محنت و غم

«عاشه» تایکی بدین منو ال  
بی پسر زا رو در بدر باشم

بل خای وایی :

یکبار بیا بسوی ما در  
پر حسرت و آرزوی ما در  
هم با عث آبروی ما در  
گلدسته مشکبوی ما در  
بدی تو بجستجوی ما در

شها ز فرشته خوی ما در  
رفتی زیرم به آه و افسوس  
ای صاحب تنگی و نام وغیرت  
ای سرو ریاض کامرانی  
در خانه و در سفر بهر حال

کر گشته مگر که گوش گردون  
زین ماتم وهای و هوی مادر (۱)

۴ : دملگر یو مرثیه او عمومی مرثیه : په پارسی کی په عمومی تو گه مرثی بیخی

دیزی دی چه ددنا بی وفا ئی ثابتنه کری ده او دمر گه دماتم سو گواری پسکنی بیان  
شوی دی ، چه دتو لو دمنجه خخه زه دفردوسی دا دری بیته را انتخابوم چه وایی :  
زمین ، ار کشاده کند راز خویش  
نماید سر انجام و آغاز خویش  
کنارش پر از تا جدار ان بو د  
برش پر زخون سواران بود  
پر از مرد دا نا ! بو ددا منش  
په دی شان دبر اشعار په هر ژبه کی سته ، چه دتا لو را ودل مخانته مقاله او رساله غواصی ،  
او هر چه دملگر و مرثیه هم په پارسی کی سته چه زه دله دنونی په دول « درود کی » دوی  
مرثی بی چه یوه ئی د « شهید » شاعر او بله ئی د « مرادی » شاعر پمر گه ویلی ده را ودم :

### دشهید په مر گه درود کی مرثیه

و آن ما رفته گیر و می اندیش  
وز شمار خرد هزا ران بیش

کاروان شهید رفت از پیش  
از شمار دو چشم یسک کن کم

(۱) دیشتی میرمنی خخه اخیسته ۱۱۰ مخ

## دمرادی پمر گ درود کی مرثیه

مر دمرادی نه هما نا که مر د  
مر گچنان خواجه نه کاریست خرد  
کان گرا می بیدار با زداد  
کاه نبد او که بیا دی پرید  
آب نبد او که بسر ما فسر د  
کودوجهان را بجوى می شمرد (۱)

گنج زری بود درین خاکدان  
بل خای وايى :

اندر عجم زجان ستان کر چو توئی      جان بستد واز جمال تو شرم نداشت  
همدا شان تاسی دقیق سی، چه یو بل شاعر دخیل ملکری مر گ په خه بېـکـلو او خوبزو  
الفاظو کی تصویر وی او دهه پمر گچ خپل غم او تأثر خنگه بېـکـاره کوی چه وايى :

گوئی من واو ، دوشمع بود یم بهم  
یـکـشـعـمـ بـمـرـدـ ! وـدـیـگـرـیـ مـیـسـوـزـ

خنگه چه مقاوه محدوده دهدیارسی دمرثیو دنورو نونور او ملول خنخه صرف نظر کوو، او س به نو  
دپیشتو په برخه شروع و کرو .

## دپیشتو مرثی پیشتوهم دیارسی پشان خدور برخی مرثی ارى:

۱ - مذهبی مرثی ۲ - دیاچها نومرثی ۳ - داقر باو مرثی ۴ - دملکرو او عمومی مرثی  
مـگـرـدوـمـرـهـ فـرـقـ دـیـ چـهـ پـهـ پـیـشـتـوـ مـرـثـیـوـ کـیـ پـیـشـتـنـیـ روـحـ هـمـخـایـ شـوـیـ دـیـ مـثـلـادـ خـوـ شـحـالـ خـاـنـ زـوـیـ  
« نظام » مردی مـگـرـ دـدـهـ سـرـهـ دـزـوـیـ والـیـ دـگـرـ اـنـبـتـغـمـ اوـدـزـوـیـ دـمـر~ گـ وـیـرـدوـ مرـیـ نـسـتـهـ لـکـهـ  
دنـوـرـوـ ژـبـوـ دـشـاعـرـانـوـ سـرـهـ چـهـ وـیـعـنـیـ دـنـوـرـوـ بـوـدـ شـاعـرـ سـرـهـ دـاغـمـدـیـ چـهـزـوـیـ ئـیـ مـرـشـوـیدـیـ اوـ  
دهـهـدـفـرـاقـ غـمـ گـالـیـ مـگـرـ خـوـشـحـالـ خـانـ پـیـشـتـوـنـ شـاـ عـرـدـخـیـلـ زـوـیـ دـجـدـائـیـ غـمـ دـوـمـرـهـ وـرـسـرـهـ نـدـیـ  
لـکـهـ دـاـغـمـ چـهـ وـلـیـ دـپـیـشـتـاـنـهـ پـهـ نـنـگـ کـیـ نـدـیـ مـرـاـ وـائـیـ :

کـشـکـیـ خـوانـ دـپـیـشـتـاـنـهـ پـهـ نـنـگـ کـیـ مـرـ وـایـ  
نهـ چـهـ گـورـ لـرـهـ رـوـانـ شـوـ لـهـ تـلـتـکـهـ

همداشان چه اعلیحضرت شاه محمود هو تاک به اصفهان کی وفات شودده خور چه به قندھار  
کـیـ وـهـ فـقـطـ دـپـیـشـتـوـ دـشـاهـشـاهـیـ غـمـ وـرـسـرـهـ وـاـوـیـهـهـهـ وـپـرـنـهـ کـیـ چـهـدـدـهـ پـهـمـرـثـیـ کـیـ ئـیـ وـیـلـیـ دـهـ  
پـیـشـتـنـیـ روـحـ بـهـ خـرـ گـنـدـدـیـ . هـمـدارـاـزـ پـهـمـذـهـبـیـ مـرـثـیـوـ کـیـ پـیـشـتـوـ اوـفـاـ رـسـیـ فـرـقـ سـرـهـ لـیـ مـثـلـاـ پـهـ  
پـیـشـتـوـ کـیـ دـفـارـسـیـ پـشـانـ « روـضـهـ خـوـانـیـ » نـسـتـهـ اوـفـقـطـ پـهـمـذـهـبـیـ مـرـثـیـوـ کـیـ دـبـرـهـ برـخـهـ درـسـوـلـ کـرـیـمـ(صـ)

(۱) احوال وشعار رود کی - اثر سعید نفیسی ۶۰۲ - ۶۰۳ مخونه

دموکری دوائر و تشکیلات

## دائرة المعارف عمومي مدینیت :

## د قارېنخ عمومي مدیریت :

ع ، احمد علیخان « کھزادہ »	عومی مدیر
» ، محمد سورخان « گویا » ( دریافت مشاور )	( ۱ ) عضو
» ، میر غلام محمد خان « غبار »	( ۲ )
ص ، علی احمد خان « نعیمی »	»
» ، میر غلام حامد خان	»
» ، محمد ابراهیم خان « خلیل »	»

## د مطابع عمومی مدیریت :

ع ، ۰۰۰	عمومی مدیر
ص ، علی احمد خان	اداری معاون
» ، محمد نوری خان	فني
» ، محمد شریف خان	تغذیه کی مدیر
» ، شیر احمد خان	طبا عنی
» ، عبدالغفور خان	د تصویبی دمدیریت کفیل
» ، فلام حیدر خان	دکتریول مدیر
» ، عبدالوالی خان	داجرانی مامور

دوفات و بر نی دی او حتمی ملی شاعر انوهم (چه تقریباً بی سواده باله کیزی) پدی مر شیو کی برخه  
ا خستی ده تردی و روسته دعلماؤ اوپنوجلکو یادونی دی. خنگه چه دد یوانو دخاوندانو مذ هبی  
مرثیه به دیوانو کی چاپ شوی دی اوایاقریبا هرچا ته معلومیدی موزده فوخته صرف نظر کو وا  
یوازی دمنه هبی مر شیو دنونی دیاره دملی شاعر «برخورد ار» یوه مر تیه را ورو:

### در سول کریم (ص) مر شیه

دملی شاعر «برخورد دار» له خوا

یارا نوز امی، پسی تدلی رهبر دی نا ورب ته زموز دغمه په سر تورسر دی نا

یارا نو ژادی، پسی ولامددو کو نو سلطان  
بنده غافله مسه چه در پسی دی شیطان  
دنیا یو خوب و خیال ده پر پای بی و کی ارمان

یارا نو ژادی، پسی پیدا ئی نور پر جهان  
بنده آدمو حوا پرد نیا نهؤا نسان  
تجیر قیا مه ولامد خیرا بشر دی نا

یارا نو ژادی، پسی پر اور یده به انوار  
خواب و غفلت ئی نه و په شپه به ناست و پیدار  
تول کتابو نهوانی خای ئی سقدی نا

یارا نو ژادی، پسی ور کپی ئی نبوت  
دی پرسجده به پروتو، خواست ئی کاود دامت

یارا نو ژادی، پسی زه برخورد دار چه ژادم  
عمل می نه دی کپی فضل دخدا یه غواص  
خاوند پرده، عاشق باندی ئی دې رشقفت  
دی په مخشر هله شفاعت گرددی نا

یارا نو ژادی، پسی مل په گناه بار که ولادم  
دا مرثیه تهمی سی مل په گناه بار که ولادم وا یم دغم بیتو نه دا می دفتر دی نا

دامر ثیه چه دې پشتویه عامو مجلسو کی په ملی لحن اووزن ویلی کپنی دې بری له سوزه د کی  
اوده بری مؤثری واقع کپنی، په دی ضر ز په پشتو کی خورا چبری مرثیه سته چه په مذ هبی اود ینه  
مجلسو یا افلادسین زبرو مجلسو کی په خوازه آواز ویلی کپنی او ارو بدونکی ئی تول په پته خواه  
اروی او چینی لازم دی هم.

یامنلا پهتا نه شاعران دخلپور و حانی اشخاصو پر گک کی دیری مرثیه لری او ده فو په گهنه  
او مذ هبی لا رښو نی ددوى تر مر گک و روسته بادوی، چه داراز مرثیه دې پشتو په هر کلی کی سته او

زسته بیری دی، داته دنونی دیاره یوه نونه چه فیض الله منی شاعر دفندهار دمشهور او خور اوی  
عالیم «ملا کته اخند» مرثیه ویلی ده خوبنده رانقلوم چه دلوی او واده یه خولو کی جاری وه اویه  
هر مجلس کی به ئی پر ملی لحن ویله :  
هیهات پیدا به نسی یوداسی گل کته جان یز شر یعت محکمه ز غیده تل کته جان

هیهات پیدا به نسی هز ار هزار عا لمان پوره اخوند صا حب و دفندهار کته جان  
دوا ده پر شرع محکم دمعرفت بلبان ولا م دناست دملکه بارسو عامل کته جان

هیهات پیدا به نسی سنه شر یعت ئی در اود په خور لس علمه خبر هم طریقت ئی در اود  
پرطا لبانو باندی دیر شفقت ئی در اود پر جنازه باندی ئی وادو رهمل کته جان

هیهات پیدا به نسی بلدا سی سنه ددین دده یه علم سر ه فندهار تولو، ر نگین  
او س ئی په مر گ سره نن اسلام دی ټواه غمگین الوی واده ټوله ژامی ولامی، کامل کته جان

هیهات پیدا به نسی زه فیض الله یم د لگیر دیار له جوره خدایه په زرده خسته یم ز هیر  
نن فا تھی ته ور حم خا ص یم غلام دلوی بیر د شاعرا نود عادغه غزل کته جان (۱)  
همدا شان دیا چها نو مرثیه په پیشتو ادب کی سنه چه تر تو او مشهوره او جذابه مرثیه  
داسعد سوری قصیده ده چه دامیر محمدسوری په مرثیه کی ئی ویلی ده، دا ساندی د فرخی  
د مرثیه په شان په پیشتو کی شهرت او لور مقام لری، او هم که چه اسعد سوری د غزنوی  
دوری معاصر دی نو په پیشتو صورت دفرخی دقصیده سره پر تله کبدای شی . شیخ اسعد په  
(۴۰۵) کی ژوندون کاوه، کوم وخت چه سلطان محمود پر غور یرغل و کم او امیر محمد  
سوری ئی بندی غرنی ته بوت او هغه پر لاری وفاتشو نو شیخ اسعد چه دده دد ربار ۲۴۰  
سری او بنه شاعر و، نو دهقه پر مر گ ئی ساندی وویلی چه خورا له جوش او سوزه د کی  
دی، ده دا سانهی په یوه لویه قصیده کی خای کری ده او دفرخی په شان ئی له خپلو همعصر و  
او نورو قصیده ویونکو شا عرانو خخنه میدان ودی دی، مگر کوم فرق چه دده او دفرخی په  
مرثیه کی لیدل کېنی هغه دا دی چه داسعد سوری په مرثیه کی پیشتو روی غا لب دی  
او دیشتو دروح سره سم دسوری پاچا دمر گ سندری بولی او پیغیله مرثیه کی هغه شیان  
را ودی چه پیشتناهه ور سره اشنا دی مثلا چه وایی :

(۱) بهار جانان ۲۱ مخ

گوره خا خی رنی اوینی له دې غرو نو  
نه هغه زر غا دغرو نو، دېدیا ده  
نه دز ر کیویه مسادی کتھار  
نه غتوول بیا زر غو نېټری په لا سو نو  
غرو نه، کې ونگی، ساندی، زرغان، پیدیا، زر کې، غنوول، بلاب او بامی ګل د اټول  
هه شیز ونه دی چه پېښتاهه ئې هر سهار او هر پیگاوینی، همدا شان دمرانی رو ح په دې  
مر شیه کې ځای شوی دی، مثلاً دا چه امیر محمدسوری دغزنې پر لاری مری، گوری، اسعد  
سوری ئې په څه الفاظو تصویر وی او وايی:  
زنګیا لیو لره قید مرینه ده لکه: سه ئې والو تله هسکت ته پر دې لار  
تر نړۍ-ئې غو ره خاوری، هدیره کا دز مر یو په پېړیو ګله وی خوار  
دا مر شیه وار دواره دفلک په شکایت شروع شوی، چه دفلک رنګا رنګ نېټ نګو نه  
او چاری ئې خر ګندی ګړی دی، چه ورو ورو لکه دېغوانیو پخوا شاعر افو لار چه  
ده خپل مطلب ته را کوز شوی دی او په دیر و شکایت پکی ئې یو شکایت همدا د امیر محمد  
سوری دمر ګ او بند شکایت خر ګند ګړی دی، چه دلتنه نو په خپل مطلب شروع ګړی  
او ددی سو ری پا چا سو ګواری او دهه ماتم دغور پر خلکو او دممدوح هر راز صفتونه  
په خورا خوژ و افاظو کې را ویدی، په آخر کې لکه خنګه چه دمر شیې قا نون دی پخيله  
امیر محمدسوری ته خطاب کوی او پایا ئې پر دعا ختموی، او س به موږ دده تو له مر شیه  
دلته را نقل کړو چه پخيله لو ستو نکی دشاعر د کلام قدرت خینې شکاره ګړی او پخيله ئې  
نورت خوا وی هم دفرخی دمر شیې سره چه دمه ذکر شوه او خوا کاله ور و سته تر ا سعد  
سوری ئې ویلې ده سره پر تله او مقایسه. ګړی:

### د امیر محمد سوری په مر ګ داسعد سوری مر شیه

زمو لوی هر ګل چه خاندی په بهار  
ریژوی ئې یانوی کاندی تار په تار  
دېر سر ونه کاتر خا ورولاندی زار  
دبی وزلو وینی توی کاندی خونخوار  
له او کو به ئې داری تېر و جبار  
رستمان خنی خفلا کندی په دار  
دا فلک پېرو کا خه کاري ګذار  
نه ئې غشی، نه لنډی وی نه ئې سپار

دفلک له چار وڅه وکړم کو کار  
هر غتوول چه په پیدیا غوړیده و کا  
دېر مخو نه دفلک خپړه شنه کا  
دوا کمن له سره خول پېړی باسی مېرسی  
چه له برمه ئې زمری رېیز نګلو کې  
هم ئې غشی سکینې دا ل دژوبلو رو  
چه ئې ملا وی نه کېټېټری په غېښټیو  
په یوه ګردېست ئې پرېباسی له برمه

ستا له لاسه ندی هبچ گل بهله خار  
 پر نتله سیو اوروی د غم ناتار  
 بپلسویی به زدا زدمین اه یار  
 چینی ژادی پهورت ورت ستاله شنار  
 نه به ملا کرپی، له بی وز لو له ترار  
 نه به پر بوزی له گردشته له دار  
 نه به درملی تاپونه افگار  
 هر پلو ته قیسی زدونه یه محار محار  
 کله ته بر بسی و گپی هو شیبار  
 کله خبری کرپی گرپی بو ان دمنخی چار  
 کله کنپنیوی به خاور و کی بادار  
 و دی ژوبله په دی گشی هزار  
 محمد وا کمن چه ولاهی په بل دار  
 انتقال ئی و کر قبرله بل وار  
 په قیکنه و پر درست جهان او خشار  
 چه غزنه ته ئی باتسلی په تلوار  
 سه ئی والو تله هست ته پر دی لار  
 د زمریو په بپریو کله وی خوار  
 په دی ویر، رنها تیاره سوله دنبار  
 دا کپو نگی ساندی لی په شوره هار  
 نه د زر کپی په مسادی کتھار  
 نه بامی بیا مسبد ه کا په که سار  
 نه را درومی غور ته بیا جو پی دشار  
 مر غلری به نیسان نسکری تشار  
 په ویر نه ئی سو غور تول سو گوار  
 چه په بغلو کا اتنه قطار قطار  
 همه غور سو د جاندم غندی سورا م  
 محمد غندی زمری د مر ینی سیکار

خه تبری خه ظلم کاندی ای فلکه!  
 په ویر ژلو، اور نسکری په زده کرامدی  
 هبچ روغی می په زده نسته ستاله خوره  
 له تپر یزدی او بشی خاخی آه اور یخچی و  
 نه به لاس وا خلی له خوره نه په لوری  
 نه به زده و سو خوی په هچ جاباندی  
 نه به وصل کرپی مین له ببل مینه  
 ستاله لاسه دی پرا انه ژوبلز گپروی کا  
 کله غوشی کاندی مراندی دزد گپیو  
 کله تکی وا چوی پر ناز ولی و  
 کله غور خوی وا کمن له پلازو نو  
 زموز پر زدو نودی نن یوغشی وویشت  
 پر سوریو باندی ویر پر یووت اه پاسه  
 یو وار سواسیه ره لاس دمپر خمنو  
 په سما و ئی و دان آهنگران و  
 د محمود دژو بلو رویه لاس کنپنیو  
 نشگیا لیو لر ه قید مرینه ده خکه  
 ترنپی ئی غوره خاوری هله یره کا  
 په دی و برد غور و گپی تور نمری سول  
 گوره خاخی رنهی او بشی له دی غرونو  
 نه همه زرغاد غرونونو، د بید یاده  
 نه غقول بیا زر غونبزی په لاینو نو  
 نه له غرجه بیار احی کاروان دمنیکو  
 د پسر لی اوره تو دی او بشی توینه  
 دا په شه چه « محمد » ولار له نزیه  
 چه به نجلیو په نشا پکی خند له  
 همه غور به ویر ناتاردوا کمن کنپنیو  
 لاس دی ماتسه ای فلکه چه دی و کا

ای دغور غرۇنو پە خەنسوی ئىغبار  
لاندى باندى سە ! چەوركىسى داشعار  
چەخۈك نىكىرى پەنرى باندى قرار  
پەنرى پە تا اى مەدە دغۇر امرونى !  
ھەم پەنگە دى پەنگە كاخان جار  
کەسۈرىدى پەنگە ويركەنلىدى ويرمن سول

پە جەنت كېنى دى وە تون زمۇز وا كەمنە

ھەم پە تادى وى چىپ لور دغفار

دەخپاوا ئىساو اقرا باومرىئى ھەم پە پېشتو كېنى دېرى دى مەگر بىا ھەم ھەم يوقرق دپارسى  
اوئورو مرئىو سەرە ئىلىرى چە پېشتنى شەمات پەكىنى خەلپىزى او دافرق بائىد ھەم و لرى لەكە چە  
ھەر زې او هەر قوم خېلى خاتىنە خاتىنە خصوصىيات او عملى مەيىزات لرى چە ھەم ارو مرو پە ادىيە تو  
اغىزە كۆي ، دەھەدىي اغىزى پە اىرىدى چە دخوشحال خان خىخە دزوئى نورما تەن ھېرىدى ، فەقط  
داغم ورسەرە دى چە : « كاشكى دەقۇم پەنگە مەروايى » او دەدە زوىي « نظام » د مرئىي نور  
بىتو نە دا دى :

## دزوئى پە مرگ د خوشحال خان مرئىي

چە « نظام » دى اماپىل كە خوايىپە كە  
خەلقە دى يىدا كار كەپە ھەكە يىكە  
چە دەھىچا پېرى پېرخونە وە خوانكە  
نە چە گورلەر روان شولە تاتتكە  
پە عالىم كېنى دخېلى بلارغا دە كەلگە

نور بە نەراشى ز ما لە مەر د مەكە  
درىيغە درىيغە لاس د نىرسى فلەكە !  
داشلى كەروھە راتەلا دېرشول تېلىكە  
چە بە نە و تى دخېلى بابا لە و كە  
سەنيستە ستا پە وجودوھ ھەر يىكە  
كە بە حلۇمى دەنظام كېپىشىوھ گەلگە  
سکە نظام ورلارە ورغىء بې شىكە

خە داغونە بىدى پەزىدە باندى فلەكە !  
خەدايە تە خۇ سەتمەگر نە ئىدى دا خە كېرى  
پە لەند كېنى ھەم مەخ خورى پە چەنجىبو  
« كەشكى خوان دېپەتەن دېنگە كېنى مەروايى  
چە دەقام يەنگە كېنى وە ھەم زوىي

رنگە داۋىشىو سەرە و يو سەت زەماستىر گو  
لاس و دەستى سەرە درەست دەرەم بىرەم كېرى  
نەظام لىس مىياشتى بېمار زە پەشل كەروھە  
ھەم و خەت بە بېر تە نە راشى نەظامە  
كە حىماوه كە و فاوه كە صفاوه  
اسماعىيل غوندى بەدى راتە تسلىيم و  
كە دېپلار پە رضا زوىي درومىي جەنت تە

خدای می نور گسلونه جود اره په باع کشی  
که یو گل ورخنی پر بوت له خونکه  
زه به ولی هسی ژادم یا به نه خورم  
که پهه نه ژدامی مل شی زده به خه که؟  
خوژوندی په دنیا پایم خدای دی نکا  
ستا خپره زما دزمه له تختی حکه  
د نظام دغشی یو برا بر نه دی  
مگر زمه ئی دها تی وی چه زغمی ئی  
که خوشحال په زمه شوه اسکه  
داشتی چه د «خوشحال» په زمه شوه اسکه

همدا شان ئی دخپلو نورو زامنو او لمسيو مرئیي ويلى دی چه پورته یوه نمونه تر پ غوره  
شوه؛ او همدا دخپلو انو په مرئیه کشی دمير من زینبی مرئیه هم دیداوا و دده چه د خپل زامی  
ورور اعليحضرت شاه محمود په مر گک ئی ويلى ده او دبره دملی احساستو خخه د که ده، هننده  
هم خور د ورور د مر گک تر نورو غمو په دی ماتم کشی ده چه د بیستو دشنهشاهی سقی ته زیان  
ورسید او پردی غلیمان خوشحاله شوه نوکه وايی :

### داعلیحضرت شاه محمود په مر گک

دمیر من زینبی مرئیه

بغ سوچه ور ور تبر له دنیا سونا	زمه می په ویر کی مبتلا سونا
قندهار واډه په زدا سونا	جه شاه محمو دلهما جلا سونا

\* \* \*

دار ون جهان راته تور تم دی نا	زمه د بیلنونه په تیغ کرم دی نا
هو قاک غمجن په دی ماتم دی نا	د پاچه هی تاج موبر هم دی نا
جه شاه محمود تبر اه دنیا سونا	قندهار واډه په زدا سونا

\* \* \*

خوان و، میره د توری جنگ و نا	ولاد کام په نام و نگک و نا
دشمن له ده په وینور نگک و نا	پرمیدان شیزو، یا پلنگک و نا
افسوس چه مر گک دده په خواسونا	قندهار واډه په زدا سونا

\* \* \*

محموده! نه یو ازی خور ژادی	پر مر گک دی تو له کلی کور ژادی
خپلوا لاخه، پاچادی ورور ژادی	لبکر سپادی یلی سپور ژادی
پیشتون دی قول په واو یلا سونا	قندهار واډه په زدا سونا

چه شاه محمود سون په گور عالمه  
راته دېمن به کا پیغور عالمه  
قند هار وا مه په ژدا سونا

ا صفها ن پا ته تاج نسکو ر عالمه  
دېښتون لمز سو ، تیاره توز عالمه  
چه پا چا ولاړ پېښتو ن ګدا سونا



په خاور و خای کاشا همودعا لیشان  
زمہ ئې راسو مسو کاخوبی دېمنان  
قند هار وا مه په ژدا سونا

لېکر سو خپور پېښتون ولاړ دی اریان  
پا ته سو تخت و تاج دهول اصفها ن  
وايی پېښتو ن او سبی پا چا سو نا



و شلاوه تاجه د پېښتو ن و ، بیو نه  
چه شاه محمود دی کا په قبر کی بشد  
قند هار وا مه په ژدا سونا

آسمانه بیا دی خه ستم کا خر ګند  
دېمن دی بیاز موښې ویر کاخور سند  
پر کور موو یر شو رو غو غاسو نا



پېښتو ! ستاسی لوی سیا خه سونا ؟  
پا چاچه و ، حشمت پنا خه سونا ؟  
قند هار وا مه په ژدا سونا

هو تکو ! ژامدی ، محمود شاه خه سونا ؟  
له ا صفها ن تر فرا ه خه سونا ؟  
د پېښتو پر تم فنا سونا



له تخت و تاجه ته پر خه سو ی جلا ؟  
سردی را پورته کړه چه خه کړی اعداء  
قند هار وا مه په ژدا سونا

محموده ! خوان وي ولی ولاړی لهما ؟  
ا صفها ن ولی پا ته سونا له تا ؟  
دېمن ولاړ بیا شا و خو اسونا



پېښتون په مر ګه شاه محمود سو بر باد  
دساندو زرغ دی چه را مدينه ئې باد  
قند هار وا مه په ژدا سونا

او رم ناري د غم چه کړي ینه فر یا د  
زمهونه چه تل بیو ، بنادمن سو ه نا بشاد  
ما تم زده پیز و برنا سونا



دردی کی تا ته پس له مر ګه را حت  
مخ دی و هرون دخداي په مهر و رحمت  
قند هار وا مه په ژدا سونا

وروره ! مقر دی ستامو لا کی جنت  
روح دی و ه شاد په لویه و رخ دقیا مت  
دخالق ر حم تل پر تا سو نا



و ګوری ، یوه پېښته میز من خه احسا سات لري او د خوان و رور مر ګه خنګه تلقی کوي ؟

همدا شان نورو دېرو شاعرانو لکه پیر محمد کاکر، کاظم خان شیدا، علیخا ن  
خهکچ او نورو دېپیشتو دادب دېرو پیاو رو دخیلو اقربا و په مرگ مرثیه ویلی وی چه د تو لو  
را و هد لکچه هم یوه یوه نمونه وی دېری صفحه نیسی نو خسکه مطلق اشاره ورته کو و  
او خو خو بیته ئی راوده، مثلًا :

علی خان دخیل زوی پیر گک وا بی :

مالا گل بوی کپری نه و، بهار تپرشو  
په هیچ رنگ به بیارتنه نه رائخی وار تپرشو  
لکه برق رخشنده په تلوار تپرشو  
هم هغه رنگه تپر هم پر یر و و  
پیر محمد کاکر دخیلو درو لو نو په مرگ داسی ساندی وا بی :

ضعیف نحیف شوم په تن ز بو نه  
گهی زدا کرم، گهی آه و نه  
رنج می زیا پیزی له دی تا خو  
هجران انبار کره پر ما غمونه  
اور می بیا بل شودزده په خونه  
اوښی می خاخی له نه گر خونه

نا سازی چاری به هر چا کاندی  
قدم په وروزده نادانه ودا ندی  
واده خلمی دی، یا کپلهه جونه

فلک آسیا دی زد و نهور غاندی  
غمجن زدا کپری بی غمه خاندی  
چه پایما لپیزی ترزم که لاندی

چه ئی نو بشلی دمر گک بیا له و  
هم په خندا کی و یلی ژا له و  
تا پینو اکرم که د ځینی ګر د و نه

«ماهره» اور می لا هفت ساله و  
تل په سرو شو ندو لکه لا له و  
غم می له زده و و دیری حواله و

ساعت د هجر پر ما قیا مت شو  
تازه پر زده می داغ دمخت شو  
«بابا ځم کم کره دعا افر و نه»

د «فاطمه جانی» چه بیا هجرت شو  
یازده ساله و د ددی رحلت شو  
پروخت د کوچ فنی هم دا صیت شو:

«صالحه» لور دی له دنیا ولا ده  
باد د فنا کړه غنچه و یجا ده  
بیا به سر زکپری دا ستا پخونه

آواز تر غوز شو ځماچه زا ده!  
تعلیم موقوف کړه کتاب و نقامه  
حال د داع دی دین ئی غواړه

زونه حصه د کابل نسبته او دره د اطرافه هناظر و خلیه جو د کابل د بار به غربی برخه  
کښی دافعه د  
د پاھلی د بروښنا ه رسم



## د کابل کالني

به همدي دول دا مرثيه تر پايه رسوي او تماموي ئې ؛ يا نور داسي نمر ئې ۰۰۰  
علاوه پردي په پيشتو کي دملگرو او عمومي مرثيي هم سته ؛ عمومي مرثيي خو د د نيا  
دزوند غندنه ده او دنيا ته فانۍ ويل دی چه دا مفکوره خصو صاد متتصو فو شاعر انو  
پداشعارو کي بېخى زياته ليدل کېنېزى او نموني ته لاحاجت نلري ، کەئي راودوهم د پير محمد  
کا کې دا بيتونه دهولو متتصوفو شاعرانو دفکر نمايند گى كولاي شى چه وا يى :

فانۍ دنيا ده دا ئې احوال دى	خسته خاطر مى پىكشى ملا ل دى
غافله ! وېس شه دادى خە حالدى	خواب دى بى غە مدام محال دى
فراتق د كېنلىي دمر گى دلالدى	مر گى به دى وران کاودان كورونه

در يقه پى هرزه نا ييد او اي	يا چه ييد او اي هلتە فنا و اي
موسوم بې جسمە لىكە عنقاو او	آز ادە غە ددى دنیا و اي
يا له اشتانا يو تل نا ا شنا و اي	يا نباش نە و اي د تا پېلتۇنە ؟

بى نياز عالم دى ، ور حنى تللای	مخ و صحر اته تنهها نيو لاي
د بىو نيا ز منو شنا و يلاي	تر ستر گو و يى پىسى ژىلاي
هېش پير محمدە ! هەممە ليدلاي	دغمازانو دا تو ر مخو نە

دملگر يود مرثيي دنموني دباره دکاظم خان شيدا خلور بيتونه راودو چە ديوه ملگرى  
پەر گئ ئې ويلى دى - دى وا يى :

بده بلا دە غم د د و ستا نو	خود به پوهېزى کە خر د مند وى
غمونه قوت دى د غەخوارا نو	کە « محمود خان » دى له دنیا تللى
بل كۈرى اور دى پە آشنا يار نو	چە پېلتۇنە ئې لە د ېرە تا وە
پېلتۇن لىنه دە پە سۇ يارا نو	تر بېخ ئې دا كۈرە سوي خاطرە !
ەمدا شان نور اشعار چە دملگر پە فراق کى ويلى شوي دى بىاغلى لوستو نىكى ئې	ھەمدا شان نور اشعار چە دملگر پە فراق کى ويلى شوي دى بىاغلى لوستو نىكى ئې
سولاي شى مىگر دخوشحال خان دغە لاندى يو بىت چە دېكلىي او بىاستو پەر مر گئ ئې	سولاي شى مىگر دخوشحال خان دغە لاندى يو بىت چە دېكلىي او بىاستو پەر مر گئ ئې
اھزىزە خىخە را وتلى دى ھەم د ېرە ولو نە دى چە وا يى :	اھزىزە خىخە را وتلى دى ھەم د ېرە ولو نە دى چە وا يى :
خدا يە ! تە چە بىنائىتە له دنیا بىا ئې	خدا يە ! تە چە بىنائىتە له دنیا بىا ئې
مىگر ستا ھورى دحورو خە كەمى دى ؟	مىگر ستا ھورى دحورو خە كەمى دى ؟

(پاي)

# لغوی خبر نی

پاپ و پیری

اقتباس از انتامه کردشنه

## لغات فراموش شده پیغمبر

(۲)

پیغمبر سید مسعود خان

دو قرن می‌شود که علمای زبان بگساند بحث بعلمای لغات و آن‌ها آن‌ها را توانند تو جهه فرانز داده الفاظ و لغات را تحلیل و صرف تعبیر استدرا باهم که هم‌بده کردند از شایه و غرایت با اختلاف و تباعده که در بین آنها مشاهده نمودند ترا را خفتند که زبان فارسی «الله اکبر» به این دهی مختلف آرایی سامی و غیره هستند و بعد در بین خویش بدسته و خاکهای مختلفی دیگری که آنها حوت های مختلف را هم‌بده یکدیگر آشایه و قرابیت می‌نمایند تفسیر (۱۸۶۰) از جون در یک از اتفاقات رفاقتان زبانی از هم متفاوت گردیده بعضی از زبانها لغات بزر از بعضی دیگر متفاوت و متشعب شده و نسبت شایه و قرابیت در اخواص به کمال از شایه و قرابیت فومنی «مان می‌گذاریں آن زبانها» باشد چنانچه قرابیت و شایه در لغات عربی، عبرانی و سریانی از شایه میان آپا و یونانی بیشتر درجه می‌شود.



ساده کاوی و تحقیق در یعنی در یعنی در یعنی هزار قطعه  
دیگر دیده و گذشته از آنچه کاوی در احوال زبانهای  
زندگانیه تفکر و تجسس، جانب زبانهای مردم و زبانهای

تو جمله هایند وید، او سنا وغیره بیش از شاید شده سده است، علاوه اتحتیقاً تکه که از ضرف دیگر کاوی و آن عصر جدید در بین زبانهای جاری است مخالفور بدت آوردن زبانهای تهدن یک زبان و میکدهن آنست که کدام از الفاظ و لغات یعنی لغات آنرا موره می‌داند این فرانز داده از داشتن الفاظ و عبارت بودن گذشت زادع به موصوی عاتی دلمی

دریاست اداری خانگی :

: ص ، گل سعیدخان	داجرائیي او دمامورینو مدیر
: « ، محمد نعیم خان	دکترول مدیر
: « ، عبدالرؤف خان	داوراقو *
: « ، غلام جانخان	دکتابخانی دمدیریت کفبل

تفقیش مدیریت:

: ص ، محمد نعیم خان «شریفی»	مدیر
: ص ، محمد رفیق خان	عضو دابتدائی مدیر پجیث
: « ، سید مصطفی خان	« دانهائی مامور
: « ، محمد حسن خان	دابتدائی *

**دعایداتو دمالیي ریاست**

: ع ، ص محمدحسین خان (دبست دوزارت معین)	درئیس کفبل
: ع ، محمد عثمان خان	د تشخیصی عمومی مدیر
: ص ، محمد رسول خان	دلمری خانگی *
: « ، جلال الدین خان	ددو همی *
: « ، محمد مهدی خان	ددر یمی *
: « ، فضل احمد خان	دخلور می *
: « ، عبد الواحد خان	دولایاتو دلمیری خانگی مدیر
: « ،	دنظار عمومی مدیر
: « ، عبد العلیخان	دلمری خانگی مدیر
: « ، محمد اسلم خان	« د دوهی *
: « ، سید ضیا الدین خان	مامو رینو مدیر
: « ، محمد ابراھیم خان	« کنترول د » کفبل
: « ، فیض محمد خان	« مخصوص دمدیریت *
: « ، حفیظ اللہ خان	« اورا فو *

مذهبی، حربی، تجاری، اقتصادی، بیولوژی، جفا فیزی، معماری، نقاشی، صنعت، حرفت وغیره به سویه داشت و معرفت آنها بی برده میشود . بهمین طریق از روی معانی اسمای رجال، روحیات و خصوصیات ملی شان واضح و میرهن گردیده و از تعداد نامهای البسه واطعه انواع زراعت و آلات مریوطه آن و حیوانات اهلی و خصوصیات متعلق با معلومات شایانی در اطراف طرز معیشت و گذاره باستانی یک ملت بدست می آید . زبان پشتوى ما که از یک عصر باينطرف توجه علمای فرنگی را بخود جلب نموده وبعد از نظریات مختلف در پیرامون تزاد آن درین اوخر آنرا از السنّه هند و ایرانی شمرده اند و چند فرنگ و گرامر و چند مجموعه ادبی پشتوا را نیز ترتیب و تدوین نموده اند یک زبان جدیدی نیست ، و نزد ما از نقطه نظر وضعیت گرامری و شواهد ادبی وریشه های اصلی و اساسی زبان ، حجت و برای همین نقه برای اثبات قدامت آن در دست است که این اوراق معبدود گنجایش درج آنرا نداشته و درینجا بین جمله مختصر کفایت میکنیم که از کلمات بر جسته پشتوا در وید و اوستا والسنّه اروپائی و نیز از روی یک شعر قدیم پشتوا که مقارن عصر اول اسلام بوده و در پته خزانه - قید است معلوم میشود که لااقل چند هزار سال از عمر این زبان سپری شده باشد . پیداست که در ظرف این قرون متداول کلمات قدیم پشتوا چند مرتبه ازین رفته ویا زبان های دیگر ضمیمه شده است . درین وقت که مایخواهیم پشتوا را از افتدان به برتگاه نیستی نگهدازیم باید لغات پیرا گنده آنرا از فراز فلک شامخ و گرامر پاشان آنرا از دره های پر پیچ ، و اشعار آزاده و جدا نگیز آنرا از امواج فضای کوهستانات و دیگر آثار ادبی آنرا از سینه های زنده و کاغذ های پژمرده فراهم نماییم . در جمله اجزای لغات یکی بدست آوردن کلمات قدیم پشتوا است که منابع حصول آن بفکر من چند چیز است ، اول مرکبات مستعمل موجود در پشتوا که از تحلیل و تجزیه آنها بعضی از اجزا بdest می آید که عجالتا در زبان دیده نشده و باید این قسم اجزای حاصله شامل لغت گردد . مثلاً (غرن) (معنی نایينا است چون کلمه را تحلیل کنیم ترکیب آن از نون حرف نفی و (غرن) بوده از ان ثابت میشود که (غرن) (معنی بیناست همچون بینا و نایينا در فارسی هکذا (شمتشی) (معنی سنگ) بیش می بینم که این کلمه از دو جز (شم) و (شمتشی) مرکب بوده اما اکنون هیچ جزء آن بصورت مستقل در زبان موجود و مستعمل نیست . (خر بانه) در لغت معنی موش پران است که ترکیب آن از اجزای (خر) و (بانه) تشکیل یافته ، معنی (خر) واضح است و (بانه) شاید معنی خیزیدن و جست زنده است (خصوصاً که مصدر پیش بمعنی جستن در زبان موجود میباشد) این دو کلمه بطور نمونه تند کر یافت حالانکه در پشتوا ازین قبیل لغات فراموش شده که احیای آن برای وسعت زبان خیلی محدود حتمی است بصد ها وجود دارد .

دوم ، اعلام پشتونی اسمای اشخاص ، امکنه و بقاع است ، زیرا این اسماء تا امروز بیک پیمانه خوبی وضع و کیف باستانی را حفظ نموده و از روی ریشه های اصلی آن معانی و لغات قیمتداری میتوان استنباط نمود . استخراج معانی اسمای اشخاص نسبتاً مشکلات زیادی در بر نداشته اما معانی اسمای امکنه و بقاع بنابر کثرت وجود مناسبت بین اسم و مسمی خبلی مشوش و انسان را بتو جیهات زیادی میسازد ، ازین رو رو یه مرفته این امر در اول و هله مانند سایر اقدامات جدید در انتظار خیلی مشکل بر میخورد اما تعقیب مرور ایام مشکلات فرازو پست آنرا متدرجاً هموار میسازد .

این اسمارا که ما تحلیل و ترجمه کرده موردمطالعه شما گذاشته ایم بعضی روشن و بعضی کمی خیره و برخی بسیار مشوش بنظر می آید ، هر گاه در نظر ثانی تو انستم که من خود آنرا بیشتر توضیح نمایم خوب والا اگر توجه فضلای روشن مکررا درین زمینه کشا نیده باشم که در قسمت های مکدر و خیره آن روشنائی اندازند هم موقوفیتی است که بالواسطه برای من حاصل میشود .

ما که در طی تحلیل اسم و نسبت معانی آن به ریشه ها و کلمات میگوئیم که اصل آن چنان است یا بدانش چنان ، یا فلان حرف بفلان حرف بدل میشود یا میان آنها تبادل است ، این احکام بنا بر اصولی است که راجع به تبدل حروف در پشتون فراهمن آمده و بنا بر امثله عدیده نیز دیک بحقیقت رسیده است که انشا الله هنگام تکمیل آن رساله جدا گانه در آنخصوص نگاشته خواهد شد . هر گاه بعضی اشخاص توجیهات مارا درست ندانسته تعبیرات جدا گانه یا معانی بهتر از معانی که ما برای اسم و اعلام این مقاله پیدا کرده ایم آورده میتوانند ، ما آنرا منافی نظریات خود نه پنداشته بلکه کار خوبی است که مقصود و منظور اساسی مارا تائید و جانب هدف اصلی ما میگرایند . اما اگر از طرف داران مرتعجل خوان اعلام هستند چیز دیگری بوده قضیه شکل دیگری بخود میگیرد ، یعنی نظر یه های متعدد تا امروز تائید براین مسئله است که اعلام و اسمای جامد مرتعجل بدون کدام فکر یا دلیل اسم فندهار را برآن شهر قندهار واسم اسپ را بر این حیوان اسپ علی الارتجال گذاشته اند . این فکر از اینجا نشئت کرده که طرفداران این نظریه با نگاه سطحی کدام معنی برای آن نیافر و کدام وجه تسمیه که دلالت بر تعبیر حقیقی و معنای اصلی مسمی آن نماید حاصل کرده شوا نسته اند . دسته که معارض و مخالف این نظریه است طرف اقلیت واقع شده و محض چند نفر محدود است که بر اثر تحقیق و تعمق زیاد در اطراف اعلام و اسمای جامد مدعی معقولی برای آن پیداو یا معانی اصلی و مهجو را کشف کرده اند .

حقیقت امر اینجا است که انسان با وصف این دعوی بزرگ تعلق هیچ اسمی را به مسمایی بی شعورانه و هیچ عنوانی را بر معنونی بی خرد آن و بطور ارتقال و اتفاقی نام گذاری نکرده است . بنا برین معانی بعضی اعلام و اسماء جامده که بد یهی و مبرهن نبوده و یا با وجود تعمق به آن معلوم و واضح نمیگردد دلیل شده نمی تواند که آنها اصلاً معنی ندارند بلکه بطور عام همه آنها مانند صفات و افعال دارای معانی بوده که بر ورزمان معانی اصلیه آن مهجور و مترونک گردیده محض بحیث علم و استفاده تعریف اسمی باقیمانده است . مثلاً اسمای عربی زید، بکر، عمر وغیره که امروز بعنوان اسمای اشخاص درین مردم متداول است تنها بصفت علمیت از ان استفاده شده معنی اصلی آن هیچگاه خاطر نشان نمیگردد : ازینرو کثر استعمال آن بحیث اسم و بمنظور مشخص ساختن و معرف نمو دن یک مسمی معنی اصلیه آنرا که درین موارد ابداً مقصود نبوده از اذهان ربوده است .

علت عمده دیگری که گره معنی این اعلام و اسماء را مغلق تر و سرگم تر نموده از تخفیف و ترجیحی است که در هنگام تکلام تو ده های مختلف بعمل می آید و یا با صطلاح بنا بر شکسته خواندن و اختصار نمودن کلمات ، الفاظ از قالب های اصلی بیرون افتاده اشکال جدیدی برای خود اتخاذ میکنند . لهجه های مختلفه نیز درین زمینه سهم بزرگی داشته تغیرات و تحریفاتی که بر اثر آن بوقوع میرسد در ابهام معانی تعقیدات زیادی بوجود می آورد . مثلاً هیچکس حاضر نخواهد شد که فی البدیه (بید کی) را بحیث عبید الله بپنیرد زیرا درین لهجه باندازه شکستگی و تحریف و تلخیص بعمل آمده که کاملاً از صورت اصلی قلب ماهیت گرده است - یعنی بمرتبه اول (اله) آن اسقاط یافته عبید آن (عبیدک) و بعد ها (ابیدک) سپس (بیدک شده) و اخیراً (بید کی) بوجود آمده است بهمین ترتیب اسم علی احمد هم در لهجه عامیانه اولاً به (علی) تنها اختصار یافته سپس بنا بر ثقائی که ادای عین در حنجره غیر عرب وارد میکند عین آن به الف مبدل شده و (ی) آن به (و) اماله گردیده در نتیجه از اسم علی احمد ، (الو) بیان آمده و بهمین قانون ولی احمد هم (لو) شده است . لهذا بر اثر علل فوق معانی اعلام و اسماء جامده مستحبی المفهوم گردیده منتج به نظریه شد که منکر معانی آن ها گردیدند آنرا مرتجل خوانند . اما تاجاییکه تحلیل و تجزیه کلمات پنتو ما را به معانی اصلیه آن رهبری میکند با کمال جرئت اظهار کرده مینوا نیم که اعلام و اسمای پنتو مرتجل نبوده و بطور اتفاقی و بی شعورانه بمندان نیامده است . تحلیل کلمات . اعلام و اسمای پنتو با الفاظ بسطه و حتی به حر و ف مجرد که سلسۀ شجری آن با صوات طبیعی اولیه و اصل میشود ما را به معانی حقیقی آن آشنا میسازد .

اکتشاف معانی این اعلام و اسمای که تغیرات صوری و تراکم زمان آن را در زویای فرموشی و اختفا برتاب کرده بود تنها حاصل حس کنجدگاوی نبود بلکه ذوق استفاده و حصول معلوماتی که بعد ها روشنایی بزرگی در زمینه ترکیب و وضع کلمات جدید میافگند مارادرین کار رهنمون شده و تا جاییکه قانون تبادل حروف . تحلیل و تجزیه کلمات استقرار، قیاس(۱) و اجتهاد مارا رهبری میکند معانی اعلام را فرار آن تحریر مینمائیم . بر اثر این تحلیل و تجزیه صورت ترکیب اصلی ووضع اولیه کلمات مذکور برای ما بخوبی مشهود گردیده قوانین ساختمان الفاظ آن که از ذوق طبیعی و سرشار موضوعین آن تراوشن نموده ما را برای ساختن کلمات جدید مساعدت مینماید منظور دیگری که درین بخش محرك بوده و ذوق آرزومند را به آنچنان میکشاند استفاده از احیای معانی این اعلام و اسماء است که در تزئین احصایه لغات پشتتو مدد شده و هم بطرز نوینی از آنها استفاده میشود . نکات و اصطلاحات بسیاری است که نظیر و مرادف آنرا در زبان پشتتو همیشه در جستجو بوده و دائم مترصدیم که در مقابل آنها لغات و کلمات مناسبی در پشتتو دستیاب گردد، بنابرین قاریکه بعدها در تحت ترجم اسماء مشاهده خواهید نمود از اکتشاف معانی بعضی اعلام تعبیرات بس مفیدی بددست میآید که موارد جدید خیلی ارزش دار و قیمت بهای را احراز خواهد نمود .

## ۹۱- آری نگار(نمک معکوفس)

اسم یکی از دوره معروف و بزرگ‌ترین اغانی است. تلفظ این اسم بزبان مردم پشتوزبان (آنگار) و بزبان مردم پشه زبان (آنگار) میباشد و از دفاتر علی نگار مینویسنده ولی صورت صحیح اسام در تلفظ اول الذکر است شکل دفتری آن خود ساخت و جدید میباشد . (الی) مانند (هری) از اشکال (اری) است . ترکیب اسم از دو جز است . نخست (آری) که اسم شخص یاقوم معروف است دوم (نگار) که صورت محدود (نگر) به معنی «عموره، آبادی، شهر، ملکه» و کشور است بنا بر آن معنی «خوبی اسم چنین میشود: آری نگار :- معنوره آری ها، ملکه آری ، شهر آری

(۱) البته قرار یکه قبل از کار یافته اصول و قواعدی تاییک که اندازه درین رشته مو جود است اما در بخش های بیشتری از طریق قیاس و حدسیات معقوله استفاده میشود ( چنانچه باینقر ارا گر کسی نسبت به من معانی بهتری برای بعضی از اعلامی که نوشته ام اراده نماید ممکن ندارد زیرا طرق اندیشه مختلف و بهنای حدس و قیاس یکسان است ) . اما مانند ریاضیات قو این و فارمول های مشتبه ندارد ، و معقول هم نیست که شخصی در هر رشته از عینک قانون ریاضی و فارمول های مشتبه ندارد . مخصوص آن تحت مطالعه قرار بدهد . علوم نظری معيار علیحد و علوم مشتبه مقیاس جدا گانه دارد .

## ۹۲- امیر (ضزس)

نام زنان است . و اساس بنای آن از (ام) و (ی) نسبت است . (ام) بمعنی نخست و مقدم میباشد چنانچه در امری که بدل و مری یا بهجه ایست در و مری و نیز ریشه (ام) در امه یا او مه دیده میشود و آن بدو معنی است یکی اسم نباتی است که در قدیم آنرا هو ما گفتهندی و همیشه سرسبز می باشد و دیگر بمعنی خام که عبارت از حالت نخست در میوه جات و چیز های پخته شدنی است . و نیز ریشه (ام) در کلمه (اما) بمعنی کل و تمام وهم در کلمه (امبار) که اصلش (انبار) است و ماخود از ابته بمعنی فراهم آورده شده است دیده میشو د و این هم مشتق از ریشه (ان) بمعنی چیدن و جمع آوردن و کثیر و فرت است چنانچه در (انمل) مشاهده میگردد ، بنابران معنی لغوی اسم چنین میشود :

امیر :- «۱»ماه تمام ، بدر «۲» سرسبز ، برومند «۳» نخست ، مقدم



## ۹۳- آندی (فسفس)

از اعلام رجال و بنای آن از کلمه (اند) است ، که از جمله معانی آن فکر و اندیشه است بنابران معنی لغوی اسم چنین میشود :

آندی :- فکور ، متأمل ، اندیشمند .



## ۹۴- انگل (فسفس)

از نامهای رجال بوده بنای آن از (انگ) است . کلمه (انگ) در پشتودار ای چندین معنی است از آنجله آواز چنانچه در انگازه و انگروزه (آوازه ) دیده میشود ، و از همین اصل انگل در پشتوى موجوده بمعنی شور و غوغاو نزاع است . دیگر تصویر و پندار چنانچه در انگیزل (پنداشتن) . دیگر بدن و جسم مطلق چنانچه در انگری (آنچه) جسم را در بر گرفته ، پراهن ) . انگ در سنسکریت هم بمعنی تن و جسم و جسم مطلق است چنانچه انگ پدیدا بمعنی علم تشریع بدن و علم طب است واگر مابخواهیم که همین اسم را در پشتودار استعمال کنیم به صورت انگ پهیدیا از مصدر (پوهیدل) امکان دارد در فارسی نیز کلمه اندام که لغت مشترک بین پشتودار و فارسی است بمعنی جسم مطلق آمده است .

انگ بمعنی آتش همی باشد چنانچه در انگکار و انگاره واژ آنجا که آتش نورا نیتی دارد در انگلیسی انگل Angel (۱) بمعنی فرشته و جمل آمده است و چون آتش متضمن حدت و تیزی و بر

(۱) تلفظ آن انجل میشود .

افروختن است در انگلیسی anger معنی خشم و غصب و بر افروختن وا نگری Anger به معنی عضیبانک و بر افروخته میباشد انگل در پیشتو معنی شور و غوغای است بالجمله معنی لغوی اسم چنین میشود  
انگل: - شور و غوغای، خصوصیت، دعوی، تندیز اج، هنگامه جو .



## ۹۵- اورنگ (فسفس)

از نامهای رجال و اساس بنای آن لفظ (اور) است و ریشه آن (او) که متنضم معنی بلندی است و شرح آن در تحت برداشده شده است بنابر همین اساس اورنگ به معنی تخت شده است، و نیز ما داده (اور) به معنی تندی و آتشین مزاجی است چنانچه در (اوری) به معنی خرد دل دیده میشود و هم (اوره) یا (اویه) به معنی دگر گونی و تقلب میاید این اسم نظری و عدیل کورنگ است و بردو شخص هم نظری و مسائل بطور صفت اطلاق میشود بالجمله معنی لغوی، اسم چنین میشود :  
اورنگ: - (۱) جوان قشنگ وزرنگ (۲) شوخ و بیباک (۳) شیاد و طرار



## ۹۶- ایمل (ک مج فس)

از نامهای رجال بوده و اصل آن یمل است، امل، همل، ایمل و هیمل از لهجه های آن است، ماده اسم (یم) یا (ام) میباشد و (یم) یا (یوم) به معنی گواهی و بیل است، و چون اصل (م) (واو) میباشد (یم) در اصل (یوه) است به معنی دهقانی و زمین شگافت (ام) در اوستا به معنی قوت و توان است چنانچه (امونت) به معنی توان وزیر مند است . (ایم) در زبان نورستانی به معنی خداوند است که بزر گترین توان است . از تعمق در اصراف معانی فوق و اصول تبدیل حروف چنان معلوم میشود که صورت قدیم کلمه (یمر) به معنی دهقان است بالجمله معنی لغوی اسم چنین میشود ایمل: - توانا، زور مند . دهقان، کشاورز



## ۹۷- بارک (فسفس)

از نامهای رجال و بنای آن از کلمه (بار) است باره در پیشتو به معنی سنگ پست و حصار است در انگلیسی هم بار Bar به معنی شدم میباشد بنابر آن معنی لغوی اسم چنین میشود: بارک: حصن، حصار قشنگ عسکری .

## ۹۸- بالمیر (فسس ک مع س)

نام رجال و بنای آن ازدواج است یکی (بال) و دیگر (میر) . بال صورت ممدوح (بل) است که بمعنی بلند و مرادف (بر) است چنان نچه در (بلی) بمعنی بام و میر بمعنی شخص نخست و رئیس است بنابران معنی لغوی اسم چنین میشود .  
بالمیر : - شخص نخست، رئیس کل

۲۷۶

## ۹۹- بلوو (فض مع)

از نامهای رجال و اساس بنای آن (بلو) است، بلدرپشتو بمعنی بر جسته و ضخیم و پر باد میباشد و نیز بمعنی حریف و همسر میاید بنابران معنی لغوی اسم چنین میشود :  
بلو: حریف رفیق و اگرگریشه آنرا از بله و بله ا که بمعنی ثروت و ثروتمند است بدانید باید بلو معنی متول را افاده کنند

۲۷۷

## ۱۰۰- برزنگی (فسفس)

از اعلام رجال و اساس بنای آن (برز) و آن بدل (ورز) است (ور) و (بر) منضمن قوت و غلبه و تغرق است و در شت بمعنی عدو و کاراست بعد از برزنگی غرز نگی بطور تاکید آن آمده و معاً بقسم صفت مستعمل میشود بالجمله معنی لغوی اسم چنین میشود برزنگی: تزمذد بالیده، قری، توانا

۲۷۸

## ۱۰۱- برمهک (فسفس)

از اسمای قدیم باختیری است و از جمله اشخاص مسمی باین نام یکی جدی یعنی بن خالد بن برمهک میباشد که خا ندان معروف بر امکه به او منسوب‌تر کیب اسم ازدواج است (بر) و (مهک) بر مانند پردر سنسکریت و پیشو و بعضی السنّه دیگر آریانی بمعنی بلند و عالی است (مهک) هم در پیشو و سنسکریت بمعنی بلند و عالی است مهک در پیشو معنی قدر هم می‌آید و مجازاً معنی جاه و جلال است .  
بنا بران معنی لغوی اسم چنین میشود :  
برمهک : - خیلی بلند . عالی شان ، باجلال ، باعظامت .

## ۱۰۲- بزرگی (فُذْسَفْس)

از نامهای رجال و اساس بنای آن کلمه (بزر) است و آن از ریشه (بزر) ساخته شده که متصمن معنی شکستن و نظائر ن است چنانچه (بزر) بمعنی کوفن و خورد کردن است و (بزری) بمعنی کویه پشم است، و نظر به این (بزر) بمعنی کوچک است و بزرگی نیز افاده همان معنی را می نماید مانند کمکی بالجمله معنی لغوی اسم چنین میشود.  
بزرگی . صغیر ، نابالغ ، خورد سال

بزر بزری بزرگ

## ۱۰۳- بژنگی (كَفْسَفْس)

از اعلام رجال است و اساس بنای آن لفظ (بتر) است که ریشه کلمه بژل و بزل بمعنی کویدن و دریدن و امثال آن می باشد . بالجمله معنی لغوی اسم چنین می شود .  
بژنگی : شیر بچه ، پلنگ چوچه ، درنه .

تبصره : بژنگی را بطور صفت برای اطفال و خوردسانها بطور حقیقی و تمجید استعمال می نمایند و برای اشخاص بی جرأت و بی همت از طریق استهzae .

بژنگی بژنگی

## ۱۰۴- بهمری (فَسْفَفْس)

از نامهای رجال است و ماده اساسی بنای آن دو جزء است یکی (به) دوم (مر) . (به) بدل (وه) میتوان شد و آن بمعنی خوب و متعجب است چنانچه در (وهوا) . کلمه و هو بدل آن اهو در اوستا هم بمعنی خوب است ، واول ترین واولی ترین خوبیها عقل و دانش است . مر بدل از من و معنی دارائی و مالکیت را افاده میکند . بالجمله معنی لغوی اسم چنین میشود :  
بهمر . حکیم ، دانا ، جمیل ، سوده .

بهمر بهمری

## ۱۰۵- بهمن (فَسْفَس)

از نامهای قدیم رجال واستعمال آن متروک است . بنای آن از دو جزء است یکی (به) و دوم (من) و شرح هر دو جزء در ترجمه ا اسم بهمنی گذشت بالجمله معنی لغوی آن چنین می توان شد .  
بهمن . هشیار ، نکوکار (با صطلاح حکمای قدیم) عقل اول

## ۱۰۶—پهول (فضمچس)

از اعلام رجال است . اساس کلمه (په) بوده و آن به معنی عرض و بهنانی است نظر بان معنی لغوی اسم چنین میشود : پهول :- (شخص) سینه کشاده ، وسیع الصدر ، خشنود ، خندان ، بشاش .

❀ ❀ ❀

## ۱۰۷ پنگرام (فسکفس)

اسم فریه ایست نزد یکی به مر کر چرخ لو گرودر حوالی کوه خروار بنای اسم ازدواج ، است ، یکی (بن) دوم (گرام) جزء اول از ریشه های معروف زبان پشت و متنضم معنی اجتماع و زیادت و بزرگی وعلو و امثا آن است چنانچه در (بنله) معنی جمع شده و گردآمده . جزء دوم یعنی (گرام) معنی - بن ، آبادی ، فریه ، شهر و امثال آن است ، بنابران معنی لغوی اسم چنین میشود : پنگرام :- شهر بزرگ ، شهر مرتفع ، بنای عالی .

❀ ❀ ❀

## ۱۰۸ پیارو (سفسض مع)

از نام های مردان است . ساخت لفظ از بی (شیر) میباشد ، چنانچه برتریه اول پیار و بر تریه ثانی پیارو گردیده است معنی لغوی آن اینست : پیارو :- لبیات فروش

❀ ❀ ❀

## ۱۱۰ تارو (فسض مع)

از اعلام رجال است . اساس آن از (تار) بنا یافته و این ریشه دارای معانی قدمات ، بزرگی ، قوت و امثال آنست چنانچه در تاران گذشت ، و نیز تارو اسم پرنده ایست به قدر کبک که رنگ سیاه گون برآق داشته گوشت خیلی لذیذ دارد . پرواز آن کم اما بیای رفتار بسیار تند و سریع دارد . غالبا معلوم میشود که اسم اشخاص هم از همین تاروی پرنده اتخاذ شده باشد بنابران معنی لغوی اسم چنین میشود .

تار و - بادپای ، تندرو و تیز رفتار

## ۱۱۱- تر ک (ف زس)

نام رجال وریشه بنای آن (تر) است که متنضم معنی شق شدن و دمیدن و ظهرور کردن است چنانچه در تر کان (شق کشند) بمعنی نجار و تر که وهل بمعنی نواز زمین سرزدن و تر کیدن و ترق سبا - صبح نخستین و تر کا که در هندی بمعنی صبح، فجر، سحر گاهان و علی الصباح است و ما خود از همین تر که پشتو بالجمله معنی لغوی اسم چنین میشود :  
تر ک :- ناظهور ، نو برجسته ، نورسیده ، فجر ، صبح ، نخستین

## ۱۱۲- تمن (ض ف س)

از اسمای رجال و اساس بنای آن از (تم) است تم و تمنه در پشتو معنی مایه و اصل است بنا بر آن بمعنی نژادهم میشود چنانچه در سپتمان بمعنی نژاد سفید که از الفاظ پشتوی قدیم بوده و در اوستا استعمال شده دیده میشود ازینرو معنی لغوی اسم چنین است تمن :- نژاد اصل ، نجیب ، اصیل ، خاندانی

## ۱۱۳- تمنی (ض ف زس)

نام زنان و مذکور آن تمن است و از لفظ (تم) بمعنی مایه و اصل و نژاد ساخته شده است بیا بر آن معنی لغوی آن چنین میشود :  
تمنی :- نجیبه ، شریفه

## ۱۱۴- تور دای (ض م ج ف ف س)

نام رجال است و نیز اسم پرنده کوچکی است که در بزرگی باندازه گنجشک بوده رنگ سیاه اطلسی دارد، و چون گل سیاه، خیلی فشنگ و زیبا است نظر به رنگ و سیماه پرنده مذکور تور دای بدل تور گلی است چنانچه تور گلی هم از جمله اعلام بوده و از روی لغت همان معنی فوق را دارد پس معنی لغوی اسم مذکور چنین است :

تور دای :- گلاب سیاه، گل سیاه اطلسی، سیاه برآق.

## ۱۱۵- نغر (ف ف س)

از اعلام رجال است بنای اسم از (تف) بوده و (تف) در اصل حکما یا از آوا ز زاغ است چنانچه زاغ بمعنی زاغ میباشد و از انجا که زاغ به هوشیاری و حذر ضرب المثل است تف و زاغ بمعنی هوش و فر است مستعمل میشود بین ترتیب معنی لغوی اسم چنین میشود نغر :- زیراک، دوراندیش، پر حذر، محظا

د همجا سبانو دعمومی تفییش ریاست :

رئیس	: ع ، ص غلام مجتبی خان
تفییش مدیر	: ص ، نصر الله خان
»	: « ، عبدالرحمن خان
»	: « ، غوث الدین خان

د کنترول او دفرما یشاتو دتسهیل لوی مدیریت :

عمومی مدیر او دمر کزی صنائع و دخانگی آمر	: ع ، محمد نعیم خان
فني مشا ور	: عزتمند مستر کیخن تال

**دولایاتو او اعلی حکومت تو تشكیلات**

**د کابل ولايت**

د کابل دولایت والي	: و ، ج محمد اسماعیل خان
مستوفی	: ع ، ص سید حبیب خان
دامنهی قوما ندان	: ح ، محمد نعیم خان
دمرافعی دمح کمی فاضی	: ف ، عبدالجلیل خان
د گمرک رئیس	: ع ، ص غلام حیدر خان
د معابر و عمومی مدیر	: ع ، احمد شاه خان
د تعییراتو عمومی مدیر	: « ، عبدالغیاث خان
د تحریر را تو مدیر	: ص ، عبدالباقي خان
د احصا ئیبی مدیر	: « ، امین الله خان
د تفییش داحصا ئیبی مدیر	: « ، علی محمد خان
د کابل دفو اندعامی د کنترول د مدیریت کفیل	: « ، محمد رفیق خان
د زاندار می غنها مشر	: ح ، عبدالکریم خان
د بیو لیسو سرما وور	: ش ، امیر محمد خان
د محبس د صنائع و عمومی مدیر	: ع ، عبدالخالق خان
د قوما ندانی د جز امدیر	: ص ، سید بہا ؤالدین خان

### ۱۱۶ - جمند (ف ف س س)

از اسمای رجال است و ریشه بنای آن لفظ (جم) است و نسبت بان در ذیل اسم جمر و د شرحی داده شده و در ذیل اسم جوند هم شرحی در باره آن دیده میشود بالجمله ، جمند بدل جو ند و مرادف جوان و جوانی است و معنی لغوی آن - چنین میشود :

جمند : - جوان ، توانا ، باروح ، بانشاط ، باطرافت ، در بهار جوانی

### ۱۱۷ - جوند (ف ف س س)

اسم موضع است در هرات و اساس بنای آن از لفظ (جو) است . کلمه (جهان) از همین جو بعد از بدل (و) آن به (ه) ساخته شده است ، کلمه (جو) بدل (زو) است و نیز از بدل های آن است گو ، زو ، خو ، واژ آنها بزوندی ، گوندی ، زوندی جوندی برآمده است . از صورت (خو) خوان و خوانی بوجود آمده ، یعنی از خود اصل دارد نه آنکه از لهجه های جوان و جوانی است ، از تبدل (و) خو به (ل) محل برآمده است وازان خلمنی ، خلاخلاند وغیره حاصل شده است . محل نظر به تضمن این ماده معنی نورانیت را دارابوده بمعنی آتش نیز شده است . چنانچه در (خلباند) وهمچنان (جل) که بدل (جو) است بمعنی آتش میباشد در سنسکریت (جوالا) بمعنی آتش ، شعله ، حدت ، تنی و آتش عشق میباشد از (جو) درهندي کلمه (جوین) اشتراق شده است و معنی آن شباب خو بصورتی ، رونق و موج است . ریشه (جو) او لا متضمن معنی حرکت و بعد از این حیات و بعد طraft ، جمال موج ، رونق ، فدر قیمت ، قوت و نظایر آن است و از مشتقات آن (جوهر) است که از روی وصول اشتراق پشت دراول (جور) بود یعنی آرض (جو) با (وز) که افاده معنی دارائی رامیکند ساخته شده است ، در ثانی (و) دوم بدل به (ه) شده جوهر گردیده است ، بالجمله نظر به فوق اسم جوند چنین ترجمه میشود :

جوند - جوان ، زیبا ، قشنگ ، باروح ، بانشاط ، بارونق ، تندrst ، توانا ، متین - جوانی ، طراوت ، زیبائی ، فشنگی ، توانائی ، تندrstی ، صحبت ،

### ۱۱۸ - خندی (فسفس)

اسم قریه ایست در منگل کی از علاوه سمت جنوبی است . این کلمه در اصل از اسمای عامه بوده بمعنی بنا ، قریه و شهر است مانند کند یا کندی ، و گند و گنگ چنانچه در بهشت - گنگ که از بنای افراسیاب بود و در فرهنگ های فارسی هم وارد آمده دیده میشود . واصل همه کلمات مذکوره (گنگ) است . خندی و کندی باهم مترادفاند . بنا بر شرح فوق معنی لغوی اسم چنین شد :

خندی : - ده ، قریه ، شهر :

### ۱۱۹ - خیسور (فسفس)

از اسماء رجال است و برای زنان خیسوره استعمال میشود . بنای اسم از (خیس) و (ور) لاحقه مفید دارائی است . خیس معنی خوشنایی بوده و مرکب از (خ) معنی خوب که املای اصلی آن (بن) میباشد و (یس) که ریشه اصلی مصدر یسدل (نماییدن) است ، بنا بران معنی لغوی اسم چنین میشود :

خیسور : - خوش روی ، خوش نما ، قشیگر ، زیبا

✿✿✿

### ۲۰ - درونه (غضصمفس)

اسم آخرین قسمت خاکه لفمان است که دریای لفمان بعد از اتحاد بادر یای کابل در آنجا از میان تنگنای بین دو کوه گرفته بخاک علاوه جلال آباد داخل میشود ، بنای اسم از دو جزء است ، (در) و (ونته) ونته یاونت از کلمات قدیم پشتو است و در سنسکریت واوستا هم موجود است و در آخر کلمات الحاق یافته افاده دارائی و مالکیت را میکند چنانچه معنی لفظی درونه دارای دریا دروازه دار میباشد . کلمه ونت در بعضی کلمات قدیم دیده میشود و اکنون در عوض آن (وند) یا (من) مستعمل است . و می باید که حضرات ادبادر آینده هنگام ساختن الفاظ مرکب عوض لاحقه (وند) و (مند) از (ونت) نیز در بعضی مواقع کار بگیرند . بالجمله معنی لغوی اسم درونه میشود :

درونه : - در بند ، تنگنا .

✿✿✿

### ۲۱ - سپندود (سفسضمفس)

از نام های قدیم باختیری زنان است از شاهنامه معروف میشود که قیصر روم یکی از دختران خود به گشتاسب پادشاه باختیری داده بود و گشتاسب بروی سپندود نام گذاشت . چنانچه فردوسی گوید بدود داد قیصر سپندود را بصورت یکی شمع بی دود را بشای اسم از دو جزء است یکی (سپن) معنی سفید و دیگر (دود) که معنی دود مان و نزد ورسم درواج است بنا بران معنی لغوی اسم چنین میشود :

سپندود : - نزد سفید ، عرق ایض یاخوب رواج و دارای رسم خوب .

### ۱۲۲-سامی (فس زس)

نام زنان است . و برای مردان سامی میشود اساس بنای آن از (سا) می باشد و (سا) در پیشتو معنی نفس و حیات است ، و نیز ساوه ، ساهو یا ساو معنی نجیب ، شریف اصیل ، اعیان زاده و خان زاده است و چون که ساوه صفت است می باید که اصل ماده که اسماست یا (سا) باشد یا (شاوه) بهردو صورت (سا) یا (ساوه) معنی نجابت ، شرافت ، اصالات ، اعیان زادگی و امثال آن میشود . اکنون اگر اصل ماده اسم (سا) قرار داده شود لفظ (می) در سامی ما نند (وو) در ساوه ادات نسبت است ، واگر ما ده (ساوه) قرار داد شود اصل سامی ساوی میشود باین ترتیب که حرف (د) آن به (م) بدل گشته است بهردو صورت سامی مرادف ساهو یا ساوی میباشد و چون سامی موئی است مذکر آن سامی میشود ، و با سامی عربی که معنی عالی است فریب و هم معنی میگردد . بالجمله معنی لغوی اسم چنین میشود :

❀ ❀ ❀

سامی : (خانم) نجیبه ، شریفه ، اصیل زاده ، اعیان زاده ، خان زاده .

### ۱۲۳-سرپرپکسری (فس س ک مج س ف س)

از نام های رجال است . معنی لفظی آن سر بر یده میشود و مجازاً معنی مرد شجاع و بی ترس میباشد ، و نیز معنی سوگند خورده است . چنانچه سر پر یکول یا سر و رکول با صلح معروف و ممتاز است جنوی معنی قسم خوردن است ، خصوصاً در فصل مسائل حقوقی بکثرت واقع شده متخاصلین باهم میگویند یاسرا پریکرمه ، یا به سر در ته پریکرم یا قسم بخور ، یا قسم بیخورم .  
بنا بر آن معنی لغوی اسم چنین میشود :

سر پریکرمی : (۱) سر باز ، جسو ر ، متھور (۲) حلیف ، سوگندی .

❀ ❀ ❀

### ۱۲۴-سروانه (فس ف س ف س)

نام رجال است . اساس آن از لفظ سر وان بنا یافته مخفف سار وان معنی دارند شتر بسیار است و اگر نه سار معنی دیدبانی ، مراقبت و پاسبانی باشد معنی اسم دیدبان ، پاسبان پیش قراول و کشاف (Scout) میشود . سار معنی شتر از همین سار معنی دیدبان و کشیکچی گرفته شده و کلمه پشتواست زیرا که وضع خلقت شتر یعنی قد بلند و گردان بر جسته و دراز او که با آن اطراف و جوانب را از دور می بیند به کشیکچی میماند . بالجمله معنی لغوی اسم چنین میشود :

سروانه : (۱) دارای شتر زیاد . پر ورنده شتر (۲) پیش قراول

## ۱۲۵ - سروتی (ف ض مج ف س)

اسم موضع معروفی است درسمت جنوبی و چنگل خوب اشجار مخصوصاً چوب ارجه که در عمارت بکار برده می شود دارد، واژه هیث ارتفاع بر اطراف خیلی بلند است، بنای آن از کلمه (سر) و (وت) می باشد، جز اول معروف است و جز دوم معنی بلند برآمده و مرتفع است بنابران معنی لغوی اسم چنین می شود، سروتی: موضع مرتفع، سطح مرتفع، محل حاکم بر حواشی و جوانب.

## ۱۲۶ - سربن (ف ف ف س)

از اعلام رجال است و ترکیب آن از لفظ (سر) و (بن) است، سره بمعنی عمامه و دستار می توان شد چنانچه از سپری- یا خری- (دسته ازموی سر که هند و ها یا بعضی مردم بطور ندر بر سر گذارند و تراشند) مستفاد می شود و نیز سر متضمن معنی سردی است و عمامه سر را از حرارت آفتاب باز داشته سرد نگه میدارد و درینصورت ممکن است که (سر) از کلمه (سر) بمعنی آفتاب گرفته شده، بمعنی آفتاب گیر و آفتاب گردان باشد، سر بدل خوب معنی چرایش نیز می توان شد، کلمه (بن) مختلف با نیابند است، بالجمله معنی لغوی اسم چنین می شود، سربن: دستار بند، صاحب عمامه، رئیس قوم - شبان، راعی.

## ۱۲۷ - سمر از (ف س ف س)

از اسماء رجال است و ترکیب آن از دو جزء یکی (سم) و دوم (راز) صورت گرفته است، سم بمعنی راست، درست و باصلاح است، راز مرادف روز و معنی پرورش یا معنی طور و وضع است، بنابران معنی لغوی اسم چنین می شود، سمر از، صداقت پرور، راست اندیش، نیکوروش، درست کار، باصلاح.

## ۱۲۸ - سوریا (ض. مع س ف س)

قرار یکه شنیده ام نام زنان است ولی از شکل و آهنگ لفظی آن معلوم می شود که نام مردان باشد، بهر صورت ترکیب لفظی آن از (سور) و (یا) می باشد، جزو اخیر ادات نسبت است و معنی لفظی آن منسوب یا متعلق به سور می شود، سور در پشت و معنی سرخ در رنگ و گرم و تاشه است و نیز بمعنی آفتاب می توان شد خصوصاً که سوریا در وید معنی رب النوع آفتاب است و غالباً که در پشت نیز به همین معنی بوده است چون فشنگی و جدا بی های زیادی به آفتاب نسبت می شود معنی لغوی اسم چنین می آید، سوریا- سرخ رنگ، آفتاب و شم، مهر آسا، جذاب.

## ۱۲۹ - شاگی (فر، فس)

نام رجال است و اساس بنای آن (شا) است و آن در پشتون معنی خوب است و از آن جهت بر پادشاه اطلاق میشود ، و نیز دارای معنی علو و رفعت است چنانچه شاگی تپه را گویند . لاحقہ (گی) اختصار تصریف و نسبت هر دو را دارد ، بنا بر آن معنی لغوی اسم چنین میشود : شاگی : - ولیعهد پادشاه در منسوب و متعلق به شاه ، شاهانه .



## ۱۳۰ - شرام (ف ف س س)

اسم موضعی است در لغمان . بنای آن از دو جزء است یکی (شم) که معنی تیره رنگ به سبزی مائل و بدل آن (شن) است ، دوم (رام) که معنی محل و جای است . بطن غالب (شم) اسم شخصی بوده و موضع مذکور بنام او معروف شده است ، معنی لفظی اسم جای تاریک و مجازاً چیز تیره بنظر می آید ، و بنا بر همین معنی مجازی آن معنی لغوی اسم چنین میشود :

شرام : - شبگون ، شهرنگ ، شبیز .



## ۱۳۱ - شمشاد (ف س ف س س)

نام رجال است ، و برای زنان (شمشاده) گفته میشود و نیز اسم کوه بلندیست در سرحد مشرفی افغانستان بعد تورخم و نام درخت معروفی هم است که چوپ خوب و کار آمدی دارد . بنای اسم از دو کلمه (شم) و (شاد) است . شم بدل سم و آن معنی راست ، بر ابر و کامل است . در اوستا ، اشا و اشم معنی راستی و درستی است . شاد معنی شاده و خاده که بدل خاتمه معنی برآمده و طالع است میباشد ، بنا بر آن معنی لغوی اسم چنین میشود : شمشاد : - بلندبالا ، سروقد ، راست قد ، کوه شامخی که جدار آن بطور عمودی بلند رفته باشد .



## ۱۳۲ - شمل (ف ف س)

از اعلام ذکور است و شمل زی اسم چند قبیله پشتون نهاد است . اصل کلمه شامل است که معنی آن پیشتر گذشته به آن رجوع شود .

### ۱۳۳ - شمن گل (ف ف س ف س)

اسم موضعی است در قرب مرکز گفمان بنای اسم از دو جزو است یکی (شمن) که مانند شمند بمعنی سیاه و تیره است چنانچه در شم-کی (کاسنی) که گل تیره دارد در شمندر و ز (قناویز) که معنی لفظی آن سیاه پروردیده است، دوم (گل) که بمعنی موضع و جای است بنا بر آن معنی لغوی اسم چنین می‌شود: شمنگل: - خوابگاه، شبستان.



### ۱۳۴ - شمی (ف ز س)

از اعلام اناث است و اساس آن (شم) است که با (سم) بمعنی راست و مستقیم اتحاد اصلی دارد، و نیز (شم) بمعنی سیاه و سیاه فامی آید. بنا بر آن معنی لغوی اسم چنین می‌شود: شمی: - راست بالا، مستقیم القامت، مشک فام.



### ۱۳۵ - شنگرام (ک س س ف س س)

اسم موضعی است ترکیب آن از دو جزو است یکی (شن) دوم (گرام) معنی معروف (شن) سبز می‌باشد و معنی گرام چند بار گذشته است علیه‌ها معنی لغوی اسم چنین می‌شود: شنگرام: - شهر سبز، موضع آباد، سرسبز، معموره خرم و حاصلخیز.



### ۱۳۶ - غرغشت (فسفس)

از اسم مردان بوده و یکی از اجداد بزرگ‌تر افغانها می‌باشد. ترکیب آن از دو جزو است یکی (غر) که بمعنی کوه و مجاہزاً بمعنی عالی، عظیم و متین و امثال آن می‌باشد و دوم (غشت) که متصفح معنی توانائی و متنانت و نور دیدن است بالجمله معنی لغوی آن چنین می‌توانشد: غرغشت: - بزرگ و توانا، متین، کوه نورد.



### ۱۳۷ - کند (فسس)

نام رجال و ریشه آن (کن) است و کن (Kin) همچنان‌که در انگلیسی بمعنی نسبت، قوم، خویش، اصل و نژاد می‌باشد، کند در پیشتو بمعنی قوم و ملت است و کند که بمعنی

جماعه و دسته از مردم نیز کند معنی ده . قریه و شهر است .  
واز کلمه (کندوک) که معنی مجمع غله است نیز معلوم میشود که کند معنی رئیس  
است که قوم بدور او گرد آمده اند نظر به آنچه ذکر یافت معنی لغوی اسم چنین میشود :  
کند : - سردار قوم ، بزرگ قوم



### ۱۳۸ - کورنگ (فسفس)

نام رجال است اساس بنای آن لفظ (کور) و ریشه آن (کو) میباشد این ریشه مانند  
(کا) متنضم معنی علو و رفت است و بهمین مناسبت (کو) اسم کوهان اشتراک دیده است .  
(کور) بدل از (کوت) به معنی قلعه و حصار هم از همین ریشه ساخته شده است .  
این اسم عدیل وجوره اورنگ است چنانچه دونفر بچه های همسال را بخطاب اورنگ  
و کورنگ یاد میکنند ازان معلوم میشود که هردو متادف و موید همدیگر اند ، با الجمله معنی  
لنوی اسم چنین میشود :  
کورنگ : - جوان فشنگ ، بلند قد ، زرنگ



### ۱۳۹ - گلران (ضرفس)

نام مردان است و برای زنان گلرانه میشود ، بنای آن از (گل) و (ران) است معنی  
گل معروف است و (ران) از (را) ساخته شده و آن مرادف است با (رو) که ازان (روبن)  
و (روپان) ساخته شده و با (ری) در زبان انگلیسی (Ray) که معنی شعاع و پر تو است  
بنابران معنی (ران) روشن و با پر تو است و مرادف (رن) یا (دون) میشود ، واژ آنجا که  
رنگ چیز رنگه را در نظر روشن میسازد ، از (ران) کلمه (رنگ) مشتق شده است .  
بعضی افغانها کلمه رنگ را رانگ و رنگه را رانگه هم تلفظ می کنند . رانچه به معنی سرمه  
بدل کلمه رانگ است چرا که موجب روشنایی چشم است ، بالجهه معنی لغوی اسم چنین میشود :  
گلران : - گلرنگ ، گلگون .



### ۱۴۰ - لاچمیر (فسس کمعس)

اسم رجال است و بنای آن از دو جزء میباشد (لاج) و (میر) . این اسم (راجمیر) هم  
گفته میشود ، معنی (میر) معلوم است ، و (لاج) بدل (راج) میشود در اطراف کلمه (راج)  
در ذیل اسم را جان صحبت شده ، نظر به آن معنی حکومت و حاکم و توانگری و بزرگی

است، و نیز در پیشتو (راجا سری) بمعنی شخص با سخاوت و کریم میباشد لذا معنی لغوی اسم چنین میتوانشد:  
لاجمیر : - صاحب سلطه ، با نفوذ ، رئیس بزرگ

\* \* \*

### ۱۴۱ - لو کر (ففسس)

اسم ناحیه از ولایت کابل است که بطرف جنوب واقع است بنای آن از دو کلمه (لو) و (گر) ترکیب یافته گر بمعنی ظرف مکان و لو بمعنی درو است ، معنی الفظی لو گر جای درو میشود ، و حقیقتاً که در لو گر کشت و زراعت بوفرت است چنانچه آنرا غله خانه و گدام کابل می گویند و نیز (لو) بمعنی میل مفرط یا عشق است چنان نجه در لیوال و لیونی دیده میشود ، در انگلیسی هم لو (LOVE) بمعنی عشق است بنا بران از لو گر مفهوم سرزمین عشق هم جلوه گر میشود ، طوری که ساز و سرود امروز آن معروف و مؤید این نظر یه است ، بالجمله معنی لغوی آن چنین میشود :

لو گر : - (۱) سرزمین غله خیز (۲) خانه عشق .

\* \* \*

### ۱۴۲ - لو نگ (ففسس)

از اسمای رجال است برای زنان لو نگ که گفته میشود ، ماده اصلیه اسم (او) است معنی آن میل : عطف اشتیاق میباشد چنانچه در لو یدل (افتادن) لودی (هوا خواه) لو ذه (کرسنه گی) لبوه (میل مفرط) لبوال (شیفتہ) لودر انگلیسی (LOVE) هم بمعنی محبت دوستی حب ، عشق ، خاطر خواهی میباشد . بالجمله معنای لغوی اسم چنین میشود :

لو نگ : - عاشق ، معشوق ، محبوب دوستدار ، دلربا ، نازنین ، صدیق ، باوفا .

\* \* \*

### ۱۴۳ - مته (فضح)

از اعلام امثال است . اساس آن کلمه (مت) است که شرح آن می آید .

\* \* \*

### ۱۴۴ - متی (ففس)

از اعلام الرجال است و برای زنها مت و مردم ماده اسم مت است بمعنی ، قدرت ، نوان ، جد وجه دمتانت و امثال آن ، چنانچه در مختار (کنتک مطبوط و محکم) متره (قوه معنویه ، جرأت قلبی ، شجاعت ادبی) مت و متهنه (سخت و محکم) دیده میشود . نظر باین معنی لغوی اسم چنین میشود :

متی : - (آدم) متین ، باهمت ، باجرئت ، جدی ، کوششی .

### ۱۴۵ - مرگی (کسفس)

از اعلام رجال است. اشتقاق آن از مرگه بعمل آمده، مرگه بمعنی آهوی کوهی یا گوسفند کوهی است، بعضی معنی گوزن گویند. در هندی هم مرگه بمعنی آهو آمده، معنی لفظی آن مکان بلند است و نظر بان گوسفند کوهی یا گوزن را مرگه نامیده اند، فی الجمله معنی لغوی اسم چنین میشود: مرگی: - صیاد آهو، کسیکه شغل او شکار آهو باشد، متخصص در فن شکار، میر شکار.



### ۱۴۶ مزینه د (ف ک مع)

اسم موضعی است در علاقه شوار اساس بنای آن از (مز) است. که از ریشه های اول لغات پشتتو است و ریشه کلمه مز که (زمین) میباشد مزین معنی زمین و مزینه معنی زمینه است، بنا برین معنی لغوی آن چنین میشود: مزینه: زمینه، موضوع، مبحث.



### ۱۴۷ - مستان (فسفس)

از اعلام ذکور است و برای انان مستانه میشود. اشتقاق آن از کلمه مست است، و در اطراف آن تحت اسم زرمست بحث شده است بالجمله معنی لغوی آن چنین میشود: مستان: شوخ و سنگ، بیباک و بی برو، سرخوش، ولا قید.



### ۱۴۸ - ممانه (ف ف س ف)

از اعلام انان است در لغت اسم درخت کوهی و اسم میوه آن درخت است که رنگ سرخ تیره و طعم شیرینی دارد، و در بزرگی باندازه آلو بالوی کوچک است ریشه کلمه (مو) واصل آن (مو) است واصل آن (وو) که از جمله چهار کلمه اسلسی کهار کان اربعه کلمات پشتواند، میباشد و معنی لحظ اخیر الذکر در لغت باد است و از روی ریشه، مبدأ حرکت و میل است. بدلو (مو) است که از آن مینه و مشتقات آن پیدا شده است. (مو) در سنسکریت (موه) شده که معنی خواهش محبت، عشق و جادو است، و (موهنه) معنی خوشرو است و ازین معنی (موه) در فارسی ماشده است بالجمله اصل ممانه، مونه، بعد ممانه شده و مونه چون مونه سنسکریت و مینه پشتواست نظر به فوق معنی لغوی اسم مذکور چنین میشود: ممانه: دلفریب، دلربا، سحر کار، گلرخسار، حسین، جمیل، زیبا.

### (ف زس) - ۱۴۹ - صمیر

از اعلام انان است، کلمه فوق در لغت اسم حشره است از قسم ملخ که نگ سبز بسیار  
قشگ دارد در کابل آن را گهواره جنبان می گویند: اطلاق آن به انسان مجاز بوده مراد ازان  
سرسبزی و خرمی است چنانچه بطور دعا می گویند (معنی مرغه شی) یعنی مانند می سرسبز و خرم  
شوی پس معنی آن از روی لغت چنین می شود:  
معنی: ترو تازه، سبز و خرم، تندرست و توانا.



### (ف س ض مج) - ۱۵۰ - مندو

از اعلام رجال و اساس بنای آن (مند) است. مند بمعنی میان و درون شی و بدل (منخ) است  
چنانچه در مندانه (چرخ مسکه برآوردن از ماست یا شیر) و مند که (خسته) مفهوم درون، و میان  
خوب ظاهر می شود. وجه تسمیه تغم قربات به (مندو) هم ازین جهت است که ازین آن تبل کشیده  
می شود بنا برین معنی لغوی اسم چنین می شود:  
مند و: مغز، مج، لب، لباب، آدم پر مغز، داشمند.



### (ز س ف س س) - ۱۵۱ - مندار

از اعلام رجال بوده اساس آن از (منه) است، بمعنی تاخت و کوشش چنانچه گویند ستا یه  
کار کثیف ما دیری مندی و کپی (در کار شما خیلی کوشیدم) بنا بر این معنی لغوی اسم چنین می شود:  
مندار: تیز دو، کوششی، ساعی.



### (ز س ف س زس) - ۱۵۲ - منهالی

نام زنان است. اساس آن از منه است. این ماده متضمن معنی قطع و کوتاهی و کلفتی می باشد  
چنانچه منهای میش کوتاه گوش مندی درخت سرشاخ بر یده وزن کو تاه قد چاقی را گویند.  
منه کی بمعنی شاخچه بلوط و منه شاخ ضخیم درخت است. بنابر مند کور معنی لغوی اسم  
چنین می شود:  
منهالی: زن کوتاه گیسو، کوتاه موی، کاکلی.

د حقو قو مدیر

د فومندانی د مخصوص قلم مدیر

د تعلیم او د تربیتی د مدیر کفیل

### د کابل دولایت مربوطه لوی حاکمان :

د شمالی لوی حاکم دحاکم اعلا به رتبه : ع، ع، ص عبدالصمد خان

د غزنی لوی حاکم : ع، ع عبدالشکور خان

د دایز نگی : ع، سید عباس خان

د لوگر : ع، احمد علیخان

د پرواند : ع، محمد عمر خان

### دقندهار ولايت

نائب الحکومه

مستوفی

دامنهی د فومندان کفیل

د گرک رئیس

د معارفو

د منازعاتو د فیصلی رئیس

د تجارتی اطاق رئیس

د تحریراتو مدیر

د مخابراتو «

د خارجه چارو مدیر

د احصائی

د صحیبی

د ذکر هنی «

د حمل و نقل «

د عایداتو د مالی «

### دقندهار مربوطه لوی حاکمان

د کوشک لوی حاکم

دارز گان

د قلات

: ع، سید غلام رسول خان

: ع، یاينده محمد خان

: ع، محمد رفیق خان

### ۱۵۳ - منگل (فسس)

نام مردان است . اساس بنای آن منگل وریشه این (من) است . من یامان هم در پیشتو وهم در سنسکریت بمعنی عزت ، قدرت ، میلت ، غرور ، تکبر ، نخوت ، ناز و نظائر آن است . چنانچه (مازره) بمعنی تعظیم ، احترام وسلام است : و (ماهه) بمعنی شکوه و شکایت و نزا است . و (منمی) بمعنی خودبینی و تکبر و نخوت است . (منگل) در پیشتو بمعنی آئین ، روش ورسم است . (منگار) بمعنی مار و خراش و (منگل) بمعنی پنجه و چنگال است . (منگل) در سنسکریت بمعنی خوشی ، سرور ستاره مریخ و روزه شنبه است . بنا بر ان معنی لغوی اسم چنین میشود .  
 منگل :- شادمان ، مسرور - متکبر ، مغور ، قوی پنجه ، فولاد بازو ، چنگجو ، خونریز باعزم ، باشیبات ، باعهد ، باقول .



### ۱۵۴ مولی (ض معف س)

مولی یاملى از اعلام رجال است بشکل دیگر که عبارت ازمنی یامونی باشد در لغات پشتوب معنی پارسا و متدین آمده است . من در سنسکریت بمعنی مرقاش وزاحد است و مونی بمعنی عالم و دانا است چنانچه (سکیامونی) لقب مؤسس مذهب بودائی است که لفظاً بمعنی عالم قوم سکیا میباشد ریشه کلمه من است که ازان در پیشتو مصدر (منل) بمعنی اذعان کردن ، اعتقاد کردن ، باور کردن پذیر فتن ساخته شده است . و نظر به آن مولی که از اعلام پشتو است مرادف و شکلی از اشکال مونی بمعنی عالم و پارسا و متدین میباشد و آن صفت است از منل و همین مولی در پیشنهائی ماده مصدری شده وازان مصدر مولیک (دانستن) ساخته شده است . و علیهذا ملایا مولا بمعنی عالم لفظ پشتو است که در سنسکریت چنانچه فوقاً تذکر یافت موجود بوده و در پیشنهائی هم از پشتو رفته است بالجمله معنی لغوی اسم چنین میشود :

مولی : عالم دانا ، متدین ، زاهد ، پارسا .



### ۱۵۵ - نفرک (فسفس)

اسم موضعی است در سرخ رود جلال آباد در جوار راه عمومی بمسافة شش کروه از شهر جلال آباد بطرف کابل (لغز) مشتق از نغیا ناغ بمعنی حصار و محصور یا حد و محدود است بنا بر ان بمعنی شهر میشود زیرا شهر در عرف عبارت از آبادی است که حصاری داشته باشد . نفر مرادف نگراست که در سنسکریت هم بمعنی شهر است . لذا معنی لغوی آن چنین میشود .  
 نفرک : - شهر کوچک .

### ۱۵۶ - وده وو (ففس منع)

اسم موضعی است در فرمتهای اخیره دره‌الی نگار لغمان، ترکیب اسم از کلمه (وده) بالا حلقه (وو) میباشد، معنی (وده) نشوونما، زیادت، حاصل خیزی و امثال آن است. بنا برین معنی لغوی اسم چنین شد. وده وو: حاصل خیز، پر حاصل.



### ۱۵۷ - ورشی (ضسفس)

از اعلام رجال است، اشتقاق آن از کلمه ورشو است معنی مرتع و چرا گاه نظر به آن معنی لغوی اسم چنین میشود. ورشی: - دارای نعمت فراوان، غنی، منعم، سخی، بخشایشگر.



### ۱۵۸ - وستان

از اعلام انان است و در دوره سابق باختری مورد استعمال بود چنانچه در داستان زیر اسام دختر ویشتاب (گشتاسب) گفته شده است دستان به لهجه امروزی پشت و سنانه گفته میشود، ماسر (مستانه) که شکلی است از اشکال (وستانه) و باهم متراծ اند، اشتقاق آن از کلمه (وست) است که مرادف وشت میباشد و آن متنضم معنی شوخی، چوشی مستی، لا قیدی و امثال آن است. و کذا در پشت از آن وشتی معنی مزاح و خنده ساخته شده است، بنا بران معنی لغوی اسم چنین میشود: وستان (وستانه): شوخ وشنگ، مست و بیباک، سرمست و سرخوش.



### ۱۵۹ - هسمل (فسفس)

از اعلام رجال و بنای آن از دو جزء است یکی (هس) و دیگر (مل) معنی مل قرین و صاحب است، و هس لهجه ایست در هشته معنی عزم وارداده بنا بران معنی لغوی اسم چنین میشود: هسمل: - با اراده باعزم

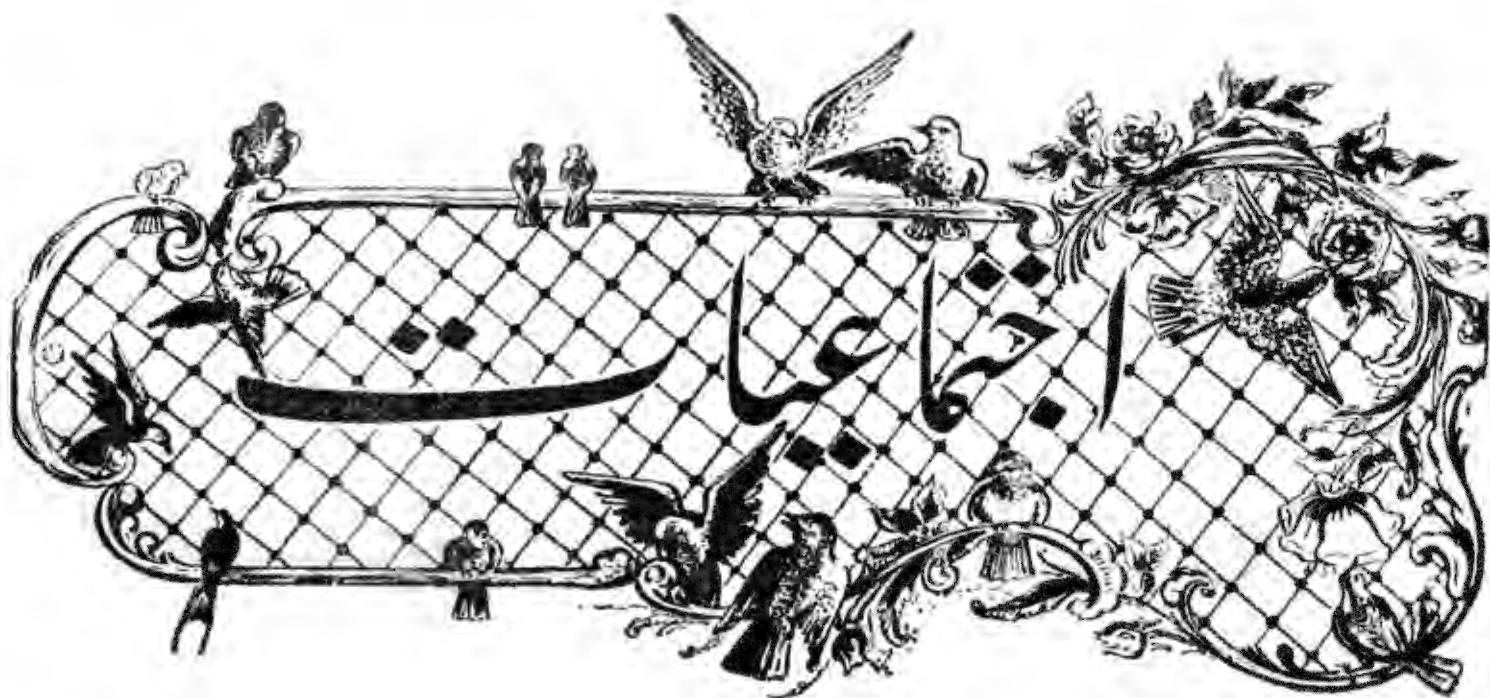
## ۱۶۰ هسنی (فففس)

از اعلام رجال است، بنای اسم از هسه که لهجه ایست در هخه و هخه را مادر اینجا بمعنی تندروی و شتاب میگیریم بنابرین معنی لغوی اسم چنین میشود: هسنی: تند رو، تیز رو چالاک.



## ۱۶۱ - (هو تک ض مع زس)

از اعلام رجال و قبیله معروفی به آن منسوب است. هرگاه اساس ترکیب آنرا (هو ته) فرار بد هیم که آن بمعنی (هو که) بوده اسم مصدر است از (هو کول) بمعنی هان گفتی، معنی لغوی آن با سخن و با قول میشود و هرگاه ماده اصلی اسم (هو) باشد، هو در پشتو کلمه ایست که در موقع احساس تعجب استعمال میشود، و در اوستا بمعنی خوب و نیک است، چون (ت) به آن ملحق شود هو ته بمعنی تعجب، خوبی، نیکی قول و عهد میشود، فرار تند کر فوق (هو که) اصل یا بدل آن بوده از این هو تک ساخته شده است که معنی آن نکو اندیش، نکو کار قائم به عهد، ثابت القول، بجا اور نده عهد صاحب علو نفس و بلند خیال میشود. هو تک به ضممه سبك هم تلفظ شده و هتک نوشته میشود در اینصورت ماده کلمه هته است که اصل آن هخه و بمعنی شتاب و میل و اقدام و همراهی می آید و نیز (هت) ما نند (ات) بمعنی طعام است بنا بر آن معنی اسم چنین میشود. هو تک:- الوالعزم، مقدم، جری، ثابت العهد همراه، معاون، نان ده. (انتها)



## روز نه

ندیمه قاتی نه او او و حبکشی نه  
که این خاتم خدا بخی لا اندی و داد  
۱- المراجه و علاوه هر آن داد - عربی  
۲- داده خود بگذار - مقدمه ای فیز  
کوچکی سی - کی  
۳- عدم ارداد

- اعلی سراج (امیرخان) (سید)

۱- روزی معلم - د فصل سی دهی پیش  
خاور عینی - هژری - روز دیوباد - روز شد که  
د نمکاتو دیازه - نمکاتو او او جو او نجی  
داستعداد او فرق -

۱- پری اوی تو رو به سر عوامل حکومت ٹوی  
خوار او تو اوی قوب جه ل دل ریگه سایوی اورهه  
مهدو اصر اتو نه ور خده کبوی روزی توی نهی  
د افسوسی دو - داوس ملائیں بخوا خاسگه که مخلو م  
و خو د مسخر کو لو جل ته د روزه  
روزنه خده تهوانی او خاری مصلحه ای ایشی الی  
جواب یدهه زدهه کبی او اد هری خالی جا وواه  
تی ایکی بودی اتفاقاوت ون اوره نهر نجی اوی  
روزنه د ورو بمال د سلسله اصلاح کوی نمکان دروده  
د گر ته تیازول دی گو سدا اویون د روزی یه اره  
کی وانی د هفه سیخی شماره جه اهل او فضل  
غواصی او غور او نفت ور سر د چنانی شنزوی دی



۱۴۶۵ی سراج الدین سراج - سید

واسطه بی اه کمی تصنع اجرا کیدای شی د اخلاق علائی مولف داخلاقی تریه یه باره کنی  
هم دغه رایه خر گنده کری دی وانی خلق داسی یوه ملکه ده چه هفه سره افعال یه اسانی  
له روحه صاده درینه او تأمل او تفکر تهه ظرفت بی دروزنی دصلب دزده کو لود باره دا خونکی  
کافی دی اوس به گزو چه روزنه خه راز حاصله بزی او داشی یو الحی د کمکیانو  
دیاره دی که اولیان هم پاکیشی بر خه لری ؟ دی ته خه انسکار نشته چه وارد او غیان قول  
دروزنی و مددی او د تریه قابلت پاکیشی شته خر او یان په کومو خو یو نو چه له کمکیشی پری  
اموخته شوی تریه پر هفه قینگ و لا دیوی د هفوی زود فکر بدلول او ز اده خوبونه او  
عادات ئی خنی لری کون چپر زیار اور پر غواصی هفه شی چه د اولیانو یه روح کیشی اوی  
تفیر او انتلاپ یه بیوی او د هفوی زمه ونه پری متاثر کینزی دینی موعضی او سیاسی نظریه دی  
اویان نوی مفکوره نوی تریه قبلوی خوهان چه پر دینی عقايد و یا پر مادی مصالحه بشاشی .

هو روزه یو الحی یه کمکیانو پوری اده نه لری اولیان هم تری فایده اخنی خو کمکیان  
پر زر تر تیه لاندی راحی او دروز او دیاره ئی زیات مشکلات یه میخ کیشی نه وی .

اوی داویل خوامدی چه د کمکیانو فضایی میل پر کمه خواوی دخیر یه ضرف که د شر یه  
اوری ؟ دسقراط دارایه ده چه کوچنیان دخیر و خوا ته مایل دی او د دوی د فضارت او شی

ده راز خیر او کمال دیاره چمتو دی سره دلود مقام او فلسفی شهرت یو نه منتو هر بی  
اویه او دی روزونکی هم و دسقراط تعليمی طریقه پر یوه مخصوص او جدا ب طرز بناده  
ده خبل شاگردان دی ته مایلول چه په نظری مطا ابو کیشی بخیله دی ووهی او یه هفه باره کیشی  
له استاد سره منافشه او مناظره و کناندی . دسقراط درس یه موقعه کیشی دخیل لود مقامه تحشه  
دشاگرد و سطحی ته را تیقیده اوسم دهه داستعداد او پوهی سره به ئی هفه سره خبری بحث  
مباحثه کوله هفه ته کمکی زود زلمی یوراز ایسیدل او گردئی دعلم او تریه ومبلل یه مباحثه تو  
کیشی به ئی اه عادی او عامه فهه مطا لبو نه شروع کوله خبری به ئی ورو ورو پسی  
غنوی دار نگه گران مفاهیم به ئی یه اسانه سره دهخو په مغزو کی خایول . دسقراط یه تعليمی  
طریقه کی اساسی کمکی دغه وجده به دشاگرد دسویی او د فهم یه برای بر خبری کولی .

دا فلا حون داعقیده ده چه شردو دویه خته کی پر ووت دی او کمکیان سمد خیلو فضایی امیا لو

سره دشرو خواته هخه لری . ده نفس یومجرد جوهر باله چه د آز موینی دیاره دیور ته عقیلی عالمه  
خده و دی مادی نپری . تهرا کوز شوی نفس د تنبیلی یه حال کی یاهم کولی شی چه خیله رابطه هفه اولد  
عقلی عالم سره و ساتی دا همه کیدای شی چه د نیائی لذا ید له خلمی پر بزدی له هر راز نفسی امیا لو  
اوخوا هشاتو مجردشی هر دلول سخته به خان وا خلی . د تجمل او دهه سائی سیامان له مخی ترک

کانندی . او خیله تو له توجهه همه عقلی عالم پوری و نبایدی - متین دعر بولوی فلسفی شاعر هم بدغه خوا او د انسان دتریبی دباره ئی دغه طریقه خوش بوله ابی اعلی معری دا انسکلو له جه کمکی مفظور بالشردی او فساد دانسان غریزه ده .

ایسو عسین او نیمیین پهد غه گرو و دوی دا انگیر اچه دانسان په روح کی فطری شرارت شتهدی . نوددی دباره چه انسان له دی شرارته خخه وزغوری دستخو معجازات او گلکو قو اینو ضرورت دی پیشناه وائی : « چه دب نهوي هله ادب نهوي » داقاسیا نه اصول او قوانین پهارو با کی دروسو تر زمانی پوری مروج و ورسودی ظالماء نظریات او اصولو سره گلکه مجا دله و کوله خو ماتی ئی و کپه او مید انئی پر ینمود دو مره وشو له چه ددی سری پاخه نظریات دبو هو خلقو په زده و نز کی محای و نیو اوده پر خلق دده به خواشول دروسود گلکه خاق او دیخوا نیو نظریات و مدل او همه زری پخوانی خبری دزو زنی په باره کی مرد و دی شوی دروسو دنظری چو هری ماده داده چه به روزنه کی دضیعت تقادیر گون یه اک ردي دا صناعی جاری کمکیا نوته هېچ گیبه نه رسوبی او ضرری چه ردی .

دی خیله په همدی ضیعی اصوات روان و اکثره به کمکیا او دنضرنه پشا چېری ولا دو او اهاری بهئی ده ټو حر گلات سکنات دنضر لاندی ساتل اوسمد گوچه انو دضیعت سره بهئی هفوی روزل . دیاک قران سیمختی ایات پر دی دلالت کوی چه د انسان فطرت ددواوو خوا وو یعنی

د خیر او شر دیا ره مستعدی که خو لئی دخیر او کمال په اوری یانی دخیر خاو نه گر لخی او انسانی فضایل زده کوی او که شر تهئی روزی دشربه لو ری درومی دنتنی پوها نو اصول هم پر دغه اساس بنادی . دیاک قران دا آیتونه پهغور سره والی : اله نجعل له عذین و لسانا و شفین و هدیناه النجدين » و نفس و ما سواها فالهم په ټجورها و تقوها : انا هد یشه السبيل اماشا کرا واما کفو را »

کانت وائی چه کمکیان د زینیدوله زمانی نه بیاتر یوه محدود عمر پوری دادبی ژوند خپنخان نه دی معنی دا چه ده ټو دفطرت اوینی دخیر او د شر نه وزگار دی کوم خلک چه ددغی رانی په گرو دی هفوی له دی نه نسی منکریدای چه پهوده کی دد وام و خوا او استعدادسته . د کمکیا او دفطری میل په باره کی انسانی نظری ټغه خلور دی چه پورته ئی بیان وشو دله به کسار دی همه شبھی او اعتراضات چه دسر په گوند وارد بېنی په اجمالی تو گهانی بیان وشی :

دوی وائی : نه گوری خمکه چه شره یا ته سی اغیری پکی را تو که بزی دی دغه رنگه که د  
کمکیانو او شنی اه روزنی نه وز گار یا ته شو شراوفساد پکی لحای نیسی دوی دی خبری ته یام  
نه دی شوی چه که چایه خمکه کی خه و نه کرل او گتور تخم ائی پکی و نه شندل درا تو کیدو  
قابلیت خو ائی لمنجه نه خی دغه مال دزو زانو دانی چه با دئی پکی شیندی په خمکه کی  
را تو که بزی نو که باد دزو زانو ددانو په لحای د اونگو دانی پکی و شیندل خامنخا اونگی پکی  
را زرغو نه بزی

وائی کمکیان ظالم جابر دی که دوی ته مرغی یا بان کمکو ته ژوی په لاس ور سی تر  
هغه ائی کشی کاذبی خو خنی ساه و وزی د کتاب یانی شو کوی او شنی ماتوی که بیا تی په گو تو  
ور غله هر شی پری غوشوی روغ شی په کاله کی پر بزدی نه دا خبری ددی ن لیل نه شی  
کیدای چه په رشتیا سره کمکیان د شرو خواته هخه لری کمکیان دا کارونه کوی خود دی  
کارونو باعث بان شی دی .

اول خورا ویل په کاردی چه کمکیان به دی نه پوهی بزی چه مرغی یا بل کو م ژوی ،  
په مرود لو سره مری دوی تیش په دی یوه دی چه که مرغه تری هسته شو ه خی اوزی  
نو خوئی اه لاسه کپزی هفو مر ه زور پری اچوی خو په پای کی تری نه مژه شی .

او س به دا گورو چه کمکیان ول شی ماتوی ول کالی روغ نه پر بزدی ؟  
زمای خیال دی دومره خوبه هرجاته معلومه و نی چه کمکیان تش ما تو ل ور انول نه کوی  
جودول هم کا خبره داده چه و امده دیوه خاص فضری غوشتنی لامله چه غریزه تحلیل اوترا کیب  
ئی بولی اه یو خواشی ماتوی اه بان پلوه دهه شیانو په رغو اول کی بوخت وی کمکیان شی  
ماتوی خو ماتول ئی په یوه خاص غرض مبنی دی دوی شی ماتوی یا ئی ور انوی چه و گوری  
خه رازاوله خه نه جود شوی ؟ په منیخ کی ئی نور خه دی ؟ شی پوست دی که کمکیان دی  
بیر ته ئی لکه د پغوا په شان جودی شی که نه ؟

دوی دا کار دعقل په لاربونه نه نه کوی خمکه په دغه و ختو کی دوی د یو هی خاوندان نه  
دی د اجریانات دیو الها می د یوی په رف اجرا کپزی چه غرابز ئی پلو شی دی و امده  
تر هغه و خته بوری چه د هفوی د سن تقاضاده په دی فضری او غریز وی چا ر و اکیا وی په  
واقعه کی دغه د کمکی توب کارونه اواز میشتو و که خهم په عقل سره نه دی عقل نیمگه تیاوی  
بوره کوی کمکیان په کمکیتی تجربی و نه کوی خاما خا په اوى واله به ئی و کپزی .  
بله خبره چه د کمکیانو د شرات لوى دلیل ئی بولی هغه داده چه وائی دوی شی پنه

وی یائی به زوره په جرا انگو لاله بل نه اخلي یائی بیز ته نه ور کوی . ددی خبری لوى باعث

د کمکیانو یو بدل ضمیعی میل دی چه هفه ته غریزه ملکتی وايه شی دا چه مو نېټ تاسی په لوی واله دجایدا دو نو، درویو، او ذی قیمه شیانو درا غنډولو لیوا له یو پر دغه غریزه بناده . داده چه کمکیان خپل او د بل په مال کسی فرق نه کوي او هر شی چه په گوتلو ورغی اخلى ئی هر کله چه دوى دا کار د نا پوهی په وجه کوي دوى ته گرم نه شی ویلای، دینی او مدنی فوا نېټو هم دوى معاف کړي دی دا کار که هر خونا کاره کار دی دکمکیانو پکښی ګته ده اودوی ته پکنی دژوند ډېری تاجر بی حا صلبېزی که ستا سو کم ماشوم دبل وړکی نه خه شی په زوره واخیست یائی ځنۍ غلا کړ اوی تاسی په ډلاړه ورته و ایه هه مه اخله، پیرته ئی ورکړه که دوى ستا سو خبره ومنله خوبنې کنه تا سی ته سمد ستی غیرت ڈرشي چه ګوره اوس به خلک وائی چه ده خپل کمکیان په دی اموخته کړي دی چه د بل نه شی په زوره واخلي یائی ځنۍ غلا کاندی نو ډاردرشی یو کلکه خپله په منځ ورکی اوشی تری نه په زوره واخلي هفه بل ته ئی ورکاندی دغه غضب او استرداد وی په مغزوکی نو ی خبره نوی فکریدا کاندی او له دغه وخته دوى په دی ویو ھېټري چه غضب او د غلا نتیجه مجازات او فانوی عدالتو نه دی اود بندګانو دهوسائی دپاره یو ستره قوه او قاهره سلطنه چه د عدالت نظام باله شی په کارده چه ددغه راز مغا صباتو او تېریو منځه ونیسي اوحق حقدارته وروسپاری ځنۍ داوانی چه واده کېرجن خود خواه دی اودا دشارارت خاصه ده . په دی خبره کې ګرم مور او پلار دی دوى نه دی . که مینتدی پلرونې خوشی په خوشی په هره خپل کمکیان ونه ستانی نو کر، مز دور، خپل خپلواں پری ونه پنځنۍ نو دوى به ولی کېرجن خود خواه شی . مو نېټ تاسو ټول دغسی یو دماشو ما نو سره زیاته مینه ساتو دهفوی هره خبره هر کار خوند را کوي او دشا باس بارانو نه پری وروو دغه بی خایه په هره خبره ستانه د کمکیانو زد وته دا غور خوی چه بس نو که په دنیا کې دی دغه مونې یو نور خوک نه شته . هونېما ر مور او پلار او یوی روزونکو ته په کاردي چه د کمکیانو سره یو همعدنه اندازه وساتی کمکیانو سره دی مینه کوي خود پر دی نه ستانی که کوچني کوم شه کار و کر دومره دی ورته ووائی چه دغه ستا وظیفه وه خپله وظیفه دی پر لخای کړله کله کمکی پېڅله داغواړی چه دی دی وستایه شی هفه ته دی ووائی چه نه تردی لوی اوی کارونه کولای شی داهم دهفو په حق کې ستانه ده اوهم ئی همت اولد هوی ځینې وائی کمکیان حریص دی حرص دشر ارت مبني ده دا وروسته خوداڅوک نه شی ویلای چه ګنې حرمن د کمکیانو په خته کې اغږلی شوی شی دی . د کمکیانو د حرص اويه منشد کور خلق دی که دوى خپل وډو ته شی هروختی په برابره اندازه اوږه وخت ورکاندی امساك او بخل اسراف او تبدیل دکور په خلکو کې نه وي د کمکیانو سترګی مری وي حرص ډېر نه کما .

خیمنی نایوه پلر و نه کمکیانه سره بازار ته بیانی اوهر خهئی چه زده غواهی په جو بو کی  
نه راجوی اوجه په دستر خوان ورسره ناست وی دکور یخلک هریو بیل بیل له خپلی برخی  
نه همه ته خواهد ور کوی یو خو وامد پری تل ناروغه وی بل له ود کینی حریص او خیتمو شی  
په هېچ قانع کېنېزی نه مور او پلار او دکور خلقو ته بشائی چه د کمکیانو په حق کي د افراط  
نه لخان و زغوری او هغوری يه اعتدان او کرامت خلق وروزی.

بله خبره چه د کوچنیانو د شرات دلیل ئى بولى هنه داده چه واده دروغ پېر وائى د  
کوچنیانو د دروغو بیل عوامل گوشی موجبات دی يو ددی موجباتو خنه د کور د خلکو  
تیرى او جبر دی چه پروډوئى کوي دغىچه دکور خلق خپلو ماشومانو سره زياته مینه کوي  
دغىچه ھم په ودو ودو خبرو دوي رتى او وهى ئى خينى کور بانه په خپلو کي مدام په جگر و  
سره اخته وي هر د گپرى ئى شور بورته وي خو چه په بل ئى روزنه رسى نو په ماشو ماشه  
لاس پورى کي خپل فار پر هفوئ سود کاندى ددغى کور واده تىكە نل په بلا اخته په غم  
كىڭىز وي چه خبره لىخنى خوک پوشىتى له چاره رېشىتاه وائى .

کلمه ماشوم د فکر د کمزورتیا په وجه یا د نورو عصی نارو غیو له امله یه حق او باضل کی فرق نه شی راوستی . په خینو وختو کی خرافی کیسی د کمکیانو په مغزو و کی دو مره زور تاثیر غور تھوی چه هغوي ته چشم دید حقایق بشکاری زمونې د شر قیاونو کیسی په تیزه بیا د کا بل زامه مزخرفات چه توللاوسه په بشخو کی ئی اثر شته او ثابته حقایق ور ته ایسی د کمکیانو د مغزو حال بدلوی واډه له خلумی وهمی شی داربزی خرافی خبری چه ز مونې کمکیان نئی په کمکیانی او روی تر لوئی پوری د هغوي په مغزو کی پاتنه وی ممکنه ده دغه خرافات د تعلیم او د تجارت په وجه خپل تاثیر بایلی او مشاعر لحینی وزگار شی خود ننه په لاشعور کی هم هنسی پاتنی وی . کلمه بشونکی د ناراستی یا تایوهی په وجه وروشا گردا نوته علمی مطاب او اغات بشه نه وربئی یائی یه داسی پیرایو کی بیانوی چه دهغوي له یوهی د ہر اوچت وی خو چه بیا بل وخت ئی لحینی یوشتی د نا کامه د مخانه یا د ایرى قرینی نه خه جو اب ور کوی که معلم ووبل ما داسی نه دی درته ویلی روئی ستر گو ورنو تھی او وائی : تا داسی رایبوولی ود .

له دی مثالو خنجه لېزه چېر دا جو ته شوه چه کمکیان مفظور بالشرنه دی دشارار وح به کېي  
نا یوهه میندی پلرونه ناویده بنوونکي ور یو کېي .

د کمکیا نو ذهن د صافی دهی یه شان دی چه هر راز نخشه قبلوی که د کمکیا نو فضری استعداد ات او قابلیتونه بشه وروزل شی شده مزوونه لخپنی یه عمل رامحی او که مهمانی باته شولمه پهمل

خان و رخچنی جو زینتی چه د هیواد د تبر درد پری نه دوا کشیده ، ددینا نور و خلقو له روزنی خنخه هبری گتی اخیستی او دزوند ضروری اولابدی چاری ئی گنی . هفه اوى ملتونه چه د ترقی په لور روان دی او نپری - ئی په صنعتی ، سیاسی او عسکری قوتونو مسخره کپی ده ټول در وزنی په بر کست دی .

په روزنامه کې یوه ضروری خبره د کمکیانو د فطری خوشی لحظه ساتل دی لکه چه په تجربه سره معلومه شوی ده واده له کمکیانی یوه خاص کسب او خاص عمل ته مايل وی نو که کمکیان یېر هفه خپل فطری میل او فطری استعداد و یاله شی زینته هبره گتیه کمکی ته ورخنی رسی او کچیری - دوی د فطری خوشی لحظه ساتل شو هفه چه مور او یلار ور ته ټاک کی اول خوئی نېنه نه زده کوی چه بیان ئی زده کماندی د هفو خپل قابلیتونه چه بشائی هفوی دی د نبوغ وحدتہ ورسوی ضایع لامشی په متفرقی مملکتو کې ددی خبری زیات احاظه شته دی ددی خبری زده کړه چه واده یېر کمه خواهیاں دی خه هبر ګران کار نه دی په اړه توجه دا خبره هر چا ته زده کېنې چه واده د کوم کار شوق من دی اوڅه قسم کسب ته تیار دی هر کله چه واده مو خپلو لو یو ته خوشی شول ورشی له ورایه ئی مراقب او سی و ګوری دوی په خه کار بو خت دی کوم شی جو مدوی دجا پینې کوی په دی هم سپری تبر نه وزی نوکه چه واده دهه چا دهه کېنې پینې کوی کله تر کان شی کله پین کله معلم په دی تقلیدی لو بو کې هفه اوبه چه مدا م پری بو خت وی او تل دهه کار سا مان راغنه وی د کمکی فطری علاقه دهه کار سره شکاره کوی که هفه کار کوم فنی کا روی لکھر سرم نقا شی یا نور نفیسه چاری او د کور خلات دی له کمکیانی په هفه کار مشغول کا ندی غالبه دا ده چه کمکی به په هفه فن کې دنبوغ و درجی ته ور سی . دروزنی اساسی تکی بل دادی چه کمکیان بشائی پخپله تجربې و کا ندی له هماغه کمکیانی د دنیا تا و ده ساړه سختی اسانی ووینی او هر راز مشکلا تو ته ور مخا مخ شی دا ترخي تجربې د کمکی پو هه ، شخصیت کامنوي او دی پوخ تجربه کار انسان کا ندی او که بدی . مرغی دغه ماشو مان نا زولی اوى شی په هر کار کې ور سره لویان مرستی وی په لوی وا له هم بی د بل دمرستی هېڅ کار کو لای نه شی که کمه حاده پری راغله لودن تری ورک وی نه پوهنې یه کو هه و تیتنی .

دلته یو بل سوال وار د هنې یه چه بنه نو یواخی هملکان روزل غواصی که جونی هم وروزلى شي ؟ بیا دنرا و د سنجی په استعداد او کې خه فرق شته که نه ؟ دا یوه ضروری خبره ده او بشائی میندی پلر ونه ، روزونکی پری وبو هنې یه دی باړه کې د سفر اط او د افلاطون را یه

## دھرات ولایت

نائب الحکومه	:	و، ج عبدالله خان
مستوفى	:	ع، ص سيد کمال خان
دامنېي قوماندان	:	ح، عبد القادر خان
دھارفعي دمھڪمي قاضي	:	ف، احمد علیخان
دمعارف رئيس	:	ع، ص عبدالرحيم خان
دگمرك رئيس	:	«، حاجى محمد عظيم خان
دخارجه چارو مدیر	:	ص، محمد اشرف خان
دصحیبی	:	«، سيد سلطانخان
دتحریر اتو	:	«، عبد القدير خان
دکرهنې	:	«، محمد زمانخان
داحصاًبی	:	«، عبدالظاهر خان
« دټپيش	:	«، فيض محمد خان
دحمل ونقل	:	«، غلام حضرت خان
دفوائىد عامى د مدیر كسفيل	:	«، عبدالرحيم خان
دعایداتو د مالىي مدیر	:	«، حبيب الله خان
دمخابراتو	:	«، امير محمد خان
داطاڭ تجارت رئيس	:	ع، سيد محمد خان
دتجارتى دمناز عاتو د فیصلی رئيس	:	«، عبد القادر خان
دنشريياتو مدیر	:	ص، مير غلام محمد خان
دکورسو	:	«، عبدالمنان خان
داستخباراتو مامور	:	«، ملا گل خان

## دمنار شريف ولایت

نائب الحکومه	:	و، ج گل احمد خان
مستوفى	:	ع، ص عبدالكريم خان
دامنېي قرماندان	:	ح، سيد کمال خان
دحدود دوزاندارمى د قوماندان كفیل	:	«، باز محمد خان
دھارفعي دمھڪمي قاضي	:	ف، عبدالرحمون خان



زمونتی گران او معظم تولواک اعلیحضرت همایونی محمدظاهر شاه دا افغانستان معارف یا لوشکی او وطن روزونشکی پادشاه  
Sa Majesté Mohammed Zaher Chah roi d'Afghanistan



## دافتار نستان پادشاه

دافتار نستان معظلم شهريار اوزامي تولواك اخليحضرت محمد ظاهر شاه خالد الله عاصمه کله و امثال آنها عمره دو داهه دی چه همایونی ذاتي سبز کمال دخبل شریف روندبه (۲۱) مرحله کپی پنهان زديه همایونی ذات ده ۱۲۹۳ هجری کمال ده بزان په ۲۲ به کابل کپي زينه يدل دي .

وروسته دده سن دتعلیم مقتصی شو تو یه مقدمه اني او منځنېو مکتب او بالآخر نې تحیل تحصیلات کابل په عالي مکتبو کپي پايه ورسول آله چه دده فقید او شهید پلار اعليحضرت محمد نادر شاه کبیر دافتار نستان یه سفارت یاریس ته ولاړ همایونی ذات هم دهه فقید شهر یار سره دمهه و تحصیلاتو دباره فرائس ته تشریف فرمادو، فرانسوی زې او عالي علموو تھصلیتني ده فهم مملکت یه مختلفو رشنو او عالي مکتبو او یوهو کوریو کپي پايه ورساوه - او دو هن دداخلی مسائلو یه شاؤخوا ټېجي نې خصوصي روزه له تحیل بزر گوار پلار شه وشه او ملي اخلاقی او دو هن په سبب نې دلازمه مطالو ادرال او خصائص هم نهه نومالي پلاره خجه زده کړه .

دافتار نستان دلوي شورش پېږښي وروسته (چه دهه نجات دهه همایونی ذات دشہيد پلار په سعی پالونکي لاس خر ګند شو ) زالمي اعليحضرت چه یه هنه مملکت کپي و دده تعليمات پايه ته رسیدلی او دو طعن دخدمت دیزره ده دهوده ۱۳۰۹ شمسي کمال ده بزان په ۲۰ کابل ته تشریف فرمادو، محض دهه عشق یه اتر چه دافتار نستان دعسکري عالم سره نې دراود او د بزر گوار پلار دفعه دهه او یه تعقب د کا بل دنظامي عالي تعليم ګاه یه عسکري خانګه کپي شامل شو، یه ۱۳۱۰ شمسي کل نې دا لامه صردار احمد شاه خان ده بار وزير دشہيد اعليحضرت دا کازو، د معظمي لور سره ازدواج و فرماده او دهه دهه کمال یه آخر کپي خوموده دهرب دجلبه وزارت به و کالات او پا د معارف د وزارت به و کالات مؤلفه و .

یه دهه دهه دوزارتو کپي دهه همایونی ذات فطری استعداد او ذاتي فابلیت دو خیف دا هزا کوا او هتي اداري له رویه به خر ګند شو .  
یه ۱۳۱۲ کمال یعنی دشیبه شهر یار ترشیلات وروسته دعقرب به ۱۶ دهه دلوي و کپلاني او تلو عسکري او ګشوری افرادو یه څوسته او اتفاق دافتار نستان پاچا شو، سبز کمال ده دهه شهر یار دجلوس (۱۲) کمال دي .

### دهه همایونی اعليحضرت او لاد :

- ۱- شهرزاده پیکم ینقیس ، دزېږیدو آنې دحمل ۲۸ سنه ۱۳۱۱ ش
- ۲- والا حضرت شهرزاده احمد شاه خان ، د دستیلی ۱۳۱۳ ۲۱
- ۳- شهرزاده پیکم هريم ، د دعقرب ۱۰ ۱۳۱۵
- ۴- والا حضرت شهرزاده محمد ناصر خان ، د دجوza ۳ ۱۳۲۰

دا ده چه دنرا و د بندی به عقلی ملکات او استعداداتو کی خه زیان توریز نشته نو چه که هفوی  
د بندخواونارینه و د تعليم او روزنی دپاره مخصوصه ضریقه نهده تا کمی ارسصولدوی درایی مخالفه  
رایه درلو ده او ددواه و اجنا سو په قابلتو نو کی دلوی فرق قایل و دی وائی نارینه تر  
بندخوا غبتلی او د گرا نو کار و نو لو بو مشکلا تو دپاره زنا شری دی بندی ناز کی  
ضعیفی دی ددوی کار زبندید تاک دکتر چاری دو دو پلی اسی دی نو خامخا د گرا نو  
کارو نو دپاره چه دنارینه تر خا ده دی لوی او پراخه عقل پر اخ تعامل په کار دی .  
د نمیوره زونکی دارا یهده چه نر او بندی تراوه کلنه یو رسی په استعدادات او قابلتو نو کی  
سره ورته دی له دغی زمانی به په ورو سنه دجو نو او دهدکانز عنلی استقامت بد اپنې  
خو چه مناهقت ته سره نزدی شول جنی په وده کی تر هنک گپه نمی کېنې او په هنی کی  
د بندخوا الى علام پېکاره شی په دغه وختکی جونی دلوست دپاره زیات چمتو نه دی او  
کچپری دوی دپر اخه تعليم دپاره امی شی هر گو ره عصبي نا رو غیوته ورخرمه کېنې  
جو فی تر هنچه پوری وده کوی چه بالغ شی خود بلوغ دزماني نه ورو سنه نه جسم آنه عقللا وده نکوی  
هر خه هدکانان چهدی سو که سو که لوئنې او دلوئید وسره ئی ما فرمەم وده کوی عقل ئی  
زیاتیزی دمازرو دزیات والی په باره کی خینی وائی چه په نارینه کی ترڅو یېشت کلنه وده کاندی او  
ورو سنه پسی پیا پیر ته کمېنې او خینی دا وائی چه که ماغره پکاریه او بیده تر آخر د عمره وده او زیادت کا .  
خرنگه چه یو ها نو معلومه کړی ده دنارینه ما غزه په متواسط دول ۱۰۰٪ تر بندخوا  
درا نده او زیات دی . هر که چه د دادو اجناسو په استعدا دا تو کی فرق دی نو پناهی  
چه دهريو دپاره بیل تعليمی پرو ګرام وقا کل شی نران دسختو او ګرا نو کار و فو  
دپاره رد چمتو شی او بندی دی مو رینی دکور کاره شی دکور کاره زیاتیه د بندخوا مخصوصی  
چاری بلیلی شی تر په شی ددی مقا می لو ستو نکی شنائی په مادی دا اعتراض و کاندی  
چه و گو ره دارو پا بندی دا کېنې کوی د مکتبو نو پرو فیسر انبی دی په خینی سیا سو  
کارو نو کی بوختی وی او س په دغه جنگ کی ئی وسله را خیسه ورسره اویزه په اوژد و جنگید ل  
الو نکی به بندخوا پور ته کولی دا خوده چه د جنگ کی زما نو کی بندی هم پیکار لوئنې دا  
صرف د وقت ضرورت په وجه دی زمو نسبت پېښتی هم دملی جگړ و په زما نو کی تو ری  
کړی دی لیکن دهمیشه دپاره دوی دی کاره تیاره دی نو که دوی په دی کار و نو  
اجنه شی ددوی خپلی چاری پا ته کېنې او داچه دوی دا کېنې پرو فیسری او دسیا ست غټه  
چاری په لاس کی اخلى دانو تو لی بندی ئی نه کوی خینی خینی دشواز په حیث ددی  
کار و نو دپاره حاضر یېزی ممکنه دمهه ورو سنتیو زمانو کی دا سی وسایل لاس ته راوستنل  
شی چه اه بندخوا نه بید و د نارینه کار واخیسته شی (پایا)

# نظریات فروئید بصورت علمومی

عرض مرام : نظر بد غوتنی که از طرف زیاست پیشتو آوانه را جع بتوشن یک مقاله طبی و اجتماعی از من بعمل آمد - خواستم تا راجع به مهمنت این کشفیات عصی عصر حاضر در ساحة روحیات یکنچه تمهد مختصری نوشته و تجارت خودم را این که در این ساحه بحیث یکنچه طبیب روحی لعوبه ام تحریر و برای استفاده هموطنان غزیر و گرامی خود عرضه نمایم اما باید عرض کنم که این مقاله مختصر را میتوان صرف یکنچه تمهدی بر نظریات عمومی فروئید شناخت . با احترام  
دوکتور محمودی  
متخصص امراض روحی و عصبی

۱۰۵

بزرگترین کشفیات این عالم شهری عبارت از تحلیل روحی (Psycho Analysis) بود و دکتور (Brill) از بزرگترین کشفیات معاصر خواهد و فروئید را بازی های پر کی مانند دارون ، (Stinoza) نیوتن (و هایشتین) هم ردیف قرار می دهد - تحلیل روحی به تنها امروز در طبابت استخدام شده و خدمات شایانی هی نماید بلکه در تربیه اطفال در مکاتب ، برای تعلیم مادرها ، روحیات ، اجتماعیات و انسان شناسی (Anthropotology) هم استفاده های بزرگی پیر ماده برای اینکه مانع تحلیل روحی و سبب تو اید آزا خوب بدانیم لازم است در ح مختصری در این باره عرض کنیم ، فروئید از فراغ دارا لفون در گلینک (شارکوت) عالم مشهور طبابت روحی مشغول کار شده و مطالعات و مشاهداتش در اینجا خیلی از اثرات عمیقی بر روی نمود فروئید از شارکوت آموخت که باصول (هیپنوتیزم) هم اعراض هستی رفع شده و هم اعراض جدیدی میتوان تو اید کرد - و هم فهمید که هستی شر مردان بیز تو اید شده میتواند ، بعد ها از (لی بولت) و (بن هایم) که بسکتب (نانسی) مربوط



باخالی دکتور محمودی

بودند حقایق دیگری را آموخت که در رفع اعراض اختناق رحم تنها تلقین (Svigg estioiv) هم مانند تلقین در حال (هیپنوتیزم) مؤثر و مفید است، در اوائل فروئید در تداوی مر یضان تنها از تطبیقات بر قی و (هیپنوتیزم) کار گرفته ولی بعد ها مشا مده نمود که تطبیقات بر قی در نوروز ها بکلی خیالی و بی مفاد بوده و صرف نتایج خوبی در بعض وقایع از اصول (هیپنوتیزم) بدست می آورد - اما چندی بعد در اثر مشاهدات و تطبیقات مکرره ، دید که نه تنها نمیتوان در بعضی وقایع (هیپنوتیزم) تواند نمود بلکه آنها بسیکه باین اصول تداوی هم شده اند دائما مصون نماند بلکه مرض دوباره عودت می کند ، در اثر این ناکامی ها فروئید بزودی اصول (هیپنوتیزم) را ترک که داده و اصولی را که بنام تحلیل روحی (Dsychoanalysis) مشهور است بدنیا عرضه نمود - خودش در این باره چنین اظهار می کند « نباید قیمت (هیپنوتیزم) را در تاریخ اصول تحلیل روحی کمتر تخدین نمائیم ، چه هم در نظریات و هم در تداوی این اصول جدیده جانشین اصول هیپنوتیزم است » -

برای اینکه خوب تر صورت ارتقا و تولید این اصول را بدانیم باید حیات چند سال اولتر فروئید را مطالعه نمائیم - در حالیکه فروئید درباره اتوار (بروک) کار مینمود وی بادکنک (حجر زف بروور) طرح رفاقت افگنند ، با آنکه (بروور) نسبت بفروئید (۱۴) سال بزرگتر بود ولی بزودی باهم دوست شده و نظریات و عقاید خویش را باهم اظهار می نمودند این شخص چون دلچسپی فروئید را در امراض روحی و عصبی مشاهده نمود پس حکایه یک واقعه بسیار دلچسپی را که خودش در سالهای (۱۸۸۰ - ۱۸۸۲) با اصول هیپنوتیزم تداوی نموده بود بوی گفت ، و چون این واقعه در تولید اصول تحلیل روحی خیلی دارای اهمیت است ذکر آن در اینجا مناسب است . میریض مربوطه عبارت از یکی دختر جوانی بوده که دارای تعلیم و قابلیت عالی بوده و در هنگامی که به پرستاری پدر خویش مشغول بود میریض شده بود ، و با پدر خویش خیلی مربوطی داشت دوکن (بروور) بیان می کند که در وقتی که دختر مذکور را بعنوان میریض قبول نمود ، وی مبتلای یک فلنج مختلف الشکل توأم با قاعیت ها بوده ، (Qnhiblition) داشت و تشویش روحی داشت - در اثر یک مشاهده اتفاقی (بروور) کشف کرد که اگر دختر جوان مذکور تاثیری را که موجب تولید اعراض مذکوره گردیده است بالفاظ - اظهار نماید میتوان اورا از چنگال اعراض مذکوره نجات داد - برای این کار (بروور) دختر مذکوره را بخواب مقناتیسی انداخته و اورا وادر ساخت که عاملی را که در آنوقت اورا با نحاط دچار ساخته بود اظهار کند و باین اصول ساده آن دختر را از شر تمام اعراض مذکوره نجات داد - اهمیت این واقعه در این جامضمر است که دختر مذکوره در حال بیداری قطعاً از منشاء اعراض مرضی خود بی خبر بوده ولی همینکه بخواب مقناتیسی دچار شد رابطه بین این اعراض مرضی و تجارب

# کاغذه و سرمه په کاغذ سنه مول شس هارشه بیما به وابه سلاهونه

نظریات فروئید بصورت تکمیلی

وحوادث گذشته خود را کشف نمود تمام عوارض مرضیه او بتجارب وحوادث زمانی که پدر خود را پیرستاری می نمود مربوط بود ، بر علاوه اعراض مذکوره گذشته و بی معنی نبوده بلکه مر بوط بتجارب مشتبه بودند که در آن موقعیت پرهیجان رخ داده بودند - ولی بعد ها مریض بکلی آنها را فراموش کرده بود - یک وصف مشترکه تمام اعراض مذکوره این بود که آینهای در حالی تولید شده بودند که در آنوقت اضطرار اجرای کار مسبوق بود زیرا عوامل دیگر آنرا به ترک (Sutression) مجبور می ساختند - اعراض در حقیقت در عوض کار اجرا نشده ظهور نموده بودند - بعبارت دیگر اعراض مذکوره در نتیجه یک منظره رضی (Traumatism) تولید نشده بلکه در اثر یک مجموعه عوامل مذکوره بوجود آمده اند - اگر مریض در حال خواب مقناطیسی کاری را با خیال حس بیاد آورد که وی در ماضی ترک (Sut reession) نموده بود اکنون آنرا در تحت آزادی خواب مقناطیسی اظهار نمود پس در نتیجه اعراض رفع شده و دوباره عودت نمی نمودند - این امر واضح بود که عوامل موجه تولید اعراض در این واقعه مانند عوامل رضی بودند که (شار کوت) در واقعیت عملی خویش آنرا ذکر نموده بود - چیزی که بسیار قابل دقت است همین است که عوامل مرض مذکوره با احساسات مخل روحیه شان کاملاً فراموش مریض شده بود بطوريکه گویا بکلی وقوع نیافته اند - در حالیکه نتیجه شان یعنی اعراض مرضیه بدون تغیر ادامه داشت - گویا «برور» در حقیقت این کشف مهم و اساسی را که بر روی آن شالوده اصول تحلیل روحی ریخته شده است درک نموده ولی به نشر آن نپرداخت اما اخیراً در اثر اصرار فروئید بصورت مجموعی افسکار خود را مشترک راجح به هسترنی نشر ولی نظر بشوری که در مجتمع عمومی و طبی افکند ، «برور» نظر بعلو مقام خود بحیث یک دوکتور طب و فامیلی پازد ساخته فعالیت کشیده و باینصورت افتخار این کشف مهم و تاریخی نصب فروئید شد - ولی این عالم شهیر در هر موقع از «برور» خیلی با احترام ذکر میکند - این دو عالم در اثر تدقیقات خود کشف نمودند که اولاً هسترنی یک مرض زمان ماضی بوده و طوری که بعد ها فروئید اظهار نمود اعراض هسترنی عبارت از یادگار یک قسم حوادث و واقعیت زمان ماضی حیات مریض است که نظر بنا خوش آیندیش فراموش گشته است - ولی مریض مفهوم این یادگار را نداشته و صرف با اعراض مرضیه مجادله میکند این نظریه برای اولین بار در بین حالات شعوری و غیرشعوری (Uncolous,scelous) تقریق نمود که بعد ها توسط فروئید اعظام و تشریح شده و علم روحی تحت الشعور را بوجود آورد - که اینک ما در اینجا بشرح آن می پردازیم فروئید عقیده دارد که در تو لید اعراض هسترنی ایه مهترین میخانه که بران عوامل دیگر اتفکاء دارند عبارت از عملیه انحطاط (Repression) است - این عملیه عبارت از یک عامل دینامیک غیرشعوری و یا تحت الشعوری

روحی است که وظیفه آن دور داشتن او امری است از دماغ و شعور شخصی که غیر قابل تحمل بوده و یا باسویه اجتماعی شخص مداخله نموده و یا به اخلاق شخصی او دست زده و یا به تقدیر و تحسین بلند شخصی او مداخله مینما ینه گویا ماده فراموش شده یک امر درد ناک یک چیز ناخوش آیند و یا یک چیز مخوف و یا طرف نفرت شخصیت (Ego) بوده ولذا شخص نیخو اهد شعور آزار آن تفکر نماید - باسas این نظریه وظیفه طبیب درین تحلیل روحی عبارت از ظاهر این افکار و منشاء شان درساخته شعوری است - در اولین فروئید بریضان امر می نمود که تمام تصورات شعوری را ترک گفته و خودرا یک حال بسیط واسترخاء روحی آورده و هر چه بخاطر دارند بگویند بدون اینکه باهمیت و عدم اهمیت آن فکر نمایند با بصورت بالاخره فروئید قادر شد که اشتراکات مجرد (Free associations) را بدست آورده و بعد از اعراض مرضیه بی برد - ولی همینکه فروئید این اصول را تنبیه نمود ، مشاهده کرد که این اصول طور یکه در اول امر قیاس می نمود آنقدر بسیط نبوده و کذا اشتراکات مجرد هم در حقیقت مجرد و آزاد (FREE) نیستند بلکه آنها هم توسط مرآکثر تحت الشعوری اداره شده ولذا محتاج تجزیه و تحلیل و تعبیر نیستند - فلندا فروئید اصول جدیده را که در تداوی اعراض هسترنیائی استخدام مینمود بنام تحلیل روحی (ساکوanalyses) موسوم کرد - ولی اصول اولیه که آنرا سهل روحی (Mental catharsis) می نامیدند هم در اصول جدیده بعنوان یک نوء اساسی حفظ گردید در طی استخدام این اصول و مطالعه اشتراکات مجرد فروئید راجع بروی قوای روحیه بشر معلومات بزرگی بدست آورد و مسئله مهی را که بریضان چگونه آنمه تجارب داخلی و خارجی را فراموش نموده و چگونه در اشای خواب مقناتیسی هم را بخاطر می آورند حل کرده و دانست که باصول اولیه و اشتراکات مجرد نمیتوان آنها را بساخته شعوری تجلی داد گویا طوری که قبل از کشیدن ماده فراموش شده یک امر درد ناک ، ناخوش آیند و یا کدام چیز مخوف و قابل نفرت شخصیت را بیاد داده ولذا شخص شعوراً آرزو ندارد که آنها را بخاطر بیاورد و گویا شخص شعوراً در مقابل ظاهر مواد مذکوره یک مقاومت (Resistance) بخراج میدهد پس طبیب هرگاه خواسته باشد این مواد فراموش شده را بساخته شعوری بتجلى آورد باید بر مقاومت (Rizistanس) بریض غلبه جوید که مواد مذکوره را دچار انحطاط (ری پرشن) ساخته و از ظاهر او درساخته شعوریه مانع گشته اند - از روی بیانات سالفه ثابت شد که (نوروزها) در اثر مجادله دو قوه (Riyana Mizzam) تشکل میکشد که عبارت از اضطرار (Qmtulse) و مقاومت بریض (Rizistanس) میباشند ولی در اشای این مجادله بین دو قوه شخصیت (Ego) از اضطرار منفوره دوری می جوید در اثر این دوری و خارج شدن شخصیت از ساخته مجادله ، در نتیجه اضطرار

منفورة از نیل بسا حه شعوری باز مانده و کدا راه افراغ حر کی آن نیز مسدود میشود ولی باز هم قدرت اضطراری خود را حفظ میکند.

این عملیه تحت الشعوری حقیقتاً عبارت از یک میخانیکیت مدافعتی بوده و میتوان این را بسیعی فر از از یک چیز مخفوف مقایسه نمود ولی برای اینکه شخصیت ازوصول این اضطرار منفورة بساحة شعوری مانع آید فلذای باید در مقابل این اضطرار منحصره که برای تظاهر خودمیکوشند مجادله نماید. لکن با تمام جهد و سعی مبذول شخصیت اکثراً این اضطرار را منفور و ناخوش آیند توسط یک راه تصادفی یکی مخرج پیدا و با بصورت آرزوی انجطا ط (ری پرشن) را ضعیف میگرداند. پس قدرت اضطراری منحصره با بصورت توسط این مسیر غیر مستقیم یکی عضو و یا قسمت عضویت تمرکز نموده و این تمرکز اعراض مرضیه را تو لید میکند. همینکه این اعراض مرضیه تاسیس نمودند مریض برعلیه آنها بمجادله شروع میکند، همچنان که برعلیه اضطرار منحصره بدائی مجادله نمینمود. برای اینکه این میخانیکیت را تصور کنیم باید واقعه هستربیانی یکی زن جوان را شرح دهیم: - این زن جوان برای چند ماه تو سط یکی مرد جوان دلداری میشده و این جوان عشق شدید خود را بوسی اظهار مینمود. - روزی جوان یکی حمله ناکام تناسلی برزن نموده و بعد ازان غایب شده و او را در یکی حال انجطا ط عمیقی گذاشت. - این زن جوان نمی توانست بمادر خود اظهار درد کند زیرا مادرش از او ایل نیخواست که باری با این جوان مراوده داشته باشد فروتنید میگویند که من سه سال بعد زن مذکوره را یکی حالیکه مبتلای اعراض عدیده هستربیانی بود مشاهده نمود این حملات شکل صرعی داشته و دو نیم سال دوام نموده بودند. - با تحلیل روحی تعین شد که حملات مذکوره عیناً تمثیل همان حمله تناسلی ناکام را تصویر می نمودند. - تماًم تفاصل صیل این حملات صرعی الشکل - هر حرکت و هراداء - عیناً عبارت از یک انعکاس همان حمله تناسلی بود که مریض آنرا بصورت غیر شعوری دو باره تکرار می نمود. - اعراض ساکن نیز به معامله عشق او مربوط بودند.

اگر ما قدمات مختلفه این معامله عشقی را بخاطر بگیریم تمام واقعه این مرض بزو دی ظاهر میشود. - زن جوان دارای صحبت کامل بوده و از نقطه نظر حیاتی برای زن شدن آماده بوده و شعور اولیه تناسلی او برای تعلمین جهد مینمود شعورآوی از عشق تنها بمفهوم جدید آن فکر میکند که در آن عناصر فزیکی دخلی ندارند. - کدا شعور آجوان در طبقه متوسط شامل بوده و یک محیط دینی داشت، تظاهر فعالیت تناسلی برای او ناممکن بود لیکن در ماوراء همه اینها اضطرارات تناسلی برای مادر شدن فعالیت شدیدی داشتند این زن صمیماً با جوان عشق داشته ولی طبعاً از این عشق، عروسی را آرزو داشته و تمام آمال

ا و در این نقطه تعریف می نمود - مواجه آنی او با عناصر فریبکی تنا سلی در ضعیر او یک اثر مخفوفی گذاشت - از یک طرف این زن شعوراً بشدت حمله فیزیکی عاشق خود را بدیده و از طرف دیگر بلا شعور حقیقت باشتباق آن بود - برای هفته های بعد این زن همه تخیلات عملیه مذکوره را در دماغ خود احیاء کرده و حتی گاهی فکر میکرد که در مقابله جوان خود را تسليم نموده است - ولی این مفکروره فوراً تردید شد و با حس نفرت و ملامت معاوضه می شد بالاخره زن مذکوره معامله عشقی را که چند ماه قبل از حمله مذکور جریان داشت از دست داده است چون زن مذکوره نمیتوانست بار این افکار را در نزد کسی از دوش یینگند فلاندا بشدت چهدم نمود تا همه را فراموش نموده و ظاهر اکامیا بشد ولی چند هفته بعد زن مذکوره اعراض مرض نشان داده و حملات مذکوره را که بنام حملات صر عوی الشکل هستری موسوم شده بود نشان میداد - این اعراض تمثال ویا درا م مجا دله بود که درین شخصیت اولیه و شخصیت اخلاقی (Ethical) او بحصول آمده و قرار افاده نزدیک اعراض مذکوره در اثر مجادله شهوت (Id) با شخصیت (Ego) بوجود آمده است برای وضاحت باید عناصر جهاز روحی را کمی شرح دهیم : - نظر بفارمول فروئید ، طفل با خود بد نیاییک روحیت غیر متعضی برآگنده می آرد که آن را (Id) نامند که غالباً به کلی آن تأمین تمام احتیاجات ، رفع گرسنه گی حما یه شخصیت و عشق و حفظ نسل است - ولی همینکه طفل بزرگتر می شود آن فسمت (Id) که با محیط تماس پیدا میکند تو سطح حواس خود حقیقت مرئی دنیای خارجی را تعلیم گرفته و بشکلی تعديل میشود که ( فروئید ) آنرا شخصیت (EGO) نام داده است -

این (Ego) که مالک ادرات محیط بوده است چهد میکند که تمايلات بی فا نون شهوت (Id) را در حالیکه عدم توافق نشان دهنده در تحت اداره و جلو آورد - عباره دیگر هنگامیکه تمايلات (Id) با شرائطی اجتماعی و مذهبی و محیطی شخصیت عدم توافق نشان داده و بشخصیت او صدمه اجتماعی وارد نمایندپس (Ego) در ساحة تظاهر و چهد میکند که این تمايلات را در تحت اداره و نظم آورد - فلاندا طوریکه در اینجا مشاهده مینماییم ( نوروز ) عبارت از مجادله (Id) و (Ego) است شخصیت چون از قوای تهذیب مذهب و اخلاق و افاف است انسکار میکند که به اضطرارات قوی تنا سلی که از (Id) بی فا نون مشاهد میگیرند یک راه افراغ حرکی بدهد - ولذا آنها را از نیل به غالیه و هدفی که دارند مانع می آید - گویا شخصیت خود را در مقابل این اضطرارات با انتظام (Repression) آنها حفاظت میکند - زن جوان متذکر هم ظاهرآ تمام حکایه واقعه را فراموش کرده بود - بدون خلدادمه می یافت آن زن هم با صحت کامل زیست میکرد - لیکن ماده منحطه بر علیه

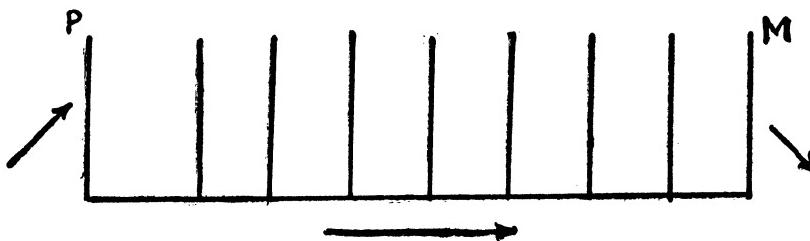
این قسمت و تقدیر مجادله نموده و اخیراً بعنوان یک شکل معاو ضوی آزراهائیکه شخصیت بران کنترول ندارد مگر جی تحصیل و بعنوان اعراض مرض خود را بر شخصیت تحمل مینمایند - درنتیجه این عملیه (Ego) خود را کم و یا بیش مغلوب یافته وقدرت خود را امور دهد و خطر دیده ولنا طوریکه بر علیه اضطرارات اولیه (Id) خود را دفاع می نمود بر علیه این اعراض مرضی هم بمجادله شروع میکند .

تمام این عملیه تصویر نوروزهارا تشکیل میکند که اینها عبارت از هسترنی - (Hysterie) و (اختناق رحم حنجری) و نوروزهای اضطراری (کمپشن نوروز) میباشد و اینها نوروزهای انتقالی (Transference) هم نامند ولی نوروزهای عشق بنفسه (نرسی سستیک) و انحطاطات مالخو لیائی و (پسی کوزها) و (شیزوفرینی) و حالات پارا نوئید و پارا نویای حقیقی در جمله مذکوره شامل نبوده و در اینجا میخانیکیت مرضی چیزی دیگری است . در پسی کوزها مرضی در اثر مجادله (Ego) با محیط خارجی تحصل میکند ولی نوروزهای (نرسی سستیک) در اثر مجادله (Ego) با (سوپرا گو) بحصول می آیند - زیرا طوریکه (شخصیت) عبارت از یک قسمت تعدیل شده (Id) است که با محیط خارجی تماس پیدا کرده است همچنان (سوپرا گو) عبارت از آن قسمت تعدیل شده (شخصیت) است که در اثر تجارب مکتبه از والدین مخصوصاً از پدر تشکیل یافته است - (سوپرا گو) عبارت از بلند ترین ارتقاء روحی است که بشر به آن رسیده میتواند و مرکب از ترسب تمام قوانین منهیه و اخلاقیه و تمام اصولات اخلاقی است که توسط والدین و جانشین آنها بر اولاد تحمل میشوند نظر به بیاناتیکه در اینجا راجع به میخانیکیت نوروزها داده شد ولو مؤجز وغیر کافی هم باشند میتواند شخص رول مهم عامل غیر شعوری و یا تحت الشعوری را که فروئید به آن قایل است درک کند - اصول تحلیل روحی را عاد لانه روحیات اعمق خوانده اند زیرا این اصول بر رول تحت الشعور رخیلی قایل اهمیت است - فروئید الفاظ (Consciousness) و Dre-consc و Fore-consc و Un-consc و یا

را مانند سایر مؤلفین ، فیلسوفان و روحيون بی مورد وواسع استعمال نسکرده و بلکه هر کدام را دریک مورد معین و معلوم ذکر مینماید ، بعقیده (فروئید) شعور (کانس شس) صرف عبارت از یک عضو تصور است - و شخصی دریک وقت معلومه ازان عملیه های دماغی باخبر و یامشعر (کانس شس) میباشد که وی را دریک آن بخود مشغول دارند - برخلاف این تحت الشعور (آن کانس شس) بکلی مجھول بوده و نمیتوان بصورت ارادی آنرا بخاطر آورد - هیچکس نمیتواند بصورت ارادی چیزی را از تحت الشعور خود بخاطر بیاورد تا اینکه در تحت خواب مقناطیسی قرار نگیرد و یا با اصول تحلیل روحی آنرا برای او تعبیر نمائیم - درین شعور

وتحت الشعور (فور کانس شن) و یا (پری کانس شن) موجود است که از مواد حفظ شده آن شخص بی خبر بوده ولی بعض‌آ باجهد می‌توان آنها را بخارط آورد.

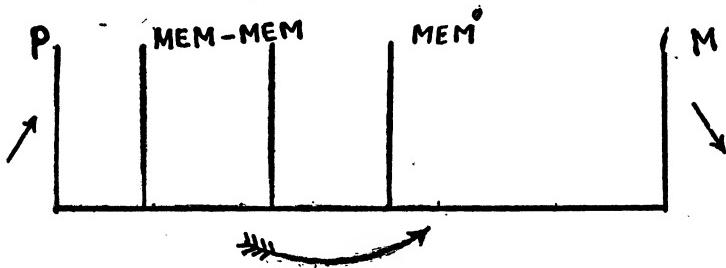
شالوده این ساختمان شعور، (فور کانس شن) وتحت الشعور حقیقی با ساس این اقدام فروئید ریخته شده است که فروئید چهارزوحی را مرکب از یک سلسله قواه و یا (سیستم) های مختلفه می‌داند گویا قرار عقیده فروئید چهارزوحی عبارت از یک آله مرکبی است که اجزاء و یا سلسله های ترکیبی آنرا (Instanse) و یا سلسله و یا جهاز (سیستم) می‌خواند - ما باید فرض کنیم که این (سیستم) باهم دیگر یک اتجاه مکانی دارند - عیناً همان نظروریکه سلسله های مختلفه عدسه‌های یک (تیلسکوب) باهم داشته‌اند - اما بطور قطع هیچ لزو می‌نماید که برای سلسله روحی یک اتجاه مکانی هم فرض نمائیم برای غایه ما کافی است اگریک توالت معین تاسیس شده و در اثر تنبه یک انتظام معلومه را اخذ کند طبعاً در حوادث مختلفه انتظام معلومه مذکوره مختلف خواهد بود - برای ایجاد بعداز این ماز اجزاء مختلفه این جهاز بنام (y-sys Tem) صحبت خواهیم نمود . اولین امریکه مابه آن بر می‌خوریم این است که جهاز یکه از (وی - سیستم) مرکب است دارای یک جهت (Direction) می‌باشد - همه فعلیت‌های روحیه ما از منهای (Stimli) داخلی و یا خارجی منشاء گرفته و تعصیب‌های معلومه خاتمه می‌یابند - بعبارت دیگر منشاء فعلیت‌های روحیه منهای و مخرج وختام آن مسیر اعصاب است فلذا جهاز مذکور فرار این شرح دارای یک نهایت حرکی و یک نهایت حسی می‌باشد در نهایت حسی یک سلسله موجود است که تصویرات را اخذ نموده و در نهایت حرکی سلسله که ابواب حرکیه را می‌کشاید - عملیه روحیه عموماً از نهایت آخذه بطرف نهایت حرکیه جریان دارد - شیوه‌ای عمومی این جهاز روحی قرار شکل (۱) می‌باشد .



شکل (۱)

این نظریه خیلی از قدیم شهرت داشته - قرار این فرض ساختمان جهاز روحی عیناً مانند چهار عکسوی می‌باشد - گویا فعل عکسه عیناً صورت و قوع یک فعلیت روحیه راه نشان میدهد - ولی باید در اینجا در نهایت حسی یک تقسیم و تفریق را قبول نمائیم - حسیات و تصویرت

که بر موارد می‌شوند در جهاز روحی ما یک اثر حافظه (Memory-Trace) نامند - وظیفه که باین (مرکز) متعلق است آنرا حافظه می‌گوییم - اگر ما به فرض خود ثابت بوده و عملیه‌های روحیه را دارای (سیستم) بدانیم پس اثر حافظه عبارت از تغیرات ثابتی در عناصر این جهازات خواهد بود لیکن نظر باین فرض مشکلات بارزی تولید و نمیتوان قبول کرد که عیناً همان یک (سیستم) تغیرات ثابتی عنصری را پذیرفته و باز هم با تصورات و حسیات جدیده هم حاضر جواب باشد - فلماً نظر بایجاب موقع ما برای دو وظیفه مختلفه مذکوره دونوع سلسله مختلفه را قبول مینماییم - ما فرض می‌کنیم که یک سلسله اولیه و بدائی این جهاز منبه حسی را پذیرفته ولی چیزی ازان حفظ نمی‌کند - گویا این (سیستم) حافظه ندارد - ولی درما وراء این یک (سیستم) دیگری موجود است که تنبهات موقتی سلسله اولیه را با ثبات ثابتی تبدیل مینمایند - فلماً شیوه‌ی جهاز روحیه مابارتاز ش (۲) خواهد بود .



شکل (۲)

مامیدانیم که از حسیاتیکه بر (برسپشن سیستم) ما اجرای اثر مینمایند ما بر علاوه مقاد و محتویات آن چنین دیگری هم دایماً حفظ می‌کنیم - کذا ثابت است که تصورات در حافظه باهم ارتباط دارند مخصوصاً اگر آنها اولاً خود بخود بحصول آمده باشند - ما این حادثه را اشتراک و یارتباط (اسویتی شن) می‌خوانیم - اگر (T-System) بکلمی از حافظه مجرد باشد طبعاً نمیتواند برای اشتراک اثراتی حفظ کند وهم عناصر (P) در وظائف خود دخل بزرگی می‌یابند اگر بقایای ارتباط ماضی در مقابل تصور جدیده عرض اندام نماید - فلماً باید قبول نمائیم که سلسله حافظه اساس و شالوده ارتباط و اشتراک است - فلذ احقيقیت ارتباط این است که در توالي تدقیص مقاومت و تسطیح طرق از یک (عنصر حافظه) ، منبه خود را به دو می بیشتر از سومی ارتباط میدهد با اند قیقات بیشتری مالازم می بینیم که ما نه تنها یک بلکه چندین (عنصر حافظه) را باید فرض نمائیم که در آن عین همان منبه که توسط عناصر حافظه انتقال می یابند دچار مختلف تغییت های میگردند - همان (P-syst) که دارای ظرفیت قبول تغییر نبوده و دارای حافظه نیست برای

ص ، عبدالسمع خان	د تحریر اتو مدیر
» ، عبدالرسول خان	د معارفو »
» ، نقيب الله خان	د فوائد عامي مدیر
» ، صفر عليخان	د صحبي
» ، محمد اسلام خان	د احصائي
» ، محمد عليخان	د كرهني
» ، غلام دستگير خان	د مخابر اتو »
» ، عبد القدير خان	د عايداتو دماليي مدیر
» ، غلام داؤد خان	د معدن مدیر
» ، مير محمد سعيد خان	د حمل و نقل
» ، . . . .	د گمرک مدیر
ع ، ص تاج محمد خان	د تجارتى اطاق رئيس
» ، ص عبدالاحد خان	د منازعاتو د يصلی
» ، ص نورمحمد خان	د روضى شريفى دچارو رئيس
ص ، عبدالاحد خان	د استخارا تو مامور
» ، حاجى محمد سليم خان	د موزيم »
» ، عبد الرحيم خان	د تلگراف منتظم

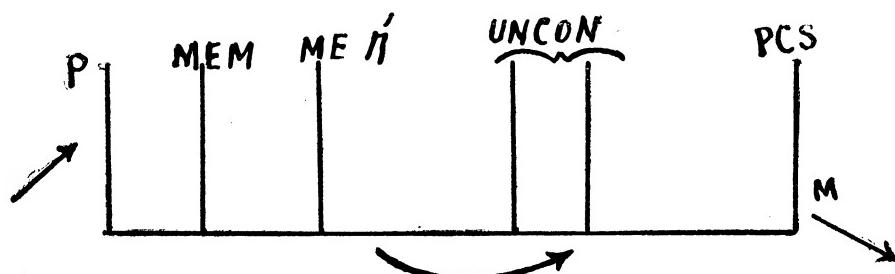
### دمدارشريف دولايى هربوطه لوى حاكمان :

دشبرغان لوى حاكم	: ع ، ع ، محمد صديق خان
د بلخ »	: » ، محمد محبوب خان
دايىكىو »	: » ، سراج الدينخان

### دقعن ولايت

نائب الحكومه	: و ، ج عبدالحكيم خان
مستوفى	: ع ، ص نورمحمد خان
دامنېي دقوماندانى كفيل	: ش ، دين محمد خان
د مرافقى دمحكمى قاضى	: ف ، يائىنە محمد خان
د كرهنىي د تجر بودخاي عمومى مدیر	: ع ، نورمحمد خان

شعرور ، مغلقیت و تنوع صفات حسیه را تهیه میکند - از طرف دیگر حافظه های ماخود شان تحت الشعوری هستند- میتوان این حافظه هارا شعوری ساخت ولی شبیه نیست که اینها فعالیت های خودرا در حالت تحت الشعوری تظاهر نمینما یند- بدیهی است که سچیمه ما بر اثرات حافظه ای مامتنع بوده و طبعاً همان اثرات حیات بدائی طفو لیت ما است که بیشتر مارا تحت اثر گرفته و به شکل شعوری شده میتوانند- ولی چون دوباره حافظه های ما شعوری شوند اینها تقریباً همچ صفت حسیه نشان نمیدهند و اثر حسی شان در مقابل تصورات ماغیر قابل ذکر است - فلن امیتوان گفت که برای شعور ؛ حافظه و صفت هردو ( وی- سیستم ) نامشمول میباشند - ما بسکلی نمیتوانیم راجع به تشکیل خواب حرف بزنیم تا اینکه در اینجا بوجود دیت دو سلسله روحیه قابل نگردیم که یکی از آنها فعالیت سلسله دیگر را در تحت تنقید قرار داده و طبعاً نتیجه آن عدم شمول و اخراج از ساخته شعوری باشد کذا ما باید بدانیم که سلسله منقده با شعور رابطه قریب تری نسبت بسلسله تنقید شده دارد - سلسله منقده در بین شعور و سلسله تنقید شده مانند یک پرده جادارد - بر علاوه ما میتوانیم این سلسله منقده را با قوه که فعالیت های شعوری واردی مارا تعین نمینمایند مماثل بدانیم - نظر به بیان فوق و مطالعه دو شکل گذشته فهمیده میشود که مقام سلسله منقده در نهایت حر کیه شکل میباشد - فلندا ما این دو سلسله را نیز در شکل خود دا خل نموده و در شکل (3) انها را نشان میدهیم :



شکل (3)

سلسله اخیره را که در نهایت حر کیه واقع است ما آنرا ( پری کانس شنس ) میخوانیم و بدیهی است که محتویات این سلسله در تحت بعضی شرائط مثلاً دقیت ، روشن ساختن زوایای خفی و غیره بسیار در ساخته شعوری تجلی کرده میتواند و طبعاً همین سلسله کلید و کیت ارادی را هم بدست دارد - سلسله ماوراء آنرا ماتحت الشعور ( آن کانس شنس ) میخوانیم زیرا این سلسله در ساخته شعور بدون طریق ( پری کانس شنس ) راه تظاهر ندارد - و طبعاً منبه از این راهی که بتحت الشعور وارد میشود - دستخوش تغیراتی هم میگردد - حال باید بدانیم که خواب در تحت الشعور تشکیل یافته و طوری که میدانیم غالباً آن تطمین آرزو - ( وش فل رفلمنت ) بوده

ولی با تصویرات خواب که به (پری کانس شس) مربوط آند هم علاوه دارد - وزاره همین ارتباط مانند تمام خیالات به (»واز آنچا بساحه شعوری تجلی میکند - تجارت بمانابت کرده است که راه دخول و تجلی این افکار در روز بساحه شعوری مسدود بوده و در اثر مسانسور مقاومت (ریز سنانس) ظاهر شعوری کرده نمیتواند ولی در شب در ساحه شعور تجلی مینمایند - ولی چراو چطور؟ اگر ما فرض نماییم که مقاومت ترصیح در ناحیه یین تحت الشعو رو (پری کانس شس) ضعیف شده و در نتیجه افکار خواب در ساحه شعو ری میرستد پس باید خواب های ما از مواد افکار مامتشکل باشد - و نباید خاصه (خيال حسي) داشته باشند - گویا با اين فرض نمیتوان خواب های (Hallucinatory) را تشریح داد - پس تنها با فرض (Retrogression) میتوان خوابهای برسامی راهم تعییر نمود - گویا در شب خیالات رویائی در نهایت حرکی نزدیک و بلکه راه مخالف راطی و در نهایت حسی و تصوری میرستند - اگرما راهی را که عملیه روحی در حال بیداری طی میکند متفرقی (D.rogressive) بنامیم پس باید خواب را دارای یکت رجعت قهرمانی بدانیم که آنرا - (رتروگرشن) می نامند - این وصف (Regressive) طبعاً بلا شبی یکی از خواص مهمترین روحیه رویای بوده ولی باید فراموش نشود که این وصف تنها خاصه خواب نیست - بیاد آوردن ارادی تصویرات و تفکرات اعتیادی ماهمه این راه قهرمانی راطی مینمایند - لاکن در حال بیداری این رجعت قهرمانی از مأموراء نقوش حافظه‌ی (می‌موری امی جز) نگذشته و نمیتواند نقوش تصویرات بر سامی و تخیلی مارا بساحه شعوری آورد - ولی در حال خواب معامله بر عکس است - چرا؟ زیرا عقیده دارند که در حال بیداری از نهایت تصویری و یا حسی جهاز روحی (P) یک موجه متواالی از (وی - سیستم) بطرف نهایت حرکی در جریان بوده ولی این موجه در شب منقطع میشود - پس در اثر انقطاع این موجه از سیر جریان تنبه بطریف مخالف مانعی وجود ندارد .

ولی بر علاوه خواب ثابت شده است که در حال بیداری هم عملیه - (ری گرشن) با وجود ادامه چریان متواالی موجه مذکوره حسی واقع شده میتواند - بر سامات هسترنی و پا را نویا و کدا رؤیایی بیداری (Vision) اشخاص نورمال هم به (ری گرشن) مربوط بوده و گویا متعلق بخیالات و افکاری اند که بصورت نقوش تبدیل شکل نموده اند - ولی باید ذکر نمود که تنها آن افکار میتوانند تبدیل شکل نمایند که باید داشت های (منحط سپرس) شده ارتباط فریبی داشته و یا باید داشت های تحت الشعوری مربوط باشند - در اینجا فروئید پس از تفصیل مذکوره واقعه یک طفل دوازده ساله را ذکر میکند که ظهور «روحهای سبز و چشم های سرخ اورا از خواب باز میداشت - این تخيلات بر سامی زاده یاد داشت های تحت الشعوری بوده که طفل مذکوره چهارسال اول تدریاً رفاقت یک پچه بد اخلاقی که بسا اوضاع خلاف اخلاق داشته

به جلت وغیره مبتلا بوده ورنگ سبزه وچشم های سرخ داشته و کندا این رؤیایی مخفف او زاده یک گفتة مادرش بوده که میگفت همچه اطفال عمر طبیعی بسر نبرده و نمیتوانند چیزی بمسکتب بیا موزنند - ولی در اثر تداوی خیالات مخوف مذکوره رفع شده و طفل بخوبی ادامه تحصیل نموده و فجرتش بکلی رفع شد - فلندا اینکه میگویند که اولاً رؤیا قرار اصول (ری گرشن) تولید شده و تمام‌امنشاء تحت الشعوری داشته و غایه آن تطمین آرزو های تحت الشعوری ویا تطمین آرزو است در اینجا در ادبیات هم ما برای اثبات این فرض شو اهد زیادی می یابیم مثلًا فروئید میگوید که در لسان جرمی مشهور است که «مرغا بی جواری رابخوابی می بینند» کندا در محاوره فارسی است که «گاو پیر کنچاره را خواب می بینند» طبعاً محاورات مذکوره نشان میدهند که قبل از عقیده داشتنند که خواب عبارت از تطمین آرزو است - زیرا یچرا ره گاو پیر و مرغابی آنچه را که در بیداری نمیتوانند بدست آورند در خواب می بینند - این مبحث مطول بوده و در این مختصراً بیشتر نمیتوان ازان ذکر نمود - وظیفه رؤیا ادامه خواب بوده و دایمآ مارا از پیدا شدن حمایت می نمایند - کسانیکه پس از بیداری مطول در اثر هر رض و یا حواست بخواب رفته باشند تجربه خواهند داشت که رؤیا چگونه برای اداهه خواب خدمت میکند - فروئید این اصل را مفصلانه شرح داده و خودم هم تجربه دارم که وقتی با دوستان دوشب متواالی در ایام عید نخته بودم ولی روز دوم که برای خواب آمدم، هر قدر من اشور داده و صدامیکردن من بخواب می دیدم که مرا صد ازده و شور داده اند ولی بیدار نمی شدم گویا این رؤیا برای ادامه خواب که من با احتیاج داشتم خدمت کرده و مانع از بیداری می شد ولی چون مبنهای خارجی و یا ضجهای خواب شدید تر باشد آنگاهه براین وظیفه رو حیه خواب غلبه جسته و در نتیجه شخص بیدار میشود -

خشنا خواب افکار و تخیلات واضطرابات و تشو شاتی است که در روزهای قریبیه مارا بخود مشغول داشته و یا افکاری است که با تصویرات و باد داشت های تحت الشعوری مارا ببطه و علاقه قریبی دارند - نظر به بیانات سالفه بخوبی فهمیده میشود که تحت الشعوری عبارت از یک قسمت مهم جهاز روحی است که در تمام اعمال ما، حرکات ما، خطای های تحریر و تکلم ما تشویش های ما و خلاصه در تمام سجیه و اخلاق ما مداخله نموده و تمام اعمال و اخلاق و سجیه ما زاده عوامل و احساساتی است که در آوان طفلى در تحتا لشعور ما جاگرفته و بعد ها در ساحة سجیه ما تظاهر مینما يند - تحتا لشعار فروئید راست گفته وهیچگاهه دروغ نمیگوید پس همینکه شخص شعور ادر موقع تکلم میخواهد دروغی بتر اشد تحت الشعور مداخله و در نتیجه شخص غلط کرده و بار است رادر حقیقت اظهار میکند - این نظریات فروئید در تطبیقات عین حقیقت بوده و کسانیکه در این مورد تدقیق نموده اند همه بصحت این قول معتقداند - من یک

دو يادداشت خود را در اين باره در اينجا متذکر ميشوم - بخاطر دارم که روزی بخانه يك صاحب منصبی ميرفتم - يكى از اقاربم ازمن التجا نمود که راجع يكى معامله وى در نزد آمر مند کو ره سفارش نمایم - چون پنهان عادت اين گونه سفارشات بى موردراندارم طبعاً وحا آرزو نداشم که همچه امری را اجراء کنم واي نظر با احترام اين دوستم ميخواستم بگويم که الا ان همینکه رفتم مسئله شمارامي گويم - ولی درين وقت در اثر مداخله تحت الشعور رى گفتم که (همينکه بخانه او رسیدم با وحیزی نمی‌گویم کذا و قنعت شده بودم و حملات سنگ گرد که از چند سال باينطرف داشتم) مرا بجا آندا خته بود - پس از گذشت شتن حمله روزی بادنوسيت عزيزو محترم خود آقای دوكتور عبدالمجيد خان ميرفتم که بایك حکیم ريش سفید یونانی که در گذر مامی زیسته مصادف شدیم حکیم مذکوره - (.....) نظر بمعرف فتسابقه از مر پیضی من استفسار نمود و برای عرض تاثر خود ميخواستند بمن بگويند «که شکر للحمد که صحت شدید» ولی در عوض گفتند که «شکر للحمد که مر پیض شدید» زیرا روها نظر باينکه طب جدید قائم مقام کسب ديرين شان شده وهم نظر بمحاوره «بودهم پيش به باهم پيشه دشمن» روها آرزو نداشته که از صحبت اظهار ممنونیت کشند، پس تحت الشعور در ساحة ظهور و اظهار نمود که «شکر للحمد الله که مر پیض شدید» خلاصه با مداخله تحت الشعور اين گونه ياد فراموشی و خطاهای زبان و تحریر، لغش های دست و حر کسات و غيره واقع شده و در حقیقت تحت الشعور مامورسانسوري است که تمام اعمال و حر کات روحیه ماراداره و کنترول می‌کنند ولی برای تفهم ما نظر به شیوه ای خود شعور و تحت الشعور (پری کا نس شنس) را خوبتر تشریح میدهیم : - ماباید بدا نیم که افکار، تغیلات و تشکیلات روحیه بصورت عمومی در عناصر عضوی دماغ نداشته و بلکه در بين شان موقع دارد هرچيز يكه ماده تصور داخلی قرار می‌گیرد عیندارای همان صفتی است که عکس اشباء در (تیلسکوب) در اثر تصال اشعه تولید ميشود - فلندا ماما هم مانند دوربین سلسله هائی را تصور کرده می‌توانیم که هیچ دارای روحیت نبوده و هیچگاه در تصور روحیه متحقّق دخول ندارند و گویا بشایه عدسيه های دوربین می‌باشند - اگرما باین مقایسه ادامه دهیم خو اهیم گفت که مسئله (سا نسو رشب) مادرین آنها بمتای انسکار اشعه در حین عبور از یک واسطه جدیده می‌باشد - طور یکه (Lipps) می‌گوید ما باید تحت الشعور را بعنوان شالوده عمومی حیات روحی قبول نماییم و گویا تحت الشعور عبارت از يك دائره بزرگی است که دایره خورد شعور را اختوا می‌کنند هرچيز شعوری يك حالت تحت الشعوری او ليه دارد - تحت الشعور يك وظیفه تام روحی داشته و يك حقیقت - صادقة روحیه است - در وصف داخلیه خود ما نت حقیقت دنیای خارجی در نزد ما مجھول است و اینهم توسط يادداشت های شعور یهانقدر ناقص بمعارضه می‌شود که دنیای خارجی تو سط اعضای حیه متحقّق مطلقاً که ما از تعییر خواهی و تحلیل روحی اشخاص مبتلای نوروزها بدست آورده بیم عبارت از

تحت الشعور است - در حقیقت دونوع لاشعوریت (ان کانس شس) وجود داردولی یکی عبارت از تحت الشعور (سب کانس شس) است که قابلیت تظاهر در ساحة شعور یه را ندارد یعنی مانعیتوانیم محتویات این سلسله روایه را حسب اراده در ساحة شعور خود تجلی دهیم - ثانوی عبارت از (پری کانس شس) و یا (فورد کانس شس) است که تنبهات آن در تحت بعضی شرایط مخصوصه و یا یکسانسور ثانوی میتوانند در ساحة شعور یه تظاهر نما یند - قبل اما رابطه این دو سلسله روایه را باهم شرح داده و گفته بودیم که (Pcs) مانند یک پرده درین شعور و تحت الشعور جادارد (ش می) (فلدا) (Pcs) نه تنها از ظهور بر ساحة شعور یه بلکه از تظاهر در ساحة حرکت یه مانع میشود - بعقیده فروندی شعور تنها عبارت از یک عضو حسی است که برای قبول واخذ صفات روایه خدمت میکند و طوری که قبل از شکل های شیمانی شرح داده نیم در یک سلسله روحی بمنابع آله آخده و حسی (پرسپشن) بوده ولذا توسط صفات و منبهات قابل تنبه بوده و اثر تغیرات واردہ را حفظ نکرده ولذا از حافظه مجرداست ماده منبه بعضو آخذه (P.) از دوراه میرسد - اول از راه (پی-سیستم) که تنبهات آن در تحت شرایط مخصوصه تعديل شده و قابلیت اخذ روایه می یابند - ثانیا از راه داخلیه که این عملیه ها هم عبارت از صفات درد ناک و خوش بوده و پس از بعض تحریرات بر ساحة شعور یه میرسند - ۱- حساسات خوب و بد در حقیقت در جهاز روایه مایک ارزی و جریان تنبه تو لیدنموده و این جریان تنبه تمام حرکات روایه مارا اداره مینمایند - حال انکه تنبهات تحت الشعوری در حیات عادی برای ما تماما مجهول بوده ولی سجایا و مخصوصا حرکات و سکنیات مارا شکل و صورت بخشیده و خواهای مارا مستقیمی بتحت الشعور مابوده و مطلاعه و تحصیل خواب اسرار عمیقه این جهاز بزرگ روایی را بسا منکشف می سازد.



# کیسی او نکلو نه

## شهرزاده بدمت

نگارش شاعلی «پروان»

گاهی سرور مانند بهار پاک کشور را خرم می‌آزد و شادی چنان عام می‌شود که در یک شهر  
یا دل اندو همکن نمی‌توان یافت چنانکه روز گاری فرا میرسد که دل شگفت در جهان نمی‌باشد  
واگرایا بند آن را گلی می‌یندازند که چیدنش از یاد با غبان رفته باشد :



در روز گارفدهم شهر بست بشادی معمور و بـ  
سرور آبادان بود . با غایی آراسته و کاخهای  
پیر استه داشت ، کرانش چون کاشمر و مهانش  
چون فرخار بود . امیری شاد روان در آن  
پادشاهی می‌کرد که کهتر و مهتر بد و شاد بودند .  
مردم جز هوای دل اورانی جستند و او جل دل  
مردم کشوری نمی‌شناخت که شایسته پادشاهی  
باشد . گئنه را از دلها برون و کشور را  
مهر افسون کرده بود . با غبانان بنام او گل می  
کاشتند و دهگانان بدان بده و نیازیش می‌کردند  
شادی مردم و خرمی کشور ازو بود . کاخی  
برای فرائمه و بهشتی بر آورده بود که جای  
آرام و کام بود . دشمنی نداشت که از دیدن

آن حسد برد . هیچ دلی آنرا برای دیگری  
نمیخواست . هر گز فقیری را بر آستان او نمیله بودند ، گنج مردم را تکریفه بودند

از دارند گان نمیخواست و بدر و یشان فراوان بخشدود بود . بد انسان که خدای پیروز گر بدو فرهی داده بود او در پیروزی بخت مردمان می کوشید زیر دستان او بکوه و بیابان و دریا و شهر بهره خود را دریافت بودند .

بدین داد و آئین بسربرد تا آنکه بهارزندگانی اودر گر شت و ابریزیری بر سر ش سایه افگند . دوستان دانا براو گرد آمدند و بدو گفتند « اگر پادشاه راعمر بسر آید « بلاد گرمیسر » راسایه ئی نباشد که در آن آرام کنند . آنکون که کا رهای کشور بکام است دل مردم را آرزوی آنست که پادشاه زن بخواهد تا بفرزند او اطاعت کنند و درسایه اواز ستم بیاسا یند » . پادشاه زن خواست اما چندین سال دیگر مژده فرزند باوز رسید . همگمان نو مید بودند . امیر وزیری داشت نیک اندیش و فرزانه که اندیشه اش یاور و یارمند پادشاه بود . آن و زیر نیز از فرزند محروم بود . روز گاری بدینحال سر آمد تا آنکه روزی مردی ژنده پوش با کلاهی نمدی از سوی بیان پدیدا رگردید و باعصاری بلندی که در دست داشت درب کاخ شاهی راست بکوفت . کنیز کان شتافتند تا بینند کیست و چه می خواهد . درویش با غروری درو یشانه گفت « خواستن در کاخ شاهان بیشتر از دل درویشان است . شنیده ام که شاه مردیست داد گر اما دلش باندوه اند رست آمد تا آنچه رامی خواهد باز گوید و دریابد » . کنیز کان راحرف او شگفت آمد . رفتند و سخنان اورا باز گفتند . ملکه شاه دمانی کرد و آرزوی فرونده را با درمیان گزارشت .

در بستان شاه درختی برومند بود . درویش عصای خود را بران افگند دوسیب سرخ یائین افتاد . یکی را به ملکه داد و دیگری را فرستاد تا بانوی وزیر بخورد . تمامی خواستند بر اودرهم و دینار نثار کنند بگامهای تند از ایشان دور شده بود هیچکس نتوانست او را بازدارد . پادشاه وزیر ظهور درویش را نیک گرفتند . چون روز پایان رسید به طرب و شادی پرداختند . افسانه درویش بر سر زبانها افتید . مردم دست بدعما برداشتند .

اندران شب همدم شاه و بانوی وزیر آبستن شدند و چون روزها و شب های مقدار سرفت شهزاده ئی به زیانی پسر با مداد و وزیر زاده ئی به جمال دختر آسمان بدنیا آمد پادشاه جشن بیاراست . مردم به طرب پرداختند . چندان شادی کردند که گفتی دنیا جای سرور است . آنگاه روشن دلان را باز خواست تا بر برق هر گان نوزاد نام گزارند .

شهزاده را « پی » و دختر وزیر را « رایا » خواندند . روزها و شب ها میگزشت تا آنکه این دو کودک بزر گشند و بسان خور شید و ماه می درخشیدند . محبتی که از کودکی ایشان را دریافت بود به عشقی بدل شد که جوانی آنها را دریافت . چندان به مهر همیگر سر گرم شدند که در شهر بست همه کس ازان آگاه شد .

جوانی چون خنگ سر کش است گاهی قوی ترین دستها نمیتواند لگام آن را نگهدارد.  
روز گلار مخفیانه بر پهلوی آن تازیانه می زند و اورا مستانه وار می جهاند .  
پتی را خون جوانی چندان گرم بود که با هر کوروبرو می شد زورمی آزمود و هر که رانیرومندمی پند اشت بزمین میزد .

چون در کود کی مردم ناز اور امی برداشتند در جوانی غرور او مایه آزارشان گردید . دانا یابی که امیدوار روز گلار یادشاہی او بودند بهراس اندر شدند . وقتی از کاخ شاھی برون می آمد مردم بخانه های خود می رفتند . گروهی از جوانان بیباک را گرد آورده بود . در کوی و بروز چنان میتاخت که در شکار گاه مستی میکرد .

آن پادشاه داد گر را چه افتاده بود که فرزندش بر مردم ستم میکرد و اورا باز نمیداشت ؟ آیا او نیز مانند همه پادشاھان دیگر خاطر فرزندش را بر آرامش مردم گرامی میداشت ؟ آیا عدالت روز گلار او را در پایان عمر پیاداش آنهمه داد و آئین بد بخت میسا خت چنانکه نتواند آزار و ستم را از سر مردمان بردارد ؟

روزی پیره زنی در کلبه خویش شکایت ستمدیده ئی را شنید و گفت « من در سایه پادشاھی این مرد داد گر بیرون شده ام من بمرگم خود و زندگانی پادشاه که در از تر باد سو گند میخورم که او از جور شهزاده آگاه نیست . »

آنکو شکایت میکرد گفت : « چگونه آگاه نیست . هنوز شهزاده کودک بود که با همبازیهای خود کوژه های سفالین زنان دهکده را شکست . پادشاه خبر بردن . پادشاه بزنان ده کوزه های نقرین داد و فرزند را بر نگی پند گفت که او را مغور و ساخت . چرا اورا سرزنش نکرد ؟ پیره زن پاسخ داد : « بکوکد کی بیشتر ازین نشاید گفت . پادشاه بداد خواهان داد کرده است و به فرزندش ستم نموده است . »

آنکو دلش درد کرده بود گفت « همینکه آگاه نیست ستم است »  
پیره زن که دلش از محبت پادشاه پر بود بر خاست و بسوی کاخ شاهی برآه افتاد . پاسبانی نبود که اورا باز دارد . پادشاه را دریافت واژ جور فرزندش بدو باز گفت .  
چون شاهزاده از شکار باز گشت و به حضرت پدر شتافت اورا درهم یافت و چندان سرزنش شد که غرور او نتوانست آنهمه نکوهش را بر دارد ، آنگاه به پدر گفت که از دیار او خواهد رفت . پادشاه جواب داد : « خدا همه ستمگران را از دیار من دور کنند . »  
پتی « یاران خود را گرد آورد و باشان گفت که مسافر شوند : قلعه بست دو دروازه . داشت از یکی « پتی » برون آمد و از دیگری فریاد های مادرش بلند بود .

«راپایا» زیبا را مردمان گرمیست «بلبل زرد» می‌گفتند. این نام در تزدشان محظوظ بود. چون فریادهای ملکه را شنید از هوش برفت. دردی که مادران را بفریاد می‌آورد محبوگان را به مرگ می‌سپارد. رفت و در پای پادشاه افتیند که «پتی» را باز گرداند. پادشاه بسکوت قاهری ازو رو گردانید، «راپایا» زار گریست و به پای وزیر افتاد. پدر برو بگریست و نزدیک شاه شد، پوش طلبید تا اگر بر فرزند رحمت آرد پا دشاد گفت: «من یک فرزند را از خود دور کرده ام تا مردمان من که فرزندان منند آرام باشند اگر ترا بر فرزند خودت دل می‌سوزد باو بگوی که جائی که خواهد بود. من آرزو نداشتم وزیر پیر من ستمگری جوان و مغور را در دیوار من بخواهد حق پیرو جوان کشورم را فراموش کنم». وزیر شرمنده شد آنگاه پادشاه بر روی او دست کشید و او را بناخت چنانکه شاد شد و رفت تا دخترش را بیاموزد که حق نزدیکتر از فرزند است.

«راپایا» دیوانه وار برخاست و پرستند گان خویش را گفت آماده سفر باشند. پادشاه وزیر در بستان شاه در سایه آندرخت سیب نشسته بودند که خبر دادند شبانگام «پتی» از بست برون رفته و بامدادان «راپایا» در بی او شناخته است.

بدرخت سیب نگریستند. شاه گفت: «آن درویش مستمند سیب های خود را باز گرفت» وزیر گفت: «آری اما سخت شیرین بودند».

«پتی» چون از بست برون آمد بد هکده ئی رسید که دید با غیر خرم در آنست. آنجا فرود آمد تا با همراهان بسنجد که کدام سو سفر کشند. «کرم» و «پردل» از پهلوانان بیباک او بودند اما در حرف نیز بر دیگران پیشی میکردند. گفتند شب را درین منزل بگذرانیم و پگاه براه افتیم. چون هر دو را آرزوی رفقن به هندوستان بود به شهزاده گفتند شاخه سبزی را در زمین بخلانیم سحر گاه میل آن شاخه را بنگریم و بدانسو برویم. شهزاده پذیرفت. در دل شب «کرم» شاخه را بسوی هند مایل ساخت. بامدادان آهنگ هندوستان کردند.

نماز دیگر در منزل دیگری فرود آمدند. خیمه ها را افراشتند و اسپ ها را رها کردند. چهل خیمه در آن ریگزار بلند شد که در هر یکی پهلوانی خفته بود.

چون دو بهره از شب بگذشت مردی که پاسبانی میکرد جوانان را بیدار کرد، دیدند خیلی از سواران بسوی شان می شتابد. آماده پیکار شدند چون سواران فرا رسیدند «پتی» در یافت که «راپایا» با دو شیز گان پرستنده خویش خود را باورساینده است.

فراوان آتش افروختندو بسیار شادی کردند.

پنگاه هنوز با مداد رنگین بود که جانب هندوستان شدند.

روزد یک‌در شهر بست در چندین خانه مادران می‌گریستند و دختران خود را یاد می‌کردند. این واقعه پدران را سخت ناگوار آمد. گردامند و نزد پادشاه رفتند و دادخواستند که «پتی» ویارانش دوشهیز گان «بست» راربوده و آب مردم را بخته‌اند.

پادشاه اندیشنا ک شدوفر مانداد وزیر را بیاورند. چون وزیر بیامد باشان گفت: «ای مردم من یکی از شما هستم. را بیای» زیبا که اورا «بلبل زرد» می‌خواندید پیشتر از دختران شما رفتند است امامن پادشاه نگفتم که فرزند ش دختر مرار بوده است. دختر من دل داشت، دلیکه دیوانه محبت بود. این دیوانه را رهبر گرفت. من از رفتن او آگاه شدم ولی توانستم اورا باز دارم هر آنکو در بی دل می‌رود توان اورا بازداشت. اویگانه فرزندمن بودوشما فراوان فرزندان دارید. این دختران عاقبت با جوانانی می‌رفتند و از شما دور می‌شدند. پیشتر ازین کاری نگرده اند که اینهمه ملامت را برایشان و یا دیگران گزارید. دختر گنجی است که برای بخشودن بعادده شده اما مانند هر بخششی باید بجا باشد. نیکوترين جاي آن همانست که خود می‌خواهد من آنچه میدانستم گفتم دیگر اختیار در کف نیرومند پادشاه داد گراست چنانکه بفرمائند چنان کنیم.»

پادشاه وزیر را به آفرین بتواخت و آنگاه گفت: «ای مردم من در میان شما پیر شده‌ام، آیا بیر توین شمامی تو اند بن یک‌گوید که دادنگرده و راه ستم پوئیده باشم؟ آرزوی فرزند نمی‌کردم برای آنکه مباد داد گر بناشدو آنگاه بیداد او را است من شمرید زیراه پدری را از فرزندش اگر نیکو باشد یازشت میتوان پرسید و اگر زشت بار آید باید پرسید. درختیکه که میو آن پروردده نباشد از علت عاری نیست. برای من اگرچه این آرزو را برای جستن دل مردم پروردم همین شرمندگی بسند است که توانستم پدر فرزندی باشم که مردم را به آن بستایند. اورا مانند هرستمگر دیگری از دیار خود دور کردم و اندو هنگین نیستم دختران شما در بی آرزوی خود شتافتند، این آرزو از آرزوی فرزندمن که بر دیگران می‌خواست ستم کنده‌تر گر شتم تا کشورم از دل است نه از کشور دل نیز کشور بیست که باید آن را نگهداشت. من از فرزند گر شتم تا کشورم را داشته باشم دختران شما از پدر گزشتند تا کشور دل را نگهدارند. برو یدویا دشاد دیگری را باز پرسید. آن پادشاه عشق و جوانی است. من باشما گروه پیر نیتوانم با این پادشاه که نیروی آن جو ا نیست بجنگم. می‌ترسم باینکه دادشما را بدهم بدیگران ستم روا دارم. اگر بیش ازین از من بخواهید بر من جفا می‌کنید و چنانکه شاهان نباید بر مردم خود ستم کنند مردم نیز

## د مملکتی دوازرو تشکیلات

د تحریراتو مدیر	:	ص ، غلام محمد خان
د احصایي	:	» ، عبدالهادی خان
د ناقلینو	:	» ، نصرالله خان
د فوائد عامي	:	» ، کمال الدین خان
د معارف	:	» ، عبدالسلام خان
د مخابراتو	:	» ، سید احمد شاه خان
د گمرک	:	» ، علی محمد خان
د جنگلاتو	:	» ، غلام بهاء الدین خان
د مساحتی د لمری خانگی مدیر	:	» ، عبدالظاهر خان
د دوهم	:	» ، ، ، ،
د نهرین د عسکری قشای د تعمیراتو	:	» ، سید علی اکبر خان
د حمل و نقل مدیر	:	» ، محمد محسن خان
د عایداتو او مالیاتو د مدیریت کفیل	:	» ، فتح محمد خان
د صحیبی د مدیریت کفیل	:	» ، محمد سرور خان
<b>قطعن مربوطه لوی حکومات :</b>		
د تلقان لوی حاکم	:	ع ، سید آقا خان
د فندز	:	» ، عبدالمنان خان
د پلخمری	:	» ، عبد الشکور خان

## د مشرقی ولايت

د نائب الحکومه و کبل د اعلی حاکم یعنیث	:	ع ، ص عبد الله خان
مستوفی	:	ع ، ص ، خواجه محمد سعید خان
د امنیي قوه اندان	:	ح ، حاجی ضیاء الدین خان
د مراجعي د محکمی قاضی	:	ف ، محمد شریف خان
د زاندارمی غنیمه شر	:	ح ، عبدالقيوم خان
د تحریراتو مدیر	:	ص ، محمد طاہر خان
د معارف	:	» ، عبدالقار خان
د فوائد عامي	:	» ، غلام حیدر خان
د احصایي	:	» ، محمد حفیظ خان

نشاید بر پادشاه خودستم روادا رند. من آنچه میدانستم بگفتم دیگر آنچه بخواهید چنان کنید! مردم همه خاموش شدن باز گشتند.

«پتی» و همراهها نش تا ختند تا آنکه در کشور هند پا گزارند. کجا بیاند؟ هنوز نمیند ا نستند بدیگر که ئی رسیدند. «پتی» به همراهها نش گفت اسپهای خود را در کشت مردم رها کنند. اطاعت کردند. دیری نگرشه بود که دیدند مردمان ده اسپهای را آوردند و بیشان سیرده گفتند چون فصل رامی خورند آنها را بینندید «پتی» بیان گفت: «مردمان این ده کده بهم یکی هستند بیگان نیگان نمیتوانند با چنین ییگانگی درین ایشان زندگی کنند بر وید تا بجا ئی بر سیم که مردم آن جای باهم دشمن باشند.

فردای آن روز بدھی دیگر رسیدند آن را نیز چنان یافتند. روز دیگر در روتای «گواریان» فرود آمدند و اسپهای شان را رها کردند. هر کسی اسپرا از کشت خود بکشت دیگری می فرستاد. مردم آن دیار سخت بیمهر بودند کسی را با کسی دوستی نبود: «پتی» با «کرم» و «پر دل» گفت «اینست سرز مینی که میتوان دران پائید». در قریه گورایان قلعه مهکمی بود. فراردادند که در آن قلعه جای گیرند. کجر یا ن نهی خواستند اما چون دیدند چهل مرد جنگی را نمیتوانند بازدارند ناگزیر شدند. چون شب روز شد «پتی» بیشان گفت که قلعه را ترک کنند. «گواریان» ناگزیر بروند آمدند و عذر آورده که چون بیرون روند قبیله دشمن بریشان بتازدوا یشان را همگان بشکشد. «پتی» نشان آن قبیله باز جست و نزد ایشان شد. چو با «گواریان» از راه صلح نیامدند با ایشان چنگید و چندین سررا از تن جد اکرد.

این قبایل را پادشاھی بود. داد خواهان نزداو رفتهند. پادشاه به «پتی» پیغام فرستاد. درین پیغام پرسیده بود که «پتی» کیست، چه می خواهد و قلمه مردمان دیار او را چرا کشوده است «پتی» یاران خوبشتن را طلبید و آن حرف را بایشان در میان گراشت. آنگاه پاسخ داد: غریزند پادشاه بسته استم پدر بهمن خشونت کرد دیار او را ترک کرد. نسیم شاخه مرا بجانب هند مایل ساخت. بخت مرا باین سامان آورد. آمدم تامه مان مردم شما باشم، درب خود را بروی ما بستند. دریکه بروی دوستان بسته شوبد شمنی کشوده خواهد شد میخواهم اینجا زندگی کنم. دختران بست و فر زندان هیرمند این منزل را گزیده اند. برای شهرزاده ایکه پدر او را از دیار خویش برآند دنیان گئ است، اگر پادشاه بخواهد از قلعه بیرون می شوم اما بعیدانی بروند خواهم رفت که دران پادشاه بجنگم من خواستم قبایل را آشتبدهم اما چنگیدند با ایشان بگو نیم بجنگند و اگر چنگیدند مغلوب نشوند».

چون این پیام را بادشاه بردند آنکه مهمان نزد از آنچه گزشته است در گزشتم و آن قلue را گزاشتیم. تادیگری داد نخواسته است شادرند گانی کنید ماراجای پدرشمارید و تاخود باعث نشوید شمارانخو اهیم راند. شهرزاد گان را شاید که در جوانی نیز خونشان گرم نباشد ما نهمی خواهیم باهیمان بجنگیم اما هیمان رانیز نشاید بنامیز با خشونت کند. « پتی » چون نامه پادشاه را دریافت یاران را بخواست و جواب نیکو فرستاد آنگاه به هر اهان خویش گفت: « بهتر آنست با پادشاه و مردم ایندیار به نشکوئی زند گانی کیم . نا مه او بیغام مردی دانا ولیرست ، چنان می نماید که هر چند بودن مادردیار او برای وی بسیار گوارا نیست امامی تو اندبا آنچه نه می خواهد بازاردواین جز برای مردان دانا ولیرمیسر نیست ». « کرم » از میان برخاست . چهره او افر وخته بود . سیماش چون لاجورد می نمود . همه راطعنموزد و گفت : « نمیدانم چه آبی برآش شهرزاده بست ریخته اند که خون گرم جوانی را در پیگر او سرد ساخته است . پادشاه ما را بر نگی جواب داده است که مارا بترازاند . اگر پیغام اورا بیندیریم بار خود را بر مامیگرارد ، او می خواهد دلیری مارا بیلز ماید . بایند با او جنگی ده تا بداند که پندار او درست نیست و اگر مردمش هدایت خواهند اونمیتواند مارا براند و ایشان را دریابد ». شهرزاده بست را این گفتار پسندیده نیامد دست بر قبضه شمشیر برد تا بفهماند نباید در حضرت او گستاخی کنند اما « پر دل » برخاست و آنچه را کرم گفته بود تصدیق کرد دیگران نیز با او همنوا شدند . شهرزاده چون دید همگان را رای یکیست از خشونت باز ماند و به نرمی لب کشوده گفت : « من دلیری و شهامت شمارا قدر می کشم . اما کسی در میان شما هست که دلیرتر و جنگجو تر از من باشد ؟ »

همگان خاموش بودند . شهرزاده با او از بلند تر گفت : « این بار اول است که هر اهان من به من پاسخ نه میدهند و صدای مرانه می شنوند . نمیدانم روز گار در حاق من سرمه فروریخته و یادر گوش ایشان پنهان گزارد است ؟ ! »

همگان خاموش بودند ، شهرزاده نعره زد : « ما از وطن خود را نده شد . ایم اما در هر سر زمین باید برسم خود زند گانی کنیم . . . آیا فراموش کرده اید که سه صد ارس م دیرین شماست . . . من سوال خود را بار سوم تکرار می کنم : »

همگان خاموش بودند . « پر دل » بیایستاد و گفت : « من از جانب خود دو دیگر همراهان پوزش می طلبم . »

آنگاه بحرمت برخاستند و هر یکی بحجره خویش رفتند .

مدتی بینگونه سرآمد تا آنکه روزی « کرم » از باره به یرون نگاه کرد و دید

کاروانی عظیم میگزرد . فرود آمد . بر اسب خویش نشست و تاخت . چون بسکاروان رسید دید  
شترها آهسته گام می بردارند . ازان بارهای گران پرسید . قافله سالار بد و گفت :  
« خزینه پادشا هیست که بر ما و شما حکومت میکنند »

« کرم » گفت : « میخواهم این قافله به قلعه من بروم » قافله سالار مردی پهلوان و نیر و مند  
بود . با اور آویخت و خویشن را مغلوب ساخت . کرم اورا بکشت و قافله را به قلعه برد .  
در آن روز شهرزاده بست و همراهان به شکار رفته بودند . « کرم » خزینه را در جا نی  
نهان کرد و شترها رارها نمود .

چون به پادشاه خبر رسید سخت برآشت و فرمانداد تاجنگجویان او کمر بندند . شهرزاده  
بست از شکار باز گشت . آنقدر خسته بود که اگر میگراشتند با آفتاب یکجا بلند می شد .  
با مداد روز دیگر « رایا » از باره فرو نگریست و دید اطراف راخیمه سپاهیان پر کرده  
است . « پتی » را از خواب بیدار کرد . چون برخاست « پردل » را فرمان داد که نعره  
کند واز عزم ایشان بپرسد .

پهلوانی از برون پاسخ داد که جنگجویان شاه برای پیشکار آمده اند . چون سبب را  
پرسیدند معلوم شد که غصب خزینه پادشاه را برانگیخته است ، شهرزاده « کرم » را خواست  
« کرم » حقیقت را با اورهایان گذاشت . شهرزاده سخت اندوه گین شد . همراهان وی گفتند :  
« چون ماتشنه پیشکاریم چرا اندوه گین هستید ؟ شهرزاده گفت جنگ مرگ می آورد .  
مرگ نجات از - مسئولیت است اما نقض قول مرگ است که مسئولیت دارد . آنچه امن اندوه گین می سازد  
جنگ نیست ، کاش کر م طور یکه برای جنگ آمده است مارایش از جنگ مغلوب نمیساخت . »  
آنگاه شهرزاده بست نامه ای نوشته و حقیقت امر را به پادشاه رسانید . پادشاه که بهانه می  
جست حاضر نشد خزینه را دریابد و بازگردد . پس مقرر داشتند تا با مداد دیگر به میدان برآینند .  
در آن روز گار پهلوانان تن می جنگیدند . سی روز باهم جنگیدند و سی پهلوان از  
همراهان « پتی » را کشتن . شمار کشتنگان پادشاه به سه صدمی رسیده ده روز دیگر نبرد  
کردند نه پهلوان « بست » از دنیا رفت شصتم مرد از جانب شاه بخون غلتیده بود .  
روزیازد هم شهرزاده « بست » بمیدان رفت ، و سی روز نبرد جست .

بیشمار پهلوانان را بکشت . چون ماه نوشدو کمر بست ، رایا باو گفت « مرو ! شهرزاده  
بست گفت « نمیدانم چگونه مرآ باز میداری ؟ » .

رایا گفت : خوابی دیده ام سخت پریشان دیدم که پیر مردی نور ای چادرم را

می گیرد و برپشت اسیب میگسترد . من زاری میکنم . نمیشنود . بمن میگوید من سبب خودرا از پادشاه بست میخواهم . مباد گزندی بتتو برسد » .

شهرزاده اورا بوسید و آهنگ میدان کرد .

در آن روز دوشیز گان بست بهلوانان کشته را بر تخت های خواب گراشته و شالهای رنگین خودرا بر آن ها گسترد . بودند و بر باره قلعه برآمده میدان را تماشا میکردند .

رایا فریاد کرد : ای اسپ « پتی » ، اگر امروز اورا فاتح باز آوری از زیور خویش نعلهای ترازین خواهیم کرد و مروارید های خودرا بگردن تو خواهم آویخت .

گهان دیدند که اسپ پتی بسوی قلعه می آید گمان کردند پتی میگریزد . فریاد دوشیز گان از باره به آسمان شد . دویدند تادرب قلعه را بروی او بکشانند « رایا » فریاد زد : « درب را بروی بهلوانی که می گریزد بناید کشود . »

چون « پتی » بدرب قلعه رسید از اسپ بیفتاد . « رایا » در را کشود و دید « پتی » آمده است تادر میدان نیفتند و در آغوش او جان سپارد . تیر دشمن داش را شگافته بود شهرزاده بست جان داد و به مرادهان نیوست .

در ویش سبب خودرا از پادشاه « بست » باز گرفته بود .

« انتهی »



## رودهای افغانستان

ترجمه و نگارش «صدقی»

ساختمان طبیعی کشور افغانستان طوریست که قسمت مرکزی آنرا کوهستان نهای بیشمار فرا گرفته - هر گاه ساختمان طبیعی آن نظر اندازیم معلوم میشود که قسمت مرکزی و شمال شرقی خلی رفیع و بعداز آن هر قدر بطرف شمال، غرب و جنوب می آئیم از ارتفاع



ازاضی کاسته شده میروند. کوههای شمال شرقی و مرکزی عبارت از سلسله های است که از پامیر جدا شده و سراسر معدنکن را فرا گرفته، این کوهها که قلل آن از هر فوج پیش از تولد است منبع رودخانه های زیادی میباشد که بعزم شمال، غرب، جنوب و شرق جریان می کشند. و چون افغانستان در میان برابع اعظم افغانستان و از بحر دورست جمیع این رودها باستانی رود کابل و معاوتهاش و بعضی رودهای جنوبی از داخل خاک و باز ممالک همسایه خارج نمیشود. رودهای

افغانستان بخوبی بدرد آبی ری میخوردوا زا کش آنها بناغلی «صدقی»

جدولها و اهر ها جد اکرده اند. رودهای افغانستان اگرچه در بهار و موسی بارانی هالامال می باشد اما در بیشتر حصه سال غبور و مرور از اکثر آنها مشکل نیست. اکثر رودها برای حمل و نقل و خط آبی مساعد نیست اما برای استحصال قوت برق بس مفید می باشد.

بلا بشرح اجمالی رودخانه های مهم کشور می برد ازیم :

رود کابل : این رودخانه کوههای بغان از ارتفاع (۱۴۰۷۹) فوت از حوالی کوتل اوئی

نهاده صبل بغرب کابل است می برد آید در آغاز جریان بطرف شرق آمد، قصبات جاغری، قلعه دریش، جلریز، ومامه کی رامشروب می نماید اما دفعتاً سمت جنوب غربی را گرفته باین طریق فرب - ۱۰ میل را می پماید و ازین میدان گذشته از تنگی اللند غبور می نماید و بهینه صورت اضطراب نوی فوروع را دور می زند و از میان وادی شاداب چهارده می گذرد. درینجا رود بغان از آن یکجا میشود و بعداز عبور از گند رگاه شهر کابل را بدوحصه منقسم می سازد. در سکر امنی که جند پل در شرق شهر واقع است رود او گز که وادی او گرا مشروب میگشند

بدان می ریزد . رود لوگر که شاخه های آن از خروار ووردک در حوالی بر کی برک لوگر باهم بکجا می شود از سمت جنوب برود کابل ملحق می شود . رود کابل سپس وا دی بزرگی را که بشرق کابل افتداده مشروب نموده واز تنگ غارو عبور می کند و چند میل پایان تر ازان شلا له می سازد که معروف است بشلانه ماهی پر . بعد از ازان وارد میدان های سروینی می گردد که در آنجا معاون دیگر آن رود پنجشیر به آن می ریزد . رود پنجشیر از اجتماع رود های پنجشیر و غوریند بوجود می آید . پس از آنکه اراضی کوهستانی شمال جگدلاک را پیمود بمیدان جلال آبادوارد می گردد و درینجا رود های الی شنگ والنگار که ازوادی لفمان می آید از طرف شمال بدان می بیوند . سرخ رود از طرف جنوب با آن یکجا می شود . در نزدیک کامه رود کنر به آن می ریزد . رود کنر از شمال از کوههای واخان از حوالی کوتل بروغیل منبع گرفته و درجه سرای رود پنج به آن وصل می گردد . سپس رود کابل سمت شرق را پیش گرفته وبصورت نامنظمی موازی سرک کابل - پشاور می رود . بعد از عبور ازد که که ۴۲ میل از جلال آباد دور است در منطقه کوهستانی مهمند از نزدیک مچی نی درایالت پشاور داخل می گردد . درین منطقه رود باجور و سوات به آن ملحق می شود درین وقت رودخانه بزرگی شده می باشد که در نزدیک اتنک به رود اندوس می ریزد .

جریان رود کابل عموماً تیز است و برای حمل و نقل از اکثر قسمت های آن کار گرفته می شود . در آغاز جریان آب آن کم است و در هنگام تابستان بعضاً خشک می گردد . چه ازان برای زرع و کشت استفاده می شود نامهای قدیم آن کوبها (Kophen) کوفن .) کوکس Kophus و کوآ Koa است . طول آن رویه هر فته سیصد و شا زده میل است . هلمند : رود هلمند بزرگترین رودخانه داخلی افغانستان و طول آن ۶۲۵ میل است و جریان

عمومی آن بطرف جنوب غرب میگردد . هلمند را هیرمند هم می گویند و نام های قدیمی آن ایتی ما ندر Etymandros ایتی ما ندر و اری ما نس Erymanthus و هیتو مت Haetumat است . منبع آن در شمال دره اونی از وادی مرتفعی در غرب سلسله پغمان است . در آغاز جریان قریب دو صد میل بطرف غرب ازین هزاره جات می گذرد و سپس داخل منطقه حاصل خیز درانی می شود . هنوز به گرشک نمی رسد که معاونین متعدد بدان می بینند . مانند کجرود ، رود موسی قلعه ، رود غورک وغیره . در پائین گرشک نزدیک خرابه های بست قدمیم رود خانه ارغنداب و ترنک که از مجموع رودهای ارغنداب ، ترنک و ارغسان تشکیل شده بدلوان می ریزد . ازینجا رود هلمند خیلی بزرگی می شود همینکه از منطقه گرم سیر گذشت سمت غربی را اختیار واز حوالی چاربرجک بطرف شمال جریان می کند و بالاخره بدریاچه هلمند می ریزد . آبیاری منطقه سیستان ازین رود خانه می شود .

اطراف رودخانه باستانی منطقه ریگزار همه حاصلخیز و قابل زرع است . هلمند رود بزرگی است و حتی در تابستان دارای آب و عمق زیاد است . در موقع طبیان جریان آن تندر و مقدار آب آن خیلی زیاد میشود . بزرگترین معاون آن رود ارغنداب است که از مجموعه رود های ارغنداب ، ترنک و ارغسان بوجود آمده .

رود ارغنداب از کوههای هزاره از حوالی کوتول باری حق و جنوب منبع هلمند می برآید . این رودخانه بطرف جنوب غربی روان و بعداز قلات غلزاری داخل دشت هموار می گردد و حاصلخیز ترین مناطق قندھار را سیراب می کند . در زمستان همچون جویباری می گردد اما در هنگام ذوب برف ها دارای آب فرا وان و رفتاری تندر میشود . عرض آن از یکصد و پنجاه متر زیاد نیست .

رود ترنک که از کوهستان حوالی مقرسر چشم می گیرد بسمت جنوب غرب جریان میکشد . واژ شاه جوی و قلات می گذرد . رود ارغسان که مرکب از چندین شاخه زاحد ، رود کند ، کدنی آب میباشد در جنوب وادی قندھار بدان می ریزد رودی از که اجتماع رود ترنک و رود ارغسان بوجود می آید پائین تر برود ارغنداب می ریزد .

رود کشک نخود و رود میوند در حوالی کشک نخود برود ارغنداب می ریزد و رودخانه بزرگی می سازد که این رودخانه در پائین گرشک برود هلمند افتاده سبب بزرگی رود هلمند میگردد .

رود غزنی : این رودخانه کوچک مرکبست از دو شاخه که یکی از غزنی گذشته در حدود شلگر با شاخه که از گردیز می آید یکجا میشود و رود غزنی را تشکیل میدهد . این رودخانه سمت جنوب غربی را پیموده با آب ایستاده غزنی می ریزد . طول آن تقریباً ۲۰۰ کیلومتر است .

رود پالتو : رود کوچکی است که از شرق زرغون شهر گذشته به آب ایستاده غزنی می افتد و طول آن تقریباً (۱۰۰) کیلومتر است .

رود گومل : از حوالی اور گون برآمده بطرف جنوب روانست . در خط سرحد رود کندر بدان می ریزد و آنگاه سمت شرق را اختیار و برودستندمی ریزد . طول آن قریباً ۳۵۰ کیلومتر است .

رود لوره : این رود از جمیع رود های افغانستان جنوبی تر واقع و از حاشیه نهائی جنوب شرقی افغانستان واز وادی پشین می گذرد . این رود بدرد آبیاری نمی خورد زیرا سطح آب آن از اراضی متصله پائینتر است طول آن قریباً دو صد میل و درهای مون لوره که درین سرحد افغانی و بلوچستان واقع است می ریزد .

خاشرود : از نشیب های جنوبی کوه سیاه بر آمده بطرف جنوب جریان دارد . منبع آن قریب نود میل بجنوب شرقی هرات واقع است . در نزدیک دلا رام بولایت فراه داخل میشود و بعداز طی یکصدوپنجاه میل به مناطق گرسنگر داخل میشود . آب این رود خانه غالباً برای آبیاری صرف میشود . اسم آن از نام دهی در آن حوالی اشتراق شده .

در تابستان عبور ازان سهل اما در موقع طغیان گذر ازان مشکل است رفتار آب آن سریع است . آب آن گوارا و عرض آن در فراه (۱۰۸) متر و عمقش یک متر می باشد . خاشرود بهامون هلمند نارسیده در حوالی چخانسور بچندین شاخه منشعب میشود و عموماً بهای مون هلمند می ریزد . طول آن قریب (۴۰۰) کیلو متر است .

فراه رود : از دامنه های سیاه کوه می برايد طول آن بیشتر از (۵۰۰) کیلو متر است . این رود از جماعت چندین رود خانه همچون رود غور وغیره که از دره های مختلف می آید تشکیل شده . فراه رود از شمال غرب فراه عبور و به هامون هلمند می ریزد .

هاروت رود : این رود از کوه های جنوب غربی هرات برآمده بجنوب غرب جریان دارد .

هاروت رود از سبزوار می گذرد وادی ادرسکن را مشروب و باین نام موسوم میشود همینکه معاون دیگر آن که از کوه انار دره سر ازیر میشود بدان آمیخت نام هاروت رود را میگیرد و شمال غربی هامون هلمند می ریزد .

هاروت رودیست فیاض وازان جویبارهای متعدد کشیده اند سبزوار و نواحی آن تا انار دره از جدول های آن آب می خورد این رود خانه بدنه خود دلتائی می سازد که به ۱۵ شعبه منقسم است . اراضی واقعه دلتای آن خیلی حاصلخیز و طول رودخانه ۴۳۱ کیلو متر است . هری رود : طول این رودخانه (۵۳۰) میل است واژ کوه های دایز نگی که در حدود (۱۰۰۰)

فت بلند است و قسمت های اخیر کوه با بار اتشکیل میدهد سرچشم می گیرد . منابع این رود خانه متعدد و معاونین آن زیاد است از آن جمله درودخانه که موجودیت هری رود از آنها صورت میگیرد عبارت است از سر جنگل و تنگلاب اولی از گوش شرق سفید کوه متصل چهل برج نام موضعی منبع گرفته جریان خود را تقریباً بصورت مستقیم دوام میدهد . دومی از دره چلاب می خیزد . این رودخانه تا فاصله یکصد میل بطرف غرب متوازی هم جریان داشته در حوالی قریه دولت یار که باارتفاع (۸۱۷) فت است باهم یکجا شده رودخانه هری را بوجود می آرند . از او به گذشته معاونیت که از شهرک وتولک می آید بدان می ریزد و در حوالی انجیل رود کرخ بدان می افتد . عرض این رودخانه از ۳۳ تا ۴ متر است در هنگام ذوب برفها از جهت آب خیزی عبور و مرور ازان مشکل است اما در وقت کم آبی عمقش از یکمتر تجاوز نمی کند .

هیرود از جاریلی جنوب شهر عبور و در زندجان که در سی میلی هرات واقع است متوجه شمال غرب میشود و از کهسان می گذرد و سرحد ایران را در موضعی موسوم به تومان آغا تماس می کند . رود هری ازینجا رخ بطرف شمال کرده و تابه کوتل ذوالفار قریب (۶۰) میل حدفاصل مملکتین افغانستان و ایران می باشد ، این رود در قسمت اخیر جریان خود موسوم به رود تجن میشود و بالآخره در ریگستانهای خوارزم جذب می گردد .

هیرود در سابق طویلتر و نشکیل باطلاها می داده که برود جیجون متصل بوده ولی کم کم چون شباتی ازان برای آبیاری جدا کرده اند آب آن در قسمت سفلی کم شده است . آن باطلاها تا قرن دوازدهم وجود داشت .

هیرود بطول قریباً سیصد میل از شرق بغرب جریان دارد که اکثر آن ازین وا دی حاصلخیز و شاداب هرات می گذرد . هیرود برای آبیاری وزراعت بس مفیدست و از آن نهرها و جدولها کشیده اند . در زمان قدیم ازان به جوی برای کشت و زراعت کشیده بودند که بروطبق تحریر صاحب نزهته القلوب عبارت بود از : نوجوی آذر باستان ، لشکرگان ، کراغ ، غوسман ، کنک ، سفر ، انجیر (انجیل) ، یارشت ، فیاضی این رود باعث شهرت سرزمین هرات گشت و از آنست که وادی هرات معروف بیان و غله خانه آسیای میانه شده است . فیاضی رود هری منحصر بوادی هرات نیست بلکه در قسمت های شمال اراضی تجن و سرخس را نیز آبیاری می کند .

معاونین آن در خاک ایران عبارت است از (۱) کشف رود که سرچشمه آن نزدیک سرچشمه اورک در کوههای هزار مسجد است که پس از مشروب نodon رادگان و چناران از شمال مشهد عبور و در پل خاتون به ریود میریزد . (۲) رود جام که پس از مشروب کردن بلوک جام به ریود می ریزد ، (۳) رود باخرز که از شمال این ناحیه گذشته در تومان آغا که هیرود سرحد ایران میشود به آن متصل می گردد .

رود مرغاب : طول این رود ۳۸۵ میل است سرچشمه این رودخانه شاخه های کوههای

تیربند و فیروز کوه است که بخط غیر منتظمی بطرف غرب درین وادی بزرگی که آن هردو سملمه کوه را از هم جدا می کند جریان دارد . بعداز آنکه آبهای معاونین زیاد به آن آمیخت سمت شمال غربی را اختیار می کند و از بالای مرغاب می گذرد . در حوالی مروچاق معاونین دیگر به آن علاوه میشود و در موارد خط سرحد کوشان رود که از شاخه های فیروز کوه سرچشمه گرفته بدان می پیوندد . در آق تیپه رود کشک که از حوالی کنک ورودی که از دامنه های کوه سیاه بوبک بزرآمد و از قره تیپه می گذرد بدان می ریزد .

در دره و چاق رود مرغاب قریب ۱۵ میل نقطه سرحدی افغان و روسيه است . پنجده و آق تیبه در ساحل چپ رودخانه بداخله خاک شوروی واقع است . از آق تیبه رود مرغاب بطرف شمال در جریان بوده بهرو میرود و متعاقب آن در ریگستان فرا قوم جذب میشود ، این رود خانه از سرزمین های ریگستانی و حاصلخیز می گذرد . آب آن در بهار زیاد اما در موقع زراعت رو بقلت می گذارد جریان آن تبر و عمق آن یکسان نیست .

رود آب سفید : از کوه تیر بند بدو شاخه می برآید و در سریل معاون دیگری که از سنگ چارک می آید بدان می پیوندد و بعد به آب سفید موسم میشود و از شبرغان می گذرد و بدبخت جذب میشود . طول آن قریب (۲۰۰) کیلومتر است .

رود فیصار : رود کوچکی است که از حوالی میمنه گذشته واژ دولت آباد عبور و بدبخت جذب میشود . طول آن قریب (۲۰۰) کیلومتر است .

رود آمو : یکی از رودخانه های بزرگ افغانستان آموست که قریب چار صد میل خط سرحد شمالی افغانستان امروزی را با خاک دولت اتحادیه جماهیر شوروی تشکیل میدهد .

منبع آن فلات مرتفع پامیر خوردست که در موسم سرما بزرگترین ذخیره برف و بیخ میباشد رود آمو یک رود تاریخی و دلارای اسمای متعدد و قدیمی است نام یونانی آن اوکس Oxus است که از وخشو Wakhshu برآمده در پهلوی و هرود Wehrudh و در زبان چینی و رهرو Kui-Shu یا کوی شو Wurhu گفته میشود . طول این رودخانه بیشتر از یکهزار میل است که بعداز طی این مسافه بدریاچه آرال می ریزد . این رود در آغاز جریان از دو رود خاک و اخان و پامیر تشکیل میشود که اولی از دره و اخان عبور می نماید و ثانوی از حوالی دریاچه و کتوریا یعنی پامیر بزرگ برآمده سرحد شمالی و اخان را تشکیل میدهد . همینکه هر دو رود بهم آمیخت آب پنجه میشود و جریان آن بطرف جنوب غربی است . در منطقه اشکاشم سمت شمال را اختیار می کند و با تعقیب خط نامنظمی بطرف شمال رود های شاخ غند و آفسو وغیره از موارد ای خط سرحد افغانی به آن می ریزد . همینکه به نقطه ۳۸ درجه و ۳۰ دقیقه عرض در شمال درواز رسید خط سیر آن باز بصورت نامنظمی سمت جنوب غربی را تعقیب می نماید همینکه ازینگی قلعه عبور کرد بدوحصه منشعب میشود . درین حدود هارود فرول سو از شمال و موارد ای خط سرحد به آن می ریزد و رود کو کجه از داخل خاک افغانی بدان می پیوندد . از جائیکه خط عرض ۳۷ درجه را قطع می کند رود خاک قند ز بدان می ریزد و در همین حوالی رود واکش و بعد تر رود کافر نهان در آن ملحق میشود . در جوار ترمز رود سرخان به آن ضممه میشود و از ترمز تا خم آب دیگر رودخانه همی بدان نمی افتد و رود آمو پهناز عظیم خود را میگیرد .

## د کابل کالني

- د املاکو د مدیریت کفیل : ص ، محمد اسلام خان  
 د صحیبی مدیر : « ، عطا محمد خان  
 د عایداتو د مالیې مدیر : « ، شیراحمد خان  
 د ګډرک مدیر : « ، محمود خان  
 د خارجه د مدیریت کفیل : « ، عبدالقدوس خان  
 د استخباراتو مامور : « ، محمد عالم خان  
 د ثمر خیلو د لر ګیو رئیس : ع ، ص ولی محمد خان

## د جنوبي ولايت

- تنظیمه رئیس او عسکری قوماندان : ع ، ش محمد قاسم خان  
 مستوفی : « ، ص فاطمہ الدین خان  
 د امنیي د قوماندانی کفیل : ش ، محمد زمان خان  
 د مرافعی د محکمی قاضی : ف ، فضل الرحمن خان  
 د خارجه چارو مدیر : ص ، محمد زمان خان  
 د ګډرک مدیر : « ، حبیب اللہ خان  
 د صحیبی » : « ، دکتور غلام ذکریا خان  
 د معارف » : « ، عبدالعزیز خان -  
 د فواعده امی مدیر : « ، مدد خان  
 د مخابراتو : « ، عبدالواحد خان  
 د قبائلو » : « ، محمد اسلام خان  
 د استخباراتو مامور : « ، روشندل خان  
 د ناقلينو » : « ، محمد اسلام خان  
 د حمل و نقل » : « ، عزیز احمد خان

## د میمنې اعلیٰ حکومت

- د حاکم اعلیٰ و کیل : ع ، ص سعادت خان  
 سرنشته دار اعلیٰ : « ، ص عزیز احمد خان  
 د ژاندارمی قوماندان : ح ، سردار محمد خان  
 د امنیي د قوماندان و کیل : غ ، عبدالشکور خان

رود آمو در آغاز جریان بس سریع است در بازای گومبز و دریک مسافت کوچکی در وادی واخان چریان آب آنقدر شدت ندارد اما همینکه بطرف غرب برگشت سرعت زیاد پیدا می کند . از رنگ کمی در شرق اشکاشم است تا به خورونک در شغنان در سرعت رفتار آب آن می افزاید .

اکثر از معاونین این رود از شاخه های سلسله هندوکش سرمی زند و در آغاز تابستان که برف ها و بیخ ها آب می شود وقت طغیان و مستی آب آنهاست که درین مواسم مقدار زیاد آب در مسیر کوچک رودخانه ها سرازیر می شود سنگ ها و بیخ های زیادی را با خود می آورد . آب بقدری در رودخانه ها زیاد میگردد که سریزه می کند و مواد سیلابی را بر زمین های اطراف هموار کرده و سبب حاصلخیزی آن سامان می شود .

همینکه رود آمو از سرزمین های کوهستانی برآمد و داخل وادی هموار شد سرعت رفتار آن معتدل می شود . رود آمو بعضی بستر خود را ترک میدهد و جریان خود را تبدیل می نماید چنان نچه در قرن ۱۴ این رودخانه به بحیره کسپین می ریخت .

یک معاون بزرگ آمو رود کوکچه است منبع کوکچه هندوکوه است که شاخه های مختلف آن از حدود منجان ، زیباک وغیره می برآید و از جنوب فیض آباد گذشته به آمو می ریزد .

معاون دیگر آمو رود قندز است . این رود شاخه های متعدد دارد که یکی از آن از حوالی بامیان نبعان می کند . شاخه های دیگر از کهمرد ، کوتل خواک و نارین وغیره می آید و روی هم رفته ده دوازده رود خانه خورد و بزرگ آنرا تشکیل میدهد این همه شاخه ها بدوشاخه رود خان آباد و رود بغلان بیوسته و این دوشاخه هم در ماورای شهر قندز یکدیگر ملحق شده و رود قندز را که از معاونین بزرگ رود آمو است تشکیل میدهند .

# مهره ترین مختصر عات ۱۳۲۴

نویسنده: پناگلی میرعلی اصغر شاعر

بشر این مخلوق شریف و مکرمی که در صحنه آفرینش برهمه موجود دات ر به سعادت و سرداری دارد چون با جوهر عقل و داشت ممتاز دماغ حساسش را ملکات فاضله و انسان از لامعه بینش و علم منور ساخته بنابر آن چهت تحسین زندگانی واستفاده از خصوصیات فطری خود در هر مرحله از مراحل حیات به مجاهده و کوشش قیام ورزیده و در صدد ازین بردن مواقع و مشکلات زندگانی برآمده است . سوانح طبیعی از قبیل تبدلات فصول ، اختلافات میان طوایف و تحولات جغرافیوی و تاریخی ، مؤثرات اجتماعی و سیاسی خصوصیات اخلاقی و تربیوی پسر در خلال اعصار ودهور متادیه حیات سیر زندگی او را تحت نفوذ قدر از داده و مقتضیات زمان و مکان حیاتش را آب ورنگ نوی بخشیده است . کار گاه دماغ به اثر تجربه و تفکر در شکنی های کائنات و انصاف آن باکیف و چون زندگانی مخصوص لا تی از خود بروان ساخت که در حیات علمی اقتصادی و سیاسی نوع انسان روایه ای بس بزرگی داشته و موافقش را پناگلی میرعلی اصغرخان شاعر



در آمال و آرزو ها سهل الحصول گردانید رجال بصیر و منورین دوده بشر هر وقت حیات عزیز خود را وقف سعادت و رفاه برادران نوعی تعوده و درین راه با آنکه یکث سلسله مخالفت ها و اغراض سوء مقابله شدند مع هذا چون تصب العین مقدس و مرام بزرگی داشتند از مجاهده و کوشش دست ہردار نشده و بالاخره سکه بزرگی و شرافت علمی بنام ایشان ضرب و نامی از خود در صفحه دهرباد گار گذاشتند که تا امروز درین گبند نیلگون انگکاس صدای ایشان شنیده میشود و شاید اوراق تاریخ برای همیشه از ذکر ایشان بر خود بیالله . اگرچه مختصر عات امروزی یکبارگی بیان نیامده و هزارها دماغ در خلال صدها سال آن متوجه شده مع هذا درجمله مدفین افرادی قد علم کردند که راهرا برای آینده گان

پیشتر روش ساخته و در پرتو مشعل فروزان علمی خود ذرائع استفاده عملی را ارا نه نمودند که بدینوسیله اسمای ایشان را با حروف برجسته درشت تری در صفحات کتاب دوستد اران بشر و علمبرداران نوع علمی میتوان مطابع کرد . انسان در عصور متعدد یه زندگی مائل بوده تا بشود مانند طیور در هوا بیرواز آید ولی این خواب شیرین را برای نخستین مرتبه در ۱۷ دسمبر ۱۹۰۳ دو برادر بنام اوروایل رایت و ویلیبورذریعه ماشین عملی ساختند و امروز که انسان‌ها بارا کثهای مخصوص میخواهند بلند تر از طبقه فضای صعود نموده و حتی کره ماه و سیارات را جولانگاه خویش قرار دهند در حقیقت افتخار اصلی آن بهمین دو برادر عائد است . بلی اگرچه در هر دوره مخصوصا در قرون اخیره یک ایجاد ممتاز و برجسته نسبت به سایر موجدات برازنده کی دارد که آن عصر را بهمان نام مسیی ساخته اند مثلما عصر بخار، عصر بر ق، را دیو و غیره ولی در قرن اخیره بالاخص در دوره ۶ سال جنگ مختصر عات بزرگ و شگفت انگیز بدرجه تکثر نمود که هر کدام در تحول زندگی یکی بر دیگر سبقت نموده و عظمت و شهکاری دماغ فکور و فوق العاده منور پسرا ن قرن یست را بوجه اتم نشان میدهد . اسمای مختلفه را که ها، به طیار، پیشیلن . ویویسلن، رادار، شعاع کوسمیک و صد ها نظائر آن از عجائب و خوارق سائنس امروز بشمار میروند امسال ۱۳۲۴ هجری و یا ۱۹۴۵ عیسوی را نسبت بجمعیت سنوات و دوره های حیات بشری پیشتر اهمیت و امتیاز میدهیم زیرا درین سال بشرط وارد مرحله فوق العاده بزرگ و جدیدی شده واپسیک عصر نوی به این عصر اتوم آغاز گردید . انسان در این سال از یکطرف به واسطه استفاده از از رزی اتوم بروی آتش محاربات جهانسوز آب اوگند و یکی بهم اتومی شهر معروف جا پانی هیز و شیما را با خاک برا بر ساخت و در نتیجه آن خاتمه محاربه را اعلان کرد و از طرفی هم ابواب جدیدی بر روی مدققین و علمای امروزی کشود تا درین راه به مطالعه و تحقیق پیردازند .

بعد ازین از رزی اتوم را که منع قوای آفتاب میدانند در زندگی صنعتی و اقتصادی بکار خواهند برد . اگرچه در باره اتوم خواص و قوی آن از مدت ها به اینظر ف صحبت ها بیان آمده و توجه متخصصین ساینس به آن معطوف شده ولی استفاده علمی آن برای اولین مرتبه در اواسط ۱۳۲۴ شروع شد و تنها یکی به قریه خارقه آسای آن را عملابجهان نشان داد . این قوا بدرجۀ مهم و اسرار انگیز است که ولوله و شور عجیبی درست تا سر گیتی افگند . ممالکی متخارب را دریعه این قوا تهدید و آینده امنیت را بواسطه آن از هر خطر حفاظه می نمایند تا هنوز اسرار به اتومیک غیر مکشوف بوده و همین مسلمه در دنیا مراق زیادی تو لید کرد همین از رزی اتوم موجب انعقاد کفرانس های مهم در واشنگتن و ما سکو گردید یه همین قوه باعث حرکت اتلی صدراعظم انگلستان به واشنگتن و سفر وزرای خارجه امریکا و لندن

به مسکو شد . درین مورد و مخفی نگهد اشن راز آن بین ما لکت متحده و بکارانداختن انرژی موصوف در امور ملکی معاهده ها کردند . و بینا ن های بزرگی بستنده خلاصه بشردر ۱۳۲۴ به پنهان کشف بزرگی موفق شد که تمام مکتبهات مهم دیگر تحت الشاع این ایجاد فرار گرفت اینکه مختصری در اطراف مهترین مختارات امسال باخوا نند گان محترم خود داخل صحبت میشوند .

### بم اتو میک

ساعت ۵ و نیم صبح ۱۶ جولائی ۴۵ در میدان هوانی موگورد و که در ۱۲۰ میلی جنوب شرق البوکرک (مکسیکوی جدید) واقع است حاده بزرگ و تجریه جدید علمی که بعد ها تا ثیر آن دنیا را تکان داد بوقوع بیوست درین وادی آرام و ظلمانی برای نخستین بار اتفاق بمن اتو میک را عملا تجربه نمودند به این طریق : گلو له را بر ذر وة برج فولادی جادده و درین همین گارله شور انگیز ترین اسرار درامای علمی را گنجانیده و دو اثر آن دنیا را بمرحله ساینس جدیدی وارد کردند .

سیم های فولادی زیادی در اطراف این برج فولادی لین دوانی شد که به سوچ بور دعومی در نزدیک آن برج بهم اتصال پیدا کرده بود . اطاق چوبی هزارها ذرع دور تراز این برج بر فراز یک پشتۀ آبادو درین آن سوچ ها و آلات سیمی زیادی را نصب کردند . در وقت موعده اشخاص چندباالسه مخصوص منتظر این تجربه خارق العاده بودند . چون لحظه مطلوب فراز صید و عملی شدن امتحان آغاز یافت ملاحظه کردن در اثر انفجار بمب او لایان روشنی مادرای روشنی طبیعی تولید گشت و بعد از آن در هو افسار خیلی شدید و خورد کشته بروی کار آمد و بعد ایک غرش هولناک و دامنه داری استماع گردید . نورمند کورچنان قوت داشت که گوئی آفتاب در وقت ظهر در وسط السماء تابش دارد بعد ایک ابر غلیظ و ملون به رنگ های مختلف تا ارتفاع ۴۰۰۰ متر بلند شد . یک آدم ۶ میل دور تراز موقع حدوث این تجربه چون بطرف منبع نور نگاه کرد از روشنی زیاد چشم هایش موقه کورشد ولی ضرر آن برای همیشه باقی ماند اشخاصی که از آن محل فاصله های زیادی دور بودند از حدوث این روشنی در این موقع بتعیر افتیده و کرو رابزای سه تانیه مانند روز روشن ملاحته کردند . فشاره و ابرجه زیاد برد که دو نفر ۶ میل دور از موقع تجربه در عقب اطاق چوبی بزمین خوردند . برج فولادی کما ملا محو واژدت حرارت به خار تبدیل شد و در موضع آن یک گودال وده آش فشان مانند بعرض نیم و طول ربع میل تسکون یافت ریگ بیان از شدت حرارت آب شد که گوئی سطح زمین را کاملا یک طبقه کلفت شیشه پوشانده بود . این تجربه مهمن در آن وقت آفتابی نشد و جز اشخاص معدودی که به امتحان وازمایش مذکور مصروف بودند دیگران اصلاح از جریان واقعه خبر نداشتند تا آنکه بالآخر نتائج مذکور بار دیگر در اثر بمباردمان هیروشیماذر یعنی این بن بجهان نشان داده شد

## د کابل که اند

و همه فهمیدند که چه سلاح مهملات و فنا کشند و راهنمایی در امری که از دست آمدند .  
این بهم طور گهدره مکسیکوی جدید در وقت اولین مرحله تجربه از شدت حرارت برج فولادی  
آن را به بخار تبدیل ساخته در هبر و شیائی جایان هزاران نفر را اخوند که بکلی از شناخت  
برآمدند . این بهم تسبیب ۲۰۰۰۰ طن باروت جدید (۱۰۰۰۰۰ تیکاو ) قوی تر بوده  
و با قوه بیش از ۲۰۰۰ صیاره ماقوی غله صیار برابری نداشتند . این بهم ۲ تیکاو وزن داشت  
و وقت که منفجر گشت قوه آن یک دهم یک قصد مجموع انرژی بود گهدره مواد انفجاری شامل بود  
میگویند این بهم حالا در مرحله ابتدائی بوده هنوز قوه آن بصورت درست تشییت نیافر است . لذ این  
بهمهای انرژی انسوم که در آینده آماده نباشد پر اثرب مهملکت و قوی ارخواهد بود . تماش  
بعد ازین ذریعه از بورا کت های این  
کس شهر هور و شیما



بهرآ بدوز آین « واضح بفرستند  
و حتی تمام مدل گیری را در  
ظرف چند ساعت محو نازند .  
در فونوی پیاو تمام هر گزینه  
چاپان را در هیئ و تیما علاوه  
میگنند که بذریعه بهم اتو میان  
کاملاً ازین برده شده و منهدم  
گردیدند . دره اگست ۱۹۴۵  
ذریعه صیاره نوع ب ۲۹ ک  
از نوع صیاره ماقوی قدره صیار  
است یک بهم اتوماتیک با هیئ و شما  
افگنده شد . این بمب دارای  
قوه ۲۰۰۰۰ تن ازوت بوده و  
۶۰ قصد شهر را کاملاً با خانه  
برابر ساخته است . در ظرف  
دو دقیقه بعد از آغاز لاق تمام ساختمان  
نه کور را یک جنبه دریاوار نهایت  
۴۰۰۰۰ فوت (۱۲۰۰۰ متر )  
احاطه گرده . چهار روز بعد بمب  
دیگری در بندر گاه جایانی  
ناگهانی افکنده شد که در

## عکس انفجار بم اتمیک در مکسیکو



اگر آن سی فیصد مواضع صنعتی آنجا کاملاً ازین رفت که در جمله آن فابریکاهای فولادسازی خارجی معروف جاپان بنام مستوی پیشی هم شامل بود و هم جناب فابریکاهای اسلحه سازی هستو پیشی - یورا کامی و دیگر صنایع سنگین جایان را بکنی قلع و قمع نمود؛ زمانیکه جزئیات و اسرار بم اثوم (این ایجاد فوق الماده انسال که استاع آثار تخریبی آن دقت انسان را می افزاید) بیشتر بر مردم فاش گردید آن وقت انسان ها طبعاً در صدد جستجو خواهند برآمد تا بخود معلوم نمایند که بعد ازین کدام قوه قویتر و مهملکتی بیان خواهد آمد طوریکه فلاد شتیدن خبر گذاشتهای آشناه و استعمال آن در محاربات افراد صلحجو و مدلکی را فوق الماده متناظر ساخته و تسبیت به محاربات آشناه ایشان را خلی بدهیم ساخته بود این اختراع جدیدیا کشف بهم اتو میکنند هم ایشان را بیشتر از آن وقت متأثر و تسبیت به آشناه تکر این خاطر نموده است مسلمانهیچ چیز مهم و هویر اصورت ناگهانی و آنی بیان نمی آید و هنوز هم موضوعات بزرگی سردست است که برای صلح دنیا آن را خیلی مقدمه اتفاقی می نمایند . داؤدایو انس برای مجله ( اکتشاف ) تونه فرستاده و در آن مبنده کر شده است که آیا برای خانمه دادن محاربات بهیک همچرا بربه دیگر مصروف خواهیم شد و بجهت بروی کار آوردن صلح متعلق صلح این زمان را خانمه خواهیم داد ؟ آیا هما کوشش خواهیم نمود تا بر این تعا رس طبیعی خود جهت آنها کامل از حرب و غواائل آن غله حاصل خواهیم کرد و عملاً به این موضوع مصروف خواهیم شد ؟ اولمکو بید در این مورد تاریخ بعادرس قاطع و موئی داده و نشان مید هد که دماغ هر فرد ها متوجه باین حقیقت خواهد شد که بیاری ممکن است از کدام حصه خطر بر وزن نماید و این خطر باید ذریعه یک قوای فاضی ازین برداشته شود . او معتقد است که سرویس ها و شبکه های موظفه تحقیقات بمعطای عات علمی خود را

دوام داده و دائمی استخراج و روی کار آور دن تختیک و موجات جدید خواهند پرداخت و پیمانه کار خود را نسبت بزمان محابیه به راتب خواهند افزود. این حقیقت را هم باید با خاطر داشت که مصوّبیت ما بواسطه موجودیت مهملک ترین سلاح جدید بخطیر نخواهد بود بلکه چیزی که بیشتر این مصوّبیت را تهدید می‌نماید تزویید آرزو و خواهش جهت استعمال آنهاست متخصصین ساینس و مردم بشدت می‌کوشند تا باید رایع مکافی ماشین سیاسی صلح آینده را تأمین نمایند و این ماشین را می‌خواهند که در وقت و زمان و موضع صحیح مورد استعمال قرار دارد. ماهیّت انتظار نتائج اقدامات سیاسی را داریم و این امید که بمب‌های مافسوس قوای اتو-بیک و دیگر ذرائع مخوف تهذیب خیر مستعمل با فسی می‌مانند وقتی ناکام خواهد شد که اقدامات سیاسی در این مورد ناکام بماند.

### راکت‌های مسافر بردار فردان

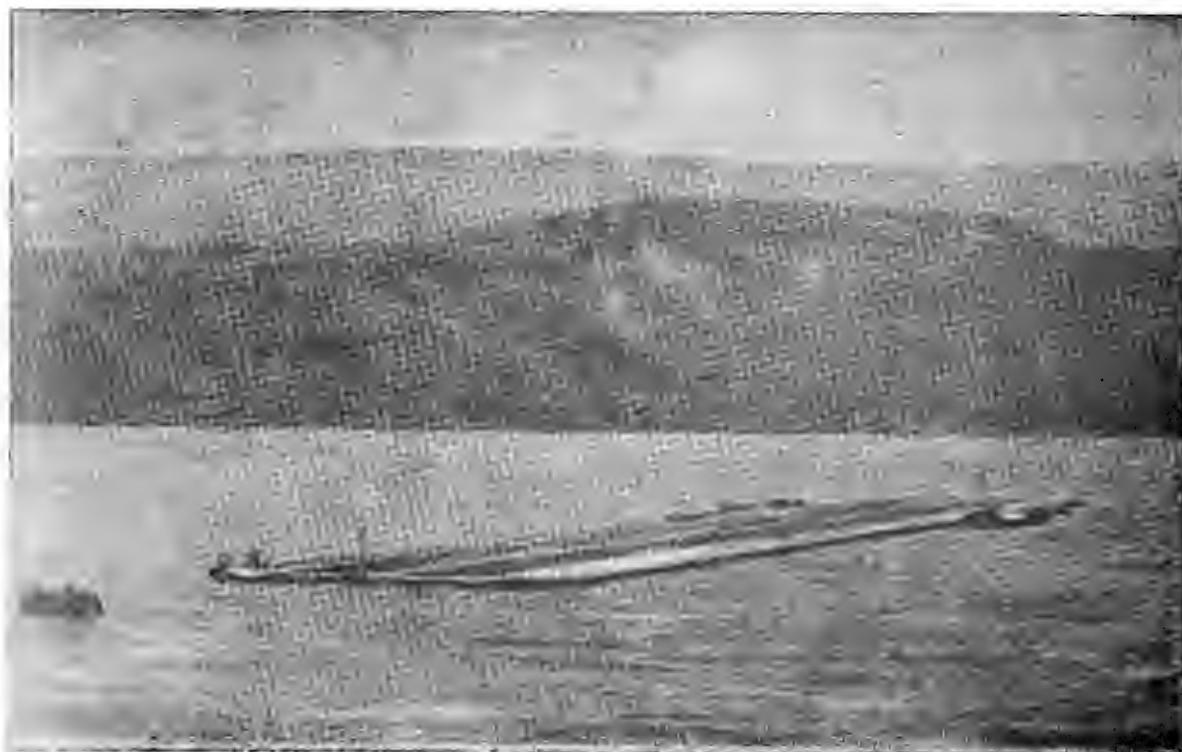
در فوتی زیر راکت‌هایی را که در هوای بازی فردا بکار می‌برد ملا حظه می‌کنید. این راکت با خود مسافرین را هم مانند حبیله حمل نموده و پرواز آن عنوان "در طبقه سترا تو سفر" (طبقه بلند تراز طبقه هوا) بعمل خواهد آمد.



### یک سلاح مهم وجدید حمله بر اروپا یا جزیره متحرک

آخر ا در لست اسلحه مخفی بر طایه که در وقت حمله متعددین بر فاره اروپا استعمال شده اند نام یک سلاح مهم به اسم جزیره متحرک یا (بلی) آشکار گردید. در فوتی زیر آن

مذکور واکه در لاملاش واقع‌سکان تبلید کرفته شده ملاحظه می‌گشند، طول چزیره متحرک ۵۲۰ و عرض آن ۶۰ فوت می‌باشد. این آله‌ای دهل های مسدس شکل شناور که بهم دیگر مصل اند تشکیل یافته و پرووی آن میدان مساعدی را برای فرود آمدن طیاره تجهیز نموده اند.



### لباس ضد انجما د

هوا بازان امریکا از چندی به اینطرف دارای چنان لباس مخصوص طیران می‌باشد که آنها را در ارتفاعات فضای سردی زیاد مانع عملیات نشده بلکه آنها حرکات خود را آزاداً صورت داده می‌توانند اخیراً فوماندانی تختیکی سرویس فضائی در رایت فلاید واقع دیتون اوهو چنین اعلام نمود که جدیدار برای عمل فضائی از نیلوون چنان لباسی تجهیز کرده اند که در سرمهیا و آب‌های فوق العاده منجمد وبارد قطب حیات هوا بازان را بخوبی صیانت می‌نماید. در آبهای قطبی بسرعت زیادی انسان برایخ زده و منجمد می‌سازد ولی هوا بازان در این لباس جدید برای یک ساعت درین آب‌های قطبی متوفف بوده و هیچ تاثیری بو جود شان وارد نشد. روی این لباس را از یک ماده میتو شانت که تابحال حقیقت آن از جمله اسرار حریست و این ماده لباس مذکور را در آب و هوای قطبی مقاومت نمی‌دهد. لباس مذکور ره رحصه بدن به استثنای چهره را حفاظه مینماید.

## را بر از ریگ

آخر آ در اثر تجارت کیمیا وی از سیلیکون ها احتمالات استفاده جدید خیلی زیاد شده است طور یکه از املاح سلو لوز عصر جدید پلاستیک هارا بروی کار آورده اند و از قیر مواد مختلفه استخراج و در صنعت آن رابکار بر دند هم چنان از سیلیکون هافواند زیادی گرفته اند . ماده سیلیکون در ریگ زیاد است ، چون سیلیکون با کسیجن و مواد عضوی از قبیل ذغال و تیل مخلوط گردد قابلیت صنعتی آن زیاد میشود . در این اواخر در امریکا اسرار سیلیکون ها کشف و کمپنی چنرال الیکتریک امریکا اعلان نمود که از سیلیکون را بر درست کرده اند . در سیلیکون را را که حصه ۴۴٪ را بر مصنوعی است امتزاج می نمایند . این را بر در حرارت زیاد مقاومت داشته و در مقابل حرارت از ۶۰ درجه تحت صفرتا ۵۷۵ درجه فوق صفر بخوبی مقاومت می تواند . این را بر چون قابلیت تمدد زیاد را داراندست بنابر آن درساختمان تایر ها از آن بخوبی کار گرفته نمیتوانند بلکه در ادوات مختلفه حربی که جهت فیر نمودن حرارت زیاد را دارا میشوند بهتر از هر چیز کار میدهد .

## قطب نمائی که دروغ نمیگوید

در سطح بخارو اراضی قطب نما که همه مباب آن آشنا هستیم بصورت حقیقی جانب شمال را ارائه نمیدارد و از ۱۸۳۱ به بعد که ذریعه جیمز روس تهیه گردید تبدیل مهمی در آن واقع نشد . قطب شمال واقعی مقناطیسی در شمال و قطب جنوب مقناطیسی در بر اعظم انتراکنک موقعیت دارد و قطب نما هانمیتوانند که بصورت قطب موقعیت قطب را نشان دهند بلکه قدری متمایل میباشند . این وضعیت در هر وقت و هر جا مخصوصا در طیاره مشکلات زیادی وارد میکند و بر علاوه فلزات و ادوات مختلفه در طیاره هم بوضعیت قطب نما تاثیر وارد میکند . اینک برای رفع این نقیمه قطب نما جدیدی بنام جیزو کمپاس ایجاد نموده اند که ذریعه آن عقر بک قطب نما با آزادی تمام بدون کمترین مانع بهر طرف حرکت و دور خورده میتواند . این آله راچه در طیاره و چه درجه از نصب نموده و سمت مطمئن را بصحت و دقت کاملاً ذریعه آن معلوم می نمایند . این قطب نما مخصوصا از ایجا دات کشوری بر طایه محسوب شده و از هنگام اختراع آن تحول بزرگی در طیارات دور پرواز وارد شده و مخصوصا در چنگ موجده در آن همه حملات شبانه و روزانه طیارات که از فواصل خیلی بعیدی پرواز می نمودند از آن استفاده قابل قدری نموده اند عمله بحریه هم از این آله مستثنی نبوده و سکمک آن را خود را از روی نقشه که در پیش دارند بصحت کامل طی می کنند . اگر این قطب نما وجود نمیداشت بمبار یهای شبانه و هنگام ابر بالای جرمنی صورت گرفته نمیتوانست . ازین قطب نمادر هنگام صلح بسافت ها خواهند گرفت .

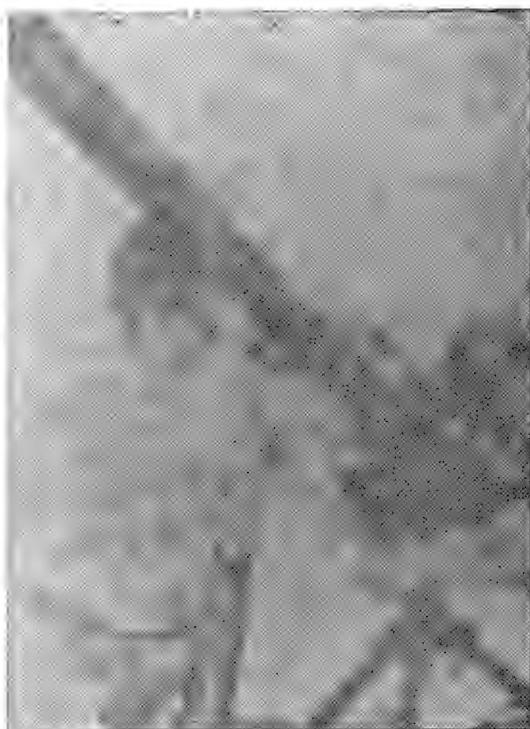
## مکر سکوب بر قی یا الکترون مکر سکوب



فوتوی پهلو تازه ترین مکر سکوب بر قی  
را اشان میدهد که از مهرین مو جدات امسال  
بوده و خدمات زیادی از آن توقع دارند،  
این مکر سکوب پنجاه مرتبه از مکرو سکوب های  
گذشته که ذریعه چشم دیده بشوند قوی از  
بوده و در اینجا باسه نفری که مسئول ایجاد  
آن میباشد بعلا حظه میرسد.

ازین سه نفر کسیکه مصروف کنترول  
نمودن آن است والد یعنی زور یکن نامدار  
که ایکونو سکوب با چشمک کمره تیل و یزیون را  
اختراع نموده است.

## توب نوع جدید



توب نوع جدید ۷۵ میلیمتری امریکا  
بدون دنباله میباشد و بشام ام نوع - ۲۰ - یاد  
میشود قوه انداخت و اصابات آن بیش از نه  
هزیل بوده و ۱۱۰ بیاو وزن دارد و بمقابل توب  
۳۴۰۰ پاوندی ۷۵ میلیمتری که ذریعه عراده  
نقل داده بشود به خوبی کار میدهد.

## د مملکتني دوازرو تشكيلات

د مراجعي د محکمي قاضي : ف ، عبدالرحمن خان  
 د مالگهي د معدن عمومي مدير : ع ، سيد محمد سرورخان  
 د معارف مدير : ص ، عبدالقيوم خان  
 د فوائد عامي » : « ، محمد حسين خان  
 د شفاخاني سرطيب : « ، دكتور حافظ احمد عليخان  
 د عايداتو د مالييي مدير : « ، حبيب الله خان  
**د گرک** : « ، ميرا كبرخان  
 د تحريرا تو مامور : « ، فضل محمد خان  
 د احصائيي » : « ، محمد انور خان  
 د استخباراتو » : « . . .  
 د كرهني » : « ، آفارحيم خان  
 د مخابراتو » : « ، عبدالقيرم خان  
 د منازعاتو د فيصلی رئيس : ع ، ص سيد کمال خان

### د فراه اعلى حکومت

حاکم اعلى	: ع ، ع ، ص عبد العليخان
سررشندهدار	: « ، ص محمد عثمان خان
د مراجعي د محکمي قاضي	: ف ، امين الله خان
دامنهبي د قوماندان گهيل	: ش ، غلام بهوالد ينخان
د معارف مدير	: ص ، عبدالصادق خان
دعايداتو د مالييي مدير	: « ، عبدالغالق خان
د صحبيي مدير	: « ، محمد اسماعيل خان
د فوائد عامي د مدير گهيل	: « ، عبدالله خان
دمطبو عاتومامور	: « ، عبدالقادرخان
د تحريراتو »	: « ، محمد امانخان
دمخابراتو »	: « ، محمد اسحاقخان
د گرک »	: « . . .
د احصائيي »	: « ، عبدالعزيز خان
د تدقیقش »	: « ، محمد شريف خان
د خزانى »	: « ، محمد عزيز خان

## پیشگوئی موسم

در اثر تبعات جدیده علمی و ساینس بالاخره به این مطلب موقیت حاصل گردند تا وضعیت آینده موسم را از روی مشاهده آفتاب پیشگوئی نمایند. در کسوف اخیره و مطالعات جدیده ذریعه ادوات مخصوصه اطلاعات قیمت داری به دست آور دند که تا حدی نسبت به موسم آینده نظریه خود را ارائه توانستند. این کسوف بصورت اتفاقی تأثیرات عجیبی بر روی زمین وارد نموده وطبق اطلاعاتی که تحقیق شده در وقت کسوف شبیه ها از آشیانه های خود بیرون شده، سگهای عویض کرده واطفال بناله درآمدند وباری پسرها چنان فریاد کشیدند که دریکی از هیئت های اعزامیه علمی متخصصین نجوی مجبور شدند تا ادوات مخصوصه را ترک گفته و به او ضاع آنها که با ایشان همراه بودند ملتفت گردند. مشکلات مشاهده به آفتاب بد رجه زیاد است که حتی اگر با محاسبات فوق العاده دقیق هم صورث بگیرد معهد انتاج مطلوب به خالی از اشتباه دانسته نمیشود. یکی از متخصصین امر یکانی به اس دکتور چارلیس ابوت که سکرتر موسسه سمتسو نین میباشد را جمع به این مطالعات علمی نسبت به آفتاب خیلی خوش بین بوده و میگوید روزی خواهد رسید تاماً توانیم در اثر ملاحظه خور شید ایام عروسی، رخصتی هامصر و فیت ها و امثال آن را معلوم نموده وازاو ضاع موسم اطلاع درست داشته باشیم. گوینا مطالعات فنی از آفتاب بماواضیح خواهد ساخت که آیا باران خواهد بارید یا نه؟ آیا سردی ویخ به نباتات ضرر خواهد ساند؟ داکترا بوت در اطراف تشضع آفتاب و اندازه آن با اختلافات روزمره این تشضع اطلاع کافی دارد. این تشضع همه روزه به اندازه بسیار کمی از هم اختلاف حاصل میکند. تبعات اویقیناً خیلی مغاید شافت خواهد شد اولمیگوید هر قدر که مراجع به آفتاب معلومات پیشتر حاصل کنیم بهمان اندازه از وضعیت موسم بر روی زمین باخبر خواهیم شد.

## استعمال جدید از شیشه های قدیم

یکی از حیرت انگیز ترین موجات زمان چنگ برطانیه استعمال جدید از تارهای شیشه است. اگر خوب دقت نمائیم معلوم میشود که اولین مرتبه در ۲۵ سال قبل یک نل شیشه را ذریعه حرارت آب نموده و بمقابل شعله های گیس آن را فرارداده و حصار آب شده آن را به طول بازوی خود کش میکردند پسان هالوله های شیشه را حرارت داده و حصار آب شده آن را بعراده های بی تایر بایسکل ملحق مینمودند و بعدیک آدم بالای بایسکل سوار شده و پایدان ها را محکم چرخ میداد تا یک نوع تایر کلفت از آن تهیه میشد. این بود نخستین مرحله تهیه تارهای

شیشه امروز تارهای شیشه از یک مقدار زیاد شیشه‌های شکسته و بیفائده درست می‌شود چنان‌های مخصوص که بالای کشتی‌های نجات افراد شده و راکبین آن را از سوت ذریعه شعله‌های نیل که بالای ایشان می‌افتد حفظ نماید از همین ماده ساخته شده و هر کدام آنها از ۱۰۲ تارهای شیشه تکون حاصل کرده‌اند . هر یک ازین تارهای مر که از شیشه آب شده بطریق مخصوص تهیه گردیده که بصورت رشته‌های بسیار باریک مشاهده شده و قطر ۰۰۰۲ ، یک انج کلمتی دارد و طول آنها اگر متند گردند یک میل خواهد شد . این چنین قائق نجات فایر پروف بوده و به قابل آتش مقاومت و مانند ذیگر زارجه ها باقه می‌شود و شکل آن مثلاً برده‌های کلفت دیگر است . اگرچه تابحال از این زارجه‌های شیشه در امور حریق استفاده می‌گردد ولی بعدازین در زمان صلح استفاده‌های پیشتر و هم‌تری از آنها خواهد نبود . در امور تعمیر و غیر تعمیر این ماده مورد استعمال زیادی دارد . شاید بعداز این عرض اگر فلزات و ادوات فازی از این ماده کار بگیرند .

### عدسیه‌های متصاله و مماس با چشم

یکی از مهم‌ترین ارتیفیسیو خلایی تازه‌های عصری عبارت است از عدد سه هائیکه عیناً بر روی چشم در حالت اتصال و تماس بیان استعمال می‌شود : عرض آنکه عدسی هارا بالای یک چوکات نصب نمائند صوری



درست تهوده  
اند که حامل  
سبتوانند آن  
را عیناً بر روی  
تضم و مردمان  
چشم گذارد  
و خودش آن  
را بزیر پلک  
محکم و مخفی

سازد این عدسیه از پرون غیرقابل مشاهده بوده و با چشم تماس کامل ندارد ، این عدسیه‌ها گذاشته از آنکه خوبتر و مفیدتر است و ضعیت قرینه‌چشم را از حیث شکل هم خوب نشان میدهد در حالیکه گذاشتن عینک آن تقصی را بر طرف نمی‌تواند . شاید برای استعمال آن به یلاستر و جراحی خوبی هم محتاج شد . قوتولی فوق عدسیه‌های مستعمله را در چشم نشان میدهد که در یکی از شفا خانه‌ها چشم حامل آن بکار برده شد .

## کاروان طیار عمومی

یکی از عجیب ترین مختصر غایت جدیده فضائی طیاره است که نام کاروان طیار موسم است هنگام که این طیاره بر فراز یکی از شهرهای انگلستان به ارتفاع ۴۰۰۰ فوت اوج گرفت هنرمند خیلی عجیب و تماشائی تشکیل داد. نام اصلی این طیاره مایلز ایرووان است که بشکل طیاره باربرد ارتشکری ساخته شده ولی این طیاره را در وقت صلح به مقاصد مختلف زمان صلح بخوبی میتوانند استعمال نمایند. طول پر واژ طیاره مذکور (۴۵۰۰) میل بوده و دو انجن آن میتواند فی ساعت از ۱۱۰ الی ۱۱۵ میل مسافت راقطع کند. در بال این طیاره نیمکت هاو دیگر اوایم خراب برای دونفر وجود دارد. در حصه بالائی اطاق نشستن این طیاره یک تانک آب، چهار سه دان سه قفسه و یک لگن مخصوص شست و شو موجود است. ممکن است ساختمان این طیاره برای مقاصد مذهبی یا انسانی امور تجارت و اقتصاد توسعه زیاد بخشد.

### طیاره تعقیب گنبدی بی دم



صورتی که در این  
فوتوهای حظه می باشد  
در امر یک جدیدا  
چنان طیاره تعقیب  
گنده ایجاد نموده  
که بی دم میباشد.  
یک انجن که همچو  
دور خوردن امداد  
پروانه ها میگردد در  
عقب طیاره خا داده  
شده و انجن مذکور

در داخل طیاره کاملا از نظر ینهان میباشد این طیار تعقیب این طیاره میباشد که ذریعه تسلیه کردن پروانه را بدور می آورد.

بعصه بالائی و پایانی بدن طیاره پروانه ها بشکل عمودی تعییه گردیده و ذریعه آن مقاومت طیاره را بخوبی حفظ کرده است.

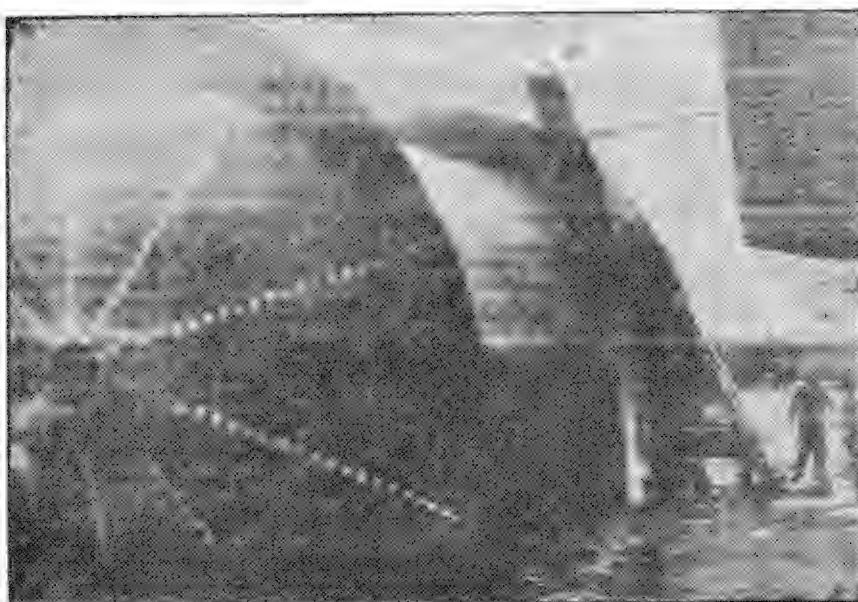
## محکم ترین چوب دنیا

پروانه های جهازات نوع ابیرتی (آزادی) و ویکتوری (فتح) را اخیرا از یک نوع چوب خلیلی محکم درست میکنند که بنام لگنم ویتا یعنی (چوب زندگی) یاد میشود . این چوب بمقابل آب شور مقاومت فوق العاده داشته و از خود روغن دارد باری چون بهوضع خود نصب گردید صرف محتاج محکم نمودن درست بوده و دیگر بهبیج چیز ضرورت ندارد . چون این چوب فوق العاده سخت است در ساختمان فریچر و منزل از آن کار نمیگیرند این چوب در غرب الهند و امریکای مرکزی بکثرت موجود است . یک قطع مکعب این چوب ۷۳ پاو وزن دارد این چون از آب هم حجم خود هم سنگین تر است . چوب نوع بالسادر هر مکعب فت صرف ۶ پاو وزن دارد فرق بین این دو نوع چوب از محاسبه فوق بخوبی معلوم میشود روغنی بودن چوب مذکور آن را از تمام انواع چوب های روغنی دنیا امتیاز میبخشد و فتنی که تازه چوب از درخت قطع میگردد یاک نوع ماده روغنی چسبنده و بودار از آن ما نمیجريان خون خارج نمیشود گویا سی فصد اصل چوب را روغن آن تشکیل میدهد و فتنی کاشفین غرب الهند و امریکای مرکزی برای اولین مرتبه این چوب را کشف کردند گمان نمودند که اسرار زندگی مدت زیات را کشف نمودند و آن را بنام لگنم ویتا موسوم کردند . روغن این درخت برای سرفه و ریوها تیزم خلیلی مفید است . حالا علمای کشف مهم دیگری ازین ماده نموده اند به این قسم که یک قطره تیل مذکور را با یک پاوه بیوی خوش ممزوج مینمایند و از عود دوباره مرض خوره ذرعه آن جلو گیری میکنند . تیل مذکور را برای چرب نمودن اغاب اسپاب و افزار فلزی بکار میبرند و همچنان در بسادوات نسبت به برآنجو دیگر فازات دوام آن را زیادتره سنجیده اند یک انجع مربع آن قابلیت ۴۰۰۰ پاو فشار را دارد . رائج آن هم خلی خوب است .

پا پل لاین نیل

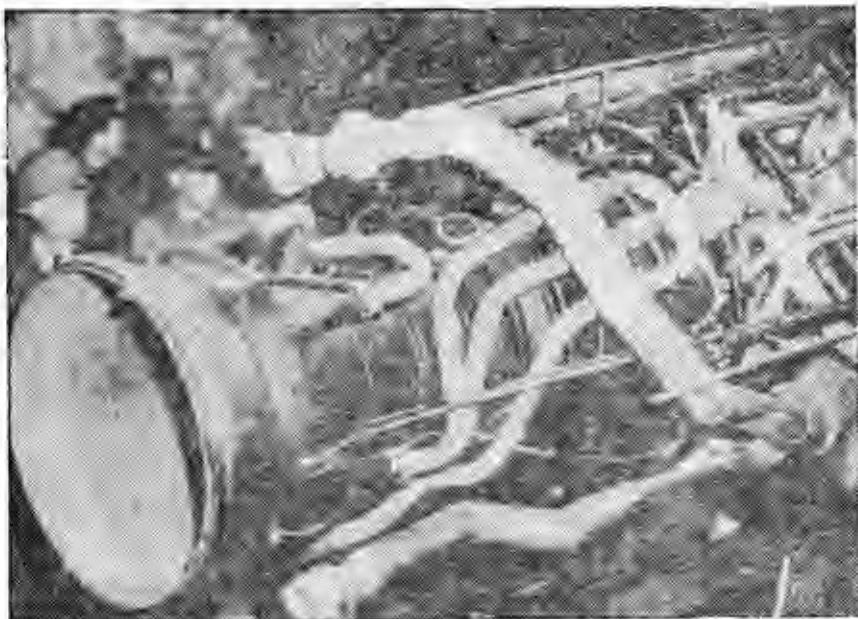
در زیر بحر

این هو تو یکی  
از او لین تسا و پر  
پلو تو یا نل تیل زیر بحر  
را نشان میدهد که  
ذریعه اداره (بریش پتر  
ولیم واز فر دیوار  
کشیده شده است)  
است . این نل تیل  
تحت البحری که در قنال



امتداد یافته از شاهکاری های علمی اخیره بشمار مبرود ذریعه این نل معروف و بی ساقه برای عساکر متعددین در اروپا تیل فرستاده میشد. ازین آله بزرگ که بنام درم موسوم است نل فولادی ۶۷ میلی از روی قتال کشیده شده است.

## راکت بومب نمبر ۲ انتقامی



بنام راکت بمب نمبر ۲ انتقامی یا د میشد.

## شريان پند هوادار و متحرک



اعضای کمیتی کامگرس  
اتاز و نی که راجع  
به جرائم قوای نازی  
در ار و پا مصر و ف  
گردش و تحقیقات  
بودند اخبار ادراقا بریکه  
زیر زمین نورده و سون  
یک سلاح نا مکمل  
قوای نازی ( طوری  
که در این فوت  
ملاحظه می نمایند  
رسیدند . ) این سلاح

در تحت اداره  
داکترهارولد آر کون  
برای شفا خانه های  
عسکری و بحری امریکا  
شريان پند های هوا  
دار جدید ( طوری که  
در فوتی پهلو ملاحظه  
مینمایند ) ایجاد کرده  
اند. این شريان پند  
بکلی خطر فساد را که  
در اثر عملیات بروز

میکندرفع نموده است چه عملت بزرگتر گریان خون شریان بند های ساقه بوده و این شریان بند دارای یک تیوب رابری است که چند انج عرض دارد و بذریعه یک کمر بند رابری دراز محکم میشود متخصصین میگویند که تولید فشار صحیح با شریان بند های عادی و معقول خیلی مشکل است ولی اگر شریان بند جدید مورد استعمال قرارداده شود یک شخص مبتدی هم میتواند آن را بخوبی استعمال نماید . یک علامت و درجه مخصوص که اندازه فشار را نشان میدهد به انجام رابر مذکور متصل است و هوادریعه یک دسته مخصوص الای نل موصوف فشار وارد میکند .

در فوتی فوق یک پرستار و داکتر را ملاحظه میکنید که قبل از عملیات پا شریان بند جدید را مورد استعمال قرار میدهد . این شریان بند خطر ساقه عملیات را که در نتیجه فساد رو میدارد رفع کرده است . موضع تعیین اندازه فشار بحصه سرمیض جادارد و اندازه فشار را در تمام مدت عملیات بخوبی نشان میدهد .

## استعمال جدید فلز تانتالم

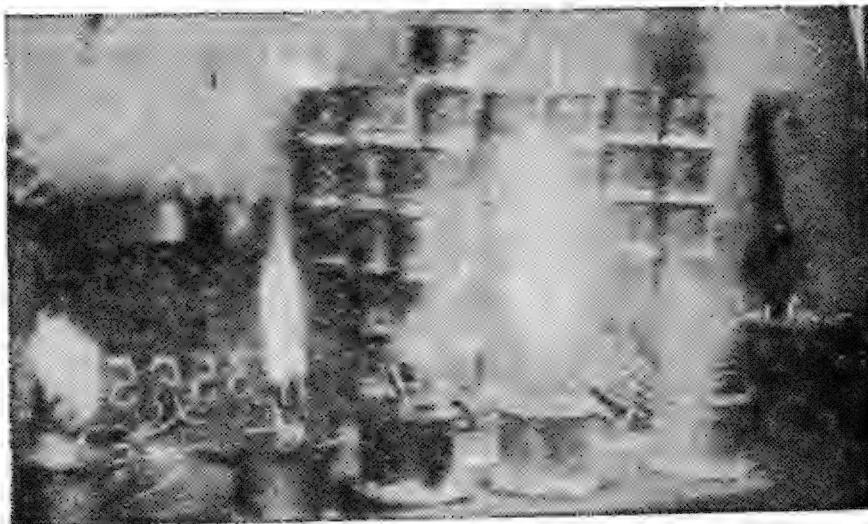
در اثنای سالهای مباریه استرالیا بحیث یک منبع مهم و مخصوص چندین معادن کم یاب و قیمتی برای متعددین قرار یافته بود . یکی از این مخصوصات فوق العاده مهم معدنی استرالیا عبارت است از تانتالم این فلز برای ساختن رادیو ، مقاصد حربی ، و حفظ چراحت خیلی مفید دانسته میشود . تانتالم که عصاره فلزی تانتالیک خام است در شفاخانه زیاد بکار رفته و مخصوصا در اوپریشن ها از آن استفاده های شایانی نموده اند . برای حفاظه حیات عساکر متروح عمله بحری و فضائی خدمت بزرگی از آن گرفته اند .

## ویتامین سی

تقریبا ۱۲ سال پیشتر داکتر جی اج بورن که در استرالیا مصروف مطالعه و تحقیق بود یک طریقه جدیدی را جهت معاینه مکروسکوبی ویتامین سی در انساج حیوان متن کر گردید متود و طریقه او به این حقیقت متکی است که در بعض حالات ویتامین سی بسهولت و سرعت (سکور نایتریت) را از هم خورد می نماید و میخواهد ازین عمل نقره را تهیه کند نقره در این صورت بشکل سیاه بینظر آمده و در تحت مکروسکوب بخوبی مشاهده شده میتواند طور یکه جریده منتقلی ساینس نیوز می نویسد این تخنیک اولاً ذریعه خود بورن ورفیق او جیزو و سائر رفقای ایشان در پاریس صورت گرفت درین اواخر بارنت و بورن در اکسفورد انساج نمو کننده یک نطفه چوچه مرغ را تحت دقت گرفته و این ویتامین را در آن تحقیقات نمودند وبالآخره به این حقیقت

که قبل از هم معروف بود پیشتر متفق شدند که وینامیون سی برای نموی انساج بسیار مفید است در نموی استخوان و علاج زخم گوشت هم تأثیر بزرگ دارد باران و بورن در استخوان هم موجود است این ها را ملاحظه کردند.

## اجاق های پترولی جدید برای عساکر



از صندوقهای  
خیمه های ۲۵ پاوه  
شنبه ها و اجاق های  
جدید ( خودریکه در  
قوتوییشگرد ) درست  
نمی کنند صندوق های  
نمک آور را سه حصه  
مرکبند حصه بالائی  
آن را به یکطرف  
نمی اندازند . حصه

مرکزی آن برای باد کردن و حصه ذیرین آن برای پترول و یا اسپرت بکار می رود تل های  
تاب دار مسی هم برای تبخیر در آن تعبیه کرده اند . در ظرف ۷ دقیقه ذریعه این شنبه پ آب  
۳ را به جوش می آورند .

## ساینس چگونه هتلار را شکست داد

باری اگر تاریخچه خدمات عدها و ساینس دان های انگلستان را در خلای جنگ موجده  
تحت دقت قرار دهیم معلوم می شود که متخصصین بر حایه در این راه مساعی فوق العاده بخراج  
داده و برای اضطراری و اذیت بردن فوای دشمن روایی داشتند بسیار کمی بازی کرده اند . متخصصین  
طی آن مملکت در این راه کمتر از متخصصین حرربی سهم ندارند بلکه هیگویند در فتوحات  
افریقایی همچدین رول فوق العاده مهم و بر جای سهم عمله طبی بوده . در بر حایه جنگی هزار  
هردم در پناه گاه ها و مستشنهای زیر زمین حیات بسیار بزرگ در این زمان تنها اقدامات و  
بیش آمد های ابتکارات طبی بود که در عین این حالت و در زمان عملات فوق العاده فضایی  
در ۱۹۴۰ و ۱۹۴۱ کدام هرچیز معرفی و عمومی که طبیعتاً و همچه اوضاع است اصلاح و نداد .  
در جمله مخبر عات جدید طبی یعنی بخش از همه طرف توجه و مهندسی کرد فرار گرفت . بر علاوه

کشف این ماده مهم دو موسسه بزرگ با کترولوجی لندن به اسم فیلدس و میلو ن در شیفلد که در اطراف سلفو نامیده تحقیقات می نماید به ایجاد بعضی از دواهای خیلی مهم دیگر موفق شد و گذشت از آن در اطراف ویتامین ها و هورمون ها چیزهای نوبس قیمتداری بر روی کار آوردند . بر علاوه ویتامین ا، بی، سی، دی که همه روزه و روزان مردم قرار دارد یک تعداد ویتامین های دیگر هم موجود است که تمام اوقات صرف متخصصین در باره آنها صحبت نموده و مو جدات جدیدی تهیه کرده اند .

### تحقیقات نباتی

اغلب اشخاصی که در وقت صلح جهت تماشا و سیاحت وارد لندن می شوند ناگزیر بودند تابع های معروف به (کیو گاردنز) را تماشا کنند . امروز در این با غ های نباتی شاهی متخصصین نباتات تحت تظارت سر جیوفری ایوانس بجنان مکتشفات علمی جدید و بروی کار آوردن مواد عوضی در بدل مواد طبیعی موفق گشته اند که موجب تحریر میگردد . متخصصین برطانوی درباره انواع مختلفه دندیلیون (انواع نباتات که شیره را برآز آن بدست می آید) واين که کدام قسم آن در کدام حصه زمین پیدا می شود مطالعات عمیقی نموده و از یک نوع آن که از یوکراین و بوئین بدست آورده و در یک ایکر زمین آن را تر بیه کر دند از ۶۵ الی ۱۰۰ پاورا بر تحریضیل کردند انساج یک نوع بته خار دار گز دارای سیلو لوز خالص بوده و بهترین نوع کاغذ از آن آماده نمودند و برگ های خشک آن را برای ساختن کروفیل که در ساختن اغلب ادویه بکار می رود استعمال می کنند . در اطراف کچالو و تربیه ا نوع بھتر آن پیشرفت های قابل ذکری نموده اند پاروهای مختلفه کیمیاوی، ادویه مهمنه ضد حشره جدید آماده نموده و اقسام مختلفه دواهای طبی تر بیه کرده اند . برای خشک نمودن اطعمه و موادر نگارنگ غذائی متودها و اصول جدید وضع نموده اند . جهت تحریضیل پروتین از نباتات شیکردار تشبیثات نوین نموده و این ماده عام المفعه عمومی رادر هرجات تکشیر بخشیده اند .

اگر مبتکرات طبی را بیکسو بگذاریم معلوم می شود که در زمینه های مختلفه فنی دیگر تاچه اندازه موفقیت نصیب ایشان شده است که هر کدام در شکست دشمن تاثیر بزرگ وارد نموده من جمله ایجادات نوین را در زمینه رادیو باید متند کر شده چنانچه بیو ر بر وک درین مورد چنین شرح دارد : « رادیو بود که دشمن رادر تاریکی شکست دارد ، رادیو بود که دشمن رادرین ابرها جستجو می کرد ، رادیو بود که جنگ جویان را بوضع لازمه برای ازین بردن دشمن می فرستاد » هنوز جزئیات مختروعات جدید را دیوئی از جمله اسرا راست . به اتفاق رادیو تیلیوزیون که آنهم از مختروعات برطانوی بود واولین مرتبه در این مملکت

نشان داده شده پیشرفت های بزرگی نموده است . در این‌ای جنگ اصول انتقال تصاوير رنگه مراحل تکامل خود را موفقانه طی کرده است . گذشته از آنها در جهازات طبیعت وغیره چنان چیزهای تو و ادوات جدید وضع کرده اند که انقلابات بزرگی در صنعت وارد کرده و عصر جدیدی را در زمان صلح بر روی کارخواهند آورده . از امواج هوایی تمثیل را دیو بلکه در امور تسخین هم استفاده ها خواهند نمود .

## جدیدترین اختراق در تلویزیون



طوریکه متخصصین میگویند تلویزیون برای اولین مرتبه در برطانیه ایجاد و آنجا نشان داده شد در این فتو سر جان اوچی بیرون ملاحظه میشود که با آله ، جدید الاختراق خود بنام تبلیکروم بنظر می آید این آله عبارت از تیوب شفاف است که تلویزیون را به صورت رنگی درین سکشیشه مقعر جهان نماشان میدهد .

## استفاده از مختبر عات حریقی در زمان صلح

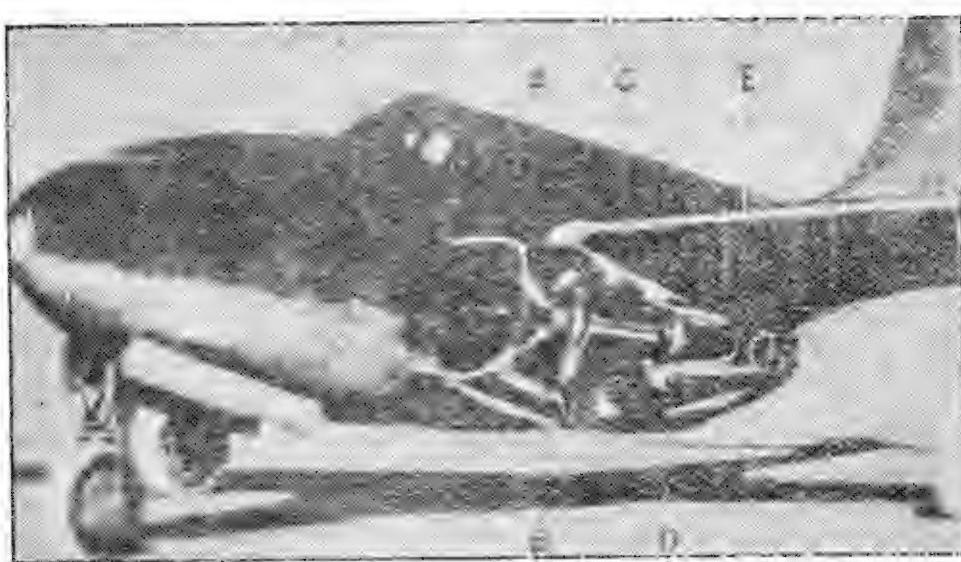
جنگ در صنعت پلاستیک برطانیه تکامل سریعانه وارد نمود . امروز در این روز نه های پلاستیکی و پوش های مخصوص دیگر پیلوت های طبیعت برطانیه دیگر از صدمه باد بد اخل طبیعت مصون میباشند . پرسپکس که یک نوع پلاستیک مخصوص طبیعت سازی است در طبیعت سازی برطانیه مورد استعمال زیاد دارد زیرا قابلیت مقاومت آن خیلی زیاد است . یکی از انواع پلاستیک های کاملا شفاف در صنعت عینیک سازی بکار رفته و تمام عینک را از آن درست میکنند عدسی ها و چوکات همچه عینک ها تماما پلاستیکی بوده و شکنند هم نمیباشد . پروفسور اومنچوس معروف برطانوی میگوید : ساختمان پلاستیک ها از حيث وضعیت مولکول ها و ترکیب آنها پیکنده بسیار از تمام مواد دیگر اختلاف دارد . معادن ذغال برطانیه در ساختمان پلاستیک های مختلف به آن مملکت خیلی مفید نابت شده است . از این ماده در امور حریقی استفاده های زیادی نموده و در جنگین مورد

بعوض را بروفن آن را برده است، اخیراً یک طبقه پنهان را با خمیره پلاستیک در اندازی ساختمان آن مفروج نموده و در اتر فشار زیاد از آن چنان ماده درست کرده است که در ماشین ها بعض فاز آن را بسکار برده اند خوبی این ماده در ماشین بی صدا بودن آنست، برای جو کات روزه هاهم از آن بخوبی که ریسک ندارد، میگویند عصر پلاستیک فوارسیده و در امور مختلف زمان صلح این ماده موارد ساختمان زیاد دارد این های رولس رارس هر چنان قابلیت واهیت دارد که در جنگ از آن استفاده نموده و امروز آنچن های مذکور را نه تنها در برخاطره بلکه در امریکا هم درست میگردند، در نوع طبیاره جیت از ۱۹۴۲ به بعد ابتکارات زیادی روی کار آورده اند که در اثر آن در فن هوا بازی کویا عصر جدیدی اولید کرده اند، از جمله مختصر عات بیرون زمان جنگ که در وقت صلح خبلی کار آمد داشته بشوندیگی یک معروف به بسیاری هرج و دیگری راه شهود سفر فلدت است، یک یلی که از روی آن تبلیغ بن اتفاقی عکس گری عبور میکند در طرف ۲۶ ساعت آماده میشود، ساختمان این نوع یک در زمان صلح هم شدید هرورد احتیاج است، راه جدید معروف به سفر فلدت این طریق درست میشود که ۶۰ غریب این این جاده را در حالیکه آقیلش بین ترا فیک از روی آن بگذرد به اندازه یک میل در طرف ۸ ساعت آماده شود، ساختمان این سرگردان در آینده مشکلات ترانسپورت را از مالکیت یک یو ایک آن گرفتار است، بخوبی رفع میگردد

### کشف انسو این جدید

در امریکا ماده جدیدی را کشف کرده اند که باعث پنهان اینچنگشن نمودن انسولین در مرخص نماییست هرورد استفاده قرار داده میشود.

### طیاره جنگی نوع جیت پروپل



طبیاره جنگی  
نوع جدید امریکا  
بام جیت پروپل  
اینک در طبقه  
ما فوق هوایی  
ز میان با سرعت  
د سهولت تمام  
ضیران می نماید  
جریان هوادر  
طبقه و موضع  
(۱) به فشار  
آمده و در از

## د بدخشان اعلی حکومت

حاکم اعلی	د مرافقی د محکمی قاضی
: ع ، ع ، ص جمعه خان	د کنترول مدیر
: ف ، محمد غوث خان	د زاندار می فومندان
: ص ، فیض محمد خان	د تحریر اتو مامور
: ح ، دین محمد خان غنده شر	د احصائی د تفییش مامور
: ص ، عطاء محمد خان	د فواند عامی مامور
: « ، عبدالعزیز خان	د سروزرو د خریداری مامور
: » ، سید عطاء محمد خان	د کرهنی دخانگی سر کاتب
: » ، شیر محمد خان	د مغار فو مامور
: » ، عبدالجید خان	د مخابرات اتو »
: » ، شیر محمد خان	

آن بالای محل (B) فشار تولید میشود .

هوا تحت فشار آمده به اطاق (C) وارد میگردد در آنجا مواد محترقه احتراق نموده و حرارت بلند میشود موتو (D) که بذریعه فشار هوا بدور می آید به آله فشار دهنده هوا در پیش قوت میدهد . جریان هوا بحصه (E) صورت گرفته و شدت زیادتر آن وارد میشود و همین اعمال موجب تولید قواشده و باعث زاندن طبیاره بطرف پیش میگردد . در فوتوی فوق مواضع مخصوصه آن را اجمالاً ملاحظه میکنید .

### مصنونیت دروغت خطر

در اضلاع متعدده در شبکات و فابریکه هایی که مواد منفجره درست میکنند عمل و کار گرها اینک بکلی از خطر مصنون میباشند و مصروفت آنها بدون تشویش و اضطراب ادامه دارد و ظوری که میگریند آنها نسبت به اشخاصی که در سیشن های پترول چهت مملو نمودن تا ذکر هاموظف میباشند مخفوقظراند و حیات طبقه دومی پیشتر بخطر معروض است فابریکه های مواد منفجره از محفوظترین فابریکه ها بشمار رفته و طبق اطلاع وزارت کار امریکا و مجمع مصنونیت ملی (نشان سیپتی کونسل) حادثات مخلقه در فابریکه ها با روتوغیره خیلی ها بوده و در مقابل ساعت کار یک میلیون نفر صرف ۴۶ حادث جراحت رو میدهد .

ساختن مواد منفجره خیلی پر خطر است ولی حالا بمحضن اجرا میشود زیرا در مقابله حدوث انفجارها وقایع مهم که اغلبًا موجب انهدام کامل فابریکه میگردد فوق العاده احتیاط و مرافت بعمل آورده اند . در اغلب فابریکه های معروف حروف حروف بر جسته (A.B.C) که خلاصه جمله (همیشه باحتیاط باشید) است در هر جا منقوش است برای عمله فابریکه ها البسه مخصوص محفوظ و ادوات و سامان های متعددی ایجاد نموده اند و چون اغلب عمله و کار گران زن اند بنابر آن جهت نگه داری آن ها سائل گونا گونی که در عین حال مفسن هم میباشد ایجاد کرده اند مخصوصاً بمقابل حریق ابتکارات قابل تو صیغه بر وی کار آورده جامه ها ، زیر جامه ها ، دستمال ها البسه سر ، کمر ، یا اوپیره را بادقت و شکل مخصوص تهیه دیده اند هوای فابریکه های موصوف را بدق ت تمام صاف نموده و رواج ناخوش آن را بر طرف کرده وجهت عملی ساختن این مطلب نی های معینی در تمام حصص گذارده اند که در ظرف ۲۴ ساعت کامل یکشبانه روز دائماً بکار افتد و کوچکترین دود یا بخار را درین فابریکه نمیگذارد . در منزل دوم بعضی از فابریکه ها مخصوصاً فابریکه های توپ سازی را دفورده در ورحبین ادوات بر قی جدیدی تعبیه کرده اند که در ظرف چند لحظه بواسطه برق تمام کشافت والوارث اپاک میکنند و دیگر کار گرامحتاج نیمسازد تا خودش برخاسته و به این کار افاده ورزد تمام اطاق دروازه ها ، دیوارها سقف هاوحتی ادوات و اسباب فایر پروف یا ضد آتش میباشند

مخصوصاً البسته فایربروف بش از همه هم داشته بیشود، ذخیره خانه های مواد منفجره را حالاً پنکلی از هم جدا نموده و مخصوصاً بعد از حريق ۱۹۴۰ که در کوبیل رو داده این ذخیره تخریب خوبی بدست آورده اندخلاصه امروز در اثر ابتکارات علمی و ساینسی خیات عمله در فایربروکه های مواد منفجره بخوبی صیانت شده و از خطر محفوظ میباشد.

### قلاب فضائی جدید

در این فوتیکی از افسران قوای امریکائی را در پهلوی یک آله جدید ا لاختراع به اسم سکای هوك (قلاب فضائی) مشاهده میگنند. درین این آله ادو ات ولو از امدادیه را بجهت عمله فضائی گذارد و از طیاره بر زمین می افکند. این آله را صوری که ملاحظه میگنند شکل و وضعیت مخصوصی داشته و بقدار ۶۵ را و مواد را درین خود جایمده. این آله نسبت به پارا شوت بصورت بهتری بوضع معین فرود آورده میشود.

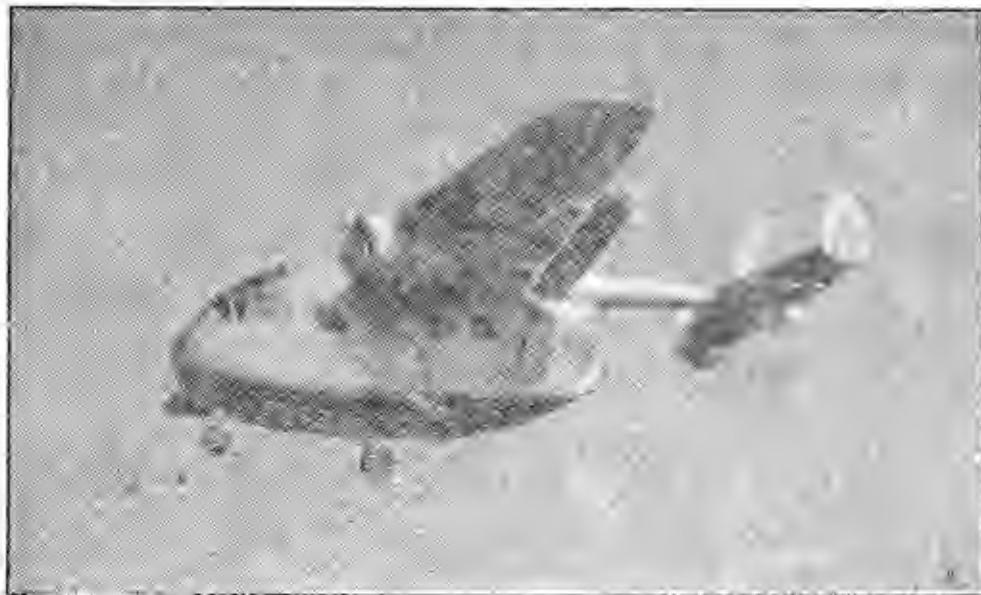


### ترکیبیں جو تقبیل دنیا

ذر فوتیکی پهلوی ر گشتن جو تقبیل را بنام (ماموت) میگاهد میگی اعمالی این جو تقبیل فایلیست بلند کردن ۲۰۰ حتن وزن را دارد جو تقبیل مددکور را دریندر گاه اوت و سیستان واقع حکومت متحده بر طبقه نصب نموده اند در فوتیکو جو تقبیل را درحالی ملاحظه میگنند که یک تن تانک را به ارتفاع ۱۴۷ تن بلند میگند.

## طیاره تجارتی جدید بر طایه

نام طیاره جدید بر طایه که برای تجارت بکار انداخته شده مایلیس ایروان است. این طیاره برای او این مرتبه بعد از جنگ عمومی دوم بکار انداخته شده و در تختین پرواز خود از انگلستان بطرف سوری رانده با پنج هزار فلم فوتون پرواز آمده و حمول خود را از بر طایه به سوری راند.



## بیرون کردن پن از معده

ذرخواسته طبی اهر لکابنام (سرین مید سکل اسوسی ایشن) نمایش عجیبی داشت. بیرون کردن پن از معده طفل داده شده در موضع مذکور واقع شدت اویس (پنجه جوان لیتل) به عملیات و نمایش مذکور قیام ورزید آله عملیات عبارت از یک تزویست که بمعده داخل می شود حصه متوجه این نل معده راه منسط نموده و برای عملیات آزاد سرگردان و مقنا حیس مخصوصی که در تیوب مذکور وجود دارد پن را بخود جذب نموده و به آسانی بیرون می کند در فوتوبن مذکور را که از معده خارج ساخته شده ملا حظه می کند.



## کنین از قیر

از ۱۶۳۸ بعد که کوتتس موضع سنچون خانم حکمران پیرو ذریعه یک مشروطی که از پوست درخت مخصوص ته شده بوده شفایافت این ماده تنها واسطه تداوی قرار گرفته و همین درخت منبع طبیعی کنین دانسته میشد . خاصیت طبی و معالجی آن از مدت هاییش درین هنرها ای امریکای جنوبی معروف بود . در سطقرن ۱۹ درخت های همیشه بهار که دارای رائجه تیزی بودند درجا و ذریعه هالیندی هامور استفاده تجاری فرازداده شدن در ۱۹۴۲ چون جایا نی هاشرق الهند را زها لیند بdest آوردند کارغرس اشجار مذکور به یعنیه و سیعی سردست گرفته شد مع هزادروقت صلح پیداوار این ماده به اندازه نبود که ضرورت دنیا را تلافی کند و تقریباً یک عصر است که علمای خواهند بذرائع کیماوی در پیداوار کنین تراوید حاصل نمایند ولی مو فقیت حاصل نیکرددند تاینکه در این او خرد نهر متخصص ۲۷ ساله کیمیا در بوستون داکتر روبرت پریس و دورد داکتر ویلیام فون ایگرس دورینگ موقیت بزرگی در این مطلوب حاصل کردند . این کیمیا دانهای جوان بعد از تحقیقات ۱۴ ماه به این مطلوب کا میاب گردیدند ، آنها در اول وله راجع به انواع و تعداد اтомها درمولکول کنین طبیعی تحقیقات بعمل آورند و داکترود وردیان میکنند : ما و تمام کیمیادان هامیدانیم که تعداد اтомها و مولکول هادر کنین اصلی حسب ذیل است : مولکول کنین از ۲۰ اтом کاربن ، ۲۴ اتم هایدروجن ، ۲ - اтом اکسیژن و ۲ اтом نایترو جن مرکب است ولی نمیتوانست که این معما بزرگی را بدرستی حل و از ترکیب مواد موصوف بمعیار فوق ماده مذکور را درست کشنند . آنها از یکی از متفرعات و مشتقات قیر یک ماده را که بنام بترل دی‌ای‌دی‌موسوم بوده و خیلی ارزان است مواد کیمیاوی و اساسی فوق را تحقیل کردند و اтом هارا به درستی بکار اند از این مولکول ها بصورت صحیح تیکون یافتنند . در این راه چندین مرتبه تجربه و کوشش کرده مشکلات و خطاها مواجه شدند تا آنکه بالاخره موقیت حاصل و کنین صحیح بدست آوردند . در فوتی زیرود ورات (چپ) و دویرینگی را بطرفراست ملاحظه میکنند و در فوتی راست مو ایکول کنین که (۰۰۰۰۰۱۵۰)

مرتبه از اصل آن بزرگتر نشان داده شده ملاحظه می نمایند در این فرتو اтом های کاربن که بحرف (C) نشان داده شده به تعداد ۲۰ اتم هایدروجن بحرف (H) نشان داده شده

۲۴ واتوم های اکسیجن که بحرف مخفف O نشان داده شده ۲ وازنتر و جن بحرف (N) هم ۲ اتوم است. اوتوم های سیاه غیر علامت دار کاربن و اتوم های استرازو شنبی علامت ها یدر و جن را نشان میدهد.



### غذای بهضم رسیده جهت اهالی اروپا

جدیدا در اصلاح متحده امریکا یک نوع بروتن مخصوصی به اسم امیجن (Amigen) آماده گردید اند که برای صدها هزار افراد اروپائی ادرست شده و مخصوصا اشخاص ازین ماده استفاده می نمایند که هاضمه ایشان درگاز اختلال گردیده و وضعت طبیعی خود را لازم دست داده باشد برای تهیه امیجن از یانکر پاس (لوزا لمده) گراز والبومین شیر استفاده می نمایند. از امراض ازیم های یانکر پاس بالبومین شیر در انتان دور و ز امیگر ایسید هاشکیل می یابد و ایسید های مذکور به دولت فایلیت جمل شدن را در خون دارند.

جذب از این اتفاقات از این اتفاقات

آنکه این اتفاقات از این اتفاقات

## ابتکار جدید در فیر نمودن از طیاره

در فوتوفی زیر مدل و نمونه یک طیاره را ملاحظه می کنید که تو پنج آن بذ و بعد یک آله

۶

مخصوص رؤیت میتواند

بطیاره دشمن در هر جا

که باشد حمل و فیز

نماید . ۱ اگر طیاره

دشمن بمقابل تو بجی

این طیاره عینا در

برابر آفتاب هم قرار

گیردا و بذر بعد آله

جدید الآخراع در رؤیت

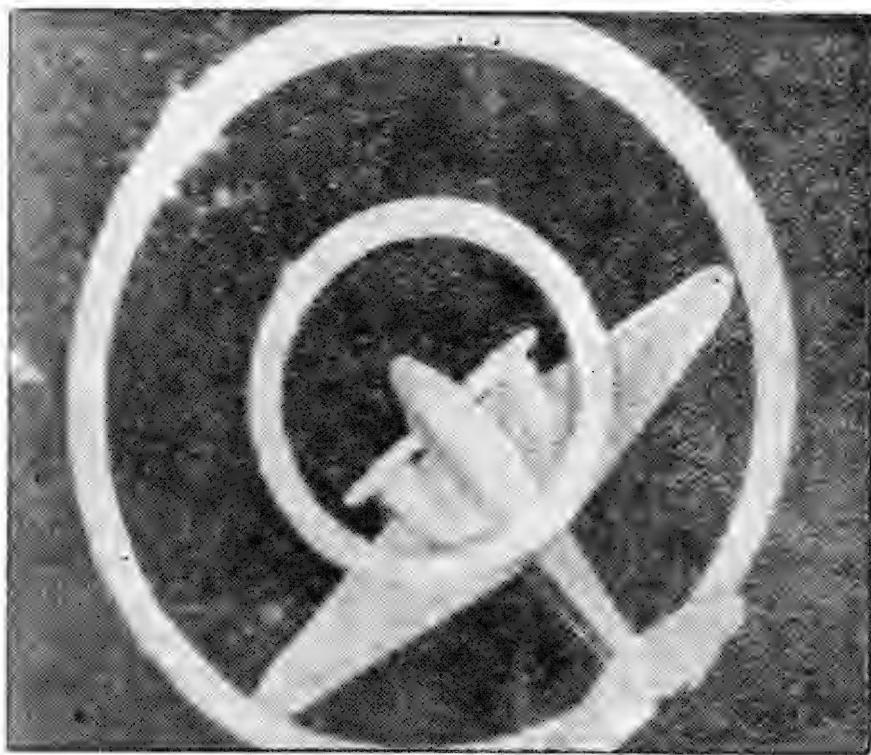
پسند طیاره

دشمن را هدف قرار

میدهد و روشنی آفتاب

چشمها پیش را خیره

نمیخوازد و حالا نکه



اگر طیاره دشمن بمقابل آفتاب قرار میگرفت بواسطه شماع خیره گشته آن بذوستی نشان  
گرفته نمیتوانند

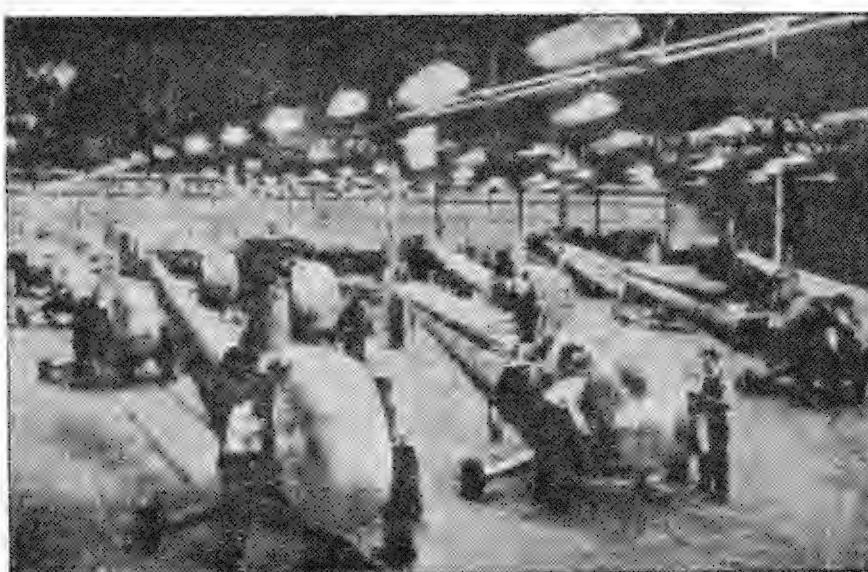
## اعطای جائزه نوبل بیان متخصص فرانسوی

پروفیسر جولیوت مدیر تحقیقات عالی در مؤسسه تحقیقات ساینسی ملی مزر کزی به اتفاق خانه  
خودایرن گوری به کشف عوارض رادیو اکتیوئی مصنوعی موفق گشته و این ایجاد اسکان بر روی  
کار آمدن رادیوا کیبورا از مواد غیر رادیو اکتیویستور گردانیده است و شاید به این کشف جدید  
او مواد عوضی رادیوم راهم تهیه نتواند، در مقابل این ایجاد هم به این زن و شوهر جائزه نوبل  
اعطا شد. بر علاوه آنها در اطراف نیوترون، یوسینترون و تجزیه مصنوعی بورانیم ابتکارات  
زیادی دارند: پروفیسر مده گور به اتفاق رفاقت ر وقت اشغال فرانسه ذریعه المان بر خلاف المانها  
داخل اقدامات شده و مخفیانه برای عساکر فرانسه مواد ناریه درست میگردند.

## شاخص جدید برای طیاره بمب افگان

د اکثر ولفرید فرانس کو کسون که یکی از متخصصین جوانست برای بیماریهای مشکلین صبارات قوای شاهی بر طایه شاخص جدیدی ایجاد کرده و حملات آنها را درین آن خیلی موّر و صحیح ساخته است که کسون میگوید قلا شاخص دیگری بنام (چشم سحری) وجود داشت ولی بهب افگانها در ۱۹۴۱م خود را بهدف بدروستی افگانیده نهادند و چون خودش از متخصصین کیمیاست و دوره های زیادی را در لارکهای اتوار کیمیا وی طی تمرکز و منحصر صادر بیورستی (درها م) معروف خدمت بوده است آله فوق را بنام شاخص به افگان اختراع کرد این آن عبارت از صندوقچه ایست که قبل از رسیدن بزمین بهوا مشتعل میشود و چون بزمین رسیده محتویات آن در اطراف موضع اصل استخوانی منتشر شده و اطراف آن محل را بخوبی روشن کرده و در نتیجه هدف را بدروستی شان پیدا میکند.

## ماشین های جدید طیاره هلیو کوپتر



در قوای ارتش های مختلف  
جدید مدل های هلیو کوپتر  
را در یکی از قایقرانی  
های مشکل از ملاحته  
عنوان آید از این ماشین  
به تعداد زیادی در  
امریکا ساخته شده  
و برای عمده اجات  
جهان ایجاد مده قطبین  
تحت الیمنی و عملی  
کشانی خدمه اند  
زیادی از آن گرفته اند

## نمای استخوان های شکسته

در شفاخانه مید اسکس لندن که یکی از موسسه های صحی خیلی مهم آن شهر است در شعبه مخصوص فزیولوژی متخصصین معروف تحقیقات اندتا در اثر آن توافق و کمیود یهای

وجو د نقص د یده را طبیعته معا لجه نمایند دا کتر بلو م که از اطبای درجه او ز و معروف است مخصوصا امور این شعبه را نظارت میکند درشروع جنگ موجوده دا کتر بلو م کیطان دسته های طبی قشوں شاهی مقرر گردیده و از این وقت به بعد تجربه های مهمتر و قیمت دار تری بدست آورد . در اثنای جنگ عوارض شکستگی های استخوان نه تنها در بین عساکری که در جبهه جنگ اند بکثرت اتفاق می افتد بلکه افراد ملکی هم به آن بیشتر مبتلا میگردند مخصوصا در وقت بمباری چون چره های بم زیاد تر استخوان ها را متاثر من سازد لذا عوارض مخصوص بیش از دیگر عوارض رو میدهد . شکستگی های عظام دیر یا زود معالجه میشود ولی چون در این مدت بشفاخانه ها افراد زیادی آورده میشوند بنا بر آن شکستگی های مذکور بهر قدر سرعت ممکنه که صورت میگیرد باید علاج شود . برای موقفيت به این مطلب دا کتر بلو م به تحقیقات علمی شروع نموده و ۱۴ خرگوش را در لا برا توار خود تحت ندقیق گرفت و یک استخوان را از یک عضو تمام خرگوش ها شکستاند از آن جمله ۶ عدد خرگوش را بحال خود گذاشت تا طبیعت خود بخود به معالجه آن ها قیام نماید اما در هشت خرگوش متباقی بهمین حمه ک استخوان شکسته شد، بونهاده مخصوصی را که از مواد کیمیاوى تشکیل یافته استعمال نمود پس تمام ۱۴ خرگوش را هفتنه یک مرتبه تحت شعاع اکس فراردادند . چون از حمه مذکور ذریعه ماشین اکسر یز عکس بر داشتنده معلوم شد که در شش اولی برآمدگی استخوان در ظرف ۳۵ روز همان حالتی را دارا شده بود که در ۸ متباقی آن حالت مذکور در مدت ۲۱ روز نتیجه داده بود گویا به این زیلی یا مادة جدید التر کیب دا کتر بلو م معالجه را دو خمس حالت طبیعی تخفیف داد آیا عملت این موقفيت دا کتر بلو م چیست؟ استخوان ازانساجی مرکب است که ذریعه املاح فاسفورس و کسیوم مستخرجه از خون تصلب حاصل میکند . دا کتر بلو م اراده نموده تا این کلسیوم و فاسفورس ها را در وقت شکستن استخوان مستقیما از مواد کیمیاوى تحریصیل نماید . و یتا مین سی بیای تشکیل انساج استخوان یک چیز حتمی ولا بدیست آنها یکه در وجود خود ویتمانین سی کمتر دارند انساج استخوان ایشان بسیار دیر تکون می یابد و حال آنکه بر عکس کسانیکه از این ویتا مین زیاده تر دارند و آن را بیشتر بدست می آورند زود تر علاج میتوانند زیلی جدید دا کتر بلو م عبارت از فاسفیت است که از فاسفورس و کلسیم مرکب میباشد و این دو ماده بیکم طریق مخصوص تر کیب یافته اند که بنام کلسیم گلمسیر و فاسفیت موسرم است دا کتر بلو م فاسفیت ها را از استخوان ها و گرده های پشکت تحریصیل نموده این ماده را در وجود آنها انجکسیون نموده هنوز هم دائمه تحقیقات او دوام دارد .

## لو کوموتیف های زمان بعد از جنگ

متخصصین بر طانوی نقشه‌لو کوموتیف های زمان بعد از جنگ را طوری که در فتوتوی نزیر ملاحظه می‌نمایید خوش نموده اند موجود این لو کوموتیف موسسه لوندیل ها نهادی است که خدمات



و کار روابهای آن در زمان بعد از جنگ نسبت به تمام شرکت‌های بر طایه مهم تلقی می‌شود سادگی و خوبی این لو کوموتیف هایک صونه مهی از این ادعا دانسته می‌شود . این لو کوموتیف بعدها رنگ ملون شده که خوبی و نفاست آن را دو بالا نموده است .

## پلیت فارم هادر مافوق طبقه فضا

ا تجزیه‌ای جرمی و متعددین خبرهای بسیار دلکش و در عین حال صوری داده و گفته اند که در آینده امکان خواهد داشت تایوت فارم های بزرگی در طبقه مافوق فضا « ار تفا ع ۰۰۰ میل بالای زمین درست نمایند .

آنها تصویر می‌شانند که در این بلندی قوه جاذبه زمین تاثیری وارد نمی‌دارد در این پلیت فارم های آئینه های مخصوصی صب می‌کنند تا ذریعه آن شاعع آفتاب را بهر حضه زمین که بخواهند عنکس ساخته بتوانند و به این طریق شهرها و قوای توپید کنند و قوت را از زمین ببرند و ممکن است با این آئینه های مده کور رای متعادل صلح و جنگ استفاده نمایند متخصصین جرمی می‌گویند این مطلب از راکت های برقی صده ۱۸۰۰ میل از عمد یکسر در فضا فاصله داشته باشد کار می‌گردد . اگر این ایوت فارم های مافوق طبقه از نظر تامیل شوند و ساختمان آنها ذریعه را ایستاده مخصوصی صورت بگیرد آن وقت ممکن است در طبقات بلند و سپارهای دیگر سفر خود را دوام داده باشند طریق که در هر چیز ناشناخته باشد و بعد طرف زهر سفر خود را آغاز نمایند .

## زندگی در مریخ و زهره

دکتر هنری نورس رسول که در یونیورستی پرنسن بحیث منجم کار نموده و از جمله مشهورین درجه اول است میگوید در سیستم نظام شمسی ما صرف سه سیاره قابل سکونت دانسته میشود و آنها عبارت اند از زهره، مریخ و زمین او علاوه میکند که در مریخ حیات موجود بوده و حالا هم وجود دارد و اوضاع معلوم میشود که زهره هم برای زندگی مساعد است ولی این حال یقیناً در عطارد محسوس نیست. ساعت ۱۲ حرارت آن جا ۶۰۰ درجه فارنهیت است در دیگر سیارات میزان حرارت از ۱۸۰ الی ۳۰۰ تحت صفر فرق میکند. او میگوید در سیستم های بعیده نظام شمسی هزاران ستاره دیگر موجود اند که قابلیت حیات را دارا هستند.

## اطلاع از موسم- سلاح تکنیکی جدید

اطلاعات بیش از وقت نسبت به موسم آینده یکی از ذرایع مهمه تدافعی بشمار میرود. قوای فضائی شاهی برطانیه و قوّه فضائی امریکا از این سلاح تعییوی مهم که عبارت از تحصیل اطلاع از موسم آینده است بمقابل دشمن استفاده های شایانی نموده اند. در نقاط بعیده زمین در مقامات دور دست قطب شمال و در حصص مناطق حاره سرویس های مخصوص تعیین موسم که عملت تولید مواسم حصص موصوفه دانسته میشوند متمرکز ساخته شده اند. از این سنتیشن های مرکزی نقشه های مهمی ساخته شده از آنجابتام حصص لازمه اخبار راجع به موسم ابلاغ میگردد بصورت عمومی در هر جاییکه مرکز قوای فضائی وجود دارد اشخاص سرویس های موسم هم مصروف خدمت اند در اطراف خفایای طبقه های بالائی هوا اطلاعات مهم حاصل نموده و برای این عمل رادیوی مخصوصی به اسم رادیو سوند ایجاد نموده اند. این آله که چندین اونس وزن دارد بیک بالون ها یدروجن بسته میشود. این بالون بهر اندازه که بالا میرود آله مذکور هم در تحت فشار رطوبت وغیره عوامل علامات مخصوص رادیوئی از خود انتشار میدهد آله های مخصوص آنده این علامات را بصورت اتوماتیکی اخذ می نماید و بعد مشاهدات موصوف به افسران و مواضع مختلفه تیلگراف شده و وضعیت حقیقی موسم را ذریعه آن معلوم می نمایند. این اطلاع برای هوابازان، موظفين امور آیاری و انجینيرها، متخصصين زراعت وغیره خيلي مفيد است وضعیت فضارا ذریعه اين آله از ارتفاع ۸ الی ۱۰ ميل بخوبی معلوم میکنند در بعضی از حالات آله مذکور بفاصله ۱۸ ميل هم در طبقات بلندها صعود کرده است.



## دولي دواں و تشکیلات

### دولي شورا عالی ریاست

#### الف - رئیسہ ہیئت:

رئیس	: ع، ج عبدالاحد خان
امیری معاون	: ص جلال الدین خان
دوہم	: سید ابوالغیر خان
منشی	: عبداللطیف خان
دمنشی معاون	: ص محمد انور خان
دمجلس سر کاتب	: محمد داؤد خان
دکنترول مامور	: محمد حسین خان
داجر انتی سر کاتب	: محمد عمر خان
داورا فو مامور	: فیض محمد خان

#### ب - دینختمی دوری و کیلان:

د کابل دمر کن و کیل	: ع، محمد زمان خان
S.Ex. Abdul Ahad Khan Président du Parlement	
د شش کروہی	: عبدالسبحان خان
د بیغان	: محمد ایوب خان
د او گر	: محمد عمر خان
د ور دک	: محمد اسماعیل خان
د میدان	: عبدالرؤف خان
د سروبی	: غلام صدیق خان
د چار بکار	: محمد اعظم خان
د جبل السراج	: ذوالفقار خان
د کوه دامن	: عبد الفتی خان
د تکاب	: حبیب اللہ خان
د بھراپ	: بهادر خان
د سیغان و کھمرد	: محمد یوسف خان
د پنجشیر	: میرزا عبدالحیم خان

## سلاح جدید بر خلاف ملخ

در شرق وسطی و افریقای شرقی برخلاف ملخ های آن سامان یک سلاح جدید بروی کار آورده اند که خیلی مفید و موثر مبایش نموده اند که این دوا در لست اسرار داخل بوده و بنام (۶۶۶) یاد میشود و بعضی سودیم ارسینت دوای معروفی که تابحال بر ضد ملخ استعمال میشود بسکار میرود . از اطلاعات واردہ که نسبت به این ماده جدید الاستعمال بدست زیسته معلوم میشود که این مرکب خیلی موثر بوده و نسبت بهم بیشتر مفید ثابت شده است این مرکب جدید الاختراع در برطانیه ساخته شده و از فوائد مهم دیگر ۶۶۶ آنست که بوجود حیوانات دیگر ضرر ثابت نمیشود .

## نصف یک قرن برای مجادله با مرض

موسسه ای پدیولوژی و میکروبیولوژی اخیراً جلسه سالانه بیست و پنجمین سالگرۀ خود را به پایان رسانید در این موسسه ابتکارات مهمی بعمل آمده و من جمله واکسیناسیون تحت جلد مقابله دایستنتری و اصول جدید مجادله باداء الخنازیر، ایجاد سیرم ضد تیفوس و امثال آنست . این موسسه از هنگام تاسیس خود تابحال بمقابله امراض مسری ۷۰۰ اقدام مهم نموده است این موسسه در ابتداد ریشه چهار نفر تاسیس گردیده ولی امروز حیثیت مرکز علمی بزرگ داشته و به تعداد ۱۵۰۰ نفر داکتر، متخصص، پروفیسر باواکسینها، سیرمها و امثال آن برای رفع و ازاله امراض مصروف تئیم و ابتکار اند و مخصوصاً مطالعات آنها درباره تب تیفوند، تب پاراتیفوند، دایستنتری، تیتانوس وغیره خیلی مفید و جدید است . یکی از پروفیسران این مؤسسه کرونوتوسکا یانام دارد که بر ضد تیفوس واکسینی ایجاد نموده و به آن واسطه به انعام بلند ستالین مفتخر گردید . یک تعداد موجدین دیگر در این موسسه مصروف خدمت اند که خدمات و مختبرات علمی ایشان در دنیای طبابت اهمیت فوق العاده دارد .

## طریقه جدید معالجه اعصاب مفلوجه

اخیراً برای معالجه اشخاصیکه وضعیت عصبی شان در اثر ابتلا بعارضه فلنج معروف به (انفتایل پارالایسیس) خراب شده یک نوع تفنگچه مخصوص ایجاد کرده اند که یهای مریض آن را بکار میبرند این عمل جدید بنام نیورو تریسی یا انقطاع عصب یاد میشود و در تحت عملیات یهوشی



و یا هاش عضله عصب از کار افیده را دوباره تحریک و تهییج می نماید . انجام کنند این آن در آن موضع عضله که داخل میشود ( اسماج عصبی را که هنوز سالم است ) تحت تأثیر بیگیرد و یک نوع شاخه جدید عصبی مانند درخت که شاخ بری میشود تشکیل میشود . پس درین عصب خشک شده قوای از دست رفته خود را دوباره می دست می آرد . این عمل را در ۸۰۰ مر بین استعمال نموده و نفوذ نمود فناوت بخشی از آن حاصل گرده اند که دیگر ضرورت بعملیات قطع عصب باقی نماند است .

### رهنمایی منجمین به طیاره

برای امیرا لیعری بر طایه در هر ۵ سال نقشه های مقنای طبی تهیه میشود . کاین نقشه های مذکور بهر یک جهاز و طیاره داده شده و به عمله آنها راجع به نوعیت قطب نما و انتخاب آن که با خط سیر ایشان مطابقت دارد معملاً مات مفیدی میدهد اولین نقشه مقنای طبی در ۱۷۰۱ ذریعه ادموند هالی تهیه گردیده است امروز در نزد یک کوچه کوچک ایستگاهی در تحت اداره سر هارولد سینسر جون متخصص در اطراف اختلافات دائمی قطب نما مصروف مطا می شود و مبلغوا هند که بدرایع مختلفه این همه تبدلات را از بین بینند . تبدلات مذکور بصورت عمومی در این قوه مقنای طبی زمین عارض میشود . برای رفع وجود کپری این اثر مقنای طبی زمین ریکار دفوت و گرافی مسلسلی از تبدلات مذکور ذریعه ادوات حساسی برداشته اند . مطالعات مذکور از ۱۸۴۰ به بعد در رصد خانه شاهی بر طایه آغاز یافت . در هله اول تبدلات مذکور را در خلال ۲۴ ساعت بچشم مشاهده میگردند و بعد پس از ۱۸۴۸ که فوت گرافی بیان آمد از تبدلات موصوف عکس میگرفتند . فوراً این حقیقت را هم کشف گردند که حدوث آنها هادر آفتاب در قوه مقنای طبی زمین و تبدیل آن تأثیر بزرگی وارد میکند برای اینکه این عوارض را بدستی تحقیق نمایند از آفتاب هر روز عکس برداری می نمودند و تاریخ این ریکاردها

حسب افیضای زمان به ۱۸۷۳ میرسد . چون هوای انگلستان اغلب پرازمه بوده و آفتاب در آنجا روشن نیست لذا اغلب این تحقیقات در دماغه امید و رصد خانه کودیکا نال در مردم راس که برای فوتو گرافی آفتاب موقعیت خوبی دارند بعمل آمد و نتیجه آن به رصد خانه شاهی اخبار میشد . رصد خانه مذکور به قوماندانی قوای فضائی و امیرالبحری بر طاینه تماس قریب داشته واز نتیجه فوتو گرافی های آفتاب ایشان را اطلاع میداد . در اینسای مخابرات رادیوئی اخذ امواج بعضاً ضعیف میشود و طوری که از تحقیقات اخیره علمی معلوم نموده اند این ضعف در نتیجه یک فوران آفتابی یا اشتعال آنست و در این موقع یک حصه کوچک آفتاب (که از زمین بزر گستر میباشد) بیشتر از حرص دیگر آن مشتعل میشود . این اشتعالات آفتاب اغلب بعد از یک روز در اسر طوفان مقناطیسی بعمل می آید واز این طوفان مقناطیسی قطب نما خیلی متاثر شده ودر وضعیت مخابرات تیلسکوپی و تلفنون هم تحولات رو داده و مخابرات رادیوئی هم بشدت تحت تأثیر آن قرار میگیرد .

انتهای راجع به طوفان : مثلاً تصور نمایید که یک طیاره بمب افگلن بعد از عملیات به آشیانه خود بر میگردد در اینسای راه مشکلات دچار شده و مجبور است که ذریعه رهنماei رادیو از مرکز خود بزمین عود نماید اگر طوفان مقناطیسی در اخذ امواج رادیو تحول وارد کرده باشد فرود آمدن محفوظانه طیاره بزمین مشکل میگردد . بنابر آن در اثر اعلامیه و اخبار رصد خانه از طوفان مقناطیسی و شروع آن قوماندانی قوای فضائی وقت و زمان بمبارد مان را در آوان محفوظتری که از این خطر مصون باشند تعین میکنند . تمام این اطلاعات متعلق به تبدلات مقناطیسی زمین در رصد خانه شاهی گرینوچ بعمل می آید . بعضی قوه برقی راه های ریل در نزدیکی رصد خانه مذکور به اعمال آن مداخله میورزد و تمام آله ها و ادوات متخصصین در این وقت بطرف جنوب انگلیلیند متماگل میباشند اگرچه بر علاوه در اواسط بخار حرص معینی هم وجود دارد که قوه مقناطیسی زمین بصورت صحیح درین آن معلوم نمیشود برای رفع این نقصه اداره امیرالبحری بر طاینه یک جهاز مخصوصی ساخته که حصه مهم آن از چوب بود و در اینج آن بهر اندازه که ممکن است فولاد کمتر بکار برد اند . این جهاز برای اولین مرتبه در ۱۹۳۹ ذریعه خانم سپنسر جان به آب انداخته شد ولی چون جنگ که بینان آمد این جهاز توانست به اعمال خود در بخار موقیت حاصل کند و منتظر خاتمه جنگ بود . این جهاز بنام جهاز تحقیق یاد میشو د و قبیل از آن ذریعه موسسه کار نیچی و اشنگن یک جهاز غیر مقناطیس بنام اس کار نیچی برای چندین سال مصروف تحقیقات بود ولی متاه سفانه در موضع سا موا بواسطه افلاط پتروول ازین رفت . خلاصه از جهاز جدید بنام جهاز تحقیق در

اطراف تبدلات مقنای طیس قوه بر قوي و تقشه برداري از بخار استفاده هاي زياردي خواهند بود  
چه موضوعات حل ناشداني بزرگ درين مورد موجود بوده و حل آنها به مدت هاي زير و تحقیقات  
علمی و فني کامل احتیاج دارد.

### اولین طیاره نوع هيليكو پتر



در اين فوتون اولین  
ضاره بيت برويله  
را ملاحظه ميکنيد که  
از مهمترین اسوانع  
ضيارة هيليكو پتر  
بوده محکم و سرعت  
آن از همه ييشتر است  
در حصه دم اين ضيارة  
موتور فرعی نگذاردم  
ديگر هيليكو پتر ه تصب  
مشدهم جاده داشته

### راديو گراف هاي کوچك

آخر ا در اين ساعت  
اصبا و متخصصين راديو  
آله اي جاد كرده اند که  
در يمة آن بر روزان  
يک فلم ۵۰۰ هيلمسن تى  
لي ساعت ۱۰۰ الی  
۱۲۰ راديو گراف  
های کوچک را فرم  
با هم از ده شبان هاي  
هذا صي را در گراف  
های کوچک افروز  
در بر طابه ييشتر مجل  
احتياج فرار داده شده



و مخواهند آن را در تمام ادارات و فابریکه ها بسکار بینند ازند . مطلاعات دقیقه غلم چنین واضح می‌سازد که در هر ۶۰ از نفر ۴۰ نفر بعوارض شش مبتلا هستند که باید تحت مرأقبت جدی احتیاط فراز گیرند . از هر از نفر سه نفر آن باید در سن توریم داخل و ۱۱ نفر دیگر ممکن است در اثر معاشه و مشاهده اصولی شفای پایانه این موفقیت بزرگ ذریعه امداد و استعانت آله بعمل آمده که در این فتوتو آن را ملاحظه می‌کنند . ذریعه این آله حقاً بقیمه دیگری را هم اکثراً نموده اند .

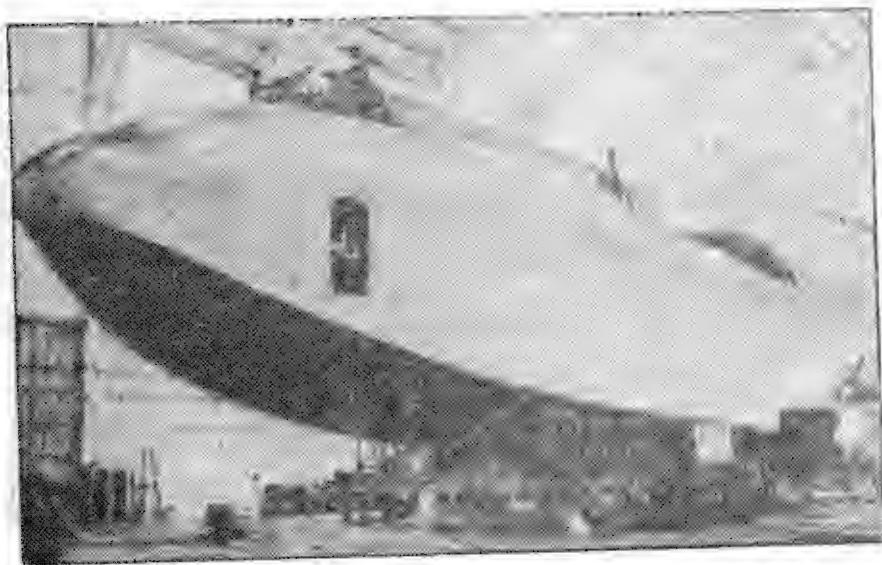
### آله جدید برای سهوهات عملیات فرود آمدن طیاره .

ک آله بسیاری که بقای دفاع بر قبیل یانه هایشوند جدیداً برای بیانوت های طیاره تجهیز کرده اند و شریعة این آنها مبنی است که صیاره خوارابه ارتفاع پاک فت بر رزوی جاده فرود آورند قبل از همه مخصوصین اموری کانی این آهورا ایجاد نموده و بعد آن را تکامل بخشیده اند . این آله مستقیماً صیاره را بر من فرود آورند و آن را بازو یه همچنانه دور داده و کترول صیاره را بخوبی قبل از هموفک شدن بزمین حفاظه می‌کند . این آله که درین بیان صندوق به اندیشه صندوق آن را آمده عیین خواهد :

### بزرگترین طیاره بحری دنیا

آخر این دو که اینویژه است که بزرگترین طیاره بحری دنیا را که به اسم هو کس هر کواس یا د مشود نامیده اند و مذکوری که حدود بیست و پنج میلیون آن را دارند بگسترد این طیاره مخصوص مسافرت در بر اعظم های بوده و اگر در وقت جنگ آن را اجتنب جنگ از شفاخواه ایجاد نمایند البته بر علاوه دیگرها و پرستارها گنجایش (۳۵۰) مریض را خواهد داشت

بلندی آن ۲۰۰ فوت طول  
۳۰ فوت ارتفاع و ۲۵  
عرض دارد . ابعاد های  
آن دارای ۳۰۰۰ فوت  
اسپ بوده و با خود چهل تن  
پیروز را حمل می نماید  
وزن آن بصورت عمومی  
۲۰۰ هن میباشد در فتوتوی  
پهلو طیاره بحری مذکور  
را مشاهده می نمایند .



## موارد استعمال کار بن زنده

کار بن یک عنصر مهمیست که در خدمت انسانی بمنظور مختلفه مورد استعمال قرار داده میشود ازالماس که شهزاده جواهرات و علامت ثروت زیاد است گرفته‌الی ذغال به که همه روزه از آن استفاده می‌نماییم تماماً از کاربن تشکیل یافته‌اند . اغلب اشخاص از این حقیقت واقف‌اند که ذغال بوی ناخوش داشته و گزهای مضر و نفرت آوراز آن منتصاعد میشود بواسطه‌همین خاصیت است که چون برای اولین مرتبه کاربن را استعمال میکنند در این وقت ذغال پیشتر از دیگر مراحل و دوره‌های خود که ذریعه عوامل مختلفه تحول میکند گازها و بوی زیاد تر از خود بیرون میسازد و در اثره‌هیین خصوصیت نرم‌تبه اول قل از استعمال کردن را کاربن زنده یا کاربن میکنند . در انگستان برای رفع این نقصه و عدم اصابت بوارض گازهای ذغال‌زنده هر کس دارای ماسک ضد گاز میباشد و بر علاوه کاربن زنده خاصیت جذب گازهای ابراهم بخوددارد . کاربن زنده دارای سوراخ‌های زیاد میباشد و هر قدر که سوراخ‌های آن زیاد تر میباشد بهمان اندازه فائدآن پیشتر است . ذغال‌زنده رابه اصول مختلفه درست میکنند و این نوع ذغال هم حسب نوعیت خود موارد استعمال محدودی دارد . مثلاً یک نوع آن جهت جذب بوهای گاز هامفید است . نوع دیگر آنر نگاه هارا بخود جذب میکنند . قبل از جنگ استفاده مهمی که از کاربن زنده می‌مودند آن بود که شکر نسواری رنگ را ذریعه آن سفید میکردند . از وقت شروع جنگ اخیره به بعد فائد مهی که از ذغال زنده‌می مودند آن بود که ذایقه های ناخوش را از ذخایر آب ذریعه آن رفع می‌نمودند ولی امروز احتیاج به این ماده در موارد صفت خیلی زیاد شده و اگرچه هنوز متخصصین در خصوص استعمال مختلفه آن در مرحله تجری به هستند مگر باز هم ابتکارات زیادی کرده و چیزهای عجیب و نوی ذریعه آن اجراء نموده‌اند که من جمله آنها یکی این است : درداش‌ها و نابائی‌های نان پزی که خمیر دائماً مورد استعمال قرار می‌یابد یک نوع تخم صورت میگیرد نان با اغلب چنین ادعای میکنند که عمل این خمار آسودگی او بختارهای الکلی است که در وقت پختن نان منتصاعد میشود . در وقت طبخ نان بخار الکلی در ضمن عمل تبخیر از تنور بیرون شده و آن هارا مخمور میگرداند . اگردر دو دویا بخار تنور فلت کاربن زنده را بگذارند آن زمان ماده الکلی از هوای تنور مجزی شده و به خانه‌ها و سوراخ‌های کاربن زنده جذب میشود و طوریکه اسفنج آب را بخود جذب میکند کاربن هم الکل را بخود جذب می‌نماید وقتیکه کاربن از الکل خوب مشبوع گردید آن زمان فلت پس میشود . ولی شمام‌اند اسفنج آن را فشارداده نمیتوانند بلکه الکل در آن کاملاً جذب میگردد . کاربن زنده را

در برطانیه برای نگهداری ویتامین هادر هنگام آب جوشازی پکار میبرند فلا چون به اصول کیمیاوى از خمیره مدن کور آب جودرست میکردند و میک مقدار زیاد ویتامین آن زائل بیشد ولی حالا در اثر استفاده از کاربین زنده این نقص را بر طرف نموده اند خلاصه در موارد صنعتی جهت ازالت بوی ناخوش، رنگ خراب و ذاته کریهاین هاده را پکار برده و بعد از این هم دائمه مطالعات را افروزه میزند.

### لباس جدید برای عمله طیاره



ز، کار، نورنبوی انجییر برای پیوسته های صبا، راه چنگی و بسم افگن لباس جدیدی (صورتی که در قهوه ای بهار میگردید) درست شده است.

این لباس بايدن خلی مساعد بوده و در دوران خون نقصانی وارد نگرده و مخصوصا در اثنای جریان عملیات بزم افگن و نیزه دوران خون را درین مخصوص صادر دماغ پحال عادی صورت میزد.

### جلو گیری از انجماد بر روی خطوط آهن

مستر هاری چانتر انجییر ترانسپورت اندن برای جلو گیری و منع انجماد برق روی خطوط آهن هاده چدیدی ایجاد نموده که خبلی موثر بوده و مخصوصا در زستان موارد استعمال زیادی داشته و خطوط آهن را بخوبی حفظ کرده و جریان متناقلات ریل راه را گز معطل نمیسارد. این آهرا درین ظرفهای مخصوص بفاله نیم میل از هم دور میگذارند و به مجرد یکه ریل گشته ذریعه رول های مخصوص آن را بر روی خطوط آهن منتشر میسازند و به این واسطه از حدوث انجماد جلو گیری می نمایند.

## آلہ مخصوص تعیین صدا

علماء و متخصصین میگویند صدای بوجود انسان تأثیر عجیب وارد کرده و بعضی باعث ترس ، مرض و مرگ میگردند و حتی اگر خطری هم وجود نباشد صدا ممکن است به انسان رعب تولید کند مثلاً بارها بتجریه رسیده که صدای ناگهانی تفگ انسان را درجه متنه شرمی سازد که گویا در یک اطاق تاریک دستش به بدن ماری خورده است جرمن هادر ابتدای چنگ تأثیر هم صدای افراهموش نکرده و چون بر فراز دشمن میرسیدند به تولید صدای اندesh به تعقیب انفاق به ها و خمپا ره ها میپرداختند . بمقابل ملکی های اشلاق کننده را بکار میبرند و این نوع بمب اغلب برای ضعیف ساختن معنویات دشمن بکار میرفت . بعضی صدای اندesh دارند نسبت به صدا های غرش مانند پیشتر مضر ثابت نمیشود . متخصصین برای تعیین اندازه صدا آله بنام فون اختراع کرده اند و از روی استعمال آن میگویند مثلاً سرگوشی کردن دارای قوّه ۲۰ فون و یا صحبت معمولی ۶۰ فون ، صدای طیاره ۱۰ فون و امثال آنست . پیشتر از حدود شناوائی انسان آوازهای است که از ۱۳۰ فون بلند تر قوت داشته باشند پس اگر آواز یک طیاره از آن اندازه زیاده تر باشد تأثیر بیرونی را در بدن وارد میکند بر علاوه بلندی شدت یک صدا را به اصول مخصوص معلوم میکنند و آن را به نام دیسیبل نام می نهند مثلاً شدت خورخوریک پشک دارای ۲۶ دیسیبل است . علمای امریکائی میگویند اگر نوعی از خرگوش هارا بمقابل یک زنگی که بصدای باشد نگه دارید مريض میشوند و اگر صدای مذکور در عقب در واژه اطاق آنها صورت گرفته و از عقب در واژه صدا به آنها بر سر در آن صورت مريض شده و بعد از ۱۴ روز میپرند . صدای های فوق العاده ارتعاش پیش از اندازه وغیر مسموع به پرده گوش انسان تولید نموده و خیلی مضر ثابت میشوند و بدروجه اثر میکنند که انسان حواس و مواد خود را بکلی باخته و نمیتواند که بالای اسپ یا گادی سوار شود .

## ماشین گاز برای جهاز ها و طیارات ولو کو موتیف ها

دا کثر اج را کسی کا کس ما شین جدیدی به اسم (گاس تر باین) ایجاد نموده که ذر یعنی آن قوّه طیارات چنگی نوع جیت را خیلی زیاد کرد و میگویند مخصوصاً در شکست دادن بهم طیاره از آن بخوبی کار گرفته اند . ازین انجمن یا ماشین برای جهازات بحری لو کوموتیف هاود یک سریشن های تو لید قوا استفاده شایانی می نمایند و فائدہ مهم آن هم نا اقتضا د در صرف تیل است . اگر طیارات تجا رتی با آن مجهز گردد آنگاهی تو اند که فی ساعت ۴۰۰ هیل قطع مسا فه نمایند . این آله سرعت حرکت طیارات بی دم را خیلی زیاد میسازد .

## بانس در عوض بو تل



آخر ادر لا بر اتوار ها ی جین به عوض  
بوتل های شیشه از بوتل های با نسی استفاده  
مینما ینه ودا و ها تیر اکه صایب احمد امریکا  
برای افراد ملکی جن بقسم امداد اتفاق  
میکند آنها در بین بوتل های بانس من ایکند  
در فو توی بیهادیکی از مخصوصین جین را  
ملا حظه میکند که در عوض بوتل شیشه از بانس  
استفاده منی تایید.

## دانه های ریگ در مغاربه

قبل از ۱۹۳۹ علمای بر طانیه یک مصروفت عجیب و مهی اشغال پیدا کردند به این قسم  
که با مراقق تمام دانه های مختلف ریگ را از حضن مختلفه بدست آورده و در آن  
بتجیبات و مطلاعه پیر داشتند سایق مهم این زحمت آن بود تا از نوع بهتر آن بهترین شیشه  
های رویت برای طیارات بهم فکن، کمره ها و غیره که در چیزی امروزی خیلی مورد ضرورت  
است بدست آرتدزیرا تا آن وقت بهترین نوع شیشه مذکور از جنبا واقع جرمتی آورده بشد.  
این ریگ خالص بوده و دارای مرکبات آهن همچ بود و اگر در ۱۰۰۰۰ عدد آن صرف  
۱۶ عدد ریگ آهن دار بلا حظه هم رسید در آن وقت از ریگ مذکور را سفاده مطاوب  
بدست نمی آید. اخیرا علمای بر طانیه پس از مشکل افی های زیاد در نتا خمر تفع  
(های لیندس) نوع مطلوب ریگ را بدست آوردند و فوار مصروف تهدید را به آن سمت  
شده و ادوات و اسباب خود را به آنجا انتقال دادند ادوات مختلفه جرمنی بو اسطوه را سفن شیشه

نوع جینا امتیاز و تمامیت مخصوص داشت ولی در بین طایفه هم‌ارن تقدیمه بوجه امیر قلع شد. از رفع احتیاج خود تو استند صدها تن شیشه محظوب را از آن حصه بدست آریان در ساخت این لب ایشکارات عجیبی تهوده و پهلویان عذری به های جدیدی که موجب تحریر دینا گردید اخراج شد.

## ماده جدید برای رفع آفت جلدی و آورم

قبلا در فا بریکه های بزرگ مخصوصاً صنایع ضایعه سازی برخواهد داشت اما در این زمان  
 بواسطه تفاسی ادویات و سهان مختلف و مواد غذایی وغیره با کوچک ترین بروز خسارت  
 عمله جدید الورود بیشتر به آن میباشد اخیراً شکنوز هوارد مری افسوسی کار کرده  
 های پلیکریون در شمال ایگنیند مصر و تحقیقات شده، و اینجا عذر را بهم («جهش») زده  
 کار آورده چون عده ای از کارگران را فتح نمودند های خود را حرف به آب نمودند و بعد از  
 مقدار منظف را بهم دادند و باز وها نی خود عینالند و آن را خوب نمیشوند و بعد آن سرمه  
 باز آن را یک ملکشند بواسطه این عمل تمام اکتفا و چری وغیره وائل ملکر دارد و جلد ای «لا  
 حاف مشهد تازه ماستکه این عاده بخوبی استعمال شود ترجم جانشی بوقوع خواهد بودست»

دہانہ میخانیکی



صوری که در فتوی دوم زیر ملاحظه میکنند  
نه و قچه بر فی کسی نفر دور آن را گرفته  
اند برای نشان گرفتن و فرستادن توبه های بزرگ  
۹ میلیونی ضد طهاره کلک زیارتی نموده  
و فواید بزرگی از آن برداشته اند . آلمعده کور  
در امریکا ایجاد شده و در انگلستان بمقابل به های  
طهار و تهدید آن این آهرا بصورت فاضلی بکار  
برده اند آلمعده کور ذریعه جریان بر قی نشان  
توبه را برستی ممکن ساخته و در یک زمان تو انت  
کهیه تعداد ۳۵ فیصد بیم طهار اسلامی را بی ارزاس د  
و بر علاوه جهت فرود آوردن طهارات دیگر که  
ذریعه بیلوت طران داده میشدند هم موثرانه  
اقدامات در زند

د بامیان	وکیل	ع، سید محمد طاهرشاه خان
دسرخ وها رسا	»	: «، سید غلام حیدر خان
دغور بند	»	: «، میرزا محمد صدیق خان
دمقر	»	: «، حاجی عبدالقیوم خان
دغز نۍ	»	: «، محمد صفر خان
دده شین کستو از	»	: «، محمد ابراهیم خان
د کوچی	»	: «، محمد یونس خان
د دایز نکو	»	: «، سید غلام رضا خان
دبهسو د	»	: «، میر محمد علیخان
دیکاو لنگ	»	: «، میرزا نوروز علی خان
دقندهار دمر کز	»	: «، محمد عزیز خان
ددناه	»	: «، فقیر محمد خان
دکدنۍ	»	: «، محمد کلیم خان
دترین	»	: «، صالح محمد خان
دارغستان	»	: «، یار محمد خان
ددله	»	: «، محمد یعقوب خان
ددهراود	»	: «، دوست محمد خان
د گرشک پشت روود	»	: «، دین محمد خان
دموسی قلعه زمین داور	»	: «، محمد موسی خان
د گرمیز	»	: «، یار محمد خان
د گراب	»	: «، لعل محمد خان
دارز ګان	»	: «، غلام رضا خان
د ترنک و جلدک	»	: «، سیف الله خان
داجر ستان	»	: «، ګلداد خان
دقلات	»	: «، عبدالرشید خان
د پشت روود کوچی	»	: «، محمد لعل خان
دقلات د کوچی	»	: «، عبدالسلام خان
د هرات دمر کز	»	: «، حاجی محمد عمر خان
دغورات	»	: «، دین محمد خان

## ریکاردهای صدا درسیم فولادی

برای حفظ صدای این اختراع فوق العاده مهم و جدیدی نموده اند به این طریق که یک نطق را که در مدت ۶۶ دقیقه ایراد شده باشد میتوانند درین سیم باریک فولادی به اندازه یک مو و به طول ۱۵۰۰۰ فت ریکارد بگیرند. سیم مذکور را بروی گوتی چرخ میدهند که دارای قطعه انج باشد امروز یک کمپنی معروف به تهیه این نوع ریکاردهای را بدگیری معروف است آهربایکارهای گیرند و درین یک بسکی ۹۹ پاکوزن دارد جاده شده است درین آن یک مکرروفون کوچک تعبیه شده که پیلوتها بخوبی مشاهدات خود را ذرا یعنی ریکاردهای آن معلوم کنند گویا دریک اداره مخصوص یک شخص معینی مصروف انجام این کار است برخلاف سلندر مومن که فاصله شکستن را دارد این سیم ظاهر ابزودی خراب نمیشود وقتیکه دیگر ریکارد نطق هامطلوب نباشد آن زمان سیم مذکور باز شده و تأثیر نطقها هم زائل میگردد چه سیم مذکور تأثیر مقنای طیسی داشته و این نقص را نمیتوانند از آن زائل سازند این فن بدرجہ ترقی کرده که مذاکر عمله طیاره در ھلگام حمله بالای خاک جرمی ذریعه آن درین طیاره ریکارد میشود و حسب اعلام میهمان جور اجال نوسیام تمام مذاکرات عمله قلعه طیار و همچنان صدای جنگ در انتای پرواز ۶۶ دقیقه ذریعه آله ریکارد گیرند خود طیاره پس به انگلستان آورده شده و شنیده شد.

## روغن گل آفتاب پرست

امروز در بر طایه روغن گل آفتاب پرست را برای او این مرتبه مورد استعمال قرار داده و به نسبت قلت روغن زیتون آن را تناول میکنند. این روغن حالا اهمیت تجارتی پیدا کرده است از تجربه های اخیره و جدیده علمی معلوم کرده اند که بروخا صیت آن مثل روغن زیتون است مخصوصاً صادر روسیه پیش از همه ممالک در طبخ غذای استفاده می نمایند و از تبل مذکور برای ساختن صابون، شمع و حتی در روسیه جهت روش کردن چرا غ فائد میگیرند از وقت جنگ های هسپیا نیه که اصدار روغن زیتون به ممالک دیگر تقلیل یافتد گر کشورها هم درز رفع آن جهت استفاده داخلی مملکت مصروف شدند.

## تدوین د کشنزی مخصوص رنگ

آخر امجمع مخصوص بر طایه که به امور رنگ ها مصروفیت دارند و بنام (بریتش کلر کونسل) یادمیشود به امداد متخصصین امور تجارتی وغیره چنان د کشنزی تهیه کرده اند که بنام د کشنزی رنگ معروف است. این د کشنزی خواص و صورت ترکیب الوان را اشنا داده و نقاشان رسامان و اشخاصی که به امور ترئینات اشتغال دارند از آن استفاده های شایانی خواهند نمود متخصصین انواع وسايه های الوان را به ۲۰ عدد تعیین کرده اند. درین د کشنزی تعداد نام و تصاویر هر کدام بخوبی مذکور است.

## مرتفعترین بند زمین

بولدردام از بلندترین بند زمین است که بر روی دریای کلوراکو درست شده و ای-کرها آب



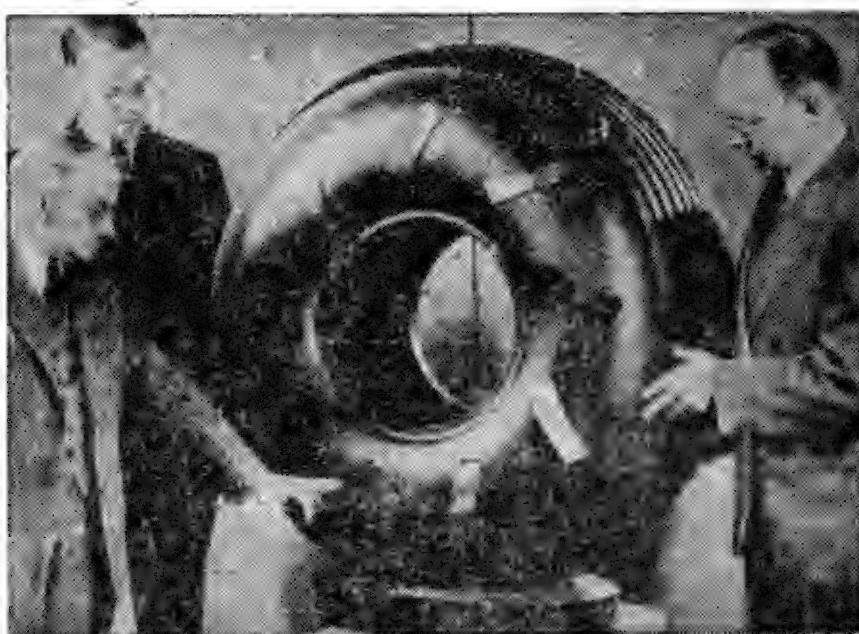
از آن فرموده از قوّه برقی این آب فا بریکه  
بر رگی درست کرده اندقا بر یکه ها شی طیاره  
سازی، جهاز سازی و مصانع معاشر و غیره در عین آن  
بعریان می افتد برای حفظ آن از صوفان و سیل  
در آبیاری و غیره اقدامات علمی بسیار نموده  
و در مقابل هر بیش آمدیه اقدامات و حفظ ماندم  
پژوهشی پرداخته اند در فوتی فوق منظره تند و ابر  
دام را ملاحظه مینمایند.

## جائزو نوبل در مقابل کشف طبی

سرالکزاندر فلمنگ باری گفته بود که از اختراق فوق العاده خود پنسیون یک بول هم بدست  
نیاورده است امسال جائزه نوبل را بهتر اختراق طبی خود بدست خواهد آورد قیمت این  
جائزه ۶۵۰۰ یونداست بر علاوه بر ای رفیق صمیمی او اچ دبلیو فلوری که با ایکسا ندر کماک  
و همراهی نموده است انعام داده خواهد شد. تا تاریخ اول امسال به اندازه ۵۰۰ هیلیون واحد  
اکسپور دپنسیون در بر طا تیه توزیع شده و بتعداد زیادی از واحد های مذکور در شفاخانه های  
مختلف انگلستان پعرض تحقیقات تقسیم گردیده است.

تایر های جدید طیاره

بـکار جـدـهـی کـهـدـرـ تـایـرـ هـایـ طـیـارـهـ نـوـدـهـاـنـدـ عـبـارتـ اـزـینـ استـ کـهـ تـایـرـ مـذـکـورـ رـعـهـ بـرـهـ هـاـ وـ کـهـ هـایـ مـخـصـوـسـ فـاـعلـ آـنـجـاـنـاـ کـهـ ذـرـ پـهـلوـیـ آـنـ مـیـباـشـدـ تـعـبـ هـمـگـرـددـ هـایـ مـوـصـوـفـ وـقـتـیـ بـکـرـدـشـ هـیـ آـیـدـ کـهـ چـرـحـ مـخـصـوـصـ بـزـمـینـ تـشـسـتـهـ صـیـارـهـ پـستـ مـیـشـودـ وـ زـینـ عـمـلـ کـشـ شـدـنـ تـایـرـ مـعـمـولـیـ طـیـارـهـراـ درـوقـتـ عـاسـبـرـهـینـ اـزـینـ هـیـبـرـدـیـلـمـوتـ هـاـئـیـ کـهـ تـایـرـهـایـ جـدـیدـهـ اـبـکـارـ بـرـدـهـاـنـدـ اـزـخـوـایـ وـدـوـامـ آـنـ تـعـرـفـ زـیـادـ کـرـدـهـ اـنـدـ



بم جدید آتش افروز

در وداده هوا یزدی ری چناره بهم حیدر آتش افر وری ایجاد نموده اند  
آن م دارای ۳۰ او واقع بوده و درین آن محدود میتن و پترول بخت فشار زیاد  
نماید این سده است . فرود آمدن آن بر سینه ذریعه یک یا راشو ت کشرون مشود ، وقتیکه  
آن خلاصی آن بدهیک شعله بخوبی عرض دو فت از آن بیرون مشود . حضول خود بمب  
۲۰ بج و قصر آن ۵ انج است . مدت انتقال شعله آن که به اصول مخصوصی تشکیل  
نماید را این تو زمانه خود ایده هست .

## لباس پرواز در ارتفاعات بلند

در فوتولو پهلو یکی از عمله طبی راه را

در لباس پرواز از مخصوص ارتفاعات بلند

متا هده میگنید که در سیری ایند یا اضافه

مخصوصی که فشار خیلی کم است، مثلاً آسیون

را امتحان میکند میز انحراف این اضافه

۶۷ درجه تحت صفر فا در تهیت بود و وزن این

فتار هوایی آن درجه ۱ است که در ۰،۰۰۰ فوت

از تفاضل میباشد بر علاوه آن امتحان صعب

دیگر هم بیلوت مه کور را در این اضافه

می نمایند.



## مختصر عاتیکه در اثنای جنگ در استرالیا صورت گرفته است

در هادیج ۱۹۴۲ در استرالیا اداره بنام مدیریت مختصر عات حریقی استرالیا  
تاسیس گردید از آن وقت به بعد در این مورد مبتکرات زیادی که بعد از آن بهزاران  
عدد رسیده است تعوده اند که بعضی از آنها عملی شده و بعضی دیگر تا حال صررت عمل  
اختیار نکرده است تعدادی از اختیارات مذکور را از حرب محسوب میشود.  
من جمله آنها آلة بروی کار آورده اند که علامات اخباری ریهوفت را در مستقرات پر طایه  
و درنا حق مختلف استرالیا در یک وقت نشان میدهدار موارد مختلف استرالیا جهت علامات اخباریه  
استگارانی را بروی کار آورده اند که ذریعه آن دو در شکه مختصاً عدد میشود یک آئینه  
اخباریه ایجاد نموده اند که جهت تجارت دادن عمله بخریه خیلی مفرد باشد شده است از  
این آئینه ها در طبی ره و جهاز کار گرفته و ذریعه آن از ساعع اقبال بهر طرفی که بخواهد  
تصورت اتوها تیکی استفاده نموده و در نیحات اشخاص میگردد بوت های مخصوص درست  
گردید که قابلیت لغزش را نداشته و در سواحل و مواضع اجنب زوار از آن استفاده میگنند  
آتشهای واتربروف آمازه ساخته اند که در مقابل آپ و باران بخوبی کار داده و

مخصوصا در نقاط با رانی نبو گفته از آن فوائد زیادی حاصل کرده اند . برای کشته های بجات که در آب افکنده می شود چرا غلی تعییه کرده اند که چون قانون در آب افکنده شود بجهت اتو ها ترکی کار می کنند . یک چراغ بهتر و مخصوصا منشیت علامت ایجاد نموده اند . در مواد غذائی و نگهداری آن به اقدامات خیلی جدید و مهم فنی برداخته ادوات بروی بروی کار آورده اند که مواد غذائی را درین آبهای صورت کامل محفوظی می کنند .

### استفاده از پودر الومینیم

الومینیم در واقع مختلفه ، ادوات متعدد خانگی ، ادوات واسباب حریق ، ماشین های متعدد طیاره آتموبیل ، در شکوه های راه ریل ، چهارچاهی بخاری مورد استعمال داشته و بعضی بدرجه آن را نازک گردانیده اند که به اندازه (۱۰۰۰۱) انجع ضخامت دارد . امر و ز ساختمان استفاده آن بیشتر توسعه حاصل کرده و مخصوصا بودر الومینیم مواد استعمال جدیدی دارد . بودر الومینیم را بالای فلزات ، چوب ، خشت های سنتی و سنگی بکار می بینند ، برای ساختمان مواد آهنی هم از این بودر کار می کنند . برای فرش خانه ها سقف خانه ها و امثال آن در مبتکرات جدیده خود بودر الومینیم را مورد استفاده قرار داده اند در صنعت صابون سازی برای رنگ دادن و تصفیه آن بودر الومینیم جدید بکار رفته است . در قنوات مختلف ترین امثال و انتقال آن هم بودر الومینیم بکار می رود . در ساختمان کلاه های مخصوص ، کوتاهی بارانی ، بالون ها وغیره بودر الومینیم خلیلی کار آمداست . در تجهیز تایرهای را برای آن را استعمال می شانند .

### توب نوع جدید بر جایه

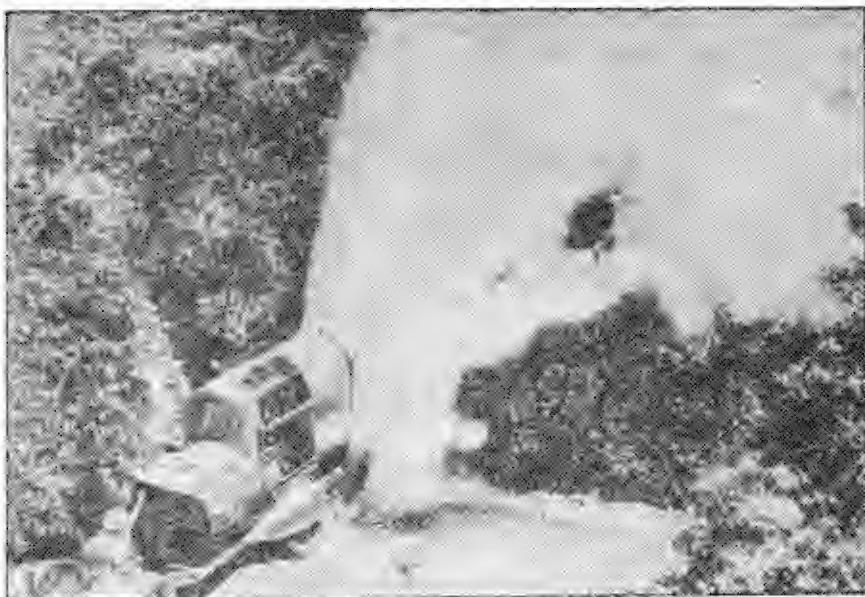


آخر اسرار توب نوع جدید بر جایه به اسم بریتش ما کسون گن کشف گردیده این توب بمقابل طیارات یست برواز استعمال شده و از آن استفاده خوبی گرفته اند . توب عده کور در اندی یاک تعايش نمودر آنگلیکنده صورت گرفت . بعرض امايش قرار داده شد . در قوتی فوق توب بر جی را به حصه برج توب در اندی نما يش تماشام گردید .

## الله جدید پاش دهنده دوا

در ایالت جنوبی ولایات متحده امریکا یک الله جدید پاش دهنده دوا با لای نباتات مزارع و اشجار تهیه کرده‌اند و خصوصاً برای کشتن حشرات در باغ‌ها آن را بکار می‌برند.

وادویه ضدحشرات را به  
واسطه آن پاش می‌دهند.  
این آن‌ها را کنور  
که دارای هر توز فویست  
کش می‌کند و به فیله  
فوق العاده دوار این پاش  
می‌دهد. بعد از این هاتین  
مد کور را به پیمانه زیادتی  
درست کرده و بواسطه  
آن باغ‌هاهای مزارع خود  
را از اذیت مواد مضره  
می‌حفظه می‌نمایند.



## عملیات جراحی قلب در انسانیکه قلب مصروف عمل خود است

پروفیسر او گنیف سرجراح معروف روسیه و زنیس کمیسواری صحی ماسکو اخیراً درده‌های راجع به اکتشافات طبی جدیده در روسیه یا اثاث مفصلی داده و گفتار خود را ذوقه تصاویر مختلفه به انجمان طبی اظهار داشت. یعنی پروفیسر او گنیف تمام شنوندگان را تاخت تأثیر فرارداد و همه را متوجه ساخته و واضح ساخت که در روسیه بواسطه تحقیقات و اکتشافات جدیده طبی این حقیقت را به اثبات رسانده اند که رگ‌های خون در وجود انسان بدرجۀ نازک و باریک شده و تمام حضیص بدن را پوشانده اند که میتوانند کاملاً روی زمین را پوشانند و تنها رگ‌های های کوچک فوق العاده باریک دماغ انسانی آنقدر زیاد داشت که اگر هموار کرده شوند ساخته از این فاصله ۰،۰۰۰ میلیمتری از لینن گردد که میتوانند کاملاً در خواهد گرفت. این مشکله هم بحقیقت پیوسته است که در یک میلیمتر مکعب به تعداد ۲۵۰۰ رگ باریک موجود است بعد از آنکه راجع به دوران خون ورگ‌های مخصوص آن در حضیص مختلفه بدن تشریعات داد ذرا اطراف معده داخل صحبت شده و گفت در معده ۶ جال مخصوص و مختلف رگ‌ها موجود می‌باشد و فرجه معده اغلب در اثر تهیج اعصاب ورگ‌ها تولید می‌شود. نفائصی که در رگ‌های دماغ وارد می‌شود باعث فرجه معده هم می‌گردد. عملیات در قلب ممکن است که بدون مداخله در گارفلب اجرایشود.

## قابل شرب ساختن آب بحر

قبل از جنگ موجوده راه فابل شرب ساختن آب بحر وجود نداشت و بهاین واسطه حیات عمله بحریه و فضاییه که در بحر میسانند و آب مشرو ب شان خلاص میشده خطر تهدید میشد . اداره امیرالبحری بر طایه برای رفع این نقصه و حفظ حیات هزارها نفر داخل اقدامات شده و در صدد ایجاد آله برآمد تا ذریعه آن آب بحر را قابل شرب ساخته بتواند . مشکل بزرگ عبارت بود از منفک ساختن املاح آب بحر ذریعه مواد کیمیاوی . اخیراً در اثر مطالعه و تحقیقات تمام توanstند با این مطهوب مهم موقیت حاصل کنند و آله جدید بکس مانند که از پلاستیک شفاف ساخته شده تهیه کرده اند درین آن مواد کیمیاوی موجود میباشد . در وقت افغانستان آب بحر در آن واخلاط آن با مواد کیمیاوی و عبور آن از حساس معینه صاف شده و قابلیت شرب را بیدا میکنند .

## عدسیه های پلاستیکی

در بر طایه صفت پلاستیک واستعمال آن در شقوق مختلفه پیشرفت های شایانی نموده و خصوصاً در ادوات روئیت ساحة استفاده آن را توسعه داده اند . اگرچه عدسیه های شیشه دارای اهمیت و روحان مخصوص است ولی هضار زیادی هم دارد و چون خطر شکستن در عدسیه های پلاستیک کمتر است بنابر آن فوائد آن زیاده تراست دیگر از فوائد مهمه عدسیه های پلاستیک هما ناسبکی وزن آنهاست چنانچه نوع جدید آن از حیث وزن پنج بر ۸ عدسیه های شیشه وزن دارد و چنان شفاف است که نسبت به عدسیه های شیشه خیلی روشن میباشد .

## روشنی اندازها

اگر تاریخچه روشی اندازها را مورد مطالعه قرار دهیم معلوم میشود که از هنگام محاربات قدیمه یونان الی استعمال تانک های جدید نوع کروکود ایل ، چرجل که در محاربه امر و ز استعمال شده بشر در مهاربات از روشنی اند ازها استفاده های زیادی گرفته اند . در هله اول جهت اجرای این مامول به مشکلات زیاد مبتلا بودند و مائی را که بتوانند از آن کار مطلوب را بگیرند درک نداشتند تا آنکه پترول از زمین استخراج شد و مخصوصاً در نصف اخیر قرن گذشته استعمال آن را زیاد نمودند .

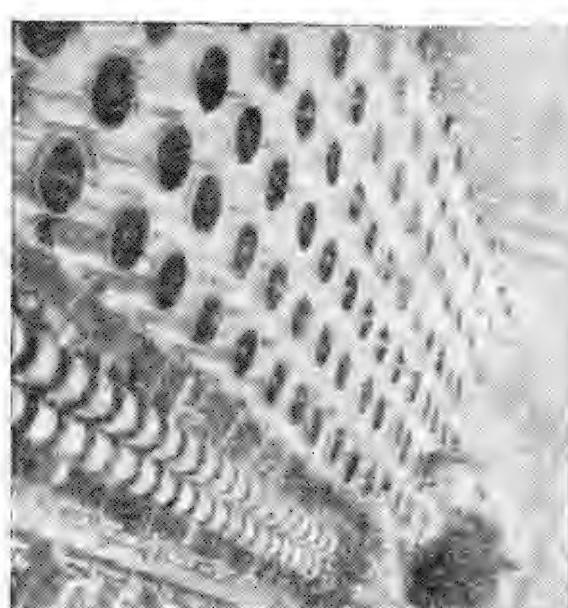
پروفیسر (ام اور) می نویسد که جرم من هانختین مرتبه در محاربه عمومی گذشته در جنگ ورزدن در ۱۹۱۴ آله های شعله افکن را بکار آورد اختند ولی چون پیشرفت کامل حاصل نشدند بوده برای استعمال گذشته خطر زیادی فراهم ساخته و او مجبور بود تا احتیاط کمال بخراج داده والبیه معین را بیو شدند ۱۹۴۰ در برخانیه کمپیون مخصوص برای تحقیقات در مورد آله های شعله افکن معن شد و درینج ابتکارها و کامپیون های تایانی نموده و آله های مکمل ایجاد نمودند . جزئیات و خواص ادوات مذکور تابعه از جمهور اسرار حریق محسوب است که حدید آرین نوع آن عبارت از شعله انداز بنام آگو کو دایل است که در تابعه افکن به اسم چرخ استعمال می شود ظرفیت این تابعه افکن قدر کافی بوده و تا ۱۵۰ گز قدر صله را و تنی می اندازد . در جنگ عمومی گذشته شعله افکن های بحشرات، اشجار و تبايات صدمه میرساند ولی در این محاربه این وضعيت ازین بوده شده و شعله های مذکور موجودات موصوف آنقدر مضر نیست . در فوتی پهلوی روشی افکن را در حال عمل ملاحظه می کنند که یک سیاهی بیاند از شعاع آن استفاده ننمایند .



### عصر شیشه

آن وقت خیلی تر دیگ شده تا خانمها به لباس ملبس گردند که اصل آن بوتل های شبر باشد این مسئله یک ادعای تصویری و وهمی نیست زیرا در این اوآخر توائمه اند از شیشه تار های بافته درست گذشتند امروز در یک فابریکه بر صنایع واقع سکاتلند تارهای زیادی از شیشه درست می کنند برای این عمل بوتل های شکسته را چندین مرتبه به ذرا بیع معین آب می نمایند و بعد آن ها را بشکل تار درمی آورند و بعضی ناریسکی آن بدرجیه ایست که ه یاشش عدد آن برابر یک موی سر ضخامت حاصل می کند برای ادوات و اسباب برقی از تارهای شیشه استفاده های زیادی می نمایند از شیشه یک ماده پشم هایند هم درست ننمایند که از آن حرارت بزودی خارج نمی شود و عائق آن می باشد ازین عاده در وقت گرمی و سردی فوائد مهمی تحصیل می کنند و اگر آن را در سقف ها و دیواره ای از

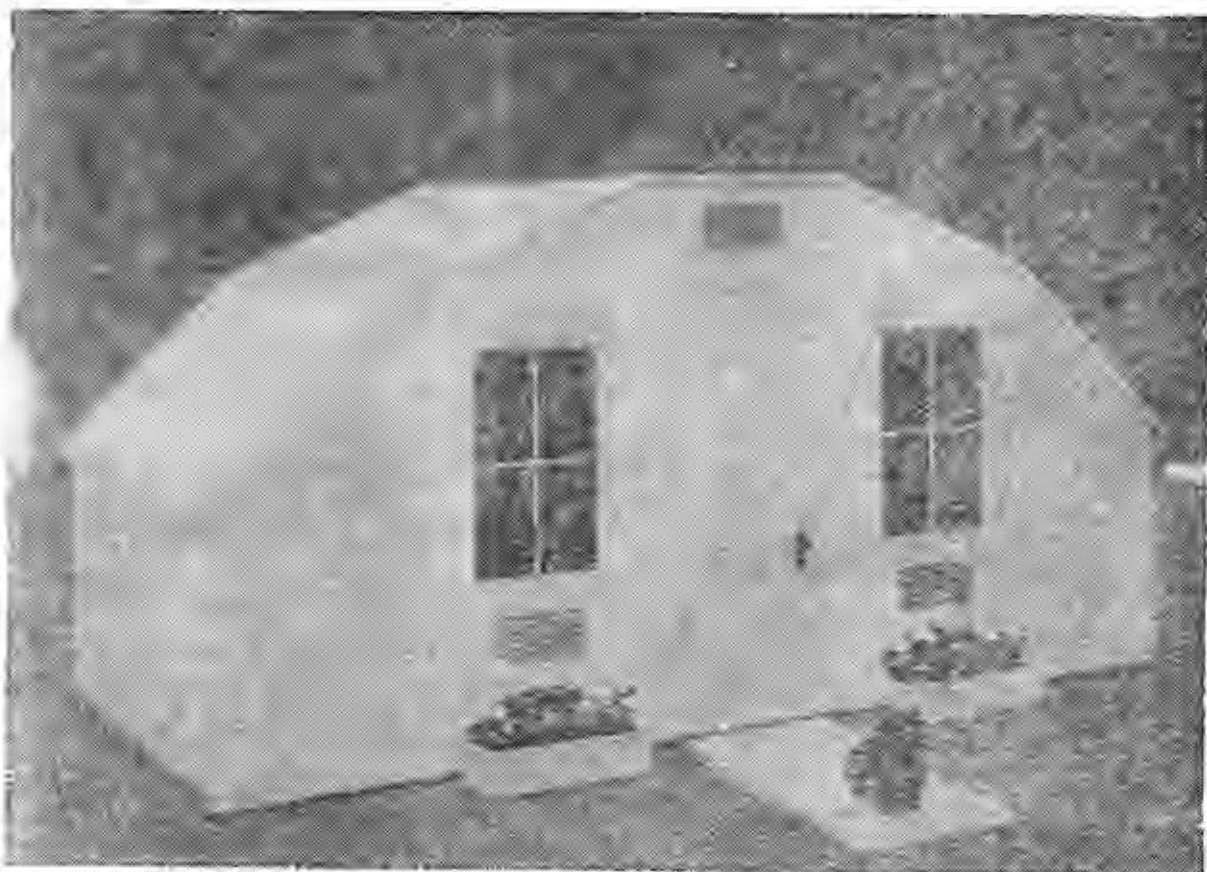
سکار برآمده را ایستادن آن را سرد و در زمستان گرم نگاه می‌کنند در مطبخ‌ها و آله‌های تزییناتی  
از این مواد استعمال زیادی دارد و در مقابل جذب صد اهم تابع عجی از آن حس کرده‌اند. در  
تلها و تازک‌های موبایل جهت تصفیه‌هوا و آب‌هم ازین شیشه پشم «انقدر استفاده نموده و بحیث آله  
تصفیه هوا و یا استنقح هم از آن کار گرفته اند اما روز از خشت‌های تیزه استفاده‌های تجاری زیادی  
نموده اند در فوتوغرافی تارهای شیشه را می‌نگرید که دریگی ذربه و این جا قفویا کارهای پشم  
شتر را فطم می‌کنند و در ذیگری کلا فهای تار شیشه به بازیگری خمس بیشتر بقایه می‌رسد



## خانه‌های کاغذی

اداره محصولات جنگلی امریکا اخیرا در تهیه یک خانه که کاملا از کاغذ ساخته شده باشد و موقت حاصل کرد علت مهم این اقدام آن بود ثابتای آن ها بکه در جنگل بواسطه بعب و غیره خانه های خود را از دست داده اند در موقع اضطرار ازین ماده خانه درست کرده و اضطراب شان مو قرار گرفتند. این کاغذ و اتصال پروف بوده و به قابل آب مقاومت دارد و هاده آن از ارزانترین نوع قطعه انتخاب شده است در این خانه ۴۹ پاؤسرش و بعضی از پردازه های مخصوص فلزی چیزی محکم نهودن حرص مختلفه، پلاستیک های شفاف در روز ۴۵ ها و مقدار کمی جوب جهت چوشکات آنها بکار رفته است این خانه را دونفر کار گرما هریک اصول ساده و مساعدی در ظرف ۵۹ دقیقه درست میتوانند. طول خانه مذکور ۱۶ فوت و عرض آن ۸ و بلندی آن هم ۸ فوت است و مصارف آن ۱۳ پوند سنگیده شده است این خانه در وقت گرمای اسراری زیاد کم حرارت تحت صفر باشد و هزاران بخوبی مورد استفاده قرارداده میشود و در مقابل بادهای شدید مقاومت می تواند باد

های که جنگل هارا از ریشه میکند به این خانه همچ صدمه نمیرساند وزن آن بصورت مجموعی ۱۰۳۹ را و است و وزن کیاغذ آن صرف ۹۸۰ پاومی باشد.



### حلماهه بی دم بو طانوی

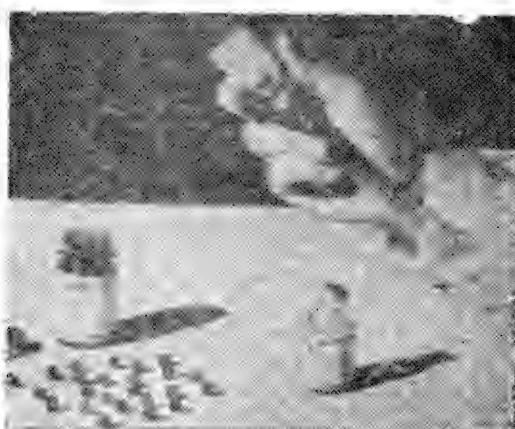


دزین خود تو  
صارهه نوع چدید  
بر طایه را کدم  
لدارد لاحظه  
مکنید ضیاره  
هد کورینام  
(مانکس) موسوم  
بوده سرعت آن  
فی ساعت ۱۵۰  
میل است پروابه  
هادر عقب ضیاره  
صب میباشد

و كييل	« ع ، عبدالجىب خان	دشين دند
»	« ، عبدالظاهر خان	دغوريان
د كشك و گلران	« ، عبدالواسم خان	داوبه
»	« ، شاه گل خان	دوولك
»	« ، محمدامين خان	دقىقەنۇ
»	« ، سلطان محمد خان	دشهرك
»	« ، عبدالحكيم خان	دچەپران
»	« ، حاجى عبدالقدوس خان	دبا لامرغاب
»	« ، عبدالقادر خان	دمزارشريف دمر كز
»	« ، حاجى عبدالرزاق خان	دنهرشاهى و كشنده
»	« ، سيد حسين خان	دنسىگىچارك
»	« ، وصال الدين خان	دتا شقىر خان
»	« ، سيد مراد خان	دآيىك
»	« ، سيد محمد صادق خان	دسرېل
»	« ، عبدالجبار خان	دآقچى
»	« ، عبدالبصير خان	ددولات آباد
»	« ، فارى غلام رسول خان	درده صوف
»	« ، سيد سكندر شاه خان	دشېرغان
»	« ، محمد سعيد خان	دبلىخ
»	« ، محمد رسول خان	دخن آباد دمر كز
»	« ، محمد محسن خان	دقندوز
»	« ، عبدالجى خان	دنهرىين
»	« ، سيد محمد خان	داندراب و خوست و فرنگ
»	« ، مير محمد حسن خان	دتلغان
»	« ، عبدالعلى خان	حضرت ادام اصحاب
»	« ، داراب خان	دچال و اشكىمش
»	« ، مير عبدالوهاب خان	دغرىرى
»	« ، سيد عمر خان	دبدخشان دمر كز
»	« ، لطف الله خان	درستاق
»	« ، مولوي نجم الدين خان	دينگى قىلغە
»	« ، محمد ئابى خان	

## قرص های پنسلین

از ۱۹۴۰ به بعد که پنسلین برای اوین برتبه معرفی شد علماء گوتش امودنده تا این هاده ۲۳م را اضطری درست کرد که از راه دهن مانند دیگر قرص های ادویه هم آن را استعمال نتوانند بلطفاً میگفتند که این ماده اگر از راه دهن استعمال میشود در اثر استعمال بعضی ایسیدهای معین معده خاصیت و آنکه خود را از دست بیندهد ولی اخیراً مجله علمی ساینس امر یکا از روی کار آمدن یک نوع جدید پنسلین اطلاع داد که آن اعتر اضات وارد را نسبت به استعمال آن از راه دهن ازین بر دختر غ این ماده دا گش ریو اند ایال لبی است که در لا بر اثر این درمان مضر رف خدمت است . طریقه جدید او این است که پنسلین را بهمنه نیل کشان کا باز هضم محلوظ کرده و آن را درین کپول ڈلاتین میگذاردند . این پوش ڈلاتین در معده حل نمیشود و پنسلین ذریعه همان پوش تیلی خود که از تخم کشان است هم چنان مخطو خانه را اخراج اماعه میگردد و در اماعه باخون داخل شده و نتیجه تا هنر طبی خود را شان بیندهد .



## ڈلاتین برای خون

پروژه های تحقیقاتی مؤسسه دا کتر وابو اربوش نسبت به پیشرفت ها و تک مل ساینس اغلباً از جمله اسرار حرب دانسته میشود ، در این او اخر از روی اغلب عو جد ات صحي این مؤسسه پرده برداشته شده من جمله اعلامیه اخیر مؤسسه تکاو لوچی کاگور نیاست که نشان داد یک ماده جدید بعوض پلاسمای خون تهیه کرده اند . این ماده از ڈلاتین درست شده و مکتشف مکور آن را ( او کسی پولی ڈلاتین ) مسمی ساخته است . این ماده خلی ساده وار و آن بوده و هیچ ماده بروتین ندارد چه این ماده در اثر فشار خون و گروپ مخصوص خون های معن تکون می باشد . تا هنوز این ماده را بری استفاده افراد ملکی کار تبتداخته اند و هم چنان از راه نیکه قوه های مسلح دارای پلاسمای خون انداز ڈلاتین کثار نمیگرند و چون پلاسمای خلاص شد ابته از ( او کسی پولی ڈلاتین ) استفاده خواهند نمود .

# استهال اقتصادی مهم ملکت

در طرف سال ۱۳۲۴

شاعری تهمیه‌گردیر خان اویس آنی

اداره نخستین - از این که هر سال هفتاد و نهی اجمع به اعمال اقتصادی مملکت برای درج بمساکن از خود لازم شار داشت این هم بر حسب همین صورت ازین ناجز نفاذ است و اضطرابی درین باب برای ایشان بتویسم  
قرائی بکه از زور از اقتصادی مملکت ملی و دادخواهی این اد



و خیلی شوازی بکه معلوماتی که قام اقدامات و اعمال اقتصادی  
مذکور سنه ۱۳۲۴ مخصوص بطریح بعضی اساسنامه‌ای مفیده جهت  
رفادحال امرور و آینده افراد مملکت و آغاز دوباره نهضت  
های اقتصادی بعدازدوزه فترت جنگ جهان گز میباشد  
مناسفانه با تمام اقدامات و چندیت های بکه دولت و سازمان  
عناصر آن در بین الداخلى اثرات مدهوس جنگ اینده اقتصادی  
ملی نموده و میتواند هنوز موقق تشییم اقتصادیات بجزان آسود  
زمان حرب را به اقتصادیات ایام صلح و این مدلن گردانیدن زیرا  
ضریب های بکه از جنگ به بیکر اقتصادیات عالم وارد شده هنوز  
اليوم تیافه و تجارت دنیا حال نورهای را اختیار نمیگرده است

ازین جهت هایم بحسب بودن جزوی از شاهی بزرگ بشریت شاعرانی م قمیر خان آرمه کی  
و دارالائی روابط از دیگر تجارتی پادشاهی همچنان کشیده خواهی خواهی از اوضاع آنها متاثر بوده  
و اوجاع که از پیکرهای خون آسود آنها نشست همکند تله و فرباد خودرا یکوش ما میسراند و همارا  
پاتنم وجودیت های از آلام و مصائب دنیای بی خیر نگه نمیدارد

خریان آثارت داشته بدوران خون در اورده و عروق جسم فی روحی است که اگر اخلاق ای افتخاری

ذریث اعطا آن واقع شود حقاً بیرون خود را در تقاطع دیگر نمودار می‌لرزد و بار و قی آن صرف و قبور  
الذین بیرون نداشتند از آن خود بخود بحال می‌بینند وزدنگی صیغی دا از سر میگیرند

اینکه اقتصادیات ماهم چون تابع با اقتصادیات بین‌المللی است از اینهای اداره که وضعیت تجارت در دنیا  
نظم میگیرد اقتصادیات ماهم شکل و زمان تری بخود خواهد گرفت و از این نظر جنگ را با اعره ترک خواهد داد

اعمال مجبوریم از روی و اتفاق بکه در دست داریم مقاومت خود را همچنان آینده با اثرات باقیه  
جنگ بلویسم برای حال های آینده خدا مهر بان است

اجرا آلت و اعمال اقتصادی را درین سال (۱۳۲۴) بینوان به جند دسته تقسیم گرد از

قیبل؛ طرح نقشه ها برای رفاه حال و آینده مردم اقدامات برای رفاه عالم و اصلاح وضعیت حایه ای تویده

مهماهات بانکی و مسائل تجارتی و موضوعات صنعتی

اینکه هر کدامی از اینها نزدیل نگاشته نمیشود

# طرح نقشه برای رفاه حال

و آینده مردم

## ۱- تزئید معاشات مامورین و مستخدمین :

البته معلوم است که در اثر عوامل متعددی که درین جا جای گفتن همه آن‌ها نیست نزهه روز بروز ترقی کرده و حیات و زندگی مشکل‌تر می‌شود و این اشکال زیاده‌تر از هر طبقه متوجه تنخواه خوران یا به عباره دیگر مامورین و مستخدمین می‌باشد زیرا هر قدر قیمت‌ها بلند می‌رود صنوف دیگر هم خودرا باقیت‌ها موافق گردانیده نمی‌گذارند جویان او ضایع مخالف مفاد ایشان باشد مثلاً بهر اندازه که قیمت اشیای ضروریه و درجه اول مثل آرد و سائر مواد مهمه خوراکه و یاسان وغیره مواد منسوج بلندتر رود مولذین و فروشند گران مواد دیگر مثلاً تو لید کنند گران میوه و کجا لو و سبزیجات وغیره هم کوشش می‌کنند مستحصلات خودرا بهمان اندازه از روی قیمت بلند ببرند هم چنان صنوف کار و اهل کسبه سعی می‌کنند در مقابل کار، پیشه و عمل خود اجوره و حق الزرمه پیشتری دریافت کنند مثل خیاط، دلاک، بوت دوز، و تمام آن‌هائیکه منسوب بیکی از صنوف و اهل کسبه می‌باشند منطق این‌ها در بلند بردن قیمت‌های اشیا واعمال متعلقة ایشان این است که می‌گویند ما برای این که بتوانیم حراج درجه اول خود را از قبیل نان و لباس بدست آریم مجبوریم قیمت‌های مستحصلات واعمال خود را به تناسب قیم مواد خوراکی و بیوشان. هم بلند ببریم اینکه بنا بر همین اساس هر قدر قیمت مواد ضروریه و درجه اول بلند برود مستحصلین مواد دیگر و اهل کسبه قیم مستحصلات واعمال مسلکی خود شان را بهمان اندازه بلند ببرند و با او ضایع تطاویق نموده خود را از خساره و ضرر حفظ می‌کنند درین جا طبقه که متضرر می‌شود تنها و تنها طبقه مامورین و مستخدمین دولتی است و بس؛ علت آن این است که معاشات مامورین و مستخدمین دولتی مربوط به بودجه دولت بوده و در تخصیمات بودجه دولت آن‌ها فا نا تجدید نظر امکان ندارد لهذا گراف معاشات مامورین و مستخدمین دولتی از تعقیب سیر گراف قیم بکلی عاجز است اینها از ترفع قیم تنها مامورین و مستخدمین دولت متضرر می‌شوند دیگران اینکه ذات مبارک شاها نمی‌باشد به نظر لطف و عطوفت بسوی رعایا شاهانه شان نگریسته و پیوسته آرز و دارند اولاد افغان از هیچ‌گونه او ضایع بطور سوء متأثر نگردد اداره فرمودند تادر حدود امکانات مالی واستعداد بودجه دولت حسابی مرتباً و نتیجه را بحضور

مبارکه پادشاهی عرضه دارند تا اگر امکانی موجود باشد بر معاشات مامورین و مستخدمین دولت مبلغی افزوده و باین وسیله در راه تحسین وضعیت مالی مامورین و اصلاح سویه زندگانی آنها نوازشی به عمل آرند.

وزارت مالیه بعد از سنجش دقیق و موازن عوائد و مصارف دولت بو سیله صدارت عظمی عرض حضور شاهانه رساند که این آرزوی بزرگ شاهانه زمینه عمل دارد و می‌توان بر معاشات مامورین و مستخدمین دولت افزود ذات شاهانه که امیدوار چنین یک جواب مثبت بودند فرمانی بعنوان والاحضرت اشرف صدر اعظم صادر وامر فرمودند سر از اول حمل ۱۳۲۵ بر معاشات مامورین و مستخدمین دولت یک‌مبلغ معیناً بهائی که زاید از ۵۰ فیصد می‌باشد افزود گردد. این واقعه در تاریخ مالی و اقتصادی اسلام بر جسته‌گی خاصی داشته و می‌توان تأثیر آن را در جیات اقتصادی و سویه زندگانی مامورین وبالنتیجه در رفاه عامه بزرگ و قابل اهمیت پنداشت باین صورت که اگر مامورین مسعود و آرام بود احتمال دارد به سیار خوبی و صداقت و دل‌سویی و بدون چشم یوشی و رشوه به وظائف خود ادامه بدهند زیرا از نقطه نظر جریان می‌باشد در رشوه و خیانت سهم احتیاج مادی هم باز نمی‌باشد.

این الطاف شاهانه در طبقات مامورین تأثیر گوارانی بخشیده و تمام مامورین بو سیله عریضه به بیش‌گاه شاهانه هر اتابک‌گران خود را تقدیم و ازین خدم نوازی ذات مبارکه پادشاهی عرض می‌نمودند. وزارت مالیه مشغول تدوین و ترتیب بودجه ۱۳۲۵ است تا باساس افزودی معاشات که به رتبه بیش‌گاهی مقدار معینی ایزاد بعمل آمد معاشات رتبه‌گاهه مامورین دائمی و مامورین موقت و مستخدمین را در بودجه باعتبار موازنی مالی تخمین و تعیین و به تمام دو ائمۀ مملکت ابلاغ و برای سال ۱۳۲۵ مورد عمل قرار بدهد.

روی هم‌رفته این امر تزیید معاشات کار بزرگی است و مؤثرات نیکی خواهد داشت.

## ۲- شرکت تعاونی مامورین:

در زمرة موسسات اعتباریه اقتصادی یک‌مکانه موسساتی موجود است که آن‌ها را کوپراتیف ها می‌گویند؛ این کوپراتیف‌ها سه نوع اند:

۱: کوپراتیف‌های اعتباریه.

۲: کوپراتیف‌های استحصالیه.

۳: کوپراتیف‌های استهلاکیه.

مرا موصفات این کوپراتیف‌ها حمایه یک‌مکانه از طبقات جامعه است از طبقه مقابل ایشان مثلاً کوپراتیف‌های اعتباریه موسسات صنعتی و تجاری را در مقابل رفع بلند باشکه‌ها حمایه

و کوپراتیف های استحصالیه عمله و کار گردا در مقابل متصدی وارباب کار (باترون) حفظ و کوپراتیف های استهلاکیه مستهلاکین رادرابر گران فروشان ، محترکرین و تجار بی انصاف حمایه مینماید .

شرکت تعاونی مامورین که اخیراً بدريعة فرمان صدارت عظمی بتاریخ ۱۳ جدی به سرمایه ۱۶ میلیون افغانی ازیول دولت دردافتستان بازکتاب تاسیس شده است اینکه شکل و ماهیت کوپراتیف های استهلاکیه را دارد .

البته میدانیم که این مؤسه مولود یک ذهنیت بسیار عالی و نیت خدمت گذاری به مملکت بوده از زمرة موسسات و شعبی است که محض به سائقه خیرخواهی بوجود آورده شده است زیرا سرمایه این شرکت تماماً به خریداری مایحتاج مامورین بکار برده شده و آن را به مامورین به همان قیمتی که خریداری کرده شده خواهند فروخت زیرا وظیفه شرکت های کوپراتیف در دنیا هم همین است که در ان مشترکین خود می خرد خود می فروشند و باین وسیله وساحت هیچ تجار از بین میروند .  
البته از ناحیه اینکه شرکت مایحتاج را از منبع آن خریده و تقریباً بهمان قیمت با مورین می فروشد خدمت بزرگی به وضعیت مالی مامورین خواهد نمود زیرا اگر بوسیله گران فر و شی و بی انصافی بول و دارائی مامورین بی انصافانه از دست شان گرفته شده و مانند ممالکی دیگر از اطراف مؤسسات حمایه وی مانند چنین کوپراتیف های حمامیه شوند و مایحتاج خود را به قیمت مناسب بدست آورده بتوانند ابدآ پریشان نشده و بیاعتدات و معاشی که دارند بخوبی گذاره خواهند کرد .  
مقرر است که این کوپراتیف اشیا و لوازم حیات مامورین را از داخل و خارج درا وقات مناسب و موافق با صرفه و اقتصاد خریداری کرده و باین در مقابله بول و قیمت تقریباً بهمان قیمتی که خریداری می کنند بفروشند اگر تکنیک خریداری طوری که لازم است معمول شده و دراداره این مؤسسه مثلی که علم اقتصاد سفارش می کنند ملاحظات اقتصادی مرعی باشد میتوان ضمانت کرد که ازین مؤسسه همان طوری که شایسته است و حکومت متبعه از تاسیس مذکور آن آرزو را دارد استفاده نهانی به عمل خواهد آمد .

این مؤسسه نه تنها برای مامورین مفید است بلکه طبقات دیگرهم به طور غیر مستقیم ازان مستقیم میگردد نه تنها تصور کنید بازارهای مملکت مرتع تمام افزاده مملکت است و وقتی مالی در بازار وارد نمی شود بهر مقدار بسکه باشد و در تقاضای تمام افراد مملکت فرار میگیرد در صورتی که مامورین برای ابیاع مایحتاج بازار دیگری داشتند باشند طبعاً بازارهای عمومی تنها برای افراد عامه و اگداشته شده از عده تقاضا کنندگان بطور معتبر بهی کاسته می شود و طبیعی است در صورتی که از عده تقاضا کنندگان کاسته شد چون عرضه بهمان مقدار است لذا قیمت فروز مماید و عامه استفاده میکند خوبست برای اثبات ادعای خود مثلى بز نیم :

تصور کشید مغازه های فروش بوت در کابل دهمغازه است و نسبت مامورین در عدد اهالی ۱/۰۳۰ است اگر این ۳۰٪ بوت های کار آمد خود را از شرکت تعاونی بدست آرند و احتیاج برای رجوع به بازار نداشته باشد بازار محض برای همان ۰/۷۰ نفر مانده و مطابق قانون عرضه تقاضا از قیمت مخمنه بوت ۳۰٪ کاسته می شود و این قیمت در جیب مردم باقی ماند از دهن مغازه داران زده می شود.

اینک این ملاحظات شان میدهد که تاسیس شرکت تعاونی مامورین از اعمال بر جسته و مفید است که در ظرف سال ۱۴۲۴ ابر عدمه سات تجاری ما افزودشده و یکی از حوادث اقتصادی سال را تشکیل میدهد.

### ۳- هیئت کنترول نرخها:

بناریخ (۱۷) دلو در مجلس عالی وزرا فیصله شد تا یک هیئت کنترول نرخ ها از وزارت های ، اقتصاد ، داخله، ولایت کابل و ریاست بلدیه و بانک های مرکزی و ملی تشکیل و برای کنترول نرخ ها تجویز لازم بنماید.

این هیئت اخیراً تشکیل شد و در وزارت داخله چند جلسه هم کرده و تدابیر مقدماتی برای کنترول نرخ ها اتخاذ نموده است.

البته تا زمانی که کوفت ضربه های جنگ باقی است و تا وقتی که هستند اشخاصی که از دست رنج دیگران بدون حق بطور بی انصافانه در اثر گران فروشی و احتکار استفاده سو نمایند کنترول بر نرخ ها واجب و لازم میباشد.

شاید تاثیر این هیئت در ثبات قیم و برحال نگه داشتن نرخ ها و جلوگیری از اختصاصات ارباب احتکار و گران فروشان سیار بزرگی باشد زیرا اشخاصی که این کار را به عهده گرفته اند و نیتی که در ایجاد این هیئت عامل بوده است بما اطمینان میدهد حیل دوسائنس ارباب احتکار و گران فروشان کتم مؤثر ثابت خواهد گردید.

حکومت با تاسیس این مؤسسه میل دارد عامه و مردمی که بیوسته کار میکنند و به مزد آن امن ارجایات مینمایند حمایه شوندوایشان بوسیله اعمال گران فروشان و گرانی معیشت به مضمونه مبتلا نباشند لاین هیئت برای اینکه بتواند در اعمال آینده خود مسندي داشته باشد از حالا به کر های اساسی تری دستزده و میخواهد از راهی که به عقل و عدالت موافق باشد بر نرخ ها کنترول کنند و نگذارد مقاد عاده در خطر باشد.

گرچه این مقاله شکل را پور را دارد ولازم نیست انظریات شخصی و پیش نهادی در ان گنجانده شود اما بطور یادداشت میتوان گفت که وقتی درین امر موافقیت پیشتری بدست میاید که در مورد اموال و امتعهدا خلی از اصول کدام که آن را انظم قیم میگویند مثل گدام های ارزاق موجوده

و در مورد امتعه خارجی از اصول تدقيق بیجکت و علم و خبر تجار کار گرفته شود زیرا اگر گدام های ارزاق و لوازم دیگر از قبیل ذغال وغیره موجود باشد هر وقتی که دیده شود نرخ در بازار بلند رفته فوراً برای یائین آوردن آن میتوان آن اشیا را در بازار کشید وهمچنان در صورتی که بیجک ها و تذکره های علم و خبر تجار در منشأ آن هم (بر طبق اصول گمر کی) تدقیق و درین جا نیز در نظر گرفته شده قیمت فروش اموال از روی قیمت تمام شد آن ویکی اندازه مناسب بنام فائدہ تاجر تعین شود تا اندازه زیادی جلو تقلب و گران فروشی گرفته شدو هیئت کشور نرخ ها در کار خود موافق و کامیاب خواهد بود.

رویه رفته این هیئت اگر طور یکه شایسته است کار کرده و کسب موفقیت نما ید مصادر خدمات خوبی در تحسین سویه زندگی مردم گردیده برای رفاه و آرامی عامه کارهای مهمی انجام خواهد داد و مأمولی را که از وعده تصور است برخواهد آورد.

## اقدامات برای رفاه و آرامی مردم

در حال حاضر

### ۱:- وضعیت نرخ ها :

سالیکه گذشت از نقطعه نظر نرخ های کی از سالهای بحرانی چنینگ بوده مان طور یکه نرخ ها درین سال مخصوصاً نرخ اشیا و مواد خوراکی در تمام دنیا بلند رفته در مملکت ماهمند بوده است چنان نچه در زمستان یکبار نرخ آرد حتی به فی سیر (۲۰) افغانی هم رسیده ولی در اثر تدایر جدی و فوری و توجه مخصوص حکومت متبوعه بزودی یائین آمد و در اثر بیرون کشیدن مقدار زیاد آرد از ذخیره های ارزاق در مندوی و نان وائی ها نرخ آرد پیش به ۱۲ - افغانی پائین شد .

برای مهترین مواد غذائی از قبیل آرد، روغن، بوره دولت تدبیر خوبی سنجیده بود مثلاً :

۱:- برای مامورین تادرجه مدیر انتظامی یکی که مقدار معین آرد در اوقات معین داده می شد .

۲:- در آوازیکه مندوی را گرانی قیمت آرد تهدید مینمود از طرف ارزاق آرد زیادی برای بر اندام ختن نرخ به مندوی کشیده می شد .

۳:- برای اینکه مسافرین و مردم ما نیکه چهت حوانج ضروری خود به بازار کابل می آمدند از در که اغذیه پریشان نشوند به نان وائی هایک یک مقدار معین آرد داده شده و با ایشان فدغنا کرده می شد تنان آن را فی پا ۶۵ بول بفروشنده .

۴:- روغن به تمام ما مورین به قیم مشخصی داده شده و به عامه بذریعه مار کیت ها فروخته می شد .

۶- بوره بر طبق کویون در منازع شخصی باندازه که به فی نفر قبلاً سنجیده شده بود اعطای میگردید و علاوه بر تمام سال گذشته بوره در بازار هم بهر مقداری که خواسته میشد میسر میگردد .

۷- منسوجات وطنی بذریعه شرکت ارزاق وقتاً فوقتاً به قیمت مناسبی به معرض فروش گذاشته میشد .

خلافه در تمام سال در هر شق سعی به عمل می آمد تا مردم پریشان نشوند .

۸- گوشت از ابتدای زمستان تا اخیر آن هر روزه بوسیله موتو راهی بقدر کافی از مسلح که گوسفند هارا در تمام سال ذبح کرده و در تبریز خانه های آن بصورت ذخیره نگه داشته بودند به مارکت های گوشت آورده شده و در ان جاب حساب کیلو به حاجت مندان میفرمودند و میتوان گفت که از ناحیه پیدایش گوشت در زمستان گذشته مؤسسه مسلح خدمت خوبی به مردم شهر نموده است .

۹- ذغال : یکی از موادی که ما بدان احتیاج زیادی داشته و سالیانه به هزار ها

خروار صرف میکنیم محروم قات است .

از روز یکه خدا افغانستان را خلق و در زمرة ممالک متمدن داخل کرده است بیوسته محروم قات خود را از چوب حاصل و باین وسیله جنگلات ، باغات و حتی باغ های میوه مخصوصاً توت و زرد آلو و چهار مغز را قطع و بکار تسبیخ و طبخ برده ایم .

البته این حال اسف آور بود و باید به عجله علاج آن نموده میشد همان بود که وزارت معادن با مر وارد و لا حضرت افخم صدر اعظم عزم کرد تا محروم قات زمستان ۱۳۲۴ را از ذغال های معادن قریب کابل تهیه و بست رس افراد و دو ائم گذاشت و دو پس که وزارت معادن این تعهد را نموده و بعد کمی بک مقدار زیاد ذغال سنگ از معادن آش یشته استخراج و بصورت سنگ و پریکت بدست رس دواز و افراد گذاشت و علاوه بر مخصوصین وزارت معادن بذریعه مقا لات و امتحان های عملی طرز استفاده از ذغال سنگ را به مردم یادداشت و در تمام زمستان تمام دواز و مقامات رسمی واکنشی از مردم و افراد محروم قات خود را از ذغال سنگ تهیه کردند .

ذغال سنگ نسبت به چوب هم از حیث کالوری و هم از جنبه قیمت اقتصادی تربوده در تمام زمستان خواهی میگردید .

ذغال سنگ از چندین جهت بهتر از چوب است :

۱- اگر محروم قات ما بصورت چوب ادامه یابد جنگلات و باغات باقی مانده و ناقصی هم که اکنون داریم به تدریج از دست رفته اراضی عریان و بازی برای متابعی خواهد ماند که در آن وقت از فوائد سردرختی آن ها مثل میوه محروم خواهیم شد .

- ۲- وجود بکار افتادن معادن ذغال صنعت مخصوصاً صنایع ماشین را در مملکت ترقی میدهد زیرا از ذغال اخذ قوه و انرژی به سهولت و در هرجا امکان دارد .
- ۳- ذغال واستفاده ازان مارا از قطع کردن درختان باز میدارد و جون درختان قطع نشد رفته مملکت سربز می شود و وجود جنگلات در تهه ها شواهد سبب جلو گیری از سیل هامی گردد .
- ۴- بکار افتادن ذغال در نسخین و طبع بطور غیر مستقیم بر وضعیت صحی مملکت تاثیر مثبت می بخشد با این صورت که احتیاج به قطع کردن درختان برای محروقات باقی نماند وجود درختان در مملکت سبب تصفیه هوا و هوای مصفا و سرد موجب صحت و تندرسی است .
- اینک اینها و صدها فوائد دیگری که از ذغال گرفته می شود ایجاب مینماید تعویم ذغال را در محروقات یکی از قضایای مهم اقتصادی ۱۳۲۴ افغانستان تلقی بنمایم .
- فراریکه وزارت معادن در نظر دارد ممکن است زمینه استفاده از ذغال سنگی روز بروز در مملکت ما وسعت یافته و درجه استفاده ما ازان ماده مفید و کار آمد زیاد گردد .
- مملکت ما با دارائی ذغال سیاه و سفید (قوه برق) امتنان خاصی دارد و شاید ترقیات صنعتی و اقتصادی مملکت ما بیشتر به همین دو قوه منوط و مربوط باشد .
- ۹- برای ارزانی اجناس وارداتی وزارت اقتصاد ملی اخیراً به یک سلسه اصلاحات مفیدی در زمینه اصلاح اقتصادیات مملکت دست زده که از ان جمله تصویب های جدید یست که برای ارزانی اجناس وارداتی به عمل آورده است .
- مطابق این تصویب مبلغ پنجاه میلیون افغانی سرمایه تعین گردیده که بیست میلیون آن را بانک ملی ده میلیون آن را شرکت قره قل ده میلیون را شرکت اتحادیه شمالی، پنج میلیون را شرکت اتحادیه هرات پنج میلیون را شرکت اتحادیه اندخوی تادیه خواهی کرد این پول برای مدت یک سال بدون مفاد در اختیار اطاق تجارت خواهد بود تا آن را بلافضله توسط اشخاص صحیح برای خریداری و تورید یک اندازه کافی تکمیل نخی و سندی از امریکای شمالی امریکای جنوبی، هند و سویس به صرف رسانند و نیز مقرر شد که تمام رخت باب نخی و سندی موجوده شرکت ها و تجار مهه از قسم مال امریکایی و هندی که قبل خریداری و یا فرمایش داده شده و یا در عرض راه و یا در گمرک یا تجارت خانه ها و گدام های شان میباشد در اختیار اطاق تجارت گذاشته شود و تجار تنها قیمت تمام شد را با منافع مقرر و کنترولی اخذ دارند هم چنان محصول فا بریکه های نساجی داخلی نیز تماماً به اختیار اطاق تجارت گذاشته می شود .
- وزارت اقتصاد ملی برای توزیع این اشیا هم ترتیباتی اتخاذ و سیستم کارت را تجویز و ضرر عمل آن را در مجال اقتصادی تعین و برای اخذ منظوري به مجلس وزرا عرضه نموده البته این اقدام وزارت اقتصاد ملی تاثیر بزرگی تواید و موجب رفاه و آسوده حالی عوام شده موجبات امتنان را فراهم خواهد کرد .

## معاملات بازگشایی

قرار یکه از بانک ملی اطلاع گرفتیم در نتیجه خاتمه جنگ در سال ۱۳۲۴ جنبشی در کلیه ارکان اقتصادی مملکت وارد گردیده که انعکاس آن بصورت بارزی در امور بانکی و تجارتی و صنعتی بانک ملی محسوس و هر یک از شعب مند کور به سیر صعودی آغاز نمودند که اینک بطور مختصر هر کدامی ازانها در ذیل مطالعه گرده می شود :

**۱ - وضعیت حسابات جاری و امانت : در سنه ۱۳۲۴ تعداد حسابات جاری ۰/۰۲۵**

حسابات امانت ۰/۰۱۷ و حسابات صندوق پس انداز ۳۰ فیصد نسبت به سال ۱۳۲۳ ترقی نموده و تناسب دادو گرفت پولی حسابات مند کورو معاملات تبادله از فیصدی مند کور هم پیشتر بوده است .

در مورد ترقی تعداد حسابات اولاً پایان جنگ که موافع را از جلو معاملات و تجارت خارجی نسبتاً رفع نموده است اهمیت خاصی داشته و بعد از آن آشنائی مشتریان به معاملات بانک عامل مهم دانسته می شود بطور یکه امروز اکثر معاملات انتقالی و تبادلی را بر معاملات نقدی ترجیح داده و دادوستد پولی را توسط چک و حواله بانک اجرا میدارند .

**ب - وضعیت کریدت در بانک ملی :**

۱- در مورد صادرات : بانک ملی که منظور بزرگ آن خدمت در ترقی صادرات و اصلاح واردات مملکت است پیوسته در صدد آن بوده تا برای نیل به مقصد از مجاہدت نه کاسته باشد چنانچه امسال که تجار پوست احتیاج خود را نسبت باخذه قرضه در مقابل پوست پیشتر نشان دادند بانک ملی معیارا عطا خود را در مقابل پوست اصلی از فی جلد ۲۸-افغانی به ۶۳-افغانی ترقی داده و بدینصورت یک مبلغ معنابه در معرض استفاده تجار پوست قرار گرفت .

**۲- در مورد واردات : در قسمت واردات بدیهی است که با ختم جنگ تورید اموال**

برای تجار وارداتی از مواردی بخار مخصوصاً از ممالک متحده امریکا پیشتر از سابق امکان پذیر گردیده است .

خدمتیکه امسال بانک ملی درین زمینه نموده است توسعه اوراق اعتباریه (لیتر آف کریدت ) است که برای انجام خواهشات مراجعن اعتبارات لازمه را مفتوح وجهت اجرای ترازنیت اموال امریکائی از هند مبلغ کافی را در معرض استفاده تجار قرار داد .

د کنیل ڈالہی

۳: در زمینه معاملات قرضه و لیتر آف کریدت: قراریکه از بانک ملی اطلاع داده اند معاملات قرضه بطور عموم نسبت بسال گذشته و سعت اختیار نموده چنانچه روی همرفت در ۱۳۲۴ عده در خواستهای قرضه عموماً در خواستهای لیتر آف کریدت خصوصاً نسبت به گذشته بیشتر شده است.

۴: معاملات خزانه داری و بانکی دو لسته ولایات: در اوخر سال ۱۳۲۴ معاون داغستان بانک مسافرتی به ولایات شمالی و مغربی مملکت نموده نمایندگی های داغستان بانک را در بعضی از ولایات تشکیل و در برخی از ولایات و سعت داد مقصد از تشکیل این نمایندگی ها احراز وظیفه و پیشنهاد بانک مذکور است که در اساس نامه آن داغستان بانک باانکر دولت و خزانه دار دولت شناخته شده است. حقیقتاً داغستان بانک مثل بانک های بزرگ مرکزی ممالک دیگر بانکی است که باید خزانه دار و باانکر دولت تلقی گردد ازین جهت بانک مذکور که درین روزها موقع را برای اعمال خود مساعد ترمی پیند کوشش مینماید بالمره وظائف اصلیه خودرا از هرجنبه بدست گرفته مانند یک بانک مرکزی آن را ایفا و ازین راه در ترقی اقتصادیات ملی و معاملات افراد و دولت سهولت و اصلاحاتی بهم رساند.

## معاملات تجاری

اگر چه جنگ عمومی اخیره در سنه ۱۹۲۴ ختم شده و بشریت از بلای مهیب آن نجات یافت اما قبود و موافقیکه در آوان جنگ در زمینه تجارت بین المللی وضع گردیده بود هنوز به کلی و به پیمانه مکلفی رفع نشده و باین علت تجارت مملکت ما هم نتوانست که در سنه ۱۳۲۴ باوضاع عادی قبل از حرب عود نماید معهداً بانک ملی با وصف عوائق مذکور بازهم به برخی اقدامات تجاری پرداخته است که اینک بطور مختصر ذکر میگردد:

۱: تجارت پوست قره قل: در سنه ۱۳۲۴ یک مقدار زیاد پوست قره قل افغانی از افغانستان به امریکا صادر گردید و چون بازار مملکت مذکور برای فروش پوست قره قل افغانی مساعد بوده لذا قسمت زیاد آن بفروش رسید در عین حال درین سال چون جنگ ختم گردید لذا در بازار لندن نیز تقاضای پوست محسوس گردید پس بانک ملی این تقاضا را هم بی جواب نمانده و درین باره نیز اقداماتی نمود.

ب - پشم : اگر چه در سنه ۱۳۲۴ بازار بین المللی پشم مساعد و تقاضاً زیاد بود اما به عملات مشکلات نقلیه اصدار پشم از ولایت‌های دیگر غیر از ولایت فندهارم، مکن نشدو احتمال دارد در آیندهٔ قریب بثابر تقاضاهای که درین زمینه در امریکا و اروپا مشهود است زمینهٔ صادرات پشم به پیمانهٔ کافی تهیه و آماده شود .

ج - پنجم : در ۱۳۲۴ شرکت شمالی مقدار زیاد پنبه را خریداری و یک مقدار آن را به هند صادر نمود و بازار هند هم برای فروش آن مساعدت خوبی نشان داد و نیز یک مقدار دیگر در داخل فروخته شد و هم یک اندازهٔ زیادی از ان در فابریکه‌های نساجی داخل مملکت بکار نسج منوجات بردہ شد .

از اطلاعاتیکه به بافق ملی رسیده معلوم می‌شود که در انگلستان و ممالک دیگر نیز تقاضاً های برای پنبه موجود و جنس پنبه افغانی مطلوب می‌باشد و البته به مجردیکه وسائل نقلیه مساعدت کرد تجارت پنبه ترقی زیادی راحائز خواهد گردید .

د - تریاک : اگر چه زراعت تریاک در افغانستان رسمآ منع قرار داده شده اما از ذخایر گذشته در سنه ۱۳۲۴ یک مقدار زیاد تریاک از بدخشان به امریکا و فرانسه صادر گردد شد . در گستاخ را در سنه ۱۳۲۴ بافق ملی نسبت به سابق بیشتر داخل اقدامات شده و یک مقدار زیاد پارچه باب نخی و پشمی از امریکای جنوبی و انگلستان خریداری گردد است و نیز شرکت فندرسازی یک مقدار مکلفی پترول و شکر از هندواردنموده برای استفادهٔ داخلی بکاربرد . شرکت انحصار موتور هم موفق شد که آردر های خود را جهت تورید موتور های لا ری و تیز رفتار به امریکا صادر نماید .

شرکت‌های وارداتی هم از قبیل شرکت مرست و شرکت صابروشور که‌های خوردوریزه دیگر مانند شرکت اقبال و امثال‌هم در ظرف سال به تورید بعضی اشیا از قبیل رخت‌باب نخی و پشمی و چینی باب‌مثل گیلاس و اسباب برق از خارج مخصوصاً از امریکا وارد و در بازارهای کابل به قیمت های نازلتی فروختند . احتمال دارد بعد ازین دامنهٔ تجارت بین‌المللی هم در زمینهٔ واردات و هم از جنبهٔ صادرات وسعت پذیرفته واز هر مملکت مالی وارد و مال افغانستان در تمام دنیا در زیر لوای آزا دی تجارت بین‌المللی بزود وازین راه در راه‌هم کاری ملل خدمتی بنماید .

آزا دی تجارت برای تمام مملک بدون استثنی مفید است و این فائده مولود همان نظام از لی است که مکتب لبراتیست اقتصادی سفارش مینمود .

## موضوع صنعت

سال ۱۳۲۴ اگرچه سال ختم جنگ بین‌المللی تلقی می‌شود اما هنوز عوا نتیجه در اثر جنگ در راه تجارت بین‌المللی وارد گردیده بود رفع نشده و فابریکه‌های بزرگ مملکت از قبیل فابریکه نساجی پل خمری، فابریکه نساجی جبل السراج، فابریکه پشمینه بافی قند هار فابریکه پشمینه بافی کابل تو انتستدیرزه‌های کمبود ماشین‌های خود را تهیه و تکمیل نمایند معهداً روز بروز نوافع امور خود را رفع و تولیدات خود را از هر حیث بهتر و کاملاً کر دند مثلاً در فابریکه نساجی پل خمری که قبل از نفر در مدت ۸ ساعت بیش از ۶ متر پارچه تولید نمی‌توانند امر روز در اثر تریه کار گران در ظرف مدت مزبور فی نفزار ۳۰ الی ۴۰ متر پارچه تولید می‌کنند.

هم‌چنان فابریکه پشمینه بافی قند هار بین‌المللی تولیدات خود را باندازه بلند بزد که علاوه بر مایحتاج خود باندازه ۷ هزار سیر تار با فابریکه پشمینه بافی اقتصاد کابل قرارداد نموده و علاوه بر آن تارهای پشمی (یون) خود را در بازارهای داخلی بافاست کاملاً عرضه و در راه ترقی صنعت بافت در فامیل‌ها خدمت بزرگی نموده است.

برای سوت فابریکه قند بغلان فبل در صد تن ۸ تن ذغال به مصرف میر سید ذرا مسال به پنج تن تنزیل یافته که تفاوت قیمت آن پنجصد هزار افغانی می‌باشد علاوه بر آن احداث و سلطیح شرک جدیدی از معدن ذغال کر کر ای فابریکه قند بغلان تحت اجر اگرفته شده است که در تقلیل کرایه ذغال و بالنتیجه تنزیل قیمت تمام شد تولیدات فابریکه قند بغلان مت شایانی خواهد نمود. این است مختصری از اجر ای اقتصادی مملکت در ظرف سال و شاید ثراین اقدامات در سال‌های آینده بیشتر محسوس گردد.

پہ ۱۳۲۴ کال کتبی دفتری۔ پستی

لکوں کی پیاعادو رجستہا

ددی لامه چه پدی کمال کنیی به شرق او غرب کنیی نهی دیگر دیدی اه و زند اه  
دشیرو کال او دوینو بیزو لو او دیودبل دوزلوب رومنه شرتا زساه کیلوا او زی دیونوا  
موقع بیداشوه بودا کمال نهیو الحی پرمیستی کلموت او اوی دوره کنیی لامست اه دیونوا  
سلکه یه اول تاریخ کنیی خوارازمات اهمت  
۱۰۰۰ سال پیش از میلاد



هر کله‌جا بدهی کال کنیه ریه چکر.  
جام و نیزه به تبره کالانو کنیه دهقی تند بجهی  
تحول او به کنیه مصلی باشولی ایه رسیده ده  
بو په جز پیانو کنیه گر کنیه دهکری کم بی ازه  
شکاری اوپه، داده جه دهکری درستی دهاره  
نه بجهد، روغنی او سو ای خبری بکنیه ده شود  
دی یه لیزخه لیزخه معن وارد وو، او هنقو خر و او  
هم سلوهه منوجه شو چه ده سراجی او، روغنی داوري  
پوری امده ولاری ۱۴۲۳۵ کال یه کالانو کنیه  
مو دهلا لیکنی دجه دتو ریده دهانه کنیه  
هاروره جگره داله ان د قوت پهلا شرطه  
پایی تهور سیدله او د خلور گونو او یو دو او  
قواف د آلام اوده هه دهکرو د چاره واگنی ده

لاسو کېپى وۇ يول، وزوستە يىادردىرى گۈندولۇ تو سەخلىقىسىد قاسىم خان رېچتىار  
وا كۆ لانو دىرىلىن پەيپەتسدام كېپى جىڭىز كېپى او، ور وستىنى اخظار ئى د جا ئان يە ئامە  
مىدار كې جە كە جاما زان غۇادى جەدىتىاهى نەخلامى شى بىلەيد بى شەھىدى خان سالىم كە ئامە،  
دە اعلامى (داسىد ۱۳۲۴ مارچ ۱۹۷۲) خېرىھ تىۋە، دەنە وزوستە ئەققە خايىچە خاييان دەنەنەت ورخواب ور تىڭىز  
او يەداسى خال كېپى جە وىيل كېپىدە جە دروستىي بە منىڭىز توب دجايان اوود منىھى يېنى بە منىھى  
كېپى خېرى ئىزى كېپىزى، شوروى، اتىحد دىخىلۇ وىعەد سەرە سەم چە دىيۇ تەسەام پە ئەتكەراتىس  
او يالاتا يە كەنۋاسىن كېپى دىخىلۇ مەلکەر و سەرە كېپى وي خاييان سەرەنى دىجىگرىي اعلامن ور كەراو  
شوروى فۇخۇنە دەمنچۇر يا دەتسكۇ او (سرەندۇن) نەتەرن شۇل، ئەينە ور پەنە بىر وەمن ئامەر يېنىڭىز  
چەپپەر ئىش او اقىاء دىر ئەنلىقىمىز اعلام و كېچە ئەنلىك و ئەنلىقىمىز ئەردىيارە (داسىد ۱۳۲۴ مارچ ۱۹۷۲)

دآ تو میک به دجا پان به اورشیمیا بنار باندی وغور خواوه ، ددغو دوو بینو به اثر د جا پان حکومت دسویس د حکومت پذریعه اتازونی ته دخیل ببی شرط تسلیمیه بیشنها و کر مگر پدی شرط چه دامپرا طور مقام تهخه توان او صدمه ونه رسپزی ، مگر داخواهش متعددینو ونه ما نه فقط دو مره وویل شول چه د پوتدام داعلامیه سره سم د بلاشرط تسلیم به صورت کنیی دجا پان دخواری اصلی خایونه به تری بیل نشی اونه به دجا پان تول هیواد ونیول شی نمکر دامپرا اطور او نور و خبر و خواشا کپی چه خنگه متعددین لازم ووینی اوور ته شهپرکاره شی هماگسی به و کری . دجا پان حکومت (دادسده ۳-۲۴-۱۳۲۴ه) د متعددینو شرطونو خپله موافقه خر گنده کره او نمایند گان نی د آینده اجر ا آتو د طرز یه خواشا کپی دخرا و اتز و دباره ما نیلاه خوا ته و خوزی دل اود متعددینو لـه پاوه جنرال مکار تر دجا پان یه اعلی قو ماند ای . و تا کل شو او جا پانی نمایند گیا نو ته ئی یه فلپانن کپی لارشونه کری او مطلوبه معلومات نی خخنی واخستن او (دسنبلي یه ۰-۱۳۲۴) هفه خپله هم د میسوری نامي پیری پذر بعد دجا پان به غامده کپی پلی شو اود جا پان دفو او د بلاشرط تسلیم ترون چه دجا پان دخارجه وزیر اود ار کاتحرب د نمایند له پلوه لاس لیک شوی و ده هم ا مضاء کر ، پدی وخت کپی د انگلستان ، اتحاد شور وی ، چین ، فرانسی ، او دنور و ممالکون نمایند گیانو چه جا پان سره یه جگره اخته وهم حاضر و د دغه ترون له مخدی نه (دادسده ۲۳ یه ۲۴-۱۳۲۴ه) د شرق اقصی د جگره د ختم دلو اعلامیه هم خپره شو ، جا پانی قو او یه هر خای کپی خپله چنانه د متعددینو قوماندا . ناونه تسلیم کولی ۴ داسی فصله ای و کره چه د جا پان نبول او دجا پانی فو مخونونه دو سلو اخستن فقط دامری یکانی عسکرو وظبه ده ، مگر د دغی وظفی یه مقابل داسیا یه جنوب شرقی خوزه کپی چه مراد تری هالیندی شرق الهند دی دهالیندی قو او ترسید او بوری دانگلستان عسکرو ته او منچو ریادي د چهن دقو او تر رسید لو یو ری دشوروی اتحاد لپنکرو ته او کوریا دی یه گده امری یکانی او رو سی لپنکرو ته پر بینود له شی یه چین کپی خپله چیان اویه نور و ماسکو کپی خپله ذیحق مالک افاده و کری ، یه سیام کپی امری یکانیان او انگلستان یه گده او یه هند چین فرانسی کپی د فرانسی عسکرو تر رسید لو بوری دی چنیان او انگلستان دو سلو د اخستن او د امنیت د تپنگولو او وظفی اجر ا کا ندی ، پدی دول تقریباً پدریو میاشتو کپی د نوموزو مملکتو قو او دجا پانی عسکرو نه دو سلو د اخستن او د امنیت د تپنگولو کارونه یا ته رسول ، فقط یه هند چین ، شرق الهند ، منچوریا او کو ریا کپی د داخلی اوضاع له جیمه دو سلو د اخستن او د امنیت د تپنگولو کار تریوی مودی بوری و خنوبه دذ کر شو و مالکونه یه کوم بود داخلی بی اتفاقی یه اشراویه کوم کپی آزادی . غوښتلونه هضت یه اش او یه مخینو خایون کپی د نیون کوم مالکو د اختلاف یه اغیزه د امنیت د تپنگولو او دجا پانی لپنکرو نه دو سلو د اخستن کار ، گران او سخت شوی او دی اضرارا بونو د کال تراخره بوری دوام و کر او یه نتیجه کپی خبره یه جگره او اخ ودب بدایه شوچه دهربی بونی خپله خای کپی ذکروشی ، پدی دول د نی دویمه جگره دشیز و کارونه د ووسته خلاصه شوی او متخا صمو مملکتو و سلی دلا سه وغور خواری .

نو دغه دی دالمان او دجايان د تسلیمید گو نه و روسته پېښی چه د یو ی سلسلى سیا سی پېښو او بین المللی مجلسونو خخه عبارت دی په لز اخصار لاندی لیکو .  
دسانفرانس نسکو کنفرانس : کخه دا کنفرانس د آلمان د تسلیم نه خو ورخی مخکنې جوم

شوی و مگر درې دورخونه و روسته ور خو پوری ئىدم دواام درلوده ، پدغه کنفرانس کېنى دمتخته ملتونو متشور چه د بن المللی هـکاری نوي اسا سنا مه ده د (۵۲) مملکتتو له خوا ترتیب او تصویب شو او د متخته قومو نو دمو سسی اساس بې پنجو شکلنو نوچه دامنې مجلسس ، د اجتماعی او اقتصادی مجلس ، دقیقیومیت مجلس ، د بن المللی عدلي محکمې او د داو الا نشاء خخه عبارت دی کېپنېود شو .

دیوتسدام کنفرانس : پدی مجلس کېنى چه دالمان دماتې نه و روسته جوھ شوی و سرېره

پدی چه جایان او د هفه مر به طه مـالکو دنیولو اود کـنـتـرـولـ خـبـرـ يـ اـتـرـيـ اوـ فـيـصـلـيـ وـشـوـيـ ، لـكـهـ چـهـ پـهـ مـقـدـمـهـ کـېـنـيـ موـهـمـ وـرـتـهـ اـشـارـهـ وـکـړـهـ دـدـرـیـ گـوـنـوـ دـوـاتـوـ وـاـکـوـ الاـ نـوـ خـلـوـ مـيـنـځـوـ کـېـنـيـ چـایـانـ تـهـ دـالـتـاـ تـوـمـ دـورـ کـوـلـوـ بـهـ خـصـوـصـ کـېـنـيـ هـمـ پـتـلـيـ وـهـ ، هـمـاغـوـهـ چـهـ دـدـیـ اـخـطـارـ بـهـ اـغـزـهـ بـهـ لـزـهـ موـهـ کـېـنـيـ چـهـ مـيـاشـتـ لـاـهـ پـوـرـهـ نـوـهـ چـهـ جـایـانـ بـهـ شـرـطـهـ خـانـ تـسـلـیـمـ کـړـ .

نه ایند کېنى د دبانینى چارو وزیرانو کنفرانس : دیوتسدام د کنفرانس د تو صېي

پـهـ نـهـاسـ دـيـنـځـگـوـ نـوـ دـوـلـتوـ نـوـ دـدـبـانـدـ يـنـيـ چـارـوـ وزـيرـانـ دـ (ـسـبـلـيـ ـ۱۹۴ـ)ـ تـارـيـخـ لـنـدنـ کـېـنـيـ سـرـهـ رـاغـونـهـ شـوـيـ اوـ دـمـحـورـيـ دـوـلـتوـ دـيـنـځـوـانـوـ مـلـتـكـرـ اوـ دـوـسـانـوـ سـرـهـ دـسـولـيـ دـفـارـ دـادـ اوـ تـرـ وـنـ پـخـواـ وـشاـ کـېـنـيـ وـغـيـرـېـ دـلـلـ اوـ پـهـ هـسـيـ حـالـ کـېـنـيـ چـهـ بـهـ هـيـثـ يـوـهـ فـقـرـ ئـيـ موـافـقـهـ رـاـ نـفـهـ مجلسـ وـرـانـ شـوـ .

پـهـ مـسـکـوـ کـېـنـيـ دـ دـرـيـ گـوـنـوـ دـوـاتـوـ دـخـارـجـهـ وزـير~انـوـ کـنـفـرـانـسـ : دـلـنـدنـ دـ کـنـفـرـانـسـ دـ

دـ کـنـنـامـيـ نـهـ روـسـتـهـ ، دـلـوـيـوـ دـوـلـتوـ پـهـ مـيـنـځـ کـېـنـيـ سـيـاسـيـ فـضـاـ وـرـخـ تـرـورـخـ خـرـ پـدـاـهـ پـهـ تـېـرـهـ بـياـ دـاـيـرـانـ دـآـذـرـ بـاـئـيـ جـانـ دـآـزـادـيـ غـوـښـتـلـوـ مـسـئـلـيـ اوـهـفـوـ اـخـلـاـفـوـنـوـ چـهـ بـهـ مـنـچـورـيـاـ کـېـنـيـ دـاـتـاـزـوـنـيـ اوـرـوسـيـ بـهـ مـنـځـ کـېـنـيـ بـېـشـ شـوـيـ وـ سـيـاسـيـ اوـضـاعـ نـوـرـهـ هـمـ وـرـ اـنـهـ اوـ خـرـهـ بـېـهـ کـړـهـ ، کـمانـ کـېـنـدـهـ چـهـ نـورـهـ دـاـيـوـ دـوـلـتوـ پـهـ مـنـځـ کـېـنـيـ دـهـمـکـارـيـ . رـوـجـهـ دـبـينـ المـلـليـ هـمـکـارـيـ . اـسـاسـ بـلـ کـېـنـزـيـ پـهـ دـانـشـيـ ، مـگـرـ دـاـمـرـيـکـيـ حـكـومـتـ بـوـلـ نـوـيـ اـفـدـامـ وـکـړـهـ يـعـنـيـ بـهـ مـسـکـوـ کـېـنـيـ دـرـيـ گـوـنـوـلـوـيـ دـوـلـتوـ دـخـارـجـهـ وزـير~انـوـ دـيـوـهـ کـنـفـرـانـسـ جـوـهـ بـداـوـ بـشـهـادـ وـکـړـ اوـ دـ مـعـلـسـ دـمـوـضـوـعـ کـاـنـ دـ حدـ ئـيـ هـمـ وـهـماـکـهـ ئـوـ زـيـاـ تـرـهـ ئـيـ دـ بـشـرـقـ اـقـصـيـ مـسـلـىـ يـهـ نـظـرـ کـېـنـيـ وـ نـيـوـلـيـ اوـهـمـدارـنـګـهـ رـوـسـيـ هـمـبـرـيـ اـمـنـاـ وـکـړـهـ اوـ دـ دـسـمـبرـ دـمـيـاشـتـيـ يـهـ پـنـځـلـسـمـهـ بـهـ مـسـکـوـ کـېـنـيـ کـنـفـرـانـسـ جـوـدـشـوـ کـهـ خـهـ فـرـانـسـيـ اوـجـيـنـ اـعـتـراـضـوـهـ وـکـړـلـ چـهـ دـوـيـ وـرـتـهـ وـلـیـ بـلـ شـوـيـ هـ دـيـ ، مـگـرـ دـرـيـ گـوـنـوـ دـوـلـتوـ نـوـ دـاـمـ جـلـسـ دـلـنـدنـ دـ کـنـفـرـانـسـ سـلـسلـهـ گـيـلـيـ اوـ دـ دـوـتـسـدامـ دـ کـنـفـرـانـسـ يـهـ اـسـاسـ چـهـ دـيـ گـوـنـوـ دـوـاتـوـ دـخـارـجـهـ وزـير~انـوـ کـنـفـرـانـسـ ئـيـ يـهـ هـ دـرـيـوـ مـيـاشـتـوـ کـېـنـيـ تـجـوـيزـ کـاـوـهـ وـبـالـهـ بـلـ کـهـ

د گران هوا د د استقلال داچن داوه ويشهم کال اهنا طرو خخه

اعلیحضرت معظم همایونی  
د استقلال ی د گه او نسکی شید  
اعلیحضرت ده ز از نورته د تعظیم  
رسم یه لحای گوی .



والا حضرت غازی  
سيه سالار صدر اعظم ، او  
والا حضرت د حرب وزیر  
دشاهها به سکری د صفوت او  
پامن کبی .

دشاهانه د ارد  
بوه قصده عمه کر در سم  
کندشت په حال کبی



د گران هوادد استغلال دجنن داوه ويستم کال اهمنا طروخند

ا خلیج پرست همه ای کو

ر شرهاید عطا لر سلام اخلى



ذابت شاهها

دندهار آون رافتاخ

یه ورخ



یوه دسته هوائی دافع تو یوه

چهد شاهی او آر دمده تیر بخزی



د گوران هواد د استقلال دجشن اوه و يشتم کال له مناظر و خنه

والا حضرت خازی

سې سالار صد راعظم

درسم گذشت یهورخ



والا حضرت د حرب وزیر سردار

محمد داودخان درسم گذشت یهورخ



د گران هواد داستلار نه ستن داوه ويستم کال له مذاطر و خجه

يوه دسته دحربي

شاگر دان درسم گندشت

يه حال كشي



يوه دسته ديليو عسا ازو

خجه درسم گندشت پهورخ



يوه دسته آويچيان

ذرسم گندشت پهورخ



ھە ئى دىالتا د كېنۋارانس بۇر ي چە ددرى گۈنو دولتو دخارجه وزىرانو د كېنۋار انس پيش بىنى ئې كولە مربوطە و گانىھ، پەدىي مجلس كېنى دشراقا قصى يە مشورتى مجلس كېنى دروسى د گەيون پەخوا وشا كېنى او داچە جىزال مەكارى تىدە جايان كېنى دەتەجىنۇ اعلىي فوماندان وبلل شى مەگز دنزو اشغال كۈونىكۇ دولتو قوي دى هم د جايان دنیو لو دپارە وابزىل شى اوپە تو كېپو كېنى ددغۇ نامايندەگانو پە گەيون د كېنۋارول مجلس تىشكىلىل شى، دېجىن يە خصوص كېنى دېجىن پە داخلى كارو كېنى دلاس نەو ھلۇسيات، دېجىن دەختەغۇ حقبۇ نو يە منجۇ كېنى دمواھە ئىزراڭ دەتكارىتە اوپە كوريا كېنى دامرىسىكى اوروسي د گەيى ادارى لاندى ترپنخۇ كالو بۇرى دىبۈم موتنى دەتكىلىلو فېصلە ئې و كەرا، سەرە ددىي چە دايран صدارعظام دى مجلس تە دەھاضىريلو دپارە مەسكوتە هم ورغى مەگز روسانو پەدىي مجلس كېنى دايран دېجىت اچولو خېرۇنەمنە اواداسى ئې فېصلە و كەلەچە دايран مسئۇلە اوھمىداسى دشوروى اتحاد مەنەجا بلە شەكۈوه چەپە يۇنان اوشراق الھەند كېنى دانگلىش عىسەكىر موجود دى، دەتەجىدە اوامو پە افتتاحىيە مجلس كېنى دى پەري بىحث وشى دەتەجىدە فۇمونو دەممۇسىي افتتاح، دەتەجىدە قۇمۇزىمۇسى دسانفرانسىز كۆدمەشور يە اساسس

پە (۲۰ دىجىدى) يە لەندن كېنى افتتاح شوھ دەتەجىدە دولتو نامايندەگانو بىكىنى گەلۇن و كې، دروسى لەپلەو دەمولۇ توف پەخای وشنسىكى دەھە معین نامايندەگى كولە، دافتتاحىيە مە اسمۇ اوەدلەرى دوري دەئىس اوەدىايىمى مشنى دانتخابولو اوادامىت دەمىسىون داجتماعى اوافقىصادى مجلس، دىين المللى عدالت دىدیوان دەقىمومىت مجلس او ددارالا انشا دەتكىلىل نە وروستە دنوي دستگاه دا زمۇنى يە و گە يۇنخۇ فقرى لەكە دايран دەتكىمت دعوه چە روسان دايран پە داخلى چارو كېنى گۆتى وهى چە دادىعوە دامرىسىكى او انگلستان دەتكىمتو نەپلۇوه تائید شۇي وە او بالماقابىل دروسى اوھەلەندىي نامايندەگانو شەكايىت چەپە يۇنان اوشراق الھەند كېنى دانگلىشى عىسەكىر و وجود يېن المللى سوللى تە تاوان رسۇمى مجلس تە ويداندى شوې، دەپرسختو خېرەتلىرى و بەختۇ نۇنە وروستە يە دەۋەمبىي فقرە كېنى دوازدە خواتە يەنى روسي او ايران تە تۈصىيە وشوه چەپە مەستقىيم صورت دى خپلۇ منجۇ كېنى خېرى اتىرى و كېرى پە دويمە فقرە كېنى مجلس فېصلە و كەھ چە يە يۇنان اوشراق الھەند كېنى دانگلىشى عىسەكىر وجود يېن المللى سوللى تە دەختر او تاوان سبب نە گۈزى اوە بىز زىبە دنۈمۈزە و خايدۇ خەنخە انگلىشى عىسەكىر و ايمىقل شى

دامىت دە مجلس لۆمۈرى جلسە يە نۇيارك كېنىي : دامىت دە مجلس داومۇرى وار دپارە پە

نۇيارك كېنىي جىرگە و كېرە او دايран خېرە ئى تېجىت لاندى و نۇلە، دايран نامايندە يە دايран كېنىي دشورى عىسەكىر دەپاتە كېپلەو او دايран پە داخلى چارو كېنى دەھفۇ

دلاس و هلو به نسبت شـکایت و که ، دشو روی نمايندي دايران دنمايندي شـکایت رد كري اووئي ويل چه ايران شوروي فو خو نو خوشی گردي دايران دنمايندي په خبر ي مدنلي او بلوئي ئي و گره په چه ترڅ کېښي دطبران نه دا خبره خپره شوه چه دايران اور وسیي په منځ کېښي یوترون لاس ليکشوي دی چه دههه په موجب به دشوروي اتحاد فو خونه دمى دمیاشتني تر شبزمه پوري دايران خاوره پېغى خوشی گردي سرېږه په دههه یوبل ټرون ددواهه مملـکـتو په منځ کېښي لاس ليک شوي دی چه دايران دشمالي تبلو امتياز تر پنهـوـس کـالـوـ پوري دـاـيرـانـيـ اور وسـيـيـ یـوـهـ گـهـ شـرـ کـتـ تـهـ پـرـېـپـوـدـهـشـيـ مـگـرـدـنـهـ دـامـتـياـزـدـهـ قـطـعـيـ دـامـنـيـتـاـمـيـنـ دـعـسـكـرـوـ کـرـدـيـ . دـاـخـبـرـهـ چـهـ دـامـنـيـ مجلـسـهـ وـرـسـپـهـ دـشـورـوـيـ نـماـيـنـدـيـ تقـاضـاـ وـ گـرـهـ چـهـ دـاـيـرـانـ دـعـوـهـ دـيـ دـامـنـيـ مجلـسـ دـفـهـرـستـ نـهـوـوـيـسـتـلـيـ شـيـ مـگـرـ اـمـريـکـائـيـ اوـانـګـلـسـيـ نـماـيـنـدـ گـانـوـ دـاـخـبـرـهـ وـهـمـلـهـ نـوـدهـمـدـيـ لـاهـمـلـهـ دـشـورـوـيـ اـتـحـادـ نـماـيـنـدـهـ دـجـرـ گـهـ یـوـوـوـتـ اوـوـئـيـ وـيلـهـ تـرـهـهـ پـورـېـ چـهـ دـاـيـرـانـ دـمـسـئـلـهـ پـهـ مـجـلـسـ کـېـښـيـ وـيـ زـهـ بـهـ پـهـ جـرـ گـهـ کـېـښـيـ گـهـوـنـ وـهـ کـرمـ ، دـاـيـرـانـ مـسـئـلـهـ دـمـيـ دـمـيـاشـتـنـيـ تـرـ شبـزـهـ مـهـ پـهـ دـاـيـرـانـ نـهـ دـشـورـوـيـ فـوـخـونـ دـوـتـلـوـ نـيـتـهـوـهـ معـطـلـهـ شـوـهـ ، پـهـ هـمـدـغـهـ نـيـتـهـ هـمـ دـاـيـرـانـ نـماـيـنـدـيـ دـاـيـرـانـ نـهـ دـشـورـوـيـ فـوـخـونـ دـوـتـلـوـ قـطـعـيـ اـطـمـيـنـانـ مجلـسـهـ تـهـ وـهـهـ کـرـاـيـ شـوـ اوـمـسـئـلـهـ بـيـ هـامـغـسـيـ معـطـاـهـ ړـاـتـهـ شـوـهـ تـرـهـهـ چـهـ دـاـيـرـانـ حـکـومـتـ دـمـيـ پـهـ نـهـمـهـ دـلـولـ اـيـرـانـ نـهـ دـشـورـوـيـ فـوـخـونـ دـوـتـلـوـ خـبـرـ مـجـلـسـ تـهـ وـرـ کـرـ مـگـرـ پـيـاـهـمـ دـانـګـلـيـسـيـ اوـامـريـکـيـ کـيـ نـماـيـنـدـ گـانـوـ دـامـنـيـ مجلـسـ دـفـهـرـستـ نـهـ دـاـيـرـانـ دـمـسـئـلـهـ پـهـ وـيـسـلـتوـ رـضـاـ وـرـنـکـرـهـ اوـوـئـيـ وـيلـهـ چـهـ دـاـيـرـانـ وـضـعـيـتـ مـفـشـوـشـ دـهـ دـرـخـوـ پـورـېـ پـهـ دـادـ حـاـصـلـ نـشـيـ ېـدـيـ بـاـبـ کـېـښـيـ کـوـمـهـ قـطـعـيـ فـيـصـلـهـ هـمـ نـشـيـ کـېـدـ لـاـيـ . کـوـمـهـ فـقـرـهـ چـهـ دـامـنـيـ مجلـسـ تـهـوـلـندـيـ شـوـهـ هـهـ دـفـرـانـسـکـوـ دـرـزـيمـ پـهـ بـارـهـ کـېـښـيـ دـېـوـلـيـنـدـ دـحـکـوـ مـتـ يـادـاـشـتـ وـچـهـ دـيـوـلـيـنـدـ نـماـيـنـدـيـ دـفـرـانـکـورـزـيمـ دـعـامـيـ سـوـالـيـ دـيـارـهـ خـطـرـنـاـكـ گـانـهـ اوـرـوـسـيـ اوـفـرـانـسـيـ ئـيـ هـمـپـلـوـيـ کـوـلـهـ: مجلـسـ پـورـهـ دـغـورـ اوـ دـفـتـ نـهـوـوـسـتـهـ دـمـتـنـصـصـيـنـوـ یـوـهـيـتـ وـقاـهـ کـهـ چـهـ دـدـيـ خـبـرـيـ شـہـرـهـ اوـپـلـمـهـ وـکـانـدـهـ، لـهـبـلـيـ دـهـيـ نـهـ دـاـسـپـانـيـ دـجـلـاوـطـنـ جـمـهـورـيـ حـکـوـمـتـ صـدرـاـعـظـمـ چـهـ یـهـ پـارـيسـ کـېـښـيـ تـشـکـیـلـ شـوـيـ دـيـ نـیـوـیـارـكـ تـهـ تـلـلـیـ اوـخـیـلـ سـنـدـوـ نـهـنـیـ مجلـسـ تـهـ وـشـوـدـلـ دـاـخـبـرـهـ هـمـ لـاتـرـ اوـسـهـ پـورـېـ فـصـيـلـهـ شـوـيـ نـهـدـهـ ، دـمـجـلـسـ زـيـاتـرـهـ غـرـيـ دـدـيـ خـبـرـيـ پـلـوـيـ کـوـيـ چـهـ دـاـسـپـانـيـ پـهـ دـاـخـلـيـ چـارـوـ کـېـښـيـ گـوـقـيـ وـهـلـ دـمـتـحـدـ یـوـ دـمـشـورـ پـهـ خـلـافـ یـوـ کـارـ دـيـ .

په پاریس کنی دخلور گونو دولتو د خارجه وزیرانو کنفرانس : دخلور گونو لویو

دولتو د خارجه وزیرانو کنفرانس دپالتا اوپوتدام دکنفرانسو فیصلی په اساس دا یزیل په پنځو یشتمه په پارس کنی جو شوی او دمحور دیخوانو ملګرو دولتو سره دسو لې دترون په مسودی چه دنایانو له خوائی یخوا ترتیب شوی وغور اوقدت وکړ، مګر دهفو اختلافونو په ازړچه دلویو دولتو په منځ یه تبره داتجاد شوروی او انگلیس اوامر یکا په منځ کنی دایتالې سره دترون په باب کنی او همداسي دالمان دا داری په خصو ص کنی یعنی دفر انسې دعوه دآلمان په نسبت او خه دیو گوسلا ویا اوایتالیا او استریا په سرحدی مسئلو کنی او خه دمحور یخوانو ملګرو دولتو سره دسوی دترون په مسئله کنی پېښ شوی و په هیڅ یوه خبره کنی مجلس کومی فیصلی ته ونه رسید او په نتیجه کنی دسوی دکنفرانس د جود بدلو نېټه چه د ګپری نهور وسته د دنایا وضعیت طبیعی حال ته و ګزوی او همداسي دفاتح او مفتوح مملکتو نو روابط او دهولو مملکتو سرحدونه ثبت کاندی ونه تاکل شوھ مګر دومره قدرته ئی فیصله و کړای شوھ چه دخلور گونو دولتو خارجه وزیران دجون په پنځلسمه دی سر ۰ جرګه و کړی او د خپلو نایانو دخېرو اترو او مطاعتونو په اساس چه دوام لري دمحوری دولتو د دوستانو سره دسوی دترون په خصوص کنی بیا کوښن او هڅه وشی ګوندي چه د قطعی فیصلی کومه لياره ورته بیا مومن، کچېری په دی کنی کامیاب شول نو دقاطمی سولی دکنفرانس د جود بدلو نېټه بهم وقاکله شي که د خارجه وزیرانو کنفرانس ئی هم کو می نتیجي ته ونه رسیده نه په دی صورت کنی خنګه چه دامر یسکنی خارجه وزیر ویلی دی امکان لري چه یا به هر مملکت خانله توون و کړی اویا داچه قضیه په دامینې مجلس ته وداندی شي .

دا اوسياسي ستر مجلوونه چه ۱۳۲۴ کال کنی شوی دی اوهر ګوره زیاتره ئی په نتیجه پاڼه شوی دی ۱۳۲۵ دی ۱۳۲۶ کال په نوی کېډو سره دلویو دولتو سیاسي روابط ده خربز شول، دفتحو د سالګری دورخو استقبال هم ده سود او په خوابدی وشو، په عین زمان کنی چه دقاطی و پره نولې نړی، ته په تپره دارو یا زوبل شوو حکومتو او هندوستان ته ستر ګکونه وهی اودی ټولو حکومتو دamerیکي (اتازونی، کانادا او د امریکي نورو حاصل ځیزو مملکتو) او د استرالیا، د سیام او د شرق الهند لمنه نیولی ده او دی هم او ضاع په پسی خراهه کړه، مګر تراوسه بوري دینالی همکاری په پایان نا امینه شوی نه دی، نه یواځی دمتحدده قومونو دنوی موسسی په مجریت عقیده لري بلکه د مختلفو حکومتو او لویو دولتو دوا کمنو په نېټ هم باور لري او وائی چه دنیاته پرته له دهنه بله لاره نشته او س وی که خو موده و روسته ټول دولتونه او ملتونه په همدي سمي لاري ته راو ګزوی او د دنیا ټول ملتونه په د آزا دی، مساوات او عدالت په سیوری کنی یو دبل سره همکاری او مرستی ته چمتو شي .

دفنی، اقتصادی اواداری مجلسونویه قسمت کخه یه دی کال کبینی خه کنفرانسونه (اـکـهـدـمـتـجـدـهـ) فـوـمـوـ اـقـتـصـادـیـ اوـاجـتمـاعـیـ جـلـسـهـ دـزـرـاعـتـیـ اوـدـخـورـاـکـیـ موـادـ کـنـفـرـانـسـ، دـلـپـرـیـ شـرـقـ دـکـنـتـرـولـ کـمـیـتـهـ، دـآـتـوـمـیـکـ دـاـنـرـزـیـ دـبـیـنـ الـمـلـلـیـ کـنـتـرـولـ کـمـیـتـهـ اوـدـجـگـرـیـ دـمـجـرـمـینـوـ بـینـ الـمـلـلـیـ کـمـیـسـیـوـنـ چـهـاـوسـ بـهـنـورـ مـبـرـ گـهـ کـبـینـیـ دـنـازـیـانـوـ وـاـکـدارـانـ مـحـاـکـهـ کـوـیـ اوـدـجـایـانـ دـمـجـرـمـینـوـ مـحـاـکـهـ لـاـپـاـتـهـدـهـ) وـشـولـ مـکـرـدـیـ کـنـفـرـاسـوـ وـ اوـمـجـسـوـنـرـ خـخـهـ کـوـمـهـ حـقـقـیـ تـتـیـجـهـ لـاـتـراـوـسـهـ نـهـ دـهـ اـخـبـسـتـ شـوـیـ . اوـسـ بـوـدـلـوـیـوـ دـوـلـتـوـ دـعـمـوـمـیـ اوـضـاعـ اوـغـوـبـیـتـوـ خـواـهـ مـخـ آـمـوـرـیـ دـخـبـلـ گـرـانـ مـلـکـتـ خـخـهـ پـیـلـ کـوـوـ :

لهـهـخـایـهـ چـهـ دـاـفـقـاـنـسـتـانـ وـ گـرـیـ دـبـیـنـ الـمـلـلـیـ سـوـاـیـ اوـهـمـکـارـیـ سـرـهـ دـبـرـهـ مـیـنـهـ اوـعـلـاـفـهـ لـرـیـ نـوـدـجـگـرـیـ پـهـخـلـاـصـبـدـنـوـ هـمـ خـورـاـ چـهـ خـوبـیـ اوـخـوـشـحـالـ شـولـ ، جـوـتـهـ دـهـ چـهـ دـنـرـیـ دـدـغـیـ دـوـیـمـیـ جـگـرـیـ پـهـخـلـاـصـبـدـنـوـ هـمـ خـورـاـ چـهـ خـوبـیـ اوـخـوـشـحـالـ شـولـ ، جـوـتـهـ دـهـ چـهـ دـنـرـیـ دـدـغـیـ دـوـیـمـیـ چـهـ سـاتـلـیـ دـیـ اوـدـجـگـرـیـ نـهـرـوـسـتـهـ هـمـ پـهـ بـینـ الـمـلـلـیـ چـارـوـ کـبـینـیـ دـمـلـگـرـیـ اوـتـوـلـوـمـالـکـوـیـهـ تـپـرـهـ گـوـنـهـ یـانـوـ سـرـهـ دـدـوـسـتـیـ سـیـاسـتـ ئـنـیـ تـعـقـیـبـ کـرـیـ دـیـ ، دـمـلـکـتـ دـاخـلـیـ اوـضـاعـ دـآـرـامـیـ سـرـهـ هـمـغـادـیـ دـهـ ، دـکـالـ پـهـ لـمـرـیـ شـبـوـ وـرـخـوـ کـبـینـیـ چـهـ یـوـهـ پـیـنـهـ دـکـنـفـوـنـوـ پـهـ درـهـ کـبـینـیـ شـوـیـ دـهـ هـفـهـ دـعـسـکـرـیـ اـقـدـامـاتـوـ اوـدـمـشـرـقـیـ دـنـورـوـ وـ گـرـوـیـهـ مـرـسـتـهـ فـیـصـلـهـ شـوـهـ ، هـمـدـارـنـگـهـ بـلـهـ پـیـنـهـ چـهـ دـکـالـ پـهـ آـخـرـ کـبـینـیـ دـهـزـارـهـ جـاتـ پـهـ شـهـرـسـتـانـ کـبـینـیـ پـیـنـهـ شـوـیـ وـهـ ، هـفـهـ هـمـ پـرـتـهـ لـهـ عـسـکـرـیـ سـوـقـاتـوـ دـهـفـهـ خـایـ دـخـلـکـوـ دـبـیـشـنـهـادـ پـهـاـثـرـ فـیـصـلـهـ شـوـهـ یـعـنـیـ دـهـفـهـ خـایـ دـخـلـکـوـ مـفـسـدـیـنـ اوـشـرـیـبـنـوـوـذـکـیـ حـکـومـتـ تـهـ وـسـیـارـلـ اوـ دـامـجـرـمـینـ دـشـاهـانـهـ ذـاتـ لـهـ حـضـورـهـ دـهـرـارـیـ قـوـمـ دـبـنـوـ اـحـسـاـسـاتـوـ پـهـاـثـرـ وـبـشـلـ شـولـ .

داـکـالـ دـاـقـتـصـادـیـ اوـضـاعـ لـهـ پـلوـ نـسـتـ نـورـوـ کـلـوـنـوـتـهـ دـجـگـرـیـ دـاـیـرـکـوـ پـهـ اـثـرـاـفـقـاـنـسـتـانـهـ دـهـرـ گـرـانـ اوـسـختـ شـوـیـ دـیـ مـگـرـ بـیـاـمـ خـهـ دـحـکـومـتـ دـمـوـثـرـوـ اـقـدـامـاتـوـ پـهـاـثـرـ چـهـ دـاـحـتـکـارـدـمـخـهـ نـیـولـ دـبـیـارـهـئـیـ کـرـیـ اوـخـهـ دـمـلـکـیـ اوـعـسـکـرـیـ مـامـوـرـیـنـوـ اوـافـرـاـدـوـ اوـمـسـتـخـدـمـیـنـوـ دـمـعـاـشـوـنـوـ دـزـیـاـتـلـوـ لـهـ لـیـارـیـ اوـخـهـ دـتـعـاوـنـیـ اوـدـخـیرـیـهـ مـوـسـوـ اـفـتـتـاحـ پـهـتـرـهـ دـتـعـاوـنـیـ دـیـبـوـ دـتـشـکـیـلـهـ پـهـاـثـرـ یـمـدـارـنـگـهـ درـخـتوـنـوـ اوـخـورـاـکـیـ موـادـ دـکـوـپـوـنـوـ دـوـیـشـلـوـ پـهـ وـاسـطـهـ تـرـیـوـیـ اـنـدـازـیـ یـورـیـ خـلـکـ دـمـضـیـقـیـ نـهـخـالـاـصـشـولـ، هـمـدـاـمـاـوـلـ دـحـکـومـتـ دـاـقـدـامـاـتـوـدـسـلـسـلـیـ نـهـچـهـ دـخـارـجـیـ مـمـالـکـوـنـهـ درـخـتوـنـوـ دـوـاـرـدـوـلـوـ اوـدـوـچـکـالـیـ پـهـاـنـدـاـمـرـیـکـیـ نـهـ دـغـلـیـ دـرـاـوـدـلـوـ دـبـارـهـ کـوـیـ جـوـتـهـ کـپـبـیـ چـهـ آـینـدـهـ بـهـ لـاـپـیـ شـهـشـیـ مـهـمـهـ اوـغـتـهـ خـبـرـهـ چـهـ بـایـدـ پـهـدـیـ کـانـیـ کـبـینـیـ وـلـیـکـلـهـ شـیـ دـکـابـنـیـ بـدـلـیـلـ دـیـ دـیـ کـالـ پـهـلـمـرـیـوـ شـبـوـ وـرـخـوـ کـبـینـیـ وـالـاـحـضـرـتـ سـرـدارـ مـحـمـدـهـاـشـخـانـ صـدـرـاـعـظـمـ دـخـیـلـیـ نـارـوـغـیـ اوـاسـتـوـمـاـنـتـیـاـ پـهـاـثـرـهـ ذـاتـ وـحـضـورـتـهـ دـخـیـلـیـ کـایـنـیـ اـسـتـعـفـاـ وـدـانـدـیـ کـرـهـ اوـدـمـلـوـ کـانـهـ ذـاتـ لـهـ حـضـورـهـ وـالـاـحـضـرـتـ غـازـیـ سـپـهـ سـالـارـسـرـدـارـشـاـهـ مـحـمـودـخـانـ دـحـرـیـیـ وـزـیرـ دـنـوـیـ کـایـنـیـ پـهـ تـشـکـلـ مـامـوـرـشـوـ اوـ



## دھنی اخلاقی طبقے

### لکھنؤ

۱۔ مسٹر فیض احمد خان

۲۔ مسٹر علی احمد خان

۳۔ مسٹر احمد احمد خان

۴۔ مسٹر احمد احمد خان

۵۔ مسٹر احمد احمد خان

۶۔ مسٹر احمد احمد خان

۷۔ مسٹر احمد احمد خان

۸۔ مسٹر احمد احمد خان

۹۔ مسٹر احمد احمد خان

۱۰۔ مسٹر احمد احمد خان

۱۱۔ مسٹر احمد احمد خان

۱۲۔ مسٹر احمد احمد خان

۱۳۔ مسٹر احمد احمد خان

۱۴۔ مسٹر احمد احمد خان

۱۵۔ مسٹر احمد احمد خان

۱۶۔ مسٹر احمد احمد خان

۱۷۔ مسٹر احمد احمد خان

۱۸۔ مسٹر احمد احمد خان

S. Iqbal Fazl Ahmed Khan  
President of Syed



### صدارت عظمی

غازی سپهسالار صدراعظم	: ج ، ع ، ج ، ا ، ا نبیان والا حضرت سردار شاه محمود خان
معاون	: . . . . .
مشاور	: . . . . .
ددولت وزیر	: ع ، ج سردار شیراحمد خان
	: ع ، ج ، ا ، ا محمد گل خان
	: ع ، ج مرزا محمد خان

### دصدارت عظمی مردو طه خانگی

#### الف - دتحریرات او نور و دوائر و :

دتحریرات او لمپی مدیر	: ع ، . . . . .
» دوهم	: « . محمد قاسم خان
» دریم	: « ، شاه عبدالله خان
داوراقو	: « . . . . .



ج . ع . ج . ا . ا نیان افخم والاحضرت سردار محمدهاشم خان پیغوانی صدراعظم

S.A.R. · A.A · Sardar Mohammad Hachem Khan

Ancien premier ministre

وروسته تردی چه غازی سپه سالار نوی کتابینه جوده کرده نود شاهانه ذات اهضوره هم و منه شوه او به کارنی بیل و کر، امری تر هر خه داقتاصادی او ارتزاقی اوضاع دینه بکول او همدار نگه دملکت دامنیت، معارف، اقتصاد او قضاوی چارو دوراندی و دلو دواره نی دیوه بینجه کلنی بلان دجوه لو اقدامات و کرل امینندی چه بینی نتیجی به تری واخیستی شی، همدار نگه دولایتو نائب الحکومه گان او اعلی حاکمان هم مرکز ته غوشتل شوی او دبور تنو چارو اصلاحاتو به خواشا کتبی و رسه خبری اتری و شوی لکه چه معاومه شوی ده گتوري لاری و رته مو ندلی شوی دی. دغدی دداخلی پیشو دلنده اجمال دیانا لوونه وروسته، دنری دلویو او و دملکت نو اوضاع گانی ترهنی اندازی پوری چه دکالنی مخونه راته اجازه و کاندی یا نو:

اتازونی : داتازونی مملکت که خه په دی کمال کتبی دیاست اوقاصاده بلوه دجگری دوخت

دتر تیاتو به اثر قوی و مگر یاهم بداد امامی سوابی دجوده لو او دلویو دولتو به منع دملگری به لار کتبی دسان فرانسکو دمنشور دنوی نظام دکارلو و به لاره کتبی او همدار نگه دکار گرو داعتصابونو به آثرا خینو جنجالونو سره مخامن شوی او دی مملکت نگرانی زیاته کری ده اول اتر او سه پوری دایریسانی او جنجالونه بیخی رفع شوی نه دی، داتازونی رو باط دانگستان سره خورا بشدی، سریزه په سیاسی خبر و کتبی دا دوایه مملکتونه سره یودی، دانگلسو اکسون ددغه اتحاد په اثر دشوری اتحاد او نورو محافله توه سودا پینه کر بهد، انجلستان ته نی یلوی مبلغ بورهم ور کری دی چه دایر په حقیقت کتبی دانگستان دیاست، اقتصادی او عسکری تقویت دباره هبر ستر او مهم بل کپتیزی، مگر کوم قرض چه رویی غوشتنی دی تر او سه پوری لاور کر شوی نه دی، فرانسی او چین ته نی دیویو موئی پور اعتبار ور کری دی او روسیه تهدیور ور کول نی دهنه مملکت دیاست صافید او ته هبر بینی دی. دافقانستان اوامر یکا اور باط په دی کمال کتبی خورا دوستانه وو خصوصاً په اقصا دی او تهندی ساحو کتبی ددوی مناسبات هبر تینگ شویدی ۶

مگر سره ددی تو اوامر یکا فیصله کری ده چه قوی شی او دقوت په ذر یه په نری. کتبی نوی نظام قایم کری.

انگلستان : دانگلستان سیاسی او اقتصادی وضعیت په دی کسترو لی کمال کتبی بر عکس ددی

چه به جگره کتبی نی بری گتملی دی بنه نه دی دیوی ددی نه دلویو دولتو کشمکشونو یه تپره دروسانو او انگلیسا نو سیاسی شخه اوله بلی خواه دانگلیسی مستعمره دآزادی. غوشتلونه هست او دهنو مملکت نو لکه مصر او عراق چه انگلیسی فوچونه دتوهونو به واسطه پکتبی برانه دی او همدار نگه دهنو دولتونو چه انگلیسی فوچونه دجگری نه وروسته پکتبی هبر شوی دی ددغدو

اودن-گلگو په سب او بالاخره په دنه از گلستان کېيى دموادو ، نقلیه و سايلو اود كورونو دلنز والي او بې مستعمراتو كېيى دفحط وېرى لاما لە دەنگلستان ديوناماساعد وخت سره مخامن شويدى، سره دىدى هم دكاري گرو حکومت كوشبن كوي چە دەرخە نەمەنە مخکېنى دسوالي پەاستقرار چ دانگلەسىي امپراطورى. گەته يكېنى وي او فقط هەدا امپراطورى لە نور دولتو سره فيصلە شوي دە موفق شى اووروسته دمستعمراتو نوخىز و ممالکو دچوبولو او قاعەت ديارە دنوی اصول او اقضا آتۇ پە! ساس قدم واخلى ئويە عين زمان دانگلستان توليداتو او تجارت تە هم پە بورە اندازە ترقى ور كپى، نۇدەمدى لەما لەمەن اھ يۈي خوانە يە بينىللەي مجلسونو كېيى دخيل پەرسىب اود گەتكى دى ساتلۇ ديارە ھەشە كوي او اھ بلې دەپى ئەئى دامپراطورى. ار كان او غىرى خپل خواتە راغونە كپى او دماوراي اردن، هەند، بىرما او ملايانە دخپلۇ مراتبۇ لەمەنخى ئە دەزآدى. پە برخە كېيى دلخىنۇ حقوقوتە غامە ايپى دە، او بالاخره غواهى دامر يكىنە دقرض اخستلۇ دىصنا يۇ دقوى كولو او تجارت تە دو سەت ور كولو پە واسطە يە تولە ئېرى كېيى دا فەصادى ياتو يۈممەتاز موقۇيت يېدا كىاندى، مگر دانگلستان حکومت زىياد سىاست دادى چە دامر يكىنە متىجى دواتۇ تە ئۆزدىي وى او دا ساسە يېشكەلە دلاسەنە ور كوى د انگلەس اوروپە پە منىخ كېيى مەم اخلاق دە منجىنى شرق او د مدېترانى پە حوزە كېيى دى دامر يكى او روس پە منىخ اصلى اخلاق دە لېرى شرق كېيى دى او حال داچە دەرس سە دامر يكى او انگلەس گە اخلاق دە شرفى اروپا كېيى دى. دا فەنانسستان او دانگلسان اور بەت پە دى كىال كېيى پە هەرە جنبە كېيى لەكە پەخوا دوستناھە وو او سرپەر پەھەنە پە اقتصادى زەمىنۇ كېيى دېر طانىي حکومت دا فەنانسستان سەرە بېھە مىستە و كېۋە

شوروی اتحاد : دامملکت چه دسیاست اوافق اسلامیه یلوه دلگزیری نه په بر یا میتو سره قوی  
وتلی دی لمی تر همچه دخبلو سرحدونو د تپنگو او په فکر کنېي او بدلی دی ، ددی مقاصده دیاره  
کوشښن کوي چه په هفو لولو مملکتونو کښېي چه د اتحاد شوروی سرحدونه ورسره شریک دی  
د اتحاد شوروی ملکگری او پلوي حکومتونه یکشېي به کار ولاړوی ، همدغه سبب دی چه له یوې  
خواهه دده او انګليس یه منځ کښېي اوله بلې ددې دامریکا او دده په منځ کښېي اختلافونه او  
سیاسې شغږی نېټنې دی، انګليس اوامریکا پهندی برخه کښېي دشوروی اتحاد نګرانې مبانګه  
امیزه ګښې او عقیده لري چه باید شوروی اتحاد بین المللی تشکيلونو ته غامده کېږدی او د خپل  
امنیت دسانۍ دیاره دیوالخنی افدا ماتو نه لاس واخلي، ملک شوروی اتحاد دېرو رخو تجربه بو  
اوaz ما یېنتو له مخې دین المللی تشکيلونو په مجریت لافانع شوی نهدي، خبله آینده دفاع او د مخان  
ساتنه دهرخه نه مهم او دومې ګډنې، یوه بله موضوع چه دردري لویو مملکتونه په منځ کښېي ای  
یو، اعتمادی پیدا کړي ده انګليس اوامریکا له یلوه دشوروی اتحاد خنځه د اتونیک دېم دراز

دوی تر هه چه شوروی دمترک امنیت سیاست او بین المللی تشکیلو نه یعنی  
دسانفر انسسکو منشور و نهمنی او عملای خل صمیمی او بوری ارتباط د بین المللی تشکیلاتو به نسبت و نه  
شیبی داتومیک دیم راز به دشوری اتحاد نه پت ساتی ، دی بخای کنی هم شوروی اتحاد و ای  
چه مونبر کاملاً او بشپره د بین المللی تشکیلو نو او متحده دولتو دمنشور سره یابند او ملگری  
یو، کوم چه انگلیس اوامریکا و ای داده غنی د شخصی سیاست رعایت دی چه د بین المللی منشور  
به نامه ئی شکاره کوی او که داسی نه وی نوشورو اتحاد دهر چانه زیات به بین المللی اساسو نو  
او تو زونو پا بند او پتگه ولادی ، مگر دانشی کولای چه دغربی لوی دولتونه شخصی او افرادی  
خواهشونه و نه ای بالمقابل انگلیس اوامریکا بر عکس ددی خبر و عقیده لری چه در و سیبی سیاست  
بینی شخصی او خلپو گفتنه متوجه دی د بین المللی اسا سونو هیچ رنگ یکنینی نشه او و ای  
چه روسیه غوامی چه د موافق رزیم به نامه یه هقو مالکو کنی د گونیزم اصول جاری کری اویه  
دی دول خلیل نفوذ خلپو گو نهایانو مملکتو نو خخه لیری مملکتو نو کشی چه د نورو لو یودو لتو تر  
نفوذ لاندی دی هم خپور کری مگر تراوشه بوری سره ددی چه دری گونو دولتو سیا ستدار افوا  
د بر خلیل سره کتلی او خبری اتری کری دی بیاهم دا خلافونه رفع شوی نه دی اودری گونو  
دولتو بیه منع کنی د صمیمی ملگر توب او هم کاری اساس نه دی اینه د شوی .

شوری اتحاد دنیه خیل مملکت کبی دیگری کند و کبر وجو دلوته مخه ادوی اوینجه  
گلنی بلان فی جود کری دی غواهی چه دینه زوندانه دتمامین په ترخ کبی دشوری اتحاد خاوری  
دترقی دیاره دصنا یهو، مواصلا تو او تو لیدا تو له یلوه نوی او گوندی قدمونه و راندی کپزدی او  
هم به مملکت کبی دازادی. اساسونه ز یاتوی لکه چه سدلasse داو کر ائن اوسمینی روسي جمهور یتوه  
یه بن المللی مجلسونو کبی تخت خان خاتمه نمایندگی کوی .  
داغفانستان او شوروی اتحاد روابط پدی کمال کبی هم لکه پخوا دوستانه و، یدی او اخرو کبی  
یه سرحدی مسائلو کبی چه دخو کلورا ایسی ددواهه مملکت تو به منج کبی لاندی و موافقت وشو،  
اتحاد شوروی داغفانستان حق دامووه سیند کبی و ماشه .

حکومت دا خیلاف خخه عبارت دی اخته شوی دی چه دامریکا په ساط او دمسکو یه تائید دواړه یو ډافقی ته رسیدلی او مګر دجګړي دخلا صېدلو سره سم دهفو خایونو دنیو لو، یه اثر چه دجا بانیونو له ډیوه سپارل کېدل او یا به منجور یا کښې دشوروی فو خونو له خوا خوشی کېدل او هر یو ډغونه چه زړته زمکه و نیسی ېږتنه تازه شوی لا تراوسه پوري سردادی چه امریکا هم منځ ګټوب کښې دهري هڅي کوي خوددوی اختلافات رفع شوی نهدي، مګرسه ددي هم دجهين مرکزی حکومت دلوی متحدد ینو با العاصمه دامریکي دتوصيو به اثر دخپل اداري په طرز کښې تغیرونه کړي او اونزدی دی چه تو او خربونو په نامايند کړي به یو ملي حکومت پکښې تشکيل شی چين ده فوز مګو یه ېږتهرانیوا چه دجا بان به مقابله کښې دخو کالو جګړي په موده کښې دلasse کړي او دغه دی ېږتنه دیوه خور اوی او مقندر مملکت یه شان یه پښودر یېزی که هم اسي دجهين

داخلی اختلافات هیسته‌شی او لکه خنگه‌چه پدی یو کال روابطی روسی سرمه‌صلاح او انگلستان سره تینگک اوقوی شوی دی دنیا نوروا یو دولتو سره هم خپل روابط تینگک کری نو خ شک نشه چه آینده دنیا بهاره بددنیا په سیاسیاتو افاصاد یاتو کبی مه رولوه ولو بوی، سره ددی دجن او په تبره دمنچوریا او کوریا به باره کبی (چه کوریا مستقل پیشندلی شوی او ترسو کالو پوری ه دامريکا اوروس د گه قیومیت لاندی وی) دپردی لاندی دروس امریکا په منع کبی سیاسی کشمکشونه جاری دی او دوازده دخپل نفوذه خپلوا مخصوصاً دافتھما دیاتو له پلوه به اقداماً تو بوخت دی دههه تپون په اساس چه پهداور و سره دروس اوچن به منع کبی لاس لیک شوی دی، دمنچوریا داویسپی به لاره او ندرنو کبی تینی امتیازات روسیه تهور کوی او بالمقابل په منچوریا کبی دجین حق و نوته هم غامده بذدی او حال دا چه خارجی مغولستان دجین تینی پلولی، ترکستان چینی او تبت چین تهور پیزدی او ضمانت روسیه به دجین په داخلی چارو کبی گوتی نه و هی داتپون او امریکا او انگلیسی تینگارونه دجین دسیاسی قوت سبب شوی دی، انتظار ویستل کبزی هر خنگه‌چه وی داصلاحاتو نهور و سره چین به خپل حقیقی وحدت تهور پیزدی، دامر یکی دقرض په مرسته او دههه ولجویه از چه دجا پایانو نه نیزولی دی، دخلپی حقیقی لو دتیابلان به جود کاندی، دجین او دبرطا نیزی به منع کبی دهانگک کانگک متنازع فيه مسئله پاته ده دجین حکومت په دی خواکبی کوم جدی او سخت اقدام نه دی کری، بلکه به راتنو نکو ورخو کبی به ئی، مفاهمه حل کری، پدی کال کبی دجین لمپی وزیر مختار افغانستان ته راغلی دی دافغانستان لمپی وزیر مختار هم چین ته ور غلی دی :

ایران : دامملکت پدی کال کبی دداخلی او خارجی سیاست داویو مشکلاتو سره مخاطب

شوی و چه تراوسه پوری لادامش کلات بیخی هیسته شوی نه دی، خنگه‌چه دارو با جگره خلاصه شو ه دایران حکومت هم دههه دادو په اساس چه دطهران به کنفرانس کبی دمنجد ینواه پلوه ور کر شوی و غوشتل چه دایران نه دمتحدینو لبکری باید ووزی او داغو شته به هههه وخت کبی و شو چه په برلین کبی دبوتسدام کنفرانس جاری و پدی وخت کبی متحدینو داخبره داسی تعبیر کر که چه دجگری دخلاصه دوونه غرض داوچه دغرب او شرق جگگری بیخی پای ته ور پیزدی، هماغه وچه دایران حکومت دجا پان دجگری ترخلافه دلار پوری و کتل مگر پدی وخت کبی یامتحد ینو خپلی لبکری دایران نه وه و پستی او وئی ویلچه به تپون کبی داسی لیکل شوی دی چه دجگری خلاصه دو نه شپزه باشتی ورو سره به دمتحدینو فوخونه ایران خوشی کری، پدی وخت کبی دایران به آذربائی جان کبی هله گوله پنهنه شوه، دایران مرکزی حکومت غوشتل چه هفه خواته فوخونه و پیزدی مگر دشوری اتحاد مامورینو پری نبود نودایران حکومت دامنیت مجلس ته چه نوی په لندن کبی تشکیل شوی و عرض و کر، هر کله چه پدی وخت کبی دانگلیس امریکا فوخونه

ارسیت: زون خانگی کلینیک  
دیواره: خانه سعادت



میرزا آقاخان شوربی دخانی  
چاره: موزه



پر ازمه امیریکا دخانی  
چاره: موزه



شیوه: انسه صدر اعظم او دخانی  
چاره: موزه

دلو بیو دو لتو خارجہ وزیر ان دلندن به کنفرانس کیمی

چکلو (شکر اکس) کے شکر  
زون پیشہ از شکر دا بیان



نیکولای چکیدزه  
جمهوری



گریگوری زینوفیو  
جمهوری



شوروی جماهیر و داتحادنوی و نیس  
نیکولای کیروو



امیر عبدالله شرق اردن دستقل دولت  
وی پادشاه



دوم امیر تو دایطالیا اخونی یا چا چه د جمهوریت داعلان  
پهانه خلخ شو ( دخیلی بنهنی سره )

دشیتر و میاشتو دوعده دبوره کپلو به اساس دایران نهادنی و نویوالخی دشوری اتحاد فوچونو  
دیاته کپلو او دایر ان به داخلی چارو کتبی دشوری مامورینو دلاس و هلو مسئله مجلس ته  
و داندی کره، انگلیس اوامر یکا دایران باوی و کوه دروسی نماینده اطلاع ور کره چه دایران  
اوروسی په منع کتبی نهادنی نه خبری اتری جاری دی نومجلس هم فیصله و کره چه داخبری دی  
به مستقیمو مذا کرو حل شی، هماگه و چه قوام السلطنه دایران نوی صدراعظم مسکو ته ولاه او  
داهفه و خت و چه به مسکو کتبی دری گونولویو دولتو خارجه وزیرانو کفرانس جودشوی و میگر  
داموضوع دمسکو کفرانس ته داندی نشو، قوام السلطنه بی لی نه چه مقصدته و رسپتی بیر ته  
طهران ته ورغی دایران حکومت پیا دافضیه دامنیت مجلس ته داندی کره، مگر شگه چه پری  
خبری اتری شروع کری دروسی نمایندی دایران اوشوروی اتحادیه منع به طهران دیوه ترون  
ادلاس ایک کپلو اطلاع ور کره، مجلس و مخابدیده دطهران نه خبر ورغی چه رشتیا دقوام السلطنه  
اوروسی دلوی سفیر به منع کتبی یوترون شوی دی چه دشوری فوچونه به دمی به شپرمه ایران  
خوشی کری سرپری بر دی دایران دشمالی تیلو داستخراج دیاره یوترون شوی دی چه تر پنخوس  
کالا بوری به دایران اوشوروی اتحاد د گلوش کت تراداری لاندی وی، ددی، ترون به اساس  
کچه یوی خواهه دایران اوروسی روابط اصلاح کر، دمی ترنهمه پوری شور وی فوچونو ایران  
یخی خوشی کپا اوروسانو داذربائی جان مسئله یوه داخلی خبره و گهله مگرسه ددی هم دایران روابط  
دانگدیس اوامر یکاسرموران شول او دایران درسمی اطمینان یه خلاف لاتراوسه بوری دایران مسئله  
دانگلیس دفه رست خخه نده و یستل شوی، له بلی دهی نه دهخو خبر و اتر و بیه اتر چه به طهران او تبریز کتبی  
دایران د مر کن حکومت او اذربائی جان د نمایند گکانو په منع و شوی اذربائی جان ناویه  
دادربائی جان په داخلی چارو کتبی د یعنی امتیازد نو دور کو او یه اثر اذربائی جان یان د چه هوری  
مستقل حکومت د تشکیل خخه ترشول او موافقه نی و کره چه اذربائی جان به بیا هماگسی دایران  
یوچزوی، یدی تو گه د اذربائی جان مسئله عملاً فیصله شوه مگر تراوسه بوری د امنیت مجلس  
او انگلیس او امریکا یدی موافقونو باور ندی کری او وائی چه یدی کتبی هم دروسی لاس  
شریک دی؛ دایران پیدا خال کتبی د اذربائی جان د مسئله د خلاصه دلو نه و رسته عمومی انتخابات  
شروع کتبی دایران آینده به ددی راتلوبنکو انتخاباتو نتیجی بوری زیانه ایده ولری، داذوقی  
له پلوه دایران وضعیت نسبت پخوانو کلمونه ته بشه دی .

هندوستان : دا کال هندوستان دیاره یوشه کال گهمل شوی ندی، نهکه هندوستانیان دیوی  
خواهه د اذوقی دلبزاوی او له بلی ددی نه د سیاسی مشکلاتو سره مخامنخ شوی دی که خه ددغه  
مشکلاتو دهیسته کولو د پاره مختلف افدا موونه شویدی مگر لاتراوسه بوری هېچ یو کومی مشتی  
نتیجی ته ندی رسیدلی؛ د تبر کال یه یا کتبی د انگلستان د کایینی و فد چه د هندوزیر، او

ستفیر د کرپس د تجارت وزیر او. الکزاندر د هند د مسئلی د حل کولو د پاره راغنل او دادری  
وازده د هندوستان د دوستانو او د هغه مملکت په خواو شاکنېي د معلوماتو د خاوندانو په نامه  
یادېزې، د هغو مجلسونو په اثر چه په دهلي او سمله د هند د مختلفو حزبونو مشرانو په منځ کېي  
وشويوه اعلاميې خپره شوه چه د هغه یه اساس بايد په هند کنېي د مسلمانانو او د هندوانو ولاياتو  
يو اتحادي حکومت تشکيل شئ او ددي مقصد د پاره امپري بايد د دوه گونو سیاسي حزبونو یو  
موقتی حکومت جوړشي د آينده اساسی تشکيلو نو د پاره د لاياتو او د مرکز مقنني مجلسونو  
څخه کاراخستل شئ، د اتجویز د مسلم لیکه له پلوه پدې شرط و مثل شو چه په موقتی حکومت  
او مقننه مجلسونو کېي د مسلم لیکه او د ګانکرس نایند ګان برابروي، مګر کانگرس د اشرط  
ندی منلي بلکه ويای ئى دی چه نایند ګان دي د دواړو حزبونو د منسوبينو دشما رله مخي  
نه وفا کيل شئ او هم ئى دریاستونو په برخه کنېي نظر یه پهودلې او اعتراضو ټکړي دی  
په یاپي تېبېي داسې فيصله وشو چه او سیموقتی حکومت دوايسېر دخوا مقرر شئ او په عین  
زمان تېبېي د موسمانو مجلس د مهمو احزابو په اشتراك جوړ شئ او د هند آينده تشکيلات جوړ  
کړي پس له هغه څخه حکومت د هغه اساسی تشکيل، په اساس هندیانو ته وسیارل شئ.

پدې کال کېي د هند د ملي اردو داعضاد د محاکمي په اثر (چه د ااردو د ګکړي) په وخت  
کېي د چندرابوس له پلوه د جاپانیانو ترا اثر لاندې تشکيل شوی او د هند په مختلفو نقطو کېي  
اعتصابونه او هلي ګواړي جوړي شوی او سرېزه پدې په بمېشی کېي بحری کارکرونوکو چه ددوي  
او د اړو پائیانو معاشات یوشان ندی بغلوت وکړي مګر د حکومت د جديت په اثر زررتف شو، خو  
سره ددي هم د هند وضعیت تراوسه پوري شهه نه معلومېزې، دوه گونو حزبونو اعلان وکړچه که  
فعلي تجویز، پکارونه لوپېزې نو د آزادی د حصول د پاره به په سختو او ګلکو عملیاتو ګوتی  
ورته شی؛ د افغانستان حکومت د هېهي خواخوبی او علاقې په اثر چه د هند ملت سره لري سره  
ددې چه خپله هم د وچ کنای سره مخامنځ شویدی محض د هند د اقتصادي کونکونو او مرستو  
په مقابل کېي د خپله احساساتو د خر ګندولو د پاره ئى زرخواره غنم د هند حکومت ته داعانې  
په تو ګه ورکړه او لکه چه معلومه شویده د هند مطبوعاتو او نور و مقاماتو خپله خوشې بشکاره کړیده.  
ترکیه: که خه هم د ترکی حکومت پدې کال کېي تاولو ما لیکو

شوی و مګر یاهم خپل وضعیت ئى تر آخره پوري خوندی کړي او خپل روابط ئى تاولو ما لیکو  
سره شهه ساتلي دي، له بلې د دې نه ئى بر عکس د پخوا عربي ممالکو ته خان نژدی کړيدی  
لکه چه د عراق او لبنان واکداران په رسمي تو ګه اتفاقی ته تملی او هلهه ئى شهه هر کلمي شوی  
دي، د روسيي مطالباتو د ترکي نه که خه تراوشه پوري کوم رسميت ندی موندلی مګر یا هم  
دومره معلومېزې چه روسيه سرېبره د مونټرو د ترون (چه داردېل پوري اډه لري) د تجدید نظر نه

دفارس علاقی او اردەلن چە د تېرىي عمومى جىڭرى يە ائر تىركىي دارمنستان نە نىولى دى هم خپل حق كىنى ، تىركىي هم دداردان د تۇن تجىيد نظر دىنلىك خبرواتر و بە واسطە منلى مگىر داردەن او فارس داسترداد پەنسبت پەنگەنگە مخالفت كۆي ، د تىركىي او روسيي ۲۰ كىلىن تۇن چە د دوى دوستى او عدم تجاوز خىخە عبارت دى وروسته ترەھەچە (پاى تەورسىدە) يېان نوي شوى نە دى او پىدى واسطە د دوازو مەلکەتكەنونو روابط نامعلوم ياتە دى مگىر بالمقابل د تىركىي رابطە امرىكى او انگلستان سره دېرىھ بىھ دە ، لىنەن ئى دا چە كۆم موقعيت چە تىركىي د جىڭرى يە مودە گەتلەن و اوس ئى دلاسە ور كېرى دى او ترەھە بورىي چە تىركىي د روسيي سره هم خپلەر ابطە جۇدە نىڭرى خپل اصلىي موقعيت بە هم بېر تە يېانە مومى .

فرانسە : دى مەلکەتكەنچە تراوە بورىي لادجىڭرىي د تاوانونو دلاسە ملاسمە كېرى نىدە بىدى

كال كېنى سىپىرە بە سىاسى مشكالاتو چە د نورۇ لوپۇ دولتسو سره دخان سمو لو بە لازە كېنى ور تە مغى تە ورغلى يە تاواو وختۇنۇ كېنى دخپل داخلىي وضعىت بە جۇدو لو هم بوخت او دخپل اساسى قانون دىعىيل او دنە تعىيل بە نسبت دراي اخستلىو بە ذرىيە داسى تىيىھى تە ور سىدە چە د فرانسى دملت لو يە بىرخە د داسى تشکىلىنۇ طرفدار دى چە هەنە د فرانسى بخوانى تشکىلىنۇ تە ور تە دى اوداسى جمھورىت غوايدى چە بارلمان ئى دوھ كوتىي ولرى او د دا رىنگە حکومت جۇدول غوايدى چە د دولت رئيس ئى (رئيس جەور) او د حکومت رئيس ئى (رئيس الوزرا) ، پىكېنى بېلۇي او فقط درئىس جمھور بە اختىاراتو كېنى يوشى زىياتشى چەدەرى بى اختلافاتو بە خەنە د سىاست مواظتە و سانلىشى ، اوس چە دا كارخالاص شويدى ددرىي گوندونو خەنە چە يۈئى دەترقى جمھورىت غۇشتۇنـكى گونددى او بىل ئى د سوسىالستىانو گونندى او درىيم ئى د كەمۇنستىانو گونندى يۇمختلط حکومت تشکىلىن شوى دى ، وروسته ترەھە چە جىزمال دو گول د فرانسى دېجات قائىد د كارە لاس واخىست دەوقتى حکومت درىاست كار خومودە دەلىي مجلس رئيس (گوان) تە ياتە و ، دېيدۇ د تشکىلىنۇ دەيىصلەنە نەورۇستە دەترقى جمھورىت غۇشتۇنـكى گوند رئيس دەترقى كا يېنە تشکىلىنـكەن او جمھورى رىاست انتخاب شو ، فرانسە دالماڭان خىخە خپلۇ مطالبا تو بە برخە كېنى يەتپە د (رور) او (سار) يە العاق او درائىن لىندىنلىك جۇدولو بە واسطە دانگلستان او امرىكى داسخىت مخالفت سره مخامىخ شوى دى اودا مخالفت لاتر اوسە بورى ياتە دى ، د فرانسى اقتصادى وضعىت ھەوران دى او تراوە بورى دلاسە ئى نە دى شوى چە يە اساسى اصلاحاتو كوتىي بورى كېرى .

دار و پا نور مەلکەتكەن : دا مەلکە يە دووبىر خو و يشۇ چە يوه برخە ئى ھەنە مەلکە

دەچە دەجور ترلاس لاندى د اوھم يە دووبىر خو و يشۇ چە يوه برخە ئى دارو با شرقى مەلکەتكەن دى چە روسيي سەن زىدىي رابطى ارى او د كېنلەس دەجۈمتو نۇ ترادرارى لاندى دى لـكەر دەنە ، رېبلغايىه

هنگری اویو گوسلا ویا؛ ددغۇ حکومتونو داخلی تشكىلۇ نوته امرييکا او انگلستان يە شە ستر كە نەگورى او وائى چە ددى ممالکو انتخابات يە ازادي سره نەدي شوي، دويم بىرخە دالمانان نور منگرى اوھە مەلکۈزە دى چە المانيا نۇولى ولەكە فەلىئىن، ناروى، بلزيك، هالىئىن لو كسا مېر گەت، چەك دىسلىوا كىيا، استريا، ايطاليا، يونان او الپانيا، دا مەلکەتو نە ددوو وروستى مەلکەتو نونە پىر تە خپل پىخوانى قانۇنى ۋۇند تە رسيدىلى او خىل موقعيتۇ نە ئى داسى ساتلى دى چە ددوا رۇخوا سرە شې رابطى لرى ددى جملى نە يە بلزىك كېنى دشاھ ئۇپولە پە ورتىك دىلزىكە ملت موافقەندە كېرى ئەتكە چە داشە دا لامان مەلگرى بولى، يە ايطاليا كېنى شاھى رېزىم دانىخاباتو يە ائرىختى دەنخە تىلى او دجمەھورىت رېزىم پە كار او بىدى دى چە تراوسە پورى لارئىس ندى تا كل شوي، دوه ور وستى مەلکەتو نە زىاتە دېر طانىي تر ائرلاندى دى او دەمدەغى خىرى يە ازلا رۇسىه سکاكىيت لرى. يە المانيا كېنى هم دجمەھورىت رېزىم اعلان شوي دى مەگرىيە يۇنان كېنى لاپاراي اخستاۋىپەل نەدى شوي او دا تەن لوي اسقىف دىنيابت كارونە پاي تە رسىدى دارو پائى مەلکەتو يوه بله بىرخە دارو يە بىطرف دولتونە دى، لەكە : سويس، اسپانيي، پىرتەگال او سویەن، اسپانيي نە پىر تە چە متىجىن ورتە يە غرو پوش كېنى دى نورتاول خپل عادى ۋۇند يە ارامى سره تېرىو؛ يە اسپانيي كېنى سره ددى چە متىجىن ورتە شە حسپيات ئلىرى او داسپانيي دىچللى وطن جەھورى حکومت او دون هوان داسپانيي د متوفى باجا الفانسو خۇرى هم اقدامات كۆي مەگرىيەم دفراڭىكۇ رېزىم قېنىڭ دى، فقط خپلە فراڭىكۇ دخپل رېزىم دنرمۇلو دىبارە ئىخىنى اصلاحات كېرى دى مەركەتىجىن يېۋقاتت پىرى نە حاصلېبىزى، ددى مەلکەت آيندە لامەلۈمە نە دە.

عربي مەلکەتو نە : يە كال كېنى عربى مەلکەتو د پىخوانە زيات سره را نۇدى شوي او دآزادى دەحاصلىلو او دخپلە اجتماعى او اقتصادى چارو دوداندى ودلو دىبارە يودبلە سره ئى دەمكاري او مەلگرىي لاسونە ور كېرى دى لەكە چە دەلسەطین سۈرئى او اىلبان د مصىر او دىعراق يە مسائلو كېنى قول يە يوه خواهدى او خپلە حقىقىي اتحادىي شە خىن كەن كېرى دى؛ د سورئى او اىلبان مسئله يە كال كېنى داوه چە يە نۇو آزادشۇ و مەلکو كېنى دانگلىس اورانسى فوخونە دېرە كېدل مەركە دەۋادو مەلکەتو داهتىا او داعرا بو دجامعى دىۋوالي او دامنەت دەمجلس داقدام يە ائرفرانسى او انگلىس خپل فوخونە دېڭەرى نە ورسەتە او بىا ورسەتە تە دى چە يە سورىي كېنى ھەلە گولە جوذه شود بىرطانوى عىسکرو فرانسى فوخونە مجبور كېل چە سورىي اولىنان خوشى كېرى او بىلا خە د كال يە آخرە كېنى دانگلىس او فرانسى فوخونە دواھە د سورئى او اىبان نە ووتل؛ هەدا زىنگە دواھە مەلکەتو استقلال د افغانستان د خواو و يېز نىدل شو د فەلسەطین مسئله دا و چە د ( ۱۵ ) زەرە يە د دەھا جرت

د کېنى خواه؛ (۱) گرۇمن دا مەنچىلەرىسىن جەمەور (۲) ائلى دا ئىكىسەن مەدراعضام  
(۳) مىكىزىكىكىكىكى : كىناندا مەدراعضام دا ئەلى نەھە سەقە پەروخت كېنى جە اھىپكىلا بەكەرى و  
دا ئەرى كىان دا ئۆزۈم بىبى دراز سا توڭى بىل كېرىي.



جایانی افسران د امریکائی جہاز دراںلو یوخت کتبی دستیم دیواره





د مصري او اسلامستان کړمهواهدنی پېموزد کېږي هدا کړه



د اسګرلستون او ګایښي هیئت به اوئي آډهلي کېږي



دانگریز اودھر دھندا کر اور نمایند گمان : یہ منظہ کتبی صحفی یا جو دھنسر صدراعظم او لارڈ سنتک  
دانگلستان ہوائی وزیر

د نېټې دپوره کېدلو په اثر چه د جگپې په شروع کېنىپی فېصله شوي وه د فلسطين عربو د یهود مهاجرت فلسطين ته ونه ما زه انگلیس او امریکا یو تربله سره مشوره و کړه مګر پداسي حال کېنىپی چه اتازونی دارو پاڼا ګنډي نو سل زرو یهودو فلسطين ته دنلو پیش نهاد کړي اوعر بوتري مخالفت کاوه ، د انگلیس او امریکا ګډه هیئت ددي خبرې دېلېنۍ دپاره ولېزل شو دي هیئت دېلېنونه وروسته یوه پروژه وداند ی کړه چه فلسطين دی یه درېو برخو وویشلې شی چه دشتی برخه دي دعربو وي او ساحلی برخه دي یهودو ته پاته وي او دقادس علاوه دي ترېڅو کالو پوري دې طاباني وي او سمدلاسه دي سل زره نورو یهودو ته اجازه وشي چه فلسطين ته نزوzi دا پلان دعربو او یهودو دواړو له خرار دشو . او س پداسي حال کېنىپی چه عربان په خورا پر اخه سینه دعربو دجامعي اقداماته ګوري یهودونه شدت ګوټې پوري ګړي دي ، دعربو دجامعي فېصله ګړي ده چه که فلسطين یو عربی مملکت ونه پېژندل شي نو دوی به جامعه ملل ته عرض و کاندی دېيت المقدس بخوانی لوی مقتني چه د جگپې په وخت د محور یه پلولو او د جگپې نه وروسته به فرانسه کېنىپی تر نظارت لاندې نیولی شوي و په اسرار امیز توګه مصترته راغلی دي او د مصر حکومت د کایېنې داعtrap په خلاف هغه ته پناه ور کړئ ده .

د شرقی اردن مملکت هم چه دېخوانی عمومي ګډپې راهسې دانګلستان ترقیمو میت لاندې و په دی کمال کېنىپی دانګلستان دخوا استقلال نئي و پېژندل شواز او ایر عبدالله ده ګه مملکت دخود مختار پادشاه په حیث اعلان شوا ددغه نوي عربی مملکت استقلال زمزمنز د حکومت له خواهم په رسمیت و پېژندل شو .

د عراق او د مصر شځري دادی چه دانګلیسانو فوځونه دي د مصر او عراق نه ورځي او د دوی بخوانی تړونونه چه برطاني سره ئې ګړي دي پر ته نوي شي او د افغانیه ددي لامله پیدا شوئي چه دي دواړو مملکتونو د جگپې په وخت کېنىپی انګلستان سره هرستې ګړي دي ؛ دې طاباني حکومت هم دي دواړو مملکتونو ته وعدې ور کړي او خبرې اتری ئې جاري دي ، ایکه چه د مصر دخوشی کولو مسئله فېصله شوي هم ده او نور دښوی تړون مسئله تربحث لاندې ده مګر کومه ده خبره چه دېره ستره اړمه ده هغه په عربی مالکو کېنىپی درې ګونو دولتو دغۇذ خبره ده او دا درې واړه په بېلوا بېلوا لیارو کو شبن کوي چه په عربی مما لکو کېنىپی نفوذ پیدا کړي امریکا غواړۍ چه د سعودی عربستان د تېلوا منا ه لاس ته راولی انګلستان اوروسیه هم غواړۍ چه په عربی مما لکو کېنىپی سیاسي، اقتصادي او تهذیبی نفوذ او اعتبار پیدا کړي او سر بېره پیدا د دغې منطقی سوق اجیشی خایونو ته ئې هم سترګی نیولی ده .

دامرييـکـا مـلـكـتوـنـه : دـا مـرـيـكـا مـلـكـتوـنـوـ چـه دـيـخـواـنـه دـيـوـ والـى لـاسـونـه سـره وـرـكـپـيـ. دـى او فـقـطـ يـواـزـيـ اـرجـنـتـاـينـ ، بـراـزـيلـ اوـخـينـوـنـورـوـ وـدوـ مـلـكـتوـنـوـ دـمـحـورـ سـره هـمـدرـ دـى درـ لـوـدـلـهـ مـگـرـ پـدـيـ کـالـکـبـيـ هـفـهـ رـزـيمـونـهـ اوـ فـكـرـونـهـ يـيـخـيـ دـمـنـجـهـ تـلـلـيـ اوـ دـامـرـبـكـائـيـ مـلـكـتوـنـوـهـ منـجـهـ دـيـوـ والـى مـزـىـ بـهـ پـسـيـ تـيـنـگـ شـوـيـ اوـدـ اـرجـنـتـاـينـ حـكـومـتـ هـمـ خـيـلـ سـيـاستـ بـدـلـ کـپـيـ اوـدـنـورـوـ اـمـرـيـكـائـيـ مـلـكـتوـنـوـ لـپـ کـبـيـ نـيـخـايـ نـيـولـيـ دـىـ اوـدـغـهـ دـىـ چـهـ دـفـحـطـيـ درـفـعـ کـوـلـوـ دـيـارـهـ دـارـوـبـاـ اوـدـاسـياـ مـصـيـبـتـ زـدـهـ مـلـكـتوـنـوـ سـرـهـ مـرـسـتـهـ اوـ خـواـ خـوـذـيـ کـوـيـ دـاـتـومـيـكـ بـمـ دـراـزـ بـنـکـارـوـ لـوـ مـسـتـلـهـ چـهـ کـانـادـاـ روـسـيـيـ تـهـ نـسـبـتـ کـوـاـهـ دـکـانـادـاـ اوـ روـسـيـيـ يـهـ منـجـهـ کـبـيـيـ اـخـلـافـوـنـهـ يـيـداـ شـوـيـ دـىـ مـگـرـ دـوـ دـوـ خـواـزـدـ وـخـامـتـ مـخـهـ وـنـيـوـلـهـ ، خـوـهـ هـمـديـ توـ گـهـ پـدـيـ کـالـکـبـيـ دـامـرـيـكـاـهـ دـدـيـکـنـتـاـتـوـ رـاـنـوـ دـوـرـوـسـتـنـيـ پـلـوـيـانـوـ خـولـيـ بـنـدـيـ شـوـيـ اوـتـلـوـ مـلـكـتوـنـوـ دـاـتـازـوـنـيـ يـهـ پـيـروـ دـديـمـوـ کـرـاسـيـ اوـبـيـنـ المـلـليـ نـظـامـ خـواـتـهـ مـخـهـ کـرـيـ وـهـ .

دـمـقـالـيـ يـهـپـاـيـ کـبـيـيـ بـاـيـدـاـهـ وـوـيـلـهـ شـيـ: خـنـگـهـ چـهـ سـيـامـ دـجـاـيـانـ دـلاـسـهـ بـيـرـتـهـ آـزـادـ شـوـ اوـمـتـجـدـيـنـوـ هـمـ دـسـيـامـ آـزـادـيـ بـيـرـتـهـ وـمـنـلـهـ اوـبـهـ دـيـ کـالـکـبـيـ دـسـيـامـ يـاـچـاـ دـسـيـامـ وـاـگـيـ بـيـرـتـهـ يـهـ لـاسـ وـنـيـ اوـبـهـ دـاـسـيـ حـالـ کـبـيـيـ چـهـهـ اـدـارـيـ اوـسـيـاسـيـ اـصـلـاحـاتـوـ بـوـخـتـ وـ، يـوـنـاـخـاـيـيـ يـهـ شـاهـيـ هـاـنـهـ کـبـيـيـ هـرـ مـوـنـدـلـ شـوـيـ دـىـ ، اـعـلـانـ يـشـوـ چـهـ وـرـوـرـئـيـ دـهـفـهـ يـهـخـايـ يـاـچـاـ شـوـيـ اوـ دـهـفـهـ تـرـ بـلـوـغـهـ پـورـيـ دـسـلـطـنـتـ دـنـيـابـتـ دـيـارـهـ يـوهـيـتـ مـقـرـرـ شـوـيـ دـىـ .

دـاـ وـدـ کـالـانـيـ يـپـنـوـاـ جـمـالـ چـهـ لـنـهـ شـانـتـيـ يـيـانـ شـوـدـ زـيـاتـرـوـ يـپـنـوـنـهـ چـهـ دـعـومـيـ اوـبـيـنـ المـلـليـ مـطـالـعاـ توـ يـهـ تـرـخـ اوـبـاـ دـلـوـيـوـ مـاـلـكـتوـنـوـ دـيـپـنـوـ يـهـ تـرـخـ کـبـيـيـ ذـكـرـ شـوـيـ دـىـ دـيـپـلـوـ عنـوـنـوـ لـانـدـيـ دـدـرـيـمـ خـلـ لـيـكـلـوـ خـخـهـ صـرـفـ نـظـرـ شـوـيـ دـىـ لـنـهـهـ ئـيـ دـاـچـهـ کـهـ خـهـمـ دـدـيـ مـقـالـيـ دـلـيـكـلـوـ يـهـ وـخـتـ کـبـيـيـ دـدـنـيـاـ سـيـاسـيـ وـضـعـيـتـ بـهـ بـنـکـارـهـ شـوـيـ نـدـيـ مـگـرـبـاـ هـمـ دـخـينـوـ اـقـدـ اـمـاتـوـ لـهـ روـيـهـ هـيـلـهـ کـيـدـلـيـ شـيـ چـهـ هـمـداـ کـالـ دـدـنـيـاـ دـسـيـاسـيـ ، اـقـيـصـادـيـ اوـجـمـاعـيـ مـشـكـلـاتـوـ روـسـتـيـ کـالـ دـىـ اوـامـبـدـ دـىـ چـهـ تـرـزـيـ کـالـهـ يـورـيـ بـهـ دـدـنـيـاـ وـضـعـيـتـ لـهـ هـرـ حـيـثـ نـهـهـ شـوـيـ اوـ دـدـنـيـاـ دـرـوـغـيـ اوـ تـوـلـوـ مـلـتـوـنـوـ دـيـبـهـ ژـونـدـاـنـهـ دـسـوـيـيـ دـيـنـگـوـ لـوـدـيـارـهـ دـيـبـيـنـ المـلـليـ هـمـكـارـيـ تـيـنـگـ اـسـاـسـوـنـهـ کـبـيـنـوـدـلـيـ اـنـشـاـاـلـهـ تـعـالـيـ (409)



### د حضور دوائے

#### د دربار وزارت

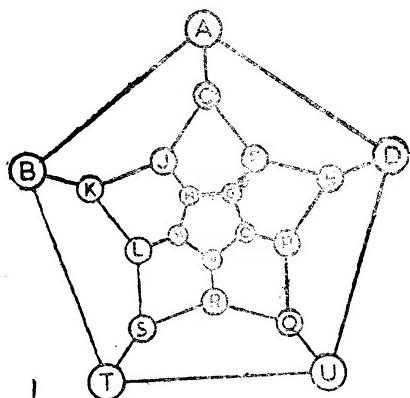
وزیر : ع. والا حضرت سردار  
احمدشاه خان  
معین : ع. محمد حیدر خان  
د تشریفاتو  
حومی مدیر : عبدالغفار شبدخان  
د تشریفاتو معاون : من : محمد اکرم خان  
» » » : عبدالله خان  
د تنظیماتو مدیر : عبدالرحیم خان  
» معاون : محمد زمان خان  
د کنشروں مدیر : ببرامام الدین خان  
د دواخانی مدیر : ببرعبدالغفار خان  
د تحریراتو

اداوار افوق مدیر : محمد عظیم خان  
د نقلیتی مدیر : میر اکبر خان  
د کارخانی فاظر : حاجی نظر محمد خان  
د مخصوص فلممامور : ببر علوی احمدخان  
S. A. Ahmad Shah Khan ministre de la Cour

#### د شاهاته حضور مصاحیین

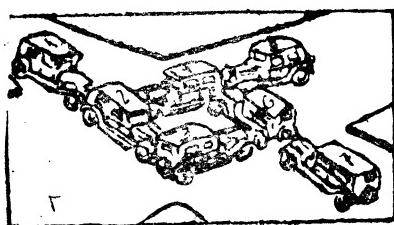
سردار محمد حکیم خان	ع. س.
محمد اکبر خان	»
سلطان احمد خان	»
عبدالرزاق خان	»
حاجی نواب خان	»

## تراموای



پلان مقابله محل تلاقي خطوط تراموای یک شهر بزرگی را نشان میدهد. پیست استاسیون است. آیا در ان یک خط سیری را پیدا کرده میتواند که بوسیله آن از تمام استاسیون‌ها گذشته بتواند، اما فقط یکبار. استاسیونی که از آن حرکت می‌نماید به انتخاب خود شماست، اما عودت باید بهمین استاسیون مقتله شود.

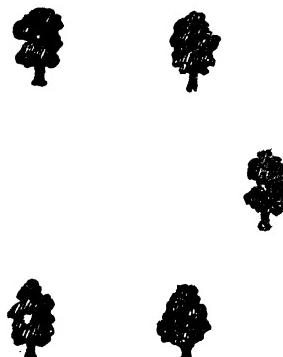
## یک معضله کوچک



هفت عراده موثر در مقابل بنظر شما میخورد که یکی سد راه دیگر شده و نمیتواند خط‌ساز خودرا تعقیب نمایند، کدام یک ازین موثرها باید جای خودرا عوض نماید تا سایر موثرها باید بچوب و راست بگردند بر علت ممکنه به استقاماتی که گرفته اند حرکت بتوانند

## درخت شاندن

یک پروفسور ریاضی که مالیخولیای خط‌های مستقیم واشکال هندسی را داشت خواست درخت‌های یک چمنی را گرس نماید. اولاً شش عدد این درخت‌ها بشکل شش ضلعی طور یکه شکل طرف راست نشان میدهد غرمس کرد. سپس سه درخت دیگر؛ آنها اضافه کرد. اما به نحو یکه مجموع آنها هشت خط مستقیم را که هر کدام شان حاوی سه درخت بود تشکیل میداد. حالا بگوئید این سه درخت را در کجا غرس کرده است؟



### عایله

یک عایله متشکل از هفت طفل است : آن ، آلبر ، آمبرواز ، آرتور و آرنولد . سن وسطی بچه ها هفت سال و سن متوسط تمام اطفال شش سال است . یک ثانیه بی اینکه قلم یا کاغذی بدهست بگیرید جواب دهد که سن (آن) چند است ؟

سیما حت

یکمفر سیاح در اثناي مسافت خوش از ممالک آتنی میگذرد :  
فرانسه ، المان ، پولند ، رومانی ، ترکیه ، یونان و ایطالیا این ازبین بول هائیکه در ذیل ذکر می شوند آنهایی را که مورد استفاده قرارداده است کدام ها هستند :  
فرانک ، مارک ، کورون ، لیره ، دراشم ، پنگو ، لی ، بیاستر ، زلوتی .

### علامات از گشت

سرقتی واقع شده و پولیس از ملاحظه نشانهای انگشت سارق دریافت کرد که نامبرده چه دست بوده است . از روی برگه که بدهست پولیس افتداده بود بزودی هویت مجرم را دریافت کرده و در نظر فیست و چهار ساعت اورا درحالیکه دریک فابریکه شیشه سازی کار میکرد گرفتار گرد . دست چپ او بسته بود . در اثناي استنطاق جوابهای آتنی را داد :

- آیا این پیشنهامی همیشگی تست ؟

- خیر ، او این است

- پیشنهامی تو کدام است ؟

- عمله هستم .

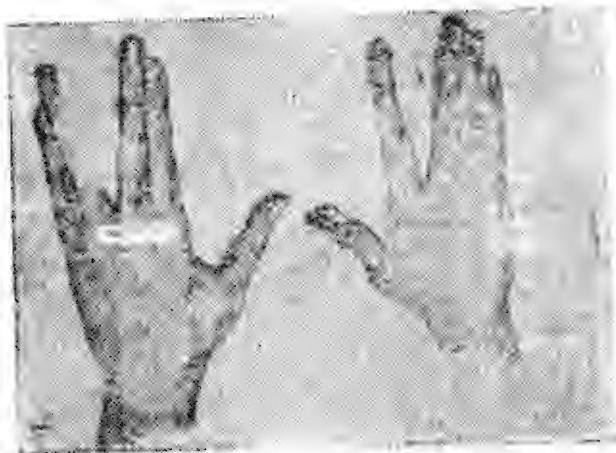
- دستت چطور مجروح شد ؟

- در اثنايکه پا کی ریش تراشی خود را بر روی یک پارچه چرم تیز میکردم .  
حالا بگوئید که این مجرم از روی صراحت و صحبت تمام سوالات جواب داده است یا خیر ؟  
واگر راست نگفته باشد دروغهای او کدام هاست ؟

### آیا بدهست های خود حاکم هستید ؟

شاید خیال میکنید که دست های شما همیشه زیر حکم شما میباشند ! بسیار خوب ! برای معلوم کردن حقیقت این تخیل خود این مشق کوچک را اجرا نمائید :

دست‌های خود را بهمان حالت معتادان یا این بیاویزیده، سپس به سرعت آنها را بلند کنید، اما بهتر تبیکه انگشت‌های دست چپ ور است به صورتی که شکل مقابل شدن ممکن باشد. البته در بادی نظر این کار سهل و ساده معلوم می‌شود. اما وقتیکه به اجرای آن کوشش می‌کنید ملاحظه خواهد کرد که انگشت‌های آن شما چون سوین یا چنان زیین باز از شما احتمال نخواهند گرد.



### ۱ آرایه‌ای :

#### Mleponmlsrqutbkjhlgfea

راه‌های حل‌های دیگری هم موجود است  
۱ - یات مخففه کوچک :

دو قوه شده (۳)

۲ - ذرخت شاندن :

باید به ترتیب مقابله غرس شود :

۳ - عینله :

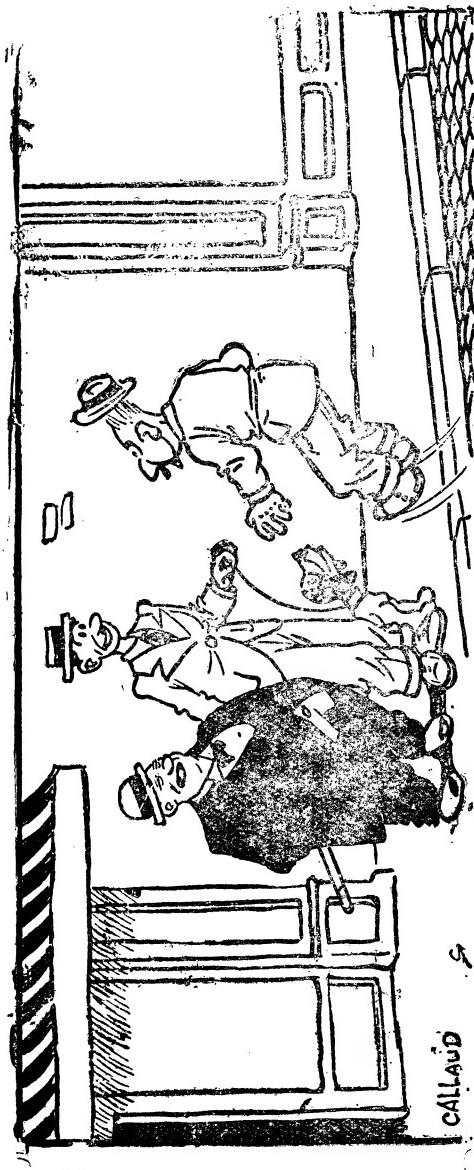
دو سازه

۴ - سپاهت :

همه سکه‌ها با استثنای اورون و پنکو

۵ - علامات انگشت :

جواب اول واخیر غلط است. (اگر یک برگه بدهست بولیس شمرده شود همین حالت جراحت دست اوست که بیشتر هم دچار توفیق شده است - چه یعنی چه دست در اثناي تپر گردد؟ اگر زیست تراشی جز بدهست راست بدهست چیز امکان مجزوح شدن را ندارد.)

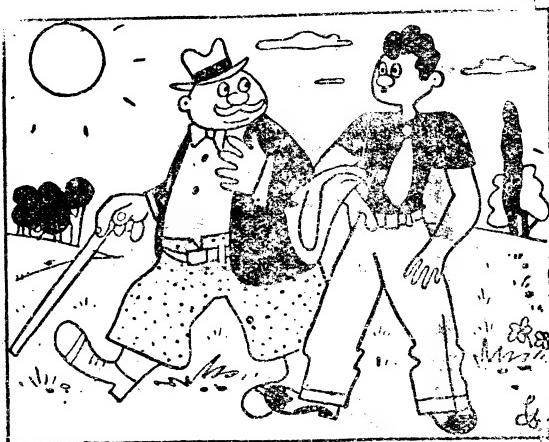


- بلی ، مادر ادر های شیری هستیم .  
- هیچ انسان باور کرده نمیتواند  
- تعبیری ندارد . تمام شهر را آونو شنیده است .

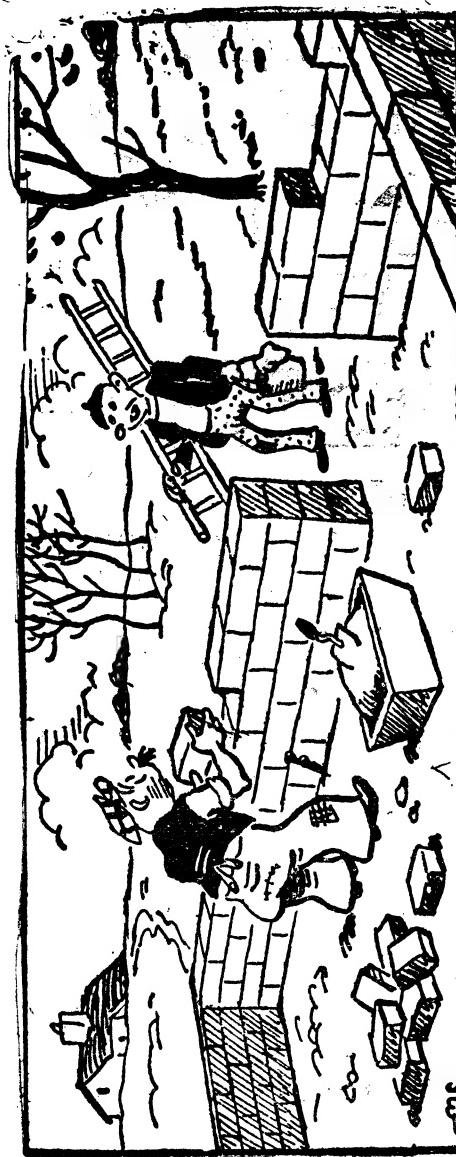
مهمان به شاگرد هوتل



مهمان به شاگرد هوتل - او بچه ! بسگو، فعلاً چه گرفته میتوانم ؟  
شاگرد هوتل - یک ریزش اعلی آفای محترم ، چرا که مستقیماً باجریان هوا مقابله هستید .



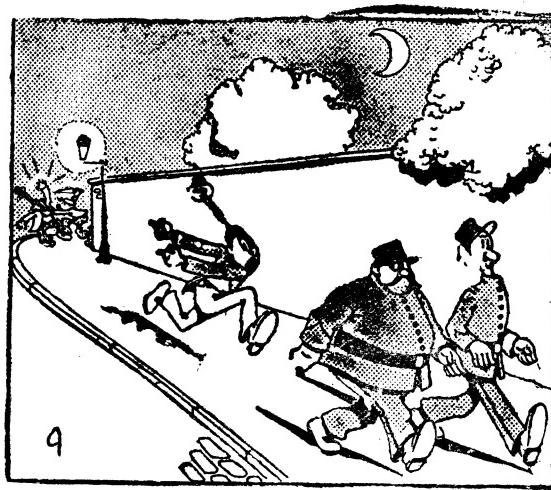
برای فردا به صد فرانک ضرورت دارم ... میدانیکه این راز را فقط بخودت گفتم :  
خاطر جمع باش ، مثلیکه به من هیچ چیزی نگفته باشی ...



- اوه ! خجال میکنم که بیان کنم پیش از وقت رسیده باشم ؟

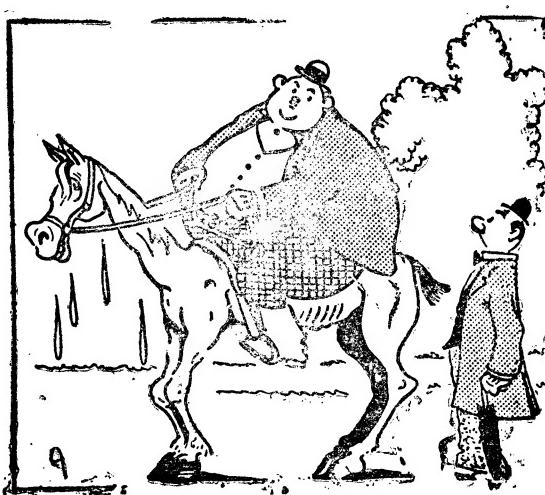
- برا یاری کیار آمدی ؟

- برای پاک کردن شیشهها



حوالدارها ، آنجا ، آنجا ، یک آدم را می‌کشند !

- خوب ... بسیار خوب : .. صبا  
باز در اخبار می‌خوانیم .



### ورزش سوار کاری

مردی که به اسپ سوار است : - اسپ سواری ! بهترین ورزشی برای لاغر شدن است  
 فقط یک ماه پیشتر اگر این اسپ را میدیدید صدق گفتار من بشما پوره معلوم می شد . واقعاً چقدر فرجه بود .

## فهرست مندرجات سالنامه

۱۳۲۴ - ۲۵

### الف - مضمون:

صفحه

مضمون

۱	د کابل ۱۴ کالانی
۲	د افغانستان پادشاه
۳	تشکیلات مملکتی - (صدارت عظیمی)
۴	تشکیلات وزارت حربیه
۸	خارجه » »
۱۲	داخله » »
۱۳	عدلیه » »
۱۴	مالیه » »
۱۵	معارف » »
۱۸	اقتصاد » »
۲۰	فوائد عامه » »
۲۱	صحیه » »
۲۲	پست و تلگراف » »
۲۳	معدن » »
»	ریاست مستقل زراعت »
۲۴	ریاست مستقل مطبوعات »
۲۶	ریاست مالیات برعائدات »
۲۷	ریاست عمومی محاسبات »

### ولايات و حکومات اعلی:

۲۷	تشکیلات ولایت کابل
۲۸	قندهار » »
۲۹	هرات » »
»	مزار شریف » »
۳۰	قطفان » »

## ( ب )

صفحه	مضمون
۳۱	تشکیلات ولایت مشرقی
۳۲	» جنوبی
»	حكومة اعلای مینه
۳۳	» اعلای فراه
۳۴	» اعلای بدخشان
۳۵	دوائر ملی (شورای ملی)
۳۹	مجلس اعيان
۴۰	دواير حضور (وزارت دربار)
۴۱	دارالتحریر شاهی
»	رؤسای بلدى
۴۲	مدیرهای مطبوعات مرکزو ولايات
۴۳	تشکیلات داغستان بانك
<u>اجرا آت دواير مملکتى :</u>	
۴۵	امور وزارت حربيه
۴۸	» خارجه
۵۷	داخله » »
۶۲	معارف » »
۹۰	فوائد عامه » »
۹۷	صحيه » »
۱۱۳	بست و تلکراف » »
۱۲۰	معادن » »
<u>۱۴۰</u>	ریاست مستقل زراعت »
<u>۹</u>	
<u>۱۴۰</u>	ریاست مستقل مطبوعات »
<u>۲۱</u>	
<u>۱۴۰</u>	مالیات بر عایدات »
<u>۲۸</u>	
<u>۱۴۰</u>	ریاست تفتيش عمومي محاسبات »
<u>۳۰</u>	

## (ج)

صفحه	مضمون
<u>۱۴۰</u> ۳۱	امور ولایت کابل
<u>۱۴۰</u> ۳۸	ولایت فندهزار »
<u>۱۴۰</u> ۳۹	ولایت هرات »
<u>۱۴۰</u> ۴۰	» ولایت مزار شریف
<u>۱۴۰</u> ۴۷	» ولایت خان آباد
<u>۱۴۰</u> ۴۹	» ولایت مشرقی
»	» ولایت جنوبی
<u>۱۴۰</u> ۵۲	» حکومت اعلای مینه
<u>۱۴۰</u> ۵۳	» حکومت اعلای فراه
<u>۱۴۰</u> ۵۴	» حکومت اعلای بدخشان
<u>۱۴۰</u> ۵۵	تصویبات سال ۱۳۲۴ شورای ملی
»	تصویبات سال ۱۳۲۴ مجلس اعیان
<u>۱۴۰</u> ۵۶	اعطای نشان
<u>۱۴۰</u> ۵۷	امور داغفا نسستان بانک
<u>۱۴۰</u> ۶۰	امور بانک ملی

( د )

**مقالات :**

صفحه

- ۱۴۱ کنیشکار  
۱۶۱ تفوذ عرب در افغانستان  
۱۸۱ دیپنتو او سانسکریت گرامی نزدیوالی  
۲۰۰ دابدا لیانو مشاهیر  
۲۲۱ دیپنتو او سنی مشاعری  
۲۴۳ اریائی، پارسی، پشتون مرثی او ویرانی  
۲۶۹ لغات فراموش شده پشتون  
۲۹۳ روزه  
۳۱۵ شهراده بست  
۳۲۴ رود های افغانستان  
۳۳۱ مهمترین مفترعات ۱۳۲۴  
۳۸۱ اعمال اقتصادی مملکت در ظرف سال ۱۳۲۴  
۳۹۳ به ۱۳۲۴ کمال کنی دنریه بینی  
مشغولیات تفریحی

**ب : تصاویر :**

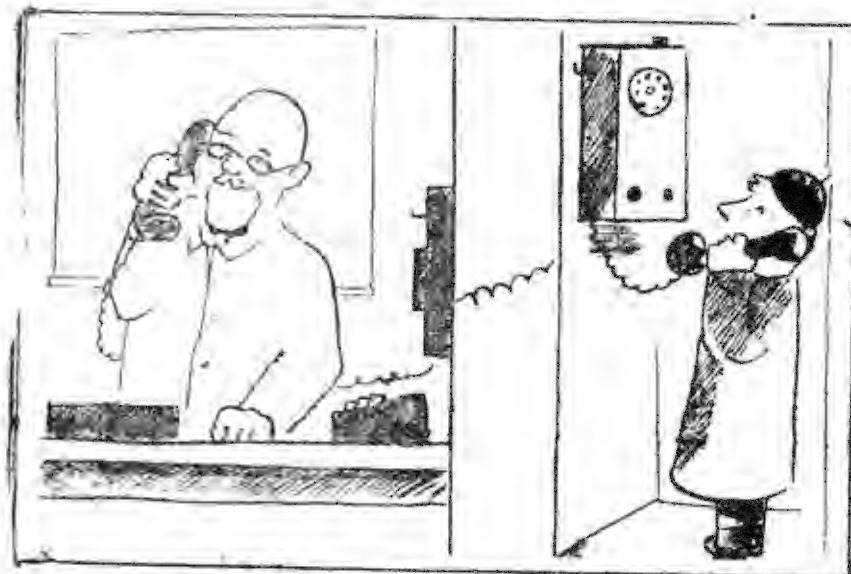
صفحه

- تصویر  
اعلیحضرت معظم همایونی  
ج، ع، ج والاحضرت سپه سالار غازی صدر اعظم  
وزرای دولت (۳) قطعه  
مقرری در صدارت عظمی (۲) قطعه  
ع، ج والاحضرت وزیر حریبه  
ع، ج والاحضرت سردار شاه ولیخان  
ع، ج « محمد نعیم خان  
هیئت اجتماعی کاینه  
هیئت مطبوعاتی بحضور صدر اعظم صاحب  
مقرری ها در روز ازارت اقتصادی (۴) قطعه  
» « حریبه (۱۹) قطعه

تصویر	
والاحضرت وزیر حربیه و سائر صاحبمنصبان بروز توپیج شهادت‌نامه تعلیمگاه توپیجی	
مقابل ۷۴	
۵۶ »	مقررها در وزارت خارجه (۴) قطعه
» »	» داخله (۷) قطعه
۵۷ »	» (۷) دردوائر متفرقه
۱۰۸ »	» (۲) وزارت صحیه
$\frac{140}{35}$ بمقابل	عمارت اساسی مسلح
$\frac{140}{36}$ »	دیوی عمومی دهمزنگ
» »	دارالعلمین اساسی
» »	یک حصه از تعمیر جدیده مسلح
$\frac{140}{39}$ *	هوتل هرات
$\frac{140}{40}$ »	حکومتی آند خوی
$\frac{140}{45}$	آبادیهادر مزار شریف و مربوطات آن (۵) قطعه
»	تعمیر پسته خانه در ده افغانان
$\frac{140}{57}$	منظرة رخه بنجشیر (رسم رنگه)
۲۶۱	» پل شاه دوشمشیره علیه الرحمه (رسم رنگه)
۳۸۰	اختراعات جدیده کدرمتن طبع شده (۴۹) قطعه از صفحه ۳۳۴ الی
	وزراء و کفبل وزراء و رؤسای مستقل (۱۵) قطعه
	سفرای خارجه (۱۵)
	مقاله نگاران سالنامه (۱۲)
	در مضمون بوهنتون کدرمتن طبع شده (۴)
	از مناظر جشن استقلال (۱۱)
	کنفرانس ورجال خارجی (۲۰)



دستوری دولایت اجتماعی مناظر و خنده، از سری خاوری درود چه دلخدا امیریه کوهستان کنی واقع نه  
د شاعقی «برهنا» رسم



در تیلفون

حفل - هلو ۱ آفای پروفسور هستید ؟ حفلک هن امروز بیکب آمده نهستو آند  
چرا که مر پس است پروفسور - به تیلفون شه حرف مزد ؟  
حفل - بابه جامن است



شاعر - سلام یتو، ای خزان ! فشنگ ترین فصل ها !  
یاغبان باغ عمومنی - خدا هیکنتم شخصکه بر گک های خشکیده را  
جمع میکند خودت باشی !



### شاعى دارالتحرير

دھصو سرمنشى	عوجىس اع محمد عمر خان
سرمنشى مشاور	ع اس سراج الدین خان
دامرى شانگى مدر	حافظ اور مدح خان
ددوھمى	عبدالحسون خان
داور افروز	غلام فادر خان
دھلو كمان	
دېلىتود كورس معلم	مولوي صالح محمد خان

### د شاهانه حصو حربى سر ياورى

سر ياور	مع اس عبد الغفور خان المري فرموده
حربى ياور	مع محمد حسين خان انھومتر
ش	گلپور خان کند کم
	در محمد خان

عوجىس اع محمد عمر خان د شاهانه حصو سرمنشى

S Ex. Molla Omar Khan Secrétaire

Général de S.M.

### د بله بور یسان

د بله بور	د نسر كفر	مع اس عمر الـ خان
د فکندهار		د فکندهار
د هر اش		د هر اش
د هزار او شریعت		د هزار او شریعت
د فطمن		د فطمن
د هشر فو		د هشر فو
د جھوئي		د جھوئي
د میمني		د میمني
د فخر ام		د فخر ام

## دداخلي روزنامه، محلو او جرابد و مدبران

### الف هر كسر :

داصلاح روزنامه : مدیر شاغلی محمد وايرخان (بره کي)  
 دانپس « او دامتياز خاوند شاغلی محمد عتمانخان (صدقي)  
 د آريانه ميشتني مجله : او مؤسس شاغلی احمد علیخان (کهزاد)  
 د کابل « بشاغلی گل باچاخان (الفت) دېښتوټۍ لني د صحافت له خاوندکه نشر يېږي.  
 د اقتصاد « بشاغلی ذلام دستگر (اوږي) د ملي اقتصاد وزارت د ابطاعه  
 له عمومي مدیریت خخه نشر يېږي  
 داردو مجله « له ریاست او کانغرېه خخه نشر يېږي  
 دروغېتا « د حذفه المصحی د عمومي مدیریت د نشر ٻاتو له خاوندکي نشر يېږي  
 دېښتوندزغ « درادي د نشر ڀاتوله خاوندکي نشر يېږي  
 افغانستان دري ماشتنې مجله : (نشر ڀاتو دري بهي خاوندکي نشر يېږي)

### ب - ولايات :

د طلوع افغان دقتنهار روزنامه : مدیر بشاغلی محمد یوسف خان (ایازی)  
 د اتفاق اسلام دهرات « محمد هاشم خان (پر دبس)  
 د بداردمز او شريف هفتھواره جريده « عبدالصمد خان (جاده)  
 د اتحاد قطغون « سید مسعود خان (پوهنځار)  
 د مشرفی انځار « کهيل بشاغلی عزيز ال الرحمن خان (سيفي)  
 د ده انجله د جنوبي « مدیر بشاغلی محمد ارسلانخان (سيفي)  
 د دستوري د ميمني « مير غلام احمد خان (صالحي)  
 د بدخشان « مير امين الدين خان (انصاری)

## أۇزاناسىان ناھىيە

### ١- عالىي شورا هىيەت :

- « عەزىز زەممە خان دەۋازىت وزىر »
- « عەلۈمچى خار دەخانىي خار دەزىن »
- « علام سەبى خان دېرىت اوداڭىر افۇزىن »
- « محمد أكىپ خان دەۋاڭىد ئامىي وزىر »
- « سەھىپ ئەلەخان دەعارف دۈرارىن ئەغلىن »
- « غلام سیدرخان دەنگىمى دىرىاست ئەنلەن »
- « غلام غۇشخان دەللىي افتصاد دوزارت دۆرم مەعین »

### ٢- دەناظار هىيەت :

- « عەن تىبادلوهابىشان دەللىي دوزارت ئۆزىم مەمن »
- « عبدالجى خان (عزىز) دەلىلى ئەمسىھەن دەزىن كەھىل »
- « غلام سەھى خان دەمەنلەن دەغلىش رئىس »
- « محمد انورخان دوزارت ماڭىچى دەسرائىچى ئەمۇسى مەدرىز »
- « عبدالغۇر خان » دەكتىرلەن « »
- « محمد ئەتمامخان دەغايدانىي دەللىي دىرىاست ئاشخەصىسى عەن مەدىر »
- « سەھى ئەتمامخان دەسەدارت ئەظەنلىي دەنەنلەن ئەلەزىزىر »

### ٣- دەخىرىي پىشوانى، او دەنگىمۇنۇ سەتىرىزلىرىن دەنەنلەن ئەنلەن :

- « عەج محمد نوروز خان دەللىي وزىر »
- « سەھى غلام مەھىتى خان دەسەدارت دەنەنلەن رئىس »
- « سەردار محمد ئەن خان دەنەنلەن دەنەنلەن كەپلىل »
- « عبدالكريم خان (قانى) دەنەنلەن دىرىاست رئىس »
- « ئەظرمحمدخان دەقاولۇ خزانو رئىس »
- « مير محمدعليخان دەللىي شورا و كەل »
- « حاجى عبدالبصیر خان »

۲:— دبانک عامل هیئت :

: ع، ج، اع عبدالمجید خان داقتاصاد ملي وزیر	رئیس
: «، ص سردار محمد عمر خان	درئیس کفیل
: «، « محمد علیخان	معاون
: «، حبیب الله خان	داجرانیې عمومی مدیر

**دبانک دمر کړی دوائره هشران**

دلوابو خزاو خزانه دار	: ع، ص نظر محمد خان
-----------------------	---------------------

داداخلى خزانې دمدیر کفیل	: ص، مانک چند
دخارجه دار تبااطو مدیر	: «،
د تحریرات او د مخصوص قلم مدیر	: «، سید اسعف خان
داجرانیې او د ماموریتو مدیر	: «، محمد حیدر خان «نیسان»
د اعتباراتو مدیر	: «، عبدالله خان
دقیقیش مدیر	: «، صلاح الدین خان (علزی)
د کنترول «	: «، سد احمد علیشاو خان
د محاسبې «	: «، صالح محمد خان
د شفر مامور	: «، جمعه خان
داسعارو د نظارت مامور	: «، محمد صدیق خان
داورافو د مامور کفیل	: «، علی احمد خان

**د افغانستان بانک داخله نمایندگان :**

دقندهار نماینده	: ص، خواجہ ذکر الله خان
د هرات »	: «، سعد الدین خان
د مزار »	: «، محمد آصف خان (عیدیقی)
د آفچه »	: «، نیک محمد خان
داندھروی »	: «، محمد حسین خان

## امور وزارت خارجه

امور عسکری از توجه مخصوص ذات همایونی وزحمت کشی‌های شباروز والاحضرت سپه سالار غازی وزیر خارجه سال بسال رو به بهود گذاشته و علاوه از این‌که اردوی شاهانه در تامین امنیت رول روز افزونی می‌گیرد، انتظامات آن از هرجیث رو بر قوی می‌باشد. اینک شمعه از اجراء آت سال ۱۳۲۴ وزارت خارجه و مربوطات آنرا باطلاع می‌سانیم.

### ۱- امور تشکیلاتی

۱- تشکیل کورس ضابطان طویلی به داخل کورس عالی.

۲- تشکیل کورس دوازدی.

۳- تشکیل کورس موقتی اسلحه نقله.

۴- تشکیل کورس موقتی مخابره.

۵- تشکیل و اصلاح بعضی جزو نامها نظر به مقتضی عصر و اسلحه جدید.

۶- توسعه شعبه اخذ عسکر ریاست اردو به مدیریت عمومی و اخذ عسکر و احتیاط.

۷- امور تعلیم و تربیه.

۸- فراغت یک عدد حلب مکتب خارجه.

۹- فراغت دوره سوم کورس ضابطان صبحه و خورد ضابطان مکتب صبحه و پیطریه.

۱۰- فراغت دوره چهارم مکتب مخانیکی خارجی.

۱۱- فراغت دوره سوم مأمور حساب و آغاز دوره چارم.

۱۲- اكمال تحصیل دوره چارم کورس موزیک.

۱۳- شمول و فراغت یک عدد ضابطان مرکز و اطراف در کورس اسلیمه تقلیله بیاده و مخابره.

۱۴- ورود یک عدد ضابطان فارغ التحصیل از کادمی خارجی آفره به وطن.

۱۵- اعزام یک تعداد ضابطان و خورد ضابطان برای تحصیل و سفارت در صنوف مختلف عسکری در اردوی هند.

۱۶- استحضار نتیجه مثبت از کورس‌های اکابر قطعات و تقدیم یک عدد بزرگ جوانان باسوار برای مملکت که در ضمن فرانگفت از اینکه خوانند و نویسنده نیز شده‌اند.

۱۷- موفقیت کورس‌های سمت‌ششم پشتوى و وزارت خارجه و تعین یک کو مسیون مرکب از پشتوى وزارت خارجه و نمایندگان ریاست مطبوعات و وزارت معارف برای امتحان و بازدید کورس‌های پشتوى و اکابر قطعات اطراف اعزام گردیده که عنقریب نتائج آن نشر خواهد شد.

۱۸- امور نشرات عسکری.

در ضمن اثرات عسکری با وجود بحران و قلت مواد طبا عتی یک تعداد تعلیمانا مه‌ها

# د حرب په لوړ وزارت کښی مهمی مقرر دی



ع، ش محمد علی خان قره قدمشتر جو د او از دو  
نړۍ راست بکفل همتر شویدنې

ع، ش س، اسد الله خان د حرب  
د عمومه او کړا او پر اس



ع، ش ریز محمد خان دوهم فرقه مشتر  
که اعموی فرقه هست شویدنې



- ع، ش عبدالغئی خان د فرقه ای ننۍ او د اړۍ  
فرقه فرقه مشتر که د فرقه ای هر کو یادو ډاله ای  
حکم د شویدنې

## دھرب بید لور وزارت کتبی مہمی عقیزی



مع اس محمد علی خان دو هم فرمانده او ذکر نهاد  
دفتری قواندان جه امری فرمانده شورشی



۴ - س عبدالملک خان دو هم فرمانده او ذکر نهاد  
دو آن حرب رئیس جه امری فرمانده شورشی



۵ - س عابد الحسن خان امری فرمانده او ذکر بی  
فارزیکی عمومی مدیر چه دو هم فرمانده شورشی



۶ - س عبد الحسن خان امری فرمانده او ذکر بی  
بر این چه دو هم فرمانده شورشی

حرب به لود وزارت کنیی مهہی مقریز



ح. محمد اصف خان غنیم شریعتی او از مو  
ح. علام محمد ابراهیم شریعتی - ح. خوشابهان در یون  
د ریاست معاون مقریز شوییدی  
ده امری خذله مشر شوییدی  
ده امری احمدی غنیم شریعتی

دھر ب په او د وزارت ائمی مہمی مقرر ی۔



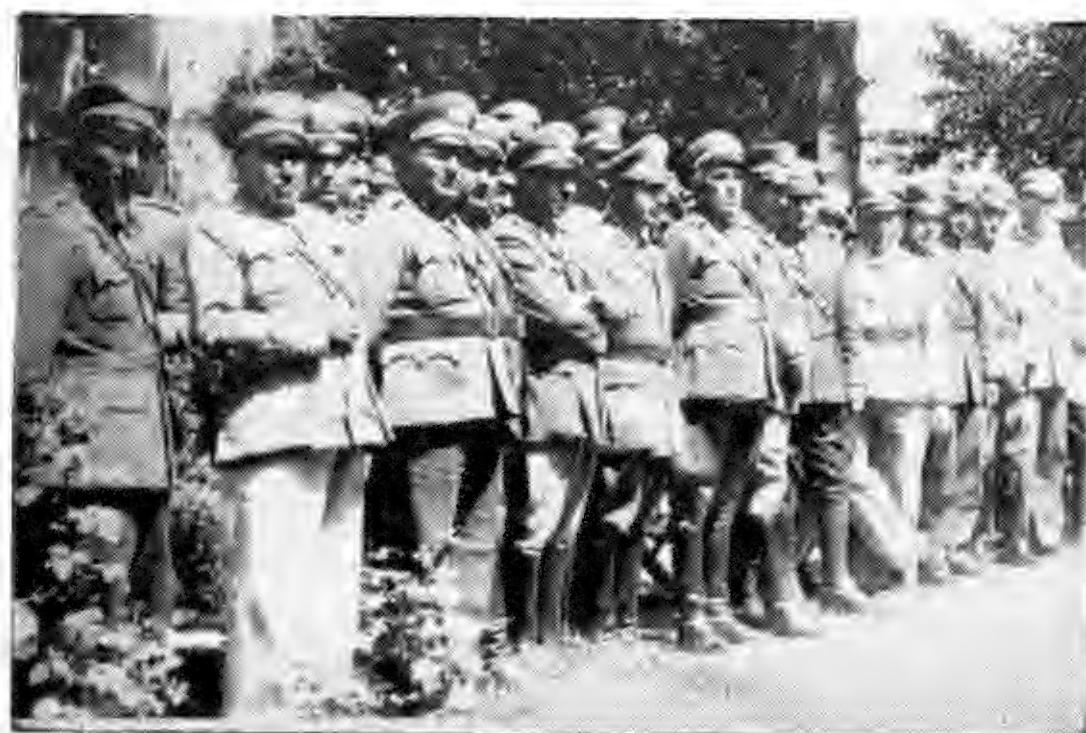
ج ، سر احمد خان کنٹھ اکٹھر ج ۲۴ فریڈار  
پہ فرید اکبی دوھم غنڈھ متر شویں

ج ، عبدالخان دوھم غنڈھ متر  
جہ امری غنڈھ متر سویں



ج ، عبدالاحد خان کنٹھ اکٹھر جہ تجویی  
قول اردو اکبی دوھم غنڈھ متر شویں

ج ، محمد افضل خان کنٹھ اکٹھر او د نور سو  
دھدیروں ات معاون جہ دوھم غنڈھ متر شویں



• الاممیت تحریب وریں اوذا ارزو وور ایسند ساحب منصبان دا توړچو  
د ټیکنیکاډ د شپږ جنګاډو د آټوګریغ یه وړخ

و اثرات مختلفه عسکری و مخصوصاً یک عدد کتب برای تدریسات کورس عالی حربی طبع و نشر شده است.

#### ۴- امور معاملات ذاتیه

- ۱- تغیر و تبدیل و مقرریها در قطعات، دوازنه و موسات اردو
- ۲- ترتیب لسته های مستحقین ترقی و اجرای ترقی آنها
- ۳- سوق یک عدد صاحب منصبان و منسوبین اردوراه تقاعد و معروفی آنها بدیر یت تقاعد

#### ۵ امور صحیه

- ۱- تورید یکمقدار مکلفی ادویه و سامان جراجی
- ۲- واکسناسیونهای اجباری و موسمی در قطعات و موسسات اردو
- ۳- تورید بکمقدار بزرگ آنتی لاوس پودرو آنتی ملاریا کریم و نوزیع آن به فضلات باهدایتname های صحی راجع به طرز استعمال آنها
- ۴- تعیین واعزام یک هیئت صحیه بفرض آموختن میجادله ملاریا هند
- ۵- اصلاحات لازمه در امور اخذ استاتستیکهای صحیه در اردو
- ۶- نرتب تعلیماتنامه قابلیت بدنیه اردو که عنقریب مراتب اصولی راضی و نشر میشود
- ۷- تجدد در امور حسابی ادویه شفاخانه عسکری
- ۸- تعدیل اوزان مختلفه ادویه به اوزان سیستم متریک
- ۹- تهیه و خرید اری و سایط شفاخانه برای وزارت حربیه و فواید مرکز
- ۱۰- امور لوازم

- ۱- تهیه و تدارک المیه و تجهیزات اردو بقدر یکم در نظر بود
- ۲- تعیین کومیسیون غور و تدقیق در مدیر یت تقاعد
- ۳- تنظیم و تشکیل دفتر کوپراتیف عسکری کمقدمات آن از سنه ۱۳۲۳ گرفته شد بود و تورید یکمقدار اشیای احتیاجیه ضابطان از خارج و تنظیم مغازه کوپراتیف در کلوب عسکری

#### ۷ امور اسلحه و جبهه خانه

- ۱- تدارک و خرید اری یک عدد اسلحه جبهه خانه و مالزمه حربیه از خارج
- ۲- تدقیق و معاینه فنی اسلحه از طرف کومیسیون تدقیق و معاینه
- ۳- فرمایش یک تعداد طیاره های تعلیمی برای مکتب هوا بازی

## فرقه مشران ثانی که فرقه مشر اوول شده اند.

۱ - ع ، ش پیر محمد خان فرقه مشر اوول

۲ - ع ، ش عبدالقیوم خان فرقه مشر اوول رئیس حربی

۳ - ع ، ش عبدالله خان فرقه مشر اوول رئیس دیوان حرب دائمی

۴ - ع ، ش محمد علم خان فرقه مشر اوول قواماندان فرقه (قند هار)

غند مشران اوول که فرقه مشر ثانی شده اند.

۱ - ع ، ش عبدالحید خان فرقه مشر ثانی رئیس محاکمات

۲ - ع ، ش غلام دستگیر خان فرقه مشر ثانی مدیر عمومی فابریکه حربی

۳ - ع ، ش محمد گل خان فرقه مشر قواماندان فرقه (هرات)

۴ - ع ، ش ، غلام جیلانی خان فرقه مشر ثانی قوند ان فرقه (فراء)

۵ - ع ، ش نصر الله خان فرقه مشر ثانی

غند مشران ثانی که غند مشر اوول شده اند.

۱ - ح ، غلام محمد خان غند مشر اوول در فرقه هرات

۲ - ح ، عبدالرحمن خان غند مشر اوول در فرقه هرات

۳ - ح ، شا محمد خان غند مشر اوول در فرقه مشرقی

۴ - ح ، محمد حسین خان غند مشر اوول

۵ - ح ، خوشدل خان غند مشر اوول دربست مرکز وزارت

کنند کمشر ان و معادل آن که به غند مشر ثانی و معادل غند مشری ثانی

ترفیع گرده اند.

۱ - ح ، شیراحمد خان غند مشر ثانی در فرقه فندهار

۲ - ح ، محمد افضل خان غند مشر ثانی معاون مدیریت کورسها

۳ - ح ، عبدالعزیز خان غند مشر ثانی فرقه قطفن.

۴ - ح ، عبداللاح حمد خان غند مشر ثانی قول اردوی جنوبی.

۵ - ح ، عبدالله خان غند مشر ثانی فرقه مشرقی

۶ - ص قبیر محمد خان سریپطار نقایصہ وزارت مامور (۴) معادل غند مشر ثانی

۷ - ص ظهرالدین حان عضو هیئت خریداری وزارت حربیه مامور (۴) معادل

غند مشر ثانی

## امور وزارت خارجه

وزارت امور خارجه بناءً از نظریات ذات شاهانه و کاینه وزراء درین سال بیشتر سیاست دولت‌نامه خود را با تمام ممالک بالغاصه همسایگان اساساً اجرا آت خویش قرار داده و در راه حفظ و تثیید مزید منا سبیات خود صرف مساعی کرده است.

اجرا آت مهم که در مژورسال ۱۳۲۴ از طرف شبکت وزارت خارجه بعمل آمده قرار آتیست:

### ب، شعبه دوم مدیریت عمومی سیاسی:

در آغاز سال جاری با توافق نظرو تصمیم دولت بادشاهی افغانستان و حکومت اتحاد جما هیر اشتراکیه شوروی برای معاینه بندهای چوبک و چیله کمرشوری و یتیم په افغانی کمیسیون مختلط به تفصیل ذیل فرستاده شده بود.

الف - بتاریخ ۲۳ حمل هیئت اعزامی سرحدمر کب از اشخاص ذیل است:

- ۱ - ع ج محمد کبیر خان وزیر فوائد عامه رئیس هیئت
  - ۲ - ص فضل احمدخان مدیر شعبه دوم سیاسی وزارت امور خارجه عضو اول هیئت
  - ۳ - «علی احمد خان مهندس وزارت فوائد عامه عضو دوم هیئت»
  - ۴ - «سید محمودخان کاتب وزارت امور خارجه عضو سوم هیئت»
  - ۵ - «محمدناشم خان ترجمان لسان روسي عضو چهارم هیئت»
  - ۶ - «مستر الکسندر انجینیر وزارت فوائد عامه وابسته به هیئت افغانی»
- هیئت شوروی

۱- آقای سوید یرنکو کمیسار نقلیه بحری - رئیس هیئت شوروی

۲ - «کوزتسوف کفیل کمیسار ملی نقلیه بحری عضو هیئت»

۳ - «ایگوروف انجینیر آبیاری عضو هیئت»

۴ - «ورونکوف غند مشر اول عضو هیئت»

۵ - «ماکاروف غندمشترانی عضو هیئت»

ب - بتاریخ ۲ سر طان مجدد اهنتی به سرحد برای معاینه بندهای مذکور مر کب از اشخاص ذیل فرستاده شد:

هیئت افغانی :

۱ - ع، ج محمد کبیرخان وزیر فوائد عامه رئیس هیئت

۲ - ص محمد قبیم خان مدیر شعبه ۴ سیاسی وزارتخارجه معاون هیئت

۳ - مستر الکتر اندرانجینیر وزارت فوائد عامه عضو هیئت

۴ - « کیس انجینیر »

۵ - ص سید محمود خان سکرتر وزارت امور خارجه عضو هیئت

۶ - « فتح محمد خان معاون انجینیر وزارت فوائد عامه عضو هیئت

۷ - « جان خان معاون » عضو هیئت

۸ - « میر غلام حامد خان ترجمان لسان روسی »

هیئت شوروی اشخاص فوق الذ کربلاشد :

بقرار تشريعات بالا کمیسیون مختلط از طرف دولتین افغانستان و شوروی برای معاینه و بزرگداشت

بندهای دو طرف ساحل دریا پنج بنا ریخهای مذکور به سرحد اعزام شده بودند چنانچه هیئت

طبقین بر محل رفتہ بندهای دو طرف دریا را معاینه نموده و صورت مشاهدت فنی خود را به حکومت هادی خود را پورداده اند.

ج - شعبه ۴ مدیریت عمومی سیاسی :

### موافقة تبادله خریطة پوتمن - اسی بین افغانستان و امریکا

۱ - وزارت امور خارجه دو ات پادشاهی افغانستان و وزارت مختاری د ول منجد امریکا موافقة تبادله پوسته سیاسی دوجانه مجانی را بنا ریخ ۱۸ نور ۱۳۲۴ مطابق ۸ می ۱۹۴۵ بتوسط تبادله مکاتیب رسمی عقد نمودند و از تاریخ فوق الذکر مواد موافقة متذکر عملی و جریان پذیر گردیده است باساس موافقة مذکور بین کابل و واشنگتون پسته سیاسی به صورت مجانی ارسال می گردد.

۲ - موافقة مستقیم راجع به مخابرات رادیو تلگرافی افغانستان و منطقه اول دول متحدة امریکا بین کمپانی مکنی رادیو نیویارک و استانس رادیو تلگرافی کابل بنا ریخ ۱۷ اسد ۱۳۲۴ مطابق ۱۹۴۵ بواسطه تبادله مکاتیب رسمی وزارت خارجه و وزارت مختاری امریکا در کابل انعقاد پذیرفت و از آن تاریخ به بعد مخابرات مذکور با مخصوص لات معینه آن جریان دارد



ج.ع . ج . ا . ا . نیان والاحضرت غازی شاه محمود خان سیه سالار صدر اعظم  
S.A.R. "A . A " Maréchal Shah Mahmoud Khan Ghazi Nouveau.  
premier ministre

۱) - علی شیر، احمد خان  
دولت وزیر

۲) - علی شیر، احمد خان مخدوم کریم  
دولت وزیر

۳) - علی شیر، احمد خان  
دولت وزیر



دولت وزیران

## په صدارت عظموي کېسى مقرري-



خواه عبد الله خان ده صدارت عظموي  
د تحریر او و 22 رسمی خواهانکي مديري

خواه عبد الله خان ده صدارت عضوي  
د تحریر او و 22 رسمی خواهانکي مديري

## د کابل کالنی

ب- دعرا يضو عمومي مديريت :

عمومي مدير : ع ، مير عبدالله خان

د- داجرائيي مديريت :

مدير

ج- دضبط احوالاتوريات :

دضبط احوالاتورئيس او د مجلس وزرائمشي : ع ، ص محمد شاه خان

» لپري مدير : ص ، . . . . .

» دوهم » ، محمد رفقي خان

د سجلو سوانح » ، محمد عنان خان

د - ریاست تشریفات :

الف : - ورود سفر او نایندگان سیاسی دول خارجه در دوره سال ۱۳۲۴ بکابل :

۱ - جلالتماب آقای حوا داستون سفیر کبیر دولت جمهوریه ترکیه بتاریخ ۱۰ حمل ۱۳۲۴ بکابل وارد و بتاریخ دوشنبه ۲۰ حمل ساعت ۱۱ قبل از ظهر با تشریفات معموله در قصر دلکشا بحضور اشرف ملوکانه شرفیاب و اعتماد نامه خود شان را تقدیم کردند .

۲ - جلالتماب آقای عبدالکریم صفوت وزیر مختار دولت پادشاهی مصر بتاریخ ۱۹ نور ۱۳۲۴ بکابل وارد و بتاریخ یکشنبه ۳۰ نور ساعت ۱۱ قبل از ظهر با تشریفات معموله در قصر دلکشا بحضور اشرف ملوکانه شرفیاب و اعتماد نامه خود شان را تقدیم کردند .

۳ - جلالتماب موسيو «سر» وزیر مختار دولت جمهوریه فرانسه بتاریخ ۲۰ نور و ارد کابل گردیده و بتاریخ ۳۱ نور ساعت ۱۱ نیم قبل از ظهر در قصر دلکشا بحضور اشرف ملوکانه با تشریفات معموله شرفیاب و اعتماد نامه خود را تقدیم کردند .

۴ - جلالتماب آقای تسوشا نکیوالین وزیر مختار و نماینده فوق العاده دولت جمهوری چین بتاریخ ۲۰ سپتامبر ۱۳۲۴ با اعضای وزارت مختاری شان بکابل وارد و بتاریخ ۳۱ سپتامبر ساعت ۱۱ نیم قبل از ظهر با تشریفات معموله در قصر دلکشا بحضور اشرف ملوکانه شرفیاب و اعتماد نامه خود را تقدیم کردند .

۵ - جلالتماب آقای ایلی . ای با لمر وزیر مختار دول متحده امریکا بتاریخ ۳ عقرب ۱۳۲۴ بکابل وارد و بتاریخ سهشنبه ۱۲ قوس ساعت ۱۱ و نیم قبل از ظهر با تشریفات معموله در قصر دلکشا بحضور اشرف ملوکانه شرفیاب و اعتماد نامه خود را تقدیم کردند .

۶ - جلالتماب آقای ارماند ها نریو وزیر مختار دول جمهوریه فرانسه بعض جلالتماب آقای (سر) بتاریخ ۴ شنبه ۱۳ قوس بکابل وارد و بتاریخ دوشنبه ۲۵ قوس ساعت ۱۱ نیم قبل از ظهر با تشریفات معموله در قصر دلکشا بحضور اشرف ملوکانه شرفیاب و اعتماد نامه خود را تقدیم کردند .

۷ : جلالتماب آقای حسن علی کمال هدایت سفیر کبیر دول شاهنشاهی ایران بتاریخ ۲۶ ر ۱۱ وارد کابل گردیده و بتاریخ شنبه ۲۶ حوت ساعت ۱۱ نیم قبل از ظهر در قصر دلکشا بحضور اشرف ملوکانه با تشریفات معموله شرفیاب و اعتماد نامه خود را تقدیم کردند .

ب : صدور اگر یمان دولت شاهی مصر جلالتماب آقای محمد صادق ابو خضری را بحیث وزیر مختار خویش بدر بار کابل معرفی و اگر یمان مشارکیه صادر گردیده است .

دخته سو اربع بعضاً از نمایندگان سیاسی که در دوره سال ۱۳۲۴

وارد کابل گردیده‌اند.

۱- سو انجم جلال التماب آفای احمد جواد استون

سین کیم دو لت جمہوریہ قبر اکیا۔

امحمد جواد استون پانچا، معاشر میرزا شاهد بیست  
و یک سال پیشتر به همراه خارجہ انتساب کرده، بعد  
از اینکه وظایف مختلفه در مرکز از مرکز اسلامی  
وزیرانگ بعثت سر کشان کار نموده (لا خود  
مد از اینکه وظیفه مدیریت عمومی از مرکز کفر  
در سال ۱۹۳۲ بوزار تuchtاری وین تعین وحدات  
آن بوزار تuchtاری لاعن اتفاق کرده است، در سال  
۱۹۳۹ بصفت درجه اویں ترقیع و درجه ایشان  
سراپا ایشان نگرداد، ایشان

۱۹۴۹ بیصف در چه اوں مرفع و ترجمہ میں  
سفارت بغداد را احرار نبوده است۔

۲: سوانح جلالتماب آفای کمال هدایت (نصر الملک استاد) کسری- بهشت‌شهری ایران

حلا انتساب آفای کمال هدایت سفیر امیر ایران  
متولد در سال ۱۲۹۸ هجری قمری و سی از  
فراغت از بحصیلات وزارت وزارت خارجه شده  
هد از جندی ادامه کار خود را کرو شد ۱۹۲۰  
ولادی به بابت سفارت شاهنشاهی ایران در پاریس  
عین و نور خواست از آن قادر لایق حدیثی نم  
وزارت خارجه مشغول کار شده اند در اول  
مهر و عطیت ایران در دو دوره اول و دوم مجلس  
شورای ملی به نایندگی از صهران منتخب و بعد در  
کابینه اول مرحوم علاء السلطنه همراه است بر باخت  
وزرای اسپس متواتر در کابینه های مرحوم  
علاء السلطنه مرحوم مشیرالدوله - مرحوم مستوفی  
الممالک - مرحوم صهیمان السلطنه - مرحوم سپهبد از  
اهم وزارت های عدیده دادگستری - دارالائی



جلانهاب آفای گل اهدایت سفیر کیمراهیان

- و نمکر اف نوائد عامه منصوب و دفعه اتی بین والی فارس اصبهان و مکم طهران و ده الد  
و سرت به امور زندگی خارج دفعه چهت تهیه مقدمات شاهنشاهی دولت هر اق به آن کشور مسافرت  
و دلخواه دفعه بین سمت وزیر مختار شاهنشاهی در زایون آبین و مدت سه سال در آن خواهد بود .  
از طرف مجلس شورای مدنی پدر را بعثت دیوان عجایبات معاشرگی انقلاب و سل کرد .  
جلاب آفای عن تفصی قلی بیان وزیر بازارگاسی ویشه و هر و در سکایله (ال) جتاب آفای  
بر افعم حکمی فارزین مشاور و در کاینه جدا به آنای سمن پیش زاده گشته  
و در کایله اخیر آفای حکمی ایضا وزیر مشاور وابک سمت حضر کی شاهنشاهی از در راه  
استان منصوب گردید .

- سوالیح جلالتماب آفای آسو شانگیوز وزیر مختار دولت جمهوری چین :



- ۱۹۱۸ - فارغ التحصیل موسسه تخاری رویه -
- ۱۹۲۱ - مفتخر بک جین
- ۱۹۲۴ - پس شعبه تحریری مدیریت خارج  
می چوند -
- ۱۹۲۵ - سالار دو سال در (بلکوت چهارت روسیه) -
- ۱۹۲۵ - تحقیق هیئت مدیر خط آهن
- شترنی جون :
- ۱۹۳۰ - سکریت اندومی بلندیه (تئمن)
- ۱۹۳۰ - جنرال توپخانه نادر (آفونی اسکر وسیه) -
- ۱۹۳۸ - سکریت در وزارت خارج
- ۱۹۴۰ - وزیر مختار در آن کیم
- ۱۹۴۰ - وزیر مختار در آن کیم

حاله آفای سوی شانگیوز وزیر مختار چین

۳ - سوانح جلالتماب آفای ایلی - ای بالمر وزیر مختار دولت متحده امریکا :



جلالتماب آفای پا لمریه ۲۹ نوامبر ۱۸۸۷ در بر و  
ویدنس (روزانه) تو اندشه است در آنکه می  
در سر و برق بتوانستی تحقیق این مورد  
و دیلوام بی ای را در ۱۹۰۸ حاصل موده تحقیقات  
خود را در فاکولتی حقوق در سوریان در ۹-۹-۱۹۰۸  
ادامه داده و دیلوام هاستر آف دیلو ماسی ای  
ونیورسیتی سارج و استکتن در ۱۹۱۰ حاصل کرد  
در ۲۴ سپتامبر ۱۹۱۰ معاون قویل در قدر و شرکه  
آینده در اعضا وزارت خارجه شاغل گردید  
سازمان امور ایتالی ساسی و فتوسلی مفترض  
از از قدر :

در ۱۹۱۱ - ۱ کاشنے دولت متحده امریکا  
بسوار تکریمی مکسیکو .

۱۹۱۲ - معاون و کشیل جنرال قویل در باریس جلایه آفای ایلی - ای ور خان امریکا

۱۹۱۶ - ارتیه قویل بر قمع و نزدیکی دلیل عنی کی دریدم  
۱۹۲۱ - غولیل شریعت است .

در ۱۹۲۴ - بر به جنرال قویل درجه (۱) بر قمع

۱۹۲۹ - جنرال قویل درجه (۲) قزوین کوئنیاندا

۱۹۳۳ - جنرال قویل درجه (۲) بر بوروند (روزانه)

۱۹۳۵ - جنرال قویل و مستشار سفار - در اخواص

۱۹۳۷ - جنرال قویل درجه (۱) ای زیر بروی .

۱۹۴۰ - جنرال قویل شریعت آمریکا آمریکا

تاریخ ۲۹ جنوری ۱۹۴۵ از حرف رورولت رئیس جمهور آمریکا بعثت وزیر مخدوش  
یکایله تعین گردیدند

۲۔ سوانح جلالتماب آفای ارماند ہانریو وربر مختار درائے جمہور یونیورسٹی فرانسہ ہے۔



جلالتماب آفای ارماند ہانریو وربر مختار

فرانسہ در ناریخ دوازدهم اکتوبر ۱۸۸۹ء کو انگلستان میں پیدا ہوا۔

گردبندہ در انتدا در کھساری اعلیٰ فرانسہ

کھنڈ سیری ماموریت دائرہ بعد ایسمت قومنی نہ

وستچوک - ماسکو - بیودوزاپرو - اسٹامبو

القزوین - آسوبیر - بخت وربر مختار اور سر

دومنیشک و اخیراً بستہ مدنی دفترداری ۶۰۷

ہزارہ خارجہ فرانسہ کا رہنکرد۔

## لست اعضای رسمی سفارت های کابل

### لست اعضای رسمی سفارت های در بار کابل :

اول سفارت کبرای شوروی :

- ۱ - سفیر کبیر جلالتماب آفای ایوان با کواین
- ۲ - مستشار آفای فیڈوردولیا
- ۳ - آتشه نظامی آفای ملنیکوف
- ۴ - سکرترال آفای اینویاروف
- ۵ - سکرتدوم آفای مورادوف
- ۶ - آتشه آفای زازواین
- ۷ - آتشه آفای میکایل کور کین
- ۸ - آتشه آفای کوچکاروف
- ۹ - آتشه آفای پاول کوزنتروف

دوم سفارت کبرای ترکیه :

- ۱ - سفیر کبیر جلالتماب آفای احمد جواد اوستون
- ۲ - مستشار آفای توفیق تور کر
- ۳ - سکرتدوم آفای عضان آ کچه
- ۴ - سکرترسوم آفای اسمعیل حقی آفچوین

سوم سفارتکبرای ایران :

- ۱ - سفیر کبیر جلالتماب آفای حسن علی کمال هدایت
- ۲ - مستشار آفای عبدالصمد علی آبادی
- ۳ - سکرترال آفای مرتضی شریفی
- ۴ - دفتر دار آفای فیض الهی

چهارم وزارت مختار عراق :

- ۱ - وزیر مختار جلالتماب آفای زنزال خالدار هاوی
- ۲ - سکرتر آفای خالد حمیدی

پنجم وزارت مختاری برطانیه :

- ۱ - وزیر مختار جلالتماب آفای جی اف سکوایر
- ۲ - مستشار آفای جی سی ایل کراین
- ۳ - مستشار آفای ای اس بی شاه

## دخارجه وزارت بهمن مفتردي



ع. ۱۱) حج محمد کرم خان  
وزیر امور اقتصادی پس زمینه آنچه



ع. ۱۲) حسین آغا خان مفتردي  
وزیر امور اقتصادی پس زمینه آنچه



ع. ۱۳) حسن عبدالرؤوف خان افغانی  
وزیر امور اقتصادی پس زمینه آنچه



ع. ۱۴) حسن علی‌الله خان افغانی  
وزیر امور اقتصادی پس زمینه آنچه

## د دا خواه وزارت مهمی مفردی



وَالْجَعْدَلُ اللَّهُ تَعَالَى أَنْتَ بِوَلَايَتِنَا إِلَيْكَ حُكْمُ الْمُكْرَمِ  
شَفَاعَيْنِكَ لِلْمُقْرَبِينَ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلِلْمُؤْمِنَاتِ

وَالْجَعْدَلُ مُحَمَّدُ عَلَيْهِ خَانُ دَلَائِلِ دُولَاتِ  
أَفْرِيقِيَّةٍ وَآسِيَّةٍ سُوْدَانِيَّةٍ



وَالْجَعْدَلُ مُحَمَّدُ قَادِرٌ اللَّهُ تَعَالَى حَلَهُ وَزَارَ  
مِنْ وَلَادَتِهِ وَلِلْمُؤْمِنِينَ وَلِلْمُؤْمِنَاتِ

وَالْجَعْدَلُ عَبْدُ الْحَكَمِ خُورِي دَلَائِلِ دُولَاتِ  
الْمُؤْمِنِينَ وَلِلْمُؤْمِنَاتِ

شیخ حسین و شیخ جمال زاده فردوسی  
او دامادی و شیخ جمال زاده فردوسی شویانی

شیخ حسین و شیخ جمال زاده فردوسی  
او دامادی و شیخ جمال زاده فردوسی شویانی

شیخ حسین و شیخ جمال زاده فردوسی  
او دامادی و شیخ جمال زاده فردوسی شویانی



شیخ حسین و شیخ جمال زاده فردوسی



شیخ حسین و شیخ جمال زاده فردوسی



شیخ حسین و شیخ جمال زاده فردوسی

۳. متفق فد نور ایار و آنی مهمنی هفتر زی.



۴. س. محمد امین خان + خوشگلی  
بدعلی پیغمبر در راست اپس



۵. س. عدهالکریم خان + حسنه افروز  
بداعلی پیغمبر در راست اپس



۶. س. عبید اوها بخارد ای دوز ایارت  
بداعلی پیغمبر

۴ - سکرتردم آفای بی تی دنگن

۵ - آتشه نظامی آفای کلونال ای ایس لنکاستر

۶ - آتشه اقتصادی آفای مرزامتاز حسن فربلاش

۷ - داکتر آفای میجر آر ، دی ، میکری

۸ - اورنیتل سکرتر آفای خان محمد اسلم خان

ششم وزارت مختاری مصر :

۱ - وزیر مختار جلالتماب آفای عبدالکریم صفوت بی

۲ - سکرتر : . . . .

هفتم وزارت مختاری آمریکا :

۱ - وزیر مختار جلالتماب آفای ایلی ، ای ، پالمز

۲ - سکرتردم آفای البرت رورز متیوز

۳ - وايس فونسل آفای دی ، ای ، گلسن

۴ - آتشه نظامی آفای ماجور ارسن فرانکلین فاکس

هشتم وزارت مختاری ایطالیا :

۱ - وزیر مختار . . . .

۲ - شارژدار آفای ماریو هنکرو

۳ - پیش نماز آفای پادر ایزیدیو گاسپانی

۴ - آتشه آفای کانیاجی

نهم وزارت مختاری فرانسه :

۱ - وزیر مختار جلالتماب آفای ارماندها نریو

۲ - سکرتردم آفای رورز اولریک

۳ - وايس فونسل آفای دوفا یار

دهم وزارت مختاری چین :

۱ - وزیر مختار جلالتماب آفای تسو شانکیو

۲ - سکرتر اول آفای کنگکی نین تسو

۳ - سکرتردم آفای یوهلن

۴ - آتشه موون فرا

۵ - دفتردار چنگکی بیگک آن

## امور وزارت داخله

امور اتوزارت داخلیه درین سال طبق اصول نامه های مملکتی و تعلیمات نامه های اداری که برای حسن جریان امور ترتیب و به انجمن مامورین وزارت که پس از غور و مذاقه تصویب و منظوری مقامات صالحه رسیده تدویر و جریان داشته باشد کار از تدبیل تیکه در تشکیلات مملکتی نظر به ایجاد اداری و رسیدگی در امور بوجه احسن عملی گردیده امنیت داخلی و ضبط و ربط امور که وظیفه اصلی امنیت اداری است در اثر توجه حکام و سائر مامورین و علاقمندی و همکاری طبقات ملت تأمین شده و یکی دن واقعه که یکی در کنودیگری در هزار جات رخداده نیز بهم کاری حکومت و ملت بزودی حل و فصل بافت است و زیست اداری مدیریت مامورین و مدیریت عمومی کنترول و مدیریت اوراق اصول نامه های مدیریت های مامورین و حاضری و رخصتی مامورین و اصول نامه استخدام و ترفیع و تقاعده مامورین مملکت و اصول نامه اوراق تطبیق و در شعبه حساب مقررات و اساسی که در دوازه کنترولی مملکت عملی است در ساحه اجزا و در اتفاقات معاملات گذشته و ساز جاری توجه بسکار برده شده است ریاست امنیه در تشکیلات استخدام صابطان امنیه بر اساس تعلم و تخصص مملکتی و ترفیع صاحب منصبان نظر به طی سالهای خدمت واستعمال ایافت که بعمل آمده برای خدمت صابطان و آمران امنیه در مناطق مختلفه میعادی تعین و تبدیل و تغییر آنها بوقت و زمان معین مقرر گردیده است در اداره امنیه که امور حقوقی و جزائی (۲۱۲) محبوبین در معرض اجراء آمده است مدیریت های پاسپورت و سرحدی طبق اصول نامه های پاسپورت ویژه اقامت اتباع خارجه و تعلیمات نامه های شعبات مذکور اجرای وظائف نموده اند مدیریت صحیه بروگرام و تعلیمات نامه های فنی و اداری خود را در حفظ الصحف و صاحب منصبان و افراد امنیه مملکت عملی واجراء نموده شفاخانه های که تحت اثر این اداره دار است عملیات خود را بوجه احسن انجام داده است مدیریت صناعتی در محابس و لایات حکومات اعلی و کلان توجه خاصی بسکار برده برای حسن جریان امور صناعتی تعلیمات نامه وضع و تطبیق و اجرای آن را اطرف توجه قرار داده است مدیریت لوازم در تهیه سامان و تجهیزات قوای امنیه مملکت از حاصلات صناعتی محابس و مصنوعات داخلی صرف مساعی بسکار برده و تاحده مکن در تورید سامان کوشیده رفع احتیاج نموده است ریاست احصائیه که مدیریت احصائیه و مدیریت اخذ عسکریه آن ارتباط دارد در ترتیب احصائیه و توزیع تذکرہ تابعیت در احصار مجموعین عسکری طبق اصول نامه مکلفیت و تعلیمات نامه های جزائی مختلفین و امور دفترداری احصائیه و تعلیمات نامه تعین موقع خدمت مجموعین عسکری اجر آلت کرده است ریاست تفتیش که مدیریت های اداری و تفتیش احصائیه ولایات و حکومات اعلی جزو آن است طبق لایحه تفتیش امور اداری و تعلیمات نامه تفتیش امور احصائیه بوظائف خویش بر داخته در انجام و انصرام تفتیش های که بعمل آمده توجه خاصی بسکار رفته مدیریت عمومی نافلین و مهاجرین در انتقال واسکان مهاجرین و ناقلين در نقاط مختلف مملکت و مصروف ساختن آنها به امور زراعت

## د کابل کالی

طبق پروژه های مخصوص این شعبه اقدامات و ضروریات و لوازم زراعتی و محل نشیمن مهاجرین و ناقلین را  
ساده گردانید که تأمین کرده است با تند کار این اجمال به تفصیلات آنی می پردازد .  
اعدیل در تشکیلات ملکیه :

۱- حکومت درجه ۳ مهندسه سرحد داری د که بحکم متدرجه اول و سرحد داری د که که در  
حين حال سرحد دارهم گفته می شود تعدیل و بعدازین به حکومتی درجه اول و سرحد داری  
د که موسوم شد .

۲- منطقه بتنی کوت بیک علاقه داری تشکیل و بحکومتی کلان شنوار مربوط است .

۳- در ریاست امنیه مرکز وزارت یک مدیریت بنام مدیریت شخصیه و محاکمات که امورات سجل  
و سوانح واوراق محاکماتی و تبدیل و تغیر صاحب منصبان امنیه توسط آن اجرا می شود جدیداً  
تشکیل شد .

۴- حکومتی پنجشیر از حکومتی کلان پروان منفاک و نسبت به فرب مسافه بحکومت کلان شمالی مربوط شد .

۵- علاقه دارهای طوطی خیل و احمدزائی جنوی بیک حکومتی درجه سوم بنام حکومت سید کرم که  
مرکز آن قلعه گلستانگل تعیین شده تعدیل شد .

۶- علاقه داری استر غچ مربوط حکومت کلان شمالی از تشکیل افواداره منطقه مذکور از طرف  
مرکز حکومتی کلان شمالی بعمل می آید .

۷- فریجات کرو خیل، تارو خیل، بالاولی خیل، عبدالله خیل، چناری، زندانی از حکومتی سرویی  
منفاک و من حيث فرب مسافه بحکومتی بگرامی مربوط شدند .

۸- ریاست تبلیغ از ولایت قطعن بدخشان ازو ما ملکی و بدخشان ولايت قطعن هر یک علیحده به حيث  
حکومت اعلی و نائب الحکومه گی بر کر مخابره و مربوطیت داشته و بر حسب ازو و صوابیده  
مقامات رفیعه در ولایات مشرقی ریاست تنظیمه قایم شد .

۹- بقوماندانی امنیه حکومتی اعلی بدخشان یک سرکات کنترون و یک کات صنعتی تشکیل  
و ترتیب شد .

۱۰- یک نفر توپیش به توپی پولیس ولايت قندهار جدیداً تکلیف و منظور و یک تعداد افراد زانداره  
بر کر قوماندانی ولايت قندهار و یک یادگاری پولیس به حکومت کلان گرشک و قلات ترتیب شد .

۱۱- بقوماندانی های امنیه ولایات یک نفر مأمور ابتدائی و بحکومت اعلی یک نفر سرکات لوازم  
جدیداً تشکیل شد .

۱۲- یک توپی پولیس ترافیک به تطبیق قوماندانی امنیه ولايت کابل و قوماندانی امنیه ولايت هرات  
منظور حاصل شد .

- ۱۳ - یک اندازه فوئم کفی در تشكیل قوا ای صابطه قوماندانی های شمالی و دایزنگی ایزاد و در تشكیل قوه ضابطه بروان و غزی و لهو گرد اصلاحات بعمل آمده است .
- ۱۴ - یک باب شفاخانه سیار بر علاوه شفاخانه مقیم ولایت مشرقی باهیت صحی و لوازمات آن تاسیس و همچنان بقوماندانی را اداره حدودی مینه و غند را ندار مه بدخان یک یک شفاخانه تزوید گر دید .
- ۱۵ - برای اداره امور سرحد به سنگ گیج و بروغیل یک یک نفر سرحد دار بدرجہ تو لمب شوکات ها منظوری داده شده است .
- ۱۶ - برای اداره و انتقال چوب جنگل های دره بیچ و سمار مشرفی بمر کر و آسپیز نز فرمایش های دوائر یک نمايندگی فروش چوب در کنتر هاویک ریاست در سمر خیل و یک ماموریت انتهائی در مر کر کابل تحت اداره وزیر امور داخلیه تاسیس و یک آند ازه چوب به کابل در ینسال نقل و طرف استفاده قرار داده شد .
- ۱۷ - نسبت بحسن اداره وضبط انتظام اموال اشخاص متوفی لوارت درین سال ترتیبی اتخاذ ذکر دیده است .
- ۱۸ - برای اصلاح احوال محبو سین و تدارک وسائل معیشت و حیات مابعد القضايی موعد حبس به تمثال محبس عمومی کابل در سائز محابس ولايات و حکوم مات اعلی و کلان صنایع بافت و ساخت ونجاری و خیاطی و چرگری تاسیس ومنظور شده و محبو سین تحت نگر انى معلمین مشغول کار گردیده آند مواد خام و ماشین های لازمه در محابس منتذ کرہ تهیه شده است . ازین دستگاه ها ملبو سات و تجهیزات قوا امنیه مملکت تا اند ازه تهیه و فرما یشات افراد اشخاص اکمال و علا و تا باندازه کافی پارچه نخی و سرجی و بوت و چو کی و میز تهیه و در دسترس عامه گذاشته شده است .
- ۱۹ - برای انتقال افواه که در اوطان خود شان دار ائی نداشتہ ، بدیگر نقاط مملکت و مصروف ساختن آنها به پیشہ زراعت یک مدیر یت انتهائی در نهر سراج ولايت قندهار تشكیل ومنظور شد .
- ۲۰ - برای تقویت واصلاح امورات احصائیه وی حکومت اعلای بد حشان یک ما مور یت انتهائی تقویت احصائیه در بدخان تشكیل شد مقرر یها و تریفات مامورین که در هذا سنه عمل آمده است :
- ۱ - ع ، ش طره بازخان فرقه مشر تانی رئیس امنیه وزارت داخلیه تر فیعا برتبه فرقه مشری اول .
  - ۲ - ع ، ع سید عباس خان حاکم کلان اسمارو کنر هاتبیلا بحکوم مقی کلان در اندوخی .
  - ۳ - ح محمد جانخان مدیر امنیه مرکز وزارت تبیلا بمدير یت شخصیه و ص شاه محمد خان مدیر و عضو ریاست تقویت بمدير یت امنیه .

## دەحرىب وزارت

وزير : ع ، ش ، اع، والاحضرت سردار محمدداود خان  
معاون : ع ، ع، ش محمد انور خان نائب سالار

رياستونه او دوائىر

### ۱ : - دار دو عمومى مقتشىت :

دار دو عمومى مقتشىت .....  
دەقتش معاون .....  
دار كانو رئيس .....  
معاون .....  
پياده متخصىصىت .....  
داستىكىام « .....  
د نقلېي « .....  
دلوا زمو « .....  
ھو ائى « .....  
صحىيە « .....  
ذاتىيە آمر يىت .....

### ۲ : - دەحرىب دعمومى ارى كانو رياست :

رئيس .....  
معاون .....  
الف - دەحرىب كاتۇ عمومى مدیر يىت  
دلمرى - خانگى « .....  
ددوھى « .....  
ددرىيى « .....  
ب - د تعلیم او ترىيېي عمومى مدیر يىت  
دمسلكى خانگى مدیر يىت  
د ھوانى « .....  
.....

- ٤ - ع، ج، س، ا غلام فاروق خان رئیس تنظیمه ولايت قطعن و بدخشان بحیث رئیس تنظیمه در ولایت مشرقی تبدیلا.
- ۵ - وج عبدالحکیم خان کفیل ریاست مستقل زراعت بحیث نائب الحکومه ولايت قطعن.
- ۶ - وج محمد اسماعیل خان و کبیل والی کا بل تر فیعاً بحیث والی ولايت کا بل.
- ٧ - وج عبدالله خان و کبیل نائب الحکومه هرات تر فیعاً بحیث نائب الحکومه هرات.
- ٨ - ح، خواجه محمد نعیم خان غنید مشر ثانی فومندان امنیه ولايت کا بل تر فیعاً بر ته عند مشری اویل،
- ٩ - س، عبدالرحیم خان حاکم کلکار بمدیریت مامورین وزارت داخلیه.
- ۱۰ - س، میرحسام الدین خان مدیر کمترول ریاست ایزاق تبدیلا به عضویت ریاست تقاضش وزارت داخلیه.
- ۱۱ - س عبدالغفور خان سبق فومندان امنیه مینه به عضویت ریاست تقاضش وزارت داخلیه.
- ۱۲ - ع، محمد عثمان خان حاکم کلان اسمار و شمره تبدیلا بر ته، مهش عکیمت کلان.
- ۱۳ - من، عبدالسمع خان به کمیسری حضرت امیر صاحب.
- ۱۴ - س، سلطان علی خان به معاونی ینگی قلعه.
- ۱۵ - ش، سید محمد ابراهیم خان کند کشور ڙانداره ولايت کابل تبدیلا به ڙاند ارمہ فومندانی امنیه ولايت مشرقی.
- ۱۶ - غ، خورشید احمد خان تو لمشر تر فیعاً بر ته کند کشوری به فومندانی امنیه حکومت اعلیٰ بدخشان.
- ۱۷ - ش، امیر محمد خان فومندان امنیه حکومتکلان شمالی تبدیلاً بکفالت سرما موریت یولیس امنیه ولايت کابل.
- ۱۸ - ش، غلام دستگیر خان کفیل سرما موریت یولیس امنیه کا بل بدیلاً بکفالت مدیریت سرحدی وزارت داخلیه.
- ۱۹ - غ، سعد عباس خان تو لمشر کبیل کندک یولیس کابل تبدیلاً بکفالت فومندانی امنیه حکومتکلان شمالی.
- ۲۰ - غ، محمد نعیم خان تو لمشر پولیس امنیه مرکز بدیلاً بکفالت سرما موریت یولیس ولايت هرات.
- ۲۱ - غ، محمد اکبر خان تو لمشر یولیس فومندانی امنیه ولايت قطعن تبدیلاً بکفالت سرما موریت یولیس امنیه ولايت جنوبی.
- ۲۲ - س، سید محبوب خان مدیر مساحتی ولايت قطعن تبدیلاً بمدیریت نهر سراج قندھار.

- ۲۳ - ص ، محمد حفیظخان مدیر احصائیه ولايت قطعن تبدیلایاً بمدیریت احصائیه ولايت مشرفی .  
 وص عبد الها دی خان مدیر تفتیش احصائیه ولايت مزار شریف بمدیریت احصائیه ولايت قطعن .
- ۲۴ - پنجاه و پنجم نفر فارغ التحصیلان صنف چهارم دوره دوم مکتب حکام که می ازا کمال تعییمات دوره ابتدائیه خودها در مکتب حکام شامل ودر انجا تحصیلات خود هارا مطا بق یرو گرام تکمیل ودر مضمین فقه شریف حساب احصائیه ، حقوق ادا ره ، حقوق قیین املالی اصولات مملکتی بر علاوه دیگر مضمین کامیابانه امتحان داده اند بعلاوه داریهای ولايت کابل و کومنتی اعلی فراه و بدخشان مقرر و علاوه داریهای ولايت کابل که از فارغ التحصیلان دوره اول مکتب حکام اند بعداز اكمال میعاد معینه بعلاوه داری دیگر ولايات و حکومات اعلی موظف شدند .
- ۲۵ - هشت نفر بلو کمشران اول بر ته توییمشی و هفتاد نفر بلو کمشران ان ثانی بر ته بلو کمشرانی اول و هفده نفو و کبل ضابط بر ته بلو کمشرانی ثانی درشق امنیه مملکت به ترتیب نائل شده اند .
- ۲۶- از مکتب زاندارمه و پولیس ۹ نفر ضابط و ۱۴۹ نفر خورد ضابط فارغ التحصیل و به جا های معینه شان اعزام و مأمور وظیفه شدند .  
 مناطقیکه درهذا سنه تحت تفتیش قرار داده شده است .  
 ۱- علاقه داری شکردره مربوط ولايت کابل .
- ۲- قوماندانی امنیه جنوبي .  
 ۳- مدیریت کنترول ریاست ارزاق .
- ۱- هیئت هاییکه جهت غور و تدقیق بعضی فقرات بر کرو ولايت تعین و اعزام شده اند ۶ فقره .  
 ۲- فقراتیکه درسنوات گذشته تفتیش ودر هذا سنه ۲۴ در شق ادا ری فیصله و تصویب انجمن وزارت حاصل شده ۳ فقره .
- ۳- فقراتیکه در سنوات گذشته درشق احصائیه تفتیش و در هذاسنه فیصله گردیده ۵۰ فقره .  
 ۴- فقراتیکه از این تصویب ولايات درشتن احمد آبیه بعمل آمد و در ریاست تفتیش اجر آت گردیده ۱۸۵ فقره تعییمات نهاده و اصول نامه هاییکه درسال گذشته تحت غور بوده و در هذاسنه مرابت اصولی را طی گرده و تعمیم شده است .  
 تعییمات نهاده جنب اشخاص بد و اثر وزارت خانها و ریاست های مستقل .  
 » سوق مفرورين و تبعید شده گان .  
 » تعین و کیبل اثبات جرم .  
 » اخذ ضامن و ضمانت ها دربرابر مطالبات حقوقی و موارد جزائی .  
 » اخذ رایور های واقفات از ولايات .  
 » تقسیمات مجلوبین عسکری .

## اجرا آت وزارت معارف در سال ۱۳۲۴

گرچه خوشبختانه درین سال جنگ جهان سوز خاتمه یافت و در سرتا سرگئی علام اسا یش ور فاهمیت نمودار گردید ... باز هم بنا بر مشکلات متعدد دی که درین چند سال دوره جنگی دنیا دچار آن گردیده بود ، درقبال اجرا آت لازمه و فعالیت طبیعی وزارت معارف که جزو آمال بر جسته و مهمه حکومت است از جبهات متعددی موافع باقی مانده است که وزارت معارف را نگذاشت طوری که حکومت معارف خراه مبارا ، پیشرفت امور عرفانی و تربیه اولاد این خاک در نظر دارد باقد مهای سریع حرکت بنماید ولی با این هم باید متذکر گردید که با وجود همه موافع مشکلات حکومت در راه ترقی و توسعه معارف و پیشرفت موسسات عرفانی اصلاح وضعیت مادی و معنوی مکاتب اعم از ابتدائی و تابعی و مسلکی و موسسات عالی همچ یک فدائکاری را دریغ نکرده در حدود بودجه کافی و معقولی به اجرای امور متعلقه پرداخته است و نتائج صحیح ازین اقدامات بظهور پیوست که آینده معارف را قابل هرگونه امید و امداد نشان میدهد .

### مسئله معلم و تقویه دارالمعلمین ها

از آنجا که یکی از عناصر اساسی و بلکه عنصر مهم پیشرفت علم و اصلاح معارف و جود معلمان لائق و با تربیه میباشد در دنیا هر مملکتی که خواسته است بشاهراه ترقی و تمدن با گماهی سریع حرکت نماید بد و در مقدمه یلان اجرا آت خود تربیه معلمان را فرارداده است وزارت معارف نیز به مسئله تربیه معلم و اصلاح امور متعلقه دارالمعلمین ها درین سال پیش از پیش عطف توجه نموده با انتخاب معلمان لائق و متخصصین یک تعداد کافی شاگردان ممتاز را از معلمان های مرکز را تدویر و تقویه نمود . راجع به مسئله امتحانات دارالمعلمین کما حقه اعتنا و توجه کامل بعمل امده با مراعات مقررات تعلیماتنامه امتحانات امتحان صیحی از طلاق گرفته شد و در نتیجه یک عدد فارغ التحصیلان درستی از دارالمعلمین براور ده شد که به شهادت نتایج امتحانات و نظریات معلمان و متخصصین که در دارالمعلمین مصروف اجرای وظیفه میباشند در پیشبرد امور عرفانی و اصلاح مکاتب میتوان موقیت آنرا از حالا پیش گوئی نمود گرچه در اثر تطبیق تعلیماتنامه امتحانات و حصول اطمینان صیحی در لیاقت اشخاصی که داخل امتحان فارغ التحصیلی دارالمعلمین شده بودند یک عدد نسبتاً زیاد طلاق موفق شده نتوانسته اندولی چون از طرف دیگر وضعیت تعلیمی اشخاصی که با وجود مشکلات امتحان و اشتراک متخصصین در اخذ امتحانات موفق گردیده وبکار شروع کرده اند خیالها قابل امید واری است میتوان گفت که از حيث کیفیت نتایج امتحان سالانه دارالمعلمین ها از هر وقت بهتر بوده است .

برای ادامه صحیح مطالعات طلاب شامله دارالمعلمین از یکطرف به تهیه و ترتیب اطلاعات و دارالمطالعه های کافی توجه بعمل آمده یکعدد عمارات نیم کاره برای استفاده تدریسات دارالمعلمین تکمیل گردید و مور داستفاده قرار یافت و از درس خانه های سابق که حاوی شرایط لازمه جای شب باش و دارالاقامه طلاب دیده میشد برای لیلیه استفاده کرده شد و باین صورت جهت تدریس و استراحت همه شاگردان با مراعات شرایط صحی و تربیوی جای کافی حاصل گردید چه نظم و نسق امورداری و انسپاصلی دارالمعلمین ها ع ص عبدالحمدخان مشاور وزارت معارف بحیث آمر دارالمعلمین ها موظف گردید که با جدیت و فعالیت لازمه در تنظیم آن مصروف میباشد - یک عدد ه مناصصین بر جسته تعلیم و تربیه و ماهرین مضمامین مختلفه بحیث مقتضی تعلیمی دارالمعلمین موظف گردیده اند که همواره از جریانات دروس کنترول و مراقبت لازمه نموده در مواد و مواقع لازمه بعلمین منسوبه دارالمعلمین هدایات لازمه بدهند و راجع به اصلاح امور تعلیمی دارالمعلمین بوزارت اظهار نظر نمایند .

برای مشغولیت طلاب در او فرات فراغت ایشان پروگرام مناسبی دائز بر مشاغل تر بیوی تهیه دیده شده است که محتوی بر استماع کنفرانسهای مسلکی و تربیوی و سیرهای علمی و اجرای اعمال زراعی و سپورتی مختلفه میباشد . با تطبیق این پروگرام در طول سال تعلیمی گذشته طلاب دارالمعلمین از اوقات فراغت ویکاری خود فرائند زیادی برده اند .

### کورس های عصر برای معلمین

برای تقویه معلومات مسلکی و اختصاصی معلمینی که فعلا موظف به تدریس میباشد وزارت معارف مؤسسه برای تدریس از طرف عصر تاسیس کرده استادان لایق را به تعلیمات آن موظف ساخته بود سال شاگردان نظر به شویی که داشتند واستفاده که برای شان حاصل شد زیادتر توجه نشان داده باوجود عدم مساعدت وقت و ماندگی استادان و شاگردان از کارهای روز طرفین سعی بلیغی نموده پروگرام و زارت معارف را بیش برده تو انتند خوشبختانه درین سال دسته اول طلاب این مؤسسه امتحان های ممنونیت بخش را گذشتند و مستحق اخذ شهادت نامه و امتیازات آن گردیدند .

این مؤسسه بدشنبه منقسم میگردد یکی آن معادل به دارالمعلمین متوسطه و دیگر آن معادل به دارالمعلمین ابتدائیه میباشد مؤسسه اولین معلمینی که تحصیل دارالمعلمین ابتدائیه را نموده و مطالعات شخصی و تجربی معلمی باعث تقویه معلومات مسلکی آنها گردیده پروگرام دارالمعلمین متوسطه را تدریس میکند مؤسسه دوم اشخاصی را که کورس های دارالمعلمین مستعد جل را خوانده تحت تعلیم گرفته نوافصی که راجع به تطبیق مسلک معلمی در آنها موجود است

ذریعه تدریس پرو گرام دار المعلمین ابتدائیه رفع نموده ایشان را قادر با جرای صحیح وظیفه شان می سازد - درین سال مجلس معلمین تصاویر اصلاحی و مفیدی برای نظم و نسق تدریسات و اداره این موسسه نموده و نوافصی که در مدت دوره تجربی ملاحظه شده بود در نظر گرفته شده تجاویز قطعی و اساسی برای دوره های مابعدیش یعنی کرده شد این موسسه از نقطه نظر تربیه معلمین درد بزرگ وزارت معارف رانداوی میکند وهم برای معلمینی که فرست تحصیل دار المعلمین را نیافریند راه تحصیل را بروی شان بند نساخته تحصیل عالی ترا برای شان مهیا میگرداند و بدین وسیله بعض معلمین که فعالیت زیاد بخراج رسانده در تقویه معلومات خود دشگردان خود کوشیده اند مورد حق تلقی واقع نمیگردند.

### كورس‌های پیشتو

برای ترقی قدرت معلمین موجوده مکاتب در زبان پیشتو - درین سال پرو گرام دوره متوسطه کورس‌های پیشتو روی کار گرفته شده در سال‌های سابق فعالیت کورس‌های پیشتو معلمین مکاتب محدود باشند بود که قدرت استفاده معلمین از مطبوعات پیشتو بالغاصه فرائت و تدقیق کشت مطبوعه دوره ابتدائی اضافه و تقویه گردید اما درین سال تطبیق پرو گرام متوسطه درین کورس‌ها سردست گرفته شد که این پرو گرام در ظرف سال به بیانه تکمیل رسانیده شود .  
با مراعات مقررات این پرو گرام معلمین مکاتب علاوه بر قرأت کتاب فرائتی دوره متوسطه در طول دوره تعلیمی کورس پیشتو در انشاء و املاؤ گرام و دستور زبان پیشتو نیز خبرت و دسترس کافی حاصل نموده میتوانند . برای عملی شدن این منظور وزارت معارف چهت استفاده معلمین ابتدائی کتاب هابنام قواعد و اصول انشای پیشتو طبع و نشر نموده و مورد استفاده معلمین مکاتب قرار داده شده است از صورت پیشرفت تدریسات کورس‌های پیشتو بذریعه اعزام هیئت‌های مفتشین سیار و گرفتن نتایج امتحانات و رای پورهای تعلیمی سه ماهه کورس‌ها متمادیا وارسی کرده میشود که در آن قریبی سویه معلمین مکاتب در لسان پیشتو بر حسب مرام انگاشاف و توسعه باید . و تدریسات مکاتب رنگ و صورت بهتری را بخود اختیار بسکند . علاوه بر روی کار شدن این پرو گرام که هدف آن تقویه و ترقی سویه معلمین موجوده مکاتب است بتدربیات لسان پیشتو در دارالمعلمین های نیز توجه مزیدی بعمل آمده وجهت عملی شدن این مطلب در تنظیم دروس پیشتوی دارالمعلمین باعین معلمین لایق و مقتدر و تهیه کتب فرائتی و مطالعوی شاگردان طوریگه باید جدیت بعمل آمده است .

### معلمین خصوصی

از آنجا که تا کنون درندویر مکاتب ابتدائی تعداد کافی معلمین فارغ التحصیل دارالمعلمین در دست نیست و با وجود یکه در تدریسات دوره اول مکاتب ابتدائیه یعنی صنوف اول ، دوم

و سوم از تدریسات اصول صنفی کارگر فته می شود . باز هم معلمین تعلیم یافته موجوده احتیاج مکاتب را رفع کرده نمیتواند و ناگزیر است که جهت تکمیل کبود های معلمین مکاتب ابتدائی به چاره های موقت و مستعجل دست زده شود یکی ازین چاره ها استفاده از اشخاصی است که باداشتن تحصیلات خصوصی شامل کار ساخته شوند وزارت معارف درین سال ازین اشخاصی که باداشتن تحصیلات خصوصی داوطلب معلمی شده بودند بعد از اخذ امتحان و علم آوری درین که اشخاص داوطلب عجالتا از عهده تدریس صنوف دوره اول ابتدائی بدرشده میتوانند قوه افزایه پنتو و تحریر و حسن حال و حرکت ایشان درست باشد اشخاص مستحق را از دیگران تغییر داده برای اشغال وظایفه معلمی دوره ابتدائی تعیین کرده است چون برای استفاده اینگونه اشخاص راجح به اصول ترتیب پلان های درس و ادامه تدریسات اصول صنفی و بکار رانداختن اوینه های مختلفه معلومات حیاتیه درین سال کتاب نمونه های در س پلان تدریس هم به لسان پنتو تهیه شده است این کتاب با کرلا رورهبر معلم مات حیاتیه و رورهبر کتاب حساب برای تلقین اصول تدریس معلمین خصوصی کمک زیاد نموده کارهای شان رابطه اتوماتیک مطابق اصول صنفی که مطبوب وزارت است پیش خواهد برد و بنریعه این کتب و باقی هدایاتی که وقتی اینکه باشها برای معلمین داده می شود در اثر تجربه و تطبیق معلمین خصوصی بعد از چند سال میتوانند مثل معلمین تعلیمیافته دارالمعلمین کار بکنند .

نتایج تحقیش نشان میدهد که این نظریه را تجربه تأیید مینماید فی الواقع تحقیق نتایج تحقیش بعض معلمین خصوصی مساوی دارالمعلمین دیده هامیباشد و حتی بعتر ازان هم تصادف شده است . این تجربه نشان میدهد که نشریات هدایت آموزریاست تعلیم و تربیه در تکمیل نوافع مسلکی معلمین خصوصی کمک زیادی نموده ذریعه معلمین خصوصی و رساله های رهنمانی صدمه بزرگی را که به تعلیم مکاتب کمبودمعلم وارد می ساخت مانع گردیده . چون اکثر معلمین مکاتب ابتدائی در اطیاف موظف میباشند و برای تکمیل معلومات مسلکی معلمی بدارالمعلمین شب که در مرکز است شامل شده نمیتوانند کتاب های که فوای ذکر شد ایشان را در همان جایی که مستند باصول آشناساخته و فعالیت شان را به دنبال مطلب متوجه می سازد .

### معلمین مکاتب ثانوی

در مکاتب ثانوی درین سال دفعتا کبود معلمین وضعیت بحرا نی را بخواهی داشتند و وزارت معارف در صدد تهیه معلم افتاده و در اثر اعلانیکه برای قبول معلمین بعمل آورد عرض ائمه یک عدد داولیان را یزدیر فته برای انتخاب واستخدام معلمین از هند بجنرال قو نسل افقا نی مقیم هندوستان هدایات مفصل داده شد . تمام معلمین هندی لازمه مکاتب ثانوی افقا نستان رامطا بق هدایات

وزارت معارف انتخاب و استخدام نموده بوقت معینه آن اعزام دارد که در پیشرفت تدریسات مکاتب سکته عاید نگردد . علاوه بر ای مکتب اسنفلال یک عدد کافی معلمین فرانسوی استخدام گردید که بکامل واصل شده اند با نصوبت برای سال تعلیمی آینده مکتب استقلال از مشکلات فقدان معلم رهائی یافته امید است که در پیشبرد تدریسات و تطبیق پروگرام تعلیمی این مکتب سکته رو ندهد و سویه تعلیمی شاگردان شامله این مکتب بهتر بتواند انکشاف و ترقی یابد .

برای مکتب غازی دونفر معلم انگلیسی برای تدریس مضمون کیمیا و زبان انگلیسی استخدام شده است که با فعالیت تامه بتدربیس مضمون متعلقه خودشان مشغول میباشدند .

در صورت رسیدن معلمین کمود مکاتب ثانوی وزارت معارف امید دارد که نتیجه مطلوب خود را حاصل نماید و امتحان نهائی تمام مکاتب ثانوی در تحت اثر خود وزارت اجر اگردد تایک سویه عمومیه از طرف وزارت قائم گردیده اختلافات جزئی در سیستم تعلیمات مکاتب بکلی ازین برداشته شود .

فاکولته های سیانس و ادبیات دسته های طلاب اوین خود را منحصر به مخصوص داده و پر و گرام فاکولته ها را بقرار آن ترتیب نموده است مقصد وزارت معارف تهیه معلمین داخلی برای لیسه ها میباشد زیرا در اثر ختم و تجدید قرار داد و رخصتی های معلمین خارجی لیسه های ما کنرا بی معلم مانده تارسیدن معلم جدید از خارج یک تسمیت وقت طلاب و زحمت وزارت ضایع میگردد برای تطبیق پروگرام در تمام صنوف و در تمام دوره تعلیمی شاگردان، باید وقفه بسبب فقدان معلم به تحصیل طلاب واقع نشود ورن سویه معینه تعلیمی را از طلاب و معلمین طلب کردن ممکن نیست و در امتحانات نسبت ناکامی خیلی زیاد میشود - فاکولته سیانس درین سال صنف اخیر را دارا شد در سال آینده یائی دسته شاگردان فارغ التحصیل گردیده چو کات خالی مکاتب را اشغال مینما یند و ای بعض از طلاب فاکولته سیانس از اوقات راغت استفاده کرده در صنوف متوسطه مکاتب تدریس نمودند فعالیت این شاگردان صنف متوسطه لیسه هارا خیلی تقویه گرد و قراری که در امتحان سالانه مشاهده شد طلاب استفاده زیادی گردد بودند .

با این صورت راجع به موقعت آینده معلمین دوره ثانوی فارغ التحصیل این فاکولته میباشند برای وزارت معارف اطمینان حاصل گردیده و طلاب فاکولته سیانس راعامل بزرگ اصلاح آینده لیسه ها میدانند تقویه سویه علمی طلاب متوسطه بصنوف عالی تر لیسه طلاب لایق بار آور ده وظیفه معلمین صنوف عالی لیسه ها را سهل و ممکن الاجرا میسازد .

### استخدام پروفیسر ها برای موسسات عالی و مسلکی

برای موسسات عالی و مسلکی نیز علاوه از معلمین و داکتر های داخلی از خارج بعضی معلمین لایق استخدام گردیده است که از اینجلیه برای تدریس رسم و کار دستی دارالعلوم بای نصرت

قره‌چه از ترکیه ویرای تدریس فیلولوژی فاکولته ادبیات آفای دا کتر پر ما نند شاستری از هند استفاده شده است.

برای تدریس در فاکولته طبی یک هیئت‌بزر گئ ازدا کترهای لایق فرانسوی انتخاب گردیده است که عنقریب استفاده‌ام و باعث ترقی فاکولته طبی کابل خواهند گردید.

جهت نظم و نسق امور فاکولته طبی وزارت معارف لازم دیده است که امور اداری فاکولته بد کشورهای افقانی داده شود باسas همین نظریه ع. س. دا کنفر محمد فاروقخان به. حيث کفیل رئیس فاکولته طبی و صد اکثر عبدالقیوم خان به سرطابت شفاخانه‌های علی آبادوص دا کتر نظام الدینخان به سرطابت شفاخانه مستورات عز تقریر حاصل نموده اندوه‌چنین عص عبدالحکیم خان سابق دضو ریاست تعلیم و تربیه بکفالات ریاست فاکولته حقوق تعین گردیده و تدریس مضمون اجتماعی عیات را نیز در آن فاکولته به عهده خود گرفته اند.

### کتب درسی

چون کتب درسی طلاب دوره ابتدائی برای شاگردان بطور رایگان توزیع می‌شود و بعد از استفاده آن دوباره اعاده نمی‌گردد لازم بود که از کتب درسی دوره ابتدائی درین سال باز تجدید طبع بعمل آید. قبل از اجرای این تجدید طبع برای مذاکره در اطراف چگونگی محتویات این کتابها و صورت تطبیق و تعدیلات لازمه‌انها مجالس جداگانه معلمین و متخصصین در مضا مبنی و شعبات مختلف درسی دایر گردیده بدارغور و تدقیق نظر یا تیکه معلمین در اثر تجرا رب خود حاصل نموده و متخصصین در طی مجالس به آن اشاره و لزومش را در سلسه کتب ابتدائی یاد آوری مینمودند در کتابا به این تعدیلات لازمه و اصلاحات ضروریه بعمل آمد کتاب لازمه با اداشتن او صاف که مو رد قول کمیسیون‌های متشکله واقع گردیده بوده به مطبوعه عمومی سپرده شد و درینورد بایله از مسا عی شباروزی مطبعه عمومی تشکر و یاد آوری نمود که کتابهای لازمه مکاتب ابتدائی رادر اوقات لازمه بوزارت معارف سیرد که بلا فاصله جهته استفاده عموم مکاتب تو زیع و به تمام مکاتب مرکز و اطراف فرستاده شد برخی از کتب دوره تعلیمات ابتدائی از قبیل کتب دینیات صنوف چهارم و ششم که بنابر تجدید نظر به بروگرام دوره تعلیمات ابتدائی باید سراسر از نو تالیف می‌گردید پس از تالیف تدقیق و ملاحظه مجلس جمیعت العالما بطبعه سیرده شد که در طبع اول آن جهت استفاده عموم طلاب صنوف چهارم و ششم مرکز و اطراف اقدام بعمل آید این کتابها که اخیرا به طبع سپا ریده شده است از حيث استعداد و سویه شاگردان و سلاست بیان و صحت مطالب برای تشویق و علاوه مندی طلاب دوره ابتدائی نیکوت رعایت شده می‌تواند مزید بران چون تربیه دینی یکی از هدف‌های مهمه بروگرام دوره ابتدائی است و تعلیم-اتنامه ابتدائیه نیز در موقع تذکر از تربیه اطفا ل باین

موضوع اهمیت زیاد داده است در عده ساعات مضماین فرمات فر آن کریم و دینیات دوره ابتدائی در همه صنوف از اول تا ششم تزییدی عمل آمد. و در باره حسن استفاده ازین ساعات و کتب درسی و برای تقویه تربیه اسلامی و معلومات دینی شاگردان بهمکتاب هدایات لازمه داده شد.

همچنین در کتابهای فرائتی صنوف متوسطه و تاوی مطابق را پوره و نتائج مجامعت معلمین و متخصصین که با وفات لازمه دایر گردیده است تهدیلات مقتضیه بعمل اورده شده از طرف دیگر برای تالیف کتب فرائت بقرار اصول تدریس لسان مجلس متعدد تشکیل و یاک هیئت باصلاحیت بسکار شروع نموده کتب مذکور نظر بسوی مختلف صنوف و سن اطفال مراعات بعمل آمد و متون بدان قرار انتخاب گردید. مشکله که عبارت از ادخال واستعمال کلمات است از نقطه نظر کشrt استعمال ان نیز مورد بحث و تدقيق قرار داده شد ریاست تعلیم و تربیه فرارا صوایی که در زبانهای حیه عصری و در مکاتب ابتدائی مانند مترقبی دنیا معمول است در نظر گرفته که کلمات را بگروپها و دسته ها تقسیم و مطابق اذهان اطفال کتب فرائت را ابتداء از کلمات مانوس و معمولترین شروع و رفته رفته ساخته معلومات و ذخیره کلمات طفل را توسعه بخشیده عناصر لازمه زبان را تدریس نماید.

ریاست تعلیم و تربیه یقین دارد که بعد از عملی شدن منظور فوق و تالیف کتب بقرار آن در پیشرفت زبان پشتون سهولت زیادی را موجب خواهد شد. و تکلیف طلا ب و معلمین را تخفیف خواهد داد. در مرور بقیه کتب مطبوع دوره اول لیسه به همین ترتیب اصولاً حات بعمل آمده کتب ضروریه جهت تجدید طبع فرستاده شده و یک عدد از کتب درسی این دو ره که تا نیمسال تالیف نباشند بود بعد از تعین شرایط لازمه به ذریعه نویسنده کان و دو کتور های وطنی و تحصیل دیده گمان موسسات عالی تالیف گردیده کمیسیو نهایی منتسلکله بران ها غورو ندیق بعمل آمد و بعد از تکمیل رسماً و تصاویر و نقشه ها و گرافهای متعلقه برای طبع به مطبوعه سپرده شد.

ناگفته نهاد که از تالیف وطبع ونشر این کتابها بزمیان پشتوزارت معارف علاوه بر رفع احتیاجات مکاتب جنبه استفاده اهالی و انتشار کتب علمی زادروطن نیز مدنظر داشته وطبع ونشر این کتابها اقدام کرده است میتوان گفت که از مجموع این کتابها بدست ذوق مدنان یک نوع دایرة المعارف کوچک پشتون ساصل میشود که باحث ازمه و ضوعات دینی اخلاقی - اقتصادی - تاریخی - چهره افیائی - حیوانی - نباتی - وغیره است.

وچون از طرف دیگر این کتابها با عبارات سلیس و ساده تحریر و بذریعه رسمها و تصاویر و لوحه‌ها توضیح یافته است میتوان امید نمود که طرف استفاده اهالی واقع شود و برای معاملات

بشقتو زبانها که میخواهند در رشته های متعلقة دارای معلومات عمومی واستعداد اساسی باشند وسیله مهمی را تشکیل می دهد.

برای استفاده طلاب مکاتب ثانوی یک عدد کتابهای درسی که مضمون آن به اسننه خارجی تدریس میشود نیز خواسته شده و برای تورید آن که هرجه روز از واصل هر کفر و مورد استفاده قرار داده شود اقدامات و تعقیبات لازمه بعمل آمد.

برای استفاده طلاب فا کولته ادبیات - کتابهای تاریخ ادبیات - قواعد اسان - آریخ مد نیت و منطق

وروژیات و متن و یک عدد کتابهای دیگری ترجمه و تالیف گردیده در این حالت برای تدقیق و فراهم آوری مصطلحات علوم انجمن های جدآگانه یکی بنام انجمن نشబیت علوم ریاضی و فیزیکی در فنا کوشه سیان و دیگری بنام انجمن تئییت مصطلحات علوم اجتماعی و ادبی در فا کولته حقوق مشغول اقدامات گردیده بذریعه جمع اوری و تهیه این مصطلحات علوم در ترتیب کتب صنوف دوره ثانوی مکاتب و فا کولته ها و تحریر دایرة المعارف استفاده لازمه بعمل آیدا جراحت این کوسیونهای مشتمل از دو کتوره برو فیسرها و معلمین موسسات عالیه بخوبی پیشرفت نموده و ادامه داده است که با جم آمدن این مصطلحات از همه اولتر در نظر رواش اعلیه دایرة المعارف که تهیه و ترتیب آن الان سر دست و برگزیده میباشد استفاده کاملی گرفته شود.

برای استفاده معلمین مکاتب ابتدائی کتابهای مخصوص که آنها را در اجرای آمور متعلقة اصول صنفی و ضرر تهیه اولین های معلومات حیاتی رهبری نماید از قبیل کتاب نمو نه های درس و پلان تدریس و کتاب راجع باوصاف معلم اصولی تایف و برای نشر امداده گردید علاوه برین جهت مقاهمه در اطراف پیشبر دامور تعلیمی و تربیوی مکاتب واجرای تطبیقات اصول صنفی مجا لس معلمین ابتدائی مرکز وقتاً فوتاً - بعمل آمده در طی این مجالس راجع به حسن تدریس و تربیه و اداره مکاتب قرارهای مفید اتخاذ گردیده از آن جا که در حال موجود بنابر کمبود معلمین اساسی و عدم وسائل لازمه تطبیق محتویات کتب معلومات عالیه از تدریس کتابهای این مضمون در مکاتب ذکور نتیجه مشبت و مفیدی بدست نمی آمد عجلتاً تدریس این مضمون در مکاتب ذکور معلم و ساعات درس هفته واران در صنوف چهارم و پنجم ابتدائیه برای مضماین بشتو و حسن خط و در صنف ششم برای تاریخ و معلومات طبیعیه داده شد تا بذریعه تخصصی یافتن این ساعت طلاب در افاده تحریری و شفایی و حسن خط بیش از بیش ترقی نموده جهت انسکراف معلومات و فدرت استفاده مضماین دیگر زمینه فراهم شده بتواند.



عَجَّاجُونَ الْأَخْنَرَتْ سَرْدَارْ مُحَمَّدْ دَاؤِدْ خَانْ دَحْرَبْ وزَيرْ  
S. A. R. "E. A." Sardar Mohammad Daoud Khan  
ministre de la guerre.

## د کابل کانی

د پېپتو مدیریت  
دانضباط خانگه

ج - د نشر او مديريت  
د - دخريطي

### ۳ : - داردو ریاست :

رئیس : ع ، ش عبدالاحد خان لمري فرقه مشر  
دذايیه معاملانو مدیریت ( مامورین )  
دقليي عمومي  
د صحبي او بيطاري

### ۴ : - دلوازما تو ریاست

درئیس کفبل : ع ، ش محمد عليخان دوههم فرقه مشر  
معاون : ح ، محمد آصف خان دوههم غنه مشر  
دمحا سبی عمومي مدیریت ( كنترول )  
دلوازمو مدیریت  
دقاعده او یتیمانو مدیریت

### ۵ : - حربي ریاست :

رئیس : ع،ش ، عبدالقيوم خان دوههم فرقه مشر  
د تدقیق اود معايني مدیریت  
د استعی مدیریت  
د جبهه خاني مدیریت  
دقني آلات او اراداتو مدیریت  
۶ : - دمحا کماتو ریاست :  
۷ : - داصلاح او ترقی ریاست  
۸ : - ددیوان حرب  
۹ : - دقبا يلو  
۱۰ : - داولو ميلك ریاست  
۱۱ : - داستخبا راتو عمومي مدیریت

## موزه و کتابخانه

برای استفاده و مراجعت معلمین مکاتب ابتدائی و حسن انتظام تیاری - دروس ایشان در هر مکتب ابتدائی که دارای عمارت اصولی باشد تأسیس یک کتابخانه کوچک مشتمل بر مطبوعات وطنی و مسلسلی امداده شد وجهت تاسیس این کتابخانه از حيث تهیه وسائل لازمه چون الماری - کتاب وغیره افادات مقتضیه بعمل آمد و برای استفاده معلمین مکاتب ثانوی و تهیه زمینه مطالعه شان در السنه خارجه کتابخانه وزارت تعارف کمک زیادی نمود - ترتیب کتابخانه مذکور در دادوستد کتاب برای فارئین سهویت را موجب و کنلاک های تایپ شده و تصنیف شده برای مراجعين راجع بموجود کتب و انتخاب آن معلوم نماید کما فی داده بر عده مراجعين و استفاده کشته گان افزود - خوشبختانه درین سال کتابخانه یک ذخیره جدید در حدود (۵۰۰۰) کتاب دریافت نموده بموجود خودآفرود - که به سبب بندش راهها و قدان کتب خرینه پر قیمتی را برای کتابخانه وزارت تعارف تشكیل میدهد - و برای طلاب و معلمین خیلی ها مورد استفاده قرار میگیرد - یک هیئت مخصوص برای ترتیب این کتب موظف و کتب مذکور را بطوری سهستانیک ترتیب نموده در یک اطاق که برای آنها تخصیص داده شده به الماری هاچیده اند (موزیم) چهت تدقیق تاریخ باستانی این کشور برای حفريات و تحقیق تازه و مکمل تری جدیت بعمل آمده موسیو شلوم برزی رئیس جدید هیئت ادار کیولوزی فرانسوی بهیئت حفار مرکز نقاط شمالی و تاریخی مملکت را گردش نموده بهجهت اجرای حفريات آینده ترتیبات لازمه گرفته شد - و یک عدد مشکله ها و آثار گرانبهای تاریخی و کتب قامی از تراشخا صداخلي چهت موزیم خریداری گردید -

## قرطاسیه لوازم تحصیل

درین سال بنا بر رفع مشکلات توییدسا هان قرطاسیه و فراوانی لوازم تحصیل به تطبيق مقرر اوت و تو زیع سامان تعليمی که باید بر حسب مقتضیات اصول صنفی و پرو گرام دوره شن ساله ابتدائی برای شاگردان داده شود اوامر لازمه داده شد و بفرض اجرای این مطلوب در ار سال و تو زیع مقدار کافی لوازم تحصیل شاگردان بهم اطراف و اکتفا مملکت که مکاتب اند ایمه جاری میباشد با استفاده از اسراع وسائل ترانسپورتی وطن اقدامات لازمه بعمل آمد -

بنابر تورید و دستیاب شدن مقدار کافی مسائل طباعتی و مصارف قرطاسیه لازمه طبع کتابهای درسی شاگردان درین سال وزارت تعارف مصمم گردید که آینده کتابهای درسی شاگردان از نزد شان اعاده نشود تا بعد از استفاده شاگردان در طول سال تعلیمی کتب مذکور درخانه هم مورد استفاده خودشاگردان و منسویین ایشان واقع شده بنواند گرچه معلوم است که قبول اعطای لوازم

تعلیمی طلاب به صورت مجانی و عدم اعاده آن بعد از استفاده شاگردان برآورده معارف - بار سنگین راتحیل میکند ولی چون مردم حکومت موجوده توجه در آشایش و سهوهات کبارها گردان و تنویر اذهان اهالی است لذا به تعقیب این نصب العین و تطبیق این منظور و ختم جنگ و پیمانه کاغذ برای مطبعه وزارت معارف ازواین گرفتن کتب صرف نظر نمود.

### لیله، عمارت وابینه

وزارت معارف در اثر نظریه فا کولته های سیانس و طبی لیله این دومو سه رالف و برای طلاب مدد معاش مقرر نمود تا طلاب بتوانند سکونت در خانه های خود بسط اعلاءات بپردازند ولی برای طلاب طعام چاشت در فا کولته ها داده می شود.

گرچه تاهنوز بطور یکه باید مشکلات موجوده ازین زایل نگردیده و جهت ادامه تعمیرات حکومتی وسائل مکلفی در دست نیامده است باز هم وزار تعارف درین سال نظر به احتیاج شدیدی که به عمارت اصولی مکتاب و تاسیسات علمی محسوس میگردد در راه تکمیل عمارت انتقام اقدام نموده در رفع نواقص قدمی جلو گذاشت و برای فا کولته دیبات نیز جای مکلفی و مناسب تهیه دیده شد در اطراف و نقاط متعدده مملکت به تاسیس لیسه های جدید حکم داده و برای تدویر این مواضع و عمارت مناسب تخصیص و تهیه گردید در فا کولته طبی تاسیسات برقی لبراتور های کیمی ای حیاتی و طبی و کمیای عمومی لابر اتوار بیته لوزی بصورت فنی تکمیل و یک عدد سامان و لوازم ضروری وارد شده در لبراتور های کیمیا - شبکات تجزیه مواد مرضی - و توکیت کوکنی وغیره باز شده همچنان لابر اتوار ا توسعی و طبیعت عدلی افتتاح هده موردا استفاده قرار یافت تعمیرات فا کولته طبی پیشرفت خوبی نموده یک قسمت از تعمیرات اساسی اداره لیله و ملحقات آن تکا مل نمود.

عمارت مکتب دار المعلمین که تا حال بدون احاطه بود درین سال به تعمیر دیوار احاطه آن شروع و دیوار قسمت لیلی آن بطول (۱۴۰۰ متر) تکمیل و دیوار حصه تند رسی آن نیز یکه بهمین طول است عنقریب تکمیل میگردد علاوهتا برای آب رسانی و آبیاری میدانها نباتات و شجار مکتب بنج دوره چاه و یک آبرت آبدار مکتب موصوف حفر و برای خریداری بجهه های برقی جهت آبیاری چمن هاو میدانهای مکتب موصوف اقدام و در عین حال بتعمیر یک طباخ خانه عصری مطابق نقشه ها و تعمیر یک داش نان کچه و یک پزی و یک حمام کلان که از حرارت دائمی مطبخ داش بواسطه نهای آب گرم گرم میشود شروع وهم بساختن یک دوبی خانه یک خیاط خانه و سه تجویلخانه لوازمات تدریسی و لیلی وار زاق و غیره مطابق نقشه های فنی آغاز گردید.

میزهای نان خوری طلاب تمام از سنجکه های اعلای ورده بصورت مرغوب تهیه و ماشین های رخت شوئی برای شستن البسه طلاب ذریعه مسکتب میخانی کی بصورت فنی تهیه شد . در محوطه اول دارالعلمین تعمیر یلچه مسجد کلان برای گنجایش (۵۰۰) نفر نماز گذار در نظر گرفته شد .

تعمیر اطاق عمومی سینما مسکتب دارالعلمین که گنجایش (۵۰۰) نفر را دارد به اکمال رسیده و بیک ماشین سینما نیز برای مسکتب موصوف داده شد . عمارت کشتا بخانه اساسی و عصری مربوط معارف که در نظر است هر چه زود تر تکمیل و برای استفاده آمده گردید و درین سال به تعمیر آن دوام داده شد .

### تاسیس لیسه های جدید

ریاست تقییش برای مقشین خود علاوه بر هدایات و اصولناهی های تقییش که جزو اساسی وظیفه آنهای انشکسیل میدهد راجع به بعضی معلومات خانواری و احصائی نقوس و قرب و بعد جمعیت های اهالی از همدیگر نیز معلومات خواسته و نظر دقت مقشین مذکور را در آن جلب نموده تا شرایط امسکان تاسیس مسکاتب جدید را از نقطه نظر اجتماع نقوس تدقیق نمایند - و در جاهایی که مسکاتب ابتدائی موجود است نیز تعداد نقوس و نقاط اجتماع اهالی را ملاحظه و برای تاسیس مسکاتب ثانوی عوامل لازمه را مطالعه کنند - یقین است که مملکت مازراتعی و توزیع نقوس نظریه توسعه اراضی بالای ساحه های وسیع منتشر میباشد و مسافه های زیادی که درین قراو قصبات موجود است تا سیس مسکاتب را مشکل میساویزد زیرا اطفال یک قریه اکثر آن کفا یت نموده و اطفال دهات دیگر بسبب بعد مسافه به تعلیم رسیده نمیتوانند حالات که وضعیت در شهرها و مقرا که صنعتی این مشکلات را عرضه نمینماید - و برای تاسیس مسکاتب تنها بودجه و اطفال لازم است - ولی در اتفاقاً نstan باوجود اینکه حکومت بسبب توسعه معارف و تعلیم افراد هر گونه مصارف را منجمل میشود لیکن توزیع نقوس و دوری خانواری ها از همدیگر باز تاسیس مسکاتب بالغاصه مسکاتب ثانوی که عده زیاد شاگردان و مسکاتب ابتدائی العاقیه بکاردارد خارج امکان نمیماید - ازین باعث باید چنان نقاطی را مدنظر گرفت که از حيث نقوس و مسافه موافق بوده چند مسکاتب ابتدائیه و بیک لیسه در آن تاسیس شده بتواند .

در اثر گردشها و تحقیقات متعدد مقشین مرکز بعضی از جاهای که مسکاتب ابتدائیه کافی داشتند و تمداد طلاب در آن مسکاتب زیاد بود در نظر گرفته شد و راپوری مبنی برین معلومات ب مجلس وزارت تقدیم گردید مجلس وزارت در مقامات ذیل امر تاسیس تدریجی لیسه را داده ندیده تصوریب نمودند که یک عده طلاب مسکاتب ابتدائیه بعد از فراغ دوره شش صنفی فارغ نگردیده .

بیندریس خود ها دوام بدهند البته صنوف عالی لیسه سال به سال زیاد شده بعد از مدت شش سال صنف ۱۲ را صاحب خواهند شد درین سال امر تاسیس ایمه هادر استالف - غزنی - سرخورد مشرفی - مرکز جلال آباد - مرکز مزار و مرکز هرات داده شده و برای تهیه لوازم تعلیم و معلمین آن اقدامات بعمل آمد از طرف دیگر وزارت معارف وضعیت بعضی از مرکز دیگر را نیز از نقطه نظر فوق مطالعه نموده لیسه های متعددی را خیال دارد تاسیس بنایید و بدین صورت احتیاج عدمه ثرثی مملکت را که مربوط به اشخاص تعلیم یافته است حل نماید و برای رفاه و سعادت آینده افغانستان ارزشی هر فانی را تربیه نماید و موسسات عالی و تحقیکی به اساس مکاتب ثانوی بنا گرد انشا الله تعالی .

### مدرسه علوم شرعیه

در مدرسه علوم شرعیه جمعی از اولاد این مملکت برای خدمات اسلامی و پیشبرد آرزو های دینی تربیه میبینند تا این دسته اولاد وطن با داشتن حصه کلاغی از معلومات عصری از علوم دینی و مذهبی بهره کافی داشته به شبکات مختلف دینی مصدر خدمات اسلامی شده بتوانند از آنجا که وجود همچو موسسه در قطار ضروریات عمدی به حساب میاید باول میزان سال ۱۳۲۳ تاسیس مدرسه علوم شرعیه کابل مورد منظوری مقامات صلاحیت دار واقع گردیده يك دسته هشتاد نفری فارغ التحصیلان صنوف ششم مکاتب ابتدائی ولایت کابل و مشرفی مرکز خواسته و مدرسه موصوف یذیرفته شدند برای بود و باش لیلی و نهاری شامابون این مدرسه عمارت دارالفنون موضع سابق فاکولته طبی تعین گردیده بود در سنه ۱۳۲۴ چون توسعه این مدرسه زیر نظر بود و عمارت متد کرده گنجایش آنرا نداشت مدرسه از آنجا به فهمان نقل و برای دارالآقامه لیلی شاگردان عمارت سلام خانه و برای درسگاه شان عمارت هوتل بهارو همچنین برای اداره و رهایش هیئت تربیوی آن عمارت مناسب جدا گانه تعین گردید تاطالاب و موظفین از های آزاد و با فرحت یافمان استفاده کرده و شب و روز متعلمین تحت تربیه اساسی و دینی باشند تمام وسائل آسایش لیلی و پیشبرد تعلیمی مهیا و یکسال تعلیم مدرسه در برج میزان سنه ۱۳۲۴ انجام و امتحانات اغاز گردید در نتیجه امتحان یقین کلی حاصل شد که برو گرام مرتبه درین مدرسه بخوبی قابل اجرا بوده علوم دینی و عصری را یکجا آموختن دشوار نیست در طرف همین یکسال اول طلبی به معاوره بلکه به نوشتن مکتوبهای مختصر ابتدائی بزبان عربی و یاد گرفتن يك عدد لغات انگلیسی قادرت پیدا کرده اند .  
یک کتابخانه کوچک نیز در مدرسه ترتیب یافته یکم کتاب راجع به علوم مختلف در آن جم و به معترض استفاده قرار داده شد از نقطه نظر توسعه مدرسه بشمول (۹۰) نفر جدید دیگر هم

امرو بالآخره س مولوی شاه محمدخان مدیر مدرسه بفرض انتخاب طلبه بولایت قند هار و غزنی و شمالی فرستاده شد تا طلاب لایق شمول این مدرسه را انتخاب نماید و چون اولیای طلاب به داخل شدن اطفال خود درین مدرسه رغبت و علاقه مفرطی داشتند در ادخال اطفال خود بمدرسه علوم شرعیه مسابقه مینمودند. قبل از ورود این طلاب جدید وزارت معارف تمام ضروریات شان را مهیا نموده و بمعجرد وارد شدن بهر کنز تحت تعلیم و تربیه گرفته شدند.

برو گرام مدرسه علوم شرعیه که قسمت متعلق سال اول آن درسنده ۱۳۲۴ تطبیق گردیده است قرار ذبل است

در فقه شریف . - خلاصه کیدانی - کنز اول - کنز آخر - هدایه اول - هدایه آخر .  
 در تفسیر . = ترجمه قرآن کریم - جلاین شریف - مدارک شریف .  
 در اصول تفسیر . اتقان سیوطی .  
 در اصول حدیث . - مقدمه مشکوک شریف - شرح نخبة الفکر .  
 در حدیث شریف . - مشکوک شریف - بخاری شریف .  
 در تجوید . - قواعد تجوید جزری .  
 در اصول فقه . - اصول شاشی - نور الانوار .  
 در عقاید . - ابوالمنتهى - شرح حقایق نسفی .  
 عربی . - محاوره با قواعد صرف و نحو اعلاه انشاء فرانت عربی متن شافعی شرح جامی  
 مختصر المعنی ادبیات عربی .  
 در منطق . - منطق جدید (صوری و تطبیقی) و فطیبی .  
 در فلسفه و اخلاق . - اخلاق جلالی مبتدی .

بر علاوه از تدریس کتب متذکره فوق جهت تطبیق در مدرسه علوم شرعیه راجع به پیشتو علوم ریاضی، فریات، کیمیا، جغرافیا، تاریخ روحیات و ما بعد الطیبی - اجتماعیات و اقتصاد - حقوق - رسم - تاریخ فلسفه و لسان انگلیسی برو گرام جدا گانه که مطابق مفردات پرو گرام مکاتب ایسه مینباشد ترتیب یافته و مورد تطبیق قرار گرفته است طوری که در اخیر تحصیل مدرسه علوم شرعیه طلاب علاوه بر کسب معلومات دینی و عربی دارای تحصیل علمی معادل به بکلوریای ایسه ها تیز میشوند .

در سال گذشته برای مدارس اطراف از طرف وزارت معارف نصابی تعین و یک هده طلاب در مدرسه که بنام مدرسه متوسطه علوم شرعیه موسوم گردیده بود شروع به تعلیم نمودند ولی شوق مفرد اهالی و احساسات مدرسین و طلاب اطراف که در اثر عشق بعلم و معرفت افر وخته شده بود وزارت معارف را وا دار ساخت تا با وجود مشکلات معلم جای وسامان مثل مدرسه

علوم شرعیه بعمنان مدارس ۹ ساله بعض مدارس متوسطه شرعیه احداث نماید اگر چه مقصود وزارت معارف از تاسیس مدرسه متوسطه شرعیه شش ساله این بود که طلاب بعد از فراغ تحصیل برای احراز مدارجات رفیعه علمی در کابل آمده بصنف هفتتم مدرسه علوم شرعیه بعمنان داخل شوند و تحصیل خود را مثل طلاب این مدرسه باستثنای زبان انگلیسی دوام بد هند ولی بسبب اشکالات مسافرت طلاب و شوق مفرط شان براینکه در شهر خود همان اطوار یک مدرسه عالی داشته باشند مدرسه ۹ صنفی در نقاط مذکور تاسیس گردید. طلاب درین مدارس بعد از هفتم ۹ صنف مستحق شهادت‌نامه علوم شرعیه عصریه مگردند و هر کاه طلاب لایق و ذکری فارغ‌التحصیل خواهش اختصاص را دریگیری از شعبات سه کاه قضاة تبلیغ و تدریس داشته باشند در آن وقت به کابل آمده سه سال دیگر به تحصیل خود دوام میدهند و شعبه را که برای خود اختصاص داده اند بعد کمال میرسانند. حکومت دیانت پرور در راه تاسیس این مدارس و بندست آوردن علمای دین که از حالت موجور ده دنیا و غنوم عصریه واقف باشند هر گونه مصارف را متحمل گردیده و هیچگاه مانع را برای جوینده گان علم درین راه در نظر نگرفته ومادتا و معنا حوانی طلاب را مهیا ساخته و می‌سازد وزارت معارف امیدواری دارد که مخصوصاً این مدارس باعث رفاه و سعادت دینی و دنیوی ملت خواهد گردید . . . (و من الله التوفيق)

### امور صحیح مکاتب

برای بهبود اوضاع صحیح مکاتب و جلوگیری از بروز امراض ماری در بین شاگردان اطفالی که دوره آبله کوبی شان فرارسیده بود ذریعه داکترهای معارف آبله کوبی لشدنند. پیچکاری مرض تیفورای همه طلاب معارف بصورت مجانی تطبیق کرده شد و در مکاتب ایلی واکسیناسیون ضد حمای لکه دار بعمل آمد که درین سال هیچ یک واقعه در ایلیه ها بمساحت هده نیوست برای دارا معلمین منظوری یا شفاخانه بایک تعداد کافی بستره و یک دواخانه و یک دکتور مخصوص داده شدتا امراض خفیف طلاب در آن تداوی و هرگاه کس خدمت و سایت نماید به شفاخانه های بزرگ نقل داده شود - این شفاخانه از نقطه نظر حفظ ماتقدم از شیوع امراض ماری و تبیرید مرض ها بالای محافظه ها صحت عموم طلاب اهتمت زیادی دارد جای ویلان تعییر این شفاخانه تعیین گردیده و تعییر آن جریان دارد . . .

نمایشات سپورتی مختلفه از قبیل دویدن ده هزار متری و تورنمنت های فتبال و سیورت های انفرادی انواع دویدن و انداخت و خیز وها کی بعمل آمد تورنمنت های فتبال به سیستم ایک و تورنمنت والی بال و با ستکبال و هند بال وغیره نیز تطبیق گرده شد تیم مت بال کلپ آریانا برای مسابقه با تیم های هندی عازم هند شد برای تشویق و ترویج سیورت های فتبال از مکتب استقلال ونجات برای مسابقه با تیم های معارف به هرات و قندهار اعزام شدند سیامان ولوازم مختلفه سیورت با وجود مشکلات از خارج وارد گردیده برای استفاده طلاب مرکزو ولايات توزیع و ارسال گرده شد.

## تاسیس پوهنتون افغانستان

یکی از اقدامات مهم وزیر گفت وزارت معارف در سنه ۱۳۲۴ همانا تکمیل ار کان و عناصر پوهنتون (دارالفنون) کابل بود . فی الحقيقة فاکولته های چهار گانه طب ، حقوق ، سیاست ادبیات با این موسسات ملحقة آن دارا لفنون کابل را تکمیل نمودند . و در اثر آن فرمانی از حضور اعلیحضرت المتقوکل علی الله محمد ظاهر شاه راجع به تاسیس پوهنتون کابل باضمائی آن که محتوی بر موارد قانون تاسیس پوهنتون است بصدارت عظمی شرف صد ور بخشید . با این فرمان حضور ملوکانه فرمان نمبر ۲۷۴ بـ ۶۳۵ مورخه ۲۲ حمل سنه ۱۳۲۵ را راجع به تاسیس پوهنتون از مقام صد ارت عظمی بو زارت معارف توصل نمود و بروز ۲۵ حمل ساعت ۴ بعد از پذیر مراسم افتتاح رسمی پوهنتون یا یونیورستی کابل در سالون فاکولته حقوق و علوم سیاسی با تشریفات شانداری از طرف ولاحد و لاحضرت وزیر معاون صدارت عظمی بعمل آمد درین موقع تمام ار اکین وزارت معارف ، روسا و معلمین فاکولته ها و سائر منسوبيین معارف و مطبوعات و جمعی از طلاب فاکولته ها حضور به مرسانیده بودند . ابتدا مجلس باقرا ائمه چند آیه فر آن پاک که از طرف یکی از مصلحین فاکولته و سیاست تلاوت گردید افتتاح شده متعاقب آن ولاحد و لاحضرت وزیر معارف بر منبر خطاب رفته نطق جامع و پر معنای ایراد فرمودند که مفاد آن ذیلاً مندرج است :

### (T) مفاد خطابه ولاحد و لاحضرت وزیر معارف

حضرت محترم ! خداوند مهربان را شکر گذارم که امروز برای ماموقع عطی فرمود نادر محلیکه دران ارباب علم و عرفان جمع شده اند حاضر شده در موضع عیکه هر بوطبه ارتقاء معارف و ترقی علم و عرفان در مملکت است حرف بزم و درین راه یات قدم بیشتر بگذاریم همه ما و شما بیناد داریم که (۱۵) سال قبل اعلیحضرت شهید سعید که دریت عالمی و سیله کی زمام امور مملکت را بکف گرفتند با وجود مشکلات و زحمات فوق العاده که در سر راهشان حائل بود محض بانگاه عزم متین و عشق مفرطیکه بترقی وطن عزیز خود داشتند در اوین فرصت ممکنه شعبه مهم دارالفنون را که عبارت از فاکولته طب میباشد تاسیس و دران یاک تعداد جوانان فارغ التحصیل متوسط را برای آموختن طبابت و فراگرفتن تعلیم عالی بر گما شتند آرزوی یگانه که اعلیحضرت شهید از تعلیم عالی داشتند شهار مینه خوش بختی مملکت و آبادی وطن و سعادت ملت بود مناسفانه عمر باشان و فانسکردو آن اخیگار بزرگ ناتمام ماند چیزیکه در اینجا مایه خوش بختی است این است که اعلیحضرت المتقوکل علی الله محمد ظاهر شاه پادشاه محبو و معارف پرور ما عیناً اساسات و سیاست پدر بزرگوار خود را تعقیب خرموده مبادی اساسی را که اعلیحضرت شهید طرح فرموده

بودند مورد عمل قرار داده به اشخاص عالم وارباب معارف موقع دادند تادر پیشرفت معارف و ترقی شعب عرفانی مملکت قولای و عملاً کار کنند . البته همه میدانیم که وزارت معارف مادر تمام ادوار سلطنت اعلیحضرت شهید شاه جوان خود هر وقت میخواست قدمی به پیش گدارد با مشکلات و صعو باقی که مواد عدم وسائل و اسباب بود بر میخورد ولی وزارت معارف نام آن مشکلات را تحمل کرد . از پیشرفت و اصلاحات اساسی خود باز آماند تا اینکه در ضمن اصلاحات سازرئ خویش به تاسیس چند فاکولته که از کان اساسی یک یونیورسیتار تشکیل می‌شد موقع شده زمینه را رفته برای تأسیس دارالفنون مساعد گردانید تا اینکه امروز همینکه دیدوسائل تاحدی آماده و زمینه مساعد است فوراً به تمبیل افکار و آمال ذات شهانه برداخته و پیاسیس وافتتاح رسمی (یوهنتون) پرداخت و بعد ازین هم البته هر وقت سرمایه در مملکت بیدا و زمینه تاسیس شعبه جدیدی فراهم شود با تاسیس یک شعبه دیگر در ترقی معارف و تکمیل دارالفنون قدم دیگری برداشته خواهد شد .

البته ترقی و پیشرفت ، آمال و آرزوی ما است ام درواری تمام اینها آرزو امید جمی نزی که داریم و باید درینجا مخصوصاً ذکر کنیم این است که باید از پیشرفت علم و عرفان در مملکت هدف و نصب المعنی مشخصی داشته باشیم و آن تربیه فضائل معنوی و ایجاد معنویات قوی در طبقه جوان و نسل آینده میباشد هدف ما از تعلیم و عرفان نباید صرف ظواهر و جنبه مادی آن باشد بلکه وقتی میتوانیم بگوییم حقیقتاً در جامعه خود عرفان صحیح وارد کرده ایم که روح جدید و آمیخته بافضائل معنوی ورشادت اخلاقی درین طبقه تعلیم یافته و منور توانم باافرا گرفتن علوم و فنون جدیده دمیده باشد من میخواهم ازین موقع انسنا ده کرده بگوییم آرزوی من ایجاد عنم توام با معنویات عالی در مملکت است البته اشخاص عالم دارای تعلیم عالی و قدری میتوانند باین مملکت مفیدتر ثابت شود که اردوش اخلاقی و معنوی آنها مثل علم و معلوم است شان کامل و بلند باشد .

علم نباید تنها دارای هدف مادی باشد بلکه تعلیم عالی زیادتر از جنبه مادی حائز مرتبه معنوی است . البته همه میدانیم وقتی بود که ماعلم نداشتم تعلیم صحیح در مملکت ما موجود نبود ولی مادر ای معنویات و فضائلی بودیم که بصفت یک شور عمنوی مارا از ساتھی که همان و خطرات نجات داد مادران او قاتیکه علم نداشتم عزت نفس و مناعت طبع و اعتماد بنفس تادرجه نهائی در ملکه بود و این جوهر معنوی تاریخ مشعشعی را بما تامین کرد اگر ما امروز سعی میکنیم باوسیله ترقی عرفان ، اصلاح سیستم معارف و تعلیم و تربیه در مملکت معلوم و فنون عالی و موسساتیکه حامی و خادم این علوم باشد بوجود آید ولی هدف ما معنوی نباشد عکس العمل هائی تولید خواهد کرد که ازان علم ، عدم علم بهتر است . اعلیحضرت همایون آرزو دارند

حواله مملکت خان همان طور یکه به سلاح علم مجبر می شد بازیور معنویات بخند عالم بخزان  
باشد پس هایند بدامیم معنویات را فهم و فهم بزرگ است و خاری بودن از جوهر معنوی خاری  
بودن از کمال است هایند درینه بردن سویه معنوی اولاد مملکت از صبح گو، مساعی دفع  
سکنیم تریزه رفین دارم که معنویات بخند یکانه و سله اعلاء ورقی مامت این را رسیده باشد  
ذوق زد از کان و اولاد معارف باشد و آنها بخند که عالم و سکنیت بخون معنویات بخند خانه بخاده  
در خاتمه از خداوند بیار میکنم تا به احلف و بر احمد بی ایان خود بخواه ایام اولاد معارف توفیق نایت فرماید  
اعلم را خودخی بخادریم که شوایم آنرا اوسله وصول بسادات حقیقی و فضیلت ای افرار بددهم  
انش ای رئیس تعلیم و اربیه وزارت معارف خواهش میکنم که تاریخدها مفصل تعلیمات  
عالی را در مملکت با افرادی حدیثی که برای تأسیس این مؤسسه او معمور ذات داشت  
شرف صبور خشیده است به اطلاع شم برخواهد.

### معروضه رئیس تعلیم و تربیه وزارت معارف :

والاخصر نا - حضار محترم :

اعلیحضرت شهید سعید علیه الرحمه (۱۵) سال قبل اجتماع امروزی معاویت ایشان بتوی  
وحضور قریوشه بودند مسئله تأسیس دارالفنون در افق انتقام یکی از آوره های دارالفنون  
وذه لئه همچه در قلب خود می بروزا ایندویزه ای  
آخر و تحقیق آن تر ایشان مکان وزمان مناسب و  
ذرا بعد راشنند جنابجه بقوی ساعی علی و محمد خان  
وزیر معرف آن وقت در ماه نقریه ۱۳۱۰  
اد داشت مناقب در ب تأسیس (و بورسی)  
د وزارت معارف شرف صبور بخته و ایشان  
فرمودند که وزارت معارف سایعین داشت  
دقیق شاید که آندرین موقع موقایع اسرائیل  
موجو ده یک دارالفنون تأسیس باید باشند  
بروگرام ایز ایوانج تشکیل آن را از قسم جای  
کتاب خلیفه اداره و غیره رایب داده حضور عزمه  
بدارند جون اوجه ایل حضرت مفتوحیه بین افراد فرقه ایاد  
نه هنف بود وزارت معارف قدر صفت آنده ولو از

بناقلوسا ای محمد ایس خان رئیس تعلیم و تربیة  
وزارت معارف



مادی و معنوی آنرا سنجیده او اینج که ممکن بود ترتیب کرده بحضور اعلیحضرت مرحوم نقدیم نمود در (۲۳) حوت - سال ۱۳۱۰ در تحت ریاست ملوکانه در قصر دلکشا مجلسی مذکوب ازوالحضرت صدر اعظم والاحضور غازی وزیر حربه و رجال بزرگ دولت و بعضی از اکین وزارت معارف تشکیل یافته اعلیحضرت متفور بنفس نفس خود افکار و آرای رجال دولت وزارت معارف را استماع فرمودند بعد ازان مسکوئه قیمت دار خود را در باب پیشرفت معارف بدین قرار اظهار نمودند.

« جون برادران من واقف اند که از صفات سن باین طرف در امور عرفانی باشند مفترضی دارم خصوصاً درین دور که وظیفه بزرگ اصلاح و تربیه عمومی ملت بدوش من گذاشته شده وظیفه ووجبه خود میدانم که درجات علمی، اقتصادی و عمرانی این مملکت را هر روز باصول صحیح ویاری خدا وند و همدستی اولاد وطن خودپیش ببرم در نتیجه عمارت دارالامان را بتمام مشتملات و با غایه واراضی متعلقة آن جهت دارالفنون به وزارت معارف احسان فرمودند ازان وقت وزارت معارف به تاسی و تعمیل امر ملوکانه در صدد تاسیس دارالفنون و تهیه لوازم و شرائط آن بقدر امکان کوشش نمود با وجود اعزام طلبای اعدادی بخارج وزارت معارف از فکر تاسیس دارالفنون منصرف نشد و پس از اخذ امتحان سالانه مکانی اعدادی دسته از طلباء به آرزوی امریکا اعزام و باقی برای ادخال به دارالفنون افغانستان نامزد شدند درین خصوص که آیا کدام از شعبات (یونیورسیتی) را بدوا میتوان افتتاح نمود وزارت معارف بامتحنین وارباب فضل و داشتند که ومهما نموده و در نتیجه معلوم گردید که شعبه طبی دارالفنون را فعلاً میتوان تاسیس کرد.

بعد از ترتیبات مقدماتی در مجلل تاریخی اول عقرب ۱۳۱۱ بحضور اعلیحضرت غازی از در شاه شهید فاکولته طبی دارالفنون کابل رسماً تاسیس گردید اعلیحضرت معظم در ضمن بیانات قیمت دار خود فرمودند:

« بدرگاه کبیر یانی مشکورم که خداوند افغانستان را نه تنها از بلای خطرناک انقلاب نجات داد بلکه به بسا اصلاحات و اقدامات نافعه دیگر نیز موفق ساخته ماوشما را بنیل همچو بک تقریب سعیدی که برای افتتاح یک موسسه نهایت مفید عرفانی دران اجتماع کرده این نایل ساخت اگر این فاکولته طبی (یونیورسیتی) را که امروز یک بیمانه خوردن اثبات وجود کرده است بیک دانه تخم توت تشبیه نمائیم شاید مطلب را بخوبی ذهن نشین سامعین گردد خواهم بود طوریکه یک باغبان در موقع کشتن همان خال دانه تخم توت یک چهان آمال خود را به باو مربوط و در این نظرات بوآیاری اثاب اورا بصورت نهال و رفته بیک دوخت تنومند

- ١٢ : - د اوراقۇ عمومى مدیرىت
- ١٣ : - د تعېيرات تو مدیرىت
- ١٤ : - د يېمايش او سنجىش مدیرىت
- ١٥ : - د حرب دوزىر د تحرير اتو او د مخصوص قىم مدیرىت
- ١٦ : - د فابر يىكايى تو عمومى مدیرىت
- ١٧ : - د عالى كورس
- ١٨ : - د مجا سېي او مو زېكى د كورسو مدیرىت
- ١٩ : - د سپورت مكتب

### دەسکرى قطعا تو قوماندا نان

- ١ : - دقو اي مر كز قۇما ندان : ع ، ش ، س ، ع عبدالغئى خان فرقە مشر
- ٢ : - د جنوبى عسکرى قوماندان او تنظيمه رئيس : ع ، ش ، محمد قاسم خان فرقە مشر
- ٣ : - د غىز نى « » : « » ، نورمحمد خان
- ٤ : - د قىندىھار او فراھ عسکرى قوماندان : « » ، محمد علم خان
- ٥ : - د هرات « » : ح ، محمد گل خان لمى - غنۇمەشىر
- ٦ : - د مز ار او د مېمىنى « » : ع ، ش اللهداد خان امرى - فرقە مشر
- ٧ : - د مشرقى « » : ع ، ش ميراحمد خان
- ٨ : - د ھوانى دعمۇ مى فواۋ قۇما ندان
- ٩ : - د حربى بىشونىخى قوما ندان
- ١٠ : - د حربى بىشونىخى د قوماندان كېفىل

امر داری بار می آورد من نیز از خدای بزرگ استعانت می خواهم تا به مساعدت ملت عزیزم و وظیفه سنتاسی مامورین مربوطه این موسسه عرفانیه را که فعلاً خورد و خیلی مشا به آن دانم تو مت است یک دارالفنون عالی بسازد و از فیوض آن حکومت و مملکت مازا مستقید و از میان آن چنان طلابی کامیاب برایند که از حیث اخلاق و تربیه از جنبه تحصیلات علمی و فنی بهترین فارغ التحصیلان دارالفنون های عالم بوده طوری حسن اخلاق و اعمال خود را بافغانستان نشان بدینهند تا بجهان و جهانیان معلوم گردد که ملت افغانستان چنان یک ملت زنده و پیدا ریست که از یک طرف بمقدرات مذهبی خویش پابند و از جانب دیگر شئونات ملی خودرا از دست نداده به مراد شجاعت ارشی از تمام امتیازات عصری بدرجۀ اول بهره و راست بدين شکل فاکیله طبی تاسیس و عیناً مطابق امیدها و پیش یینی آن فهرمان نامی شروع با نکشاف و توسعه نمود چندی نگذشت که واقعه المذاک وجگر خراس شهادت آن فهرمان نا مور بوقوع پیوست و تمام آمال و آرزو های خویش را به بازماندگان و اولاد آینده وطن تودیع و روح پر فتوح بخلد برین آرام یافت پس وظیفه کافاً افراد ملت وبالخاصه موظفین امور عرفانی است که مطابق هدایات آن حامی علم و عرفان رفتار نموده آرزو های خیر اند یشان را به تحقیق برسانند . بفضل خدای متعال دیده می شود که جریانات امور عرفانی مثل سائر کارهای دولتی بر حسب خط مشی و مرام اعلیحضرت شهید و تحت قیادت اعلیحضرت المتكلم علی الله بطرف آینده در خشانی بسیر تکامل خود متوجه میباشد و برای تحقیق نظریات آن معمور وزارت معارف باعزم و ثبات ویر و گرام صحیح یک هشتیت جوانان مملکت را تحت تربیه و اداره گرفته و به تکمیل نظریات و تعمیل ملنهای اعلیحضرت شهید شروع به فعالیت نمود مشکلاتی که به سبب عدم وسائل بالخاصه به سبب جنگی دنیا که (۶) سال طول کشید و راهای مدیت را که سرچشمه فیض یابی معارف است مسدود گردانید بعزم متین و بازوی پر کار خدام معارف صدمه تولید نموده عیشه بسمت اعلیاً و موقیت و رسیدن بمقصد روان بود و با موافع بزرگ را بر طرف ساخته اند و علاوه تا بر تکمیل و اصلاح توسعه فاکولته طبی چه از نقطه نظر مالزمه و معلم و وجه از نقطه نظر همارت به تاسی از آمال اعلیحضرت شهید به تکمیل دارالفنون کابل بدل جدیت و مسامعی و روزبه اند و احتیاجات مملکت را یگان در نظر گرفته بمعاظ ضرور تا ولی و تحقق شرائط تاسیس یکی بعد دیگر فاکولته های اساسی یک دارالفنون را تاسیس نمود در سال ۱۳۱۷ بقرار فرمان یاد شاهی فاکولته حقوق و علوم سیاسی از طرف وزارت معارف تاسیس گردید که مقصد آن تربیه مامورین در شعب اداری و دیلو ماسی و اقتصادی و مالی است که علاوه از مطالعه وضعیات و اصول مالک خارجه خصوصیات و احتیاجات افغانستان را مستقیماً تحت مدافعت قرار می بندد سا وجودی که طلاق بکلور پادران وقت اندک و یک قیمت شان بخارج اعز ام گردیده بود

برای بکار انداختن این فاکولته موقتاً از اشخاص غیر بکلور یا که دارای لیاقت خصوصی میباشند طلاب اخذ گردید و برای مامورین که خواهش تحصیل را داشتند وقت کافی با معاش داده شد تا از تعلیم مستفید گردند.

روز بروز در اثر بدست آمدن فارغ التحصیلان ایسهمه این فاکولته رونق بهتر و اسنادی بخوبی دارد کسب نموده از حیث طلاب، پرتوگرام، معلمین و هیئت اداری مو رزد اصلاحات بی دریی واقع گردید که امروز یک فاکولته مکمل را تشکیل میدهد و مامورین اقتصادی و اداری بالغاصه حکم مملکت ازین مؤسسه می برایند بعضی مکاتب مسلکی که عبارت از لیست تجاری و مکتب اصول تحریر باشد با ارتباط مسلک و پیشبرد سویه علمی این مکاتب به فاکولته حقوق منح حق گردید این فاکولته یک عدد فارغ التحصیلان نیز داده و بعرض استفاده دو ائم حکومتی گذاشته است در میزان ۱۳۱۳ دروزارت معارف اقدامی از طرف پیش اغلی احمد علی خان وزیر معارف آن وقت درخصوص تاسیس فاکولته سیانس بعمل آمد یعنی عدد طلاب فارغ التحصیل بکلوریا در انداخت شدند ولی به سبب عدم وجود معلمین صحیح و کافی و ارسال یک عدد ازان طلاب بخارج فاکولته مذکور بسته شد و طلاب با قیام نده آن به شبعت تغییکی وغیره تقسیم شدند با وصف این وزارت معارف احتیاج معلمین ایسهمه راهنمای در نظر داشته خیلی مایل بود که یک مؤسسه برای تربیه معلمین دوره ثانوی مکاتب بوجود آید و فی به سبب عدم وجود معلمین سامان و طلاب منتظر فرست تهیه شرانه تاسیس آن بود در فرستی که یکمده فارغ التحصیلها از خارج وارد شدند به تاسیس مجدد فاکولته سیانس پرداخت تادر این مار بطور اساسی فاکولته مذکور تاسیس گردید و از میزان ۱۳۲۲ به تعلمات خود آغاز گرد و طلاب در (۲) شعبه ریاضی، و کیمیا و بیولوژی تحت تعلیم گرفته شد از طرف دیگر از جشن تصادف معلمین متعدد افغان از خارج فارغ التحصیل شده وارد وطن گردیدند و هر یک سهمی در داخل دانره اختصاص خود بتدریس مضامین فاکولته گرفته اند طلاب جدید سال بسیار به تعداد کافی اخذ گردیده تحت تعلیم گرفته میشوند.

لابور اتو ارهای آن درمدت کم توسعه زیادی یافته الحال از هر جنبه فاکولته مذکور قابل امید و اطمینان است.

حضرت محترم آکرچه این فاکولته تا حال فارغ التحصیل نداده ولی مقصد وزارت معارف درخصوص تهیه معلمین مکاتب ثانوی تا اندازه حاصل گردید زیرا طلاب این فاکولته از ساعت فارغ خود کار گرفته، دروس اساسی صنوف همراه و عالی ایسهمه هائی را که به بجزان

## د کابل کالانی

فقدان معلم گرفتار آند پیش می برند ریاست تعلیم و تربیه از نتیجه کارشان ممنون است پس یقین است که بعد از فراغ تحصیل یک قسم طلاب این کوته معلمین لایق مکاتب ثانوی را تشکیل خواهند داد.

والاحضرتا درخصوص ادبیات از حضور شما اجا زه خواسته عرض مینما یم که در ابتدای این اقدام نظر به افکار و فوای معنوی شخص والاحضر بوده و هیچ کدام از همکاران شما تاسیس شعبه ادبیات این فاکولته را بدین زودی ها ممکن بی دید در خصوص تهیه مواد اندیسی هم متعدد بودیم ولی الحال بکمال متنوین مشاهده می شود که فاکولته ادبیات و قسم مشکلترین آن از عرصه عدم یا به صحت وجود گذار ده مواد و سخن کافی که مواد تدریس را تشکیل بدهد تهیه شده و یک عدد استادان تحت نظم و نسق جدید گرفته شده و تا بیانات و تطبیقات آنها برای تقویه و دریافت اساسات زبان ملی روی مهی را بازی می نمایند. اگر به تدریسات یکنین ساله این فاکولته نظر انداده شود راجع به موقعیت آینده و انکشاف این مؤسسه یقین کامل حاصل میگردد. میرهن است که بعد از موقعیت به تاسیس شعبه ادبیات پیشتو شعبات دیگر فاکولته ادبیات اشکالی نداشته و تاسیس آن میتوانی به کثیر تعداد طلبی میباشد که از لیسه ها بدار الفنون وارد میشوند یقین است که در صورت تأمین جلاوب کافی شعبات تاریخ، جغرافیه،笠學 وغیره یکی بعد دیگر تاسیس خواهد گردید.

والاحضرتا و حضار محترم! وزارت معارف خوش بخت است که امید های اعلیحضرت شهیدرا در تحت سرپرستی ومهه هدایات شما بتحقیق رسانیده و عملی کرد روح پر فتوح وی را خوشنود ساخت عناصر مهمه که برای تشکیل دار الفنون لازم بود مهیا نمود افتخار این تعیین و تطبیق نظریات اعلیحضرت شهید به وزارت معارف عاید است و این لحظه تاریخی را اهل معارف تبریز میگشونیم و از خدا وند موافقتهای شان را در باقی اقدامات خواهانیم.

حضار محترم! بعد از تکمیل و تهیه عناصر تربیتی دار الفنون کابل صادرات عظیمی بشرف صدور فرمان از حضور اعلیحضرت المتوكل علی الله پادشاه محبوب مانایل گردید و به وزارت معارف اطلاع داده بندۀ افتخار دارم تا از قرائت آن همه شما رامستفید گردانم ناگفته نمایند که راجع به کلمه دار الفنون و فاکولته و باقی مصطلحات متعلق به آنها اخیراً در وزارت معارف مجلسی منتقد و کلمات (یوهنتون) و (یوهنتی) وغیره تصویب گردید که بندۀ بسبب سیر تاریخی و افعالات در جملات ماقبل آنها را استعمال نه نمودم البته حضار محترم من بعد مصطلحات را که در فرمان تاسیس (یوهنتون) تندیکار گردیده مورد استعمال قرار خواهند داد.

## فرمان تاسیس پوهنتون

نقال فرمان نمبر ۴ ۲۰۱۳۵ بز ۲۲ حمل ۱۳۲۵ مقام منیع صدارت عظمی

ع، ج والاحضرت سردار محمد نعیم خان وزیر معارف :

فرمان نمبر ۶۰ بز ۲۹۳ ناریخ ۲۱ حمل ۱۳۲۵ حضور فرین الشرف اغلب مختار ۵۰ میونی  
صدرات عظمی شرف ورود بخشیده مرائب ذیل را حکم فرماست :

میرهن است منظور نظر حکومت همیشه توسعه و ترقی معارف بوده و میباشد و همیشه از وسائلی  
که در دست آوان خود دیده استفاده نموده برای ترقی سویه عرفانی ذرمه ممکن است اقدامات لازمه را  
درین نداشته و بفضل خدای بزرگ روز بروز این اقدامات موثرتر واقع شده و موجب اطمینان  
و امیدهای نیک ما میگردد حکومت همیشه برای افرادی که خواسته اند از فض علم و داشت زیادتر  
شهره مندرجند و سیله تعلیم و تربیه را فراهم ساخته و در رفع موانعی که به مقابله همچه اشخاص پیش  
آمده بذرایع ممکنه اقدام نموده است چنانچه یکمده از طلاب بکلوریا به سبب عدم وجود مدارس  
عالی دزد داخل مملکت مجبور بودند از تحصیل عالی صرف نظر نمایند برای دوام تحصیل و احرار  
مدارج تخصص بخارج فرستاده شدند و مصارف کزا فیکه برای این امر لازم بود حکومت  
متوجه گردید.

با این چاره سنجی های موقت حکومت در نظر داشت که برای آینده عموم طلاب تدانی اساسی  
انتخاب نموده مؤسسات عالی را برای تربیه طلاب منتهی و رساندن شان بعد از علوم تاسیس  
نمایند تا طلاییکه بتمداد زیاد از لیسه ها فارغ پیشوند در داخل مملکت و سایر تجمعیه های عالی را  
فراهم نمایند.

این بود که در اثر ارتاد اعلیحضرت شهید سعید علیه الرحمه پوهنتی طبی تاسیس گردید و سویکی  
از مهمترین احتیاج افغانستان در اثر نظریه نیک آن فهرمان نامی تهیه دیده شد، به تعقیب اقدام  
آن قائد بزرگ بعداز دریافت نمودن تمداد کافی طلاب ضرورت های اویین مملکت را در این  
کرفته بالتدربی پوهنتی های حقوق، علوم وبالآخره آدیبات تاسیس شد.

چون در اکثر ممالک متمدن هیئت مجموعه پوهنتی های ضبطی، حقوقی، علوم، ادبیات،  
شعبات اساسی یات پوهنتون را تشکیل میدهدیس بعداز بکار افتادن این چهار پوهنتی لازم است  
که بز طبق آرزوی حکومت وایجابات عصری پوهنتون کابل تاسیس گردد تابحالیت پوهنتی های  
مر وظه انسجام وهم آهنگی بخشیده در بشیرد کار این مؤسسات انتظام و سهولت را فراهم آرد  
و همچنین یک مرجع و مأخذ علمی قوی برای رهنمائی متبوعین و علماء و متخصصین بوجود آید تادر این  
آن رهنمائی نتایج کارشان مطابق ایجابات اصول علمی امروزی بوده باهدف ملی و اجتماعی افقایی  
توافق ورزد و برای ارتقا ورقایه سویه علمی در افغانستان دائمه ذیصلح حیتی تشکیل گردد

تا به تشخیص علماء و تقدیر مدارج علمی و آثار شان حکمیت صحیح کرده بتواند بنابران لازم دیده منظور نمودیم که بفرض ضبط و ربط تحصیلات عالی و پیشرفت جدی آن یک پوھتنون مکملی در کابل تأسیس و باپررو گرا میکه در خور شان چنان یک مؤسسه عالی باشیشروع بکار نماید. بوسیله فرمان هذا قانون تأسیس پوھتنون کابل را حسب مواد منضمۀ این فرمان منظور نموده از تصمیم وارادۀ حضورم به آن عم محترم آگاهی بخشیده امروار شاد میفر مائیم که از منظور حضورم وزارت معارف هدایت بهمند تا یک آن اولتر ترتیب و تدوین بود جه آن را سنجش نموده در ضمن بودجه دولتی منظوری حاصل دارند.

امر وهدایت حضور مبارک شاهانه فوقاً بجلالتمام شما خبر داده شد تا طبق آن به ترتیب و تدوین بودجه پوھتنون موصوف پیردازید پنج ورق قانون نامه تأسیس پوھتنون که بصفحه حضور اعلیحضرت همایونی رسیده نیز فرستاده شد تائیح اجرا گذاشته شود.

### مواد اصولی نامه پوھتنون (دارالفنون)

ماده اول - اراده مینامیم موسم پنام پوھتنون برای تعلیم در حات عالیه علوم و فنون وادیيات و فلسفه در کابل تأسیس نمائیم.

ماده دوم - پوھتنون دارای شعب ذیل است که هر یک از آنها موسوم به پوھنخی خواهد بود.

۱ - علوم

۲ - ادبیات و فلسفه.

۳ - شب و شب و فروع آن

۴ - حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی، دارالعلمینهای عالی و مدارس صنایع مستظرفة و دارالعلوم عربیه ممکن است از موسسات پوھتنون محسوب شود و نیز ممکن است مدارس و مؤسسات مسلکی دیگری عنداً اقتضا به پوھتنون منضم گردد.

ماده سوم رئیس پوھتنون در آغاز افتتاح بر حسب پیشنهاد وزیر معارف بوجب فرمان ما تهییین و بعد بر ضيق ماده یازده بر حسب پیشنهاد شورای پوھتنون و موافق وزیر معارف بوجب فرمان ما منصوب خواهد شد اداره پوھتنون بعده رئیس پوھتنون است و روسای پوھنخی، استادان، مدرسین پوھنخی بر حسب پیشنهاد رئیس پوھتنون و منظو ری وزیر معارف مطابق قانون مامورین منصوب میشوند. سائر مامورین و مستخدمین بر ضيق مقرر این قانون از طرف رئیس پوھتنون منظور و مقرر میگردند.

بصراً اول - مدت خدمت رئیس پوھتنون و روسای پوھنخی سه سال است بعد از اقتضا این مدت ممکن است مجدداً انتخاب شوند.

تبصره دوم - رئیس پوهنتون مجاز است علماء و دانشمندان داخلی و خارجی را بر حسب پیشنهاد شورای پوهنتون و تصویت وزیر معارف بعضویت افتخاری پوهنتون بیندیرد .

ماده چهارم - شورای پوهنتون از اشخاص ذیل تشکیل می شود :

۱ - رئیس پوهنتون که سمت ریاست شوری را خواهد داشت .

۲ - روسای پوهنخی - لااقل یکنفر استاد از هر یک پوهنخی ها .

ماده پنجم - وظائف شورای پوهنتون بقرار ذیل است :

تعین شرایط شمول طلاب به پوهنتون تدوین بروگرام تحصیلات پوهنخیها تعین شرایط گرفتن درجه و تصدیقنامه و دیبلوم تهیه نظامنامه های لازمه جهت امتحانات و پیشرفت کار پوهنخی ها ، اظهار نظر در مورد اشخاصیکه بسم استاد و مدرس از طرف مجلس هر پوهنخی پیشنهاد شده اند ، پیشنهاد هر اقدامیکه موجب ترقی و اصلاح کار پوهنتون باشد معاونت و کمک فکری با رئیس پوهنتون .

ماده ششم - هر پوهنخی دارای مجلسی خواهد بود مرکب از استادان و مدرسين در تحت ریاست رئیس پوهنخی وظائف و تشکیلات مجلس مزبور بوج نظمانماهه خواهد بود کو از تصویب شورای پوهنتون گذشته باشد .

ماده هفتم - پوهنتون دارای شخصیت حقوقی میباشد و نمایندگی آن بهده رئیس پوهنتون است و از لحاظ اداری و مالی پوهنتون مستقل و مستقیماً نزد وزیر معارف مسئول خواهد بود .

ماده هشتم - پوهنتون میتواند در مقابل امور علمی و فنی که اشخاص و موسسات غیررسمی رجوع مینماید بر طبق نظامنامه مخصوص حق از حمه دریافت داردند . وجوهی که ازین راه عاید میشود وهمچنین اعانتها نیکه اشخاص مختلف میشوند هنوز عایدات دیگر بحساب جدا گانه در تحت نظر رئیس پوهنتون جمع آوری و با تصویب وزیر معارف به صارت فیکه در شورای پوهنتون پیشنهاد میشود خواهد رسید .

ماده نهم - معلمین پوهنتون به طبقات سه گانه ذیل تقسیم میشوند :

۱ - استاد - ۲ - مدرس - ۳ - معاون علاوه بر داشتن شرایط مقرر قانون مامورین

استاد باید کمتر از سی سال و مدرس کمتر از بیست پنج سال عمر نداشتند و در رشته که تدریس مینمایند درجه علمی آنها را شورای علمی پوهنتون لااقل دکتوری یا معادل آن تشخیص بدهد .

سوم معاون که باید لااقل دارای شرایط معلمین دوره تابوی یعنی (جواز) باشد و بر طبق مقرر ارات مربوطه به معلمی استخدام خواهند شد سالار مامورین از قبل نگران لایران تورها و آتولیه ها و اعضای کتابخانه و امثال آن و اعضای دفتر تابع مقرر ارات قوانین عمومی خواهند بود .

تھصیر نه بیشتر کنایه از حسنه علمی باشد کمتر از (عجائز) تباشد .  
هاده دهم - از آغاز سال تحصیلی (۱۳۲۵) و بعد از استادان و مدرسین که طرف انتخاب  
بوهستون و شوادر مورت عده دار اهلیان با اتفاق همان مخصوصی آین خواهد شد

ماده یازدهم تراست هر رشته از نیازمند بر عینه  
استادان اهلیان رشته است . برای احرار از اقرب  
استادی ها لایمه بر پیداشدن محظوظ نمی بسی  
این لایله ای سال مدرس بوده و در رشته  
جوده ایلیستی ای ای ای ای ای ای ای ای  
قدر شناسی و مخصوص شورایی بوهستون  
و افعشون روایی بوهستون ای ای ای ای ای  
اضر عجیس بوهستون بوهستون ای ای ای ای  
استادان وزیر پوشون او رفایی  
بوهستون انتخاب همیشون .



ماده دو از دهم سعادت ایکه معاون دارایی شرایط

ماده کوردر ماده (۹) بعنه ده علایی برای

استعدادیم یافت نشود ممکن است از اشخاص که در شرایط از عزیز و را دیانت به مقام شاعر

رشته و سورای بوهستون ایاقت آپارا صدقی کرده استفاده شود و قدر ممکن است

از این اشخاص که در خدمت ادارات دولتی هستند در برآردن الزوجه انتقامه شود .

ماده سیزدهم - اشخاص که در سال تحصیلی ۱۳۲۵ در مدارس عالیه مشغول خدمت بودند اگر دارای

شرایط مند جه دز ماده (۹) این قانون باشند معلم رسمی بوهستون خواهند بود .

ماده چهاردهم - بوهستون از اشخاص که در رشته از علوم رای اشتراحت به مقام شاهنخی رسیده و پی

خدمات بزرگی به عالم انسان کرده باشند و شورای عالی بوهستون پس از مددای

کامل احرار ایاقت آنها را تصدیق نمایند مخصوصیت وزیر معارف درجه د کنوری

افتخاری اعطای خواهند نمود .

ماده پانزدهم - شورای عالی بوهستون نظام امامة را که برای اجرای این قانون ضرورت نارد

از تدبیر و بعد از صوبه و زیر معارف بحث اجراء خواهد گذاشت .

ماده شانزدهم - وزارت معارف در صدد آمده معلمین و مبلغهای مخصوصی و مادری بسی

بوهستون موصوف برآمده سر از ۱۳۲۵ به تاسیس و افتتاح آن اقدام اماید این موسسه

صوری که معلو و معمنی است بحق تدبیر این مخصوصیت خودش مطلبی مقرر است

و اصول علاوه داره و پیشبرد وظایف اداری و تربیتی پوهنتونها و مصالح عمده در عین زمان بر جمیع حل و عقد امور علمی دیگر و انسانات «ملکه کنگره وزارت» خواهد شد . حکم حضور - فرانسیس پوهنتون را به شامل شانزده ماده و ضمیمه فرمان امپریال ۲۹۶ از ۱۴۲۵ جمل سنه ۱۳۲۵، میشد مذکور ترمودیه مطابق آن تعیین گردید

(امضا اعدام حضرت همایونی المتن کار علی الله )

بعد از ورود فرانسیس پوهنتون فریاد این فرمان والاحضرت وزیر معارف مصادر ماده سوم آن تقریبی کار ما بر و فسر پوهنتون عدوم داشت که عبدالمجید خان را حضور اعلیحضرت هدا بتوان برای کفایت ریاست پوهنتون مشتمل کردند و احکام اعلیحضرت هدا بتوان فریاد فرمان صدارت وزارت معارف ارسان گردید اما که شاغلی داشت را بعد اکفیل نیست پوهنتون عمر غنی و فرمان تقرر شان را فرایت نمینمایم .

نقل فرمان ۱۸۸ از ۱۴۱ - ۲۴ جمل ۱۳۲۵ صدارت عضوی :

عوج، والاحضرت سردار محمد نجم خان وزیر معارف :

تخاری فرمان شیراز ۱۳۲۵ از ۲۲ دی ۱۳۲۵ حضور فریاد الشرف مدو کانه زیر از لذت و اهلیت که از سعادتمناب داشت عبدالمجید خان متخصصین را که بتوانند پوهنتون مذکور و مظلوم شده شاید این در اتریش نهاد جلال منابع شد بحث کفایل ریاست پوهنتون مذکور و مظلوم شده جلا انسانی داشت و موصوف را اکفیل نیست پوهنتون شناخه اداره امور عامو و اداری همچو کله همایونی مکافای مسلکی هر بوطه آنرا با اتفاق پیش ندارد .

(امضا والاحضرت افخم صدر اعظم) در خاتمه از خدای منعام سلامی و حضور عمر اعلیحضرت جوان بخت الملوک کل علی الله را عیالت نموده این روزه هیارک را بنعام اهل عرفان و ای خاص معلمین پوهنتون و وزارت معارف بتوان گفته شاید اکفای خان امجد خان تو قیون لی و موقتیت های خانی نیز را خواسته و شکل کلام را برای شان و اگذار میشوم .

مکمل که ارعافت گردان شده و صفت اممن و احسن  
استیاع فطیق شاغلی رئیس اهلیم و از بیان اشان و مذکور



## بیانیه سیاغلی دا کیتو عبدالمجید خان کفیل ریاست پوهنتون

والاحضرت ، حضار گرام :

این اقدام و اراده بزرگ و تاریخی حکومت ترقی پسند و معارف پرور خویش را که وزارت جلیله معارف را با تاسیس و تشکیل (پوهنتون) یعنی موسسه تعلیمات عالی مامور فرموده و باین وسیله زمینه سعادت حال و استقبال این جامعه با استعداد را تهیه نموده از صمیم قلب تبریک میگوییم . و از نوازش و مرحمت حکومت بهی خواه و وزارت معارف که درین مورد به بنده ارزانی فرموده و این عهدہ مهم ویسابقه را به بنده سپردہ اند عرض تشکر و امتنان مینمایم از خداوند علیم و بصیر (ج) توفیق میخواهم که در عملی ساختن آرزوها و آمال حکومت متبعه و در انجام دادن و ظائف عرفانی با تمام قوه و نیروی مادی و معنوی خوش موفق گردم . ایجاد پوهنتون در حقیقت ترتیب و تسلیم تاریخی و منطقی از کشاف پلانهای جامعی رانشان میدهد که اعلم حضور شهید محمد نادر شاه قهرمان حقيقی نهضت علم و عرفان برای تنویر افکار و برای سعادت حقيقی این خاک و آب طرح فرموده بودند دران عصر فرخنده شالوده متین این موسسه عالی ریخته شده واولین شعبه پوهنتون به عنوان (فکولته طب) در ساحة عرفان مملکت جلوه گر گردید حکومت اعلم حضور المتوکل علی الله محمد ظاهر شاه بتوسعة شبعت دیگر آن بدل توجیه فرمودند و در نتیجه پوهنتی حقوق و علوم سیاسی پوهنتی علوم و پوهنتی ادبیات یکی بعد دیگری عرض وجود نمودند و از کشاف این عناصر و اجزای مختلفه ایجاد یک ریاست مرکزی را ایجاد نمود این یک امر مسلم تاریخی است که موسسات تعلیمات عالی دریک جامعه از عوامل درجه اول و اساسات مهم ارتقاو از کشاف علمی ، سیاسی ، اقتصادی و اجتماعی میباشد و مملیکه یک آن آولتر به تاسیس آنها موفق شده اند از پیش قد مان تهذیب و تمدن بشر گردیده اند مخصوصاً امروز ارزش و اهمیت تعلیمات عالی که اختراعات و ایجادات محیر العقول ، زاده لبراتور های آنست و پرورش های عالم شمول اقتصادی و سیاسی موجود ده ثمره و نتیجه دماغهای منسوین آن میباشد فوق العاده واضح گردیده . امروز بشر تو انسه است از پر کت تبعات و تحقیقات علمی که بیشتر در پوهنتونها بعمل می آید به اسرار ذره بی برد و از قلب موهم آتوم؛ انرژی بیسابقه را بدست بیاورد قوه و نیروی یک جامعه متناسب به تکامل شخصیت عشق و محبت به صدق و حقیقت، دیانت فطری، فوه و ملکه تفکر صحیح و سجا یای اخلاقی افراد آن است تربیه و تنبیه این سجایا روی هم رفت وظیفه و غایه پوهنتون را تشکیل میدهد بنا به آن نصب العین پوهنتون تربیه اعضاء افراد صحیحی برای حیات اجتماعی میباشد . اگر چه در تاریخ یونیورسته های عالم امثله بر جسته تربیة نوایغ و علمای متبحر نیز یافت می شود اما مقصد و غایه اصلی تعلیمات عالیه

بوهنتون تربیه و تواند آواخ و قهرمان‌ها، شعر او نویسنده کان نامور - موسین و فائدین دستاچای فلسفی و مذهبی، فاتحین و چهارکشایان نیست بوهنتونها از شخصیت‌های فوق العاده هستند از سطوح بوعلى سیناء، نیوتن رافائل - فردوسی - جامی - احمدشاه و نادرشاه و امثال شان و عدد بسیار بسیکه پهلوان بودن سویه علمی و معنوی فرد جامعه همت می‌گما رد هر گاه بتا ریخ دا رالعلوم ها و بوهنتونها کهنه دنیا از قبیل (الازهر) (سالرو) یاریس (هیدل برک) اکسفورد و کمبریج و هاروارد ظر اندازیم خواهیم دید که دوره نشو، نهاد تکامل آنها قرون‌ها را دربر داشته و هزاران اشخاص هائند روحانیون، سیاسیون، علمای صب و فلسفه، از باب ثروت و دوستداران بشریت و غیره در اکشاف آنها رول‌های مهی را بازی نموده و مصدر ایثار و قد اکاری گردیده اند بوهنتون ما بیز که از مراحم و العطا خدا وندی و توجهات عمارف پر و رانه حکومت اعلیحضرت المتوکل علی الله محمد ظاهرشاه و مساعی خستگی نایدیر والا حضرت وزیر عمارف در عرصه نیتاً قلبی دارای شعب متعدد گردیده بیشتر از همه محتاج ایثار، ایشکار ریاستدار الفنون (بوهنتون) وهمکاری تام علاقه مندان و عمارف جویان و مخصوصاً طبقه تعلیم‌افهه های جوان می‌شد.



در خانم از خدای بی نیاز به کمال عجز التجا مینمایم که آرزو های بزرگ و مقد سکه حکومت متبوعه و ملت عزیز ما از این مؤسسه فرخنده دارند از عالم امید بساجه حققت بیوتد و نسلهای آینده این کشور از ثمرات علم و عرفان آن نیرومند و شاد کام گردند. شاد باد روح سعد اعلیحضرت شهید زنده باد اعلیحضرت جوان و عمارف بپرورما.

تأینده و درخشان باد آفتاب علم و معرفت مملکت.

بعد از ختم بیانات شاغلی دکتور عبدالمجید خان والا حضرت واکثری از مدعاوین و حضار و جمعی از طلبه فاکولته های گذاشتند حمائل گل بهزار اعلیحضرت شهید (بانی بوهنتون) عازم گردیدند در آنجا چندین حمائل گلیکه تهیه دیده شده بود بپاس خدمات و توجهات بزرگ ایثار که در تا سبیس دارالفنون فرموده بودند بزر ارشان اهداؤسیس شاغلی فاضی مرافقه اینه جذاب و سودمندی مبنی بر فضیلت خدمات عرفانی و معنویه ای برادر درختم آن حافظی چند آیه از قرآن کریم تلاوت و بعد از دعاء و فاتحه به فاکولته حقوق و علوم سیاسی برای صرف عصر به برگشتندوا این مجلس در حوالی ساعت ۶ ختم شد.



ج ج آ آ نستان والاحضرت صردار شاه ولی خان «د گابل فاتح»

داعلیحضرت مختار وزیر او فوق العاده نماینده پهپاریس کشی

S. A. R. "A. A" Sardar Shah Wali Kahn Ghazi  
envoyé extraordinaire et ministre plénépotentiaire  
de Sa Majesté à paris.

## خارجہ وزارت



وزیر : عج، س، اعلیٰ محمدخان

معین : ع، ص عبدالحکیم

### دیسائی عمومی مدیریت :

عمومی مدیر : ع، س، اعلیٰ محمدخان

دلمپری خانگی مدیر : ص، عبدالرؤف خان

دروهمی : ص، فضل احمد خان

دریپری : ص، عبدالقیوم خان

دخلور می : ص، محمد تقیم خان

### دفتر رفاقت و ریاست :

رئیس

امیری معاون

دوہم

دمعاهدانو خانگی معاون

ع، ج، س، اعلیٰ محمدخان دخارجہ چارو و وزیر  
S. Ex. Ali Mehdin Khan nîstre  
des affaires étrangères.

دیوبن المللی چارو عمومی مدیریت:

عمومی مدیر

د کنفرانس خانگی معاون

د حقوق

### دوہری او قونسلگری عمومی مدیریت :

عمومی مدیر

دلمپری خانگی مدیر

معاون

د تابعیت د(۲) خانگی معاون

دوہری د(۳)

ع، عبدالرؤف خان

ص، فیض محمدخان

ص، محمد اختر خان

ص، میر غلام فاروق خان

ص، غلام ابوبکر خان

## امور وزارت فوائد عامه

امور فوائد عامه اگرچه در دوران جنگ بسبب بندش راه های تجارت و عدم تورید لوازم فنی و مهندسین، لایق تا اندازه معمل بود هنوز بندش های مذکور رفع نشده است اما باز هم وزارت موصوف بیش از ختم جنگ بیش بینی های لازمه را نبوده و پروژه های مهم را در قسمت عمرانی و جاده سازی و بند و انها سر دست گرفته که بزودی آغاز خواهد شد. کارهای مهم امسال قرار ذیل توضیح می شود:

### مدیریت عمومی معابر:

۱- سرک تنگی غارو : در نزدیکی شهر جلال آباد یک فطعمه سرک بین نفرک و پل سرخ آب بطول تخمیناً ۳ کیلو متر و عرض ۱۲ میتر جدید آزاده شد که امتداد سرک تنگی غارو شمرده می شود و سرک سابق طرف شهر جلال آباد میرساند.

از پل سرخ آب الی پل درونه سرک سابق اصلاح و بعرض ۱۲ متر و سیع تر ساخته شد. در حصه تنگنای درونه سرک بوسیله سرنگ پرانی و جبل کاری زیاد فراخ تر گردید و از درونه تا آب در گی مواضع اصلاح طلب زیر کار گرفته شد و تعدیل یافت.

در دیگر قطعات سرک تنگی غارو واقع در ولایت کابل طور کار گرده شد که تمام آنها باستثنای حصة ماهیبر موثر رو گردیده. بالاخص سرنگ پرانی قوی در حصة ۴ که مراد از تنگی دگری است بطول ۵ کیلو متر اجراء شد.

نتیجه شرح فوق این است که از کابل الی ماہیبر و از انطرف ماہیبر الی جلال آباد موثر بالا ری می تواند بالای تمام قطعات سرک گردش نماید، اما برای اینکه سرک را در تمام قطعات اساسی بخوانیم باید بالای برخی از قطعات هنوز کاکرده شود.

۲- سرک پنجشیر : سرنگ پرانی و صخره کاری موثر و زیاد در دره گل بهار بکنار راست دریای پنجشیر این تنگنای صعب المرور را قابل عبور موثر تیز رفتار ولاری ساخت در اثر یک سلسله اصلاحات دیگر که در مواضع مختلفه بین دره مذکور صورت گرفت این راه کاروانی هم بشکل سرک در آورده شد.

حال از چاریکار برآه گل بهار تا قریه پارانده که از رخه بالا راست موثر رفت و آمد کرده می تواند. چون این سرک کوتاه تر میباشد اذا در نظر است که در آینده لین عمومی قرار یافته نقاط شمال مملکت را بهتر و زودتر بمز وصل کند. البته در آن صورت توسعه و تعریض میسر و دیگر اصلاحات فنی لازم خواهد بود.

۳: سرک گردید - خوست: این سرک که بخش زیادش در دره جدران واقع است و دو کوتل شمع وغیر مناسب که عبارت از کوتل سروتی و سره خواری میباشد، دارد، در برخی قطعاتش بفرض اصلاح زیر کار گرفته شده چنانچه فعلاً کار آن جریان دارد و در نظر است که لین آن در بعضی قسمت ها از راه های آسانتر برده و تعدیل شود، تا تسهیلات در ترافیک بعمل آید.

۴: سرک جدید یفمان - بالای این سرک که حاوی دو مسیر علیحده برای رفت و آمد است آنقدر کار کرده شد تاکه مسیر آن بکلی پخته کاری و انجام گردید و قسمت بسیار زیاد تر خام کاری مسیر دوم نیز عملی شد.

۵: سرک کابل - هزاره جات - از کابل الی دایزنگی و از آنجا برای بامیان تانقشه تقاضع بالین عمومی شمال در حصه بلوه مطالعات فنی برای اصلاحات و اساسی ساختن این سرک که فعلاً نیز با داشتن مشکلات و موانع زیاد موتر رواست، بعمل آمد.

۶: ترتیب برآوردها مثلاً برآورد اولی برای اصلاح و پخته کاری سرک معدن ذغال سنگ کر کر واجرا آت یومیه.

#### پلهای و معبرها:

ساختن پلهای کلان به نسبت قلت مواد خارجی در اثر جنگ عومی معطل بود. حال پیش بینی ها و تشبیثات درین مورد بعمل آمده بالغاصه درباره ساختمنان پلهای آهنی چند پلچک آبرو و معبر در سرک تنگی غارو ساخته شده و یک تعداد آن حاضر آن زیر تعمیر است.

#### مدیریت فوائد عامه قند ها ر:

الف - تعمیراتیکه جدیداً شروع شده:

۱: - تعمیر صالون حکومت کلان قلات

۲: - « » سین بولدک

۳: - « گدام حکومت کلان گرشک

۴: - « گمرک جدید سین بولدک

ب - تعمیراتیکه قلاً شروع و در سال جاری تکمیل شده:

۱: - تعمیر مخابرات حکومت سین بولدک

۲: - « اداره مالیه »

۳: - « قوماندانی »

۴: - « احصائیه »

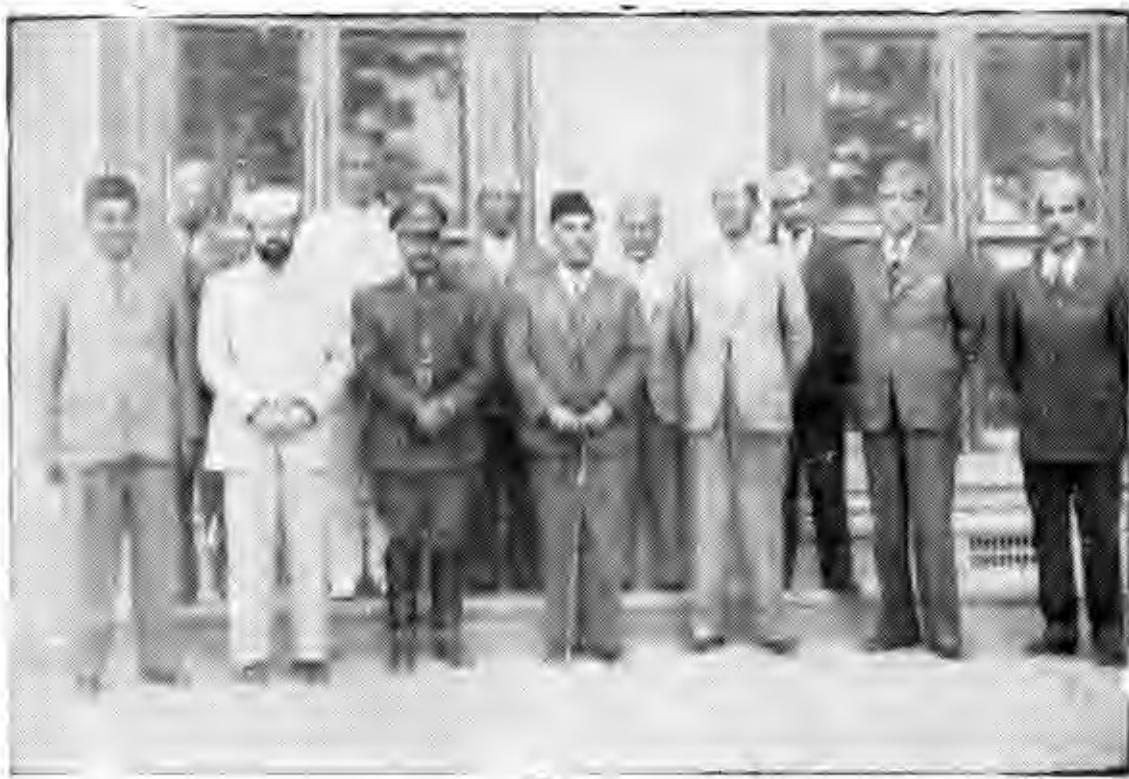
۱- سید محمد امینی - ۲- علی رضا - ۳- مولی افشار

۴- سید احمد خان زیارات طلب - ۵- عمارت  
رخانی - ۶- معاون

۷- احمد بنده طعن - ۸- مولی ناظهور - ۹-  
۱۰- احمد بنده طعن - ۱۱- مولی ناظهور - ۱۲-

## دولت اقتصاد شوراگران مقرر شد





د نوي کابينې مجموعى هىشت



مەنوبانى هىشت زغازى - سالار صەدار عظم بە حضور ئىسى

- ج - تعمیر اتیکه تحت کار است و به تکمیل نرسیده :
- ۱ - کار ترمیم احاطه وغیره تعمیر مو جوده لیسه احمدشاه بابا
  - ۲ - « تعمیر لیسه میر ویس بابا
  - ۳ - « مکتب های ارگ
  - ۴ - « پنهان
  - ۵ - « گامدی
  - ۶ - « سینما
  - ۷ - « محبس جدید
  - ۸ - « شفاخانه حکومت کلان قلات

### هدیریت فوائد عامه ولایت ازمار شریف :

- ۱ - تعمیر سینما مطابق نقشه های مرتبه قسمت کلی تهداب های آن الی روی زمین پر و متاباقی آن به سبب ییش آمد سر ما معطل شده .
- ۲ - تعمیر شفاخانه مستورات که یک عمارت بسیار بزرگ بوده و بصورت پخته تعمیر می شود تما ماتا کر سی کار شده .
- ۳ - تعمیر گدام هر کربه کلی تکمیل گردیده و فعلاً ذخیره گندم وجو در گدام مذکور می باشد
- ۴ - تعمیر متروکه ای کرسی و بلکه چیزی پیشتر کار شده در سال آینده تکمیل خواهد شد
- ۵ - گدام بلخ نیز طبق دیگر گدام ها بصورت پخته الی کرسی کار شده .

### شق معابر فوائد عامه :

- ۱ - از پل امام بکری الی کوتول چیچل :
- قبل ازین از مزار شریف الی پل امام بکری واژ آنجا الی شولگره ویل بر ق که بطول تقریباً چهل و شش میل سرکم و جود بود این سرک ای خود مزار شریف الی پل امام بکری به طول ۱۲ میل یات آندازه سرک قابل تردد بوده ازان بعد الی چشمہ شفا و شولگره ویل بر ق که ای سرک مذکور غیر اساسی از (۴) الی ۵ نیم و شش متر عرض داشته بر علاوه اینکه اصل سرک کم بود مشکلات نشیب و فراز زیادی داشته و در برخی جاهای سنتگزار و غیره درین راه واقع بود که اکثر باعث مشکلات تردد موثر و عراده هامی باشد همانا از پل امام بکری الی پل بر ق که (۳۶) میل راه می شود سرک مذکور از ۸ - الی ۹ متر عرض و هم نشیب و فراز آن اصلاح و باقی نوافصی که در سرک موجود بود مرتفع شده و از پل بر ق الی کشنده یا یان واژ آنجا الی کشنده بالا واز کشنده بالا

بالا الی کوتل چپچل بطول (۲۶) میل و به عرض ۸ و ۹ متر سرک جدید تمدید شده که این سرک چون ازین پیشنهاد و تپه های خا کی گذشته اهذا اکثر قسمت های سرک مذکور از (۲) الی هفت متر بلندی های تپه ها بریده شده و خام کاری آن بصورت مهندسی واساسی اکمال و در بعضی حصص آنهم جملهوریگه آنداخته شده و یک سرک اساسی گفته میشود .

۲- تفصیل کوتل چپچل، این کوتل که (۱۲۴۴) متر بطول دارد یک کوتل خیلی صعب المراور و بلند و سنگ آنهم از سنگهای سخت و قسم تابه سنگ بوده قریباً از سه حصه کارات سر زنگ پرانی آن دو حصه تکمیل گردیده و مواضعی که سر زنگ پرانی شده سنگ چینی آن نیز تکمیل و پیر کاری هم شده بصورت سرک را بخود گرفته است :-

۳- از کوتل چپچل الی مرکز حکومتی دره صوف که ۴ میل مسافه بوده و بعضی جایهای سرک ۸ متره در زمین سنگی دار تصادف کرده که یک اندازه سر زنگ پرانی لازم دارد و بر خی جایهای بین سرک ازیک الی دومتر که بلند بوده تسطیح گردیده یعنی از کوتل چپچل الی مرکز سکویی نیز سرک تمدید شده بعضی کارات جزوی آن باقیمانده انشاء الله در سال آینده تکمیل خواهد شد .

۴- سرک شبرغان الی سرمهی که خامه بوده کار چفله اندازی آن جاری شده و مسافه سرک مذکور که در حدود ۴ میل باشد و از دو طرف کار جاری شده زیاده از دو تیک کار آن پیشرفت نموده و باقی مانده آن زیر کار است :-

۵- قبل ازین که از حکومت کلان ایک الی شارباغ و از آنجا الی خرم و آب کلمی که به مسافه (۳۸) میل واقع است تا درجه سرک موجود بوداما این سرک به مرور زمان نظر به این که عبور و مرور عمومی نبوده در اثر سیلاب بکلی خراب و بلکه بعضی قسمت های آن از حالت سرک بودن برآمده بود لذا نام آن مرمت کاری و آباد گردیده است که الی خرم موتور فته می تواند .  
۶- از تاشقرغان الی معدن نمکسوار یک سرک اصولی واساسی بصورت خامه بطول قریباً بیست و پنج میل و عرض ۷ متر سرک جدید تمدید گردیده است .

۷- سرک مزار شریف الی دهدادی هم که خامه بوده در حدود ۷ میل میباشد به اصول درست سنگ فرش و چفله اندازی و پخته شده :-

#### مدیریت فوائد عامه ولايت جنوبي :

۱- پل سید خیل که در عرض راه بین گردیز و خوست بردریایی جدران واقع است و به اثر سیلاب در سال گذشته ویران گردیده بود ، در سال جاری کار تعمیر آن خامه یافت

و نسبت به سابق در استحکام و ارتفاع پل مذکور توجه بعمل آمد که در آینده بخطیر سیلاب مواجه نشود .

۲: عمارت دمنځنی شبونځی که در سابق بدور آن دیوار نبود ، در هذاسنه بدور احاطه تعمیر مذکور بصورت پخته کاری یک دیوار شروع و بانصب ستاره های آن خاتمه یا فت ۳: حکومت جدید التشكیل زرمت که قبل از نشیمن مامورین تعمیری نداشت در سال جاری یک عمارت اساسی مطابق نقشه مهندس که دارای اطاقهای متعدد است تعمیر گردیده که کار کلی آن خاتمه یافته و جزوی آن در شرف تکمیل است و فعلاً مامورین در اطاقهای مذکور رعایش دارند علاوه و متصل تعمیر مذکور اساس یکبازار جدید اصولی گذاشته شده که تهداب کنی آن شروع گردیده .

۴: سرک بین گردیز و خوست خصوص در حرص من جدران و میر نادرشاه و طوطا خیل که دارای عرض کافی نبود ، و ازینجهت برای عبور و مرور عراوه ها بالخاصه در ایام زمستان مشکلاتی عائد میگرد ، لذا کار توسعه آن از حصة سید خیل جدران بسمت گردیز شروع و کار آن بشدت جاری است .

۵: از مر کر گردیز الی مر کر قشله عسکری میرز که ، که سابق سرک تمدید بوده چون تمدید سرک مذکور از مر کر قشله مزبور الی غونزی خوله منگل هم ضرور داشته می شد ، بنابر آن کار آن شروع و یک قسمت کار مذکور خاتمه یافته و باقیمانده آن عنقریب تکمیل خواهد شد .

#### مدیریت فوائد امامه میمنه

- ۱: - کار تعمیر مکتب اندوخی که در سال گذشته شروع شده بود ، در هذاسنه تکمیل و در معرض استفاده طلب گذاشته شده .
- ۲: - بر آورد نقشه گدام ارزاق میمنه و آند خوی در سال جاری واصل و تهداب گدام میمنه در برج قوس گذاشته شده ، کار گدام آند خوی در سال آینده شروع خواهد شد .
- ۳: - ساختمان ملحقات هتل و شفا خانه و مکتب متوسطه جاری و یک اندازه کارشده .
- ۴: - از حصة مر کر حکومت پیشتو نکوت ترمیم طلب گردیده بود ، متر میکاری گردید .
- ۵: - عمارت حکومت پیشتو نکوت ترمیم طلب گردیده بود ، متر میکاری گردید .
- ۶: - در سرک این از حصة اوجه مربوط حکومت تکاب شیرین و حصة حکومت پیشتو نکوت الی زیارت خواجه عنمان مربوط علاقه داری المار بعرض ۴ متر وارتفاع ده سانتی متر زیگ زدیائی هموار گردیده .

### مدیریت فوائد عامه حکومت اعلای فراه :

- ۱ : - از مر کر حکومت اعلی الی حکومتی انار دره که تابانی نزدیکیها سرک اصولی که عبور و مرور عراده ها بدون تکلیف شده بتواند موجود نبود ، برای رفع این مشکلات از حدود پل دریایی فراه رود الی علاقه داری قلعه کاه و از علاقه داری مذکور الی مر کر حکومتی انار دره که مسافت (۱۲۵) کیلومتر راحاوی است سرک جدیدی احداث گردیده که برای عبور و مرور عراده ها مساعد است .
- ۲ : - سرک های عمومی سمت قند هار ، هرات و چخانسور که لازم ترمیم بود ، از سمت قند هار الی دلا رام و از سمت هرات الی حوض خشک و از سمت چخانسور الی حصہ کر کی جفله اندازی و ترمیم گردیده و کوتاه های معابر از مر کر الی دلا رام سفید کاری و در نواحی آنها نهال شانی شده است .
- ۳ : - برای شفاخانه و معاینه خانه مر کر فراه یک موضع خوبی انتخاب و تعمیر آن بصورت عصری زیر کار گرفته شده و بیانیه تکمیل رسیده و مأمورین اداری از موضع سابق به عمارت جدید نقل مکان نموده اند .
- ۴ : - عمارت مترو لوژی که طبق نقشه جدید از چندی تحت تعمیر بود ، تکمیل گردیده است .
- ۵ : - به علاقه داری گلستان در گذشته برای رهایش مأمورین جای موجود نبود ، و این منطقه از حيث آب و هوا از تمام مناطق مربوطه فراه برتری دارد ، بنابراین تعمیر یک عمارت عصری رانیز لازم وایجاب می نمود ، لذا یک عمارت عصری دو منزله بصورت پخته کاری زیر اجرا گرفته شده که یک منزل آن به بیانیه تکمیل رسیده .
- ۶ : - در حکومتی بکوا که به لین سرک عمومی واقع است برای دوائر رسمی جای موجود نبود ، یک تعمیر اساسی که گنجایش تمام دوائز را دار است سبق تحت تعمیر گرفته شده بود ، در هذلینه بیانیه تکمیل میرسد .
- ۷ : - در حکومتی انار دره که دوائز رسمی و مکتب منحصر به دو بنده حوالی بود ، اکنون برای دوائز و مکتب عمارت جداگانه بصورت عصری تحت تعمیر گرفته شده .
- ۸ : - تعمیر علاقه داری جوین ترمیم و یک بازار جدید دربرابر آن احداث و به بیانیه تکمیل رسیده .
- ۹ : - در علاقه داری کر کی یک مسجد و یک تعداد داد کان مطابق نقشه تحت تعمیر گرفته شده .
- ۱۰ : - تعمیر دو طرفه شمالی و جنوبی مکتب متوسطه مر کر فراه که از چندی شروع شده بود قریب پوشش است .

۱۱ : از مرکز فراه طرف علاوه داری بالا بلوك سرک وجود نداشت : عبور موتوها از دامنه دشت که مسافة بعیدی را در بر میگرفت می شد ، درین اوخر سرک جدیدی از مرکز فراه درین آبادیها شروع گردیده ، و نظر به سرک دامنه کوهده میل کوتا تراست .

### هاموریت فوائد عامه حکومت اعلایی بدخشنان :

- ۱ : تعمیر دفتر حکومت اعلایی بایک سالون وغیره ضروریات آن
- ۲ : « دائره غندزادارمه که تمام شعبات مربوطه آن دران زهایش دارند .
- ۳ : مدیریت مالیه »
- ۴ : محکمه مراجعته »
- ۵ : ابتدائیه »
- ۶ : ماموریت تحریرات »
- ۷ : مخابرات »
- ۸ : استخارات »
- ۹ : احصائیه »
- ۱۰ : زراعت »
- ۱۱ : فوائد عامه »
- ۱۲ : مدیریت مطبوعات »

علاوه بر عمرانات فوق یک قسمت ملحقات به قوانندگان امنیه و شعبات مذکور و یک تعمیر عصری برای شفاخانه مدیریت صحیه ملکی در فیض آباد و هکذا یک تعمیر شفاخانه دیگری در بها رک یاقشله کنندک زاندارمه تأسیس و آباد شده است ، بهمن ترتیب عمرانات علاوه داری شهر بزرگ و علاوه داری راغ که خراب و منهدم شده بود ، مجددآ آباد و قابل استفاده مامورین واقع شده ، همچنین پل جصه بهارک ، جرم که در خط سرک متوجه شده است وازدشت آب خیزی خراب شده بود ، آنهم آباد و برای مترددین سهو لقی فرا هم نموده است ، و یک عمارت دیگر برای کارگاه صنعتی محبوبین در قوانندگان امنیه آباد شده است .

### ب - شق معابر :

سرک شخک تنگ قیض آباد که در اثر آب خیزی خراب و منهدم شده بود ، دوباره بصورت صحیح آباد گردیده ، همچنان شخک راه زیبات ملقب به شخک کر سنگ دره وردوچ آباد شده و یک پل چوبی بر علاوه پل خشته دره مقابل شهر قیض آباد نسبت با یشکه در ایام تابستان پل خشته زیر آب می شد : تأسیس گردیده است .

## امور وزارت صحیه

امور صحیه به سلسله سالهای گذشته در سال ۱۳۲۴ نیز مطابق پلان مرتبه پیشرفت‌های را احراز و داخل اقدامات جدی تری شده که مختصر آن قرار آتیست :-

### کالرا :-

قرار اطلاعیه از منابع صلاحیت دار بتأثیر(۱۹ و ۲۱ - اسد ۱۳۲۴) بوزارت صحیه و اصل گردید بروز مرض کالرا در دیره اسماعیل خان و وزیرستان جنوبي تصدیق وزارت صحیه برای جلوگیری از سرایت مرض در خاک افغانستان به اقدامات آتیه متصل گردید :-  
اولترازمه یک مقدار کافی واکسین ضد کالرا را بولایت مشرفی، جنوبي و حکومت کلان غزنی ارسال و در قسمت سرحداتیکه با خاک هند تماس داشته و راه عبور و مرور مسافرین قرار گرفته بود قرانطینهای حدودی دائم و تمام اهالی محلکی، نظامی، و طلاق مناطق همچو اسرحدرا به واکسین ضد کالرا ترزیق نمود و ضمناً مسافرینی که از خاک افغانستان بطرف هند عزیمت ویا از خاک هند آرزوی مسافرت را بخاک افغانی مینمودند بدون داشتن تصدیق ترزیق واکسین ضد کالرا از مسافرت نمودن ایشان مانع کردند میشد؛ چنانچه این اقدامات فوری وزارت صحیه عامل بزرگی جلوگیری از سرایت مرض گردیده و از لطف خدای پاک در سال ۱۳۲۴ با اینکه مرض در خاک هند شدت داشت افغانستان از سرایت آن مصون ماند.

### تیفوئید (محرقه)

چون مطابق پروگرام هرساله برای حفظ ما تقدم یک تعداد زیاد واکسین ضد تیفو او از طرف وزارت صحیه در تمام ادویه فروشی ها در دسترس استفاده اهالی قرار داده شده و ضمناً به تمام مرکز صحی یک تعداد کافی واکسین مذکور برای ترزیق ارسال گردید، ازین باعث نظر به احصائیه که نزد وزارت صحیه قید گردیده در سال ۱۳۲۴ واقعات مرض تیفو نسبت به سالهای گذشته کمتر به نظر رسیده است.

### حمای لکه دار :-

در اثر توسعه دادن واکسین ضد حمای لکه دار در محابس و موضع لازمه مانند سال ۱۳۲۳ تعداد مصاب شدگان این مرض کمتر بوده و ستون احصائیه وقایت هم در اثر تطبیق واکسین مزبوره و انتخاذ تدایر فنی خیلی ها پایانتر آمده است، بلکه گفته میتوانیم که در جریان سال ۱۳۲۴ واقعات شیفوس در محابس به تدریت اتفاق افتاده.

## واکسین چیچک و آبله کوبی :-

در سال ۱۳۲۴ چون بصورت منفرد آن واقعات چیچک یا غی در برخی نقاط افغانستان مشاهده گشته، وزارت صحیه با سرعت هرچه تامتر دامنه فعالیت شعبات ذیعلاقو را وسعت داده و توجه پیشتر خود را به واکسین ناسیون عمومی معطوف ساخت، چنانچه در جریان این سال به تعداد (۲۵۶۳۰) نفر واکسین چیچک طرف استفاده قرار داده شده و به اساس تعليمات نامه آبله کوبی دستیر خیلی مؤکدی را بمراجع ذیعلاقو صادر نموده است، چنانچه این اقدامات وزارت صحیه از انتشار فوری مرض چیچک، کاسته و از تلفاتیکه باید به اطفال مبتلا کر رخ میداد جلوگیری بعمل آمد.

## مجادله با سفلس :-

در سال ۱۳۲۴ نیز به اساس رهنمای تداوی سفلس وزارت صحیه حتی المقدور به مجادله این مرض پرداخته و یکمقدار ادویه کافی ضد مرض سفلس را بموضعی که پیشتر به این دوا احتیاج داشتند ارسال و به تداوی مصاب شدگان اقدام کرده است ولی درینجا باید متذکر گردید که ارسالات ادویه در اوایل سال ۱۳۳۴ نسبت به مسدودیت راههای تجاری و رسیدن ادویه بطنی بود ولی در اوایل سال چون ادویه کافی به دسترس وزارت صحیه افتاد در ارسالات ادویه ضد سفلس قدمهای سریع تری پرداخته و همان سکته گی که در اوایل سال بنابر بودن ادویه کافی رخ داده بود تقریباً از بین مرتفع گردید.

## نوار سنوفامین بجای نیو سلورسان :-

چون ادویه نیو سلورسان که برای تداوی امراض سفلس درین سالهای اخیر تطبیق میشد کمیاب و ناییدا گردید وزارت صحیه موضوع را تحت توجه گرفته اخیراً به اساس صواب دید، هیئت طبی تجویز و فراری گذاشت که آنرا بعض ادویه نیو سلورسان برای معالجه مريضان سفلس دار ادویه (نوار سنوفامین) که در تداوی مرض مذکور عیناً تأثیر ادویه نیو سلورسان را دارد تطبیق شود.

چون این دوا نیز در تداوی مرض سفلس شهرت بین المللی را حائز میباشد لهذا در جریان سال ۱۳۲۴ وزارت صحیه در صدد تهیه آن افتاده و بو سلله دیبوی عمومی یکمقدار کافی از ادویه مذکور را وارد نموده و به شفاخانهای ذیعلاقو توزیع کرد. باید متذکر شد که قیمت یک دوره نیو سلورسان تمام شد دیبوی عمومی مبلغ هشتاد و دو نیم افغانی بوده که بدون اخذ هیچگونه مقادی بهمین قیمت نهاده شد، در حالیکه یک دوره دوا جدید یعنی (نوار سنوفامین) به مبلغ (۲۰) افغانی و بالغات ملحقة دوره تداوی صورت مکمل آن به سی افغانی و ۰۰ پول تعیین قیمت گردیده و امر فروش داده

شد است و یک تفاوت بارزی را از حیث تنزیل قیمت نیز در مقابل آشوسوارسان با آن که تاثیر و ترتیب معالجه آن بانیو سلوارسان یک سان است نشان می دهد.

جذام خانه :-

وزارت صحیه به اساس نظریات بهی خواهانه حکومت متبعه از چندی باینظرف مترصد بود که برای ازینین بردن مرض مسری جذام چاره سنجی کرده و نظریات خود را با پروژه مرتبه آن به بیشگاه حکومت خیراندیش خود تقدیم نماید، چنانچه از کوائف سابقه این موضوع درسالنامه های ماقبلی مشروطه شده که این ایشان بعمل آمده است و نقاط مختلفه در هر کوش و کشان جهت این مسئله و صورت تحریید و آسایش ایشان بعمل آمده است و نقاط مختلفه در هر کوش و کشان جهت این مسئله مورد توجه قرار گرفت بدوان در منطقه (سرخاب لوگر) موضعی را بنام دهکده جذامی ها انتخاب نمود ولی در اثر تبعات آخرینی که نسبت به این موضوع بعمل آمد سistem دهکده جذام را چندان مناسب نیافته و حسب نظریات فنی به این تجویز افتاد که بایستی در همان حصی که مجدد و مین بیشتر تمرکز داشته و تعداد مصایب آن نسبت به سایر نقاط از یاده ترباشند با در نظر گرفتن وضعیت اراضی و آب و هوا وغیره مسایل عاید آن در آنجا جذام خانه هائی احداث نماید تا هر یک از جذامی های مملکت در محوطه ها و اتفاقاتی جدایگانه که حصه انانیه و مردانه و فامیل دار از جذامی برطبق بروگرام مرتبه حیات بی دغدغه و مامونی بسیار بند تا از یک کلتر ف سازین از سرایت مرض ایشان مصون مانده و از جانب دیگر مجدد و مین نیز در یک منطقه بی جنبال تحت نظر هیئت فنی بر فراهمیت ز دست نمایند، پس به این منظور حسب نظریه و صواب دیده هیئت صحی وزارت صحیه برای حفاظت جذامی های منطقه هزاره جات یک جذام خانه در حصه (یک کوازنگ) انتخاب گردید، موضع منتخبه که در یک حصه خیلی مناسب واقع شده است از نقطه نظر آب و هوابرای تحریید این قبیل مریضان بسیار موزون بود و دارای همه گونه مزایای حفظ الصحه وی مینباشد خریداری زمین این منطقه، ترتیب نقشه چات جذام خانه و تهیه مصالح تعمیری آن تمام ا در سال جاری تحت فیصله آمده و اگر خدا بخواهد امیداست که در مصالح آلتی طبق نقشه مرتبه عمارات این جذام خانه آغاز یابد.

علاوه بر آن از نقطه نظر استفاده تعلیمی منسویین فاکولته طب و تجربه و نگاره هدایت بسکمده مریضان جذام در نظر گرفته شده است تا حسب بیشنهاد هیئت فنی یک منطقه وسیعی برای جذامی ها در جوار (ده سبز) تأسیس شود، این منطقه نیز دارای تمام خصوصیات و مزایایی است که از هر حیث بحال مجدد و مین موزون دیده شده و نسبت به قریب بودن آن بر کار کابل با علاوه مقاد تحرییدی واستفاده مجانی مجدد و مین از تداوی و اعاشه، مورد استفاده تعلیمی طلاب منسویین طب هم واقع شده میتواند.

## دەمەل-كىنى دوازىرو تشكيلات

### داوراقو عمومى مدیرىت :-

ع ، عبدالقفار خان : عمومى مدیر  
 ص ، عبدالغفور خان : داجرا ئىدىخانگى معاون  
 ص ، عبدالغفور خان : د حفظىي « »  
 ص ، محمد انورخان : د تىپىش « د » و كىل :

### دشفر او دقلم مخصوص مدیرىت :-

ص ، محمد سليمانخان : مدیر  
 ص ، محمد يوسف خان : دشفر دخانگى معاون  
 ص ، محمد ابراهيم خان : دقلم مخصوص « »

### دهامورىنۇ او اجرائىي او تنظيماتو مدیرىت :-

ص ، عبدالرزاق خان : مدیر  
 س ، غلام صديق خان : معاون

### دكىنلىك او محسىسىي مدیرىت :-

ص ، عبدالاحد خان : مدیر  
 ص ، عزيز الله خان : مامور  
 ب دافقانى سفيران او نمايندگان يە خارج كېنىي :-

### داعىي حضرت لوى سفارت پە انقره كېنىي :-

ع ، ج سردار فيض محمد خان : سفير  
 ص ، محمد نعيم خان : سر كاتب

### داعىي حضرت لوى سفارت پە طهران كېنىي :-

ع ، ج مير محمد حيدر خان : سفير  
 ص ..... : سر كاتب